

ابو عبد اللہ حاکم نیشاپوری

تاریخ نیشاپور

ترجمہ محمد بن حسین خلیفہ نیشاپوری

مفتی محمد رفیع الدین

دکتر محمد رفیع الدین مفتی محمد رفیع الدین



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تاریخ نیشابور



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ابو عبد اللہ حاکم نیشابوری

(۴۰۵-۲۲۱ھ ق)

تاریخ نیشابور

کتابخانه
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
شماره ثبت: ۰۰۶۸۷۱
تاریخ ثبت:

ترجمہ محمد بن حسین خلیفہ نیشابوری



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

دکتر محمد رضا شفیع کدنی





مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی



تاریخ نیشابور

ابوعبدالله حاکم نیشابوری (۴۰۵ - ۳۲۱ هـ. ق)

ترجمه محمدبن حسین خلیفه نیشابوری

مقدمه، تصحیح و تعلیقات

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

چاپ اول بهار ۱۳۷۵، حروف‌نگاری و نظارت بر چاپ دفتر نشر آگه، (حروف‌نگار مینو حسینی)

لیتوگرافی کوهرننگ (احسان زمانی) چاپ نیل (احد آگنج)، صحافی ایران‌کتاب (امیر توامی)

تعداد: ۳۳۰۰ جلد

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

شابک ۹۶۴-۴۱۶-۰۲۰-۷ ISBN 964-416-020-7

به دکتر محمد امین ریاحی و دکتر منوچهر مرتضوی،
هدیه‌ای از خراسان به آذربایجان.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم آموزشی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست

۱۳	پیشگفتار
۱۹	ساختار تاریخ نیشابور حاکم
۲۲	تلخیصهای تاریخ نیشابور
۲۳	تواریخ نیشابور قبل از حاکم
۲۴	تواریخ نیشابور بعد از حاکم
۲۴	تواریخ نیشابور در عصر ما
۲۷	شیوه کار و مراجع حاکم
۲۸	نام اصلی کتاب
۳۱	حاکم نیشابوری
۳۱	نام و نسب و خاندان او
۳۲	تولد و وفات
۳۲	سفرها و استادان
۳۳	حاکم و تصوف
۳۴	حاکم و قضاء شهر نسا
۳۴	معنی «حاکم»
۳۵	حاکم و سیاست
۳۶	مقام علمی او



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۳۶	مذهب حاکم
۳۸	آثار حاکم
۴۳	دربارهٔ خلیفهٔ نیشابوری مترجم کتاب
۴۷	سبک مترجم
۴۹	ارزشهای کتاب
۵۳	چاپهای این کتاب
۵۴	دربارهٔ چاپ استاد ریچارد فرای
۵۵	دربارهٔ چاپ حاضر
۵۶	مشخصات نسخهٔ اساس
۶۱	تاریخ نیشابور (متن کتاب از صفحه ۶۱ - ۲۳۴)
۶۱	مقدمهٔ مؤلف
۶۳	مفاخر خراسان
۶۴	احادیث
۶۴	آثار سلف عظام رضی الله عنهم
۶۵	سخنان امام علی بن ابیطالب (ع) در فضیلت خراسان
۶۶	ابراهیم پیامبر، در کوه‌های خراسان
۶۶	ذکر فضائل نیشابور
۶۷	صحابه در نیشابور
۷۱	ذکر بزرگان کی به نیشابور رسیده‌اند از علما
۷۵	ذکر اتباع التابعین من النیسابوریین
۷۸	اتباع الاتباع بعد الصحابه
۱۰۶	ذکر الطبقة الخامسة من علماء نيسابور
۱۳۱	ذکر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوریین
۱۴۷	مشایخ حدیث مؤلف از اهل نیشابور
۱۹۲	تکملهٔ مشایخ مؤلف
۱۹۶	بنای نیشابور کهن
۱۹۷	ذکر حفر خندقِ قُهَنْدِز
۱۹۷	ذکر بناء شهرِ قدیم



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

- ۱۹۸ ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم
- ۱۹۹ ذکر ارتفاع زمین نیشابور به نسبت با بلاد دیگر
- ۱۹۹ ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر و قهندز بود...
- ۲۰۰ ذکر محلات شهر و اوصاف و اوضاع آن
- ۲۰۲ ذکر فتح نیشابور بر دست صحابه و تابعین رضوان الله علیهم
- ۲۰۴ روایة آخری
- ۲۰۷ مفاخر نیشابور قدیم
- ۲۰۸ امام علی بن موسی الرضا (ع) در نیشابور
- ۲۰۸ اقامتگاه حضرت بدر نیشابور
- ۲۰۹ حمام سلطان
- ۲۰۹ درخت بادامی که حضرت به دست خود کاشت
- ۲۱۰ بر کنار ضعه
- ۲۱۰ مشاهده باب کعبه
- ۲۱۱ رفتن حضرت رضا (ع) به زیارت امامزاده محروق
- ۲۱۱ مزار یکی از سادات
- ۲۱۲ حدیثی که حضرت روایت کرد
- ۲۱۲ میوه نیشابور در سراسر سال
- ۲۱۲ در ستایش نیشابور
- ۲۱۳ مقایسه نیشابور و دیگر شهرها
- ۲۱۳ ذکر وادیهای نیشابور
- ۲۱۴ نخستین کاریز
- ۲۱۴ زرع های نیشابور
- ۲۱۵ زرع ریوند
- ۲۱۵ زرع شامات
- ۲۱۵ زرع ماژل
- ۲۱۵ زرع بشفروش
- ۲۱۵ ولایت های نیشابور
- ۲۱۷ کوچه آتشکده و مسجد جامع
- ۲۱۷ مسجدی که ابومسلم ساخت

۲۱۸	ذکر دو منار جامع
۲۱۸	منارجنّبان نیشابور
۲۱۸	ذکر مسجدهای متمیز کب شهر قدیم
۲۱۹	ذکر میادین نیشابور
۲۱۹	ذکر مقابر و قبور کی مزارات نیشابور بود
۲۲۱	زلزله‌های نیشابور
۲۲۱	نامه امام فخر رازی به سید صدرالدین حسینی
۲۲۲	زلزله سال ششصد و شصت و شش
۲۲۲	مقابر و مزارهای دیگر
۲۲۳	اسامی سادات کبار
۲۲۳	اسامی صحابه
۲۲۴	اسامی مشایخ طبقات
۲۲۴	اسامی علماء بزرگ
۲۲۵	اسامی کسانی که قبور ایشان مزارات آن شهر بوده...
۲۲۶	اسامی بزرگانی که در شهر نیشابور مدفون اند
۲۲۷	اسماء مشایخ طبقات منقول از سلمی
۲۲۷	الطبقة الاولى
۲۲۸	الطبقة الثانية
۲۳۰	الطبقة الثالثة
۲۳۱	الطبقة الرابعة
۲۳۲	الطبقة الخامسة
۲۳۵	تعلیقات
۲۳۷	ترجمه عبارات عربی متن
۲۴۹	تعلیقات عام
۳۰۳	تعلیقات مربوط به رجال متن
۳۳۳	موارد اصلاحات متن
۳۳۷	فهرستها
۳۳۹	فهرست آیات

فهرست ۱۱

۳۴۱	فهرست احادیث و مأثورات
۳۴۳	فهرست شعرهای عربی
۳۴۵	فهرست شعرهای فارسی
۳۴۷	فهرست نامها و نسبت‌ها
۳۸۹	فهرست نام جای‌ها
۳۹۹	فهرست خاندانها و قبایل و جماعات
۴۰۱	فهرست کتابها در متن
۴۰۳	مشخصات مراجع



مرکز تحقیقات کتابخانه‌پژوهی علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

پیشگفتار

این نیشابور، در نگاه من، فشرده‌ای است از ایرانِ بزرگ. شهری در میان ابرهای اسطوره و نیز در روشنای تاریخ، با صبحدمی که شهرهٔ آفاق است. از یک سوی لگدکوبِ سُمِ اسبهای بیگانه، در ادوارِ مختلف، و از سوی دیگر همواره حاضر در بستر تاریخ، با ذهن و ضمیری گاه زندقه‌آمیز و فلسفی، در اندیشهٔ خیام، و گاه روشن از آفتاب اشراق و عرفان، در چهرهٔ عطار. تاریخ این سرزمین را باید از گوشه و کنار کتابهای کهنه و سفالهای عتیق موزه‌های بیگانه و سنگِ قبرهای شکسته فراهم آورد؛ چرا که چیزی برای او باقی نگذاشته‌اند و هرچه داشته با فیروزه‌هایش، در غارتِ شبانهٔ تاتار، گاهی نگینِ انگشتی زاهدانِ ریائی شده‌ست و گاهی خورجینِ اسبِ روسپیان را آراسته است.

برای بازسازی این نیشابور، باید جان‌کند. با شمارهای روزنامه‌نویسان و فرمایشاتِ خطیبانِ حرفه‌ای، هیچ کاری نمی‌توان انجام داد. باید جان‌کند و هر پاره‌ای ازین موجودیتِ را، با هر وسیله‌ای که امکان‌پذیر است، به دست آورد و بررسی کرد و شناخت؛ درست مانند قدحی بلورین از میراثِ نیاکانِ تو که بر سنگ شکسته است و هر پاره‌ای از آن در گوشه‌ای افتاده و تو می‌خواهی اجزای پراکندهٔ آن قدح شکسته را، با کیمیای عشق، به هم جوش دهی و آن را از نوییافرینی. تا این قدح کامل شود، به تمام ذرات گمشدهٔ آن نیاز داری. اوراقِ این کتاب هم پاره‌هایی از آن قدح بر سنگ شکسته است.

نیشابور، در منظر این کتاب و در عرفِ تمام جغرافیانویسان و مؤرخانِ قدیم، ناحیه‌ای است که در جنوب، از حدودِ کاشمرِ امروز، شروع می‌شود، تا دامنهٔ کوه‌های هزار مسجد در شمال، در حدودِ خبوشان (قوچان کنونی) می‌گسترده و از مشرق، در حدودِ تون

(فردوس کنونی) و گناباد و طبس، تا مرز گرگان را در غرب فرامی‌گیرد، یعنی مجموعه خراسان کنونی، که در مرزهای سیاسی ایران معاصر وجود دارد. بنا بر عرف این کتاب، تقریباً همه خراسانیان کنونی، نیشابوری‌اند مگر بعضی نواحی که احتمالاً در عرف این کتاب جزء «زنج» های نیشابور نباشد.

گذر در مرکز یکی از زنج‌های چهارگانه این نیشابور بزرگ قرار دارد و اگر عطار را نیشابوری می‌خوانند به این دلیل است و چون که صد آمد (شرم آور است که بگویم: «نود» می‌گویم: یک هزارم، بلکه یک میلیاردم) هم پیش ماست. و بدین‌گونه این ناچیز نیز افتخار همولایتی بودن با آن یگانه دهر را خواهد یافت و نیشابوری خواهد بود.

همین پیوند به آب و خاک نیشابور بزرگ و تاریخی بود که مرا، چه در قلمرو شعر و چه در مطالعات عرفانی - و بناچار تاریخی - به این سرزمین وابسته کرد که:

بِلَادٍ بِهَا نَيْطَتْ عَلَيَّ تَمَائِيهِ وَ أَوَّلُ أَرْضِي مَسَّ جِلْدِي ثُرَابِهَا

این کتاب، یکی از مهمترین کتابهایی است که اهل فن را در شکل‌گیری ساختار تمدن ایران عصر اسلامی، بویژه قرن سوم و چهارم که دوران زرین فرهنگ ایران عصر اسلامی است، یاری می‌دهد. برای کسی که از تاریخ و تمدن مُشتی شعار و «آرزونگاری»^۱ و افسانه را می‌جوید، این کتاب کمتر چیزی می‌تواند داشته باشد. ولی برای آنها که ذهنشان در آنسوی «داده‌ها»ی تاریخ کهن می‌تواند به کشف قانونمندیهای تحول ارزشها و صف‌بندیهای ایدئولوژیک، به هزاران نکته باریک‌تر از موی پی برسد، این کتاب یکی از مهمترین اسناد، بشمار می‌رود. نه تنها تاریخ علم و تمدن و فرهنگ ایران را، بی‌این‌گونه کتابها، نمی‌توان نوشت که تاریخ بخش عظیمی از تمدن اسلامی را نیز باید از خلال این‌گونه کتابها تکمیل کرد. بسیاری از رجال فکر و فرهنگ، درین کتاب، نام و نشانشان آمده است که در کتابهای دیگر یا مطلقاً نیامده‌ست یا در قیاس با ضبط دقیق این کتاب، ناقص است و آن کتابها را می‌توان، در مواردی، از روی این کتاب تکمیل کرد. بسیاری از نکته‌های تاریخ تصوف و تاریخ ادب عرب و مسائل جغرافیای تاریخی خراسان و نیشابور کهن، فقط در این کتاب، امروز، وجود دارد و نسخه اصلی این کتاب، خوانی یغمایی بوده است که مؤلفان بسیاری، از معروف‌ترین دانشمندان اسلام، از قبیل ابن عساکر دمشقی (در تاریخ دمشق) و خطیب بغدادی (در تاریخ بغداد) و ابوسعید سمعانی (در کتاب الأنساب) و ذهبی (در سیر أعلام النبلاء، و تذکره الحفاظ و تاریخ الاسلام و کتابهای دیگرش) و سُبکی (در طبقات الشافعیه) و ده‌ها دانشمند دیگر، که

آثارشان از معروف‌ترین و برجسته‌ترین منابع تاریخ فرهنگ ایران و اسلام بشمار می‌رود، بر مائده آن نشست‌اند و فصول قابل ملاحظه‌ای از کتابهای خویش را، با مواد موجود در نسخه اصلی این کتاب، که امروز در دست نیست، انباشته‌اند. اگر روزی نسخه اصلی این کتاب که به ووایتی دوازده مجلد بوده، و از روی قراین می‌توان حدس زد که تقریباً سی برابر متن حاضر بوده است، به دست آید، می‌توان گفت که مهمترین سند در مطالعه تمدن و فرهنگ ایران تا قرن چهارم به دست آمده است.

به روزگار طلبگی و نوجوانی ما، در خراسان، وقتی کسی کتابی را به قصد مطالعه برمی‌داشت، بعضی از ظریفان عصر، بجای آنکه صریحاً به او بگویند: تو از این کتاب چیزی در نمی‌یابی، می‌گفتند: «عربی است، عکس هم ندارد!» حالا، بی آنکه بنده در خود ظرافتی و جسارتی از آن‌گونه داشته باشم و با عرض معذرت از خوانندگان دانشمند کتاب، به بعضی از مراجعه‌کنندگان این کتاب باید بگویم: «عربی است و عکس هم ندارد!» اما حقیقت امر این است که این کتاب عربی نیست، فارسی است ولی بخشهایی از آن که متضمن شرح احوال علمای نیشابور است، به زبان عربی است و آن عربی هم آنقدر ساده است که نیازی به ترجمه ندارد؛ چون غالباً محدود در دایره کلمات و تعبیراتی است از قبیل «در سنه فلان متولد شد و در سنه فلان وفات یافت» و مشابهات آن. با اینهمه من قسمت‌های غیر مکرر و تا حدی دشوار و مفید آن را ترجمه کردم که در تعلیقات خواهید دید. از نقل آن شوخی طلب آن سالها عذر می‌خواهم که گفته‌اند:

النَادِرَةُ لَا تُرَدُّ.

دوستی که نمونه‌های چاپی این کتاب را روی میز کار من دیده بود، گفت: مثل این است که دفترچه تلفن نیشابور هزار سال پیش را از زیر خاک درآورده و چاپ کرده‌ای. گفتم: پیش از تو هم پروفیسور ریچارد فرای که آرزو داشت روزی توفیق نشر این کتاب را بیابد، چنین تعبیری دارد که بظاهر این کتاب "A Kind of 'Street Guide'" به نظر می‌رسد. باری، درست است که از روی این دفترچه تلفن، با هیچ کس نمی‌شود تماس گرفت، ولی هزاران نکته اجتماعی و تاریخی از آن می‌توان آموخت، و کمترین فایده آن، اینکه مجموعه تیبیکالی از نامهای مردم نیشابور این عصر را، بدون هیچ‌گونه قید و شرطی جمع‌آوری کرده و در اختیار ما قرار داده تا اکنون دریابیم که درجه حَرَب مآبی ما، در عصر فردوسی؛ تا چه حد بوده است و کار عظیم و شگرف فردوسی را بیشتر ارج نهمیم و پاسداری کنیم. در میان حدود دو هزار و هفتصد نام که از دانشمندان نیشابور کا عصر فردوسی، درین کتاب، آمده است، درصد ناچیزی نامهای ایرانی است، بقیه همه

عرب‌اند با کُتبه‌های عربی و نسبت‌های «سُلَمی» و «قریشی» و «ثقفی» و «شیبانی» و «تمیمی» و «دُهلی» و «قُسیری» و «خزاعی» ولی اکثریت این‌ها عرب واقعی نبوده‌اند، بلکه چون تَعَرُّبِ مُدِ روز بوده است «عَرَبی بالولاء» شده‌اند، یعنی مثل ایرانیهایی که در امریکا اسم ایرانیشان را به جیمز و جونز و هری و امثال آن عوض می‌کنند، اینها هم خودشان را عَرَب مآب کرده‌اند. حتی بعضی اسمشان را که «امید» یا «امیدوار» بود به عربی ترجمه کردند و شدند: رجاء. آخر چه‌گونه می‌توان تصور کرد که حدود دو هزار پانصد دانشمند در فاصله ۱۰۰ - ۴۰۰ هجری در نیشابور ظهور کنند و همه فقط از قبایل مهاجر عرب باشند. این آقایان مهاجرین چرا در سرزمین خودشان دانشمند نمی‌شدند؟ این کمترین بهره‌ای است که از جامعه‌شناسی این نامها می‌توان برد. صدها نکته دیگر در همین قلمرو نام‌ها می‌توان ازین کتاب به دست آورد که جای آن درین گفتار مختصر نیست. و شاید جای دیگر از همین مقدمه به آن پرداخته شود و یکی از ساده‌ترین موارد آن کشف یک نکته عمیق اجتماعی است که از درون آن ساختار ذهنی جامعه را می‌توان به دست آورد و آن این نکته است که جامعه ایرانی عصر اسلامی، جامعه‌ای است که در آن ولایت «عاطفه» بر «عقل» سیطره دارد و خرد و نظام خردگرایی قربانی احساسات و عواطف است و در نتیجه مؤلف این اثر نظام القبایلی کتاب خود را در جاهایی قربانی عواطف خویش می‌کند و در حرف «الف»، «احمد» را - به احترام نام رسول (ص) - بر «ابراهیم» مقدم می‌دارد در صورتی که جای طبیعی «احمد» بعد از «ابراهیم» است و این شیفتگی عاطفی در مورد رسول (ص)، محدود نمی‌ماند و به نام یاران او نیز تسری می‌یابد و در حرف «عین»، «عمر» را بر «عمر» تقدم می‌دهد و این تنها مؤلف ما نیست که از ولایت عاطفه بر عقل تبعیت می‌کند که بسیاری از مؤلفان عصر اسلامی، همین شیوه را دستور کار خویش قرار داده‌اند و این مسأله سیطره ولایت عاطفه بر عقل در حقیقت گوهر اصلی تاریخ اجتماعی ما بوده و هست و بدون مطالعه در آسیب‌شناسی آن، امید هرگونه پیشرفتی، از مقوله محالات است.

این کتاب چنانکه به تفصیل در مقدمه مصحح خواهید دید، در اصل تألیف ابو عبدالله حاکم نیشابوری (۴۰۵ - ۳۲۱ ه. ق) است که چندین تغییر و تحول یافته تا بدین صورت که امروز در اختیار ماست درآمده است. اصل کتاب حاکم، بسیار مفصل بوده است. اما در همین شکل و شمایل موجود هم یکی از مهمترین کتابها در نوع خود بشمار می‌رود. بخشی از این کتاب، تاریخ نیشابور است، به معنی دقیق کلمه و بخشی نیز مشتمل است بر احوال جمعی از دانشمندان نیشابور در چهار قرن اول عصر اسلامی و نیز دانشمندانی

که از نقاط مختلف ایران بزرگ، برای تحصیل یا تدریس، به نیشابور آمده‌اند، و در یک نگاه عام، فهرستی ست از دانشمندان مسلمانی که از اقصای عالم اسلامی، از اندلس تا مرز چین، به نیشابور آمده‌اند و درین شهر تحصیل، تدریس و یا اقامت داشته‌اند.

از روزگاری که دربارهٔ ابوسعید ابوالخیر جستجو می‌کردم، یکی از مشغله‌های چندگانهٔ ذهنم تصحیح این کتاب بود، گاهی تمام وقت و گاه به‌گونهٔ ضمنی و در حاشیه. این دغدغه هیچ‌گاه مرا آسوده نمی‌گذاشت. پارسال به‌نظم رسید که اگر آن مهمان ناخوانده فرا رسد هیچ‌کس از یادداشت‌های سر درگم من، با اینهمه علائم و رموز و خط‌خوردگی و پریشانی و اتکای بیش از حد به حافظه، چیزی نخواهد فهمید و عملاً آن بخش از عمر من که صرف تصحیح این کتاب شده است به هدر رفته است. تصمیم گرفتم به هر قیمتی که هست این کار را نشر دهم، چون یقین دارم که کمتر کسی حوصله‌ای ازین دست که من صرف این کار کرده‌ام، خواهد داشت اگر هم داشته باشد درین روزگار نخواهد بود. گیرم باشد و در همین روزگار هم باشد، آخر چرا اینهمه زحمت به هدر رود و دیگری از صفر شروع کند. صورت دلخواه این کتاب، مگر بخط مؤلف، پیدا شود وگرنه هرکس بخواهد از رهگذر تصحیح انتقادی آن را عرضه کند، همیشه کارش نقصانهایی خواهد داشت. به‌نظم رسید تا همینجا که من آمده‌ام، می‌تواند مرحله‌ای جدی از مراحل تصحیح این متن به حساب آید. آیندگان، اگر نسخه دیگری یافتند، یا پراکنده‌های متقول ازین متن را در کتابهای دیگر خواستند جمع‌آوری کنند و برین متن عرضه کنند، راهشان باز خواهد بود. به هر حال، این است حاصل سالها صرف وقت من. هیچ متنی بر سر هیچ‌کس ندارم. گفتار یکی از بزرگان است که عَمْرَ اللّٰهُ الْبِلْدَانَ بِحُبِّ الْاَوْطَانِ: منشأ آبادی سرزمینها، حب وطن است» و من هم به این پاره از خاک ایران بزرگ، که نیشابور نام دارد، چنین دلبستگی دارم. قبل از آنکه این مقدمه به پایان رسد باید تشکر کنم از دوست فاضلم آقای حسن انصاری که در مورد رابطهٔ حاکم و مذهب تشیع چند نکته را به من یادآوری کرد. وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَوَّلًا وَاٰخِرًا.

شفیعی کدکنی

تهران، مرداد ۱۳۷۴



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ساختار تاریخ نیشابور حاکم

از همین نسخه مختصری که از کتاب عظیم «تاریخ نیشابور» حاکم امروز در اختیار ماست یعنی متن حاضر، می‌توان تا حدودی به ساختار اصلی آن پی بُرد. کتاب با مقدمه‌ای درباره فضیلت خراسان و نیشابور آغاز می‌شود، با احادیثی از رسول (ص) درباره فضیلت خراسان و نیشابور. مؤلف پس از آن گفتارهایی از زبان صحابه و تابعین و بعضی بزرگان دیگر در همان زمینه می‌آورد و آنگاه به معرفی بزرگانی که در عصر اسلامی از نیشابور برخاسته‌اند، می‌پردازد.

درین کتاب، ابو عبدالله حاکم دوهزار و ششصد و هشتاد تن از بزرگان برخاسته از نیشابور را، در هشت طبقه یا گروه دسته‌بندی کرده است که با جمع صحابه آغاز می‌شود و به دانشمندانی که معاصر مؤلف بوده‌اند ختم می‌شود. بر طبق نسخه حاضر، درین کتاب ۲۸ تن از «صحابه» معرفی شده‌اند و ۷۱ تن از اشراف «تابعین» و ۸۳ تن از «اتباع تابعین» و ۶۱۴ تن از «اتباع اتباع»^۱ و ۵۱۲ تن از «طبقه پنجم» علماء نیشابور و کسانی که بدان شهر درآمده‌اند و به نشر علم پرداخته‌اند و ۳۲۳ تن از «طبقه ششم» از دانشمندان ساکن نیشابور و ۹۵۰ تن از «مشایخ حدیث مؤلف» کتاب، که حاکم از آنان سماع حدیث داشته است. در تکمله این فصل، که خود بخشی است جداگانه، ۹۹ تن از کسانی را که بعد از فراغت از تألیف کتاب، رمضان سال ۳۸۸، وفات یافته‌اند و از مشایخ حدیث مؤلف بشمار می‌رفته‌اند بر آن افزوده و بخش رجال کتاب را با آن پایان داده است.

۱. برای توضیح این اصطلاحات به شماره ۴۷ متن حاضر، مراجعه شود.

اگر به نسخه موجود نگاه کنیم می‌بینیم که این جمع بزرگان - که شماره ایشان بر طبق نسخه حاضر دو هزار و ششصد و هشتاد تن است - در حجم بسیار محدودی در حدود ۱۳۰ صفحه گنجانیده شده‌اند و از اعمّ اغلب آنان فقط به ذکر نام و کنیه و نام پدر و نیاکان و نسبت ایشان اکتفا شده است و درباره بعضی اطلاعات فشرده اندکی درباره مذهب کلامی یا فقهی یا استادان ایشان و محل سکونت آنان هم آمده است، در صد ناچیزی ازین زندگینامه‌ها از حدود این دو نوع خارج می‌شود و در آن نمونه‌های محدود، ما با اطلاعات متنوع و نمونه‌هایی از گفتار و شعر و سرگذشت ایشان نیز آشنا می‌شویم که در این موارد غالب اطلاعات منحصر به فرد می‌نماید مانند آنچه درباره عبدالله منازل شماره [۱۴۶۱] آورده است یا شرح حال ابوعمرو بشتی شماره [۱۲۳۰] که قصیده نسبتاً مفصّلی از او درباره «اصحاب حدیث» نقل کرده است. درباره نظام بخش رجالی کتاب، این نکته را نباید فراموش کرد که رده‌بندی الفبائی آن در نظر ما، امروز، مخدوش می‌نماید زیرا در این رده‌بندی الفبایی «عمر» بر «عامر» و «احمد» بر «ابراهیم» تقدم دارد و این تنها مؤلف ما نیست که تحت تأثیر ولایت «عاطفه» بر «عقل» نظام الفبائی را زیر پا می‌گذارد تا مقام «احمد» را بر «ابراهیم» تقدم دهد بلکه بسیاری از مؤلفان عصر اسلامی چنین کرده‌اند.

بعد از بخش رجالی کتاب، می‌رسیم به بخش بسیار مهم تاریخی و جغرافیائی آن که قسمتی از آن مسلماً برگرفته از اصل تاریخ نیشابور حاکم است و تلخیص‌کننده خود به این امر تصریح دارد و از حاکم نقل می‌کند که گفته است: «بعضی از یاران، از من چنین درخواستند تا آنچه درباره مسجد کهن نیشابور و کهن‌دژ و شارستان و یادکرد وادی‌ها و محال و رستاق‌ها و رُبَع‌ها، اطلاع درباره آن به من رسیده است، یاد کنم و من در این زمینه نتوانستم با ذکر اسانید به استقصای مطلب پردازم، چندان که اسناد در اختیار داشتم یاد کردم» مترجم و تلخیص‌کننده کتاب، یعنی محمدبن حسین خلیفه نیشابوری، پس از یادکرد این سخن حاکم می‌گوید: «این است گفتار او و من از رهگذر اعتمادی که بر درستی گفتار او داشتم «اسناد»ها را رها کردم تا سخن به اطناب نیانجامد.» آنگاه به یادکرد بنای کهن‌دژ نیشابور «و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و باروها و وادیها و محولات نیشابور قدیم» می‌پردازد.

این بخش، که مهم‌ترین بخش کتاب است و از ارزش بسیار برخوردار، بیشترین اطلاعات موجود را، درباره پیشینه نیشابور قبل از اسلام و ساختار شهر و رستاق‌ها و دیه‌های پیرامون آن و میدان‌ها و محلات و کوچه‌ها و مقابر و مساجد و دیگر ابنیه آن، در

اختیار خواننده قرار می‌دهد؛ مجموعه قابل ملاحظه‌ای از نامهای جغرافیائی که اغلب آنها را در هیچ جای دیگر، نمی‌توان یافت و به همین دلیل ضبط دقیق آنها در مواردی با دشواری بسیار روبروست. از توضیحی که خلیفه نیشابوری، پس از یادکرد این بخش آورده می‌توان دریافت که وی بخش اعظم اطلاعاتی را که درین زمینه در تاریخ نیشابور حاکم وجود داشته تلخیص و گاه بکلی حذف کرده است زیرا می‌گوید: «در زمان حاکم این محلات معمور بوده و اوصاف بسیار هر یک را فی الجمله نوشته بود. چون حالا [در قرن هشتم] نیست، نبشته نشد. یا قومی را ابومسلم از شهر بیرون کرد، محله‌ای داشتند، آن نوشته نشد.» [شماره ۲۷۲۳] با اینهمه همین مقدار هم که از اطلاعات موجود در تاریخ نیشابور حاکم، برای ما نقل کرده باید سپاسگزار او باشیم و درعین حال در همین این که چرا بیشتر از اینها به نقل آن اطلاعات پرداخته است.

اگر این کتاب را حتی فهرستی از کار حاکم نیشابوری بشمار آوریم - که تقریباً چنان است - بخوبی می‌توانیم از شگرفی کار او آگاه شویم. این فهرست، زندگینامه حدود ۲۶۸۰ تن از بزرگان نیشابور را شامل است، اگر برای هر کدام از ایشان فقط دو صفحه نوشته باشد و به دیگر مسائل نیشابور هم پرداخته باشد، حجم اصلی آن را بخوبی می‌توان محاسبه کرد. بعضی از کسانی که اصل تاریخ نیشابور حاکم را دیده‌اند و از آن بهره برده‌اند و مطلب نقل کرده‌اند، نوشته‌اند که این کتاب چهارده^۱ یا دوازده^۲ مجلد بوده است و بعضی هشت مجلد ضخمة (یعنی قطور و پرحجم)^۳ و گروهی شش مجلد^۴ نوشته‌اند و بسیار طبیعی است اگر حدود پنج شش هزار صفحه را در چهارده یا دوازده یا هشت مجلد تدوین کرده باشند.^۵

۱. متن حاضر، شماره ۳.

۲. تاریخ بیهقی، ۲۱.

۳. الانساب، ۵۷۴۵.

۴. الرسالة المستطرفه، کنانی، ۱۹۹ به نقل از بغیة الوعاة.

۵. علی بن زید بیهقی، در بحثی که پیرامون زندگی قنبر مولی و حاجب امیرالمؤمنین علی (ع) کرده می‌گوید: «و قنبر را در سبزوار پسری آمد نام او شادان بن قنبر، مسجد شادان در سبزوار به وی نسبت کنند. حاکم ابو عبدالله الحافظ در مجلد ششم از تاریخ این را یاد کند.» تاریخ بیهقی، ۲۵ و از آنجا که شادان بن قنبر جزء طبقات نخستین کتاب حاکم بشمار می‌رفته، تقریباً ثلث اول کتاب تاریخ نیشابور، می‌توان محاسبه کرد که کتاب حتی بیشتر از ۱۲ مجلد نیز بوده است. با شماره ۵۳۰ متن حاضر نیز مقایسه شود.

تلخیصهای تاریخ نیشابور

به دلیل همین حجم شگرف و پهنآوری که تاریخ نیشابور حاکم داشته، از همان روزگار نزدیک به عصر مؤلف، عده‌ای از دانشمندان کوشیده‌اند که آن را تلخیص کنند. تا آنجا که به یاد دارم چند تا از این تلخیص‌ها، که قدما بدان اشارت کرده‌اند، عبارت است از:

۱) همان تلخیصی که خلیفه نیشابوری در آغاز این کتاب به آن اشارت کرده و می‌گوید: «بعدها، بعضی از اَجَلَّة کرام و ائمه اسلام، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و عَنْهُمْ، از آن کتاب نفیس، مختصری هم به عبارت تازی، مشتمل بر اسامی کرام اولیا و اعلام اصفیا و بعضی از آن مَذَبَلات، انتخابی فرموده. بعد الاستخاره آن اختصار را به آثار سلف، به طریق ایجاز به عبارت فارسی ترجمه اتفاق افتاد.»^۱ که نشان می‌دهد کتاب حاضر را خلیفه نیشابوری از روی همان تلخیص «بعضی از اَجَلَّة کرام» فراهم آورده است.

۲) علی بن زید بیهقی (۴۹۰ - ۵۶۵) از یک نفر به نام احمد الغازی^۲ یاد می‌کند که دو جلد تاریخ نیشابور به پارسی تألیف کرده بوده است و می‌توان تا حدودی اطمینان داشت که آن کتاب اگر تلخیص پارسی شده تاریخ نیشابور حاکم نبوده، دست کم براساس تألیف حاکم فراهم آمده بوده است.

۳) یکی دیگر از کسانی که تاریخ نیشابور حاکم را تلخیص کرده است حافظ ابوبکر حازمی است (۵۴۸ - ۵۸۳) که از مشاهیر علمای عصر خویش و یکی از سرآمدان محدثین قرن بوده است.^۳ سبکی، در شرح حال ابو عبدالله پوشنجی، از «مقتضب تاریخ نیشابور» او یاد کرده است و از توضیح سبکی می‌توان دانست که آن کتاب یکی از تلخیص‌های تاریخ نیشابور حاکم بوده است.^۴ و سبکی آن را به خط وی دیده بوده است و جای شگفتی است که سبکی در شرح حال حازمی به این اثر او هیچ اشارتی ندارد.^۵

۴) یکی دیگر از تلخیص‌کنندگان تاریخ نیشابور حاکم، حافظ شمس‌الدین ذهبی (۶۷۳ - ۷۴۸) مورخ و مؤلف پُر اثر و مشهور است که بعنوان مختصر تاریخ الحاکم آن را تلخیص کرده است.^۶ و متأسفانه گویا امروز در دست نیست. سبکی از آن به عنوان مختصر تاریخ نیشابور یاد می‌کند.^۷

۱. متن حاضر، شماره ۳.

۲. تاریخ بیهقی، ۲۱ و نیز باب الانساب، ۲/۲۹۸ از همو، که مطلبی از آن کتاب را نقل می‌کند.

۳. طبقات الشافعیة الكبرى، ۱۴/۷. ۴. همان کتاب، ۲/۲۰۰.

۵. همان کتاب، ۱۴/۷. ۶. کشف الظنون، ۱/۳۰۸.

۷. طبقات الشافعیة الكبرى، ۹/۱۰۵.

۵) یکی از تواریخ نیشابور که با احتمال قوی آن نیز تلخیص از تاریخ حاکم یا براساس یکی از تلخیصهای آن بوده است تاریخ نیشابوری است که ابوالحسن علی بن زکریای نیشابوری نوشته بوده است و نسخه‌ای از آن را به تاریخ نهصد هجری، اسماعیل پاشای بغدادی دیده بوده است.^۱

۶) علی بن زید، در لباب الانساب، پس از نقل حکایتی درباره یکی از علویان، می‌گوید: «و ذکر ذلک الامام علی الفنجگردی^۲ و الشیخ احمد الغازی فی تاریخ نیشابور»^۳ و ازین عبارت احتمالاً می‌توان استنباط کرد که یکی از تاریخ‌های نیشابور، تألیف ابوالحسن علی بن احمد فنجگردی (متوفی در رمضان ۵۱۳) بوده است.^۴

تواریخ نیشابور قبل از حاکم

ابویعلی خلیلی در ارشاد می‌گوید: «حاکم نیشابوری را در هر زمینه‌ای که بدان پرداخته، دریایی ژرف دیدم. مرا گفت: بدان که در خراسان و ماوراءالنهر از برای هر شهری، یکی از دانشمندان آن شهر، تاریخی نگاشته و دیدم که درباره نیشابور با آنهمه دانشمندان و حافظان، چیزی نوشته نشده است، و این امر، مرا بدان واداشت تا تاریخ النیشابوریین را نوشتم.» خلیلی می‌گوید درین باره اندیشیدیم و دیدم که هیچ کس بر او درین زمینه پیشی نگرفته است^۵ ولی با همه اعتمادی که بر گفته خلیلی، که از معاصران حاکم است، می‌توان داشت و تأییدی که ذهبی در این باره دارد^۶ این نکته را نباید از یاد برد که قبل از حاکم، گویا، کتابهایی در تاریخ نیشابور نوشته شده بوده است. شاید آنها مختصر بوده و در قیاس کار عظیم و شگرف او، به چشم نمی‌آمده است و گرنه تا آنجا که اطلاعات بدست ما رسیده است، قبل از حاکم دست‌کم یک کتاب در تاریخ نیشابور نگاشته شده بوده است:

تاریخ نیشابور: تألیف ابوالقاسم کعبی بلخی (متوفی ۳۱۷) فیلسوف بزرگ و متکلم خراسان در اواخر قرن سوم و آغاز قرن چهارم که علی بن زید بیهقی از آن یاد کرده است و می‌گوید: «سوخته شد اصل آن در کتابخانه مسجد عقیل».^۷

۱. ایضاح المکتون، ۲۱۸/۱.

۲. اصل: الفیخکردی که اشتباه است و متأسفانه این نام را مصحح کتاب در اغلب موارد به همین صورت غلط ضبط کرده است.

۳. لباب الانساب، ۴۹۸.

۴. در باب فنجگردی مراجعه شود به التحبیر، ۵۶۲/۱ و معجم الادبایه، شماره ۷۲۲.

۵. الارشاد، ۸۵۳/۳. ۶. تاریخ الاسلام، ذهبی، ۱۲۶ (۴۲۰-۴۰۱).

۷. تاریخ بیهقی، ۲۱ و مقایسه شود با کشف الظنون، ۳۰۸/۱.

تواریخ نیشابور بعد از حاکم

کسانی که بعد از حاکم درباره نیشابور به نوشتن تاریخ پرداخته‌اند، همه ریزه‌خوار خوان بیدریغ او بوده‌اند. و در گفتاری که پیش از این درباره ترجمه‌ها و تلخیص‌های تاریخ نیشابور آوردیم به بعضی از این کتابها اشارت رفت. دو ذیل بر تاریخ نیشابور نوشته شده که خوشبختانه یکی از آنها به تمامی و دیگری به گونه ناقص باقی مانده است این دو عبارتند از *السیاق* یا *سیاق التاریخ* یا *السیاق لتاریخ نیشابور*^۱ از عبدالغافر فارسی (۴۵۱-۵۲۹) و تلخیص آن کتاب بعنوان «المنتخب من السیاق»^۲ که تقی‌الدین ابواسحاق ابراهیم الصریفینی (۵۸۱-۶۴۱) آن را فراهم آورده است. از اصل نوشته عبدالغافر بخشی که شامل زندگینامه کسانی است که نامشان حسن است تا آخر کتاب، باقی مانده است^۳ و از تلخیص یا منتخب آن، که تألیف صریفینی است، نسخه‌ای تقریباً کامل موجود است. از مقایسه بخشهای مشترک این دو، می‌توان دریافت که صریفینی در تلخیص «سیاق» کوشیده است که اطلاعات مرتبط با زندگینامه اشخاص را با روشی درست و دقیق خلاصه کند و از این بابت کمتر به حذف پرداخته اما در اصل تألیف عبدالغافر فارسی فواید بیشمار فقهی و کلامی و ادبی و تاریخی وجود داشته که متأسفانه در تلخیص صریفینی به آنها توجه نشده است. اگر روزی متن کامل سیاق عبدالغافر به دست آید یکی از مهمترین کتابها در نوع خود بشمار می‌رود و همین بخش بازمانده نیز بجای خود سرشار است از اطلاعات ادبی، جغرافیایی، فقهی و تاریخی.

عبدالغافر، سیاق را از آنجا آغاز می‌کند که حاکم به پایان رسانده است و نخستین زندگینامه‌ای که در آغاز کتاب سیاق قرار دارد شرح احوال ابو عبدالله حاکم نیشابوری است و پس از او دیگر دانشمندان را تا اوایل قرن ششم، طبقه‌بندی کرده و هر طبقه‌ای را براساس حروف الفبا آورده است.

تواریخ نیشابور، در عصر ما

در عصر ما چند تاریخ برای نیشابور فراهم آمده است. تا آنجا که دیده‌ام کار استاد

۱. تاریخ بیته، ۲۱.

۲. همان که استاد فرای آن را در *Histories of Nishapur* به صورت عکسی چاپ کرده است و آقای محمدکاظم محمودی آن را با عنوان *الحلقه الاولى من تاریخ نیشابور، المنتخب من السیاق*، تألیف الحافظ ابوالحسن عبدالغافرین اسماعیل الفارسی، انتخاب الحافظ ابواسحق ابراهیم بن محمد الصریفینی، در قم به سال ۱۳۶۲ / ۱۴۰۳ چاپ کرده است.

۳. یعنی *السیاق عبدالغافر و منتخب السیاق* صریفینی.

بولت و استاد مؤید ثابتی و استاد عبدالحمید مولوی هر کدام از دیدگاهی قابل یادآوری است و در کنار اینها شهر فیروزه نوشته آقای فریدون گرایلی نیز کتابی است سودمند. در سطرهای آینده نگاهی داریم به این کتابها:

کتاب *اشراف نیشابور* در حقیقت تحلیلی است از کتاب تاریخ نیشابور الحاکم و ذیلهای دوگانه آن که با مراجعه به بعضی از کتب رجال و انساب و تاریخ فراهم آمده و مؤلف، به شیوه‌ای دقیق و پسندیده، کوشیده است که موقعیت خاندانهای علمی و اشرافی حاکم بر نیشابور و مقامات و مناصبی را که داشته‌اند، بررسی کند و روابط خویشاوندی و مناسبات خانوادگی آنان را بر طبق اسناد نشان دهد.^۱

کتاب در دو بخش کلی و یک ذیل، تدوین شده است، در بخش نخست که عنوان آن شهر اشرافی *The Patrician city* است، نگاهی دارد به نیشابور و اشراف و مسأله شافعیه و حنفیه و مسأله تعلیم و تربیت اشراف و روابط ایشان با دولت و پایان عصر اشراف. در بخش دوم به معرفی خاندانهای اشرافی پرداخته: خاندانهای محومی، حرشی، بالوی، ماسرجسی، بسطامی، صغلوکی، جوینی، صابونی، قراتی، قشیری، فوزکی، صفار، فارسی، شحامی، فراوی، بجیری، صاعدی، ناصحی، اسماعیلی، حسکانی و حسنی. در ذیل کتاب نیز بحثی دارد در باب مدارس نیشابور و قضات آن شهر.

کتاب در حوزه‌هایی که مؤلف مسئولیت تحقیق آن را بعهده گرفته، ارزشمند است و همیشه می‌تواند مرجعیت خود را حفظ کند.

تاریخ نیشابور، تألیف استاد سیدعلی مؤید ثابتی از شاعران و ادیبان خراسان در عصر ما، کتابی است که از سر نوعی شیفتگی و علاقه روحی نسبت به نیشابور، تألیف شده است و مؤلف تا آنجا که توانسته است اطلاعات پراکنده در کتب تاریخ و جغرافیا و ادب را، در طول سالیان، جمع‌آوری کرده است و از مقداری سگه‌های موجود در موزه‌ها نیز بهره‌برده است. چاپ اول این کتاب گویا یک بار توسط راه‌آهن ایران انتشار یافته که من آن را ندیده‌ام ولی چاپ دوم که صورت تکمیل‌شده آن است به وسیله انجمن آثار ملی در ۱۳۵۵ نشر یافته است. مؤلف کوشیده است که اطلاعات مربوط به جغرافیای تاریخی نیشابور را از قدیمترین ایام تا ادوار بعد از مغول، جمع‌آوری کند و جمعی از دانشمندان و ادیبان برخاسته از خاک نیشابور را نیز به اجمال معرفی کند. در مجموع کسانی که بخواهند در باب نیشابور به مطالعه بپردازند از مراجعه به این کتاب ناگزیرند زیرا در

1. *The Patricians of Nishapur, A Study in Medieval Islamic Social History*, by Richard W. Bulliet Harvard University Press, Cambridge Massachusetts 1972.

چندین مورد مؤلف به اسناد نسبتاً گمنامی (از قبیل أنس المَهَج) مراجعه داشته است. جلد اول کتاب آثار باستانی خراسان تألیف شادروان استاد عبدالحمید مولوی رحمه الله علیه که عنوان دوم آن چنین است: «شامل آثار و ابنیه تاریخی جام و نیشابور و سبزوار» عملاً تاریخ نیشابور بزرگ است زیرا بخشهای جام و سبزوار هم در حقیقت حوزه تاریخی نیشابور کهن را تشکیل می‌دهند. این کتاب نیز توسط انجمن آثار ملی ۱۳۵۴، در مشهد، چاپخانه خراسان، به چاپ رسیده است. گویا شادروان مولوی و استاد مؤید ثابتی از کار یکدیگر چندان باخبر نبوده‌اند زیرا در نوشته هیچ‌یک از این دو استاد به کتاب آن دیگری ارجاع و اشارتی نمی‌رود، بخصوص که زمان انتشار این دو کتاب بسیار نزدیک به هم است. نوع مطالب در هر دو کتاب تا حدودی مشابه است. شاید بتوان گفت که ارزش تاریخی کتاب استاد مؤید بیشتر است و ارزش مشاهداتی آثار باستانی، در کتاب استاد مولوی، در حدی فراتر قرار دارد. حق نیز همین است زیرا شادروان مولوی متجاوز از نیم قرن شغل شاغل و وجهه همیش پرداختن به املاک مسجد گوهرشاد و آستان قدس رضوی بود و عملاً بخشهای عظیمی از جغرافیای خراسان را از نزدیک دیده و مورد تحقیق عینی خود قرار داده بود.

تنها عیب آشکار کتاب استاد مولوی، مداخله‌های فقه‌اللفوی مؤلف است که هیچ اساس علمی ندارد و غالباً محصول نوعی توهم است مانند آنچه او در باب نامهای بعضی قصبات و دهات نیشابور از خود آورده از قبیل اینکه زمجار معرب زمگار است (حال آن‌که اصلاً زمجاری وجود نداشته است، بلکه درست آن بر طبق تمام اسناد قدیمی زمجار است) استاد مولوی نیز به معرفی بخشی از رجال فکر و فرهنگ در حوزه نیشابور بزرگ پرداخته است و مستندش غالباً همین تاریخ الحاکم و تاریخ بیهقی علی بن زید بیهقی و دیگر کتابهای معروف درین حوزه‌هاست. متأسفانه جلد بعدی کتاب استاد مولوی که طبعاً شامل بخشهای دیگری از نیشابور بزرگ بوده است، هنوز انتشار نیافته است.

کتاب شهر فیروزه که تاکنون دوبار به چاپ رسیده (چاپ اول ۱۳۵۷ و چاپ دوم ۱۳۷۳)، شاید جامعترین کتاب در تاریخ نیشابور و معرفی رجال آن باشد. آقای فریدون گرایلی که خود از شعرا و ادبای معاصر نیشابور است با شوق و دل بستگی خاصی کوشیده است که کتابی شامل تاریخ و جغرافیای تاریخی نیشابور فراهم آورد و درین کار تا حدود امکاناتی که در اختیار او بوده است، انصاف را، موفق بوده است. تنها نکته انتقادی در باب این کتاب، زبان شاعرانه و عاطفی کتاب است که اگر بر زیبایی آن افزوده از جانب علمی آن تا

حدودی کاسته است. از امتیازات دیگر کتاب شهر فیروز اشتمال آن بر نام و نشان بسیاری از قرا و قصبات نیشابور در عصر حاضر است که تا حدودی می‌تواند محققان تاریخ نیشابور کهن را نیز یاری دهد. توجهی که مؤلف به معرفی اجمالی لهجه نیشابوری و نیز شاعران و هنرمندان معاصر شهر داشته است از دیگر امتیازات کتاب اوست.

شیوه کار و مراجع حاکم

شیوه کار او، مانند اغلب معاصرانش، براساس ذکر اسناد به طریقه علمای حدیث بوده است. یعنی هرگونه اطلاعی را که در اختیار خواننده قرار می‌داده است، حتی نقل یک قطعه شعر را، از طریق یکی از مشایخ خویش تا به سرچشمه آن اطلاع، می‌رسانده است. از آنجا که در این مختصر بازمانده - که چندین تحویل پذیرفته تا به دست ما رسیده است - اشارتی به اسناد حاکم باقی نمانده است در باب چند و چون آنها به هیچ روی نمی‌توان سخن گفت. ولی تردیدی نیست که وی این کتاب عظیم را از مجموعه بشمارای از خواننده‌ها و شنیده‌ها و حتی دیده‌های خویش بوجود آورده است و از این لحاظ شاید کمتر کتابی در تمدن اسلامی قرن چهارم بتوان یافت که اطلاعات موجود در آن، تا بدین حد، مستقیم و بکر بوده باشد. یکی از مواردی که شیوه کار حاکم را در روش اسناد اطلاعات، درین کتاب نشان می‌دهد، آنجایی است که مترجم می‌گوید: «امام حاکم فرمود، بعضی از یاران از من چنین درخواستند تا آنچه درباره مسجد کهن نیشابور و کهن دژ و شارستان و یادکرد وادی‌ها و محال و رستاق‌ها و ربع‌ها، اطلاع درباره آن به من رسیده است، یاد کنم و من درین زمینه نتوانستم با ذکر اسناد به استقصای مطلب پردازم، چندان که اسناد در اختیار داشتم، یاد کردم.»^۱ و از این سخن می‌توان دریافت که حتی در دایره قصه‌های بسیار کهن مربوط به بنای نیشابور قبل از اسلام هم، حاکم، به جستجوی نقل‌های مستند بوده است. در همین مختصر مواردی نیز هست که نشان می‌دهد حاکم از مشاهدات خود نیز در این کتاب مطالبی را آورده بوده است. مثلاً در شرح حال عبدالله بن خازم سلمی، از صحابه رسول (ص)، می‌گوید: «والی نیشابور بود از جانب عبدالله بن عامر و ساکن جویین شد و او را آنجا اولاد شدند. امام حاکم فرمود که آنجا اولاد او را دیدم، قومی بودند دهاقین.»^۲ که در این عبارت دو نکته مهم وجود دارد، یکی استناد حاکم به مشاهدات خویش و دیگر اینکه «اولاد صحابه» با سه چهار نسل تحویل، تبدیل به فتودالهای منطقه شده‌اند زیرا دهاقین اینجا به معنی زمین‌داران بزرگ است.

دامنه کار حاکم در نگارش تاریخ نیشابور بسیار پهناور بوده است و در حقیقت دایرةالمعارفی از تاریخ و رجال و جغرافیای خراسان بزرگ را در این کتاب آورده بوده است و از منقولاتی که دیگران از او نقل کرده‌اند، می‌توان به این گستردگی دامنه کار او پی برد. مثلاً علی بن زید بیهقی، از تاریخ نیشابور، نقل می‌کند که «اگر کسی بود که ماهر بود در دهقانی، خُرما در حدود خسروجرد به باز تواند آورد»^۱ و این خود نشان‌دهنده پهناوری میدان کار و حوزه موضوعات تاریخ نیشابور حاکم است که به مسائل کشاورزی ناحیه توجه داشته. و رافعی از تاریخ نیشابور مطلبی می‌آورد در باب قزوین و آبهایی که در آنجا هست و اگر غریبی از آن بنوشد و حرکت بسیار نداشته باشد، هر دو پای او ورم می‌کند چندان که جز بُریدن چاره‌ای باقی نمی‌ماند.^۲ که نشان می‌دهد حاکم به مسائل دیگر شهرهای ایران نیز بیش و کم پرداخته بوده است. کسانی که از تاریخ نیشابور حاکم، در طول قرون، نقل کرده‌اند غالباً تصریح دارند بر اینکه وی در زندگینامه بسیاری از افراد، دامنه بحث را به گونه‌ای گسترده تلقی کرده است. مثلاً سُبکی می‌گوید: و حاکم در زندگینامه این استاد خویش (یعنی: حسین بن علی بن یزید) بر عادت خویش سخن را به درازا کشانده و این عادت اوست که چون به سرگذشت بزرگی می‌رسد به آوردن فواید و غرایب می‌پردازد.^۳ و ابن حجر در شرح حال احمد بن حرب می‌گوید: «و او را زندگینامه‌ای است دراز دامن در تاریخ نیشابور حاکم»^۴

نام اصلی این کتاب

آنچه در تداول مورخان و دانشمندان، در طول قرون، دیده می‌شود این است که نام این کتاب تاریخ نیشابور^۵ و یا به تلفظ عربی «تاریخ نیشابور» است^۶ ولی گویا نامی که مؤلف خود بر آن نهاده بوده است تاریخ النیشابوریین است^۷ و درست نیز همین است زیرا آنچه مقصود اصلی او بوده است همانا معرفی رجال و دانشمندان نیشابور بوده است و عنوان تاریخ النیشابوریین با چنین هدفی سازگارتر است بویژه که سمعانی به عنوان تاریخ الکبیر للنیشابوریین از آن یاد می‌کند و از کسی که به یک واسطه آن را از حاکم سماع داشته است.^۸

۱. تاریخ بیهقی، ۲۸. ۲. التدوین، رافعی، ۵۲/۱.

۳. طبقات الشافعیة، ۲۷۷/۳. ۴. لسان‌المیزان، ۱۲۹/۱.

۵. تاریخ بیهقی، ۲۱ و ۴۷. ۶. طبقات الشافعیة، ۵۲/۲.

۷. الارشاد فی معرفة علماء الحدیث، ۸۵۳/۳.

۸. التخبیر فی المعجم الکبیر، ۲۳۰/۱ و تاریخ بغداد، ۴۷۴/۵.

معلوم نیست که مترجم فارسی، یعنی محمد بن حسین خلیفه نیشابوری، این ترجمه و تلخیص خود را به چه عنوانی نامیده بوده است. در نسخه موجود هیچ‌گونه عنوانی برای کتاب، قید نشده است. مرحوم دکتر بهمن کریمی ظاهراً به اعتبار موضوع کتاب و نیز به اعتبار شهرتی که متن اصلی آن داشته کتاب را به عنوان تاریخ نیشابور چاپ کرده است و استاد فرای از آن به عنوان کتاب احوال نیشابور نام برده است. ظاهراً گفته استاد فرای متکی است به نامی که در دفتر ثبت کتابخانه حسین چلبی در بورسا (Bursa) به آن داده بوده‌اند.^۱ به هر حال تثبیت نام «تاریخ نیشابور» بر متن حاضر، چندان هم دور از حقیقت نیست.

نسخه اصلی تاریخ نیشابور حاکم تا قرن یازدهم، ظاهراً، باقی بوده است زیرا حاج خلیفه در ضمن معرفی آن، خطبه آغاز کتاب را نقل می‌کند و می‌گوید: «کتابی است بزرگ و آغاز آن چنین است: الحمد لله الذی اختار محمداً...»^۲ اگرچه به این‌گونه اطلاعات مؤلف کشف الظنون چندان اعتمادی نیست و او بعضی کتابهایی را که ندیده... و شاید هم اصلاً وجود نداشته‌اند... جزء فهرست خویش آورده است به صرف اینکه نامی از آنها در ضمن کتابی به نظرش رسیده است. ولی در این مورد خاص دلیلی بر بی‌اعتباری گفتار او نداریم. تنها تردیدی که دارم در این است که آیا آنچه او دیده و سرآغاز آن را نقل کرده است اصل تاریخ نیشابور حاکم است یا یکی از تلخیصهای آن.^۳

در قرن هشتم مسلمانان تاریخ نیشابور حاکم وجود داشته و بسیاری از دانشمندان در تألیفات خویش از آن سود جسته‌اند از قبیل شمس الدین ذهبی (۶۷۳-۷۴۸) و تقی الدین سبکی (۷۲۷-۷۷۱).

سبکی، در بحثی که پیرامون آثار شافعیه، در حوزه تاریخ، کرده است وقتی به نیشابوریان می‌رسد می‌گوید: نیشابور از بزرگترین شهرها بوده و بعد از بغداد شهری همانند آن نبوده است. حافظ ابو عبدالله حاکم تاریخی از برای نیشابور نوشته که همه بزرگان حفاظ در برابر آن خاضع‌اند و آن کتاب، در نظر من، سرور کتابهای تاریخ است و تاریخ بغداد خطیب اگر چه از محاسن کتابهای اسلامی است، اما نویسنده آن روزگار درازی از تاریخ بغداد را در اختیار داشته... اگر چند بغداد بعد از نیشابور بوجود آمده است اما دانشمندان بغداد قدیمی‌تراند زیرا که بغداد سرای دانش و خانه ریاست بوده است، سالها پیش از آنکه رایت نیشابور افراشته شود. از سوی دیگر حاکم روزگاری قبل

1. *Historios of Nishapur*, P. 10.

۲. کشف الظنون، ۳۰۸/۱.

۳. مراجعه شود به مقدمه آفرینش و تاریخ ۴۸/۱ چاپ آگاه و نیز یادداشت‌های قزوینی ۲۳/۲.

از خطیب بغدادی بوده است و خطیب بعد از او آمده است، به هنگامی که گروه
 بیشماری از دانشمندان به بغداد درآمده‌اند، بناگریز خطیب روی به اختصار آورده ولیکن
 حاکم در نگارش زندگینامه استادان خود یا استادان استادان خود و کسانی که به روزگار او
 نزدیک بوده‌اند گفتار خود را درازدامن آورده است زیرا حاکم در عصری مقدم بر ظهور
 بسیاری از دانشمندان نیشابور می‌زیسته است و از آنجا که شماره کسانی که به تراجم
 ایشان پرداخته اندک بوده است او سخن را گسترش داده و زندگینامه‌ها را به کمال و
 تفصیل آورده است و عذر خطیب درین مورد پذیرفته است و معلوم.^۱



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

حاکم نیشابوری

نام و نسب و خاندان

نام او محمد و نام پدرش عبدالله بن محمد^۱ است و کنیه او ابو عبدالله و شهرتش بیشتر به صورت: «ابو عبدالله الحاکم» و «ابن البیع» که از شغل نیاکان او خبر می دهد. «بیع» یا «بایع» که گاه «بیاع» هم خوانده می شده است به گفته سمعانی در کتاب الأنساب، به معنی کسی است که در کار و انسراها و «خان»های محل کار و تجارت بازرگانان، میان فروشنده و خریدار، واسطه است و این شغل را «بیاعه» نامیده اند.^۲

اگر بخواهیم با طول و تفصیل بیشتر نسب او را بیاوریم چنین خواهد بود: ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمد و بنه بن نعیم بن الحکم . در نسبت او و شهرتش بجز «البیع» و «الحاکم» نسبت «الضبی» و «الطهمانی» را نیز نوشته اند و توضیح داده اند که

۱. درباره ابو عبدالله حاکم، مراجعه شود به: الارشاد فی معرفة علماء الحديث، ۳ / ۴ - ۸۵۱. السياق، تلخیص دوم، ۱۵ تاریخ بغداد ۴۷۳/۵ تبیین کذب المفتری ۲۳۱-۲۲۷ الأنساب، ۹۹ b، وفيات الاعیان، ۴/۲۸۰، المنتظم ۲۴۷/۷، سیر اعلام النبلاء ۱۷/۱۷۷-۱۶۲، تذکرة الحفاظ، شماره ۹۶۲، تاریخ الاسلام (وقایع ۴۰۱-۴۲۰) ۱۳۳-۱۲۲، شمذرات الذهب ۳۲/۱۷۶، میزان الاعتدال ۳/۶۰۸، العبر، ۳/۹۱، الباب، ۱/۱۹۸، الوافی بالوفیات، ۳/۳۲۰، النجوم الزاهرة، ۴/۲۳۸، طبقات الشافعية الكبرى، ۴/۱۷۱-۱۵۵، طبقات القراء، ۲/۱۸۴، لسان المیزان، ۵/۲۳۲. و از تحقیقات معاصران: تاریخ الادب العربی، بروکلین ۲۱۷/۳-۲۱۵، تاریخ التراث العربی، فزاد سرگین ۱/۵۷-۴۵۴ و مقاله مختصر J. Robson در Encyclopaedia of Islam, New Edition vol. III P 82 و مقدمة موفق بن عبدالله بر سئوالات الحاکم النیشابوری للدار قطنی، ۵۱-۳۹. و نیز مقدمة همو بر سئوالات مسعود بن علی الجزی، ۹-۲۶. ۲. الأنساب، ۹۹ a و ۹۸ b.

علت این انتساب این است که پدر بزرگِ مادر بزرگِ او، عیسی بن عبدالرحمن بن سلیمانِ صَبَبی بوده است و مادر این عیسی زنی بوده است به نام متوبه که دخترِ ابراهیم بن طهمان، زاهد و فقیه معروف بوده است. هیچ دلیلی وجود ندارد که او را از قبایل عرب نیشابور به حساب آوریم زیرا ابراهیم بن طهمان از اهل هرات بوده که به نیشابور کوچیده و در ۱۶۳ هجری درگذشته است^۱ «عَرَبِ مَآبِی» و «عَرَبِ بِالْوَلَاءِ»^۲ شدن، درین عصر، چندان عمومیت داشته که هیچ کس از آسیبِ آن در امان نمی مانده است.

تولد و وفات

الحاکم در روزِ دوشنبه سوم ربیع الاول سال ۳۲۱ هجری، در نیشابور، متولد شد^۳ و در چهارشنبه سوم^۴ یا هشتم^۵ صفر سال ۴۰۵ در همین شهر، در حالی که از حمام بیرون آمده بود و هنوز لنگ حمام را از خود باز نکرده بود تا جامه بپوشد، به سکنه درگذشت. او را در نیشابور به خاک سپردند و قاضی ابوبکر حیری^۶ یکی از مشاهیر زهاد و علمای عصر، بر او نماز گزارد.

ابو عبدالله حاکم هشتاد و چهار سال عمر کرد و تقریباً هفتاد و پنج سال از این هشتاد و چهار سال را به تحصیل و تدریس و تألیف گذرانید زیرا نخستین «سماع» حدیث او، در نه سالگی بود، یعنی در سال ۳۳۰. *تذکره کبیر علوم اسلامی*

سفرها و استادان

حاکم در طلبِ علومِ عصر، بویژه دانش حدیث که پرجاذبه ترین دانش های آن روزگار به شمار می رفت^۷ به اقطار مختلفِ عالمِ اسلامی، از نیشابور تا عراق و حجاز و

۱. سیر اعلام النبلاء ۳۷۸/۷.

۲. عَرَبِیُّ بِالْوَلَاءِ شَدْنَ، به معنی نوعی شناسنامه عربی و هویتِ مجمول برای خود درست کردن بوده است.

۳. تاریخ الاسلام، ۱۲۲ (۲۲۰-۴۰۱).

۴. الوافی بالوفیات، ۳۲۰/۳.

۵. طبقات الشافعیه ۱۶۱/۴.

۶. متوفی ۴۲۱ و ابن قاضی ابوبکر یکی از کسانی بوده است که تاریخ نیشابور را از حاکم روایت داشته است التعبیر ۲۳۰/۱.

۷. برای انسان عصر ما تصور اینکه «علم حدیث» مهم ترین علم یک دوره از تاریخ باشد، قدری دشوار می نماید ولی می توان از راه تمثیل به چنین کسانی فهماند که همانطور که کامپیوتر، در شکل دهنده گی ساختار اقتصادی و اجتماعی انسان عصر ما دارای نقش عمده است، در آن ایام هم «محدثین» در شکل

ماوراءالنهر و دیگر بلاد خراسان سفر کرد و درباره او نوشته‌اند که تنها در نیشابور از هزار شیخ سماع حدیث داشته و از دیگر بلاد نیز حدود هزار تن دیگر را یاد کرده‌اند. نام و نشان استادان او را در علوم قرآنی و حدیث، در اینجا نمی‌آوریم زیرا فهرست بلندبالایی است و کسانی که به تفصیل زندگی او پرداخته‌اند از قبیل خلیلی^۱ و ذهبی^۲ و سبکی^۳ نام ایشان را ضبط کرده‌اند.

حاکم و تصوف

در تصوف نیز او بی‌سلوکی نبوده و محضر چند عارف بزرگ عصر از قبیل ابوالحسن پوشنجی و جعفر بن نصیر و ابو عمرو زجاجی^۴ و ابو عمرو بن نجید سلمی و جعفر خلدی و ابو عثمان مغربی را درک کرده است.^۵ از نقدی که ابن جوزی درباره او کرده، می‌توان دانست که وی مثل بسیاری از فقهای عصر، از سماع روی‌گردان نبوده و حتی آواز قواله‌ای به نام «هزاره» را که از «مستورات قوالات» بوده است می‌شنیده است. اینک ترجمه عین گفتار ابن جوزی: خبر داد ما را زاهر بن طاهر، گفت خبر داد ما را ابو عثمان صابونی و ابوبکر بیهقی و گفتند که ابو عبدالله حاکم گفت که بیشترین دیدار من با فارس بن عیسی صوفی، در سرای ابوبکر ابریمی بود از برای گوش دادن به سماع هزاره رحمة الله که این زن از مستورات قوالات بود. ابن جوزی پس از نقل این سخن می‌گوید: این خود زشت‌ترین کاری است که از مردی چون حاکم سرزده است، چه گونه

دادن ساختار جامعه بالاترین نقش را داشته‌اند زیرا ابزار دست فقها بوده‌اند و فقها بدون ابزار حدیث نمی‌توانسته‌اند در ساختار اقتصادی و اجتماعی عصر خود دخالت کنند. اهمیت حدیث و علوم پیرامونی آن تا آنجا بود که جز آن را «علم» تلقی نمی‌کردند. به این اظهار نظر ابن حجر (۷۷۳-۸۵۲) یکی از بزرگترین محدثین تمدن اسلامی درباره ابن سینا (که مظهر فلسفه و علم در عصر خویش بوده است) توجه کنید: «ابوعلی رئیس، ما اعلمه زوی شیئا من العلم و لزوی ما خلت الروایة عنه لانه فلسفی النحلة ضالاً، لا رضی الله عنده» لسان المیزان، ۲/۲۹۱ یعنی: «رئیس ابوعلی، نمی‌دانم که آیا او چیزی از «علم» روایت کرده است یا نه و اگر هم روایت کرده باشد، نقل کردن از طریق او روا نیست؛ زیرا دارای مشرب فلسفی است و گمراه. خدای ازو خشنود مبادا».

۱. الارشاد الی معرفة علماء الحدیث، ۸۵۱. ۲. تاریخ الاسلام، ۱۲۳ (۴۲۰-۴۰۱).

۳. طبقات الشافعیه، ۷/۴-۱۵۶. ۴. السیاق، تلخیص دوم، ۱۲.

۵. متن طبقات الشافعیه، در این مورد غلط است یا مصححان آن را بدان‌گونه غلط درآورده‌اند؛ و صحب فی التصوف اباعمرین محمد بن جعفر الخلدی، طبقات الشافعیه ۴/۱۵۷ که باید به این صورت اصلاح شود: و صحب فی التصوف اباعمر بن نجید و جعفر الخلدی.

بر او پوشیده مانده است که نباید به صدای زنی نامحرم گوش داد؟ و آنگاه این را در کتاب تاریخ نیشابور خویش - که کتاب علم است - بیاورد، بی هیچ گونه تحاشی بی از یادکرد امثال این؟ همین بس است که او را از جادۀ عدالت منحرف کند.^۱

حاکم و قضاء شهر نسا

در زندگینامه او نوشته‌اند که وی در عصر سامانیان و به روزگار وزارت عتبی^۲ در ۳۵۹ یک چند قضاء شهر نسا را - که از شهرهای بزرگ خراسان در آن روزگار بود - پذیرفت. وقتی که او بدین کار پرداخت، بعضی از اهل فضل، عتبی را بدین کار تهنیت گفتند که وی سیصد هزار حدیث رسول (ص) را به شهر نسا تجهیز کرده است.^۳ بعد از این روزگار، قضاء گرگان را به او پیشنهاد کردند و پذیرفت و تمام وقت در خدمت علم باقی ماند، تا آخر عمر خویش.

قابل یادآوری است که ابن خلکان، یا کاتبان نسخه‌های مورد استناد استاد احسان عباس، «نسا» را به «نیشابور» تصحیف کرده‌اند و نوشته‌اند که او یک چند متصدی قضاء نیشابور بوده است.^۴

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

معنی «حاکم»

مشهورترین عنوانی که صاحب تاریخ نیشابور بدان شناخته می‌شود، در مرحله اول «الحاکم» است و سپس «ابن البیع» درباره ابن البیع پیش ازین توضیحی آمد و درباره «الحاکم» باید یادآور شویم که این عنوان بر قضات اطلاق می‌شده است و بنا بر آنچه در کتب لغت آمده است حاکم کسی است که تنفیذ حکم می‌کند که یا قاضی است، یا والی. ابن خلکان نیز می‌گوید: «وَأَمَّا عُرْفُ بِالْحَاكِمِ لِتَقْلِيدِهِ الْقَضَاءَ»^۵ در مورد مؤلف تاریخ نیشابور، این عنوان به اعتبار مقامی که در کار قضا سبویژه قضاء ناحیه نسا - داشته است، اطلاق شده است و این عنوان را در مورد بسیاری از دانشمندان معاصر او که در کار قضا

۱. تلیس ابلیس، ۲۴۲ نکته قابل یادآوری این که ظاهراً ابن جوزی روایت ابو عثمان صابونی و ابوبکر بیهقی را، منقول از تاریخ نیشابور می‌دانسته است.

۲. طبقات الشافعیه، ۱۵۸/۴. ۳. همانجا، و وفیات الاعیان ۲۸۱/۴.

۴. وفیات الاعیان ۲۸۱/۴ و در چاپ سنگی ایران (۱۲۸۴ هـ. ق ۵۹/۲) هم همین اشتباه موجود است و بدینگونه خطای کاتب نیست و ابن خلکان خود میان «نسا» و «نسابور» اشتباه کرده است.

۵. همانجا، ۲۸۱/۴.

بوده‌اند، پیوسته می‌بینیم؛ مثلاً در *یتیمه الدهر* ثعالبی عنوان بعضی از شاعران «القاضی» است زیرا متصدی شغل قضا بوده‌اند از قبیل القاضی ابوعلی عبدالوهاب بن محمد، و بعضی عنوان «الحاکم» دارند از قبیل: الحاکم ابوعلی الحسن بن منصور الدارابجردی^۱ و ظاهراً تمایزی در مفهوم مقام ایشان وجود ندارد و حتی از مقولهٔ اختلاف اصطلاحات در نواحی جغرافیایی مختلف هم نیست زیرا هر دو از شاعران نیشابورند و از معاصران ثعالبی و حاکم نیشابوری.

حاکم و سیاست

بعضی از نویسندگان زندگیتامه او یادآور شده‌اند که وی نقش میانجی سیاسی میان سامانیان و آل بویه را نیز عهده‌دار بوده است. ابن خَلِّکان می‌گوید: «وکانوا ای السامانیون» [ینفذونه فی الرسائل الی ملوک بنی بویه]^۲ و بروکلمن می‌گوید: «او نقیش سفیر میان سامانیان و آل بویه را داشته و در مراسلات میان آن دو دولت، از وجود او استفاده می‌شده است»^۳ سزگین نیز می‌گوید: «چندین بار بعنوان سفیر آل بویه به کار پرداخته است»^۴ گویا همهٔ این تعبیرات از درک همان عبارت ابن خلکان سرچشمه گرفته است. شاید تمایلی که الحاکم به تشیع داشته و نویسندگان اهل سنت غالباً او را ازین بابت، بشدت، مورد نقد و نظر قرار داده‌اند^۵ و در دوره‌های بعد دلیل این تشیع او را نقل حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ...»^۶ و حدیث «طیر» یا «طایر»^۷ دانسته‌اند، در اصل، همین تمایلات سیاسی او بوده است زیرا، او، در حقیقت برای آشتی میان دو دولت شیعی و متمایل به شیعی^۸ ایرانی می‌کوشیده است و دشمنان او که طرفداران خلافت عباسی بوده‌اند این

۱. *تیمه الیتیمه*، ۳۰۲ و ۳۰۳.

۲. *وفیات الاحیاء*، ۲۸۱/۴.

۳. *تاریخ الادب العربی*، ۲۱۵/۳.

۴. *تاریخ التراث العربی*، ۱ (۱) ۴۵۴.

۵. مانند ذهبی در *تذکره الحقاظ*، ۱۰۴۵/۳.

۶. دربارهٔ این حدیث مراجعه شود به: مسند، احمد حنبل، ۳۶۸/۴ و ۳۷۰ و ۳۶۶/۵ و حاشیه

تاریخ الاسلام، (۴۲۰-۴۰۱) ۱۲۷.

۷. حدیث «طیر» یا «طایر» حدیثی است که بر طبق آن گوشت مرغی (پرنده‌ای) نزد رسول (ص) بود و او

فرمود «اللهم اتنی بأحبّ خلقک الیک یا کُلّ معی» ناگاه علی (ع) در رسید و... مراجعه شود به سفینه

البحار، قمی، ۱۰۱/۲.

۸. مسلم است که بعضی از سامانیان دارای تمایلات شیعی بوده‌اند و از این مصراع رودکی که شاعر دربار

ایشان بوده است، این نکته بروشنی دانسته می‌شود (شعار پراکندهٔ قدیمترین شعرای فارسی زبان، ۱۳۶):

از رودکی شنیدم سلطان شاعران کاندر جهان به کس مگر و جز به فاطمی

کوشش او را نپسندیده‌اند و او را به تشیع متهم کرده‌اند و بعدی‌ها دلیل تشیع او را در نقل این‌گونه احادیث جستجو کرده‌اند.

مقام علمی او

در شناخت و نقد حدیث در سراسر عالم اسلامی، در عصر او کسی را همتای او ندانسته‌اند و نوشته‌اند که در جرح و تعدیل احادیث، تمامی بزرگان عصر، به او رجوع می‌کرده‌اند. بعضی از کسانی که به زندگینامه او پرداخته‌اند نوشته‌اند که قبل از وی هر عالمی که بود، در برابرش چندین دانشمند دیگر در آن عصر بود که میان ایشان نوعی تقارن و تقابل بود اما به روزگار ابو عبدالله حاکم او در حجاز و شام و عراق عرب و عراق عجم و جبال و ری و طبرستان و قومن و خراسان و ماوراءالنهر، چهره‌ای بلامنازع بود.^۱

مذهب حاکم

بسیاری از زندگینامه‌نویسان او و معاصرانش، از قدیم، او را به تشیع و رفض «متهم» می‌داشته‌اند و یکی از مهمترین نقطه‌ضعف‌هایی که بعضی از علمای حدیث در کار او و در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» او یافته‌اند این بوده است که وی به نقل حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ...» و حدیث «طیر»^۲ پرداخته بوده است و دیگر این که کتابی در فضایل حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها نیز نوشته است. کسانی که او را به تشیع «متهم» کرده‌اند افراد بسیار متعصب و تنگ‌نظری از نوع خواجه عبدالله انصاری (ابواسماعیل عبدالله بن محمد انصاری، شیخ الاسلام)^۳ بوده‌اند که در حق الحاکم گفته است: «رِقَّةٌ فِي الْحَدِيثِ وَرَافِضِيٌّ حَبِيثٌ» یعنی در نقل احادیث، بسیار مورد وثوق است اما رافضی خبیثی است و از جمله دلایل رفض و تشیع او را یکی هم این دانسته‌اند که وی با معاویه و آل معاویه دشمنی داشته و این دشمنی را آشکار می‌کرده است.^۴ بعضی از اهل تاریخ نوشته‌اند که سه تن از اهل حدیث تعصب‌پیشه بوده‌اند: ابو عبدالله حاکم و ابونعیم

۱. طبقات الشافعیه، ۱۵۹/۴. ۲. به حاشیه صفحه قبل مراجعه شود.

۳. از بکار بردن کلمه «تنگ‌نظر» در مورد این مرد بزرگ، بسیار متأسفم ولی خوانندگان باید بدانند که چهره افسانه‌ای و موجود در «مناجات‌ها» - که اغلب آنها منسوب به اوست - با آنچه حقیقت تاریخی او را - که مردی است بسیار متعصب در مذهب حنبلی - تشکیل می‌دهد زمین تا آسمان تفاوت دارد. از همین دآوری او در باب حاکم طرز تفکر او را بخوبی می‌توان دریافت.

۴. تذکرة الحفاظ، ۱۰۴۵/۳.

اصفهانى و خطیب بغدادى و تعصبِ حاکم را در تشیع او دانسته اند که «كَانَ مُتَشَبِعًا ظَاهِرًا فِي الشَّيْعِ»^۱

آنچه مسلم است این است که وی اگر هم در باطن شیعی مذهب بوده است در ظاهر مسلمانى سنی و بر مذهبِ امامِ شافعی بوده و به لحاظِ عقیده کلامی به مذهب امام ابوالحسن اشعری تمایل داشته است ولی مانند اغلب شافعیان، به اهل بیت رسول و مقام ویژه امام علی بن ابیطالب (ع) ارادتى خاص داشته است چندان که شمس الدین ذهبی می گوید: «او علی را مقدم می دارد، بی آنکه طعنی در صحابه (= شیخین) بزند»^۲ و اگر بعضی منقولاتِ مؤلفانِ شیعی را ملاک قرار دهیم در شیعی بودنِ حاکم جای تردید باقی نمی ماند بویژه که جوینی، متنِ زیارتِ جامعه را، بروایتِ حاکم، در کتابِ خویش نقل کرده است.^۳

جای شگفتی ست که در همان وقتی که عده ای بر او به عنوان شیعی هجوم برده اند، عده ای دیگر او را متهم به پیروی از مذهب محمد بن کرام سجستانی کرده اند و از جمله دلایل ایشان اینکه وی در تاریخ نیشابور خود زندگینامه جمعی از علمای کرامیه را نیز آورده است^۴ با اینکه وقتی کرامیه در نیشابور به مسجد او حمله بردند و منبرش را شکستند و او از هجوم کرامیان خانه نشین شد و نمی توانست از سرای خویش بدر آید، یکی از دوستان او، ابو عبدالرحمن سلمی عارف نامدار و دانشمند بزرگ قرن چهارم، به وی پیشنهاد کرد که برای دفع شرّ اینها، یعنی کرامیه، حدیثی در فضیلت معاویه نقل کن و خود را ازین مخمصه رهایی بخش، ولی حاکم گفت: هرگز دلم بدین کار راضی نمی شود^۵ و سه بار این عبارت را تکرار کرد.^۶

۱. معجم الادباء ۱/۳۹۸ و المنتظم ۸/۲۶۹.

۲. تذکرة الحفاظ، ۳/۱۰۴۵.

۳. فرائد السمطين، ۲/۱۷۹ - ۱۸۶.

۴. شمس الدین ذهبی که در چندین مورد از کتابهای مختلف خویش از قبیل تذکرة الحفاظ و تاریخ الاسلام تا حدی کوشیده است از حریم حاکم دفاع کند و او را تا حدی متمایل به شیعه معرفی کند، در شرح حال اسحق بن محمد شاد کزّامی، وقتی در تاریخ الاسلام ۶۰۲ (۳۸۱ - ۴۰۰) عبارت حاکم را درباره او نقل می کند که بر دست اسحق بن محمد شاد پنج هزار نفر از اهل کتاب اسلام آوردند، نیز شماره [۱۸۴۲] متن حاضر، می گوید: و حاکم در وصف او به اطناب سخن گفته چندان که دلالت می کند بر اینکه حاکم خود از کرامیان بوده است چنانکه در شرح حال محمد بن کرام او را تعظیم کرده است.

۵. تاریخ الاسلام ۱۳۲ (۴۰۱ - ۴۲۰).

۶. الوافی بالوفیات ۳/۳۲۱.

آثار حاکم

(۱) تاریخ النیشابوریین: معروفترین اثر حاکم است که جای دیگر درین مقدمه به تفصیل درباب آن سخن گفته‌ایم و نام آن بیشتر به عنوان تاریخ نیشابور شهرت یافته است.
 (۲) المستدرک علی الصحیحین: این کتاب که یکی از آثار بحث‌انگیز و مشهور حاکم است در حقیقت مجموعه‌ای است از احادیث که دو امام بزرگ علم حدیث، یعنی محمدبن اسماعیل بخاری و مسلم‌بن حجاج قشیری نیشابوری آن احادیث را در کتب صحاح خویش نیاورده‌اند. حاکم آن احادیث را از مقوله حدیث صحیح تلقی کرده و واجد شرایط این که در کتب این دو امام وارد شود دانسته است^۱ این کتاب در حیدآباد دکن به سال ۱۳۳۴ ه. ق چاپ شده است همراه با ذیل یا تکمله‌ای که شمس‌الدین ذهبی بر آن نوشته به نام المستدرک علی المستدرک^۲.

(۳) معرفة علوم الحدیث: یا معرفة اصول الحدیث که در قاهره به سال ۱۹۳۷ به تصحیح و اهتمام معظم حسین چاپ شده است.

(۴) مُرَکَّبُ الْاِخْبَارِ: ذهبی^۳ و ابن خلکان^۴ ازین کتاب او یاد کرده‌اند ولی اطلاع بیشتری در باب آن بدست نیامد و در فهرس کتابخانه‌ها از آن خبری در دست نیست.

(۵) الاکلیل: خلیلی که محضر حاکم را درک کرده و شاید قدیمترین کسی است که زندگینامه او را نوشته، می‌گوید: حاکم کتابی در ایام پیامبر و همسران او برای ابوعلی بن سیمجور^۵ تصنیف کرد و آن را الاکلیل نام نهاد. ندیدم کسی را که بدین ترتیب کتابی پرداخته باشد^۶ و همان است که حاج خلیفه هم می‌گوید: آن را برای بعضی از امرا تصنیف کرده است.^۷

(۶) المدخل الی الاکلیل: حاج خلیفه می‌گوید: حاکم سپس کتاب المدخل الی الاکلیل را

۱. تاریخ التراث العربی، ۴۵۴/۱.

۲. همان کتاب، ۴۵۵/۱.

۳. تاریخ الاسلام، ۱۲۸ (۴۰۱-۴۲۰).

۴. وفیات الاعیان، ۲۸۱/۴.

۵. منظور ابوعلی المظفر ناصرالدوله محمدبن ابراهیم بن سیمجور است که در نیشابور و بخشهایی از خراسان، به روزگار سامانیان، فرمانروایی داشته و خود از علما و زهاد زمانه بوده و از حاکم نیشابوری سماع حدیث داشته است، متوفی رجب سال ۳۸۸ دربارۀ او رجوع شود به ترجمه تاریخ یمینی، ۸۳ به بعد الفتح الوهبی ۵۲/۱ به بعد و الانساب، b و ۳۲۳ و اللباب، ۵۸۹/۲ از توضیحات سمعانی در انساب دانسته می‌شود که شرح حال ابوعلی سیمجور و پدرش در تاریخ نیشابور حاکم با تفصیل بسیار آمده بوده است، بقایای آن شماره ۲۲۹۹ و ۱۸۱۱ متن ماست.

۶. الارشاد فی معرفة علماء الحدیث، ۸۵۴/۳.

۷. کشف الظنون، ۱۴۴/۱.

نوشت و در آخر آن کتاب رموزی را که برای احادیث صحیح و طبقه بندی آنها، در اکیلیل، در نظر داشته توضیح داد.^۱ نسخه هایی از این کتاب موجود است و به گفته فؤاد سزگین در حلب، به سال ۱۹۳۲ / ۱۳۵۲ چاپ شده و نیز در لندن به سال ۱۹۵۳ توسط J. Robson انتشار یافته است.^۲

فضایل فاطمة الزهراء: یا فضایل فاطمه که اغلب نویسندگان زندگینامه حاکم به آن اشارت کرده اند و بعضی آن را از دلایل تشیع او به حساب آورده اند. متأسفانه با همه جستجو هایی که در فهرس کتابخانه ها و مراجع کتابشناسی موجود کردم، اثری ازین کتاب بدست نیامد.^۳

فضایل الشافعی: چنانکه از نام آن پیداست کتابی بوده است در فضایل امام شافعی و ظاهراً نسخه ای از آن باقی نیست. بروکلن^۴ و سزگین^۵ که به معرفی کتابهای حاکم و نسخه های موجود آنها پرداخته اند، در باب این کتاب و نسخه آن چیزی نگفته اند و چنین به نظر می رسد که این کتاب قرنهای دیگر وجود ندارد زیرا سبکی^۶ نیز که در طبقات الشافعیه از این کتاب نام می برد چیزی از آن نقل نمی کند و ظاهراً به علت این است که در عصر او (۷۲۷-۷۷۱) نیز این کتاب دیگر باقی نبوده است.

المدخل الی الصحیح: قداماً در باب نام این کتاب، اختلاف نظر داشته اند که آیا به همین صورت است یا المدخل الی معرفة الصحیح من السقیم... در نسخه خطی بازمانده از آن، که در یکی از دانشگاه های عربستان سعودی به عنوان رساله فوق لیسانس مورد تحقیق قرار گرفته است، نام آن المدخل الی معرفة الصحیحین آمده است^۷ و در چاپی که توسط ربیع بن هادی عمیر المدخلی، از آن شده است عنوان المدخل الی الصحیح دارد^۸ حافظ عبدالغنی بن سعید آزدی (درباره او مراجعه شود به تذکرة الحفاظ ۱۰۴۷/۳ - ۱۰۵۰) نقدی برین کتاب حاکم نوشته به نام کشف الاوهام التي فی مدخل الحاکم.^۹

۱. کشف الظنون، ۱/۱۴۴. ۲. تاریخ التراث العربی، ۱/۴۵۵.

۳. مراجعه شود به مقاله عبدالعزیز طباطبائی در مجله تراثنا، العدد الرابع [۱۷] السنة الرابعة، شوال ۱۴۰۹ با عنوان: «اهل البيت فی المكتبة المریبه» صفحه ۱۲۷ که عبارتی از سخاوی در باب این اثر حاکم نقل می کند.

۴. تاریخ الادب العربی، ۳/۱۷-۲۱۵.

۵. تاریخ التراث العربی، ۱/۷-۴۵۵. ۶. طبقات الشافعیه، ۴/۱۵۶.

۷. سئوالات الحاکم النیشابوری للدار قطنی، ۴۶.

۸. المدخل الی الصحیح، القسم الاول، دراسة و تحقیق د. ربیع بن هادی عمیر المدخلی مؤسسه الرساله،

۹. همانجا، مقدمه.

بیروت، ۱۹۸۴/۱۴۰۴.

سئالات الحاکم للدار قطنی: که عنوان کامل آن سئالات الحاکم النیسابوری للدار قطنی فی الجرح و التعديل است و توسط مکتبه المعارف، در شهر ریاض، به سال ۱۹۸۴/۱۴۰۴، به تصحیح موفق بن عبدالله، چاپ شده است. این کتاب کوچک یکی از مهمترین کتب جرح و تعديل است و موضوع آن پرسشهایی است در باب هویت و درجه اعتبار روائی رجالی که حاکم از دار قطنی (۳۰۵-۳۸۵) درباره ایشان پرسیده و او به نقد و بررسی شخصیت یک آنان پرداخته است. کتاب شامل حدود ۵۳۱ زندگینامه است.^۱ الاربعین: سبکی^۲ تصریح دارد که کتاب الاربعین حاکم را دیده و از آن مطلبی نقل می کند و همچنین حاج خلیفه^۳ از آن نام برده است ولی در کتابشناسی های موجود و فهرس کتابخانه ها، اثری از این کتاب حاکم دیده نمی شود.

آمالی العشیات: ابن خلکان^۴ و حاجی خلیفه^۵ از این کتاب او نام برده اند و ظاهراً امروز نسخه ای از آن شناخته نیست.

معجم الشیوخ: یا به گفته ابن خلکان^۶ تراجم الشیوخ که از عنوان آن چنان پیداست که در حقیقت «مشیخه» اوست، یعنی شرح حال کسانی که وی از ایشان سماع حدیث داشته است. از این کتاب نیز خبری در دست نیست.

فوائد الشیوخ: یا الفوائد که نسخه ای از آن در کتابخانه ظاهریه دمشق، باقی است و در قرن هشتم کتابت شده است از آنجا که بر طبق کتابشناسی موجود، در مجموعه ای به شماره ۶/۵۵ (۷۲ b-۵۸ a) معرفی شده است حجم آن حدود ۱۴ ورق بیشتر نیست.^۷

کتاب الضعفاء: ابن حجر از این کتاب نام برده و به مطلبی از مطالب آن اشارت کرده است.^۸ با اینهمه بعضی از معاصران ما حدس زده اند که این کتاب بخشی از همان کتاب المدخل الی معرفة الصحیحین است زیرا در آغاز آن ۲۳۴ تن از ضعفا را، که روایت از ایشان روا نیست، معرفی کرده است.^۹

تسمیه من أخرجهم البخاری و مسلم: چنانکه از نام آن پیداست بحثی است درباره رجالی که در دو صحیح بخاری و مسلم ذکر ایشان آمده است. به گفته سزگین نسخه ای از

۱. مراجعه شود به مقدمه سئالات الحاکم النیسابوری، صفحه ۵۱ به بعد.

۲. طبقات الشافعیه / ۱۶۷.

۳. کشف الظنون، ۵۵/۱.

۴. وفیات الاعیان، ۲۸۰/۴.

۵. کشف الظنون، ۱۶۵/۱.

۶. تاریخ التراث العربی، ۴۵۷/۱.

۷. وفیات الاعیان، ۲۸۰/۴.

۸. لسان المیزان، ۲۳۳/۵ عبارت او چنین است: «أند ذکر جماعة فی کتاب الضعفاء له و قطع بترکی الروایة عنهم».

۹. مقدمه مصحح سئالات الحاکم النیسابوری للدار قطنی، ۴۶.

آن در کتابخانه ظاهرته دمشق، در بخش کتب حدیث ۱/۳۸۸ (اوراق ۱a-۲۸a) باقی است و در حدود ۷۰۴ هجری کتابت شده است.^۱

مِلَّلُ الْحَدِيثِ: یا به تعبیر ابن خلکان العِللُ اکتابی است که حاج خلیفه^۲ از آن یاد کرده و امروز اطلاعی از آن در دست نیست. تصور می‌کنم ابن خلکان خود این کتاب را ندیده بوده است و از روی عبارت بعضی از قدما مانند عبدالغافر فارسی^۳ و خلیلی قزوینی^۴ به چنین تصویری رسیده بوده است. ذهبی هم در بحث از کتابهای او می‌گوید: فاتفق له من التصانيف مالمعه يبلغ قريباً من الف جزء من تخریج الصحیحین و العلل و التراجم و الابواب و الشیوخ، ثم المجموعات مثل: «معرفة علوم الحدیث» و «مستدرک الصحیحین»^۵ و... که ظاهراً تألیفات او آنهایی است که صریحاً از آنها نام می‌برد مانند «معرفة علوم الحدیث» آن بخش اول از قبیل تخریج الصحیحین و العلل در حقیقت زمینه‌های کار و موضوعات کار و تألیفات اوست نه عناوین ویژه تألیفات او. ابن خلکان همچنین کتابی دیگر نیز از حاکم نام می‌برد که ظاهراً از همین مقوله است: «ما تفرّد به کُلُّ من الأماثین»^۶

سؤالات السجزی للحاکم: عنوان چاپ شده کتاب این است: «سؤالات مسعود بن علی السجزی مع اسئلة البغدادیين عن احوال الزواة» که توسط موفق بن عبدالله بن عبدالقادر تصحیح انتقادی شده است و در ۱۴۰۸/۱۹۸۸ در بیروت انتشار یافته است. مسعود بن علی سجزی نیشابوری از شاگردان حاکم بوده و این سؤالات را درباره مجموعه‌ای از رجال حدیث مطرح کرده و حاکم به نقد احوال آنان پرداخته است.^۷

مفاخر الرضا: در منابع شیعی از قبیل «الثاقب فی المناقب»^۸ ابن حمزه (قرن ششم)

۱. تاریخ التراث العربی، ۱/۴۵۷. ۲. وفیات الاعیان، ۲/۲۸۰.

۳. کشف الظنون، ۲/۱۱۶۰.

۴. در السياق، تلخیص دوم ۱۲ که می‌گوید: «اتفق له من التصانيف... من تخریج الصحیحین و العلل و التراجم و الابواب و الشیوخ».

۵. در الارشاد الی معرفة علماء الحدیث ۳/۸۵۲ که می‌گوید: «بَلَّغَتْ تصانيفه الكتب الطوال و الابواب و جمع الشیوخ الكثيرين و المقليين».

۶. تاریخ الاسلام، ۱۲۸ (۴۰۱-۴۲۰).

۷. وفیات الاعیان، ۲/۲۸۰. ۸. چاپ بیروت، دارالغرب الاسلامی ۱۴۰۸/۱۹۸۸.

۹. الثاقب فی المناقب، ۴۳۸، ۴۹۶ و ۵۴۶ و نیز مراجعه شود به مقاله «اهل البيت فی المكتبة العربیة» از عبدالعزیز طباطبائی در تراثنا، العدد الثالث (۲۰) السنة الخامسة، رجب ۱۴۱۰ صفحه ۹۵ که می‌گوید صاحب فریعه ۲۲/۳۲۷ ازین کتاب به نام مناقب الرضا یاد کرده و مقایسه شود با ابن شهر آشوب معالم العلماء ۱۳۳.

کتابی از حاکم به نام مفاخرالرضا در مناقب امام علی بن موسی الرضا(ع) یاد شده و مطالبی به تفصیل از آن نقل شده است. از آنجا که تاریخ نیشابور حاکم کتابی بسیار مفصل بوده است و حاکم نسبت به حضرت شیفتگی بسیار داشته بعید نیست که بابتی که ویژه رضا(ع) پرداخته بوده است، این عنوان را داشته و بعداً به عنوان کتابی مستقل در این خصوص تلقی شده است.

در باب تشیع حاکم، این نکته قابل یادآوری است که ظاهراً هیچ یک از مؤلفان قدیم شیعه، درین باب تصریحی نداشته‌اند^۱ و اینکه حاکم مؤلف مناقب الرضا یا مفاخرالرضا همین مؤلف ما باشد نیز جای تردید هست.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی

درباره خلیفه نیشابوری، مترجم کتاب

در سراسر کتاب، دو بار، نام «خلیفه نیشابوری» آمده است. یک بار به عنوان محمد بن الحسین الخلیفه النیسابوری [۱۲۷۰۹] و یکبار هم در اواخر کتاب به صورت احمد محمد بن حسن احمد المعروف بالخلیفه النیسابوری [۲۷۸۸] و چنانکه خواهیم دید، اینها دو نفرند.

در هیچ جای دیگر، در کتب رجال، تا آنجا که جستجو کردم، اطلاعی در باب این شخص یا اشخاص نیافتم ولی در یک نسخه خطی از تاریخ یمنی، تألیف محمد بن عبدالجبار عتبی (۳۵۰-۴۳۱) خوشبختانه نکاتی درباره خلیفه نیشابوری آمده است که تا حدی از روزگار و احوال او پرده برمی دارد. از خلال آن نسخه کهن و بسیار نفیس تاریخ یمنی، که متن آن در تبریز به سال ۶۶۴ و حواشی آن در ۷۱۷ کتابت شده^۱ می توانیم اطمینان حاصل کنیم که: اولاً شخصی به این نام وجود داشته و در اوایل قرن هشتم، یعنی در ۷۱۷ در تبریز بوده است و در هنگامی که اجازه روایت تاریخ عتبی را از محمود بن عمر نجاتی نیشابوری می گرفته است جوانی بسیار فاضل و برجسته و ادیب بوده است.

این نسخه تاریخ عتبی که نسخه ای است بسیار مضبوط و کهن، برخوردار است از حواشی بسیار فاضلانه و دقیق یکی از ادیبان پایان قرن هفتم و آغاز قرن هشتم، از مردم

۱. الیمنی، للعتبی، نسخه عزت بک فویون، شماره ۱ فیلم شماره ۳۴۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، عکسی شماره ۶-۵۴۴ تاریخ کتابت فی الیوم العاشر من جمادی الاولی من شهر سنه اربع و ستین و ستمائه.

نیشابور به نام نجاتی.^۱ این نجاتی که درین نسخه ازو به عنوان «الامام المحقق و الحبر المدقق البازل العجل و الفاضل الجزل علامة الدهر افضل العصر ابو عبدالله محمود بن عمر النيسابوري النجاني ادام الله بقاءه و احسن جزاه» یاد می شود، خود اجازه روایت این کتاب و حواشی خویش را برین کتاب و نیز اجازه روایت دیگر کتب ادبی را به محمد بن حسین بن احمد المعروف بالخليفة النيسابوري، می دهد و حواشی این کتاب - که اثر نجاتی است - همه به خط همین خلیفه نیشابوری، در آن نسخه، کتابت شده است و در پایان آن این عبارات را می خوانیم: «کتب الحواشی بالخط المنحط كأرجل البط علی الشط اضعف عباده الله و أخو جهم الی عفرانه محمد بن حسین بن احمد المعروف بالخليفة النيسابوري. اللهم اغفره و لمن قال آمین»^۲ و در صفحه بعد پس از پایان کتاب در یک صفحه و چند سطر صورت اجازه ای که نجاتی برای خلیفه نیشابوری نوشته است عیناً ثبت شده است. از آنجا که بعضی از خصوصیات زندگی و شخصیت خلیفه از طریق آن عبارات روشن می شود بخشهایی از آن در اینجا نقل می شود:

«يقول... ابو عبدالله محمود بن عمر النجاني جعله الله في الدنيا من السعداء... تواضع الامام البحر و الهمام الحبر صاحب الآيات و سابق الزمان المزين بالمعارف العرشية محمد بن الحسين بن احمد المعروف بالخليفة النيسابوري متعه الله و ايانا بر يعان شبابه و خصائص علومه و آدابه. استجاز أن يروي عنى «اليمينى» المنسوب الى السلطان المعظم يمين الدولة... بعدما قرأه على من أوله الى آخره... فأجزت له روايتهما خصوصاً و ساير ما اجازنى الاساتذة من الكتب الأدبية و الدواوين العربية عموماً...» تاریخ این اجازه، ده شب گذشته از جمادى الاولى سال ۷۱۷ است و محل اجازه شهر تبریز.

از مجموع عبارات اجازه این قدر مسلم می شود که محمد بن حسین بن احمد معروف به خلیفه نیشابوری، درین تاریخ، یعنی دهم جمادى الاولى ۷۱۷ در تبریز بوده و در خدمت محمود بن عمر نجاتی نیشابوری از ادیبان برجسته عصر، به تلمذ اشتغال داشته است. از توضیحی که نجاتی درباره جوانی او می دهد، می توان حدس زد که وی درین

۱. درباره حمیدالدین ابو عبدالله محمود بن عمر نجاتی نیشابوری مراجعه شود به کشف الظنون، ۱/۲۲۹ و فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار ۵/۲-۴۴۴ و نیز محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، ۲۵۸ و مجله مهر صفحه ۲۳۰، شماره ۳ سال پنجم (مرداد ۱۳۱۶) بنابر نوشته ابن یوسف در پایان نسخه عروض نجاتی، موجود در کتابخانه سپهسالار، دعای «اصلح الله احواله و حقق آماله» آمده است که می توان دانست وی تا ۷۳۸ زنده بوده است.

تاریخ، احتمالاً، در سنّ حدود بیست سالگی بوده است. رَبْعَانِ شَبَاب، که لغتاً به معنی اوج و آغاز آن است، با حدود بیست سالگی قابل تطبیق است. پس می توان حدس زد که او در آخرین سالهای قرن هفتم و حدود ۶۹۰ هجری متولد شده است و درین سالها، که به کتابت حواشی نجاتی پرداخته، یعنی ۷۱۷، سرگرم فراگیری علوم ادب بوده است. اگرچه تعبیراتی از نوع «الامام البحر» و «فرید اهل الزمان» و امثال آن که در عبارات نجاتی درباره او آمده است، سنّ و سال او را بیشتر از اینها ممکن است نشان دهد.

از آنجا که حواشی این نسخه از تاریخ یمنی به خطّ این محمد بن حسین بن احمد معروف به خلیفه نیشابوری است می توان نمونه خط و میزان دقت او را در کتابت یک متن ادبی بسیار فنی دریافت و خود در آخر این حواشی تصریح دارد که تمامی حواشی به خطّ اوست: «وَ كَتَبَ الْحَوَاشِي بِالْخَطِ الْمُنْحَطِّ... مُحَمَّدُ بْنُ حُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَعْرُوفَ بِالْخَلِيفَةَ النَّيْسَابُورِيَّ»^۱.

نکته قابل یادآوری این است که کتابت متن اصلی تاریخ یمنی چندین سال قدیمی تر ازین تاریخ است، در جمادی الاولی ششصد و شصت و چهار کتابت شده است و ظاهراً سالها و سالها متن بدون حاشیه بوده است تا در ۷۱۷ بر دست خلیفه نیشابوری آن حواشی بر آن افزوده شده است و این احتمالاً به هنگامی بوده است که خلیفه نیشابوری متن تاریخ یمنی را نزد نجاتی به درس می آموخته است.

حال که روزگار حیات و حدود سال تولد خلیفه نیشابوری روشن شد، با اطمینان خاطر می توان گفت که این نسخه - که امروز از تاریخ نیشابور خلیفه، در اختیار ماست - صورت تغییر شکل یافته ترجمه و تلخیص اوست، یعنی در فاصله حدود ۶۹۰ تا ۷۵۰ که دوره احتمالی حیات خلیفه است و روزگار کتابت این تلخیص که مسلماً باید بعد از هشتصد و هشت باشد، این کتاب دستخوش تغییراتی شده است و در آن بعضی وقایع قرن نهم را نیز وارد کرده اند از قبیل اشارت به زلزله نیشابور در تاریخ یکشنبه آخر جمادی الاول ۸۰۸.

شاید اگر متن اصلی تاریخ نیشابور خلیفه روزی در جایی بدست آید با آنچه ما اکنون در اختیار داریم تفاوت های بسیاری داشته باشد. چنان می نماید که کتابت این نسخه - هر که هست - به هنگام بازنویسی، ضمن کتابت حذف و تلخیصهایی در آن روا داشته است و اطلاعاتی نیز بر آن افزوده است یا کتابت، این نسخه را از روی چنان متنی - که بعد از

روزگار خلیفه دستخوش تغییر شده است - کتابت کرده است. قدر مُسَلَّم این است که کاتب، اگرچه خطی تا حدودی خوانا و خوش داشته است اما بسیار بی دقت بوده، به حدی که «روضه» به معنی مزار و باغ را به صورت «روزه» آورده و احتمالاً این تغییرات و اغلاط نتیجه آن بوده است که یک نفر متن را قرائت می کرده و دیگری کتابت و طبعاً به هنگام شنیدن، در تشخیص «روضه / روزه» دچار اشتباه می شده است. گذشته از اینها کاتب نسخه در ادب عرب چندان مایه و پایه ای ندارد و غالباً عبارات و شعرهای عربی را غلط و ناقص نوشته و بنا درست اعرابگذاری کرده است. پس تردیدی نیست که متن حاضر با ترجمه خلیفه تفاوتی دارد.

از آنجا که یکبار نام تلخیص کننده یا مترجم به عنوان محمد بن الحسین بن احمد المعروف بالخلیفة النیسابوری آمده است و یکبار به صورت احمد محمد بن حسن احمد المعروف بالخلیفة النیسابوری که ظاهراً صورت درست آن احمد بن محمد بن حسین [بن] احمد است می توان حدس زد که این تغییرات در تلخیص تاریخ خلیفه بر دست یکی از فرزندان او به نام احمد انجام گرفته است. یعنی تلخیص کننده اصلی که در تبریز، در اوایل قرن هشتم، نزد نجاتی به تحصیل ادب اشتغال داشته است نامش محمد بن حسین بن احمد است و این تغییرات بر دست یکی از فرزندان او به نام احمد بن محمد بن حسین بن احمد انجام گرفته است و هم اوست که وقایع را تا تاریخ ۸۰۸ کشانده است و این بسیار طبیعی است. اینک به عبارت متن، به صورت اصلاح شده ما، توجه کنید که می گوید: «بعضی آنچه - که امثال التماس ایشان واجب بود - درخواست کردند از بنده کمترین احمد [بن] محمد بن حسین [بن] احمد المعروف بالخلیفة النیسابوری تاب اللہ علیہ، تا اسامی بزرگان - که در نیشابور آسوده اند - در قلم آورد»^۱ از این عبارت، دانسته می شود که آن بخش از کتاب، که اتفاقاً بسمله و خطبه جداگانه دارد، افزوده این احمد پسر محمد بن حسین خلیفه است و میان این نوشته و افزوده و آن تلخیص، حداقل نیم قرن فاصله است و یادآوری این نکته نیز ضرورت دارد که آنچه در بخش پایانی کتاب به عنوان تلخیص از طبقات الصوفیة سلمی نقل شده است، احتمالاً یا بر دست همین «احمد» پسر محمد بن حسین خلیفه انجام شده است یا کاتب این افزوده را بوجود آورده است. بسیار بعید است که تلخیص کننده اولی، یعنی محمد بن حسین خلیفه که در ۷۱۷ در تبریز به کتابت حواشی یمینی پرداخته بوده است، دست به این کار زده باشد.

۱. اصل: درخواست.

۲. متن حاضر، شماره ۲۷۸۸.

در مورد این افزوده، که صورتِ مُحَرَّف و مغلوطنی است از تلخیص طبقات الصوفیه سُلمی - و ما آن را براساس چاپ نورالدین شریبه از طبقات سُلمی اصلاح کردیم - باید یاد آور شوم که ضمیمه این کتاب شدنش گویا به این علت است که اغلب این مشایخ از خراسان و نیشابور بوده‌اند و تلخیص‌کننده برای تکمیل بخش مزارات و مقابر آخر کتاب آن تلخیص را بر کتاب افزوده است و به هر حال نوعی ضمیمه طبیعی این کتاب تلقی می‌شود.

سبک مترجم

عصر ترجمه، یکی از ادوارِ ضعیفِ نثرِ پارسی است و مترجم این کتاب، بیرون از حوزه تاریخی و فرهنگی خود نمی‌توانسته است باشد. بنابراین کوششهایی که برای ایجاد صنایعی از قبیل انواع سجع‌ها و تقابلهای و تضادها دارد، چنان با تظاهر به صنعت‌سازی همراه است که قبل از آنکه بتواند لذتی در خواننده ایجاد کند، از دور فریاد می‌زند که اینجا می‌خواهم سجع بیاورم و اینجا قصدم صنعت تضاد یا تقابل است:

(۱) «و برزان جاه... را از آن معاود مخافت تمام مراجعه کرد و قوی / ضعیف و سخت / سُست و حال او نیک / بد شد.» [۲۷۲۶] و به اختلاف احوال سال، به شتا و مصیف و اتفاق ایام و لیال، به ربیع و خریف، صحاری و براری و جبال و طلال آن را مظهر اظهار اجناس آزا و انتشار انواع انوار ساخت» [۱۸].

که تقریباً نیازی به انتخاب نمونه ندارد و در سراسر کتاب این تمایل مترجم به صنعت‌سازی آشکار است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ارزشهای این کتاب

همین مختصر بازمانده از تاریخ نیشابور، برای اهل تحقیق دارای ارزشهای بیشمار است. در تصحیح اغلب کتابهای بزرگ تمدن اسلامی از قبیل تاریخ بغداد (خطیب بغدادی) و سیر اعلام النبلاء و تاریخ الاسلام و تذکرة الحفاظ (هر سه از شمس‌الدین ذهبی) و ده‌ها بلکه صدها کتاب و رساله دیگر، حتی بعضی از متون بسیار مهم شیعی از قبیل صیون اخبار الرضا (ع) از همین مختصر می‌توان پیوندها جست. کافی است برای نمونه به چاپ کاملی که اخیراً از تاریخ الاسلام ذهبی^۱ در حال نشر است توجه شود. مصحح کتاب که حتی المقدور کوشیده است، بسیاری از زندگینامه‌ها را از مراجع دیگر تخریج کند، در مواردی، کارش به بن بست کشیده و آن مواردی است که ذهبی از تاریخ نیشابور حاکم بهره برده بوده است و مصحح تاریخ الاسلام، به علت غفلت از همین مختصر، در ضبط بسیاری از نام‌ها و نسبت‌ها دچار خطا و خبط گردیده و بسیاری موارد هم به در ماندگی خویش اشارت کرده است که شاید این مطلب منقول از تاریخ نیشابور است.^۲ از مقایسه بسیاری از زندگینامه‌های تاریخ الاسلام با متن کتاب حاضر می‌توان دریافت که همین متن مختصر، اطلاعاتی که در اختیار ما قرار می‌دهد بسی دقیق‌تر و گسترده‌تر از چیزی است که ذهبی در تاریخ الاسلام نقل کرده است. در ضبط نسبت‌ها و بویژه اماکن،

۱. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، للحافظ شمس‌الدین محمد الذهبی، تحقیق الدكتور عمر عبدالسلام التدمری، دارالکتاب العربی، بیروت.

۲. از جمله برای نمونه در شماره‌های: ۸۱۲، ۸۶۴، ۸۹۸، ۹۹۹، ۱۰۱۸، ۱۱۱۷، ۱۱۴۴، ۱۴۵۳، ۱۴۶۵، ۱۴۷۶، که ما در تعلیقات این کتاب به آن اشارت کرده‌ایم.

متن حاضر به مراحل دقیق‌تر و گویاتر از تاریخ الاسلام است، گویی ذهبی برای نسبت جغرافیائی و نیز اماکن چندان اهمیت قائل بوده است.

البته در مرحله اول، ارزش این کتاب، وابسته به جغرافیای تاریخی نیشابور بزرگ است که بخش عظیمی از خراسان کنونی را شامل می‌شود. بویژه آنچه در باب ربيع‌های نیشابور دارد و نیز ولایات پیوسته بدان و مخصوصاً ساختار نیشابور کهن و سوابق تاریخی آن، چه در دوران قبل از اسلام و چه در عصر اسلامی تا قرن چهارم. در این بخش اطلاعات منحصر بفرد این کتاب بسیار ارزشمند است و اگر در جای دیگر اشارتی به این مطالب شده باشد به احتمال بسیار زیاد، گرفته شده از همین کتاب، یا از نسخه اصلی تاریخ نیشابور است.

افزوده‌هایی که مترجم وارد کتاب کرده، بجای خود دارای ارزش است و او کوشیده است بعضی تحولات مرتبط با شهر نیشابور را، بویژه به لحاظ اطلاع از مقابر و حظایر و مساجد تا عصر خود (یعنی قرن هشتم) برساند و اطلاعی که درباره بودن یا نبودن بعضی از ابنیه نیشابور، که حاکم از وجود آنها خبر داده، می‌دهد خود، بهر حال بخشی از سرگذشت نیشابور است. در همین افزوده‌های مترجم هم اطلاعات رجالی در باب بعضی از مشایخ صوفیه و یا شاعران و ادیبان دوره‌های بعد از غزها و تاتارها نیز نکات مهمی می‌توان یافت مثلاً نامه امام فخررازی خطاب به سیدصدرالدین حسینی و اشاراتی که به زلزله‌های نیشابور در دوره‌های بعد از روزگار حاکم آورده است.

بخش زندگینامه‌ها که مشتمل بر احوال دوهزار و ششصد و هشتاد تن از دانشمندان و بزرگان نیشابور است، برای مورخان فرهنگ ایران و اسلام، سرچشمه‌ای است که می‌تواند بسیاری از پرسشهای بی‌پاسخ را جواب گوید و تا کسی در جستجوی این‌گونه مسائل نباشد، قدر و قیمت این نوع مطالب را کمتر می‌تواند دریابد.

بخش زندگینامه‌ها که بظاهر فهرستی از نام‌ها جلوه می‌کند، گذشته از سندیت مهمی که در حوزه شناخت این گروه دانشمندان دارد، حتی از دیدگاههای دیگر هم قابل بررسی و تحلیل است. از این دیدگاه، نیازی به آن ندارد که شما در جستجوی هویت تاریخی فلان شخص یا فلان نسبت یا فلان روستا باشید، بلکه ترکیب اجتماعی این مجموعه نامها، نسبت‌ها، کنیه‌ها، و القاب می‌تواند خودبخود موضوع مهم‌ترین مطالعات در جامعه‌شناسی تحولات تاریخی ایران چهار قرن اول عصر اسلامی باشد.

چنانکه جای دیگر هم به آن اشارت کرده‌ام اگر «نسبت»های این افراد را به لحاظ وابستگی به قبایل عرب تحلیل کنیم که اغلب آنها دارای نسبت «سُلَمی»، «قُریشی»،

«تمیمی»، «دُهلی»، «قُشیری»، «خزاعی»، «عامری»، «شیبانی» و «ثقفی» هستند، درجه عرب‌گرایی جامعه ایرانی را در عصرِ ظهور شاهنامه بخوبی احساس می‌کنید و درمی‌یابید که فردوسی درجه لحظه حساس و خطیری دست به کار سرودن شاهنامه زده است در لحظه‌ای که مردم فارسی‌زبان، فارسی سخن گفتن با کسی را که عربی هم می‌توانسته است سخن بگوید، به نوعی حرام می‌دانسته‌اند، یعنی فارسی سخن گفتن، به هنگام ضرورت و در وقتی که طرف مطلقاً عربی ندانسته باشد، می‌تواند جواز شرعی پیدا کند و گرنه گناه است و درین باب حدیثی نیز از رسول (ص) نقل کرده‌اند و بر ساخته‌اند^۱ در چنین جامعه‌ای که همه از دانشمند گرفته تا کارگر سفال‌ساز نامشان و گفتارشان و کنیه‌شان و نسبتشان عربی است و کوچکترین نشانه‌ای از ایرانی بودن در وجود آنان باقی نمانده است. توجه داشته باشید که مسلمان شدن چیزی است و عرب‌مآب شدن چیزی دیگر.

جامعه‌شناسی این نامها و نسبت‌ها و کنیه‌ها به ما نکته‌های بسیار دیگری نیز می‌آموزد و نشان می‌دهد که در مرکز علمی نیشابور از تمامی اقطارِ عالم اسلامی از مرز چین تا اندلس، مهاجرانی بوده‌اند که یا برای تحصیل و یا برای تدریس بدانجا آمده بوده‌اند و تنوع این نسبت‌ها و درجه دوری و نزدیکی شهرها و روستاهایی که زادگاه اولیه این دانشمندان بوده است خود موضوع تحقیقی جداگانه می‌تواند باشد.

یکی دیگر از فوایدی که از بررسی این مجموعه نامها می‌توان استخراج کرد، رابطه «کنیه‌ها» و «نامها» است. توجه دارید که اغلب این دانشمندان کنیه‌ای دارند که با «ابو» آغاز می‌شود مانند «ابو عبدالله، محمد» یا «ابوالحسن، علی» که ابو عبدالله کنیه است و محمد نام و ابوالحسن کنیه است و علی نام. از مطالعه آمارگونه این کنیه‌ها تا حدی می‌توان به نوعی حکم کرد که اعمّ اغلب «ابوالحسن»ها علی نام دارند و بیشتر «ابو عبدالله»ها محمد و تقریباً بیشتر «ابوالقاسم»ها حسن‌اند. از روی این رابطه کنیه‌ها و نام‌ها شاید بتوان در مواردی که کنیه کسی مُسَلَّم است و نام او مورد تردید، تصمیم گرفت؛ مثلاً، اگر مُسَلَّم باشد که مُسَلَّم است یقیناً کنیه فردوسی «ابوالقاسم» است، وقتی درباره نام او که آیا «منصور» است یا «حسن» شک کنیم می‌توانیم از روی این فرمول «حسن» را انتخاب کنیم. یکی دیگر از فواید بررسی جامعه‌شناسانه این نام‌ها و نسبت‌ها، مطالعه در توزیع

۱. کلمة بالفارسیة مَن یُحسِنُ العربیة لَمَن یُحسِنُها خطیبة یعنی هر که در زبان عربی تواناست، با کسی که عربی را درمی‌یابد، اگر بفارسی سخن گوید، مرتکب گناه شده است. حماسة الطَّرَفاء، عبدالکافی،

جغرافیائی قبایل عرب است در خراسان چهار قرن اول اسلامی که خود در تاریخ سرزمین ما دارای کمال اهمیت است و جز از این راه شاید نتوان به سندی در این باب دست یافت. یکی دیگر از فواید مطالعه در بخش نامهای این کتاب، همان نکته رسیدگی به سیطره ولایت عاطفه بر عقل است که پیش از این به آن اشارت رفت و در حقیقت نشان‌دهنده گوهر تاریخ اجتماعی ماست که در آن همواره، فقه بر فلسفه و عرفان بر منطق و عاطفه بر تجربه حق ولایت خود را اعمال کرده‌اند.

یکی از مسائلی که درجه عرب‌گرایی نیشابور را در قرن سوم و چهارم، بخوبی نشان می‌دهد، علاوه بر نکاتی که پیش از این یاد کردیم، مجموعه سفالهای بازیافته از نیشابور این عصر است که امروز در موزه‌های جهان پراکنده است و میان حدود یکصد و چهل ظرف سفالین نیشابوری این عصر، که در کتابی گرد آمده است و مؤلف آن به قرانت کتیبه‌های این ظروف، که مجموعه‌ای است از قدح‌ها و کاسه‌ها، پرداخته حتی یک جمله فارسی وجود ندارد.^۱ تمام کتیبه‌ها عبارات و شعرهای عربی است. آنچه از مقوله حدیث پیامبر یا بزرگان صحابه از قبیل امام علی بن ابیطالب است، کاملاً توجیه‌پذیر است ولی دیگر نوشته‌ها که غالباً شعرهایی است از شعرای عرب یا ضرب‌المثلها و حکمت‌هایی، ظاهراً اولوی برای عربی بودن آنها وجود ندارد، جز اینکه محیط فرهنگی در سیطره زبان عربی است. حتی برای نمونه یک عدد هم کتیبه فارسی بر روی این ظروف نقش نبسته است. بسیار طبیعی است که خاندانهای عرب و عرب‌گرای اشرافی این عصر نیشابور، چنین تمایلی داشته باشند. اما نکته قابل تأمل بیشتر این است که نام کارگران و صنعتگرانی که این ظروف را بوجود آورده‌اند نیز همه، بدون استثنا، عربی است از قبیل احمد، اخول، بدر، سلیمان، سهیل، یعقوب و یک نفر هم «عبویه» که مسلماً صورت تغییر شکل یافته یک نام عربی است.^۲

البته یک نکته در اینجا قابل یادآوری است و آن اینکه این ظروف که غالباً محصول حدود ۲۵۰-۳۵۰ هجری‌اند، در عصری بوجود آمده‌اند که ظاهراً ادبیات فارسی جدید (دری) هنوز آن گسترش لازم را نداشته و حکمت‌های رایج و روانی که مثل ابیاتی از شاهنامه بتواند حالت مثل و حکمت بخود گیرد، کمتر داشته است یا اگر داشته، هنوز به میان توده‌های مردم راه نیافته بوده است. هرچه باشد مجموعه این عوامل، درجه اهمیت مقام فردوسی و دیگر شاعران بزرگ قرن چهارم، و در صدر آنان رودکی را، در احیای زبان

۱. کتیبه‌های سفال نیشابور، به کوشش عبدالله قوچانی، موزه رضا عباسی، تهران ۱۳۶۴.

۲. همان کتاب، ۱۹.

و فرهنگ ملی ما بخوبی روشن می‌کند. اینگونه نکات کم‌اهمیت که گفتم، حداقل فایده بخش زندگینامه‌های این کتاب است و گرنه در همان قسمت هم اطلاعات تاریخی و عرفانی و ادبی منحصر بفرد کم نیست. بسیاری مطالب هست که فقط در این کتاب دیده شده است و تا آنجا که من اطلاع دارم در جای دیگر نیامده است یا بدان تفصیل و شکل نیست.

چاپهای این کتاب

در ۱۳۳۹، چاپی از این کتاب به همت مرحوم دکتر بهمن کریمی، توسط انتشارات ابن سینا انتشار یافته است که ما اجمالاً سخنی چند در باب آن می‌گوئیم و داوری تفصیلی در باب آن را به کسانی واگذار می‌کنیم که حوصله داشته باشند آن چاپ را با متن حاضر مورد مقایسه قرار دهند یا دست‌کم آن چاپ را با اصل نسخه عکسی آن مطابقت کنند. بر روی هم چاپ مرحوم دکتر کریمی دارای این نقص‌هاست:

(۱) افتادگی عبارات و جملات، در حد بسیار وسیع که گاه به یک بند و ثلث صفحه می‌رسد.

(۲) افتادگی کلمات و نامها که از حد بیرون است.

(۳) بدخوانی کلمات و عبارات که تقریباً در هر صفحه‌ای گاه چندین نمونه دارد.

(۴) غلط‌های مطبعی بیش از حد معمول در کتب فارسی مشابه. از آنجا که این مقدمه مجال نقد تفصیلی کار آن مرحوم را ندارد خوانندگان را به مطالعه نقد استاد فرای بر آن چاپ دعوت می‌کنیم.^۲ و یادآور می‌شویم که در همان دو سطر اول کتاب - که استاد فرای به آن توجه نکرده است - برای نمونه چند افتادگی وجود دارد:

«بسم الله الرحمن الرحيم. ربِّ یَسْرُ و تَمُّم [بالخیر] حمد و سپاس [و سه پاس] لایق، بعددِ انفس و انفاسِ مخلوقِ مرخالیقِ قدیم را.» کلماتی که در [] نهاده شده است در اصل

۱. با این مشخصات: تاریخ نیشابور، تألیف الحاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه بن النعمان الضبئی الطهمانی النیسابوری، «تلخیص» احمد بن محمد بن الحسن بن احمد المعروف «بالخلیفة النیسابوری» به سعی و کوشش دکتر بهمن کریمی استاد دانشکده افسری و عضو هیئت علمی جغرافیائی آسیائی پاریس، ناشر: کتابخانه ابن سینا، تهران، چاپخانه اتحاد (تاریخ مقدمه اول مهر ۱۳۳۹) که حتی در پشت جلد کتاب هم اشتباه دیده می‌شود، در نسبت مؤلف با اینکه این بخش را خوش‌نویسی و کلیشه کرده‌اند و از مقوله غلط مطبعی نیست. صحیح آن الطهمانی است نه الطهمانی. اشاره انتقادی فان‌اس در «متونی درباره کرامیه»، حاشیه شماره ۱۷۶ در مجله معارف، شماره ۱ دوره هم (فروردین - تیر ۷۱) صفحه ۱۰۱ دیده شود.

2. *The Histories of Nishapur*, Edited by Richard N. Frye, P. 17-19.

نسخه هست و در چاپ مرحوم دکتر کریمی نیامده است. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. هرگونه توضیح بیشتر از مقوله خوارشمردن زحمات دیگران است که **أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنَ شَرِّهِ**.

درباره چاپ استاد ریچارد فرای

پروفسور، ریچارد فرای، استاد دانشگاه هاروارد، در ۱۹۶۵ مجموعه سه کتاب در باب تاریخ نیشابور را (به صورت عکسی) در سری شریقات دانشگاه هاروارد منتشر کرده است. این سه کتاب عبارتند از عکس نسخه حاضر و نیز عکس کتاب *السیاق عبدالغافر فارسی* و منتخب کتاب *السیاق صریفینی* که ما، جای دیگر، در باب آنها سخن گفته‌ایم و اجمالاً یادآور می‌شویم که آن دو کتاب دیگر تماماً به زبان عربی است و فقط شامل زندگینامه دانشمندانی است که از نیشابور برخاسته‌اند یا در نیشابور بوده‌اند. آن دو کتاب دیگر در حقیقت تکمله و ذیلی بر تاریخ نیشابور الحاکم یعنی کتاب حاضر به حساب می‌آیند. عبدالغافر فارسی ذیلی بر تاریخ نیشابور نوشته و صریفینی آن ذیل را تلخیص کرده است. استاد فرای در مقدمه خویش بر این مجموعه چاپ عکسی یادآور شده است که قصد داشته است به توصیه استاد هلموت ریتز کتاب حاضر را به صورتی حروفی و به شیوه انتقادی نشر دهد ولی هنگامی که مرحوم دکتر بهمن کریمی، در تهران، به صورت حروفی، چاپی از این کتاب را نشر داده است، استاد فرای دیگر از صرافت این کار افتاده و ترجیح داده است که مجموعه آن سه کتاب را فقط به صورت عکسی در اختیار محققان قرار دهد. اما در مقدمه خویش نقدی اجمالی بر چاپ دکتر کریمی نوشته و مقداری از افتادگیها و غلط‌خوانیهای شادروان دکتر کریمی را یادآور شده است.

ملاحظات استاد فرای در باب چاپ دکتر کریمی، دارای اهمیت است، و بخشی از نواقص کار او را نشان می‌دهد اما آنچه از ملاحظات استاد فرای بدست می‌آید بخش بسیار ناچیزی از افتادگیها و ضعف‌های چاپ دکتر کریمی است که ما بعداً در باب آن جداگانه بحث خواهیم کرد.

استاد فرای، در مقدمه خویش به بحث در اهمیت این سه متن پرداخته و سپس هرکدام از آنها را، هم به لحاظ محتوی و هم به لحاظ نسخه‌شناسی، معرفی کرده است و در آغاز بحث خویش، سخنی نیز از تاریخ نیشابور کهن دارد.

در بخش ملاحظات انتقادی در باب چاپ دکتر کریمی استاد فرای، از مقایسه نسخه اصل با چاپ دکتر کریمی متوجه افتادگیهای بسیاری شده که تمامی آنها را در صفحات

۱۷- ۲۰ مقدمه خویش یادآور شده است و همچنین چندین قرائت خوب و تصحیح قیاسی در باب دو سه شعر عربی و بعضی نامها عرضه کرده است که قابل توجه است و ما به نام ایشان آن ملاحظات را در تعلیقات این چاپ نقل کرده‌ایم. البته بعضی از پیشنهادهای ایشان نیز قابل قبول نیست، اگرچه ایشان اصراری بر صحت آن نداشته و با قید احتیاط آن پیشنهادها را عرضه کرده است. مثلاً، قرائت نسبت الحاحانی را که دکتر کریمی الیختانی خوانده است در صورتی که به تصریح سمعانی و ابن‌اثیر این کلمه الجبّاحانی است. به هر حال استاد فرای ناشر این مجموعه، بزرگترین خدمت را به محققانی که در تاریخ نیشابور به مطالعه می‌پردازند کرده است و همگان باید از ایشان درین باب سپاسگزار باشند و ما نیز بسیار سپاسگزاریم.

درباره چاپ حاضر

وقت خوانندگان را به تمام ویژگیهای این چاپ نمی‌گیرم زیرا توضیح در باب جزئیات آن، صفحات بسیاری را خواهد گرفت و خوانندگان این کتاب از دو گروه خارج نخواهند بود: یا بحث از این‌گونه دقایق برای ایشان از مقوله تضييع وقت است یا خود اهل فن و صاحب تشخیص‌اند. ما را با گروه نخستین به هیچ روی کاری نیست، ولی، به گروه دوم اجمالاً می‌توان توضیح داد که کار تصحیح این کتاب، کار بسیار دشواری است و بدون مراجعه به کتابهای بیشمار رجال و تاریخ و جغرافیا، تقریباً هیچ سطری از آن را نمی‌توان تصحیح کرد و به گونه‌ای درآورد که با اطمینان بتوان گفت اصل سخن مؤلف یا مترجم همین بوده است. به همین دلیل اگر به تعلیقات مصحح مراجعه کنند، خواهند دید که در مورد اغلب این رجال ما کوشیده‌ایم صورت درست نام یا نسبت ایشانرا از کتابهایی از نوع تاریخ الاسلام ذهبی یا سیر اعلام النبلاء او یا معجم‌الادباء یا قوت یا الانساب سمعانی و در بسیاری موارد کتابهای نه‌چندان متداول و رایج که سیاهه بلندبالایی دارند بدست آوریم و این کار حوصله و تلاش بسیاری می‌طلبد. از آنجا که این کار در طول سالها و سالها انجام گرفته، امکان‌پذیر شده است و گرنه در یک مرحله پیوسته، واقعاً کشنده است و غیرقابل تحمل. می‌گویند: «معما چو حل گشت آسان شود» تعیین هویت این اشخاص که غالباً کاتب، آنها را غلط کتابت کرده و بخشی از مشخصات نام و نام پدر و کنیه آنان را نیز به گونه مُصَحَّف آورده است کار بسیار دشواری بود که با گذشت زمان حل شد و آسان گردید و اکنون به هنگام مراجعه خوانندگان دانسته می‌شود که این همان شخصی است که ذهبی در تاریخ الاسلام یا سمعانی در الانساب یا نسفی در القند او را آورده است

ولی در اصل نسخه عکسی این کار به این آسانی نیست و گاه افزودن یک نام مثلاً «احمد» در داخل [] که در اغلب صفحات این کتاب دیده می‌شود، روزها وقت مرا گرفته تا توانسته‌ام با اطمینان به این کار تصمیم بگیرم و دلایل قاطع به دست آورم که کتاب در اینجا خطا کرده و یک کلمه را از نظر انداخته است.

اگر به نسخه اصل مراجعه داشته باشید، صورت درست این نام و نسبت‌ها به هیچ روی قابل قرائت نیست یا کاتب غلط نوشته یا به علت نبودن نقطه تصمیم‌گیری بسیار دشوار است، تا هویت این شخص از طریق کتابهای دیگر، احراز قطعی نشود، نمی‌توان آن کلمه را قرائت کرد.

آوردن ضبط دقیق کلمات، تنها از طریق متون دیگر امکان‌پذیر بود ولی رسیدن به آن متن‌ها و تطبیق این اشخاص با آن موارد موجود در متون دیگر، واقعاً وقت و حوصله بسیاری می‌طلبد که به هر حال، خداوند تا حدودی آن را به مصحح کتاب عنایت کرد و این را نه از سر خود خواهی که از سر شکرگزاری می‌گویم و می‌دانم که:

لا یَعْرِفُ الشُّوقَ إِلَّا مَنْ يُكَابِدُهُ
وَلَا الصَّابَةَ إِلَّا مَنْ يُعَانِيهَا



مشخصات نسخه اساس

اصل نسخه متعلق است به کتابخانه مرکزی بورسای Bursa در ترکیه با این مشخصات: Hüseyin Çelebi، تاریخ ۱۸ به قطع ۱۷ × ۲۵ هفتاد و چهار ورق و هر صفحه دارای ۲۱ سطر به خط نسخ. تاریخ ندارد و حدس زده‌اند که در قرن پانزدهم میلادی / نهم هجری یا کمی بعد از آن کتابت شده باشد. نسخه در حقیقت سه قسمت دارد بخش نخست تاریخ نیشابور است و بخش دوم ضمیمه‌ای است که احتمالاً یکی از احفاد مترجم بر آن افزوده و مشتمل است بر بعضی اطلاعات در باب مقابر و حظایر نیشابور و بخش سوم خلاصه‌ای است از طبقات الصوفیه ابو عبدالرحمن سلمی.

این نسخه را استاد فرای در *The Histories of Nishapur* به صورت عکسی چاپ کرده است و فیلمی هم از آن به شماره ۱۴۵ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و به شماره ۲۳۶۶ عکسی نیز از آن برداشته شده و در کتابخانه مزبور محفوظ است.^۱ قصد مصحح این بوده است که همین تنها نسخه بازمانده ازین متن را به شیوه‌ای که بتوان بر آن اعتماد کرد، نشر دهد. بنابراین، از افزودن اطلاعات در داخل متن و در []

۱. مراجعه شود به فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳۹/۱ و نیز فرهنگ ایران‌زمین، ۳۴۷/۱، صفحات ۳۴۸-۳۶۲ و مقدمه استاد فرای بر چاپ عکسی متن در *The Histories of Nishapur*

حتی المقدور پرهیز شد و تنها در مواردی که متن افتادگی داشت - از رهگذر متونی که براساس تاریخ نیشابور حاکم، تألیف شده بودند و مستقیم یا غیرمستقیم نسخه اصلی متن ما را در اختیار داشتند - این کار انجام شد و در تعلیقات یادآوری گردید که افزوده داخلی [۱] از چه مأخذی و به چه دلیلی است. شاید اگر قصد ما بازسازی تاریخ نیشابور حاکم بود می توانستیم متن حاضر را دو برابر یا بیشتر کنیم و تراجمی را که درین کتاب باختصار آمده است و دیگران، از روی اصل تألیف حاکم، به تفصیل و عین عبارت نقل کرده اند، گسترش دهیم ولی این کار به عقیده مصحح نوعی نقض فرض است گرچه به جای خود و مستقلاً می تواند موضوع تحقیقی جداگانه قرار گیرد و همینجا یادآوری می شوم که اگر یکی از دانشجویان دوره های عالی مطالعات ایران و اسلام در گروه های ادبیات عرب یا تاریخ، نه در دانشگاه های ایران، بلکه در ممالکی که در آنجا تحقیقات دانشگاهی با روزنامه نگاری تفاوت دارد، بخواهد می تواند رساله دکتری خویش را بازسازی تاریخ نیشابور حاکم انتخاب کند و همین روش را که من در محدوده تصحیح این متن اعمال کردم، و با نوع همان مراجع، در مورد تمامی بندهای بازمانده از تاریخ نیشابور حاکم اجرا کند خود کتابی ارزشمند خواهد بود در حوزه اینگونه تحقیقات.

رسم الخط کتاب را حتی المقدور حفظ کردم با همه ناهماهنگی آن و با همه ضعف هایی که داشت ولی در مواردی برای آسان کردن قرائت متن، ناگزیر شدم که تغییراتی در رسم الخط ایجاد کنم. در مورد نام ها چون یادآور نوعی سنت بود شکل های قدیم را حفظ کردم مثلاً جرود / جارود یا ابرهیم / ابراهیم یا سلیمان / سلیمان و عثمان / عثمان و امثال آن.

بر روی هم کوشش من بر آن بوده است که ضبط درست عبارات و کلمات و حفظ صورت اصلی، تا جایی که قابل توجیه باشد، به کمک اسناد و مدارک دیگر، تحقق یابد و افتادگی های متن، از طریق متون دیگر ترمیم شود و عبارات و اسامی خاص، با استناد به اسناد کهن مشکوک شوند. هویت اعم اضلب اعلامی که متن درباره آنها صورتی مشکوک داشته، تعیین شده و به مراجع دیگر ارجاع داده شده است. در تعلیقات، هم به مسائل رجالی پرداخته شده و هم به دیگر مسائل.

بسیاری ازین اشخاص را، در هیچ جای دیگر، جز در متن اصلی و گمشده تاریخ نیشابور حاکم، نمی توان یافت زیرا زندگینامه اینگونه اشخاص در هر کتابی که باشد از طریق تاریخ نیشابور او بوده است و ما می دانیم که بسیاری از کسانی را که او در کتاب خود آورده، دیگران، به کتابهای خود نقل نکرده اند پس تنها در کتاب او باید به

جستجوی آنان پرداخت، کتابی که اصل آن دیگر ظاهراً وجود ندارد.

در مواردی می‌بینیم که شبکی یا ذهبی، شخصی را از طریق حاکم و تاریخ نیشابور او نقل می‌کنند ولی در نسخه ما، در جایی که ویژه اوست، دیده نمی‌شود؛ اینها نشانه این است که این مختصر موجود حتی فهرست کاملی هم از تاریخ نیشابور حاکم نیست. در بسیاری از حروف الفبا ناگهان نامها، اندک و گاه حذف می‌شوند، اینها نشانه این است که تلخیص‌کننده ناگهان از بخشهایی صرف‌نظر می‌کرده است.^۱

جدولی از تغییرات و اصلاحات ما نسبت به اصل نسخه عکسی فراهم آمده است که صورت اصل و صورت پیشنهادی ما را نشان می‌دهد و گاه اگر در مورد کلمه‌ای پیشنهادی نه چندان قاطع داشته‌ایم، با احتیاط و تردید، در همان جدول به خوانندگان عرضه شده است.

ارجاعات در سراسر کتاب، براساس شماره‌هایی است که به بندهای کتاب داده شده است و حتی در مواردی که بندهای کتاب قدری مفصل بوده است - در ارجاعات به سطر شمار آن بندها ارجاع داده شده است مثلاً ۳/۲۷۲۵ یعنی بند ۲۷۲۵ سطر سوم.

در تعلیقات اعلام، در مواردی که برای رجحان متون دیگر بر متن ما، دلیلی روشن وجود نداشت، فقط یادآوری شد که مقایسه شود و در مواردی که متن ما متون دیگر را تکمیل می‌کرد، به این نکته تصریح شد. همچنین در مواردی که مسلم بود که مراجع دیگر از حاکم نقل کرده‌اند، یا خود بدان تصریح کرده بودند، ما یادآور شدیم که این شخص را، فلان مؤلف، از طریق حاکم زندگینامه‌اش را نوشته تا عملاً به منقولات دیگران از تاریخ نیشابور حاکم نیز توجهی شده باشد.

غلط‌های فاحش و آشکاری که جای هیچ‌گونه تردیدی ندارد از قبیل قاسم بجای قثم (در مورد قثم بن عباس) اصلاح شد و با اینهمه در تعلیقات یا جدول تغییرات، یادآوری گردید. گرچه این‌گونه موارد اظهر من الشمس است اما از آنجا که درجه سواد و میزان دقت کاتب نسخه اصل را مشخص می‌کند و در موارد دیگر می‌تواند خوانندگان را یاری دهد، از یادآوری آن غفلت نشد.

۱. از جمله مواردی که بعضی از دانشمندان عصر ما، حدس زده‌اند که در این تاریخ بوده و حذف شده، یکی زندگینامه فضل بن شاذان است که به گفته شادروان محدث ارموی «در طرق پاره‌ای از روایاتی که از حاکم نقل شده فضل بن شاذان واقع گردیده است...» مراجعه شود به مقدمه الايضاح، فضل بن شاذان، یازده. ولی احتمال اینکه در اصل تألیف حاکم هم نام او نیامده باشد زیرا ذهبی که تقریباً اکثر رجال تاریخ نیشابور را وارد تاریخ الاسلام خود کرده است، از فضل بن شاذان یاد نمی‌کند.

تاریخ نیشابور



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ يَسْرٍ وَ تَمِّمٍ بِالْخَيْرِ

حمد و سپاس و سه پاس لایق، به عددِ آنفُس و آنفاسِ خلاق، مر خالقِ قدیم را که جواهرِ روحانی و عناصرِ جسمانی از مکامینِ عَدَم در میادین وجود، به قدرتِ بدیع، ابداع کرد، و بساطِ فُسطاطِ خُضراء و بساطِ بسیطة غُبراء را محتوی بر غرایبِ حِکْم، به حکمتِ منیع، اختراع فرمود، و به اختلافِ احوالِ سال، به شتا و مصیف، و اتفاقِ ایام و لیال، به ربیع و خریف، صحاری و براری و جبال و تلالِ آن را مظهرِ اظهارِ اجناسِ ازهار، و انتشارِ انواعِ انوار ساخت، و بابناتِ نبات در مراتعِ اوساطِ بسیط و حواشیِ آن به طیبِ هوا و تطیبِ غذا، بر صنوف و افرادِ رواتع و مواشی، خصوصاً در خراسان، خور آسان کرد، و قَطْرِ نشابور، صِبْنَتْ عَنِ الْفَتور را به اعتدالِ هوا و فُشْحَتْ فِضاو نزهتِ اماکن و خلقتِ معادن، بر اماکن و مساکنِ اقطارِ هر دیار فضیلت بخشید، و طینتِ طیبه و تُرْبِتِ طاهرة آن را مُنْبَعَثِ اولیاءِ کرام و اصفیاءِ عِظام و علماءِ هُدَاة و اُدبَاءِ ثِقَاة داشت.

و درودِ بیغایت و سلام و تَحِیَّتِ بی نهایت - کی آن خُلَصِ کِرام به اوقات و لیالی و ایام، باو قَرَبِتِ نیاز، نثارِ آستانه نبوتِ حضرت سید المرسلین و شفیعِ المُذنبین و رَحْمَةً لِلْعَالَمین و خاتمِ النَّبیین صلوة الله و سلامه علیه و علی آله و صحبه اجمعین کردند - سببِ رفعتِ مقام و قربتِ علی الدوام و حلولِ منازلِ هدایتِ عَظْمی، و صعودِ مدارجِ ولایتِ کُبری ایشان گردانید. صلوة الله و تَحِیَّاتُهُ عَلَی الْمُصْطَفی حَبِیبِ اللَّهِ مُحَمَّدِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ وَ عَلَی آلِهِ وَ اصْحَابِهِ أَجْمَعِین.

[۱]

[۲]

[۳]

غَرَضُ از عَرَضِ این تقریب آنکه در سالفِ زمان و سابقِ اوان و قرونِ ماضیه، سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائنه، شیخ اسلام و اُسوة اولیاءِ کرامِ سلطانِ الْمُحَدَّثِینِ بُرْهَانُ الْمُحَقِّقِینِ امام حاکم شیخ ابو عبدالله النیسابوری رضی الله عنه، بوصفِ نیشابور قدیم، کتابی کریم به لغتِ فصیحِ صریح، ثبت فرموده‌اند. و مقصودِ اعظم و مقصدِ اهمّ از آن کتابتِ ذکرِ اسامیِ کرامِ صحابه و عظامِ تابعین و اولیاءِ اُمَّتِ و اصفیاءِ مَلَّتْ - که به آن بلدهٔ نفیسه وارد و صادر شده‌اند و در آن شهر نشو و ظهور یافته - داشته [۲b] و به ذکرِ وقتِ ولادت و صفتِ نشأت و بیانِ نسبت و ارادت و سلوک و ریاضت و کیفیتِ صُحبت و خلوت و شرحِ کرامت و مُدَّتِ حیوة و سنهٔ وفات و مدفنِ هر یک از آن اربابِ الباب، آن کتابِ بی‌اسهاب، با چارده مُجَلَّدِ اطناب یافته و بر سبیلِ تَدبِیل و طریقهٔ تَطفِیلِ بعضی از اوضاعِ شهر و بانی و بنا و بنیان و تَقَلُّبِ احوال و ظهورِ دینِ اسلام و اسلامیان، پس اوصافِ معابد و مساجد و بعضی مفاخر و مآثرِ آن بیان فرموده، و به اشارتِ آیت و حدیثِ نفیس و آثارِ ائمهٔ کبار موشح گردانیده. بعدها بعضی از اجلهٔ کرام و ائمهٔ اسلام، رضی الله عنه و عنهم، از آن کتابِ نفیسِ مختصری، هم به عبارتِ تازی، مشتمل بر اسامیِ کرامِ اولیاء و اعلامِ اصفیا و بعضی از آن مُذَبِّحَاتِ، انتخابی فرموده، بعدالاستخارةٔ آن اختصار را با آثارِ سلف، به طریقِ ایجازِ عبارتِ فارسی، ترجمهٔ اتفاق افتاد، مگر آیاتِ تَنْزِیل و احادیثِ نبیل که به همان نظمِ فصیحِ صریحِ کتابتِ یافت و رمزی از آن به فارسی معروض گشت. و نکته‌ای که کشفِ بعضی مقاصدِ آن کتاب به آن منوط و فهمِ مراد به آن مربوط است، آن است که به عَرَفِ فصیحانِ عرب و سُکَّانِ غرب، خراسان عبارت از طرفِ شرق است؛ تا غایت که خوارزم و ماوراءالنهر و حوالیِ آن را خراسان خوانند، و دیگر آنک هر متکلم به لغتِ اهلِ خراسان را به فارس نسبت دهند و فارسی گویند؛ هرچند [در] اصطلاح این دیار، خراسان عبارت از این بعضی اماکنِ مُعِیَّته و فارس اشارت به آن بعضی بلادِ معلومه است، چنانچ سلمان، رضی الله عنه - با آنک اتفاق جمهور است که از اصبهان بود و اصبهان از عراق عجم است - ایشان را به فارسی وصف فرموده‌اند. و کلی این کلمات ترجمهٔ کلامِ آن امام است قُدَّسِ سرُّه و اگر احياناً بر وَجْهِ تقریب و محل تأویلِ روایتی یا حکایتی از جای دیگر ذکر کرده شود بر آن تنبیه خواهد شد و باللهِ العِزَّةُ و التوفیق.

[۴]

مفاخرِ خراسان

[۵] ذکر مفاخرِ خراسان به اشارتِ آیات و احادیث و اخبار کبار سلف. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَفَتْ: فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ ۖ كَلَّمُوا فِيهَا النَّاسُ. فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى سَلْمَانَ فَقَالَ: «هَمْ، قَوْمٌ هَذَا. لَوْ كَانَ [۳a] الدِّينُ بِالثَّرِيَّا لَنَا لَهُ رِجَالٌ [مِنْ] هَؤُلَاءِ.»

[۶] امام حاکم فرمود که این حدیث در صحیح امام مُسْلِمِ قُشَيْرِي، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، مذکور است. مفهوم آیه و ماقبلِ آن، و العلم عند الله: «اوست آن خدایی که بَعَث فرمود در عرب رسولی از ایشان که می خواند بریشان آیاتِ او، و پاک می گرداند ایشان را از اعتقادات و اعمالِ خبیثه، و تعلیم می دهد ایشان را قرآن و احکام شریعت و سنت، و بدرستی که بودند ایشان، پیش از آن بعثت، در ضلالی آشکار و در کسانِ دیگر» یعنی بَعَث فرمود در عرب و در کسانِ دگر آن رسول را و آن «کسانِ دیگر» قولی آن است که همه مؤمنان اند، که بعد از صحابه پیدا آمدند و پیدا آیند تا قیامت. و قولی دیگر آن است که مراد عجم است به دلیل آنک چون این آیه نازل شد، صحابه در آن سخن گفتند و دوبار یا سه بار از حضرت، صَلَوَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سلامه عَلَيْهِ، سؤال کردند. سلمانِ فارسی، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، حاضر بود. حضرت، صَلَوَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دستِ مبارک بر سلمان نهادند و فرمودند: «این و قوم او». و در حدیث که مذکور شد چنین است که «آن گروه، قومِ این اند. اگر ایمان معلق بودی به پروین، هر آئینه دریافتی او را مردانی از قوم او.»

[۷] وَ وَجْهِی دِیْگَر در آیه آن است که «بعث فرمود رسولی که تعلیم می دهد ایشان را قرآن و سنت و تعلیم می دهد آن کسانِ دیگر را یعنی قرآن و شریعت و سنت» و تحقیق آیه چنان می نماید - و العلم عند الله - که هر پاک و عالم بکتاب و سنت که بود و باشد تا قیامت پاک کننده و تعلیم فرمایند همه نورِ مُقَدَّسِ حضرتِ مصطفی آمد صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ. امام حاکم فرمود که اشارتِ نبی صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ به سلمانِ فارسی و یاد کردن ایشان قومِ او را اشارت است به همه کسانی که به فارسی سخن می گویند تا اقصی بلادِ خراسان و یقیناً آنک این آیه در شأنِ این جماعت نازل است.

[۸] و ایضاً در حدیث است که چون حضرت صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ، این آیت

خواندند که (إِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمٌ غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ۴۷/۳۸) مفهوم آیه، وَالْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ، «اگر روی بگردانید، یعنی از ایمان و طاعت، بَدَلِ آوَرَدِ خدای تعالی قومی غیر شما، پس نباشند ایشان امثال شما، یعنی روی [۳b] از ایمان بنگردانند و طاعت کنند.» صحابه گفتند: «یا رسول الله کیستند آنها که بَدَلِ ما بیاورند و نباشند امثال ما؟» حضرت، صَلَوَةُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ، دستِ مبارک بر رانِ سلمان زدند، پس فرمودند: «هَذَا وَ قَوْمُهُ» این و قوم او. «لَوْ كَانَ الدِّينُ عِنْدَ الثَّرِيَّاتِنَا وَلَهُ رِجَالٌ مِنَ الْفُرْسِ» اگر بودی دین نزدیکِ پروین هرآینه فراگرفتی آن را مردانی از فُرس یعنی از فارسیان.

الاحادیث

[۹] عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: قَالَ ذَكَرْتُ فَارِسُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَوَةُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ [قَالَ]:

«فَارِسٌ عَضْبَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» قُلْنَا وَلَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «لَا إِنَّ أَسْمِعِيلَ عَمَّ وَوَلَدَ إِسْحَقَ وَاسْحَقَ عَمَّ وَوَلَدَ أَسْمِعِيلَ.» عبدالله عباس رضی الله عنهما فرمود که ذکر کرده شد فارس پیشِ حضرت نبی صَلَوَةُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ فرمودند که «فَارِسٌ عَضْبَةٌ مِثْلُ أَهْلِ الْبَيْتِ»، گفتیم: چرا یا رسول الله؟ فرمودند: «برای آنک اسْمِعِيلَ عَمَّ فرزندانِ اسْحَقَ بود، و اسْحَقَ عَمَّ فرزندانِ اسْمِعِيلَ». عَضْبَةُ اقربا را گویند که از طرفِ پدر باشد چون برادرِ پدرِ مادری و پدری و پسرانِ ایشان و عَمَّ همچنین و پسرانِ ایشان. گوید که این طایفه از اولادِ اسْحَقَ اند علیهما السلام.

[۱۰] عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَوَةُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ: «أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيبًا فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارِسٍ» مفهومِ حدیث، وَالْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ: «بزرگوارترین آدمیان بجهتِ نصیب در اسلام، اهل فارس اند.»

آثارِ سَلَفِ عِظَامِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ

[۱۱] حضرت امیرالمؤمنین علی، کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ، فرمودند آنچه، وَالْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ، ترجمه [آن] این است: «بدرستی که خدای را به خراسان شهری است که آنرا مَرَوَ گویند. اساسِ آن ذوالقرنین [نهاد] و عَزْزِر، عَلَيْهِ السَّلَام، در آنجا نماز کرد در آن جویهای آبِ روانِ نهاده و زمین آن گشاده. بر هر دری از دره‌ها آن مَلْکِی شمشیر کشیده دفع می‌کند از آن شهر بلا را تا روزِ قیامِ ساعت و به درستی که

خدای را به خراسان شهری است آن را طالقان گویند، چه گنجهاست در آن شهر
لا از نقره و زر و لکن مردان ایمان دارِ دین پرور ایشان در مُصلی به طاعت قائم و
خلق در بستر نائم. و به درستی که خدای را به خراسان شهری است که آن را
شاش گویند. قایم [۴۸] او در حجرات و نایم در جامه خواب همچون مجاهد
آلوده به خون است در راه خدای به طلب ثواب. به درستی که خدای را به
خراسان شهری است که آنرا بخارا گویند و چه مردانند به بخارا ایمن از فریاد
هنگام فتور، ساعت اندوه خندان از سرور، خوش باد بخارا را! اطلاع فرماید
خدای تعالی بر ایشان هر روز اطلاعی، پس بیامزد هر کس را که خواهد از
ایشان و توبه قبول کند از هر که توبه کند از ایشان. و به درستی که خدای تعالی
را به خراسان شهری است آن را سمرقند گویند، بنا نهاد آنرا شمر بن برغش.
درگذرد خدای تعالی از گناهان ایشان و قبول کند فریاد و اندوه ایشان، منادی
می‌کند به ایشان هر شب منادی: «خوش باد شما را و خوش باد شما را جنت
عیش خوش و گوارنده باد سمرقند را و هر که را در حوالی اوست ایمن آید از
عذاب خدای تعالی در روز قیامت. اگر فرمان برید سید کریم را صَلَوَةُ اللَّهِ وَ
سَلَامُهُ عَلَيْهِ».

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

[سخن امام علی بن ابیطالب^(ع) در فضیلت خراسان]

پس فرمودند حضرت امیرالمؤمنین، کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ، خَادِمِ خَاصِّ خُودِ ابْنِ كُوَا را
رضی الله عنه، که «ای ابنِ کُوا! چندست میانِ فوشنج و هرات؟» گفت: «شش
فرسخ». فرمودند: «نی بل هفت فرسخ است زاید نیست یک میل و کم نیست
یک میل. همچنین خبر کرد مرا خلیل من یا حبیب من صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ»
بعد از آن فرمود: «به درستی که خدای را تعالی به خراسان شهری است آن را
طوس گویند و چه مردانند به طوس مؤمنان. در میان ایشان است حجة قایم
باشد بطاعة او و احیا کنند سنت نبی او صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ. و به درستی که
خدای را به خراسان شهری است آن را خوارزم گویند نایم درو همچون قایم
است در درازتر ایام تابستان. و به درستی که خدای را به خراسان شهری است
آن را جرجان گویند خوش است زرع او سبز است صحراء او و کوههای او
کثیرست آبهای او وسیع است بر خورندگان مایدههای او امر خدا را مترصد و

بطاعت او متعبّد خوش ایشان را و خوش ایشان را اگر ایمان آرند و طاعت دارند. و به درستی که خدای را به خراسان شهری است آن را قومس گویند و چه کوههاست بر جوانب قومس. و به درستی که در قو [مس] اعتبار و منزلت است اربابِ اَلْبَابِ را. و امام شعبی [۴۵]، رضی الله عنه، گفت: «نرود شبها و روزها تا منتقل نگردد علم به خراسان.» و عبدالله عباس، رضی الله عنهما، گفت: «چون برون آید علمها سیاه از خراسان آن ماراست اهل البیت.»

[ابراهیم پیامبر در کوههای خراسان]

و روایت است از شریک بن عبدالله که او گفت: «خراسان کنانه خدای است [۱۳] عزوجل در زمین او. پس چون غضب فرماید خدای تعالی بر قومی تیر زند ایشان را به کنانه خویش.» و عبدالله مبارک گفت که «بیرون نیامد از خراسان عَلمی که بازگردانیده شده باشد پیش از آنک فتوح و نصرت یابد.» و امیرالمؤمنین علی، کَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ، فرمود که «به درستی که مر پدر ما ابراهیم را، علیه السلام، نشانها بود در کوهها خراسان به آنجا آمدی و آنجا مسجد بنا نهاد، و آثار ایشان اینجا پیداست.» و عبدالله عباس، رضی الله عنهما، در مسجد حرام غریبی دید. فرمود که «بگوی از کدام شهری؟» گفت: «از اهل خراسانم.» گفت: «از کدام شهری؟» گفت: «از هراة.» گفت: «از کدام موضع هراة؟» گفت: «از فوشنج.» گفت: «مر ابراهیم را علیه السلام دو مسجد بود، مسجد حرام، یعنی در مکه، و مسجد فوشنج.» پس از درختی که نزدیک مسجد بودی پرسید. فوشنجی گفت: «درخت بر حال خودست.» فرمود که «پدرم عباس بن عبدالمطلب، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، مرا گفت که بسیار در سایه آن درخت چاشتگاه خواب کرده ام.»

ذکر فضائل نیشابور

شیخ ابن جریر، از کبار تابعین، فرمودند که «بهترین خراسان نیشابور است.» پرسیدند که «به رای خود فرمودید؟» گفت: «بل که شنیده ام در حدیث.» امام حاکم فرمود: «این آن حدیث است که مروی است از ابن مخارق عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ، «قال: خَيْرُ خُرَاسَانَ نَيْسَابُورُ» و روایت است از شیخ [۱۴]

ابراهیم بن طهمان - و ایشان نیز از کبارِ تبع تابعین اند - که «خیر خراسان نیشابور است» و شیخ عبدالله مؤذِن نیشابوری، رحمه الله، گفت: حضرت خواجه را، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ، به خواب دیدم فرمودند که «مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ از کجایی تو؟» گفتم: «از نیشابور.» فرمودند، صلی الله علیه و سلم، «نِعْمَ الْبَلَدُ نیشابور. نیک شهری است نیشابور!»

[صحابه در نیشابور]

- [۱۵] ذکر صحابه کبار رضوان الله علیهم [که] به نیشابور رسیده‌اند یا گذشته‌اند یا ساکن شده و روضه‌های مبارک ایشان آنجاست. قَالَ صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ: «مِنْ أَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِي يَمُوتُ بَارِضٍ إِلَّا بُعِثَ قَائِدًا أَوْ نُورًا لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» العلم [۵۸] عندالله. فرمودند که «نیست هیچ یکی از اصحاب ما که فوت شود در زمینی مگر که برانگیزند او را پیش رو اهل آن زمین، یا نور ایشان روز قیامت.» راوی را شک است که «قاید» فرمودند یا «نور» فرمودند.
- [۱۶] امام حاکم فرمود که «هر کدام از صحابه که به مرو یا هرات یا بلخ یا بخارا یا سمرقند فرود آمده‌اند به نیشابور آمده‌اند در رفتن و آمدن، یا رفتن یا آمدن.»
- [۱۷] اول، ابوالفضل عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف عمّ حضرت خواجه ما صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ و حاصلِ قصه ایشان آن است که ایشان اول عمر تجارت می‌کردند و از دیار مکه به خراسان می‌آمدند و اجناس بزازی از خراسان می‌بردند و تردّد ایشان به هرات و فوشنج بود. عبدالله عباس رضی الله عنهما، گفت: پدرم مرا خبر کرد که او بسیار به زیر درخت، خواب چاشتگاه می‌کرد. و عبدالله عباس مردی را دید از خراسان گفت: «از کدام شهر خراسانی؟» گفت: «از اهل فوشنج.» گفت: «آن درخت [صنوبر] که در کوه اسفبار است می‌دانی؟» گفت: «بلی همچنان است.» فرمود که پدرم گفت که بسیار آنجا خواب چاشتگاه کرده‌ام. و فرمود که «پدرم رخت بزازی از خراسان به مکه می‌برد.» ابن مخلد می‌گوید که شیخ من به مکه مرا گفت کسی را دیدم جامه‌های عجیب نه برسم اینجا، پرسیدم که کیست؟ گفتند: عباس بن عبدالمطلب عمّ خواجه ما صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ. از ایشان پرسیدم که این جامه از کجاست؟ فرمود که «به هرات بودم از آنجا آوردم این جامه‌ها را.»

صحابی دیگر: بُرَیْدَةُ بن حُصَیْب بن عبد الله اَسْلَمی. چون حضرت خواجه ما، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ، از غزاه بَدْر، مراجعت فرمودند او اسلام آورد و آخر در مَرُو فُوت شد و نزدیک حصارکِ مَرُو دفن کردند. پسرش عبد الله می گوید که پدرم بُرَیْدَةُ گفت: مرا حضرت مصطفی، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ، [فرمود] «یا بُرَیْدَةُ! انه سُبِیْعَتٌ بَعْدی بَعُوْتُ فاذا بَعِثْتُ تِلْكَ البَعُوْتُ فَکُنْ فی بَعْثِ المَشْرِقِ، ثُمَّ کُنْ فی بَعْثِ خُرَاسانِ، ثُمَّ کُنْ فی بَعْثِ اَرْضِ یُقَالُ لَهَا مَرُو، فاذا اَتَيْتَها فَاَنْزِلْ مَدِیْنَتَها فَاِنَّها بَناءُ ذوالقرنینِ وَ صَلَّیْ فیها عَزِیْرًا. اَنْهَارُها تَجْرِی بِالْبَرَكَةِ. عَلَیْ کُلِّ باِبٍ مِنْها مَلْکٌ شَاهِرٌ سَیْفُهُ یَدْفَعُ السَّوْءَ [۵b] عَنِ اَهْلِها الی یَوْمِ القِیامَةِ.» مفهوم حدیث، و العلم عند الله، «ای بُرَیْدَةُ بدرستی که برانگیخته شود بعد از ما لشکرها، پس چون برانگیخته شوند آن لشکرها پس باش در لشکرِ مشرق، پس باش در لشکرِ خراسان، پس باش در لشکرِ زمینی که گفته می شود مرانرا مرو، پس چون بیایی به آن زمین فروداری در شهر آن، پس بدرستی که آن شهر بنا کرده است آنرا ذوالقرنین و نماز کرده است در آن عَزِیْر، جویهای آن می رود ببرکت. بر هر دری از آن مَلْکی است شمشیر کشیده، دفع می کند بدی از اهل آن تا روز قیامت.» و روایتی دیگرست از رسول، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ، که فرمودند: «بُرَیْدَةُ رُبِعُ الاسلام.» العلم عند الله، «بُرَیْدَةُ چاریک اسلام است.» و مؤید این حدیث است آنچه روایت است که بُرَیْدَةُ اسلام آورد، آن وقت که حضرت خواجه ما، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ، از مکه هجرت فرمودند با امیر المؤمنین ابی بکر، رضی الله عنه و عامر بن قَهیره به مدینه. بُرَیْدَةُ آمد و از جانب مکه بود اگرچه هنوز آشنا نبود اما چو بر پی آمد و پی روی کرد، به این پی روی نیز محبوب حق شد و نور نبوت بر وی تافت و اسلام آورد و چون سیّم خَدّام شد که با حضرت بودند، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ، او را رُبِع اسلام خواندند. و بُرَیْدَةُ گفت: «به مدینه در نیایم مگر با عِلْمی.» و عمامه خود بگشاد و بر سر نیزه تعلیق کرد و در پیش مرکب حضرت خواجه ما صَلَوَةُ اللَّهِ [و سَلَامُهُ عَلَیْهِ] می رفت. پس اوّل عِلْمی که در اسلام بسته شد آن عِلْم بُرَیْدَةُ بود رضی الله عنه و اَرْضاءه. و بُرَیْدَةُ و این قصه و بودن او در خراسان فضیلت و مفاخرت است اهل خراسان را.

و روایت است که خواجه ما، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ، فرمودند مر او را: «یا

بُرَيْدَةَ! لَا يَكُلُّ بَصْرَكَ وَلَا يَذْهَبُ سَمْعُكَ أَنْتَ نَوْرٌ لِأَهْلِ الْمَشْرِقِ.» مفهوم حدیث، والعلم عندالله: «ای بُریده! مانده نشود بَصْر تو و نرود سَمْع تو و تو نوری اهل مشرق را.» وصیت کرد که چون فوت شود او را بر میان راه جاده دفن کنند و چون قبر کنندند و لحد ساختن از همه جوانب دیوار لحد درهم فتاد از آنجا دور بردند و علی حده بر میان راه گذر روضه او مرتب کردند رضی الله عنه. [۶۸]

[۲۰] صحابی دیگر: عبدالله بن حصیب برادر بُریده، پیشتر از بُریده وفات کرد رضی الله عنهما.

[۲۱] صحابی دیگر: الحکم [بن] عمرو الغفاری رضی الله عنه. امام حاکم فرمود که معاویه ابی سفیان این حکم را بر مال خراسان عامل کرد. حکم، رضی الله عنه، و کفار، جهاد کرد و غنیمتها بسیار گرفت. به معاویه نامه نوشت که «غنیمتها بسیار بسیار گرفتم.» معاویه به او نوشت که «نیک بنگر هرچ از صَفْرًا و بَيْضًا، یعنی زر و نقره، یابی همه را با امیر المؤمنین بفرست و باقی بر لشکر جهاد قسمت کن.» حکم، رضی الله عنه، علما را جمع کرد و گفت حکم شرع چیست؟ گفتند: «کتاب خدای تعالی آن است که همه از آن لشکر جهادست مگر خمسی که از آن سادات و دیگر مستحقان است.» و گفتند که «ما معاویه را در آن حقی نمی بینیم.» حکم، رضی الله عنه، به معاویه نامه نوشت که «نامه تو با کتاب خدای عرض کردم موافق نبود. متابعت کتاب خدای واجب دیدم. آنچه غنیمت گرفته بودم همه بر لشکر قسمت کردم.» معاویه فرستاد تا او را حبس کردند و در سلاسل و بندها کشیدند. حکم خسته شد و در آن فوت شد. به وقت وفات وصیت کرد که او را با سلاسل و بند دفن کنند تا مخاصمه کند با معاویه روز قیامت که او را برای چه امر بند کرده است. و او را به پهلوی بُریده دفن کردند. چنانک میان ایشان یک ذراع بیش نیست، رضی الله عنهما.

[۲۲] صحابی دیگر: عَطِيَّة بن عمرو الغفاری برادر حَكَم که ذکر رفت و او نیز مدفون است به مرو، نزدیک برادر او حَكَم رضی الله عنهما.

[۲۳] صحابی دیگر: ابو بَرْزَه أَشْلَمِي رضی الله عنه، و نام او گفته اند عبدالله و ساکن مدینه می بود. از آنجا به بصره آمد، پس به خراسان آمد و در خراسان فوت شد. سرا و اولاد او به مروانند. بدرستی روایت است که به نیشابور فوت شد اینجا آسوده است، رضی الله عنه.

- [۲۴] صحابی دیگر: عامر بن سلیم الاسلمی رضی الله عنه و می گویند که او صاحب علم حضرت خواجه ما، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ، [بود.] به نیشابور فوت شد. نبیره او عمرویه گفت که وفات کرد جَدِّ من عامر بن سلیم در نیشابور و دفن شد در ملقباد.
- [۲۵] صحابی دیگر: عثمان بن ابی العاص الشَّقْفِی و او از کبار صحابه بود، رضی الله عنهم.
- [۲۶] صحابی دیگر: مُهَلَّب بن ابی صُفْرَةَ.
- [۲۷] صحابی دیگر: قیس بن ابی ودیعة الانصاری [۶b] از آن جماعت بودند که با عبدالله عامر آمدند و خراسان به سعی ایشان فتح شد و قصه آن مشروح بیاید.
- [۲۸] صحابی [دیگر]: ابورفاعه تمیم بن أُسَیْد العَدَوِی.
- [۲۹] صحابی [دیگر]: عفان بن حبیب از صحابه بود با عبدالله عامر [به] نیشابور آمد و ساکن شد و اینجا متوفی شد.
- [۳۰] صحابی دیگر: همام بن زید از صحابه بود. با عبدالله عامر به نیشابور آمد و ساکن شد و اینجا متوفی شد. و این دو صحابی را در نیشابور اولاد و اعقاب بود.
- [۳۱] صحابی دیگر: ابورمته بن رفاعه و پسر او قریط، هر دو به خراسان آمدند و به مرو ساکن شدند و ایشان را آنجا اولاد و اعقاب است.
- [۳۲] صحابی [دیگر]: غالب بن عبدالله بن فضالة بن عبدالله صحابی بود. به مرو فوت شد. و حکومت خراسان وی را بود.
- [۳۳] صحابی [دیگر]: عبدالرحمن [بن] سَعْرَةَ بن حبیب، ساکن بصره بود. برای غزای سجستان به نیشابور آمد و در ابر شهر، یعنی نیشابور، ساکن شد و بعدها به مرو نقل کرد و آنجا وفات کرد و او را آنجا اولاد بودند.
- [۳۴] صحابی [دیگر]: سعید بن حُرَیث به غزا با لشکر اسلام به خراسان آمد و اینجا فوت شد.
- [۳۵] صحابی [دیگر]: ابوبکر انصاری به مرو بود و آنجا فوت شد و اولاد داشت به قریه شاپور تَزَه.
- [۳۶] صحابی [دیگر]: الخمخام از قوت ابی الأسود بود. و ابوالأسود از ملازمان امیر المؤمنین علی بود. کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ. سه مقدمه علم نحو از ایشان تعلیم گرفت و علم نحو استنباط کرد و به خلیل بن احمد آموخت و خلیل به سیبویه آموخت و اقوام دیگر، پس این علم منتشر [شد] و خمخام را به مرو اولاد و آثار است.

- [۳۷] صحابی [دیگر]: العباس بن مرداس السلمی الشاعر با حضرت، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ، صحبت داشت و او را در مرو فرزندان بودند.
- [۳۸] صحابی [دیگر]: اقرع و ورقه، پسرانِ حابِسِ تمیمی.
- [۳۹] صحابی [دیگر]: محقر بن اوس، با حضرت، صلوة الله و سلامه علیه، صحبت داشت و آخر به موقف وطن گرفت.
- [۴۰] صحابی [دیگر]: قثم بن عباس بن عبدالمطلب با لشکر اسلام به غزا به خراسان آمد و با امیر المؤمنین حسین، کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ، برادر رضاعی بود و او به سمرقند فوت شد و او را به حضرت، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ، مانند می گفتند، چون پسر عم بود.
- [۴۱] صحابی دیگر: اوس بن ثعلبة التمیمی با سعید بن عثمان به غزا به خراسان آمد.
- [۴۲] صحابی دیگر: کعب بن عیینه [۷a] او را به مرو اولاد بود.
- [۴۳] صحابی [دیگر]: عبدالله بن خازم سلمی والی نیشابور بود، از جانب عبدالله بن عامر و ساکن جوین شد و او را آنجا اولاد شدند. امام حاکم فرمود که آنجا اولاد او را دیدم، قومی بودند دهاقین.
- [۴۴] صحابی [دیگر]: ابو عمرو انصاری در مرو، در قرینه بایشان، ساکن شد او را اولاد بودند علما و فقهای کبیر نمودی
- [۴۵] صحابی دیگر: محمد مولی حضرت خواجه ما، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ، و از مرو بود تجارت می کرد نام او ماناهیه بود. مجوسی نمودی خود را. ناگاه نام حضرت ما شنود، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ، هجرت کرد و به حضرت خواجه آمد صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ] او را محمد نام نهادند و مولی حضرت شد صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ و مسلمان به مرو مراجعه کرد و در مقابل در مسجد جامع مرو سرای او بود.
- [۴۶] امام حاکم فرمود که آنچه به ما رسید از صحابه - که این دیار به قدم ایشان مشرف شد - این بود که ثبت افتاد.

ذکر بزرگان کی به نیشابور رسیده اند از علما و اشراف تابعین
رضوان الله علیهم اجمعین و ساکن شده اند یا گذشته اند

- [۴۷] فایده، هر کس که با ایمان در بیداری حضرت خواجه ما، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ، را دید او صحابی است. و آنها که با ایمان صحابه را دریافتند اما خواجه

ما را، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ، ندیدند، یا دیدند اما در آن زمان ایمان نیاورند، بعد از آن ایمان آوردند، این جماعت را تابعین خوانند. کعب احبار در زمان خواجه ما بود، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِ، اما بعد از آن زمان ایمان آورد او نیز از تابعین است. و کسانی که صحابه را ندیدند اما علماء تابعین را دیدند این جماعت را تبع تابعین گویند. و کسانی که این جماعت بزرگان را دریافتند اما تابعین را ندیدند ایشان را اتباع گویند. تابعین، قرن دوم اند از صحابه. تبع تابعین، قرن سیم اند از صحابه. اتباع اتباع، قرن چهارم اند از صحابه، رضوان الله عليهم اجمعین.

[۴۸] احنف بن قیس سعدی.

[۴۹] امیه بن اسعد خزاعی.

[۵۰] اسلم بن زرعه.

[۵۱] اُس بن ودیعه.

[۵۲] ارقم بن [ابی] ارقم، در زلزله نیشابور به رحمت خدای منتقل شد.

[۵۳] بشر بن حلال عدوی.

[۵۴] بکر بن [۷b] ماعز کوفی. *کتاب تاریخ نیشابور*

[۵۵] بشیر بن یحیی، از علماء تابعین بود. و از نیشابور بود. به مرو ساکن شد.

[۵۶] ثمامه بن عبدالله بن انس بن مالک رضی الله عنه.

[۵۷] جمعه بن هبیره مخزومی، حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه خال او بودند علم از حضرت ایشان آموخت و حدیث از ایشان روایت داشت.

[۵۸] جاریه بن بدر به نیشابور فوت شد و مدفن مبارکش اینجاست.

[۵۹] جراح بن عبدالله الحکمی.

[۶۰] [جوئیر] بن سعید البلخی.

[۶۱] جوّاب بن عبیدالله التیمی.

[۶۲] الحسن البصری الزاهد الفقیه الواعظ، کنیت ابو سعید و کنیه ابیہ ابوالحسن از تلامذه و تربیت یافته حضرت امیر المؤمنین علی بود کما هو مشهور کرم الله وجهه.

[۶۳] الحرث بن عمرو الکیدی.

[۶۴] الحکم بن کثیر.

[۶۵] الحارث المازنی.

- [۶۶] حُضَیْنِ بْنِ الْمُنْذِرِ.
- [۶۷] حُجَّاجِ بْنِ الثَّقَفِيِّ.
- [۶۸] خُلْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ.
- [۶۹] خُلْدِ بْنِ أَبِي بَرَزَةَ الْأَسْلَمِيِّ.
- [۷۰] دَاوُدِ بْنِ عَمَانَ بْنِ حَبِيبٍ، أَبُو سَلِيمَانَ النَّيْسَابُورِيَّ عِلْمَ حَدِيثٍ مِنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ اسْتَفَادَهُ كَرَدَ.
- [۷۱] الرَّبِيعِ بْنِ أَنَسٍ [بْنِ زِيَادِ الْبَكْرِيِّ] بِه مَرُو سَاكِنِ شَدَ.
- [۷۲] الرَّبِيعِ بْنِ زِيَادٍ، بِه هَرَاتِ فُوتِ شَدَ.
- [۷۳] زَيْدِ بْنِ الْحَوَارِيِّ الْبَصْرِيِّ، قَاضِيِ هَرَاتِ.
- [۷۴] زِيَادِ بْنِ أَبِي عَمْرٍو التَّابِعِيِّ.
- [۷۵] سَعِيدِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَثْمَانَ، بِه مَدِينَهُ مَتَوْلَدِ شَدَ وَ بِا لَشَكْرِ تَمَامِ بِه غَزَاءِ خِرَاسَانَ أَمَدَ وَ دَرِ آنِ لَشَكْرِ صَحَابِهِ وَ تَابِعِينَ بُوَدُنْدَ وَ بِه نِيْشَابُورِ أَمَدَ وَ لَشَكْرِ بِه مَاوْرَاءِ النَّهْرِ بَرْدَ وَ بَخَارَا وَ سَمَرْقَنْدَ أَوْ فَتْحِ كَرَدَ.
- [۷۶] سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ [بْنِ] السَّلِيمِيِّ الْبَصْرِيِّ.
- [۷۷] سَلِيمِ بْنِ زِيَادِ بْنِ حُصَيْبِ الْأَسْلَمِيِّ.
- [۷۸] سَالِمِ الْخِرَاسَانِيِّ بُو أَوْ زِيَادِ نِيْشَابُورِ بُوَدَ.
- [۷۹] سَلِيمِ بْنِ رَبِيعَةَ.
- [۸۰] شَهْرِبَنْ حَوْشَبِ.
- [۸۱] صَلْتِ بْنِ أَيَّاسِ.
- [۸۲] ضَمْرَةَ بْنِ سَعِيدِ.
- [۸۳] ضَحَّاكِ بْنِ مَزَاحِمِ.
- [۸۴] طَلْحَةَ بْنِ أَيَّاسِ الْبَصْرِيِّ.
- [۸۵] طَلْحَةَ الطَّلْحَاتِ، بِا لَشَكْرِ سَعِيدِ بْنِ عَثْمَانَ بُوَدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِه نِيْشَابُورِ أَمَدَ.
- [۸۶] عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُرَيْدَةَ بْنِ حُصَيْبِ الْأَسْلَمِيِّ.
- [۸۷] عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَامِتِ، وَ أَيْنِ صَامِتِ پَسَرِ بَرَادَرِ أَبِي ذَرِّ غَفَارِيِّ بُوَدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.
- [۸۸] عَامِرِ بْنِ شَرَاهِيلِ الشَّعْبِيِّ هَمْدَانِيِّ.
- [۸۹] عَلْقَمَةَ بْنِ قَيْسِ النَّخَعِيِّ [و] تَلَامِذَةَ حَضْرَتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عِلْمَ مِنْ أَشْهَانِ أَمُوختِ.

- [۹۰] عطاء بن ابی السائب المکی.
- [۹۱] عمرو بن عبدالله الهمدانی.
- [۹۲] عمرو بن سالم الانصاری.
- [۹۳] عمرو بن مسلم.
- [۹۴] عمرو بن عبدالله.
- [۹۵] عکرمه مولی عبدالله عباس. مدتی در نیشابور فتوی او داد.
- [۹۶] عباد البصری.
- [۹۷] علباء بن احمر.
- [۹۸] غیاث بن عبدالله از کبار [۸a] اصحاب امیرالمؤمنین علی بود کرم الله وجهه.
- [۹۹] قرعه بن دینار.
- [۱۰۰] قتیبه بن مسلم از علماء تابعین بود و والی خراسان بود.
- [۱۰۱] محمد بن واسع البصری الزاهد.
- [۱۰۲] مهلب الازدی.
- [۱۰۳] مغیره بن عبدالملک.
- [۱۰۴] مشعث بن طریف. مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی
- [۱۰۵] مروان بن عبیدالله النیسابوری وله اولاد کبار.
- [۱۰۶] مصعب بن ابی زهیر.
- [۱۰۷] مقاتل بن سلیمان البلخی.
- [۱۰۸] منصور بن عبدالحمید الخراسانی.
- [۱۰۹] نصر بن عمران.
- [۱۱۰] نافع مولی عبدالله بن عمر.
- [۱۱۱] نافع بن الازرق.
- [۱۱۲] نهار العبیدی.
- [۱۱۳] وهب بن مُنَبِّه بن وهب و همام و عبدالله و معقد پسران منبّه از هرات بودند. کسری ایشان را جلا کرده به فارس برده بود.
- [۱۱۴] هرون بن عبدالله بن عامر.
- [۱۱۵] لاحق بن حمید.
- [۱۱۶] یحیی بن یعمر فقیه ادیب از کبار تابعین بود.

[۱۱۷] یحییٰ بن حمید البصری.

[۱۱۸] یحییٰ بن عقیل البصری.

[۱۱۹] یزید بن المهلب والی بود. هر یک از این بزرگان کوکبِ دُرّی آسمان علم و هدی بوده‌اند.

ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وَرَدَها اوَسَکَنَها اوَحَدَّثَ بها من علماء الاسلام

[۱۲۰] ابراهیم بن طهمان بن [شعبه، ابو] سعید الفقیه الزاهد به هرات متولد شد و به نیشابور وطن گرفت و آخر به مکه رفت و مجاور شد. آنجا به رحمت حق منتقل شد رضی الله عنه و ارضاه.

[۱۲۱] ابراهیم بن مرآء بن النضر بن انس بن مالک انصاری.

[۱۲۲] ابراهیم بن رستم المروزی الفقیه ساکن نیشابور شد و اینجا وفات یافت.

[۱۲۳] ابراهیم بن سلیمان البلخی.

[۱۲۴] اسمعیل بن ابراهیم النیسابوری.

[۱۲۵] اسحق بن بشر الکاهلی، ابو حذیفه البخاری اصل او از بلخ و منشأ او بخارا.

[۱۲۶] احمد بن ابی طیب الجرجانی.

[۱۲۷] اصرم بن حوشب الخراسانی.

[۱۲۸] اصرم بن غیاث النیسابوری، مسجده فی محله الرمجار.

[۱۲۹] اسد بن عبدالله از علما بود و والی بود در خراسان.

[۱۳۰] انس بن عیاض العدنی.

[۱۳۱] بشار بن قیراط النیسابوری.

[۱۳۲] بکر بن معروف النیسابوری، سنه ثلث و ستین و مائه وفات یافت.

[۱۳۳] جعفر بن الحارث جارود النیسابوری.

[۱۳۴] حسن بن محمد القاضی.

[۱۳۵] حسین [بن] الولید شیخ شهر بود در نیشابور سنه ثلث و مأتین به رحمت

حق پیوست.

[۱۳۶] حسین بن داود البلخی.

[۱۳۷] حماد بن سلیمان الفقیه النیسابوری مسکنه بمحله فز.

- [۱۳۸] حفص بن عبدالرحمن [۸b] النيسابورى.
- [۱۳۹] حفص بن سالم السمرقندى.
- [۱۴۰] حجاج بن ارطاة الكوفى.
- [۱۴۱] حبيب بن مهران النيسابورى.
- [۱۴۲] الحكم بن عبدالله البلخى.
- [۱۴۳] خارجة بن مصعب السرخسى.
- [۱۴۴] داود بن سليمان الجرجانى.
- [۱۴۵] داود القشیرى.
- [۱۴۶] زافر بن سليمان القهستانى.
- [۱۴۷] زهير بن محمد التميمى، نسابورى سكن مكة والمدينة.
- [۱۴۸] سفین بن [سعید] الثورى امام عصره و زاهد زمان نیشابور رسيد وقت رفتن به بخارا.
- [۱۴۹] سفین بن حصین سلمى.
- [۱۵۰] سليمان بن عيسى سجزى.
- [۱۵۱] سلم بن قتيبه كه اين قتيبه والى خراسان بود.
- [۱۵۲] سلم بن سالم البلخى.
- [۱۵۳] سعيد بن سالم بن قتيبه چون جد والى نسابور بود.
- [۱۵۴] شيبان بن ابى شيبان.
- [۱۵۵] شقيق بن ابراهيم الزاهد البلخى.
- [۱۵۶] صالح بن سعيد النيسابورى.
- [۱۵۷] عبدالله بن مبارك امام عصره فى الآفاق.
- [۱۵۸] عبدالله [بن] مسلم الدمشقى.
- [۱۵۹] عبدالله بن عبد الرحمن النيسابورى.
- [۱۶۰] عبدالله بن واقد الهروى.
- [۱۶۱] عبدالله بن عبد الرحمن.
- [۱۶۲] عبيدالله بن محمد النيسابورى، فقيه عصره.
- [۱۶۳] عبدالله بن [] المطوعى.
- [۱۶۴] عبد الرحمن بن مسلم، ابوقتيبة.

- [۱۶۵] ابومسلم عبدالرحمن حاجب الدوله.
- [۱۶۶] عبدالرحمن بن عبدالله النسوی، قاضی نسابور.
- [۱۶۷] عبدالرحمن [بن] عمار النسابوری.
- [۱۶۸] عبدالعزیز بن ابی رواد.
- [۱۶۹] عبدالعزیز المروزی.
- [۱۷۰] عبدالملک الاصمعی اما [م] اهل اللغة.
- [۱۷۱] عمر بن هارون البلخی.
- [۱۷۲] عمر بن [میمون] الرماح.
- [۱۷۳] ابو عبدالله عمر القاضی اصل او از بلخ بود اما عبدالله نیشابوری است.
- [۱۷۴] عمر بن قیراط النیشابوری.
- [۱۷۵] عیسی بن موسی البخاری.
- [۱۷۶] عیسی بن ابراهیم القرشی.
- [۱۷۷] عیسی بن نصر السرخسی، ابو عامر النیشابوری.
- [۱۷۸] عامر [بن] خدش النیشابوری.
- [۱۷۹] عیثیة بن عبدالرحمن اللغوی.
- [۱۸۰] فضل بن خالد النحوی.
- [۱۸۱] فضل بن موسی المروزی.
- [۱۸۲] قتیبة بن سعید البغلانی در نیشابور مقیم شد.
- [۱۸۳] قحده بن سلیمان البصری وردنیشابور.
- [۱۸۴] کنانه بن حليلة الهروی و گویند پیوشنج ساکن بود.
- [۱۸۵] محمد بن مُبشر الصقانی.
- [۱۸۶] محمد بن الفضل بن عطیه.
- [۱۸۷] محمد بن اسحق القرشی توفی ببغداد.
- [۱۸۸] محمد [بن] عبدالرحمن المقری.
- [۱۸۹] معمر بن حسین الهروی.
- [۱۹۰] معروف بن حسان.
- [۱۹۱] مؤرّج بن عمرو البصری اقام بنیشابور.
- [۱۹۲] ابوسهل نصر النیشابوری.

- [۱۹۳] نصر بن عبدالکریم النیسابوری.
- [۱۹۴] مکی بن ابراهیم البلخی.
- [۱۹۵] مُخَبَّر بن قَحْذَم در اصل از بصره بودند اما در نیشابور متولد شد.
- [۱۹۶] نهشل بن سعید بن وردان از [۹a] علماء نیشابور بود، مسکن او کوچه صرامین بود در مسجد او مسجد عتیق بر سر کوچه بعدها به ملقباد انتقال فرمود.
- [۱۹۷] نوح بن ابی مریم المروزی.
- [۱۹۸] النضر بن شمیل المازنی صاحب علم عربیة.
- [۱۹۹] وهب بن وهب القرشی القاضی و او از خراسان بود در اصل بی شکمی و گویند که از نیشابور بود.
- [۲۰۰] ولید بن سلمة الأزدی از اهل طبرستان بود.
- [۲۰۱] هِیَاج بن یسْطام التمیمی الهروی اکثر اوقات ساکن نیشابور می بودند مدفن مذکور نیست.
- [۲۰۲] اما [م] یحیی بن صبیح النیسابوری. معلم قرآن، اول معلمی که در نیشابور قرآن به مسلمانان تعلیم داد و مسجد ایشان معروف بود بر در کاروان سرای معمر به مکه رفت و آنجا وفات یافت رضی الله عنه امام المحدثین که دعا بر سر قبر ایشان مستجاب است، البته.
- [۲۰۳] اما [م] یحیی بن بکر بن عبدالرحمن التمیمی کُنِیَّةُ ابوزکریّا معلّم قرآن بود به نیشابور متولد شد [] با ایشان از نیشابور و اولاد در نیشابور مدفون اند در مقبره حسین بن معاذ بن مسلم رضی الله عنهم.

أتباع الأتباع بعد الصحابة و هو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابة

- [۲۰۴] ابراهیم بن نصر بن منصور، ابواسحق الفقیه.
- [۲۰۵] ابواسحق ابراهیم بن هانی النیسابوری سکن بغداد.
- [۲۰۶] ابراهیم بن الحارث بن اسمعیل، ابواسحق البغدادی سکن نیشابور و تُوفی بها.
- [۲۰۷] ابراهیم بن مخلد الکبیر.
- [۲۰۸] ابراهیم بن محمد بن عبدالله الرباطی و یقال له الحمّال.
- [۲۰۹] ابراهیم بن عبدالله بن یزید السعدی.

- [۲۱۰] ابراهیم بن سالم، ابو خالد النیسابوری.
- [۲۱۱] ابراهیم بن زید الأسلمی النیسابوری.
- [۲۱۲] ابراهیم بن الأشعث، ابواسحق البخاری.
- [۲۱۳] ابراهیم بن اسحق [بن] عیسیٰ البنانی الطالقانی و یقال المروزی.
- [۲۱۴] ابراهیم بن ابی صالح و ابوصالح اسمہ ہاشم بن عبد اللہ الثقفی المروزی قاضی نیشابور و تُوفیٰ بها.
- [۲۱۵] ابراهیم بن محمد القرشی من اهل مدینة. وَرَدَ بنیسا بَور و استوطنها و تُوفیٰ بها.
- [۲۱۶] ابراهیم بن محفوظ، ابواسحق السُّلمی.
- [۲۱۷] ابراهیم بن سعدان الحمراوی، ابواسحق الأزدی النیسابوری.
- [۲۱۸] ابراهیم بن منصور، ابواسحق.
- [۲۱۹] ابراهیم بن شماش المروزی الزاهد.
- [۲۲۰] ابراهیم بن ہاشم بن منصور النیسابوری.
- [۲۲۱] ابراهیم بن مہدالبزاز البصری، اقامَ بنسا بَور. [۹b]
- [۲۲۲] ابراهیم بن محمد بن عبد اللہ سلمی و محمد ملقب بمحمش النیسابوری.
- [۲۲۳] ابراهیم بن عمار الانصاری.
- [۲۲۴] ابراهیم بن الأیوب النیسابوری.
- [۲۲۵] ابراهیم بن عثمان النیسابوری.
- [۲۲۶] ابراهیم بن سلیمان الخیاط النیسابوری.
- [۲۲۷] ابراهیم [بن] عبد الرحمن البصری، نزیل نیشابور.
- [۲۲۸] ابراهیم بن الفضل، ابواسحق النیسابوری.
- [۲۲۹] ابراهیم بن الفضل بن یحییٰ النیسابوری.
- [۲۳۰] ابراهیم بن القسم، اخو بشر بن القسم الفقیہ.
- [۲۳۱] ابراهیم بن الحصین بن بشر النسابوری.
- [۲۳۲] ابراهیم بن حرب، ابواسحق النسابوری.
- [۲۳۳] اسمعیل بن ابراهیم بن الولید الاسفراینی.
- [۲۳۴] اسمعیل بن الفضل، ابو ابراهیم قاضی جرجان یعرف بالشانجی.
- [۲۳۵] اسمعیل بن الحجاج.
- [۲۳۶] اسمعیل بن حمید النسابوری.

- [۲۳۷] اسحق بن [ابراهیم بن] مخلد [بن ابراهیم بن عبدالله] بن مطر الحنظلی، ابویعقوب راهویه سکن بنسایور و توفی بها و قیل اصله مروزی و قیل هروی لکن مات بنسایور. قال له عبدالله [بن] طاهر: «لِمَ قیلَ لَكَ راهویه و ما معناه؟» قال «انا وُلِدْتُ فی طریقِ مکة فقاتلَ المَراوِزَةَ راهویه لانه وُلِدَ فی الطريق و كانَ اَبی یکرهُ هذا و لکن انا ما اکره.»
- [۲۳۸] اسحق بن منصور بن بهرام الکوسج مولده بمرو و منشأه بنسایور و توفی بها.
- [۲۳۹] اسحق بن ابراهیم بن یحیی العفصی.
- [۲۴۰] اسحق بن عبدالله بن محمد بن رزین السلمي المعروف بالخشک النسابوری.
- [۲۴۱] اسحق بن حکم بن ابی خدیجه المهاده النسابوری.
- [۲۴۲] اسحق بن ابراهیم السمی النسابوری.
- [۲۴۳] اسحق بن نعیم النسابوری.
- [۲۴۴] اسحق بن موسی [بن] عبدالله بن یزید الانصاری وارد نیشابور.
- [۲۴۵] اسحق بن الصباح ابو محمد التاجر النیشابوری.
- [۲۴۶] اسحق بن العنبر بن محمد الحرشی النیشابوری.
- [۲۴۷] احمد بن عمرو بن سعید الحرشی النیشابوری.
- [۲۴۸] احمد بن ازهر بن منیع العبدی، ابو الازهر النیشابوری.
- [۲۴۹] احمد بن احجم الخزاعی، ابو الحسن المروزی سکن نیشابور و توفی بها.
- [۲۵۰] احمد بن ایوب، ابوذر العطار النیشابوری من المدينة الداخلة.
- [۲۵۱] احمد بن ابراهیم البرمقی.
- [۲۵۲] احمد بن ابراهیم بن حرب بن یزید، ابو عبدالله القرشی.
- [۲۵۳] احمد بن بکر النیشابوری.
- [۲۵۴] احمد بن جواد بن قطن الکبیری النیشابوری.
- [۲۵۵] احمد بن جوّاس، ابو جعفر الاستوایی.
- [۲۵۶] احمد بن حفص بن عبدالله بن راشد السلمي النسابوری. [۱۰a]
- [۲۵۷] احمد بن الحکم بن سان السلمي النیشابوری.
- [۲۵۸] احمد بن حریش، ابو محمد القاضی بنسایور و هراة.
- [۲۵۹] احمد بن حرب و هو سهل بن فیروز و فیروز هو [ابو] عبدالله الزاهد النیشابوری. قال یحیی بن زکریّا بن حرب، سمعت ابی یقول: «تُوفیَ ابی حرب بن عبدالله

- الاصفہانی بنیساہور سنۃ ثمانین و مائۃ و خلف محمداً و له تسع و احمد لاربع سنین و ولدت انا بعد وفاته».
- [۲۶۰] احمد بن الحسن الحافظ ابو الحسن الترمذی صاحب امام احمد بن حنبل.
- [۲۶۱] احمد بن حمزۃ النیساہوری.
- [۲۶۲] احمد بن حاج بن القاسم العامری وله مسجد فی نیشابور.
- [۲۶۳] احمد بن الخلیل ابو علی البغدادی التاجر سکن بنیساہور و توفی بها.
- [۲۶۴] احمد بن جواس بن محراق السلمی النیساہوری.
- [۲۶۵] احمد بن خلد بن حماد الذہلی توفی بنیساہور.
- [۲۶۶] احمد بن خلد بن عبد اللہ، ابوبکر النیساہوری.
- [۲۶۷] احمد بن سنان القشیری، ابو عبد اللہ الخرقنی و خر قن قریۃ علی باب مدینۃ نساہور.
- [۲۶۸] احمد بن سعید بن صخر، ابو جعفر الدارمی ولد بسر خس و نشأ بنیساہور و توفی بها.
- [۲۶۹] احمد بن سلیمان الفزی النیساہوری، شیخ قدیم من محلۃ فز.
- [۲۷۰] احمد بن ستار، ابو الحسن الفقیہ المروزی.
- [۲۷۱] احمد بن عبد اللہ الحمیری النیساہوری و کنیتہ ابو جعفر.
- [۲۷۲] احمد بن عاصم، ابوبکر صاحب ابی عبید النیساہوری.
- [۲۷۳] احمد بن عبد اللہ بن وافد، ابو الولید الهروی.
- [۲۷۴] احمد بن علی بن حمویہ النحوی النیساہوری.
- [۲۷۵] احمد بن عمرو، ابو سعید القہنذری النیساہوری.
- [۲۷۶] احمد بن عبد الرحیم الازدی النیساہوری.
- [۲۷۷] احمد بن عمر بن عبد اللہ الفراری، ابوبکر المروزی ولی قضاء نیشابور.
- [۲۷۸] احمد بن عمر بن ربیعۃ الحرشی النیساہوری.
- [۲۷۹] احمد بن عبد الوہاب بن حبیب بن مہران العبدی، ابو محمد النیساہوری.
- [۲۸۰] احمد بن علی بن سعید السرخکی النیساہوری.
- [۲۸۱] احمد بن عنبر النیساہوری.
- [۲۸۲] احمد بن العباس بن منصور النیساہوری.
- [۲۸۳] احمد بن معاذ بن عبد اللہ السلمی النیساہوری.
- [۲۸۴] احمد بن منصور بن راشد الحنظلی، ابو صالح المروزی و اقام بنیساہور.

- [۲۸۵] احمد بن منصور النسابوری.
- [۲۸۶] احمد بن محمد بن یوسف البلخی کتب عنه بنیسا بور.
- [۲۸۷] احمد بن مسلم الزاهد النیسا بوری، کنیتہ ابو مسلم.
- [۲۸۸] احمد بن محمد بن نصر المعروف باللبّاد [۱۰b] النیسا بوری.
- [۲۸۹] احمد بن مخلد، ابو شجاع الصیدلانی النیسا بوری.
- [۲۹۰] احمد بن محمد بن سعید العرای النیسا بوری.
- [۲۹۱] احمد بن محمد بن المهذب بن همام النسابوری.
- [۲۹۲] احمد بن نصر بن زیاد القرشی، ابو عبدالله المقرئ.
- [۲۹۳] احمد بن یوسف، ابو الحسن السلمی النیسا بوری.
- [۲۹۴] احمد بن یحیی بن الصباح [۱] بن اخی سعید بن الصباح النیسا بوری.
- [۲۹۵] ایوب بن الحسن، ابو الحسن الفقیه الزاهد مسجده و مسکنه بنصر آباد لمسجده کرامات مرویة مُجَرَّبَة. و قبره فی رأس میدان زیاد.
- [۲۹۶] ایوب بن منصور النیسا بوری.
- [۲۹۷] اسلم بن سلیمان النیسا بوری.
- [۲۹۸] اشرف بن محمد القاضی، ابو سعید قاضی النیسا بوری من اصحاب ابی یوسف القاضی.
- [۲۹۹] اسد بن عمار بن عبدالله العتکی.
- [۳۰۰] اسد بن عبدالله المرابطی النیسا بوری.
- [۳۰۱] اسد بن موسی الفقیه النیسا بوری.
- [۳۰۲] ازهر بن حبیب النیسا بوری.
- [۳۰۳] اسد بن نوح صاحب خراسان.
- [۳۰۴] اسود بن ابی الاسود النیسا بوری.
- [۳۰۵] بشر بن الحکم بن حبیب بن مهران العبیدی، ابو عبدالرحمن النیسا بوری.
- [۳۰۶] بشر بن ابی الازهر القاضی النیسا بوری و ابو الازهر نزیل نیشابور و هو من اعیان علماء کوفه.
- [۳۰۷] بشر بن القسم بن حماد النیسا بوری.
- [۳۰۸] بشر بن سهل بن موسی النیسا بوری، ابو سهل اللباد.
- [۳۰۹] بشر بن یحیی السکری، ابو احمد مروزی.

- [۳۱۰] بشر بن حفص بن یحییٰ الفقیہ النیسابوری.
- [۳۱۱] بشر بن محمد الغازی المطوّعی النیسابوری.
- [۳۱۲] بشر بن هاشم، ابوسهل السجستانی.
- [۳۱۳] بشر بن عیسیٰ النسابوری.
- [۳۱۴] بکر بن خدّاش اخوعامر بن خدّاش النسابوری.
- [۳۱۵] بدیل بن محمد الاسفرائینی.
- [۳۱۶] جعفر بن محمد [بن] عروة النسابوری.
- [۳۱۷] جعفر بن عبیدالله الفزّی النیسابوری.
- [۳۱۸] حسن بن عیسیٰ بن ماسرجس، ابوعلی مولى عبدالله [بن] المبارک و كان نصرانیتا، ثم صار امام المسلمين.
- [۳۱۹] الحسن بن ابی عیسیٰ و ابو عیسیٰ موسی بن میسرة الهلالی النیسابوری.
- [۳۲۰] الحسن بن عبدالصمد بن عبدالله بن رزین السملی، ابوسعید النیسابوری.
- [۳۲۱] الحسن بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السملی النیسابوری، ابوعلی قاضی نیشابور.
- [۳۲۲] الحسن بن هارون بن المغيرة بن فرقد التمیمی النیسابوری.
- [۳۲۳] الحسن بن سهل اخو [۱۱۵] جعفر بن سهل المذکر.
- [۳۲۴] الحسن بن شجاع بن رجا، ابوعلی البلخی الحافظ.
- [۳۲۵] الحسن بن عمرو بن عبدالله بن معاذ، ابوعلی النسابوری.
- [۳۲۶] الحسن بن یعقوب بن موسی البخاری، ابویوسف نزیل نیشابور.
- [۳۲۷] الحسن بن محمد بن جعفر المدینی الزاهد، ابوجعفر المدفون بمقبرة مولقباد الذی یزار و یُرجى اجابة الدعاء.
- [۳۲۸] الحسن بن ماهان، ابوالزبیر النیسابوری، نزیل بغداد.
- [۳۲۹] الحسن بن ایوب، ابوعلی الرمجاری النیسابوری.
- [۳۳۰] الحسن بن عبدش النیسابوری الزاهد.
- [۳۳۱] الحسن بن عبدالرحمن، ابوعلی المُستملی النیسابوری.
- [۳۳۲] الحسن بن نصر، ابوشداد الخزاعی النیسابوری.
- [۳۳۳] الحسن بن مهاجر، ابوالحسن المقری النیسابوری.
- [۳۳۴] الحسن بن علی النیسابوری.

- [۳۳۵] الحسن بن مسلم، ابوعلی البغدادی نزیل نیشابور.
- [۳۳۶] الحسن بن صالح بن محمد، ابوعلی الزجاجی النیشابوری.
- [۳۳۷] الحسن بن قتیبہ البشتی.
- [۳۳۸] الحسین بن منصور السُلَمی، ابوعلی النیشابوری.
- [۳۳۹] الحسین بن حُرَیث بن ثابت، ابوعمار المروزی الخزاعی.
- [۳۴۰] الحسین بن عمارة المقری النیشابوری.
- [۳۴۱] الحسین بن فضل بن عمیر بن القاسم بن کیسان البجلی، ابوعلی الکوفی امام عصره قدم مع عبدالله طاهر الی نیشابور و سكنها و تُوفِّيَ بها و دفن فی مقبرة الحسین بن معاذ.
- [۳۴۲] الحسین بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السلمی.
- [۳۴۳] الحسین [بن عبدالله بن] علی النیشابوری المشهور بابی علی المرتفع.
- [۳۴۴] الحسین بن ضحاک بن عبدالرحمن، ابوعلی القرشی النیشابوری.
- [۳۴۵] الحسین بن عیسی بن حمران، ابوعلی البسطامی کان من كبار المحدثین سكن بنیشابور و تُوفِّيَ بها.
- [۳۴۶] الحسین بن عبدالله بن محمد، ابونصر النیشابوری.
- [۳۴۷] الحسین بن حرب الفقیه النیشابوری، اخواحمد بن حرب الزاهد.
- [۳۴۸] الحسین بن سلم، ابوعلی القرشی النیشابوری.
- [۳۴۹] الحسین بن عمرویه، ابوعلی الصانع النیشابوری.
- [۳۵۰] الحسین بن منصور بن ابراهیم بن عبدالله، ابو محمد النیشابوری.
- [۳۵۱] الحسین بن معاذ بن مسلم النیشابوری.
- [۳۵۲] حفص بن عبدا[لله] بن راشد، ابو عمر و السلمی النیشابوری.
- [۳۵۳] حفص بن عمر القصیر النیشابوری.
- [۳۵۴] حفص بن یحیی بن حفص التیمی، ابو الاشعث السرخسی.
- [۳۵۵] حماد بن سلیمان النیشابوری استاذ احمد بن حرب.
- [۳۵۶] حماد بن موسی النیشابوری، اخو مسرور بن [۱۱b] موسی الفراء.
- [۳۵۷] حماد بن هرون النیشابوری.
- [۳۵۸] الحکم بن المبارک النیشابوری.
- [۳۵۹] الحکم بن حبیب بن مهران العبدی النیشابوری.

- [۳۶۰] الحکم بن عبداللہ الجنجروی النیسابوری، ابوالفضل.
- [۳۶۱] حامد بن ابی حامد المقری النیسابوری.
- [۳۶۲] حامد بن عبدالوہاب الاسفرائینی.
- [۳۶۳] حمدان بن خالد ابوالعباس القرشی النیسابوری.
- [۳۶۴] حمدان بن محمد بن عبدالعزیز بن سلام النیسابوری.
- [۳۶۵] حجاج بن مهاجر، ابویوسف البصری نزیل نیشابور.
- [۳۶۶] حجاج بن مسلم القشیری، ابو مسلم الامام النیسابوری و توفی و مسلم کان صغیراً.
- [۳۶۷] حاتم بن یونس الجرجانی اقام بنیسابور برہۃ من الدر.
- [۳۶۸] حاتم بن منصور، ابوطیب الکشی حدث بنسابور.
- [۳۶۹] حمید بن زنجویہ النسوی، ابو احمد محدث کثیر الحدیث.
- [۳۷۰] حسنویہ بن کیسان، اخو محمد بن کیسان النیسابوری.
- [۳۷۱] حسنویہ بن خشنام الحرشی النیسابوری.
- [۳۷۲] حسنویہ بن عبداللہ النیسابوری، ابو علی اخو حسین المرتفع.
- [۳۷۳] حمش بن عبدالرحیم الرتکی الزاهد، ابو عبداللہ المطوعی النیسابوری صاحب الصومعة و المسجد الذین یتبرک بہما.
- [۳۷۴] حمران بن عثمان بن عفن النیسابوری.
- [۳۷۵] حاشد بن اسمعیل البخاری.
- [۳۷۶] حرمی بن محمد بن یوسف البلخی.
- [۳۷۷] خلد بن حماد بن عمرو بن مخلد بن مالک و هو الخمخام، روى عنه احمد و احمد عندنا مدفون بنیسابور.
- [۳۷۸] خلد بن یزید [بن] الخلد البلخی النیسابوری.
- [۳۷۹] خشنام بن الصدیق النیسابوری و مسکنه رأس سکہ عمار فی سکہ معتیاباد.
- [۳۸۰] خشنام بن عبدالرحمن النیسابوری المعنیابادی.
- [۳۸۱] خشنام بن عبداللہ بن ابی زیاد النیسابوری.
- [۳۸۲] خضر بن عبداللہ بن سنان بن الحکم النیسابوری، ابو سعید السلمی.
- [۳۸۳] خلیل بن محمد بن عبدالرحمن النحوی، ابو محمد النیسابوری.
- [۳۸۴] خلف بن عبداللہ العنبری الهروی حدث بنسابور.
- [۳۸۵] خلف بن ایوب العامری، ابو سعید البلخی فقیه اهل بلخ.

- [۳۸۶] خدش بن عمرو، ابو عامر النیسابوری.
- [۳۸۷] داود بن محراق الفاریابی.
- [۳۸۸] داود بن مُحَبَّر بن قَحْذَم، ابوسلیمان قیل ولد بنیسابور و مات ببغداد.
- [۳۸۹] داود بن ابراهیم النسابوری.
- [۳۹۰] داود بن علی بن خلف الفقیه الاصبهانی اقام بنسابور مدة.
- [۳۹۱] داود بن سعید، ابوسلیمان النیسابوری.
- [۳۹۲] داود بن عدی الطوسی، [۱۲۸]
- [۳۹۳] رجابن السندی النیسابوری، ابو محمد الاسفرائینی رکن من ارکان الحدیث.
- [۳۹۴] رجابن عبدالرحیم، ابوالمضاء القرشی الهروی.
- [۳۹۵] رجابن اسد النیسابوری.
- [۳۹۶] رجابن ابراهیم بن طهمن.
- [۳۹۷] زیاد بن عبدالرحمن، ابو محمد المنسوب الیه میدان زیاد.
- [۳۹۸] زکریا بن حرب النسابوری، ابو یحییٰ اخو احمد [بن] حرب.
- [۳۹۹] زکریا بن یحییٰ بن یحییٰ النسابوری، ابو محمد التمیمی.
- [۴۰۰] زاهر بن بجر النسابوری.
- [۴۰۱] زنجویہ بن عبدالرحمن العابد النیسابوری و یقال له زنجویہ الحیری من محلّة الحیرة.
- [۴۰۲] زید بن ابی موسیٰ النیسابوری.
- [۴۰۳] سلیمان بن ابی مطر المطوعی النیسابوری.
- [۴۰۴] سلیمان بن مطر النیسابوری، اخو قتادة.
- [۴۰۵] سلیمان بن بجر بن معاذ النیسابوری الذّهلی.
- [۴۰۶] سلیمان بن داود بن بکر، ابوداود النیسابوری الخقاف.
- [۴۰۷] سلیمان بن داود بن شعیب [بن] کیسان النیسابوری.
- [۴۰۸] سلیمان بن محمد بن ابی داود النیسابوری المستملی.
- [۴۰۹] سلیمان بن عمر بن الحنی النیسابوری.
- [۴۱۰] سلیمان بن خلد بن یونس الکاتب، ابوداود النیسابوری.
- [۴۱۱] سلیمان بن الاشعث، ابوداود السجستانی امام اهل عصره بلامدافعة و کان مقيماً بهراة و توفي ببصرة.

- [۴۱۲] سلیمان بن عبدالله البکری النیسابوری من محلة فز.
- [۴۱۳] سلیمان بن مسلم بن الحسین بن معاذ النیسابوری.
- [۴۱۴] سلیمان بن عبدالله العامری النیسابوری.
- [۴۱۵] سلیمان بن سعد القرشی النیسابوری.
- [۴۱۶] سعد بن یزید الفراء النیسابوری اختلفوا فی کنیته.
- [۴۱۷] سعید بن معاذ، ابو عصمة المروزی.
- [۴۱۸] سعید بن عبدالرحمن [من] موالی آل الجرود النیسابوری و يقال سعید الحیری من محلة حیرة.
- [۴۱۹] سهل بن مهران، ابوبشر البغدادی نزیل بنیسا بور.
- [۴۲۰] سهل بن بشر بن القسم الفقیه النیسابوری، ابو القاسم و یلقب بسهلویه.
- [۴۲۱] سهل بن عمار بن عبدالله العتکی النیسابوری.
- [۴۲۲] سهل بن عمان النیسابوری المعروف بالسجزی.
- [۴۲۳] سهل بن اسلم النیسابوری.
- [۴۲۴] سهل بن عبدالعزیز بن سودة الصفانی.
- [۴۲۵] سعید بن الصباح، اخویحیی النیسابوریان المنسوب الیهما الخان و المحله.
- [۴۲۶] سعید بن محمود ابو [الطوسی نزیل نیسابور.
- [۴۲۷] سعید بن ابی سعید البلخی قدم بنیسا بور حاجاً.
- [۴۲۸] سعید بن اشکاب الشاشی حدث بنیسا بور.
- [۴۲۹] سعید بن مروان البغدادی، ابو عثمان و يقال الرهاوی [۱۲b] سكن بنیسا بور و یهامات.
- [۴۳۰] سعید بن مسلم بن قتیبة بن مسلم والی نیسابور.
- [۴۳۱] سعید بن صالح النیسابوری.
- [۴۳۲] سعید بن عبدالرحمن الجارودی النیسابوری.
- [۴۳۳] سعید بن یحیی الکریزی البصری.
- [۴۳۴] سعید بن منصور، ابو عثمان النیسابوری و يقال الخراسانی و يقال الجوزجانی و يقال البلخی.
- [۴۳۵] سعید بن النضر، ابو النضر النیسابوری.
- [۴۳۶] سلمة بن شیبب النیسابوری، ابو عبدالرحمن المستملی.

- [۴۳۷] سلم بن الجرود بن یزید النیسابوری.
- [۴۳۸] سلمة بن بشیر النیسابوری.
- [۴۳۹] السری بن عطیة التمیمی النیسابوری.
- [۴۴۰] السری بن نصر، ابوسهل النیسابوری.
- [۴۴۱] السری بن خزیمة بن معویة، ابو محمد الایوردی و تُوفیٰ بایورد.
- [۴۴۲] ساسان بن الحسین ابوکسری السیراسانی.
- [۴۴۳] سختویه بن مازیار النیسابوری.
- [۴۴۴] سختویه بن الجنید، ابو عبدالله الجرجانی.
- [۴۴۵] شبل بن عبدالرحمن الأدیب النحوی النیسابوری.
- [۴۴۶] شداد بن حکیم البلخی، حدث بنیسا بور.
- [۴۴۷] شریک بن عبدالله النخعی القاضی، ولد بخراسان و قیل بنیسا بور.
- [۴۴۸] شریح بن عقیل بن رجا، ابو عقیل البیهقی.
- [۴۴۹] شوکر بن عبدالله الاسفراینی.
- [۴۵۰] شعثم بن أصیل، ابواحمد العجلی النیسابوری و هو من رستاق ارغیان.
- [۴۵۱] صالح بن یونس، ابو حاتم النیسابوری.
- [۴۵۲] صالح بن جناح ممن ادرك الاتباع بلاشک.
- [۴۵۳] صالح بن محمد بن حبیب بن ابی الاشرس الحافظ، ابو علی البغدادی و تُوفیٰ ببخارا.
- [۴۵۴] طاهر بن الحسین بن مصعب بن رزیق بن شادان الخزاعی، ابو طلحة ذوالیسمنین والی خراسان.
- [۴۵۵] طاهر بن سعید المقری النیسابوری، ابو القاسم.
- [۴۵۶] طاهر بن عبدالله بن عطا الأمير و تُوفیٰ بنیسا بور يوم الاثنين من رجب سنة ثمان و اربعین و ماتین و دفن من الغد.
- [۴۵۷] طیفور بن عبدالله النیسابوری، ابو الطیب المؤذن.
- [۴۵۸] عبدالله بن حسان، ابو عبدالرحمن الطوسی. ولد بها و بنیسا بور نشر علمه.
- [۴۵۹] عبدالله بن محمد بن عبدالله بن جعفر بن الیمان المسندی، ابو جعفر البخاری.
- [۴۶۰] عبدالله بن عثمان بن جبلته بن ابی راود العتکی المروزی.
- [۴۶۱] عبدالله بن هرون بن مأمون بن الرشید الرشید امیر المؤمنین.

- [۴۶۲] عبدالله بن مهران الطیسی، ابو محمد.
- [۴۶۳] عبدالله بن الجراح القہستانی، ابو محمد سکن بنیساہور و بہا انتشار علمہ.
- [۴۶۴] عبدالله بن یوسف بن خرشید الدبیری النیساہوری و دویر قریة علی باب نیشابور.
- [۴۶۵] عبدالله بن محمد [بن] عبدالرحمن المقرئ النیساہوری.
- [۴۶۶] عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بہرام السمرقندی.
- [۴۶۷] عبدالله بن [۱۳۸] عبدالوہاب التمیمی، ابو محمد الخوارزمی اقام بنیساہور.
- [۴۶۸] عبدالله بن مخلد التمیمی النیساہوری، ابو محمد النحوی.
- [۴۶۹] عبدالله بن یونس، ابو محمد النیساہوری الفقیہ.
- [۴۷۰] عبدالله بن محمد الدقیقی النیساہوری.
- [۴۷۱] عبدالله بن عمر بن [میمون] الرماح القاضی النیساہوری.
- [۴۷۲] عبدالله بن محمد بن ہانی ابو عبدالرحمن النحوی النیساہوری.
- [۴۷۳] عبدالله بن محمد بن عبدالله النیساہوری.
- [۴۷۴] عبدالله بن ابراہیم المروزی حَدَّثَ بنیساہور.
- [۴۷۵] عبدالله بن مہدی العامری، ابو محمد النیساہوری.
- [۴۷۶] عبدالله بن طاہر بن الحسین بن مصعب بن رزیک الخزاعی، ابو العباس الأمير العادل و وفاتہ بنیساہور. قد یزار مع تسعة بنین له من سبعة عشر.
- [۴۷۷] عبدالله بن ابراہیم الشنغاصی النیساہوری.
- [۴۷۸] عبدالله بن یونس النیساہوری.
- [۴۷۹] عبدالله بن سعید بن جعفر الجعفی البخاری حدث بنیساہور.
- [۴۸۰] عبدالله بن محمد ابو الطیب مکفون الفقیہ النیساہوری.
- [۴۸۱] عبدالله بن خلد بن فارس الذہلی النیساہوری.
- [۴۸۲] عبدالله بن احمد بن عبدالله بن سنان الہلالی النیساہوری.
- [۴۸۳] عبدالله بن سنان الہروی صاحب ابن المبارک.
- [۴۸۴] عبدالله بن حماد ابو حامد القہندزی النیساہوری.
- [۴۸۵] عبدالله بن محمد بن رباب النیساہوری.
- [۴۸۶] عبدالله بن ابی نجیة النیساہوری.
- [۴۸۷] عبدالله بن ابراہیم، ابو محمد الخشاب المعروف بالبصری و هو نیشابوری.

- [٤٨٨] عبدالله بن عرادة السدوسي حدّث بنيسابور.
- [٤٨٩] عبدالله بن الحارث، ابو محمد الصنعاني طنرطري على رساتيق نيسابور مثل جويني و اسفرايني و بيهقي و بشتي.
- [٤٩٠] عبيدالله بن سعيد بن يحيى بن بُر [د] اليشكري السرخسي الآن روايته و اصحابه بنيسابور و مسكنه بنيسابور الى ان توفي.
- [٤٩١] عبيدالله بن محمد بن سليمان الهاشمي حدّث بنيسابور.
- [٤٩٢] عبيدالله بن عبدالله بن ابي الهيثم عم ابي جعفر الترك و كان يسكن دارالترك في سكة باذان.
- [٤٩٣] عبدالرحمن بن بشر بن الحكم بن حبيب بن مهران العبدى النيسابورى.
- [٤٩٤] عبدالرحمن بن علقمة ابوزيد السعدى المروزى.
- [٤٩٥] عبدالرحمن بن عمار النيسابورى الشهيد و هو المنسوب الى سكة عمار.
- [٤٩٦] عبدالرحمن بن مسعود الجوزجاني حدّث بنيسابور.
- [٤٩٧] عبدالحميد بن عبدالله بن محمد بن هانى، ابوهانى النيسابورى.
- [٤٩٨] عبدالوهاب بن منصور حنّ الحسين بن عبيدالله النيسابورى الترك.
- [٤٩٩] عبدالوهاب بن حبيب بن مهران العبدى النيسابورى.
- [٥٠٠] عبدالوهاب بن الضحاک النيسابورى.
- [٥٠١] عبدالعزيز [١٣٥] بن يحيى، ابو عبدالرحمن المدينى.
- [٥٠٢] عبدالعزيز بن مهلب المروزى، ابوالدردا.
- [٥٠٣] عبدالعزيز بن سليمان بن يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابورى.
- [٥٠٤] عبدالجبار بن امان القرشى النيسابورى.
- [٥٠٥] عبدالرحيم [] النيسابورى.
- [٥٠٦] عبدالصمد بن حسان، ابويحيى المروزى.
- [٥٠٧] عبدالصمد بن مسعود بن عبدالله بن رزين السلمى النيسابورى.
- [٥٠٨] عبدالصمد بن سليمان بن ابي مطر، ابوبكر البلخي.
- [٥٠٩] عبدالسلم بن صلح بن سليمان بن [ايوب بن] ميسرة، ابوالصلت خادم على بن موسى الرضا.
- [٥١٠] عبدالسلم بن نهشل بن سعيد النيسابورى.
- [٥١١] عبدالخالق بن ابراهيم بن طهمان النيسابورى.

- [۵۱۲] عبد الخالق بن منصور القشیری النیسابوری.
- [۵۱۳] عبید بن محمد بن القسم النیسابوری.
- [۵۱۴] عبید بن سعد النیسابوری.
- [۵۱۵] عمر بن عبد الله بن محمد بن رزین النیسابوری.
- [۵۱۶] عمر بن عبدالعزیز بن سلام بن عبدالعزیز بن حبیب [بن] فیروز التمیمی السعدی.
- [۵۱۷] عمر بن عصام بن سلم بن زیاد النیسابوری، ابو حفص المقرئ و کُلُّ القراءِ یُسَمُّونه عمرواً و هو عمر.
- [۵۱۸] عمر بن عُقْبَةَ الاستوائی النیسابوری من رستاق استوا.
- [۵۱۹] عمر بن سعید بن وردان القشیری النیسابوری.
- [۵۲۰] عثمان بن عبد الله بن عمرو بن عثمان، ابو عمرو القرشی سکن بنیسابور و بها حَدَّثَ اِلَى اَنْ تُوفِيَ.
- [۵۲۱] عثمان بن سعید بن خالد، ابو سعید الدارمی.
- [۵۲۲] امیر المؤمنین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم الرضا ابو الحسن الامام الشہید. ورد بنیسابور سنة مأتین فلما وافى الرضا بنیسابور و اقام بهامدة و المأمون بمر و الى ان امر باخراجه اليه ثم كان بعد ذلك ما كان و استشهد بسناباد من طوس لتسع بقين من شهر رمضان ليلة الجمعة من سنة ثلث و مأتین و هو ابن تسع و اربعين سنة و ستة اشهر. و قال الرضا رضی الله عنه: «من زارنى على بعد داري أتيتُهُ يَوْمَ القِيَمَةِ [فى] ثَلَاثِ مَواطنٍ اَخْلَصَهُ مِنْ اَهْوَالِها، اِذا تَطَايَرَتِ الكُتُبُ يَمِيناً و شمالاً و عِنْدَ الصراطِ و عِنْدَ المِيزانِ.»
- [۵۲۳] علی بن ابراهیم النباتی المروزی.
- [۵۲۴] علی بن اسحق المروزی صاحباً عبد الله المبارک.
- [۵۲۵] علی بن اسحق الحنظلی، ابو الحسن السمرقندی من کبار شیوخهم.
- [۵۲۶] علی بن بشر البغانخدی النیسابوری، ابو الحسن.
- [۵۲۷] علی بن بکر البرنوذی الکبیر.
- [۵۲۸] علی بن حریر، ابو الحسن الابیوردی حَدَّثَ بنیسابور.
- [۵۲۹] علی بن الجرود بن [۱۴a] یزید النیسابوری، ابو الحسن.
- [۵۳۰] علی بن جمعة بن هانی بن قنبر مولى امیر المؤمنین علی رضی الله عنه و هو ممن

- ولد بنيسابور. فان هانى سكنها عند و روده مع جعدة بن هُبَيْرَة. و آل قنبر عندنا بنيسابور بيت كبير و خطتهم باب الرى.
- [٥٣١] على بن الحسن بن شقيق العبدي المروزي.
- [٥٣٢] على بن الحسن بن عبد الرحمن بن يزيد ابو الحسن الذُهلى النيسابورى شيخ عصره.
- [٥٣٣] على بن الحسن بن موسى الهلالى النيسابورى و هو ابو الحسن الدرا بجردى و الدرا بجرى محلّة متصلة بالصحراء فى [١] على البلد.
- [٥٣٤] على بن الحسن الترمذى، ابو الحسن.
- [٥٣٥] على بن الحسين بن واقد المروزي.
- [٥٣٦] على بن الحسين بن عبدويه البيهقى النيسابورى.
- [٥٣٧] على بن الحسين بن الوليد القرشى النيسابورى.
- [٥٣٨] على بن حجر بن اياس المروزي.
- [٥٣٩] على بن الحكم المروزي و يقال له الملاجكانى، ابو الحسن.
- [٥٤٠] على بن سلمة [بن شقيق بن] عقبه القرشى، ابو الحسن اللبقي النيسابورى.
- [٥٤١] على بن سعيد بن حرير، ابو الحسن النسوى.
- [٥٤٢] على بن عثمان بن على العامرى، ابو الحسن الكوفى ساكن نيسابور.
- [٥٤٣] على بن عيسى بن حرب البيهقى نيسابورى.
- [٥٤٤] على بن قدامة بن سلمة النيسابورى.
- [٥٤٥] على بن مخلد بن شيبان النيسابورى، ابو الحسن خطته مشهورة فى المربعة الصغيرة بسكة زنجويه.
- [٥٤٦] على بن محمد بن آدم الذُهلى النيسابورى.
- [٥٤٧] على بن محمد بن معاوية النيسابورى.
- [٥٤٨] على بن موسى بن خاقان النيسابورى.
- [٥٤٩] على بن محمد الزياد ابادى النيسابورى و زياد اباد قرية بيهق.
- [٥٥٠] على بن نصر الوراق النيسابورى.
- [٥٥١] على بن يعقوب بن صباح القس النيسابورى.
- [٥٥٢] على بن يونس البلخى حدّث بنيسابور.
- [٥٥٣] عيسى بن جعفر، ابو موسى قاضى الرى.
- [٥٥٤] عيسى بن ابي عيسى الدرا بجردى النيسابورى.

- [۵۵۵] عیسیٰ بن حنان النیسابوری.
- [۵۵۶] عمرو بن زرارة بن واقد، ابو محمد الکلابی النیسابوری.
- [۵۵۷] عمرو بن هشام بن الزبیر النیسابوری.
- [۵۵۸] عمرو بن معمر العمرکی النیسابوری ابو عثمان.
- [۵۵۹] عمرو بن عامر بن الفرات ابو سعید الذُہلی النیسابوری.
- [۵۶۰] عمرو بن مسلم، ابو حفص الزاهد النیسابوری.
- [۵۶۱] عمرو بن صالح المروزی حَدَّثَ بنیساہور.
- [۵۶۲] عمرو بن عصام الاستوایی.
- [۵۶۳] عمار بن عبدالجبار، ابو الحسن النیسابوری.
- [۵۶۴] عاصم بن عصام بن منیع بن ثعلبة القُشَیری النیسابوری.
- [۵۶۵] عاصم البخارزی النیسابوری.
- [۵۶۶] عصمة بن الفضل النمیری النیسابوری سکن بغداد.
- [۵۶۷] عصمة بن [۱۴b] ابراهیم الزاهد النیسابوری.
- [۵۶۸] عصمة بن ابان النیسابوری.
- [۵۶۹] عامر بن شعیب النیسابوری، یقال له الاسفنجی قرية بارغیان من رستاق نيسابور.
- [۵۷۰] عباس بن سهل، ابو الفضل الميدانی النیسابوری من میدان زیاد.
- [۵۷۱] عباس بن الضحاک البلخی.
- [۵۷۲] عقیل بن خُوَیْلِد بن معویة بن سعید [بن] رشد صاحب رسول الله النیسابوری.
- [۵۷۳] عقیل بن عمر بن بکر والی نيسابور.
- [۵۷۴] عقیل بن الهلال النیسابوری.
- [۵۷۵] عقیل بن یحیی النیسابوری.
- [۵۷۶] عمران [بن] سوار البغدادی نزیل نيسابور.
- [۵۷۷] عمران بن سهل، ابو سعید النیسابوری.
- [۵۷۸] عمران بن علی الخزاعی النیسابوری.
- [۵۷۹] عتیق بن محمد بن سعید الحرشی، ابو بکر النیسابوری.
- [۵۸۰] غَسَّان بن سلیم الهروی.
- [۵۸۱] غَسَّان بن محمد بن عبدالله بن سالم النیسابوری.
- [۵۸۲] غَسَّان بن عبدالله السلمی البصری حَدَّثَ بنیساہور.

- [٥٨٣] فضل بن محمد بن المسيّب بن موسى، ابو محمد الشعراني البيهقي النيسابورى.
- [٥٨٤] فضل بن حماد التميمى النيسابورى و يلقب ببندش او ابن بندش.
- [٥٨٥] فضل بن الحكم بن نصر بن عقيل العدل النيسابورى، ابو العباس التاجر.
- [٥٨٦] فتح بن الحجّاج، ابو نوح الفقيه النيسابورى.
- [٥٨٧] فتح بن محمد بن عبدالرزاق التميمى النيسابورى.
- [٥٨٨] فتح بن نوح بن سنان راشد بن عبدالله العامرى، ابو نصر الشاهنبرى، محله فى اعلى البلد
- [٥٨٩] فتح بن محمد السمرقندى حَدَّثَ بنيسابور.
- [٥٩٠] فضيل بن اسحق بن النصر بن اسحق النيسابورى.
- [٥٩١] فضالة بن ابي زيد القشيرى عم محمد بن رافع.
- [٥٩٢] القسم بن الضحّاك القرشى.
- [٥٩٣] القسم بن حيّويه النيسابورى و هو من رستاق نيسابور باستوا.
- [٥٩٤] القسم بن دهيم البيهقى النيسابورى.
- [٥٩٥] القسم بن محمد بن عبدالله الفرغانى، ابو عبدالرحمن المذكور تُوفّيَ فى اسفراين.
- [٥٩٦] قرّة بن حبيب العتوى اصله من نيسابور.
- [٥٩٧] قتادة بن مطر النيسابورى.
- [٥٩٨] قطن بن ابراهيم القشّيرى، ابو سعيد النيسابورى.
- [٥٩٩] محمد بن الازهر بن حرّيث بن ماهان، ابو جعفر السجزى نزل بنيسابور فى عنقوان شبابه و بها ولد ابنه ابو العباس و بها توفّيّا جميعاً.
- [٦٠٠] محمد بن احمد بن حفص النيسابورى، ابو عبدالله.
- [٦٠١] محمد بن اسلم بن سالم بن زيد الكندى، ابو الحسن الطوسى تُوفّيَ بنيسابور و دُفِنَ فى جنبِ اسحق بن راهويه فى مقبرة شادياخ و هذا من انشاده: [١٥٨]

إِنَّ الطَّبِيبَ بِطَبِّهِ وَ دَوَائِهِ
لَا يَسْتَطِيعُ دِفَاعَ مَقْدُورِ أَتَى
مَالِ الطَّبِيبِ يَمُوتُ بِالذَّاءِ الَّذِى
قَدْ كَانَ يُبْرِئُ مِثْلَهُ فِيمَا مَضَى
هَلَكَ الْمُدَاوِيّ وَ الْمُدَاوِيّ وَ الَّذِى
جَلَبَ الدَّوَاءَ وَ بَاعَهُ وَ مَنْ اشْتَرَى

- [۶۰۲] محمد بن ابان، ابوبکر البلخی المُستَمَلی.
- [۶۰۳] محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری، ابو عبدالله الجعفی. ورد نیشابور علی کبر سنّه و اقام به خمس سنین الی أن وقعت الفتره بینہ و بین شیخ عصره محمد بن یحیی الذہلی رضی اللہ عنہ و لولا ذاک لما خرج من نیشابور. فقد کان سکنها. قال ابو حسان مہلب بن سُلیم الکرمینی: «مات محمد بن اسمعیل رحمہ اللہ عندنا لیلۃ الفطر اول لیلۃ من شوال سنۃ ست و خمسين و ماتین و کان بلغ عمره اثنین و ستین الأ عشر لیلۃ و کان مولده فی شهر شوال من سنۃ اربع و تسعين و مائة و کان فی بیت وحده فَوَجَدْنَا لَمَّا أَصْبَحْنَا وَ هُوَ مَيِّتٌ.» وهذا کان فی فترۃ اخرجوه فیها من بخارا و سببه حُرَیث بن ابی الوراق و تمسک بمحمد بن یحیی الذہلی النیشابوری. و قال أنه اخرجہ من نیشابور و هو امام عصره و قيل سبب اخراجه خالد بن احمد الذہلی الأمير خلیفة الظاہریۃ ببخارا لأن ابی عبدالله محمد بن اسماعیل ابی تعلیم اولادہ رحمۃ اللہ علیہ رحمةً واسعة.
- [۶۰۴] محمد بن اسد، ابو عبدالله النیشابوری الخوشی والخوش قرية من قرى اسفراين.
- [۶۰۵] محمد بن ابراهیم بن طهمن.
- [۶۰۶] محمد بن احمد بن محمد النیشابوری.
- [۶۰۷] محمد بن احمد بن غالب النیشابوری الانصارى.
- [۶۰۸] محمد بن اسکاف بن خلد النیشابوری، ابو عبدالله الجوری.
- [۶۰۹] محمد بن اشرس بن موسی السلمی، ابو عبدالله النیشابوری.
- [۶۱۰] محمد بن ابراهیم بن سعید بن عبدالرحمن [البوشنجی] العبدی، ابو عبدالله الفقیه الأديب نَزَلَ بنیشابور و تُوْفِيَ بِهَا.
- [۶۱۱] محمد بن احمد بن انس القرشی النیشابوری.
- [۶۱۲] محمد بن اسحق بن ابراهیم بن یونس النیشابوری، ابو عبدالله.
- [۶۱۳] محمد بن احمد بن الجراح، ابو عبدالرحیم الجوزجانی حَدَّثَ بنیشابور و اقام بها.
- [۶۱۴] محمد بن اسمعیل الرمانی النیشابوری.
- [۶۱۵] محمد بن ایوب بن الحسن الزاهد النیشابوری، ابو عبدالله الفقیه.
- [۶۱۶] محمد بن ازهر، ابو حفص النیشابوری.
- [۶۱۷] محمد بن اسمعیل بن علی الهاشمی، ابو عبدالله البغدادی [۱۵b] حَدَّثَ بنیشابور.
- [۶۱۸] محمد بن احمد بن اسلمه السلمی، ابو عبدالله النیشابوری.

- [٦١٩] محمد بن احمد بن ابراهيم بن داود.
- [٦٢٠] محمد بن ابراهيم الصايغ النيسابورى.
- [٦٢١] محمد بن افلاح بن عبدالله الملقب بالترك النيسابورى، كنيته ابو عبدالرحمن ختن يحيى بن يحيى على ابنته.
- [٦٢٢] محمد بن احمد بن حفص، ابو عون النيسابورى.
- [٦٢٣] محمد بن احمد بن الخليل بن سوار بن عبدالله القرشى النيسابورى.
- [٦٢٤] محمد بن بندار، ابو عبدالله النيسابورى.
- [٦٢٥] محمد بن بشر بن النجم الحرشى النيسابورى، ابو عبدالله.
- [٦٢٦] محمد بن بكر بن خلد، ابو جعفر النيسابورى ساكن بغداد.
- [٦٢٧] محمد بن بحر ابو عبدالله الاسفراينى.
- [٦٢٨] محمد بن الجنيد الزاهد، ابو عبدالله الاسفراينى.
- [٦٢٩] محمد بن جعفر بن محمد بن على بن حسين بن على بن ابيطالب رضى الله عنهم، ابو جعفر يُعرف بالديباج ورد خراسان فَنَزَلَ بنيسابور وسمع منه مشايخها و تُوْفِيَ بجرجان و له بها مشهد رضى الله عنه.
- [٦٣٠] محمد بن حجاج بن عيسى السلمى النيسابورى، ابو جعفر الوراق.
- [٦٣١] محمد بن الحسن الحيرى النيسابورى.
- [٦٣٢] محمد بن الحجاج العامرى النيسابورى.
- [٦٣٣] محمد بن الحجاج النيسابورى، اخو اسمعيل بن الحجاج.
- [٦٣٤] محمد [بن] الحسن بن شهر يار النيسابورى، ابو عبدالله.
- [٦٣٥] محمد بن الحسين بن طرخان النيسابورى، ابو عبدالله الشعرانى الصواف و المنسوب اليهم سكة طرخان.
- [٦٣٦] محمد بن حفص، ابو ثابت الحرشى النيسابورى.
- [٦٣٧] محمد بن حماد، ابو عبدالله الابيوردى الزاهد.
- [٦٣٨] محمد بن حمدويه بن عبده بن شيبة الانصارى.
- [٦٣٩] محمد بن الحسين الكابلى النيسابورى.
- [٦٤٠] محمد بن خلد، ابو بكر الصومعى الطبرى الزاهد الفقيه. ورد بنيسابور و بها ظهر حديثه و بهامات.
- [٦٤١] محمد بن خلد الجنجرودى، ابو بكر النيسابورى.

- [۶۴۲] محمد بن خالد الشامی حَدَّثَ بنیساہور.
- [۶۴۳] محمد بن خلف بن شعبۃ بن النعمان النیساہوری، ابو عبد اللہ القشیری و يُعْرَفُ
بمحمدان بن خلف.
- [۶۴۴] محمد بن خالد بن بشر النیساہوری، ابوبکر المعروف بالفاف.
- [۶۴۵] محمد بن دلویہ بن منصور، ابوبکر الفقیہ الزاهد تُوفِّيَ فی صفر سنة خمس و
ستین و مأتین و دفن فی مقبرة حيرة.
- [۶۴۶] محمد بن رافع بن ابی زید القشیری النیساہوری شیخ عصره فی خراسان،
ابو عبد اللہ خَطْنَةُ السكة الاولى من باغ الرازیین.
- [۶۴۷] محمد بن رجا بن السندی، ابو عبد اللہ النیساہوری.
- [۶۴۸] محمد بن زیاد بن سنان القشیری النیساہوری.
- [۶۴۹] محمد بن زید بن عبد اللہ الثعلبی الشامی، ابو الحسن البزاز سکن بنیساہور و
بہامات.
- [۶۵۰] محمد بن سعید الحلاب النیساہوری، ابو عبد اللہ اخو خشنام.
- [۶۵۱] محمد بن سعید القاضی نزیل بنیساہور و بہامات.
- [۶۵۲] محمد بن سعید بن ہناد ابو عالم البوسنجی نزیل بنیساہور و بہامات.
- [۶۵۳] محمد بن سهل بن ابرہیم بن حماد، ابو عبد اللہ النیساہوری.
- [۶۵۴] محمد بن سعید، ابو القاسم النیساہوری سکن مصر.
- [۶۵۵] محمد بن سعید الہروی.
- [۶۵۶] محمد بن سلیمان بن عبد ربہ المروزی.
- [۶۵۷] محمد بن شعیب، ابو عبد اللہ الاسدی النیساہوری.
- [۶۵۸] محمد بن شعیب، ابوبکر النیساہوری الحیری.
- [۶۵۹] محمد بن شادان، ابو سعید النیساہوری المعروف بالبصری.
- [۶۶۰] محمد بن طاہر، ابوبکر النیساہوری من رستاق جوین.
- [۶۶۱] محمد بن عبد اللہ بن حبیب، ابو یحیی النیساہوری.
- [۶۶۲] محمد بن عبد اللہ بن عمّار العتکی النیساہوری.
- [۶۶۳] محمد بن عبد اللہ النحوی النیساہوری.
- [۶۶۴] محمد بن عبد الرحمن قدم بنیساہور حاجاً.
- [۶۶۵] محمد بن عبد الرحمن ابو عبد [] [۱۶a] السمران النیساہوری.

- [٦٦٦] محمد بن عبدالرحمن الانصارى النيسابورى المحتسب.
- [٦٦٧] محمد بن عبدالرحمن بن موسى، ابو عبدالله النيسابورى.
- [٦٦٨] محمد بن عبدالرحمن، ابو جعفر النيسابورى من رستاق استوا.
- [٦٦٩] محمد بن عبدالرحيم بن مسعود بن عبدالله بن رزين النيسابورى و يعرف بحمش.
- [٦٧٠] محمد بن عبدالوهاب بن حبيب بن مهران العبدى، ابو احمد الأديب الفقيه الفراء و كان اعقل مشايخنا و يلقب بحمد و ذلك ان اهل الثروة و الشرف فى بلادنا خصوصاً بنيسابور يلقبون اولادهم لعزهم و شفقتهم عليهم فيقولون لمحمد: «حمد» او «حمش» او غير ذلك.
- [٦٧١] محمد بن عبدالجبار العبدى، ابو مسافر النيسابورى. و روى ان الاصمعى لما ورد بنيسابور نزل بداره فى القصر و يعرف اليوم بقصر حيد بسكة سكش و قال الاصمعى سمعت أعرابياً يقول اياك و الحسناء فانها تزهو عليك بحسناها و يكثر عشاقها ثم انشأ:
- وَلَنْ نُصَادِفَ مَرْعَى مُرْعَاً []
إِلَّا وَجَدَتْ بِهِ آثَارَ مَا كُولِ
- [٦٧٢] محمد بن عبدالعزيز، ابو عمر المروزي.
- [٦٧٣] محمد بن عبدالسلم المؤذن النيسابورى.
- [٦٧٤] محمد بن على بن الحسين بن شقيق المروزي، ابو عبدالله المطوعى.
- [٦٧٥] محمد بن على بن حمزة، ابو عبدالله الحافظ المروزي.
- [٦٧٦] محمد بن عمر بن زياد بن مهاجر بن ابى السمع النيسابورى.
- [٦٧٧] محمد بن عثمان القيسى النيسابورى. [١٦٦]
- [٦٧٨] محمد بن عيسى [بن] يزيد الطرطوسى، ابو بكر التميمى و تُوفِّي ببلخ و من قال بنيسابور وَ هِمَّ.
- [٦٧٩] محمد بن عميره، ابو عبدالله الجرجانى و تُوفِّي بهراة.
- [٦٨٠] محمد بن عيسى بن عبدالرحمن، ابو على النيسابورى الوزيرين الوزير ذواليمينين.
- [٦٨١] محمد بن عمرو الهروى، ابو عبدالله.
- [٦٨٢] محمد بن عمرو القرشى النيسابورى.
- [٦٨٣] محمد بن عمرو، ابو عبدالله القهندزى.

- [۶۸۴] محمد بن عمرو بن النضر النیسابوری، ابو علی الخوشی.
- [۶۸۵] محمد بن عقیل بن خوئلد بن معویة بن سعید الخزاعی، ابو عبدالله النیسابوری من اعیان العلماء الصالحین المنسوب الیه المسجد و المنارة علی رأس سكة حرب.
- [۶۸۶] محمد بن عبدک، ابو عمرو الزوزنی النیسابوری.
- [۶۸۷] محمد بن عنبر بن عثمان الخرشی النیسابوری.
- [۶۸۸] محمد بن عکاشة بن محصن، ابو عبدالله الکرمانی.
- [۶۸۹] محمد بن عنید الاطروش، ابو الحسن الخزاز الکوفی نزیل نیشابور و مات بها و دفن فی مقبرة باب معمر.
- [۶۹۰] محمد بن الفضل المقبری، ابو عبدالله الویری الزاهد.
- [۶۹۱] محمد بن قبیصة النیسابوری.
- [۶۹۲] محمد بن القسم بن مجمع الطالقان النیسابوری.
- [۶۹۳] محمد بن کیسان النیسابوری، ابو عبدالله التیمی و يعرف بابی عبدالله المحاملی.
- [۶۹۴] محمد بن منصور بن عبدالرحمن، ابو عبدالله النیسابوری.
- [۶۹۵] محمد بن منخل، مولى عبدالرحمن بن سمرة القرشی النیسابوری.
- [۶۹۶] محمد بن معویة بن اعیان النیسابوری، ابو عبدالله الهلالی و يقال ابو علی نزیل مکه.
- [۶۹۷] محمد بن موسی العسال النیسابوری، ابو عبدالله المطوعی الفقیه.
- [۶۹۸] محمد بن مکی، ابو عبدالله المروزی.
- [۶۹۹] محمد بن موسی، ابو عبدالله السلمی النیسابوری.
- [۷۰۰] محمد بن موسی البلخی.
- [۷۰۱] محمد بن مسلم بن واره، ابو عبدالله الرازی.
- [۷۰۲] محمد بن مسلم [بن] سان النیسابوری.
- [۷۰۳] محمد بن مروان الاسدی النیسابوری.
- [۷۰۴] محمد بن المهلب السرخسی.
- [۷۰۵] محمد بن النعمان بن بشیر النیسابوری، ابو عبد [الله] سكن بیت المقدس و بهامات.
- [۷۰۶] محمد بن نوح السعدی النیسابوری.
- [۷۰۷] محمد بن نصر اللباد النیسابوری.
- [۷۰۸] محمد بن الوجیه النیسابوری.

- [٧٠٩] محمد بن هاني بن عبدالله السلمى، ابو عبدالله النيسابورى من ميدان زياد.
- [٧١٠] محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس النيسابورى، ابو عبدالله الذهلى امام اهل الحديث فى عصره بلا مدافعة.
- [٧١١] محمد بن يوسف بن عبدالله، ابو سعيد النيسابورى و يعرف بالجوسقى.
- [٧١٢] محمد بن يحيى بن عمار، [١٧٥] ابو مسلم القهستاني رضى الله عنهما محدث كبير المحل و قيل تُوفى بنيسابور.
- [٧١٣] محمد بن يونس، ابو عبدالرحمن السرخسى.
- [٧١٤] محمد بن يحيى بن موسى النيسابورى، ابو عبدالله الاسفراينى و يحيى يلقب بحيويه.
- [٧١٥] محمد بن يزيد بن عبدالله النيسابورى، ابو عبدالله السلمى شيخ اهل الراى.
- [٧١٦] محمد بن يحيى.
- [٧١٧] محمد بن يوسف، ابو بكر المقرئ النيسابورى.
- [٧١٨] محمد بن يحيى، ابو ابراهيم الصفار النيسابورى.
- [٧١٩] محمد بن يحيى بن سعيد، ابو بكر النيسابورى و هو و [١] لد ابراهيم بن محمد الصيدلانى.
- [٧٢٠] محمد بن يحيى بن بلال البزاز النيسابورى، والد ابى حامد البزاز.
- [٧٢١] الامام مسلم بن الحجاج بن مسلم، ابو الحسين القشبرى النيسابورى المقدم و الحجة فى التمييز بين الصحيح و السقيم. و كان مسكنه اعلى الرمجار و متجره خان محمش و معاشه من ضياعه باستوا. و تُوفى رَحِمَهُ اللهُ عَشِيَّةَ يَوْمِ الْأَحَدِ و دفن يوم الاثنين لخمس بقين من رجب سنة احدى و ستين و مأتين. و مقبرته فى رأس ميدان زياد. قال الحاكم رضى الله عنه: سمعت ابا عمرو بن ابي جعفر يقول: سمعت ابا العباس بن سعيد بن عقده و سألته عن محمد بن اسمعيل البخارى و مسلم بن الحجاج النيسابورى «أيهما أعلم؟» فقال: «كان محمد عالماً و مسلم عالماً.» فكررت عليه مراراً و هو يُجيبنى بمثل هذا الجواب. ثم قال لى: «يا با عمرو! قد يقع لمحمد بن اسمعيل الغلط فى اهل الشام و ذاك انه اخذ كتبهم فنظر فيها فربما ذكر الواحد منهم بكنيته و يذكره فى موضع آخر باسمه و يتوهم انهما اثنان. فاما مسلم فقل ما يقع له الغلط فى العلل لانه كتب المسانيد و لم يكتب المقاطيع و المراسيل.» ذكر مصنفاته: كتاب «المُسْنَدُ الكَبِيرُ عَلَى

الرجال»، كتاب «الجامع الكبير على الابواب»، كتاب «الأسامى والكنى»، كتاب «المُسْنَدُ الصَّحِيحُ»، كتاب «التمييز»، كتاب «العلل»، كتاب «الوحدان»، كتاب «الأفراد»، كتاب «الأقران»، كتاب «سؤالات احمد بن حنبل»، كتاب «الانتفاع باهْب السَّبَاع»، كتاب «عمر بن شعيب» يذْكَرُ مَنْ لَمْ يَحْتَجَّ بِحَدِيثِهِ وَ مَا اخْطَأَ فِيهِ، كتاب «مشايخ مالك بن انس»، كتاب «مشايخ الثورى»، كتاب «مشايخ شُعْبَةَ»، كتاب «ذِكْرُ مَنْ لَيْسَ لَهُ الْآرَاؤُ وَاحِدٌ مِنْ رِوَاةِ الْحَدِيثِ»، كتاب «المُخَضَّرَمِينَ» كتاب «اولاد الصحابة فمن بعدهم من المحدثين»، [١٧b] كتاب «ذكر اوهام المحدثين»، كتاب «تفصيل السنين»، كتاب «طبقات التابعين»، كتاب «افراد الشاميين من الحديث عن الرسول صلى الله عليه وسلم»، كتاب «المعمر»، فيه ذكر ما اخطأ معمر.

[٧٢٢] مسلم بن الحسين الذهلى النيسابورى و يقال انه ابو معاذ بن مسلم.

[٧٢٣] مسلم بن معاذ بن مسلم، ابوسعلة النيسابورى.

[٧٢٤] مسلم بن الحسين بن معاذ بن مسلم النيسابورى رأى سفيان بن سعيد الثورى.

[٧٢٥] موسى بن يزيد بن عبد الرحمن، ابو عمران الاسفنجى النيسابورى. و اسفنج من رستاق ارغيان.

[٧٢٦] موسى بن ابراهيم بن سعد، ابو عمران الزوزنى النيسابورى.

[٧٢٧] موسى بن يزيد العمى النيسابورى.

[٧٢٨] موسى بن سليمان بن عبد الرحمن، ابو عمران النيسابورى.

[٧٢٩] مسعود بن عبدالله بن رزين بن محمد بن برد، ابو عبدالله السلمى النيسابورى القهندزى اخو الجماعة و هو اولهم.

[٧٣٠] مسعود بن قتيبة بن زياد، ابوقتيبة النيسابورى.

[٧٣١] منصور بن طلحة بن طاهر، ابو العباس اخو عبدالله طاهر و خليفة مرو و سرخس و مرو الرود و كان عالماً و هو مدفون بنيسابور بالشاد يابخ فى محلة محمد آباد وَ مِنْ اشعاره فى اللحية الكثيفة الطويلة:

لَيْسَ لِلْحَيْةِ الْكَثِيفَةِ مَعْنَى

غَيْرُ قُبْحِ اسْمِهِ وَ غَمِّ الْفُؤَادِ

إِنْ رَأَى الْحَكِيمَ أَعْرَضَ عَنْهَا

أَوْ رَأَى السَّفِيهَ قَامَ يَنَادَى

وقال يمدحُ الخليفة الواثق بالله:

إِنَّ الَّذِي بَعَثَ النَّسَبِيَّ مُحَمَّدًا
وَهَبَ الْخِلَافَةَ لِلْأَمَامِ الْمُسْتَهْدِي
عَمْرًا إِذَا أَجْدَى وَنَارًا إِنْ سَطَا
لَا يَعْذِلَانِ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَقْصِدِ
إِشْرِبْ عَلَيَّ وَجْهَ السُّرُورِ مُدَامَةً
حَمْرَاءَ كَالْعَيْثُوقِي أَوْ [كَأ] لِقَرْقَدِ
مِنْ لَوْنِ اغْيِدِ قَدْ تَضَرَّجَ كَفَّهُ
مِنْ لَوْنِهَا أَوْ خَدَّهُ الْمُتَوَزِّدِ

قال ابوتمام في حقِّ عبدالله طاهر ولم يقبل صلته:

يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ الْمُقِيمُ بِبَلَدِهِ
لَا تَأْمِنَنَّ حَوَادِثَ الْأَزْمَانِ
صَاحِ الزَّمَانُ بِآلِ بَرْمَكٍ صِيحَةٌ
خَسِرُوا الشَّدِيدِيهَا عَلَيَّ الْأَذْقَانِ
وَكُنِّي بِأُخْرَى مِثْلِهَا فَا بَادِهِمْ
وَأَتَى الزَّمَانُ عَلَيَّ بَنِي مَاهَانَ
وَعَدَا يَصِيحُ بِآلِ طَاهِرٍ صِيحَةٌ
غَضِبُ يَجِلُّ بِهِمْ مِنَ الرَّحْمَنِ

[٧٣٢] منصور بن جعفر بن عبدالله بن رزين السلمى النيسابورى، ابوالعباس.

[٧٣٣] منصور بن الحارث الرمجارى، ابو عبدالرحمن النيسابورى.

[٧٣٤] مبشر بن عبدالله بن رزين بن [١٨٨] محمد بن برد السلمى، ابوبكر النيسابورى
اكبر الأخوة القهنديين.

[٧٣٥] مبشر بن القاسم النيسابورى، اخوانس.

[٧٣٦] مسيب بن زهير بن مسلم، ابومسلم البغدادي نزيل نيسابور و بهامات.

[٧٣٧] مسرور بن موسى، ابو عبدالله النيسابورى.

[٧٣٨] مسرور بن نوح بن خزيمه، ابوبشر الذهلى النيسابورى.

[٧٣٩] معاذ بن الحارث بن معاذ بن محمد بن مخلد بن حسان السامى النيسابورى.

[٧٤٠] معاذ بن مسلم بن رجا و رجا اسمه فى العجم «اما دوار» النيسابورى.

- [۷۴۱] معاذ بن خلد النیسابوری سكن عسقلان.
- [۷۴۲] معاذ بن اسد المروزی، حَدَّثَ بنیساپور.
- [۷۴۳] مقاتل بن ابراهیم، ابوالحسن العامری البلخی القلاس.
- [۷۴۴] مخلد بن مالک، ابوجعفر الحمال الرازی سكن نیشابور و بها خرج حدیثه و بهامات.
- [۷۴۵] مخلد بن عمرو بن لبید، ابو موسی البلخی حَدَّثَ بنیساپور فی میدان الحسین بن معاذ.
- [۷۴۶] مخلد بن خلد بن عبدالله التمیمی النیسابوری، ابو عبدالله.
- [۷۴۷] محمود بن خدّاش الطالقانی.
- [۷۴۸] محمود بن غیلان، ابو احمد المروزی.
- [۷۴۹] محمود بن محارب، ابو سهل النیسابوری.
- [۷۵۰] محمود بن هشام بن محمد بن میمون بن ابراهیم، ابو یحیی النیسابوری.
- [۷۵۱] محمود بن احرب، ابو حامد المقرئ النیسابوری.
- [۷۵۲] محمود بن یزید النیسابوری.
- [۷۵۳] مهدی بن حرث النیسابوری من رستاق استوا من قریة یقال لها الفرعری.
- [۷۵۴] محمش بن عصام النیسابوری، ابو عمرو المعدل.
- [۷۵۵] مهرجان الزاهد النیسابوری.
- [۷۵۶] محمش بن عبدالرحمن السالمی.
- [۷۵۷] مطرف بن عبدالله النیسابوری.
- [۷۵۸] نصر بن فضاله، ابو عبدالرحمن النیسابوری.
- [۷۵۹] نصر بن خلف بن [] ابو محمد النیسابوری.
- [۷۶۰] نصر بن زیاد بن نهیک بن جشل القاضی النیسابوری، ابو محمد و كان کوفی المذهب و اعقابه عن اخرهم کوفیون و وَلِیَ قضاء نیشابور سنة ثلث عشر و مأتین و تُوفِّی لسبع بقین من صفر سنة ست و ثلثین و مأتین و هو ابن ستة و تسعین.
- [۷۶۱] نصر بن جناح، ابواللیث القهستانی.
- [۷۶۲] نصر بن ابراهیم، ابو احمد النیسابوری الخفّاف.
- [۷۶۳] نصر بن خلف الفراء ابو محمد النیسابوری.

- [٧٦٤] نصر بن الحسين المعروف بالتاجر النيسابورى.
- [٧٦٥] نصر بن جميل القشيرى النيسابورى.
- [٧٦٦] نصر بن عبدالله بن مروان النيسابورى، ابوالقسم المؤدب نزيل بغداد.
- [٧٦٧] نصر بن مهران، ابوسعيد [١٨b] الطوسى حَدَّثَ بنيسابور.
- [٧٦٨] نوح بن صالح، ابوالقسم الفراء النيسابورى.
- [٧٦٩] نوح بن عبدالرحمن الصيرفى النيسابورى.
- [٧٧٠] النضر بن محمد بن النضر بن سلمة بن الجرود بن يزيد، ابومحمد النيسابورى البيشكى وهى قَصَبَةُ الرُّخ. ولقبره الآن ببيشك مشهد يزار. قال يحيى بن منصور القاضى إن سعيد بن عثمان [بن] عفان لما تَوَجَّهَ إِلَى خُرَاسَانَ وَرَدَ عَلَى طَرِيقِ اَصْبَهَانَ إِلَى بُسْتِ وَمِنْهَا إِلَى طَرِيقِ الرُّخِ فَلَمَّا نَزَلَ بِبِشْكَ مَرَضَ بِهَا. فَتَزَوَّجَ وَخَرَجَ وَقَدْ وُلِدَتْ لَهُ بِنْتًا فَسَمَّاهَا عَيْنَ نَسَاءِ. وَكَانَتْ بِبِشْكَ إِلَى أَنْ تَزَوَّجَ بِهَا مُحَمَّدُ بْنُ نَصْرِ الْبِشْكَى وَكَانَ مِنْ عُلَمَاءِ الْوَقْتِ. فَوُلِدَتْ ابْنًا فَسَمَّاهُ النَّضْرَ وَهُوَ النَّضْرُ بْنُ مُحَمَّدِ الْبِشْكَى جَدُّ وَالِدِ أَبِي الْحَسَنِ الْمُحْتَمَى.
- [٧٧١] النضر بن سلمة بن عروة، ابوسعيد النيسابورى.
- [٧٧٢] النضر بن سلمة المؤدب النيسابورى.
- [٧٧٣] النضر بن منصور، ابو غياث الحارثى النيسابورى.
- [٧٧٤] نعيم بن زياد بن ابى زياد النيسابورى.
- [٧٧٥] نعيم بن مريع، ابوالفضل النيسابورى.
- [٧٧٦] نعيم بن رزين بن بهلول، ابومنصور النيسابورى.
- [٧٧٧] وليد بن محمد بن النعمان، ابوسعيد السلمى البصرى وَكَانَ يُلَقَّبُ بِالْحَجَّامِ حَدَّثَ بنيسابور.
- [٧٧٨] هرون بن المهدي بن المنصور، ابوجعفر الرشيد امير المؤمنين و هو مات بسناباد طوس وهى قرية وهو ابن ستة واربعين سنة وكانت خلافته ثلث وعشرين سنة و شهرين و ثلثة عشر يوماً.
- [٧٧٩] هرون بن عمرو الارغيانى من رستاق نيسابور.
- [٧٨٠] هرون بن يزيد، ابن اخت ابى جعفر مخلد بن مالك النيسابورى.
- [٧٨١] هاشم بن الوليد، ابوطالب الهروى سكن بغداد.
- [٧٨٢] هيثم بن سعيد النيسابورى.

- [۷۸۳] هشام بن الزبیر الشیبانی النیسابوری.
- [۷۸۴] هام بن علی النیسابوری، ابوالحسین الیشکری و يعرف بالسورسی.
- [۷۸۵] هام بن زکریا، ابو محمد النیسابوری.
- [۷۸۶] یحیی بن محمد بن یحیی بن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلّی حنّکان امام نیشابور فی الفتوی و الریاسة و سکة و مسجد منسوبتان الیه و صار شهیداً.
- [۷۸۷] یحیی بن معاذ الرازی، ابو زکریا الواعظ سکن نیشابور و توفی بها و قبره فی مقبرة باب معمر بالقرب من قبر احمد بن حرب رحمهما الله.
- [۷۸۸] یحیی بن جعفر بن عبدالله السّلمی.
- [۷۸۹] یحیی بن ابراهیم الضریر النیسابوری الزاهد.
- [۷۹۰] یحیی بن المثنی، ابو زکریا النیسابوری.
- [۷۹۱] یحیی بن اسحق بن حکیم بن ابی خدیجه النیسابوری.
- [۷۹۲] یحیی بن صالح النیسابوری.
- [۷۹۳] یحیی بن معاذ بن مسلم النیسابوری.
- [۷۹۴] یحیی بن بکر بن مسلم النیسابوری.
- [۷۹۵] یحیی بن الیاس النیسابوری. [۱۹۸]
- [۷۹۶] یحیی بن الحسن بن غانم النیسابوری.
- [۷۹۷] یحیی بن اکثم بن محمد التمیمی، ابو محمد القاضی المروزی.
- [۷۹۸] یحیی بن عاصم البخاری حدّث بنیسا بور و اقام بها.
- [۷۹۹] یحیی بن الحسین، ابو زکریا الأسفرائینی النیسابوری و یقال انه من قرية جوربد من اسفرائین رستاق نیشابور.
- [۸۰۰] یحیی بن عامر بن خدّاش النیسابوری.
- [۸۰۱] یحیی بن الجنید، ابو زکریا النیسابوری.
- [۸۰۲] یحیی بن حماد، کاتب عبدالله طاهر و هو نیشابوری.
- [۸۰۳] یحیی بن منصور الزوزنی من رستاق نیشابور.
- [۸۰۴] یزید بن صالح، ابو خالد الفراء النیسابوری.
- [۸۰۵] یزید بن مخلد، ابو خالد الهروی حدّث بنیسا بور.
- [۸۰۶] یعقوب بن سفیان، ابو یوسف القسوی امام اهل الحدیث بفارس.
- [۸۰۷] یعقوب بن یوسف النیسابوری.

- [٨٠٨] يعقوب بن عبدالله، ابو يوسف النيسابورى.
- [٨٠٩] يعقوب بن اشرس، ابو يوسف.
- [٨١٠] يوسف بن عيسى البخارى، ابو يعقوب ساكن نيسابور و له دار معروف به.
- [٨١١] يوسف بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس الذُهلى اخو الامام محمد بن يحيى.
- [٨١٢] ياسين بن النضر بن يونس بن سليمان بن سلمن الباهلى، ابو سعيد القاضى النيسابورى و خطه سليمان بنيسابور مشهورة.
- [٨١٣] يعمر بن بشر المروزى من كبار اصحاب عبدالله مبارك.
- [٨١٤] يونس بن آدم، ابو محمد النيسابورى.
- [٨١٥] يونس بن افلح، ابو محمد الملقب بالترك النيسابورى.
- [٨١٦] ابو الاسود المنسوب اليه المحلة و هى محلة فى اعلى البلد بنيسابور على طريق الجبل تُدعى باب ابى الاسود.
- [٨١٧] ابونصر الدهان النيسابورى.
- [٨١٨] ابوبكر بن ابى طالب اخو ابراهيم بن ابى طالب.

ذكر الطبقة الخامسة من علماء نيسابور و من دخلها و نشر علمه

- [٨١٩] ابراهيم بن اسحق بن ابراهيم بن مهران بن عبدالله الثقفى النيسابورى، سكن بغداد الى ان توفى بها و كان احمد بن حنبل يحضره و يبسط فى مجلسه و يُفطرُ عنده و هو اكبر الاخوة.
- [٨٢٠] ابراهيم بن احمد بن عبدالله بن حبله، ابو اسحق الهروى.
- [٨٢١] ابراهيم بن اسحق بن يوسف الأتماطى، ابو اسحق النيسابورى.
- [٨٢٢] ابراهيم بن اسمعيل العنبرى ابو اسحق الطوسى مُحَدِّثُ عصره بها.
- [٨٢٣] ابراهيم بن اسمعيل النيسابورى.
- [٨٢٤] ابراهيم بن اسمعيل، ابو اسحق المعلل النيسابورى القران.
- [٨٢٥] ابراهيم بن بلال، ابو اسحق الاسفراينى و هو نيسابورى.
- [٨٢٦] ابراهيم بن جعفر بن الوليد، ابو اسحق المعدل النيسابورى من باغ الرازيتين.
- [٨٢٧] ابراهيم [١٩٦] بن حسن، ابو اسحق الكرابيسى النيسابورى من محلة الجورى.
- [٨٢٨] ابراهيم بن الحسن النيسابورى الميدانى من ميدان زياد.
- [٨٢٩] ابراهيم بن حمش الزاهد، ابو اسحق الواعظ النيسابورى.

- [۸۳۰] ابرهیم بن الحصین بن بشر النیسابوری.
- [۸۳۱] ابرهیم بن خلد الزوزنی، ابواسحق.
- [۸۳۲] ابرهیم بن زیارة العابد النیسابوری.
- [۸۳۳] ابرهیم بن سعید، ابواسحق النیسابوری المعروف باکزمکی.
- [۸۳۴] ابرهیم بن سلمة بن زیاد النیسابوری.
- [۸۳۵] ابرهیم بن علی بن محمد بن آدم الذهلّی، ابواسحق النیسابوری.
- [۸۳۶] ابرهیم بن علی المرورودی حَدَّثَ بنیسابور.
- [۸۳۷] ابرهیم بن علی بن الحسین، ابواسحق الترمذی نزیل بنیسابور.
- [۸۳۸] ابرهیم بن عمرو بن عبّاد النیسابوری، ابواسحق الحیری.
- [۸۳۹] ابرهیم بن عیسی بن عمیر الذهلّی، ابواسحق النیسابوری.
- [۸۴۰] ابرهیم بن عبدالرحمن بن سهل الآزادواری، ابواسحق النیسابوری.
- [۸۴۱] ابرهیم بن الفضل بن اسحق الهانسی والفضل یلقب بفضلویه.
- [۸۴۲] ابرهیم بن محمد بن نوح بن عبدان بن خلدین اشرس، ابواسحق المزکی النیسابوری. و محمد یکنی ابا طالب. [و سَمِعْتُ] عبدالله بن سعید یقول: «ما رأیتُ مثلَ ابراهیم بن ابی طالب ولا رأیَ مثلَ نفسه» تُوفّيَ یوم الأحد الثاني من رجب سنة خمس و تسعين و مأتین و دفن فی مقبرة الحسین بن معاذ. و كان ابو عبدالله محمد بن یعقوب الحافظ غیر مرّة یقول: «إنما أخرجتُ مدينتنا هذه من رجال الحديث ثلثة محمد بن یحیی و مُسلم بن الحجاج و ابرهیم بن ابی طالب رحمهم الله.» و له تصانیف فی علم الحديث.
- [۸۴۳] ابرهیم بن محمود بن حمزة الفقیه، ابواسحق المالکی المعروف بالقطان. و مسجده و مدرسته المعروف بـ «میان دهیّه» و لم یکن بعده للمالکیّة بنیسابور مدرس.
- [۸۴۴] ابرهیم بن سعید، ابواسحق المعدّل الصیدلانی.
- [۸۴۵] ابرهیم بن محمد بن مخلد النیسابوری، ابواسحق الضریر.
- [۸۴۶] ابرهیم بن عبدالله بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم المعروف بابی اسحق الاشجّ العدنی حَدَّثَ بنیسابور سنة خمس و ثمانین و مأتین.
- [۸۴۷] ابرهیم بن محمد بن عبدالله الایورودی، نزیل نیشابور.

- [٨٤٨] ابراهيم بن محمد بن هاني، ابواسحق النيسابوري المحدث علي رأس ميدان زياد.
- [٨٤٩] ابراهيم بن مخلد، ابواسحق البلخي سكن بنيسابور.
- [٨٥٠] ابراهيم بن محمد بن هاشم، ابواسحق البُغَانِي خِزْدِي النيسابوري.
- [٨٥١] ابراهيم بن محمد بن سفيان، ابواسحق النيسابوري [٢٠٨] الفقيه.
- [٨٥٢] ابراهيم بن محمد بن اسمعيل النيسابوري.
- [٨٥٣] ابراهيم بن الحسن المهلبى ابواسحق النيسابوري.
- [٨٥٤] اسمعيل بن قتيبة بن عبدالرحمن السلمي، ابوعقوب الزاهد البُشْتَقَانِي وهي قرية على نصف فرسخ من البلد وكان اكثر ما يحدث ببشتقان وله منزل في البلد في محلة رمجار.
- [٨٥٥] اسمعيل بن اسحق بن ابراهيم بن مهران النيسابوري الشقي، ابو محمد السراج، نزيل بغداد وهو من كبار اصحاب احمد بن حنبل المختصين به.
- [٨٥٦] اسمعيل بن يحيى بن حازم السلمي النيسابوري، ابوعقوب الاعور.
- [٨٥٧] اسمعيل بن ابراهيم بن الحرث القطان، ابوابراهيم النيسابوري.
- [٨٥٨] اسمعيل بن عبدالله بن خلد بن حمد بن سالم النيسابوري، ابو عمرو.
- [٨٥٩] اسمعيل بن احمد بن اسد بن نوح بن سامان خدای، ابوابراهيم الامير الماضي والى خراسان الامام العدل الزكي الدين و توفى ببخارا للنصف من صفر سنة خمس و تسعين و مأتين وكان ولايته على خراسان سبع سنين.
- [٨٦٠] اسمعيل بن زكريا اللهاد النيسابوري.
- [٨٦١] اسمعيل بن عبدوس بن احمد بن حفص الحرشي النيسابوري.
- [٨٦٢] اسمعيل بن عبدالله، ابوعقوب النيسابوري .
- [٨٦٣] اسمعيل بن يحيى بن ابي منصور التاجر النيسابوري .
- [٨٦٤] اسحق بن ابراهيم بن عماره. من اولاد سعد بن عباده الخرزجي الأنصاري، ابوعقوب النيسابوري من اشرف بيت للانصار و من أوجه مشايخ نيسابور في الثروة والعدالة والورع والقبول والاتقان في الرواية. ومات سنة عشرة و ثلثمائة و صلتى عليه يحيى بن منصور القاضي في ميدان زياد.
- [٨٦٥] اسحق بن ابراهيم بن نصر، ابوعقوب النيسابوري من رستاق پشت.
- [٨٦٦] اسحق بن ابي عمران الشافعي، ابوعقوب النيسابوري وهو اسحق بن موسى بن

عمران الاسفراینی من رستاقه و تُوْفِيَ بِاسْفَرَايِنِ فِي رَمَضَانَ سَنَةِ اَرْبَعٍ وَ ثَمَانِيْنَ وَ مَاتِيْنَ.

- [۸۶۷] اسحق بن حمدان، ابو العباس النيسابوري سكن بلخ و بهامات.
- [۸۶۸] اسحق بن ابراهيم التاجر المروزي، ابو يعقوب.
- [۸۶۹] اسحق بن يعقوب السمسار، ابو يعقوب النيسابوري.
- [۸۷۰] اسحق بن محمد بن الحسن النيسابوري.
- [۸۷۱] اسحق بن احمد بن اسدين نوح الساماني، ابو يعقوب و كان اكبر من الأمير الماضي.
- [۸۷۲] اسحق بن ايوب بن يزيد الصبغى، ابو يعقوب النيسابوري.
- [۸۷۳] اسحق بن حنيفة [۲۰b] الفقيه، ابو يعقوب النيسابوري المطوعى.
- [۸۷۴] احمد بن ابراهيم بن عبدالله، ابو محمد بن ابنة نصر بن زياد القاضى و كان من وجوه نيسابور تُوْفِيَ سَنَةَ خَمْسٍ وَ ثَلَاثِيْنَ بِمَحَلَّةِ مَوْلَقَابَادِ وَ هُنَاكَ خَطَّتْهُمُ وَ قُبُورُهُمْ.
- [۸۷۵] احمد بن ابراهيم بن ابي صلح المروزي، ابو صلح نزيل نيسابور.
- [۸۷۶] احمد بن اسحق بن ابراهيم الطوسى، نزيل بنيسابور.
- [۸۷۷] احمد بن حمدويه بن مسلم، ابو على البيهقي من رستاق نيسابور و من قرية ديورة محدث كبير.
- [۸۷۸] احمد بن حمدون، ابو حامد الأعمش النيسابوري.
- [۸۷۹] احمد بن حجاج بن عاصم بن مرداس النيسابوري، ابو جعفر.
- [۸۸۰] احمد بن الحسن بن فضل، ابو الفضل المستملى النيسابوري.
- [۸۸۱] احمد بن حفص الزاهد النيسابوري.
- [۸۸۲] احمد بن حذيفة، ابو الحسن النيسابوري البشتى.
- [۸۸۳] احمد بن خلد، ابو الحسن الدامغانى نزيل بنيسابور. شيخ كبير و سكن بنيسابور و تُوْفِيَ بِهَا.
- [۸۸۴] احمد بن خلد بن احمد الذهلى، ابو محمد و لم يكن فى اولاد خلد بن احمد الامير افقه منه تولّى قضاء نيسابور.
- [۸۸۵] احمد بن خلد الحيرى.
- [۸۸۶] احمد بن الخليل بن محمد البشتى.
- [۸۸۷] احمد بن زرعة بن قيس الذهلى النيسابوري.

- [۸۸۸] احمد بن سلمة بن عبد الله النيسابوري، ابو الفضل البزاز.
- [۸۸۹] احمد بن سهل بن بحر، ابو العباس النيسابوري.
- [۸۹۰] احمد بن سهل بن مالك، ابو بكر الاسفرايني النيسابوري.
- [۸۹۱] احمد بن سعيد بن مسعود، ابو العباس المروزي قيل: «ما أخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابي العباس في الرأي والعقل والدهاء».
- [۸۹۲] احمد بن سليمان العبدى النيسابوري.
- [۸۹۳] احمد بن شعيب بن [علي بن سنان بن] بحر، ابو عبد الرحمن [انسائي] الفقيه.
- [۸۹۴] احمد بن صلح بن عبدالله، ابو بكر الجوهرى النيسابوري.
- [۸۹۵] احمد بن عمار بن كوكب، ابو الحسن العامري.
- [۸۹۶] احمد بن عدك، ابو العباس الجوهرى المروزي والد عمر. أقام بنيسابور مفيدا و مستقيدا.
- [۸۹۷] احمد بن عمرو بن معقل، ابو حامد النيسابوري.
- [۸۹۸] احمد بن علي بن عبدالله المعروف بابي علي الانصاري.
- [۸۹۹] احمد بن علي بن [حمدان بن] عبدالله بن سنان، ابو جعفر النيسابوري.
- [۹۰۰] احمد بن عبدالله، ابو حامد المناشكي النيسابوري من محلة مناشك.
- [۹۰۱] احمد بن عقيل بن الازهر البلخي.
- [۹۰۲] احمد بن عثمان بن عبد الرحمن النسوي، ابو عبد الرحمن.
- [۹۰۳] احمد بن علي العدنان النيسابوري.
- [۹۰۴] احمد بن عبدوس بن حمدويه، ابو العباس النيسابوري.
- [۹۰۵] احمد بن عباس بن حمزة الواعظ النيسابوري.
- [۹۰۶] احمد بن علي بن اسد البرذعي. [۲۱۵]
- [۹۰۷] احمد بن الفضل بن منصور، ابو حامد الساماني.
- [۹۰۸] احمد بن محمد بن عمّار النيسابوري، ابو حامد المستملي.
- [۹۰۹] احمد بن محمد بن عبد الصيدلاني.
- [۹۱۰] احمد بن محمد بن سالم، ابو حامد النيسابوري.
- [۹۱۱] احمد بن محمد بن الازهر بن السجزي، ابو العباس الازهرى.
- [۹۱۲] احمد بن محمد بن يزيد البزاز، ابو حامد النيسابوري.
- [۹۱۳] احمد بن [محمد بن] عبيدة بن زياد النيسابوري، ابو بكر الوبري.

- [۹۱۴] احمد بن محمد بن موسی الدهقان النیسابوری.
- [۹۱۵] احمد بن محمد بن بکر النیسابوری، ابو العباس نزیل بغداد.
- [۹۱۶] احمد بن محمد بن الحسن، ابو بکر الذهبی من بامله بلخ. و عداده فی نیشابور بین و بها مسکنه و اعقابہ.
- [۹۱۷] احمد بن محمد بن ابی خلد، ابو جعفر الاصبهانی نزیل نیشابور قدیما و تُوفی [فی] جمادی الاخر سنة ثلث و ثلثمائة و دفن فی مقبرة باب معمر.
- [۹۱۸] احمد بن محمد بن عمر، ابو بکر المُتَکَدِّرِ مولده المدينة و منشأهُ الحَرَمَینِ و ورد بنیسا بوز و اقام بها و وُلِدَ لَهُ بها ابو عمر [و] المُتَکَدِّرِ.
- [۹۱۹] احمد بن محمد بن نصر ابو جعفر الترمذی.
- [۹۲۰] احمد بن محمد بن عمر بن بسطام، ابو بکر المروزی و المراوِزَةُ بها یسمونه البسطامی.
- [۹۲۱] احمد بن محمد بن آدم الشاشی، ابو بکر.
- [۹۲۲] احمد بن محمد بن عمر، ابو الحسن النیسابوری.
- [۹۲۳] احمد بن محمد بن [احمد بن] حفص بن یزید بن مسلم بن علی الحرشی، ابو عمرو الحیری شیخ نیشابور فی عصره فی الریاسة و العدالة و الثروة و التحديث. و وفات الشیخ الجلیل الزکی بن الزکی العاشر من آذرمای سنة سبع عشرة و ثلثمائة رَحِمَهُ اللهُ وَ صَلَّى عَلَیْهِ فِي مُصَلًى حِیرَة.
- [۹۲۴] احمد بن محمد بن هاشم المعدل، ابو حامد الطوسی سکن بنیسا بوز الی ان مات بها.
- [۹۲۵] احمد بن محمد بن جعفر، ابو حامد النیسابوری.
- [۹۲۶] احمد بن محمد بن حامد، ابو نصر البلخی.
- [۹۲۷] احمد بن محمد بن عبدالکریم الجرجانی و کنیته ابوزرعة.
- [۹۲۸] احمد بن حبیب الدهان النیسابوری.
- [۹۲۹] احمد بن محمد بن عمّار المُسْتَعْلِی النیسابوری.
- [۹۳۰] احمد بن المبارک الزاهد، ابو عمرو و المُسْتَعْلِی و یلقب بحمکویه العابد و کان مُسْتَجَاب الدعوة و راهبُ اهل عصره. دعا يوم الجمعة و قال: «اللّهُم اقْبَضْنِی الیک.» فمات ليلة الخميس الحادی عشر من جمادی الآخرة من سنة اربع و ثمانین و ماتین و دفن عشية يوم الجمعة فی مقبرة الحسين بن معاذ رَحِمَهُ اللهُ رحمة واسعة.

- [٩٣١] احمد بن محمد بن سعيد، ابو حامد الصيدلاني النيسابوري.
- [٩٣٢] احمد بن محمد بن الحسين؛ [٢١٦] ابو العباس الماسرجسي بن بنت الحسن بن عيسى النيسابوري.
- [٩٣٣] احمد بن نصر بن ابراهيم، ابو عمرو الحافظ المعروف بالخفاف و مات يوم الأحد لسبع خلون من شعبان سنة تسع و تسعين و مائتين و دُفِنَ يوم الاثنين بجانب الحوض الذي تصدق به، رحمه الله رحمة واسعة.
- [٩٣٤] احمد بن نصر بن عبد الوهاب النيسابوري.
- [٩٣٥] احمد بن نصر البوزجاني الشهيد و بوزجان من رساتيق نيسابور.
- [٩٣٦] احمد بن هرون البرديجي، ابو بكر البرذعي الحافظ.
- [٩٣٧] احمد بن يحيى بن يوسف اسمه يعقوب، ابو بكر البسطامي المقيم بنيسابور.
- [٩٣٨] الياس بن رجا النيسابوري، ابو اسحق الدهقان.
- [٩٣٩] بدل بن محمد بن اسد الحرشي الاسفرايني.
- [٩٤٠] بشار بن حمدان، ابو عفان المعدل النيسابوري.
- [٩٤١] تميم بن محمد بن طمغاج، ابو عبد الرحمن الطوسي.
- [٩٤٢] جعفر بن محمد بن الحسن، ابو الفضل النيسابوري شيخ عشيرته في عصره.
- [٩٤٣] جعفر بن محمد بن سوار بن سنان، ابو محمد النيسابوري من اكابر الشيوخ.
- [٩٤٤] جعفر بن احمد بن ابي عبد الرحمن النيسابوري.
- [٩٤٥] جعفر بن احمد بن نصر، ابو محمد الحافظ المعروف بالحصيري ركن من اركان الحديث بنيسابور في الحفظ و الأتقان و تُوفِّيَ سنة ثلث و ثلثمائة و دفن بشاهنبر.
- [٩٤٦] جعفر بن سهل، ابو الفضل المذكر النيسابوري.
- [٩٤٧] جعفر بن محمد بن موسى الحافظ، ابو محمد النيسابوري.
- [٩٤٨] جعفر بن المفيد بهذا يعرف في بغداد و بنيسابور و مسكنه و عشيرته.
- [٩٤٩] جعفر بن شعيب، ابو محمد الشاشي.
- [٩٥٠] جعفر بن احمد بن سلمة السلمى، ابو محمد النيسابوري.
- [٩٥١] جعفر بن دلويه النيسابوري، ابو محمد الدقاق.
- [٩٥٢] جعفر بن محمد بن الفضل بن زياد التميمي، ابو الفضل النيسابوري السعدي الملقب بصعوية.

- [۹۵۳] جعفر بن محمد بن القسم الزاهد، ابو محمد النیسابوری.
- [۹۵۴] جعفر بن حمویة الفارسی نزیل بنیسا بور.
- [۹۵۵] جعفر بن محمد بن الحرث النیسابوری.
- [۹۵۶] جعفر بن یعقوب بن سلیمان المقری النیسابوری المطوعی.
- [۹۵۷] جبریل بن محافع بن الفضل السمرقندی.
- [۹۵۸] الحسن بن سفیان بن عامر بن عبدالعزیز بن نعمان بن عطاء الشیبانی، ابو العباس النسوی من قرية بالوز و هی علی ثلث فراسخ من بلد النسا و محدث خراسان فی عصره و تُوْفِيَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ سنة ثلث و ثلثمائة.
- [۹۵۹] الحسن بن [۲۲a] مخلد بن سنان النیسابوری، ابو محمد المطوعی.
- [۹۶۰] الحسن بن علی بن نصر، ابو علی الطوسی الملقب بکردش تُوْفِيَ بطوس.
- [۹۶۱] الحسن بن حمدون بن الولید بن غسان بن الولید مولیٰ عبدالقیس، ابو علی النیسابوری و كان یسكن بباب عذرة.
- [۹۶۲] الحسن بن علی بن عیسی الهلالی، ابو علی النیسابوری الدرابعردی المحدث ابن المحدث ابن المحدث.
- [۹۶۳] الحسن بن ابی جعفر و اسمه محمد بن یحیی الجوزجانی، ابو علی الحاجی.
- [۹۶۴] الحسن بن عبدالله، ابو علی النیسابوری.
- [۹۶۵] الحسن بن علی بن القاسم بن عباس بن عبدالصمد، ابو علی الشادیاخی.
- [۹۶۶] الحسن بن الازهر بن الحارث بن سَكْسَك النیسابوری، ابو علی السَكْسَكِی.
- [۹۶۷] الحسن بن عبدالرحیم بن سهل بن نوفل النیسابوری، ابو علی.
- [۹۶۸] الحسن بن صاحب بن حمید، ابو علی الشاشی.
- [۹۶۹] الحسن بن عبدالله بن مخلد النیسابوری.
- [۹۷۰] الحسن بن جعفر بن محمد الهمدانی، نزیل بنیسا بور.
- [۹۷۱] الحسن بن بالویه بن زید بن سیار النیسابوری، ابو علی الحیری.
- [۹۷۲] الحسن بن اسمعیل بن سلیمان، ابو علی الفارسی نزیل بخارا.
- [۹۷۳] الحسین بن الحسن بن مهاجر [السُّلَمی] النیسابوری، ابو محمد المهاجری من كبار المحدثین و كان یحدِّثُ فی سَكَّةَ معقل فی مسجد عبدالله عامر و تُوْفِيَ فی سنة ثمان و سبعین و مأتین.
- [۹۷۴] الحسین بن محمد [بن] زیاد النیسابوری، ابو علی القبانی الحافظ أَحَدُ اركان

الحديث و استاد محمد بن اسمعيل البخارى.

- [٩٧٥] الحسين بن احمد بن حفص بن عبدالله النيسابورى، ابو على.
- [٩٧٦] الحسين بن معاذ بن محمد [بن] منصور النميرى، ابو على النيسابورى مسكنه بباب عَزْرَة.
- [٩٧٧] الحسين بن على بن مهران النيسابورى، ابو على الدقاق.
- [٩٧٨] الحسين بن احمد بن الفضل بن عبدالله بن عيسى، ابو على البلخى.
- [٩٧٩] الحسين بن اسمعيل بن على الارتيانى، ابو عبدالله النيسابورى وارتيان قرية من رستاق استوا.
- [٩٨٠] الحسين بن معاذ بن ادريس النيسابورى، ابو عبدالله المؤدّب.
- [٩٨١] الحسين بن عبدالله بن محمد بن مخلد النيسابورى الحافظ، ابو على الباغكى.
- [٩٨٢] الحسين بن المسيّب، ابو على المروزى نزيل نيسابور.
- [٩٨٣] حمدون بن احمد بن بكر النيسابورى، ابو نصر الذّهلى.
- [٩٨٤] حمدون بن احمد بن عمارة بن رستم النيسابورى [٢٢٦] الزاهد، ابو صلح القصار وكان من الأبدال من اصحاب ابى حفص و هو والد ابى حامد الأعمشى.
- [٩٨٥] حمدون بن رجا بن رجا بن شجاع بن المهدي النيسابورى ابو رجا العامرى من محلة الرمجار.
- [٩٨٦] حمدون بن الفضل بن عمر النيسابورى، ابو سعيد الخفّاف.
- [٩٨٧] حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابورى، ابو محمد الملقابادى.
- [٩٨٨] حمّاد بن معاذ بن سعيد بن حمّاد الباهلى ساكن نيسابور، ابو سليمان.
- [٩٨٩] حاتم بن الحسن، ابو سعيد الشاشى نزيل نيسابور.
- [٩٩٠] حاتم [بن] الخليل بن سنان بن عبدالرحمن ارداد القرشى السمرقندى.
- [٩٩١] الحرث بن زكريا المقرى، ابو سعيد النيسابورى.
- [٩٩٢] حامد بن موسى [ابو جعفر]، الابزارى و هى قرية بقرب البلد.
- [٩٩٣] حمدان بن محمد بن رجا، ابو على البيهقى.
- [٩٩٤] حمّاد بن الحكم، ابو بكر النيسابورى.
- [٩٩٥] حم بن احمد بن سعيد بن محمد البلخى.
- [٩٩٦] حمويه بن عباد النيسابورى، ابو عبدالرحمن السراج.
- [٩٩٧] حيان بن محمد بن حيان الميدانى النيسابورى.

- [٩٩٨] خلد بن احمد بن خلد بن حماد بن عمرو بن مخلد بن ملك و هو الخمخام بن الحارث الذهلي الامير توفى ابوه بنيسابور و هو احمد بن خلدو يقال خلد ولد بنيسابور و سكن بخارا و له بها آثار مشهورة محمودة الا ما فعل في حق امام اهل الحديث محمد بن اسمعيل البخاري الجعفي فانها زلّة و سبب لزوال ملكه.
- [٩٩٩] خشنام بن اسمعيل بن مسيب، ابوبكر النيسابوري من المتقين الاثبات.
- [١٠٠٠] خشنام بن ابي معروف النيسابوري، ابو محمد.
- [١٠٠١] داود بن الحسين بن عقيل بن سعيد النيسابوري، ابوسليمن الخسروجردي.
- [١٠٠٢] داود بن عبيدالله بن الفضل النيسابوري، ابو الفضل الاستوايي.
- [١٠٠٣] زكريا بن دلشاد بن مسلم بن العباس النيسابوري، ابويحيى الفرهادجردي.
- [١٠٠٤] زكريا بن داود بن بكر بن عبدالله النيسابوري، ابويحيى الخفاف المقدم في عصره.
- [١٠٠٥] زكريا بن يحيى بن الحرث النيسابوري المزكي، ابويحيى البزاز. شيخ اهل الرأي في عصره و له مصنّفات كثيرة.
- [١٠٠٦] زكريا بن يحيى بن موسى بن ابراهيم النيسابوري، ابويحيى الملابادي.
- [١٠٠٧] زكريا بن دلويه الزاهد النيسابوري، ابويحيى الواعظ.
- [١٠٠٨] زكريا بن يحيى [بن] حوثره البرتودي النيسابوري، ابويحيى الدهقان.
- [١٠٠٩] زنجويه بن محمد بن الحسن بن عمر النيسابوري، ابو محمد الزاهد المعروف باللباد و كان من العبّاد.
- [١٠١٠] سعيد بن اسمعيل بن سعيد [بن] منصور، ابو [٢٣a] عثمان الزاهد الواعظ الحيري و بها مسجده و منزله. ولد بالري و نشأ بها ثم سكن بنيسابور الى ان توفّي بها و كان مُجاب الدعوة و مجمع العبّاد و الزُهاد و كراماته كثيرة لا تُحصى و توفّي رحمة الله ليلة الثلاثاء لعشر بقين من ربيع الاخر سنة ثمان و تسعين و مأتين.
- [١٠١١] سعيد بن شادان بن محمد، ابو عثمان النيسابوري و هو الذي يعرف بسعيد بن ابي سعيد البشتي.
- [١٠١٢] سعيد بن عيسى بن زيد، ابو عثمان النيسابوري و كان من فقهاء اهل الكوفة.
- [١٠١٣] سعيد بن سعد، ابو عثمان النيسابوري.
- [١٠١٤] سليمان بن سلام، ابو داود النيسابوري.
- [١٠١٥] سليمان بن منصور، ابو داود النيسابوري.
- [١٠١٦] سهل بن عبدالعزيز [بن] سورة الصنعاني.

[١٠١٧] سلیمان بن اسرائیل، ابو عبد اللہ الخجندی.

[١٠١٨] شعیب بن ابرہیم بن شعیب النیسابوری، ابو صلح العجلی [کان] هو یقول سمعتُ
أعرابیتا یقول:

مَا أَطْيَبَ الثَّلْجُ بِمَاءِ الْعَذْبِ

يَسْتَخْرِجُ الْحَمْدَ مِنْ أَضْلِ الْقَلْبِ

[١٠١٩] صلح بن حفصویہ النیسابوری و کان من حُقَاطِ الْحَدِيثِ.

[١٠٢٠] صلح بن محمد الجوینی، ابو سعید النیسابوری.

[١٠٢١] صلح بن محمد [بن] رمیح الترمذی.

[١٠٢٢] طیب بن محمد بن طلحة بن طاهر النیسابوری، ابو اسحق الطاهری.

[١٠٢٣] عبد اللہ بن احمد بن شہویہ، ابو عبد الرحمن مروزی من ائمة اهل الحديث.

[١٠٢٤] عبد اللہ بن احمد بن الہیثم بن مخلد، ابو محمد النیسابوری الخفاف.

[١٠٢٥] عبد اللہ بن اسحق بن الیاس بن ابی عصام النیسابوری، ابو القاسم من باب عزرة.

[١٠٢٦] عبد اللہ بن احمد بن جعفر السرخسی، ابو محمد الفقیہ.

[١٠٢٧] عبد اللہ بن بشر بن عمیرة البکری، ابو محمد الطالقانی سکن بنیساپور و بہامات.

[١٠٢٨] عبد اللہ بن بحر بن عبد اللہ بن طیفور، ابو بکر الطیفوری.

[١٠٢٩] عبد اللہ بن جعفر بن خاقان بن غالب من ولد حجّاج بن غلاظ السلمی، ابو محمد
المروزی محدث عصره.

[١٠٣٠] عبد اللہ بن الحسن بن ایوب البلی من الزہاد رازی.

[١٠٣١] عبد اللہ بن زید بن سیار، ابو محمد النیسابوری المؤدّب.

[١٠٣٢] عبد اللہ بن سلمة بن یزید الفاضلی النیسابوری، ابو محمد بن سلمویہ.

[١٠٣٣] عبد اللہ بن سلیمان بن الاشعث بن اسحق بن بشر بن عمرو بن عمران الازدی و قتل
عمرانُ یوم صفینَ بَیْنَ یَدَیْ امیر المؤمنین علی علیہ السلام.

[١٠٣٤] عبد اللہ بن صلح بن یونس، ابو محمد الفرائضی النیسابوری.

[١٠٣٥] عبد اللہ بن علی بن الجرود، ابو محمد النیسابوری نزیل مکہ.

[١٠٣٦] عبد اللہ بن عمر بن سلیمان ابو العباس الکوکبی النیسابوری.

[١٠٣٧] عبد اللہ بن قتیبہ [٢٣٦] بن سعید الثقفی، ابو قتیبہ بن ابی رجا البغلانی.

[١٠٣٨] عبد اللہ بن محمد بن محمد بن عبد الرحمن الفقیہ النیسابوری،
ابو محمد [بن] بشرویہ و محمد یلقب بحمویہ القرشی.

- [۱۰۳۹] عبدالله بن محمد [بن] داود النيسابورى الدهان.
- [۱۰۴۰] عبدالله بن محمد بن على الحافظ البلخى ركن الحديث وله مصنفات فى التواريخ و العلل و غيرها.
- [۱۰۴۱] عبدالله بن محمد بن العباس، ابو محمد المروزي.
- [۱۰۴۲] عبدالله بن محمد بن الحسن المؤذن النيسابورى، ابو محمد الحيرى.
- [۱۰۴۳] عبدالله بن محمد بن عمر، ابو محمد النصر آبادى النيسابورى من محلة نصر آباد فى اعلى البلد و كان مذكّر اصحابِ الرأى.
- [۱۰۴۴] عبدالله بن [محمد بن] عمرو القيراطى الواعظ النيسابورى، ابو بكر.
- [۱۰۴۵] عبدالله بن محمد بن سعيد، ابو محمد المروزي.
- [۱۰۴۶] عبدالله بن محمد بن عبدالله بن يونس بن عبدالله السمنانى، ابو الحسين من اعيان المحدثين.
- [۱۰۴۷] عبدالله بن محمد بن الحسن بن شهر يار النيسابورى.
- [۱۰۴۸] عبدالله بن محمد بن مالك النيسابورى، نزيل سمرقند.
- [۱۰۴۹] عبدالله بن محمد بن رجا النيسابورى، ابو محمد.
- [۱۰۵۰] عبدالله بن محمد بن ابى خلد النيسابورى، ابو محمد الصيدلانى.
- [۱۰۵۱] عبدالله بن محمد بن عبدالعزيز الجرجانى، ابو الحبيب العاصى.
- [۱۰۵۲] عبدالله بن هرون بن يحيى النيسابورى، ابو بكر النحرى.
- [۱۰۵۳] عبدالله بن يحيى بن موسى السرخسى، ابو محمد العاصى.
- [۱۰۵۴] عبدالله بن عبدالله النيسابورى، ابو عبدالرحمن الحداد نزيل بغداد.
- [۱۰۵۵] عبدالرحمن بن محمد بن عقيل بن خُوَيْلِدِ بْنِ اسد الخزاعى صاحب رسول الله صلى الله عليه و سلم.
- [۱۰۵۶] عبدالرحمن بن الحسن بن خلد القاضى، ابو سعيد النيسابورى امام اهل الرأى فى عصره بلامدافعة و خطبته و خطبة اسلافه محلة مناشك.
- [۱۰۵۷] عبدالرحمن بن جعفر، ابو سعيد النيسابورى سكن مرو.
- [۱۰۵۸] عبدالرحمن بن رجا، ابو القاسم النيسابورى فقيه لأهل الرأى من قرية بُزْدِيغَر.
- [۱۰۵۹] عبدالرحمن بن يوسف بن خراش الحافظ البغدادى.
- [۱۰۶۰] عبدالرحمن بن يحر بن معاذ النسوى، ابو محمد البزاز.

- [١٠٦١] عبدالملك بن الحكيم بن عبدالملك النيسابوري، ابوبكر البيهقي الملقب بعبدان الخسر وجردي.
- [١٠٦٢] عبدالصمد بن هرون بن عمرو بن حبان بن يزيد القيسي النيسابوري و هو يلقب ب«قاتل قتيبة».
- [١٠٦٣] عبدالمؤمن بن عيسى الجرجاني، ابو عبدالرحمن.
- [١٠٦٤] عبدان بن محمد بن عيسى الحافظ، ابو محمد المروزي الزاهد. [٢٤a]
- [١٠٦٥] علي بن ابراهيم بن احمد، ابو الحسين النسوي اقام بنيسابور.
- [١٠٦٦] علي بن احمد بن محفوظ بن معقل، ابو الحسن المحفوظي النيسابوري و سكة معقل خطهتهم.
- [١٠٦٧] علي بن احمد الفقيه الشافعي الجرجاني.
- [١٠٦٨] علي بن الحسن بن شهريار، ابو الحسن الرازي نزيل بنيسابور و قبره بالحيرة.
- [١٠٦٩] علي بن الحسين بن بشر بن القسم النيسابوري، ابو الحسن الفقيه.
- [١٠٧٠] علي بن الحسن بن سلم الاصبهاني، ابو الحسن الحافظ.
- [١٠٧١] علي بن الحسن بن مهران النيسابوري، ابو الحسن الصفار من محلة باب عذرة.
- [١٠٧٢] علي بن الحسن بن هشام، ابو الحسن النيسابوري.
- [١٠٧٣] علي بن حمدون بن هشام، ابو الحسن النيسابوري من اجلة مشايخنا.
- [١٠٧٤] علي بن الحسين بن بشار النيسابوري، ابو الحسن الكرمانى كان ابوه من اهل كرمان نزيل بنيسابور.
- [١٠٧٥] علي بن حاتم البخاري، ابو الحسن الحاجي.
- [١٠٧٦] علي بن الحسين بن معاذ النيسابوري، ابو الحسن السختياني.
- [١٠٧٧] علي بن حمدان بن سلمة، ابو الحسن المروزي.
- [١٠٧٨] علي بن سعيد بن عبدالله، ابو الحسن العسكري من اعيان المحدثين و قد حدث عنه حفاظ الدنيا في عصره و توفى بالري سنة ثلث عشرة و ثلثمائة.
- [١٠٧٩] علي بن عبدالرحيم بن سنان، ابو الحسن الصفار النيسابوري.
- [١٠٨٠] علي بن عمر بن علي بن عمر النيسابوري، ابو الحسن البرنؤذي.
- [١٠٨١] علي بن عبدالله بن احمد الطبري، ابو الحسن الفقيه.
- [١٠٨٢] علي بن الفضل بن اسحق النيسابوري، ابو الحسن المناشكي.
- [١٠٨٣] علي بن [محمد بن] يحيى بن خلد المروزي، ابو الحسن الخالدي.

- [۱۰۸۴] علی بن محمد بن حمدویه الطوسی، ابوالحسن نزیل بنیساہور۔
- [۱۰۸۵] علی بن محمد بن العلاء النیساہوری، ابوالحسن القباہی و قباب اقصى محلہ من البلد علی طریق العراق۔
- [۱۰۸۶] علی بن محمد بن حمدان البغدادی، نزیل بنیساہور۔
- [۱۰۸۷] علی بن موسیٰ بن یزید الفقیہ، ابوالحسن العمی امام اهل الرأی فی عصره۔
- [۱۰۸۸] علی بن محمد بن یزید الحداد، ابوالحسن الطیبی نزیل بنیساہور۔
- [۱۰۸۹] عیسیٰ بن محمد بن عیسیٰ بن عبدالرحمن بن سلیمان، ابوالعباس الطهمانی و يعرف بالکاتب المروزی۔ هو امام فی اللغة واحد الأشراف فی نفسه و آبائه و اسلافه۔ تُوفِّيَ رضی اللہ عنہ فی سنة ثلث و تسعين و مأتین۔
- [۱۰۹۰] عیسیٰ بن القاسم بن موسیٰ النیساہوری۔
- [۱۰۹۱] عیسیٰ بن اسحق بن موسیٰ الخطمی، ابوالعباس الانصاری القاضی [۲۴b] بن القاضی بنیساہور۔
- [۱۰۹۲] عمرو بن بشر، ابو حفص [الشامانی] النیساہوری سکن بغداد۔
- [۱۰۹۳] عمرو بن نصر بن عبدالله النیساہوری۔
- [۱۰۹۴] عمرو بن بشر، ابو حفص النیساہوری سکن بغداد۔
- [۱۰۹۵] عمرو بن نصر بن عبدالله النیساہوری۔
- [۱۰۹۶] عباس بن حمزة بن عبدالله بن اشرس، ابو الفضل الواعظ النیساہوری صاحب احمد بن حرب والسکة منسوبة الى العباس و هو من اکابر العظام و له مع ذی النون بمصر مباحثات و حالات و کان مُجاب الدعوة تُوفِّيَ رضی اللہ عنہ فی شهر ربيع الاول سنة ثمانین و مأتین۔
- [۱۰۹۷] عمران بن موسیٰ بن مجاشع، ابواسحق السخیتانی و هو محدث ثبت مقبول کثیر الرحلة و التصنیف و تُوفِّيَ بجزجان سنة ثلثمائة۔
- [۱۰۹۸] عمران بن موسیٰ، ابو موسیٰ ال[ر]غانی النیساہوری۔
- [۱۰۹۹] عبدوس بن محمد بن عبدالله السحوری النیساہوری۔
- [۱۱۰۰] عصمة بن مسعود بن منصور بن ابرهیم النیساہوری، ابوسعید القطان۔
- [۱۱۰۱] غسان بن محمد النیساہوری العابد، ابو جعفر التارونی۔
- [۱۱۰۲] القسم بن خلد بن قطن، ابوسهل المروزی محدث عصره بمرور۔
- [۱۱۰۳] امام الحدیث فی عصره محمد بن اسحق بن خزیمة بن المغيرة بن صالح بن بکر

السُّلَمَى مولى محشر بن مزاحم، ابوبكر العالم الأوحد المقدم باتفاق اهل عصره على تقدمه، رضى الله عنه و كان يسكن بجنجروود و كان شيخُ محمد بن اسمعيل البخارى و مُسلم بن الحجاج النيسابورى و محدثى عصره. قال الحاكم: سمعت ابابكر محمد بن على الفقيه الشاشى يقول: حضرت ابابكر محمد بن اسحق بن خزيمة. فقال له ابوبكر النقاش المقرئ البغدادى: «بلغنى انه لما وقع بين المزنى و ابن عبدالحكم ما وقع، قيل للمزنى انه يرد على الشافعى. قال لا يمكنه الا بمعونة محمد بن اسحق النيسابورى اياه»، قال ابوبكر: «كذا كان.» و ايضا سمعت عن محمد بن يحيى اذ اتته امرأة فسألته عن مسألة فى الحيض. فقال محمد بن يحيى: «اذهبى الى جنجروود ثم شاب يُعرف بمحمد بن اسحق بن خزيمة سَلِيه عن هذه المسئلة» و كراماته مروية رضى الله عنه و ارضاه. و تُوفى من ذى القعدة سنة احدى عشرة و ثلثمائة و صلى عليه ابنه ابوالنضر و كان قد امتلأ ميدان الحسين الى جنجروود فى الموضع الذى صلى عليه. و دفن فى حجرة من داره ثم صُيِّرَ تلك الحجرة مقبرة اللهم ارحمه.

[١١٠٤] محمد بن اسحق بن [ابراهيم بن] مهران بن عبد الله الشقى، ابو عبد الله السراج النيسابورى محدث عصره و تُوفى رضى الله عنه سنة ثلاث عشرة و ثلثمائة و هكذا قرأت على قبره فى مقبرة الحسين بن معاذ على طريق اليمين من الشارع [٢٥٨] عن يمين قبر يحيى بن يحيى.

[١١٠٥] محمد بن اسحق بن ابراهيم بن مخلد الحنظلى، ابو الحسن ولد بعرو و نشأ رضى الله عنه بنيسابور. و انصرف فى آخر عمره الى مرو و تُوفى بها.

[١١٠٦] محمد بن اسحق بن عبد الله بن ابراهيم بن عبد الله المستملى النيسابورى، ابو عبد الله الملقب بالمنتوق.

[١١٠٧] محمد بن اسحق بن الأشعث السجرى النيسابورى هذا شيخ من محلة باغ الرازيين و له بها اعقاب.

[١١٠٨] محمد بن اسحق الشافعى النيسابورى شيخ قديم.

[١١٠٩] محمد بن اسحق بن عبد الرحمن، ابو عبد الله المناشكى النيسابورى.

[١١١٠] محمد بن اسحق الانماطى النيسابورى.

[١١١١] محمد بن اسحق بن النعمان النيسابورى، ابو عبد الله الصفار.

[١١١٢] محمد بن اسحق بن نصر اللباد النيسابورى.

- [۱۱۱۳] محمد بن اسحاق بن الصباح، ابو عبدالله التاجر النيسابورى.
- [۱۱۱۴] محمد بن اسحاق بن ابرهيم النيسابورى، ابو العباس البيهقى الزاهد.
- [۱۱۱۵] محمد بن اسحاق بن ابرهيم النيسابورى، ابو عبدالله الصيدلانى.
- [۱۱۱۶] محمد بن ابرهيم بن القسم النيسابورى، ابو عبدالرحمن المدينى.
- [۱۱۱۷] محمد بن ابرهيم بن اسمعيل الفقيه، ابو عبدالله النيسابورى.
- [۱۱۱۸] محمد بن ابرهيم بن بشر بن عبدالله بن حبيب النيسابورى.
- [۱۱۱۹] محمد بن ابرهيم بن عبدالله الاديب النيسابورى، ابوبكر.
- [۱۱۲۰] محمد بن ابرهيم بن مقاتل بن صلح المبكل النيسابورى.
- [۱۱۲۱] محمد بن ابرهيم بن القسم الاصبهانى نزيل بنيسابور، ابوبكر.
- [۱۱۲۲] محمد بن ابرهيم بن هاشم النيسابورى.
- [۱۱۲۳] محمد بن ابرهيم بن القسم النيسابورى، ابو عبدالله الخشاب.
- [۱۱۲۴] محمد بن ابرهيم بن سعيد بن قطبه القيسى ابو عبدالله النيسابورى من محلة باب
عزرة و هو من بيت كبير.
- [۱۱۲۵] محمد بن اسمعيل بن مهران بن عبدالله، ابوبكر الاسماعيلى النيسابورى. احد
اركان الحديث بنيسابور كثرة و رحلته و اشتهاراً و توفى رحمه الله فى ذى الحجة
من سنة خمس و تسعين و مائتين و قيل لا يصح سماع من سمع من الاسماعيلى
بعد التسع و الثمانين فانه كان لا يقدر ان يحرك لسانه الا بـ «لا» فكان اذا قيل له:
«كما قرأنا» قال: «لا. لا. لا.» مقام «نعم» و تحرك رأسه.
- [۱۱۲۶] محمد بن اسمعيل بن موسى بن عبدالله البلخى.
- [۱۱۲۷] محمد بن اسمعيل بن الحجاج النيسابورى الحجاجى و هو شيخ قديم.
- [۱۱۲۸] محمد بن اسمعيل بن اسحاق، ابو الحسن المروزى.
- [۱۱۲۹] محمد بن احمد بن المثنى بن سعيد النيسابورى، ابو عبدالله و هو محدث كثير
الحديث و الرحلة من رستاقى الزاوه.
- [۱۱۳۰] محمد بن احمد بن نصر المروزى، ابوبكر النيسابورى.
- [۱۱۳۱] محمد بن احمد بن حفص النيسابورى [۲۵b] و هو غير الحرشى.
- [۱۱۳۲] محمد بن احمد بن [رجاء]، ابورجاء القاضى الجوزجانى و كان من اعيان الفقهاء
على مذهب الكوفيين.
- [۱۱۳۳] محمد بن احمد بن عبدالله النيسابورى، ابو احمد المناشكى.

- [١١٣٤] محمد بن احمد بن عبيد الله النيسابوري، ابو عبدالله العامري.
- [١١٣٥] محمد بن احمد بن ايوب بن الصلت المقرئ.
- [١١٣٦] محمد بن احمد بن منصور.
- [١١٣٧] محمد بن احمد بن هاشم، ابوبكر النيسابوري.
- [١١٣٨] محمد بن احمد بن المغيرة التميمي، ابوبكر النيسابوري.
- [١١٣٩] محمد بن احمد بن سعيد النسوي، ابو الحسن.
- [١١٤٠] محمد بن احمد بن مجاهد السمرقندي، شيخ قديم.
- [١١٤١] محمد بن احمد بن عبدالله بطحا النيسابوري.
- [١١٤٢] محمد بن الحسين النيسابوري، ابو جعفر الكاتب.
- [١١٤٣] محمد بن احمد بن بالويه النيسابوري، ابو العباس الياقوتى و يلقب بعصيده و كان من اعيان المشايخ.
- [١١٤٤] محمد بن احمد بن بوعون النسوي، ابو جعفر الرذاني.
- [١١٤٥] محمد بن احمد بن نعيم، ابو عبدالله نزيل بغداد.
- [١١٤٦] محمد بن ايوب بن الحسن الفقيه، ابوبكر النيسابوري.
- [١١٤٧] محمد بن جمعة بن الخلف الحافظ، ابوقريش القهستاني الاصم و كان من الحقاظ المتقين توفى رَحِمَهُ اللهُ في قهستان سنة ثلاث عشرة و ثلثمائة.
- [١١٤٨] محمد بن جابر بن حماد المروزي، ابو عبدالله الحافظ الفقيه احد ائمة اهل زمانه. ادركته المنيّة في الكهولة رَحِمَهُ اللهُ يروى عن ابن عباس قال الشاعر:
- أَنْتَ بِشَرِّ النَّبِيِّ إِذْ قَالَ يَوْمًا
أَطْلُبُوا الْخَيْرَ فِي حِسَانِ الْوُجُوهِ
- [١١٤٩] محمد بن جعفر بن ابراهيم بن مسلم النيسابوري، ابو جعفر.
- [١١٥٠] محمد بن حميد، ابو عبدالله القهستاني نزيل بنيسابور.
- [١١٥١] محمد بن جعفر بن محمد بن يزيد الشعراني، ابو عبد الله [الله] النيسابوري الآزادوراي، قرية من جَوَيْن. هو يروى هذا الشعر عن اعرابي:
- يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ أَنْتَ رَبِّي
وَ أَنْتَ مَوْلَايِ وَ أَنْتَ حَسْبِي
فَاصْلِحْ بَالِيَتَيْنِ قَلْبِي
وَ نَجِّنِي مِنْ كَرْبِ يَوْمِ الْكَرْبِ

- [۱۱۵۲] محمد بن حمدان بن مهران المهرانی، ابوبکر النیسابوری. سماعه کله بنیسابور.
- [۱۱۵۳] محمد بن حبیب بن فضالة الحلاب، ابو عبدالله النیسابوری.
- [۱۱۵۴] محمد بن الحسن بن عبیدالله بن محمد بن طغان الترك النیسابوری.
- [۱۱۵۵] محمد بن الحسن، ابو علی الحیری.
- [۱۱۵۶] محمد بن الحسن بن عمارة، ابو عبد[الله] النیسابوری المقرئ من المدينة الداخلة.
- [۱۱۵۷] محمد بن الحسن بن هشام الحیری، ابوبکر النیسابوری.
- [۱۱۵۸] محمد بن [۲۶a] محمد بن الحسن بن معاذ النیسابوری یلقب بحمويه الطویل.
- [۱۱۵۹] محمد بن حامد بن محمد بن ابرهیم النیسابوری، ابوبکر الحیری.
- [۱۱۶۰] محمد بن الحمید البزاز النیسابوری.
- [۱۱۶۱] محمد بن الحسن بن الحسن، ابوبکر النیسابوری و يعرف بابی بکر بن ابی علی البرذعی.
- [۱۱۶۲] محمد بن الحسن، ابو عبدالله الرمجاری.
- [۱۱۶۳] محمد بن حمزة بن عبدالله السمرقندی.
- [۱۱۶۴] محمد بن خالد، ابوبکر القاضی الرازی نزیل بنیسابور.
- [۱۱۶۵] محمد بن خشنام بن سعد، ابو عبدالرحمن النیسابوری.
- [۱۱۶۶] محمد بن داود بن یزید بن حازم، ابوبکر الرازی.
- [۱۱۶۷] محمد بن دلویه، ابوبکر النیسابوری.
- [۱۱۶۸] محمد بن ابی ذرة القاری النیسابوری.
- [۱۱۶۹] محمد بن دلویه بن عبدالله النیسابوری، ابوبکر الخراز.
- [۱۱۷۰] محمد بن درست الزاهد، ابو عبدالله النیسابوری شیخ قدیم.
- [۱۱۷۱] محمد بن رومی النیسابوری، ابو عبدالله شیخ صاحب اخبار و حکایات.
- [۱۱۷۲] محمد بن رمیح بن نوبع ابورمیح العامری الترمذی.
- [۱۱۷۳] محمد بن روح النیسابوری ابواحمد الاستوائی شیخ قدیم.
- [۱۱۷۴] محمد بن رزام، ابواحمد الهروی الفقیه الادیب من اجلة اهل بلده.
- [۱۱۷۵] محمد بن زیاد النیسابوری، ابو عبدالله الفقیه البردیغری و كان من الزهاد والفقهاء.
- [۱۱۷۶] محمد بن زکریا بن قمیم، ابو عبدالله النیسابوری.
- [۱۱۷۷] محمد بن زنجویه بن الهیثم بن عیسی بن عبدالله القشیری، ابوبکر النیسابوری.

- [١١٧٨] محمد بن زكريا بن الحسن بن زكريا الشيباني النيسابوري، ابو عبدالله الرقباني.
- [١١٧٩] محمد بن سعدويه النيسابوري، ابو علي البيهقي.
- [١١٨٠] محمد بن سفيان بن عبدالله بن بيان النيسابوري، ابو عبدالرحمن و منزله جنيداييه.
- [١١٨١] محمد بن سهل بن عبدالله، ابو تراب القهستاني.
- [١١٨٢] محمد بن سهل، ابو تراب الطوسي.
- [١١٨٣] محمد بن سليمان بن فارس النيسابوري، ابو احمد الدلال.
- [١١٨٤] محمد بن سليمان بن مهران النيسابوري، ابو بكر.
- [١١٨٥] محمد بن سليمان بن خالد العبدى، ابو عبدالله النيسابوري شيخ مشهور من ميدان زياد.
- [١١٨٦] محمد بن سهيل بن الاصبهيد الحرس، ابو عبدالله النيسابوري من محلة جنجروود.
- [١١٨٧] محمد بن سليمان بن يوسف السليطي، ابو عبدالله النيسابوري.
- [١١٨٨] محمد بن سهل بن عبدالله النيسابوري.
- [١١٨٩] محمد بن سعيد بن محمد المروزي، [٢٦٦] ابو عبدالله البورقي حَدَّثَ بنيسابور بِجُمْلَةٍ مِنَ الْمَنَاقِيرِ عَنْ قَوْمٍ مَجْهُولِينَ، فَرَوَى عَنْهُ جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَايخِنَا وَامْسَكَ جَمَاعَةٌ. وَقَدْ وَضَعَ مِنَ الْمَنَاقِيرِ عَلَى الثَّقَاتِ مَا لَا يُحْصَى. وَأَفْحَشُهَا رَوَايَتُهُ عَنْ بَعْضِ مَشَايِخِهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ مُوسَى الشَّيْبَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي سَلْمَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ — كَمَا زَعَمَ أَنَّهُ قَالَ: «سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ أَبُو حَنِيْفَةَ هُوَ سَرَّاجُ أُمَّتِي» هَكَذَا حَدَّثَ فِي بِلَادِ خِرَاسَانَ. ثُمَّ حَدَّثَ بِهِ فِي بِلَادِ عِرَاقٍ بِإِسْنَادِهِ وَزَادَ فِيهِ أَنَّهُ قَالَ: «سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَدْرِيسَ فِتْنَتُهُ عَلَيَّ أُمَّتِي أَضْرًا مِنْ فِتْنَةِ إِبْلِيسَ» فَكُلُّ مَنْ حَدَّثَ بِهَذَا الْحَدِيثِ فَأَنَّهُ فِي النَّبِيِّ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، مِنْ جُمْلَةِ مَنْ قَالَ فِي حَقِّهِمْ: «مَنْ حَدَّثَ عَنِّي بِحَدِيثٍ يُرَى أَنَّهُ كَذِبٌ فَهُوَ أَحَدُ الْكَاذِبِينَ».
- [١١٩٠] محمد بن سهل المروزي.
- [١١٩١] محمد بن سعيد بن غالب النيسابوري، ابو عبدالله.
- [١١٩٢] محمد بن شادان النيسابوري، ابو سعيد الاصم الجندفرجي الشيخ الفهم المتقن المقدم و جندفرج قرية على فرسخ من البلد و كان لا يدخل البلد الا في الجمعيات و يحدث في قريته و توفي رضي الله عنه سنة ست و ثمانين [و] مأتين.

- [۱۱۹۳] محمد بن شادان بن علی النیسابوری، ابو العباس الضریر کف بصره بعد الثمانین.
- [۱۱۹۴] محمد بن شعیب بن محمد بن المغیره بن بکر السُلَمی النیسابوری، ابوبکر الجنجرودی.
- [۱۱۹۵] محمد بن شعیب بن علی، ابوبکر النیسابوری ویلقب بالصیر.
- [۱۱۹۶] محمد بن شادان بن اسمعیل النیسابوری، ابو العباس.
- [۱۱۹۷] محمد بن شاد بن عبدالله النیسابوری، ابو عبدالله.
- [۱۱۹۸] محمد بن شهریار النیسابوری.
- [۱۱۹۹] محمد بن شعیب بن صالح النیسابوری، ابو عبدالله القصری و یقال انه من قصر عبدالجبار.
- [۱۲۰۰] محمد بن الصباح النیسابوری، ابو عبدالله الخیاط.
- [۱۲۰۱] محمد بن صالح بن جمیل، ابو الحسن الطوسی محدث کبیر.
- [۱۲۰۲] محمد بن صالح بن یونس النیسابوری، ابو عبدالله.
- [۱۲۰۳] محمد بن صالح بن الهیثم القشیری، ابوبکر النیسابوری من محله ملقباد.
- [۱۲۰۴] محمد بن طیفور الزاهد، ابو عبدالله النیسابوری.
- [۱۲۰۵] محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر الامیر، ابو عبدالله النیسابوری و تُوفی ببغداد.
- [۱۲۰۶] محمد بن عبدالسلم بن بشار، ابو عبدالله النیسابوری المعروف [۲۷a] بالوزّاق کان یورق علی اسحق بن راهویه و کان من العبّاد.
- [۱۲۰۷] محمد بن عبدالله بن یوسف بن خرشید النیسابوری ابو عبدالله الدبیری. و دبیر قرية علی فرسخ من البلد.
- [۱۲۰۸] محمد بن عبدالله بن المبارک الخیاط النیسابوری.
- [۱۲۰۹] محمد بن عبدالله بن اسحق الحوار، ابو عبدالله الطوسی.
- [۱۲۱۰] محمد بن عبدالملک بن سلمة النیسابوری، ابو عبدالله القشیری.
- [۱۲۱۱] محمد بن عبدالله بن حامد النیسابوری.
- [۱۲۱۲] محمد بن عبدالله بن الجنید النیسابوری، ابو عبدالله.
- [۱۲۱۳] محمد بن عبدالله بن القسم، ابو عبدالله العمری.
- [۱۲۱۴] محمد بن عبدالله العاملی، ابو عبدالله النیسابوری.
- [۱۲۱۵] محمد بن عبدالله بن یزید الرازی، ابوبکر سکن بنیسابور.
- [۱۲۱۶] محمد بن عبدالله بن عمرو العروزی.

- [١٢١٧] محمد بن عبدالصمد النيسابوري، ابوبكر الاسفرايني.
- [١٢١٨] محمد بن عبدالله بن محمد بن مخلد الهروي، ابوالحسن المخلدی.
- [١٢١٩] محمد بن عبدالملك بن سلمة النيسابوري.
- [١٢٢٠] محمد بن ابي عياض النيسابوري، ابو عبدالله الواعظ الزاهد.
- [١٢٢١] محمد بن عيسى النيسابوري، نزيل مكة.
- [١٢٢٢] محمد بن علي بن ابراهيم، ابو عبدالله الحافظ المروزي.
- [١٢٢٣] محمد بن عمر بن هشام الحافظ، ابوبكر الرازي و تُوفِّيَ بمرو.
- [١٢٢٤] محمد بن علي بن علويه الفقيه، ابو عبدالله الجرجاني الرزاز من ائمة عصره للشافعيين.
- [١٢٢٥] محمد بن عمرو بن سليمان بن عبدالرحمن بن عبدالله النيسابوري و هو ابوبكر بن عمرو الملقابادي.
- [١٢٢٦] محمد بن عمر بن العلا العامري، ابو عبدالله الجرجاني الصيرفي.
- [١٢٢٧] محمد بن علي بن الحسن النيسابوري، ابو عبدالله.
- [١٢٢٨] محمد بن عبد بن عامر بن مرداس بن هرون السعدي توفي في البادية.
- [١٢٢٩] محمد بن عمرو بن جبريل النيسابوري من رستاق بيهق.
- [١٢٣٠] محمد بن عمرو بن خالد، ابوبكر البلخي.
- [١٢٣١] محمد بن علي بن الحسن، ابو عبدالله الترمذي.
- [١٢٣٢] محمد بن علي بن رافع التميمي الحافظ، ابوبكر البلخي.
- [١٢٣٣] محمد بن العباس بن الحكم المروزي.
- [١٢٣٤] محمد بن عبد ربه النيسابوري.
- [١٢٣٥] محمد بن علي بن سعيد بن جرير النسوي، ابو عبدالله.
- [١٢٣٦] محمد بن علي بن عثمان بن حمزة الانصاري، ابو عبدالله المدني.
- [١٢٣٧] محمد بن علي بن الحسن بن خليل النيسابوري، ابو عمرو القطان المجاور برباط فراوه.
- [١٢٣٨] محمد بن عبدالله النيسابوري.
- [١٢٣٩] محمد بن عبدالله بن مهدي بن ابي المهدي النيسابوري، ابوبكر [٢٧٦] الشعراني من قصبة المهرجان كثير الرحلة والحديث.
- [١٢٤٠] محمد بن [علي]، ابو عبدالله الحافظ الملقب بقرطمة البغدادي.

- [۱۲۴۱] محمد بن عمرو بن الربیع بن سلیمان الطابی، ابو عبدالله الطوسی.
- [۱۲۴۲] محمد بن علی القاضی، ابو عبدالله المروزی الملقب بالخیاط الزاهد العابد المجتهد قلد قضاء نیشابور.
- [۱۲۴۳] محمد بن علی بن ابراهیم المروزی، ابوتراب.
- [۱۲۴۴] محمد بن العباس بن یوسف بن القسم بن سلیمان بن سلیط النیشابوری، من المدينة الداخلة.
- [۱۲۴۵] محمد بن علی العمری، ابو جعفر الشافعی سكن بنیشابور.
- [۱۲۴۶] محمد بن فراس، ابو عبدالله الاسفراینی النیشابوری.
- [۱۲۴۷] محمد بن الفضل بن محمد بن الطیب ابو الحسن النیشابوری و یلقب بفوز البشتی.
- [۱۲۴۸] محمد بن فوز بن عبدالله بن مهدی النیشابوری، ابوبکر العامری.
- [۱۲۴۹] محمد بن الفضل بن عصمة النیشابوری.
- [۱۲۵۰] محمد بن قبیصة بن عبدالله بن موسی النیشابوری ابوبکر الاسفراینی.
- [۱۲۵۱] محمد بن القاسم، ابونعیم صاحب الرباط بفراوه.
- [۱۲۵۲] محمد بن قبیصة الملقابادی، ابوبکر النیشابوری.
- [۱۲۵۳] محمد بن کرام العابد، ابو عبدالله السجزی و قيل انه من بنی نزار مولده بقریة من قرى زرنج و نشأ بسجستان و حصل عند احمد بن حرب فی خراسان.
- [۱۲۵۴] محمد بن لیث، ابو عبدالله النیشابوری.
- [۱۲۵۵] محمد بن محمد بن رجابن السندی، ابوبکر النیشابوری من اهل اسفراین.
- [۱۲۵۶] محمد بن المسیب بن اسحق بن ادیس النیشابوری، ابو عبدالله الارغیانی و كان من العبّاد المجتهدين.
- [۱۲۵۷] محمد بن المنذر بن سعید بن عثمان الهروی، ابو عبدالرحمن شکر.
- [۱۲۵۸] محمد بن ماهان الجوینی.
- [۱۲۵۹] محمد بن منصور النیشابوری من اهل اسفراین.
- [۱۲۶۰] محمد بن محمد بن شاد النیشابوری، ابو عبدالله الراوسانی.
- [۱۲۶۱] محمد بن محمد بن سعید بن عبدالحمید الانصاری، ابونصر المقیم بنیشابور.
- [۱۲۶۲] محمد بن موسی الواسطی، ابوبکر الصوفی صاحب الاحوال قد سكن بنیشابور مدة ثم سكن بمرو و صار له بها اصحاب من افضل المسلمين و تُوفّي بها.
- [۱۲۶۳] محمد بن مهران النیشابوری.

- [١٢٦٤] محمد بن مضر بن مَعْن المروزي، ابو مضر الرباطي صاحب الاخبار والحكايات.
- [١٢٦٥] محمد بن نصر، الامام ابو عبدالله المروزي [٢٨٨a] الفقيه العابد العامل. امام اهل الحديث في عصره بلامدافعة و تُؤْفَى بِسمرقند في المحرم سنة اربع و تسعين و مأتين و قيل: رجال خراسان اربعة عبدالله بن المبارك و يحيى بن يحيى و اسحق بن ابراهيم الحنظلي و ابو عبدالله محمد بن نصر المروزي.
- [١٢٦٦] محمد بن نعيم بن عبدالله النيسابوري، ابوبكر المدني و ذلك ان منزله و مسجده في المدينة الداخلة فنسب اليها من اعيان المحدثين الثقات الأثبات.
- [١٢٦٧] محمد بن النضر بن سلمة بن جارود بن يزيد، ابوبكر الجارودي شيخ وقته و عين علماء عصره حظاً و كمالاً و ثروةً و خطته المشهورة و مسجده في المربعة الصغيرة. و الجارود جد أبيه صاحب ابي حنيفة.
- [١٢٦٨] محمد بن نصر الفراء النيسابوري.
- [١٢٦٩] محمد بن هاشم بن زياد الترمذي.
- [١٢٧٠] محمد بن هارون بن سعيد بن عبد الحكيم السمرقندي الكاغذي، ابونصر.
- [١٢٧١] محمد بن يحيى بن سهل النيسابوري، ابوبكر المطرز و المسجد في المربعة منسوب اليه و هي خطة كبيرة لأهل الحديث.
- [١٢٧٢] محمد بن يحيى بن خالد بن مهران النيسابوري، ابوبكر الاعرج.
- [١٢٧٣] محمد بن ابي يزيد بن صالح الفراء النيسابوري، ابواحمد بن ابي خالد.
- [١٢٧٤] محمد بن ياسين بن النضر بن سليمان بن ربيعة الباهلي، ابوبكر الفقيه النيسابوري.
- [١٢٧٥] محمد بن ياسين بن النضر، ابواحمد النيسابوري الفقيه اخو ابوبكر.
- [١٢٧٦] محمد بن يحيى بن خالد، ابويحيى العروزي.
- [١٢٧٧] محمد بن يحيى بن عبدالرزاق البخاري.
- [١٢٧٨] محمد بن يحيى بن مهران، ابوبكر المستملي النيسابوري.
- [١٢٧٩] محمد بن يوسف بن معقل، ابو عبدالله النيسابوري الاموي.
- [١٢٨٠] محمد بن يوسف بن سعيد، ابو حمزة النسوي.
- [١٢٨١] موسى بن اسحق بن موسى الخطمي، ابوبكر الانصاري القاضي.
- [١٢٨٢] موسى بن هرون بن عبدالله الحافظ، ابو عمران البزاز.
- [١٢٨٣] موسى بن محمد بن موسى النيسابوري الذهلي، ابو عمرو الأعين.
- [١٢٨٤] موسى بن عبد المؤمن النيسابوري، ابو العباس البُشتي محدث مفيد واسع الرحلة.

- [۱۲۸۵] موسی بن الحسین بن عبدالرحمن النیسابوری، ابو عمران البیهقی.
- [۱۲۸۶] مضارب بن ابرهیم النیسابوری، ابو الفضل الادیب و کان اوحدُ عصره بنیسابور فی الادب و النحو.
- [۱۲۸۷] مذکورین الحارث النیسابوری، ابو اللیث البوزجانی. [۲۸b]
- [۱۲۸۸] مطهر بن محمد بن یحیی النیسابوری ابو علی.
- [۱۲۸۹] منصور بن علی بن عبدالله النیسابوری، ابو نصر السختیانی.
- [۱۲۹۰] منصور بن اسد النیسابوری.
- [۱۲۹۱] مکی بن محمد بن احمد بن ماهان، ابو العباس البلخی.
- [۱۲۹۲] مکی بن عبدالغفار النیسابوری.
- [۱۲۹۳] مسدد بن قطن بن ابرهیم النیسابوری، ابو الحسن القشیری و کان من مزکی عصره و المقدم فی الزهد و الورع. و اکثر بیت فی العلم بنیسابور بیته من الطرفين جميعاً.
- [۱۲۹۴] مؤمل بن الحسن [بن] عیسی بن ماسرجس النیسابوری، ابو الوفاء الماسرجسی شیخ نیشابور فی عصره ابوة و ثروة و کمال عقل و کرمأ حتی یضرب به المثل فی ذلك.
- [۱۲۹۵] محمود بن هزیمه النیسابوری المقری.
- [۱۲۹۶] محمود بن عبدالرحمن البلخی.
- [۱۲۹۷] مقبل بن رجاء الطوسی.
- [۱۲۹۸] مجیب بن ابرهیم بن سلیمان بن خالد العبیدی النیسابوری العیدانی.
- [۱۲۹۹] نصر بن بشر النیسابوری.
- [۱۳۰۰] نصر بن محمد بن الخریث بن نصر بن المغلس النیسابوری، ابو اللیث.
- [۱۳۰۱] نصر بن عماره بن یحیی بن العباس بن عبدالرحمن بن سالم الخزر جی ثم الأنصاری النیسابوری. ابو اللیث.
- [۱۳۰۲] نصر بن احمد بن اسد بن نوح، ابو اللیث السامانی الامیر و هو اخو الامیر الماضي اسمعیل بن احمد و اکبر الأخوة.
- [۱۳۰۳] نصر بن احمد بن نصر الحافظ، ابو محمد الکندی البغدادی اخو ایمة الحدیث و یعرف بنصرک البغدادی.
- [۱۳۰۴] النضر بن سلمة بن عبدالله النیسابوری اللغوی، ابو سلمة التمیمی.

- [١٣٠٥] نُجَيْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَوْسُفَ السُّلَمِيِّ، أَبُو اسْمَعِيلَ.
- [١٣٠٦] نَعِيمِ بْنِ الْفَضْلِ، أَبُو الْفَضْلِ النَّيْسَابُورِيِّ.
- [١٣٠٧] هَارُونَ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ عَبْدِ سَوْسَ بْنِ حَسَّانِ النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو مُوسَى الرَّخِيُّ.
- [١٣٠٨] هَارُونَ بْنِ هِشَامِ النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو مُوسَى الْأَسْتَوَائِيِّ.
- [١٣٠٩] هَارُونَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْخَلِ بْنِ قَاسِمِ الْقَرَسِيِّ، أَبُو مُوسَى النَّيْسَابُورِيِّ.
- [١٣١٠] هَمَامِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو أَحْمَدَ الْعَابِدِ.
- [١٣١١] يَحْيَى بْنِ مَنْصُورِ الزَّاهِدِ الْحَافِظِ، أَبُو سَعْدِ الْهَرَوِيِّ أَمَامَ بَلَدِهِ فِي عَصْرِهِ.
- [١٣١٢] يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا بْنِ حَرْبِ النَّيْسَابُورِيِّ.
- [١٣١٣] يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو زَكَرِيَّا الْأَعْرَجِ.
- [١٣١٤] يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلِيمِ النَّيْسَابُورِيِّ.
- [١٣١٥] يَحْيَى بْنِ عَمْرٍ [٢٩٥] النَّيْسَابُورِيِّ.
- [١٣١٦] يَحْيَى بْنِ مَخْتَارِ النَّيْسَابُورِيِّ.
- [١٣١٧] يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى بْنِ يَحْيَى التَّمِيمِيِّ النَّيْسَابُورِيِّ.
- [١٣١٨] يَحْيَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَادِ بْنِ دَاوُدَ الثَّعْلَبِيِّ الْكُوفِيِّ، سَكَنَ بَنِيْسَابُورَ.
- [١٣١٩] يَحْيَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبِ، أَبُو زَكَرِيَّا الْعَابِدِ النَّسَوِيِّ.
- [١٣٢٠] يَحْيَى بْنِ نُوحِ بْنِ عَمْرِ، أَبُو زَكَرِيَّا الْعَابِدِ النَّيْسَابُورِيِّ.
- [١٣٢١] يَحْيَى بْنِ الْمُثَنَّى النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو زَكَرِيَّا الشَّعَارِ.
- [١٣٢٢] يَعْقُوبُ بْنُ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبِ النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو يَوْسُفَ السَّوْسِيِّ مِنْ كِبَارِ أَهْلِ نَيْسَابُورَ مِنْ بَيْتِ الْعَدَالَةِ وَالثَّرْوَةِ.
- [١٣٢٣] يَعْقُوبُ بْنُ سَلِيمِ النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو يَوْسُفَ الْأَسْفَرَايِنِيِّ.
- [١٣٢٤] يَعْقُوبُ بْنُ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبِ النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو يَوْسُفَ الْأَخْرَمِ الشَّيْبَانِيِّ الْفَقِيهِ.
- [١٣٢٥] يَعْقُوبُ بْنُ يَوْسُفَ بْنِ مَعْقِلِ بْنِ سَنَانَ الْأَمْوِيِّ النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو الْفَضْلِ الْوَرَّاقِ وَالِدِ أَبِي الْعَبَّاسِ الْأَصَمِّ وَالْخَطَّاءِ مَنْسُوبَةٍ إِلَيْهِ يُقَالُ سَكَّةٌ يَعْقُوبُ الْوَرَّاقُ فِي مَحَلَّةِ الرَّمْجَارِ.
- [١٣٢٦] يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَزِيدِ النَّيْسَابُورِيِّ، أَبُو عَوَانَةَ الْأَسْفَرَايِنِيِّ مِنْ عُلَمَاءِ الْحَدِيثِ وَ مِنْ الرِّحَالَةِ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ لَطَلَبَ الْحَدِيثَ.
- [١٣٢٧] يَوْسُفُ بْنُ مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالِدِ بْنِ حَمُوكَ، أَبُو يَعْقُوبَ الْمُرُورِيِّ مِنْ أَعْيَانِ مُحَدَّثِي خِرَاسَانَ الْمَشْهُورِينَ بِالطَّلَبِ وَ الرِّحَلَةِ وَ تَوَفَّى بِمِرْوَالِدِ سَنَةِ سِتِّ وَ تَسْعِينَ وَ مِائَتِينَ.

- [۱۳۲۸] یوسف بن یعقوب بن یوسف، ابو عمرو النیسابوری نزیل بغداد.
 [۱۳۲۹] یوسف بن [] الجوزجانی، ابو یعقوب العابد النیسابوری.
 [۱۳۳۰] یوسف بن ابرہیم النیسابوری، ابو یعقوب الماکیانی.
 [۱۳۳۱] یونس بن ابرہیم بن النضر، ابو محمد النیسابوری.

ذکر الطبقة السادسة من العلماء النیسابوریین و من سكنها [۲۹b]
 و حدث فیها من علماء المسلمین رضی الله عنهم

- [۱۳۳۲] احمد بن اسحق النیسابوری، ابو حامد الاسفراینی.
 [۱۳۳۳] احمد بن اسحق بن ابرہیم بن موسی الحیری.
 [۱۳۳۴] احمد بن ابرہیم بن احمد بن حاجب النیسابوری، ابو سعید الحاجبی و كان یلقب
 بحمدان.
 [۱۳۳۵] احمد بن ابرہیم بن صالح بن داود النیسابوری الميدانی من میدان زیاد و تُوفیَ
 سنة خمس عشر و ثلثمائة.
 [۱۳۳۶] احمد بن ابرہیم بن شادان بن عبدالله النیسابوری، ابو حامد الخفّاف.
 [۱۳۳۷] احمد بن اسحق، ابو حامد البرّاز النیسابوری.
 [۱۳۳۸] احمد بن اسمعیل بن جبریل النیسابوری، ابو حامد المقرئ الصّرام و كان من كبار
 القراء المجتهدین.
 [۱۳۳۹] احمد بن بشر بن محمود النیسابوری، ابو یحیی الاسفراینی.
 [۱۳۴۰] احمد بن جعفر بن مشکان النیسابوری، ابو حامد الخفّاف.
 [۱۳۴۱] احمد بن جعفر بن احمد بن بکر بن زیاد ابو حامد الشیبانی النیسابوری.
 [۱۳۴۲] احمد بن حمدان بن علی بن سنان النیسابوری الزاهد العابد، ابو جعفر بن حمدان
 الحیری و كان مُجاب الدعوة و تُوفیَ رضی الله عنه سنة احدى عشر و ثلثمائة
 بنیساپور قبل ابی بکر محمد بن اسحق بن خزیمه.
 [۱۳۴۳] احمد بن حمدویہ بن موسی النیسابوری، ابو حامد المؤذن و كان من اعیان
 الصالحین مجاور مكة خمس سنین.
 [۱۳۴۴] احمد بن حامد بن ابی حامد، ابو عمر و الشاشی.
 [۱۳۴۵] احمد بن الحسین النیسابوری، ابو حامد السّراج.
 [۱۳۴۶] احمد بن الحسین بن محمد بن عبدالله بن بکر بن جعد المذکر، ابو حامد

النيسابورى المعروف بالدقاق.

[١٣٤٧] احمد بن جعفر بن عمير المروزى.

[١٣٤٨] احمد بن السرى بن سهل النيسابورى، ابو حامد الجلاب و كان مسكنه كالماباد.

[١٣٤٩] احمد بن سعيد العابد النيسابورى.

[١٣٥٠] احمد بن شادان بن محمد النيسابورى، ابو العباس الاسفراينى.

[١٣٥١] احمد بن عبدالرحمن بن محمد بن نصر النيسابورى.

[١٣٥٢] احمد بن [٣٠٥] عبدالرحمن، ابو حامد الفرخكى و هى قرية على باب البلد.

[١٣٥٣] احمد بن عبدالرحمن بن يحيى بن سعيد النيسابورى، ابو بكر الجلودى.

[١٣٥٤] احمد بن عبدالرحمن بن اسمعيل النيسابورى، ابو حامد الجلودى.

[١٣٥٥] احمد بن على بن الحسين بن شهر يار الحافظ النيسابورى المقدم العالم بالحديث،

صاحب المصنفات الكثيرة المفيدة. و روى عنه حفاظ الدنيا فى عصره. و كان

ابوه من الرى سكن نيسابور و بها نشأ و مات و قيل مات فى سنة خمس عشرة و

ثلثمائة بالطايران من طوس و هو ابن اربع و خمسين سنة.

[١٣٥٦] احمد بن عبيد بن عبدالعزيز، ابو طاهر النسوى.

[١٣٥٧] احمد بن عبدالله، ابو حامد الذهلى النيسابورى.

[١٣٥٨] احمد بن محمد بن الحسين الحافظ، ابو حامد بن الشرقى النيسابورى صاحب

الصحيح و تلميذ مسلم بن الحجاج واحد عصره فى المعرفة و مات فى رمضان

سنة خمس و عشرين و ثلثمائة و دفن فى مقبرة شاهنبر و الخطة المشهورة

بالشرقيين فى اعلى الرمجار [منسوبة اليه].

[١٣٥٩] احمد بن محمد بن همام، ابو الحسين النيسابورى.

[١٣٦٠] احمد بن محمد بن سعيد النيسابورى، ابو بكر بن ابى الحجارة. شيخ معروف و

يسكن سكة الخندق.

[١٣٦١] احمد بن محمد بن اسحق، ابو حامد الوراق النيسابورى

[١٣٦٢] احمد [بن محمد]، ابو على النيسابورى ابن اخت ابى الحسن بن عمران.

[١٣٦٣] احمد بن محمد بن حامد بن منصور بن الفضل البزاز الطوسى، ابو حامد سكن

بنيسابور. و قال الحاكم: «وَأَظُنُّهُ نَيْسَابُورِيًّا وَلَّى قِضَاءَ طُوسٍ وَ نُسِبَ إِلَيْهَا.»

[١٣٦٤] احمد بن محمد بن يحيى النيسابورى، ابو الحسن الرازى.

[١٣٦٥] احمد بن محمد بن على الفقيه، ابو حاتم النيسابورى و يعرف بالسجزي.

- [۱۳۶۶] احمد بن محمد بن [] ابو حامد الغازی.
- [۱۳۶۷] احمد بن محمد بن زنجویه الموارینی.
- [۱۳۶۸] احمد بن محمد بن آدم الشاشی.
- [۱۳۶۹] احمد بن محمد بن عبدالرحمن بن بشر [بن] الحكم العبدی.
- [۱۳۷۰] احمد بن محمد بن الحسين النيسابوری، ابو الحسين الخداسی.
- [۱۳۷۱] احمد بن محمد بن عمر بن جعفر بن حفص [بن] محمد النيسابوری، ابو عمرو السمسار و كان من المتعصبين لأهل السنة الباذلين للمال و الجاه [۳۰b] و كان ابو [ه] مجاب الدعوة.
- [۱۳۷۲] احمد بن محمد بن موسى النيسابوری، ابو حامد القلانسی.
- [۱۳۷۳] احمد بن محمد بن يحيى بن بلال البزاز، ابو حامد المعروف بالخشاب النيسابوری مدفون في باب معمر.
- [۱۳۷۴] احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهيم بن عمار الخزرجي، ابو عمرو المزكى.
- [۱۳۷۵] احمد بن محمد بن الحسين بن قريش الماهياني، ابو نصر المروزي الغازي سكن بنيسابور حتى مات بها.
- [۱۳۷۶] احمد بن محمد بن حمدان المؤدب، ابو حامد النيسابوری.
- [۱۳۷۷] احمد بن محمد بن صالح النيسابوری.
- [۱۳۷۸] احمد بن محمد بن عبدالله النيسابوری، ابو عبدالله العمري.
- [۱۳۷۹] احمد بن منصور المروزي الأحول.
- [۱۳۸۰] احمد بن محمد بن معروف النيسابوری.
- [۱۳۸۱] احمد بن نصر بن محمد بن اشكاب البخاري، ابو نصر الزعفراني.
- [۱۳۸۲] احمد بن يونس بن ابراهيم بن النضر النيسابوری، ابو العباس.
- [۱۳۸۳] احمد بن يوسف الصابوني الفقيه، ابو الحسن المناظر.
- [۱۳۸۴] احمد بن يحيى بن سعيد النيسابوری، ابو حامد الكردي.
- [۱۳۸۵] ابراهيم بن محمد بن نصر النيسابوری، ابو اسحق الكرابيسي.
- [۱۳۸۶] ابراهيم بن الحسين بن محمد، ابو اسحق المقرئ.
- [۱۳۸۷] ابراهيم بن محمد بن ابراهيم، ابو اسحق النيسابوری الفقيه و كان يُعْرَفُ بِالخِدَامِي من باب عَزْرَةَ سَكَّةِ خِدَامٍ و هو من اجلَّةِ الفقهاء لِأهل الرأى.
- [۱۳۸۸] ابراهيم بن احمد بن محمد النيسابوری، ابو اسحق السختياني.

- [١٣٨٩] ابراهيم بن اسحق بن ابراهيم الاديبي النيسابوري، ابواسحق المروزي.
- [١٣٩٠] ابراهيم بن محمد بن مرشد النيسابوري، ابواسحق المعدل النيسابوري.
- [١٣٩١] ابراهيم بن ابي مطيع، ابواسحق النيسابوري القطن.
- [١٣٩٢] ابراهيم بن محمد بن قميصه، ابواسحق النيسابوري.
- [١٣٩٣] ابراهيم بن محمد، ابواسحق النيسابوري المعروف بالابوردي.
- [١٣٩٤] ابراهيم بن احمد بن الحسن، ابواسحق النيسابوري المعروف بالبغدادى.
- [١٣٩٥] ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن شداد النيسابوري، ابواسحق الشدادى الحاكم.
- [١٣٩٦] ابراهيم بن على [بن] بالويه، ابواسحق البلخي.
- [١٣٩٧] ابراهيم بن محمد، ابواسحق الرئيس البسطامي سكن بنيسابور بباغ الرازيين و بها مدرسته و داره التي بناها لأهل [٣١٥] الحديث.
- [١٣٩٨] ابراهيم بن سيمجور، ابواسحق الامير بن الامير العادل بن العادل ولي بنيسابور سبع سنين فصارت ايتامه تاريخاً في العدل و تُوفّي ببخارا في سنة خمس و ثلثين و ثلثمائة.
- [١٣٩٩] ابراهيم بن عبدالله و لقب عبدالله عبدوس بن احمد بن حفص الحرشي، ابواسحق العدل النيسابوري من محلة الحيرة.
- [١٤٠٠] اسمعيل بن ابراهيم بن عمار الخزر جي الانصارى، ابو محمد النيسابوري.
- [١٤٠١] اسمعيل بن ابراهيم بن عبدالرحمن النيسابوري.
- [١٤٠٢] اسمعيل بن مطرف بن بحر بن سنان النيسابوري، ابو عبدالله الرمجارى.
- [١٤٠٣] اسحق بن ابراهيم بن عبدالملك النيسابوري، ابو يعقوب الزوزنى.
- [١٤٠٤] اسحق بن ابراهيم بن محمد بن يوسف الجرجاني، ابو يعقوب الهجرى محدث جرجان فى عصره.
- [١٤٠٥] اسحق بن عيسى بن يونس، ابو يعقوب المرحاني.
- [١٤٠٦] اسحق بن محمد بن عبدالله النيسابوري، ابو يعقوب الجنابدى.
- [١٤٠٧] اسمعيل بن محمد، ابو يعقوب الوراق النيسابوري و كان من الصالحين.
- [١٤٠٨] الياس بن محمد بن يوسف بن حفص، ابو يحيى الطوسى.
- [١٤٠٩] احمد بن على بن الحسين القاضى الترمذى.
- [١٤١٠] بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمه، ابوالنضر النيسابوري. قال الطاهر [بن]

محمد بن الفضل بن اسحق: «تُوْفِيَ عَمِّي ابوالنضر سنة ثلاث و عشرين و ثلثمائة
يروى عنه هذا البيت:

لِسَانُ الْفَتَى نِصْفٌ وَ نِصْفٌ فُوَادُهُ
فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا صُورَةُ اللَّحْمِ وَ الدَّمِ
كَأَيِّنْ تَرَى مِنْ سَاكِبٍ لَكَ مُعْجِبٍ
زِيَادَتُهُ أَوْ نَقْصُهُ فِي التَّكَلُّمِ

- [۱۴۱۱] بكر بن عبدالله بن محمد القاضي، ابو علي بن ابي بكر الحبال الرازي و قد روى وَ
خَدَّثَ بِالمناكير.
- [۱۴۱۲] بكر بن محمد بن عبدالله التجارى.
- [۱۴۱۳] بشر بن العباس بن الاشعث المروزى.
- [۱۴۱۴] جعفر بن محمد بن احمد بن بحر التميمى، ابو محمد النيسابورى.
- [۱۴۱۵] جعفر بن احمد بن عمرو، ابو محمد النيسابورى جعفر ك الغازى.
- [۱۴۱۶] الحسن بن محمد بن الحسن بن ابراهيم القاضى، ابو على الجنابدى ولى قضاء
نيسابور.
- [۱۴۱۷] الحسن بن محمد بن ابراهيم، ابو طاهر الجنابدى النيسابورى.
- [۱۴۱۸] الحسن [۳۱۵] بن الحسين بن منصور النيسابورى، ابو محمد النصر آبادى
السمسار و كان من العُبَّاد.
- [۱۴۱۹] الحسن بن محمد بن بكر النيسابورى، ابو على من خان يحيى بن معاذ.
- [۱۴۲۰] الحسن بن محمد بن جابر النيسابورى، ابو على الشعيرى المعروف بحسن
الوكيل.
- [۱۴۲۱] الحسن بن على بن الحسين بن جعفر النيسابورى، ابو على من محلة نمدآباد.
- [۱۴۲۲] الحسن بن محمد بن سنان النيسابورى، ابو على السواق القنطرى.
- [۱۴۲۳] الحسن بن محمد بن ياسين بن النضر الباهلى النيسابورى.
- [۱۴۲۴] الحسن بن محمد بن قيس بن صالح النيسابورى، ابو على البزَّاز.
- [۱۴۲۵] الحسين بن محمد بن احمد بن يونس بن جندل النيسابورى، ابو على القهستاني
نزل ابوه بنيسابور.
- [۱۴۲۶] الحسين بن محمد بن هارون، ابو على النيسابورى.
- [۱۴۲۷] الحسين بن محمد بن موسى بن محمود النيسابوى، ابو على السمسار و كان من

- اهل الصدق و المعروف بطلب الحديث والرحلة.
 [١٤٢٨] الحسين بن فوران النيسابورى.
 [١٤٢٩] الحسين بن محمد بن بشر النيسابورى، ابو على الانماطى.
 [١٤٣٠] الحسين بن نصر النيسابورى، ابو على البارى و بارقرية من قرى نيسابور.
 [١٤٣١] الحسين بن هارون، ابو على المراغى من الرحالة فى طلب الحديث و توفى بنيسابور سنة خمس عشرة و ثلثمائة.
 [١٤٣٢] الحسين بن اسمعيل بن يحيى النيسابورى، ابو على الصفار.
 [١٤٣٣] الحسين بن بحر بن عبدالله المعلم النيسابورى، ابو على المعروف بالصوفى.
 [١٤٣٤] الحسين بن محمد بن محمد بن بسام التميمى، ابو على الحاكم البلخى.
 [١٤٣٥] حميد بن محمد بن على الشيبانى، ابو عمرو النيسابورى يعرف بحميد الضبى.
 [١٤٣٦] حامد بن محمود بن معقل النيسابورى، ابو محمد القطان.
 [١٤٣٧] حامد بن محمود بن محمد النيسابورى، ابو العباس المشهور بابى العباس بن كلثوم الشاهد و مسكنه سكة سكش.
 [١٤٣٨] حامد بن احمد بن محمد بن حبيب، ابو احمد المروزى.
 [١٤٣٩] حامد بن ابى حامد الاسروشى حدث بنيسابور.
 [١٤٤٠] حوثر بن محمد النيسابورى، ابو محمد البرنودى.
 [١٤٤١] خلف بن حنظلة بن خاقان السرخسى، ابو محمد.
 [١٤٤٢] زكريا بن محمد بن بكار المعدل النيسابورى، [٣٢٨] ابو يحيى الميدانى من ميدان زياد.
 [١٤٤٣] زيد بن يحيى بن الحسين العامرى النيسابورى، ابو الحسين من محلة دروان كوس.
 [١٤٤٤] سليمان بن داود بن عبدالله النيسابورى، ابو ايوب و يعرف بابن داود النسوى و كان ابو نزل بنيسابور.
 [١٤٤٥] سهل بن عبدالله، ابو حاتم السجستانى.
 [١٤٤٦] سفيان بن محمد بن حاجب بن محمود النيسابورى، ابو الفضل الجوهري و كان من المشهور [بن] بطلب الحديث بخراسان و العراق و من اهل الثروة و الأفضال على اهل العلم رَحِمَهُ اللهُ.
 [١٤٤٧] سلمة بن النضر بن سواده بن عقيل القشيرى، ابو النضر النيسابورى من باب الديز.
 [١٤٤٨] صالح بن نوح بن منصور النيسابورى، ابو الفضل الفرهاد جردى.

- [۱۴۴۹] صدیق بن عبدالله الراوسانی النیسابوری.
- [۱۴۵۰] طاهر بن یحیی بن قبیصة النیسابوری، ابو الطیب الفلکی.
- [۱۴۵۱] عبدالله بن محمد بن عمر النیسابوری، ابو محمد القنطری.
- [۱۴۵۲] عبدالله بن محمد بن ابرهیم النیسابوری، ابو محمد الزوزنی.
- [۱۴۵۳] عبدالله بن محمد بن صبیح بن عبدالله بن عبدالعزیز و هو ابوبکر بن سالم بن عبدالله [بن] عمر بن الخطاب العدوی، ابو محمد الجوهری و منزله فی سکة حمدان قال الحاكم رَحِمَهُ اللهُ: «و منزل ابی ایضا سکة حمدان و مسجده و مسجد ابی الذی کان علیه العئذنة قديما. و قال ابی: تُوفِّيَ عبدالله اخي من الرضاة سنة خمس عشر و ثلثمائة.»
- [۱۴۵۴] عبدالله بن الفضل بن محمد بن عقيل بن خُوَيْلِد الخزاعي، ابوبکر النیسابوری.
- [۱۴۵۵] عبدالله بن الحسين بن محمد النیسابوری، ابوبکر المؤدب.
- [۱۴۵۶] عبدالله بن محمد بن داود القَشْتَرِي النیسابوری، ابو محمد الدهان.
- [۱۴۵۷] عبدالله بن محمد بن زياد بن فاضل الفقيه النیسابوری، ابوبکر الشافعی سکن بغداد و كان امام الشافعيين في عصره.
- [۱۴۵۸] عبدالله بن محمد بن مسلم النیسابوری، ابوبکر.
- [۱۴۵۹] عبدالله بن محمد بن هاشم بن طَرِمَاتح الطوسي، ابو محمد و كان من اعيان المحدثين في عصره.
- [۱۴۶۰] [عبدالله بن] محمد بن علی بن طرخان الباهلی، ابوبکر البلخي مُحَدَّثٌ بلغ في عصره.
- [۱۴۶۱] عبدالله بن محمد بن منازل النیسابوری، ابو محمد الصوفي المجرّد علی الصحة و الحقیقة لاعلی [۲۲b] مَجْرِي العادة. و تُوفِّيَ رضی الله عنه ليلة الخميس الخامس من ربيع الاول سنة احدى و ثلاثين و ثلثمائة و دفن فی مقبرة شاهنبر. و له حالاتٌ عجيبة. قال ابو عبدالله الملقابادی: «عادلت عبدالله بن منازل فی طریق الحج و معنا ابو علی الثقفی و کُنّا نجتمع و نذكر فضل الجنيد بن محمد فیزیدنا شوقاً إلى لقائه. و عبدالله بن منازل ساکت. فلما دَخَلْنَا بغداد فُقِّمْتُ أنا و ابو علی الثقفی و قلنا لعبدالله: «قم بنا نزور ابا القاسم» فقال: «اذهب انتما» فقلنا: «لا تجئ؟» فقال: «لا» فتعجبنا و ذهبنا اليه فزادت مشاهدته علی ما كان عندنا من اخباره. فقال لنا: «هل صحبتكما غيركما؟» قلنا: «بلى رجل من اصحابنا

يُعرفُ بعبدالله بن منازل» قال: «كيف لم يحضرنا؟» قلنا: «لعله». فقال: «اذ انصرفتما الى [...] فاسئلاه ان يصحبكما» قلنا: «نعم» انصرفنا اليه و قصصنا عليه ما سمعنا. وَ وَصَفْنَا فَلَمْ يَتَكَلَّمْ بِشَيْءٍ. الى ان اصبحتنا اليوم الثاني و عرضنا عليه زيارة ابي القاسم. فامتنع قلنا: «اذا امتنعت فأخبرنا الذي منعتك عن زيارة هذا الشيخ» فقال: «لا بد أن أخبركم؟» قلنا: «لا [بد]» قال: «ان كان أمر ابي القاسم على ما وصفتُموه فما مثل ما تسمعه منه الا مثل الطعام الطيب يتناوله الرجل ثم يخرج فضلة على ما ترون و كذلك علم المعرفة. انما يلقي الحق الى من شاء من خلقه له طيبه ثم لا يخرج بلسانه و لا ينطقه الحق الا بازداه فلان اكون منحوس الحظ بالكلية من ابي القاسم احب الى من ان اكون مغبوناً اخذ منه اذى ما لقي اليه طيبه عنده» فاعجبنا كلامه و قمنا من عنده، حتى دخلنا [الى] ابي القاسم و رحب بنا و سألنا عنه. فقصصنا عليه القصة. فبكى ابو القاسم. حتى كاد ان يغشى عليه و سكنت ذلك اليوم و لم ينطق الى ان قفنا من عنده.

- [١٤٦٢] عبدالله بن دلشاد النيسابورى، ابو محمد البرديغرى.
- [١٤٦٣] عبدالله بن محمد بن احمد بن نصر النيسابورى، ابو محمد العابد.
- [١٤٦٤] عبدالله بن محمد بن ابراهيم البخارى، ابو محمد الداغونى.
- [١٤٦٥] عبدالله بن حمشاد بن جندل بن عمران بن حماد، ابو عبد الرحمن المطوعى من سكة نوند.
- [١٤٦٦] عبدالله بن حميد بن معقل القنطرى. [٣٣٨]
- [١٤٦٧] عبدالله بن سعيد النسوى.
- [١٤٦٨] عبدالله بن احمد النيسابورى، ابو محمد الوبرى.
- [١٤٦٩] عبدالله بن عبد الرحمن بن الحسين القاضى بن القاضى، ابو القاسم الحاكم.
- [١٤٧٠] عبدالله بن سلمة المؤدب، ابو محمد النيسابورى.
- [١٤٧١] عبدالله بن سعيد [بن] مخلد الطوسى، نزيل نيسابور.
- [١٤٧٢] عبدالله بن محمد بن سلمة النيسابورى، ابو محمد البزاز الحافظ.
- [١٤٧٣] عبدالله بن محمد بن يعقوب البخارى، ابو محمد الفقيه الكلابادى المعروف بعبدالله الاستاد.
- [١٤٧٤] عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين الماسرجسى، ابو محمد النيسابورى.
- [١٤٧٥] عبدالله بن يعقوب بن اسحق الكرمانى [حدث عن يحيى بن بحر] وغيره.

- [۱۴۷۶] عبدالله بن محمد بن الحسين بن الشرقى، ابو محمد النيسابورى اخو ابى حماد و كان أَسْنُ مِنْهُ وَأَشْنَدُ مِنْهُ.
- [۱۴۷۷] عبدالله بن فارس بن محمد بن على البلخى، ابو ظهير العمرى.
- [۱۴۷۸] عبدالله بن ابى صالح المذکر، ابو عبدالرحمن الزاهد المتکلم و كان من المجتهدين فى العبادة و لكن أنه رأى رأى القدر.
- [۱۴۷۹] عبيدالله [بن] ابراهيم بن بالويه النيسابورى، ابو القاسم. مزكى عصره و من أعيان المشايخ و مسجده المعروف فى سكة معقل.
- [۱۴۸۰] عبيدالله بن محمد النيسابورى المعروف بعبيد الوراق.
- [۱۴۸۱] عبيدالله بن يعقوب بن يوسف الرازى، ابو القاسم الواعظ و توفى بنيسابور و دفن فى مقبرة باب معمر.
- [۱۴۸۲] عبدالرحمن بن محمد بن الحسين بن على بن رجب النيسابورى، ابو القاسم المذکر الواعظ الأديب الأوحد فى عصره فى صنعته بلامدافعة و له كرامات مشهورة رضى الله عنه.
- [۱۴۸۳] عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن السرخسى المذکر، ابو بكر. سكن بنيسابور إلى أن توفى بها. *تاريخ نيسابور*
- [۱۴۸۴] عبدالرحمن بن محمد بن سليمان النيسابورى، ابو محمد من قرية بغو خك.
- [۱۴۸۵] عبدالرحمن بن محمد بن علويه الأبهري، ابو بكر القاضى و لى قضاء طوس و ابورد.
- [۱۴۸۶] عبدالواحد بن سعيد النيسابورى، ابو احمد الارغيانى.
- [۱۴۸۷] عبدالعزيز بن الحسن، ابو بكر البرذعى العابد.
- [۱۴۸۸] عبدالعزيز بن محمد الخشاب، ابو عمر النيسابورى و كان من الزهاد يسكن سكة سکش.
- [۱۴۸۹] عبد [۳۳۵] الملك بن محمد بن عدى الجرجانى، ابو نعيم الفقيه الاسترآبادى.
- [۱۴۹۰] عبدالواحد بن محمد بن احمد بن بالويه النيسابورى، ابو الحسن البالى الحيرى.
- [۱۴۹۱] عبدالواحد بن محمد النيسابورى.
- [۱۴۹۲] عبدالواحد بن محمد بن هانى، ابو حاتم شيخ آل هانى و اشتغل بالفتوة فصار أُوْحَدَ أَهْلِ بَلَدِنَا فِيهَا.
- [۱۴۹۳] عمر بن [احمد بن] على بن عبدالرحمن الجوهرى، ابو حفص المروزى المعروف بابن علك.

- [۱۴۹۴] عقیل بن اسحق ابوحاتم النیسابوری المعروف بعقیل القنارزی.
- [۱۴۹۵] علی الورّاق و هو ابن محمد بن احمد بن علی بن عبد الله بن نور النیسابوری، ابو محمد من سكة عاصم.
- [۱۴۹۶] علی بن ابی علی النیسابوری، ابو الحسن الزیقی.
- [۱۴۹۷] علی بن نصر بن عمار الخزرچی، ابو الحسن المعروف بابن الحسنک.
- [۱۴۹۸] علی بن ابراهیم بن معاویة النیسابوری، ابو الحسن المعدل و كان من الصالحین.
- [۱۴۹۹] علی بن محمد بن محمود النیسابوری، ابو الحسن الضریر.
- [۱۵۰۰] علی بن محمد بن احمد النیسابوری، ابو الحسن القاضی من رأس حوض ابی العنبر.
- [۱۵۰۱] علی بن الفضل بن طاهر البجلی، ابو الحسن الحافظ.
- [۱۵۰۲] علی بن الحسین بن محمد بن حمدویه السنجانی المروزی.
- [۱۵۰۳] علی بن قاسم بن علی النیسابوری، ابو الحسن الخوافی الأدیب الشاعر.
- [۱۵۰۴] علی بن العباس بن سهل النیسابوری، ابو الحسن المذکر.
- [۱۵۰۵] علی بن الحسین الأنماطی، ابو الحسن النیسابوری.
- [۱۵۰۶] علی بن محمد بن الطلحی الکوفی، ابو الحسن نزیل نیشاپور.
- [۱۵۰۷] علی بن محمد بن اسحق المروزی.
- [۱۵۰۸] علی بن سهل بن مصلح النیسابوری، ابو الحسن.
- [۱۵۰۹] عبدوس بن الحسین بن منصور، ابو الفضل النصرآبادی.
- [۱۵۱۰] عمرو بن عبد الله بن درهم النیسابوری المطوّعی الزاهد، ابو عمرو المعروف بالبصری.
- [۱۵۱۱] عمرو بن احمد بن محمد بن حمدان النسوی، ابو القاسم نزیل نیشاپور.
- [۱۵۱۲] العباس بن الفضل بن الحسن النیسابوری، ابو الفضل المحمدآبادی.
- [۱۵۱۳] العباس بن منصور بن العباس بن شداد بن داود النیسابوری، ابو الفضل الفرندآبادی و هی قرية بباب البلد.
- [۱۵۱۴] العباس بن محمد [بن] قوهیار النیسابوری، ابو الفضل.
- [۱۵۱۵] العباس بن مرزبان المؤدّب، ابو الفضل الاصبهانی نزیل نیشاپور.
- [۱۵۱۶] العباس بن ابراهیم بن العباس النیسابوری، ابو الفضل هذا شیخ من اسفراين من قرية کوران.

- [۱۵۱۷] عمران بن موسیٰ بن [۳۴a] حصین السجزی نزیل بنیساہور.
- [۱۵۱۸] عباس بن حمویہ بن احمد بن نصر بن زیاد القاضی، ابو الفضل المستملی.
- [۱۵۱۹] فضل بن محمد بن عقیل بن خُوَیْلِد النیساہوری، ابو العباس و یُلَقَّبُ بفضلان الخزاعی و خطتہم برأس سكة حرب مشہورہ.
- [۱۵۲۰] الفضل بن محمد بن احمد بن مطرف النیساہوری، ابو العباس الکراہیسی.
- [۱۵۲۱] الفضل بن خاتم بن ہاشم بن سنان النیساہوری، ابو العباس.
- [۱۵۲۲] الفضل بن محمد بن اسحق بن خزیمہ، ابو العباس السُّلمی و هو اکبرُ ولد الامام ابی بکر.
- [۱۵۲۳] القاسم بن عمر بن سلیمان، ابو محمد النیساہوری اخو ابی العباس الکوکبی.
- [۱۵۲۴] القاسم بن محمد بن الحسن بن زیاد بن اسلم النیساہوری، ابو محمد الاسلمی من باب معمر من سكة ابی ذر.
- [۱۵۲۵] لیث بن محمد بن لیث بن عبدالرحمن المروزی، ابو نصر الکاتب.
- [۱۵۲۶] محمد بن علی بن ابی طالب بن زیاد، ابو جعفر القزوینی.
- [۱۵۲۷] [محمد بن] احمد بن [محمد بن] الحسن النیساہوری، ابو احمد بن ابی العباس الماسرجسی.
- [۱۵۲۸] محمد بن عبدالوہاب الثقفی، ابو علی الامام المُقتدی بہ فی التَّفَقُّہِ و الکلام و الوعظ و الورع و العقل و الدین. قال الحاکم: سألت ابا محمد عبد اللہ بن محمد الثقفی عن نسبة جده فقال: سمعت جدی ابا علی ینتسب فقال: انا محمد بن عبدالوہاب بن عبدالرحمن بن عبدالوہاب بن عبدالاحد بن اُبی بن کعب و هو محمد بن الحجاج بن یوسف بن الحکم و ینتسب الی مضر و قال کان ابی عبدالوہاب امیر قہستان فی عہد عبد اللہ [بن] طاهر فولدت بقہستان سنۃ اربع و اربعین و ماتین و قال ابو محمد: تُوفیٰ جدی ابو علی رحمہ اللہ لیلۃ الجمعة و دفن یوم الجمعة الثالث و العشرین من جمادی الاولی سنۃ ثمان و عشرين و ثلثمائہ و دفن فی مقبرۃ فز، و هو ابن تسع و ثمانین سنۃ رضی اللہ عنہ و ارضاه و حلالاتہ مشہورہ.
- [۱۵۲۹] محمد بن جعفر بن رزمہ النیساہوری، ابو عبد اللہ المازنی.
- [۱۵۳۰] محمد بن محمد بن سعید النیساہوری، ابو العباس البحری.
- [۱۵۳۱] محمد بن زکریا النیساہوری، ابو بکر الکاغذی من مُصنِّفی الحدیث.

- [١٥٣٢] محمد بن [الحسين بن] الحسن بن الخليل، ابوبكر القطان أشدُّ اهل نيسابور في مشايخ النيسابوريين في عصره.
- [١٥٣٣] محمد بن حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابوري، ابوبكر بن ابي حاتم النيلي من اعيان المحدثين و تُوْفِيَ [٣٤٦] رَحِمَهُ اللهُ [في] ربيع الاخر سنة عشرين و ثلثمائة و دُفِنَ في مقبرة الحيرة.
- [١٥٣٤] محمد بن عمرو بن هشام بن الزبير النيسابوري، ابواحمد البزاز مسجده و داره في ميدان زياد.
- [١٥٣٥] محمد بن سعيد بن اسمعيل النيسابوري الفقيه، ابوبكر بن ابي عثمان الزاهد.
- [١٥٣٦] محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطاء بن العنبري، ابو عبدالله النيسابوري و كان من اعيان وجوه نيسابور.
- [١٥٣٧] محمد بن عبدالرحمن الاصبهاني، ابوجعفر الارزناني من الحفاظ الاثبات.
- [١٥٣٨] محمد بن محمد بن يوسف قاضي القضاة بخراسان، ابوذر البخاري.
- [١٥٣٩] محمد بن خالد بن احمد الذهلي الامير.
- [١٥٤٠] محمد بن علي بن زياد النيسابوري، ابو الفضل السمدي.
- [١٥٤١] محمد بن حمويه بن عباد النيسابوري، ابوبكر الطهماني.
- [١٥٤٢] محمد بن الرومي، ابو عبدالله الرمجاري.
- [١٥٤٣] محمد بن ابراهيم بن عبدويه بن سدوس بن علي بن عبدالله الهذلي، ابو عبدالله العدوي النيسابوري المعروف بكثرة السماع و الرحلة و التصنيف.
- [١٥٤٤] محمد بن حمدويه بن سهل الغازي، ابونصر المطوعي المروزي.
- [١٥٤٥] محمد بن الحسن بن اسحق النيسابور [ي]، ابوجعفر الصوفي و يقال له الاصبهاني لأن اباه من اصبهان.
- [١٥٤٦] محمد بن احمد بن ابراهيم الوراق، ابوبكر الخياط الهروي.
- [١٥٤٧] محمد بن شريك بن محمد، ابوبكر الاسفرايني.
- [١٥٤٨] محمد بن سعد بن حمدويه النسوي، ابو عبدالله.
- [١٥٤٩] محمد بن عمران بن موسى النسوي، ابوجعفر الشر مغولي، قرية بنسا.
- [١٥٥٠] محمد بن عبدوس بن العلا النيسابوري، ابوبكر الأهباري.
- [١٥٥١] محمد بن احمد بن قريش بن يحيى النيسابوري، ابوبكر الكاتب و يُعْرَفُ بالأبرص و مسكنه محلة باب الديز و هو من اهل الصدق.

- [۱۵۵۲] محمد بن شعیب بن ابرہیم بن شعیب النیسابوری الفقیہ ابوالحسن العجلی البیہقی.
- [۱۵۵۳] محمد بن ہرون بن منصور النیسابوری، ابوسعید المسکی وکان من الاعیان فی الحدیث و العقل و الثروة و السخا.
- [۱۵۵۴] محمد بن علی بن الحسن البلخی ابو عبد اللہ الجبّاحانی.
- [۱۵۵۵] محمد بن احمد بن ابراہیم، ابوبکر النیسابوری الصوفی.
- [۱۵۵۶] محمد بن جعفر بن سلیمان النیسابوری، ابوبکر الصیرفی.
- [۱۵۵۷] محمد بن ہمام بن معویة النیسابوری، ابو عبد اللہ المہلبی.
- [۱۵۵۸] محمد بن الحسن بن اسحق المقرئ النیسابوری، [۲۵۵] ابو عبد اللہ.
- [۱۵۵۹] محمد بن محمد بن صدیق النیسابوری، ابو حامد.
- [۱۵۶۰] محمد بن یحییٰ، ابوبکر النیسابوری.
- [۱۵۶۱] محمد بن الحسن بن عمرو بن عمرو النیسابوری، ابو عمرو الرمجاری.
- [۱۵۶۲] محمد بن ابرہیم بن عبد اللہ النیسابوری، ابوبکر الخارزنجی.
- [۱۵۶۳] محمد بن الفضل بن عبد اللہ النیسابوری، ابو الفضل.
- [۱۵۶۴] محمد بن اسمعیل بن عیسیٰ الجرجانی، ابو عبد اللہ المستملی.
- [۱۵۶۵] محمد بن یعقوب بن اسحق الجوہری، ابوبکر النیسابوری.
- [۱۵۶۶] محمد بن عمرو بن سلمة بن ہشام النیسابوری، ابوبکر البزاز.
- [۱۵۶۷] محمد بن ابرہیم بن شادان بن عقیل النیسابوری المذکر، ابوبکر الاکارعی الشعرانی.
- [۱۵۶۸] محمد بن احمد بن الحسن بن زیاد التمیمی، ابو الفضل النیسابوری الزورابدی و خطتہم باب معاذ سکہ الرشنة.
- [۱۵۶۹] محمد بن احمد بن فوران النیسابوری، ابوبکر الدہان.
- [۱۵۷۰] محمد بن ابراہیم بن فوران النیسابوری، ابو عبد اللہ.
- [۱۵۷۱] محمد بن اسحق بن محمد، ابو تراب الموصلی.
- [۱۵۷۲] محمد بن اسحق بن عبد اللہ النیسابوری، ابو احمد الشاد یاخی.
- [۱۵۷۳] محمد بن احمد بن زہیر بن طہمان القیسی، ابوالحسن الطوسی محدث کثیر الحدیث و التصنیف.
- [۱۵۷۴] محمد بن الحسن بن حمید بن معقل النیسابوری، ابوبکر الصرام.

- [١٥٧٥] محمد بن علي بن حمويه النيسابوري، ابو العباس العطار.
- [١٥٧٦] محمد بن حسويه بن علي النيسابوري الشيخ الصالح، ابوبكر.
- [١٥٧٧] محمد بن منصور بن عبدالله الزاهد النيسابوري، ابو عبدالله و كان مجاب الدعوة رحمه الله.
- [١٥٧٨] محمد بن حمدان بن سهل بن موسى النيسابوري، ابوبكر الصايغ.
- [١٥٧٩] محمد بن عبدوس النيسابوري، ابو عبدالله السيسرايادي.
- [١٥٨٠] محمد بن علي بن الحسن النيسابوري، ابو جعفر السخري.
- [١٥٨١] محمد بن احمد بن عبد الوهاب النيسابوري، ابو عبدالله التاجر.
- [١٥٨٢] محمد بن هارون بن مطرف بن اسحق النيسابوري، ابو جعفر و يعرف بابي جعفر المطرفي.
- [١٥٨٣] محمد بن حسويه بن اسمعيل النيسابوري، ابوبكر الفامي.
- [١٥٨٤] محمد بن احمد بن الفضل النيسابوري، ابو احمد الشخاني.
- [١٥٨٥] محمد بن احمد بن اسمعيل الخثمي و كان قاضي الري.
- [١٥٨٦] محمد بن احمد بن عمرو بن النيسابوري، ابو عبدالله البيلى الشاهد.
- [١٥٨٧] محمد بن سلوان الكرابيسي، ابوبكر النيسابوري.
- [١٥٨٨] محمد بن سهل بن عبدالله النيسابوري، ابو عبدالله المؤدب. [٣٥٥]
- [١٥٨٩] محمد بن احمد بن الحسن النيسابوري، ابوبكر الكاتب.
- [١٥٩٠] محمد بن احمد بن اسد بن مشكان النيسابوري، ابو عبدالله المروزي.
- [١٥٩١] محمد بن موسى بن معاوية النيسابوري.
- [١٥٩٢] محمد بن ابراهيم بن اسمعيل الطوسي نزيل نيسابور.
- [١٥٩٣] محمد بن موسى بن محمد بن زهير النيسابوري، ابو حاتم السخثاني.
- [١٥٩٤] محمد بن عقيل بن فضالة النيسابوري، ابوبكر.
- [١٥٩٥] محمد بن علي بن الحسن، ابو عبدالله البخاري.
- [١٥٩٦] محمد بن الحسين بن الهيثم، ابوبكر الخزاعي البصري.
- [١٥٩٧] محمد بن عبدالله بن مقل بن بشر بن حسان بن حسان الهروي المزني.
- [١٥٩٨] محمد بن جعفر، ابو عبدالله القصاب النيسابوري.
- [١٥٩٩] محمد بن جعفر بن محمد بن نصر بن النيسابوري.
- [١٦٠٠] محمد بن الحسين بن حمويه، ابوبكر العابد النيسابوري.

- [۱۶۰۱] محمد بن عبدالله، ابو الفضل السختیانی النیسابوری.
- [۱۶۰۲] محمد بن الحسین، ابو عبدالله الباغکی النیسابوری من محله باغک.
- [۱۶۰۳] محمد بن الحسن بن ابیب بن سعد [بن] یحیی بن منصور، ابو الفضل الشہید الحافظ الهروی.
- [۱۶۰۴] محمد بن احمد بن حمویہ، ابو عبدالله المروزی.
- [۱۶۰۵] محمد بن احمد بن ہارون بن حنان النیسابوری، ابو عبدالله القرشی.
- [۱۶۰۶] محمد بن ابی سهل الرباطی المروزی.
- [۱۶۰۷] محمد بن الحسین بن معاذ النیسابوری، ابو الحسین المازلی.
- [۱۶۰۸] محمد بن یعقوب بن داود الفارسی، ابو عبدالله النویندجانی.
- [۱۶۰۹] محمد بن احمد بن ہلال، ابو نصر السمرقندی.
- [۱۶۱۰] محمد بن یعقوب، ابو جعفر الواعظ الطبری.
- [۱۶۱۱] محمد بن عبدالرحیم الشاشی.
- [۱۶۱۲] محمد بن حمویہ النیسابوری، ابو عبدالله الخرکتی.
- [۱۶۱۳] محمد بن محمد بن ابراہیم النیسابوری، ابو بکر النسوی.
- [۱۶۱۴] محمد بن المطعون، ابو بکر بن محتاج، الامیر صاحب جیوش خراسان.
- [۱۶۱۵] محمد بن عبدالرحمن بن محمد الفقیہ، ابو العباس الدغولی امام عصرہ بخراسان. اقام بنیساہور مستفیذاً علی محمد بن یحیی الذہلی و عبدالرحمن [بن] بشر و آقرانہما سنین. و بعد محمد بن اسحق و ابو العباس السراج ما کان احدًا مثلہ.
- [۱۶۱۶] محمد بن احمد بن یوسف السلمی، ابو بکر النیسابوری.
- [۱۶۱۷] محمد بن الفضل بن محمد بن المسیب الشعرانی النیسابوری، ابو بکر البیہقی.
- [۱۶۱۸] محمد بن نصر بن عمار الانصاری، ابو بکر النیسابوری.
- [۱۶۱۹] محمد بن اسحق بن ابراہیم بن عمار الخزرچی الانصاری، ابو الحسن [۳۶a] النیسابوری. روى عَنْ فُضَيْلِ بْنِ عِيَّاضٍ:
- وَكُنَّا نَسْتَطِبُّ إِذَا مَرَّضْنَا
فَصَارَ هَلَاكُنَا بِيَدِ الطَّيِّبِ
فَكَيْفَ نَجِيزُ غُصَّتَنَا بِشَيْءٍ
وَنَسْحَنُ نَفْسَ بِالْمَاءِ الشَّرِيبِ
- [۱۶۲۰] محمد بن احمد بن یحیی بن سعید النیسابوری، ابو بکر الجلودی.

- [١٦٢١] محمد بن احمد بن علي الرئيس، ابو الحسن بن ابي عبدالرحمن النيسابوري المعروف كان ابوه [يعرف] بابي عبدالرحمن البُغَانِي خذِي و كان ابو الحسن رئيس نيسابور، فضايله كثيرة رحمه الله.
- [١٦٢٢] محمد بن عبيدالله بن محمد بن رجا بن معبد بن علوان الوزير ابو الفضل البلعمي رضى الله عنه واجد عصره فى الرأى و العقل واجلال العلم و اهله.
- [١٦٢٣] محمد بن محمد بن الفضل، ابو الحسن الشعرانى الطوسى سكن بنيسابور.
- [١٦٢٤] محمد بن محمد، ابو على القباب الهروى.
- [١٦٢٥] محمد بن على، ابوبكر النيسابورى ابن اخت مُسَلِم بن الحجاج.
- [١٦٢٦] محمد بن احمد بن محمد بن نصر بن زياد النيسابورى، ابو احمد الملقب [] و كان [من] وجوه البلد.
- [١٦٢٧] محمد بن يونس بن ابراهيم بن النضر بن عبدالله النيسابورى، ابو عبدالله المقرئ الشعرانى.
- [١٦٢٨] محمد بن عثمان، ابو الطيب القطان النيسابورى و اكثر المقام ببغداد.
- [١٦٢٩] محمد بن محمد بن عثمان، ابو السهل القطان ابن ابي الطيب.
- [١٦٣٠] محمد بن عمر بن جميل، ابو الاحرز الطوسى الأصم.
- [١٦٣١] محمد بن احمد بن دلويه النيسابورى، ابو الحسن الصيدلانى.
- [١٦٣٢] محمد بن الحسين بن علا، ابو العباس الزبيرى النيسابورى من المدينة الداخلة.
- [١٦٣٣] محمد بن احمد بن على النيسابورى الأديب، ابوبكر العجلي.
- [١٦٣٤] محمد بن على بن محمد بن ادريس النيسابورى، ابو عمرو المزكى.
- [١٦٣٥] محمد بن قريش، ابو احمد المرورودى شيخ بلده.
- [١٦٣٦] محمد بن الحسين بن يزيد بن عبدالرحمن، ابو احمد الورائى المعروف بالحافظ و كان اهل طوس يسمونه النيسابورى و اهل نيسابور الطوسى و كان من نيسابور من محلة الحيرة.
- [١٦٣٧] محمد بن احمد بن محمد بن معقل ابو على الميدانى من ميدان زياد.
- [١٦٣٨] محمد بن عمر بن حفص بن محمد العابد، ابوبكر و كان من المجتهدين لا يشتغل الا بالصلاة و القراءة و لما تُوفِّي رَغِبَتْ الخلائقُ فى الصلاة عليه اكثر من الأعياد.
- [١٦٣٩] محمد بن الطيب، ابو النضر الكشى الزاهد.
- [١٦٤٠] محمد بن على بن الحسن بن مهران بن عفان النيسابورى الحافظ، ابوبكر النجار.

- [۱۶۴۱] موسی بن العباس [۳۶b] بن محمد النیسابوری، ابو عمران الجونینی من آزادوار و هو صنّف علی کتاب مسلم [بن] الحجّاج.
- [۱۶۴۲] مکی بن عبدان بن محمد بن بکر بن مسلم بن راشد النیسابوری، ابو حاتم التمیمی.
- [۱۶۴۳] مسعود بن علی بن الحسن البردعی، ابو القاسم الجوّال فی طلب الحدیث بمصر و الحجاز.
- [۱۶۴۴] معتز بن احمد بن یحیی الزمی من زم جیحون، ابو احمد الحاجی.
- [۱۶۴۵] محمود بن احمد بن عطا القهستانی نزیل بنیسا بور.
- [۱۶۴۶] یحیی بن محمود بن عبدالله بن اسد النیسابوری، ابو زکریا البرنودی.
- [۱۶۴۷] یحیی بن محمد بن یحیی بن عبدالرحمن النیسابوری، ابو زکریا التمیمی المعادی.
- [۱۶۴۸] یعقوب بن محمد بن ماهان النیسابوری، ابو یوسف الصیدلانی.
- [۱۶۴۹] یعقوب بن اسحق بن الجعد النیسابوری، ابو یوسف الجعدی شیخ من المشهورین.
- [۱۶۵۰] یعقوب بن یوسف بن عاصم، ابو الفضل العاصمی البخاری شیخ اهل بلده فی عصره.
- [۱۶۵۱] یعقوب بن محمود المقرئ، ابو یوسف النیسابوری من كبار القراء.
- [۱۶۵۲] یعقوب بن یوسف بن الحسن، ابو العباس الشرمقانی.
- [۱۶۵۳] یوسف بن یعقوب بن یوسف ابو یعقوب المکاتب برّبع بشفروش.
- [۱۶۵۴] یوسف بن جمیع النیسابوری.

[مشایخ حدیث مؤلف از اهل نیشابور]

- [۱۶۵۵] قال الحاكم رضى الله عنه هذه اسامى المشايخ الذين مارزقت السماع منهم من هذه الطبقة فنشرع الان فى اسامى الذين ادرکتهم و رزقت السماع منهم بنیسا بور من هذه الطبقة ايضاً على الترتيب المذكور.
- [۱۶۵۶] احمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد بن عبدالرحمن بن نوح النيسابورى الفقيه، ابوبكر، الامام المفتى المتكلم الغازى الرئيس الزكى واحد عصره، رضى الله عنه و توفى [فى] شعبان سنة اثنى و اربعين و ثلثمائة و هو ابن اربع و ثمانين و أشهر و مناقبه كثيرة من الفقه و الاصول و الحدیث [و] الفروسية. مقدم فى عصره فى جمعها بلا مدافعة.

- [١٦٥٧] احمد بن اسحق بن ابراهيم المعدل الصيدلاني، ابوبكر النيسابوري.
- [١٦٥٨] احمد بن ابراهيم بن اسمعيل الامام الاسماعيلي النيسابوري واحد عصره و شيخ الفقهاء و المُحدِّثين و مات [٣٧٨] بجرجان.
- [١٦٥٩] احمد بن اسحق بن سليمان بن عبدويه، ابونصر العبدوي النيسابوري رئيس نيسابور. †
- [١٦٦٠] احمد بن ابراهيم بن مالك بن سعيد الرازي، ابوسعيد الصوفي نزيل خاتناه الشيخ ابى بكر بن اسحق.
- [١٦٦١] احمد بن ابراهيم بن محمد بن عبدالله بن الحسين الفارسي، ابو حامد العقري نزيل بنيسابور.
- [١٦٦٢] احمد بن اسمعيل بن يحيى بن حازم الازدي ابو الفضل الاسماعيلي من وجوه نيسابور و اولاد العرب.
- [١٦٦٣] احمد بن ابراهيم بن احمد بن عبدالله الرقي النيسابوري. وَرَدَّ جَدُّهُ مِنَ الرَّقَّةِ. جَاءَ أَيَّامَ الطَّاهِرِيَّةِ.
- [١٦٦٤] احمد بن ابراهيم بن عبدويه بن سدوس الهذلي، ابو الحسن العبدوي النيسابوري الزاهد اخو ابى عبدالله العبدوي.
- [١٦٦٥] احمد بن ابراهيم بن عبدالله الفقيه، ابوسعيد الاصبهاني و كان مولده بنيسابور.
- [١٦٦٦] احمد بن ابراهيم بن محمد بن يحيى، ابو حامد المزكي النيسابوري.
- [١٦٦٧] احمد بن اسحق بن ابراهيم بن يزيد العدل، ابو الحسن النيسابوري والد ابى عمرو الصغير.
- [١٦٦٨] احمد بن بالويه، ابو حامد العفصي النيسابوري.
- [١٦٦٩] احمد بن بندار، ابو زرعة الاسترابادي اقام بنيسابور مدة.
- [١٦٧٠] احمد بن بسام، ابو الحسين البغدادي.
- [١٦٧١] احمد بن جعفر بن سليمان، ابو حامد البزاز النيسابوري من دار ايجرد.
- [١٦٧٢] احمد بن الحسن بن مندة، ابو عمرو الاصبهاني نزيل نيسابور.
- [١٦٧٣] احمد بن حسويه [بن] على اللباد، ابو الحسن النيسابوري التاجر.
- [١٦٧٤] احمد بن الحسن بن الحسين بن منصور، ابو الحسن النصر آبادي النيسابوري.
- [١٦٧٥] احمد بن الحسين بن بندار بن ابان الاصبهاني القاضي، ابوبكر الطوسي و تُوفِّيَ بنيسابور.

- [۱۶۷۶] احمد بن الحسين بن محمد بن علی البلخی، ابو احمد الفقیه الشافعی.
- [۱۶۷۷] احمد بن الحسين بن احمد بن عبید بن الحسين الضبی، ابو نصر المروزی.
- [۱۶۷۸] احمد بن الحسين بن مهران الزاهد، ابو بکر المقرئ النیسابوری امام عصره فی القرات و اَعْبُدُ مَنْ رَأَيْنَا مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ كَانَ مُجَابَ الدَّعْوَةِ.
- [۱۶۷۹] احمد بن الحسن بن احمد بن حفص بن مسلم بن یزید بن علی الحرشی النیسابوری، ابو بکر القاضی.
- [۱۶۸۰] احمد بن الحسين بن احمد، ابو نصر الفقیه النیسابوری و هو ابن ابی علی الفامی.
- [۱۶۸۱] احمد بن الحسين بن محمد [بن] حمویہ النیسابوری و الحسين یلقب [۳۷b] بحسکویہ، ابو نصر الوراق.
- [۱۶۸۲] احمد بن الحسين بن علی قاضی القضاة بخراسان، ابو حامد المروزی و كان ابوه همدانیا.
- [۱۶۸۳] احمد بن الحسين الحافظ، ابو الفضل الأديب الشاعر.
- [۱۶۸۴] احمد بن الحسين، ابو بکر السروی المقرئ.
- [۱۶۸۵] احمد بن الحسين التاجر، ابو العباس الرازی من اعیان کتابة الحديث.
- [۱۶۸۶] احمد بن الخضر بن احمد بن محمد بن عبدالله [بن] نهيك الشافعی، ابو الحسن الفقیه النیسابوری.
- [۱۶۸۷] احمد بن داود بن عیسی الهاشمی، ابو العباس الطبری.
- [۱۶۸۸] احمد بن رافع بن الحسين، ابو یوسف المروزی.
- [۱۶۸۹] احمد بن زید بن محمد الطوسی، ابو نصر التاجر.
- [۱۶۹۰] احمد بن سلیمان بن اسمعیل، ابو الحسن.
- [۱۶۹۱] احمد بن محمد بن سعید، ابو سعید الحیری النیسابوری و كان من الصالحين.
- [۱۶۹۲] احمد بن سعید بن اسماعیل، ابو الحسن بن ابی عثمان الزاهد النیسابوری.
- [۱۶۹۳] احمد بن سعید بن نصر بن بکار الزاهد، ابو بکر الواعظ البخاری.
- [۱۶۹۴] احمد بن سهل بن ابرهیم بن سهل الانصاری، ابو حامد النیسابوری.
- [۱۶۹۵] احمد بن صالح بن علی المروزی.
- [۱۶۹۶] احمد بن طاهر بن عبدالله بن یزید، ابو علی بن طاهر النیسابوری.
- [۱۶۹۷] احمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر بن معقل بن حسان بن عبدالله بن معقل المزنی صاحب رسول الله صلى الله عليه و سلم رضى الله عنه. و

- كان امام اهل العلم و الجود فى عصره بلامدافعة و كان من اولياء السلطان. و قال
الحاكم انه هروى ولكن مات رضى الله عنه ببخارا و يعرف بابى محمد المزنى.
[١٦٩٨] احمد بن عبدالله بن زكريا بن عبدالكريم بن عبدالله بن عبدالعزيز، ابوالحسين بن
زكريا الفقيه الشافعى الجرجانى.
- [١٦٩٩] احمد بن عبدالله بن سعيد، ابوالعباس الدهلى.
- [١٧٠٠] احمد بن عبدالله بن سرمد، ابوالحسين الكرايسى النيسابورى.
- [١٧٠١] احمد بن عبدالله بن محمد بن اسمعيل الفقيه الشاهد، ابوالحسين الطرائفى
النيسابورى.
- [١٧٠٢] احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين، ابونصر بن ابى محمد بن
ابى العباس الماسرجسى النيسابورى.
- [١٧٠٣] احمد بن على بن محمد بن ابراهيم بن احمدويه الاصبهانى، نزيل بنيسابور.
- [١٧٠٤] احمد بن على بن عبدالرحيم التاجر، ابو حامد الصفار النيسابورى.
- [١٧٠٥] احمد بن على بن محمد الفاسى ختن الحاكم ابى على الجنابدى، ابوبكر
النيسابورى.
- [١٧٠٦] احمد بن على بن الحسن بن شادان المقرئ، ابو حامد التاجر [٣٨٨] العابد
النيسابورى.
- [١٧٠٧] احمد بن على بن محمد الوراق، ابو عمرو النيسابورى.
- [١٧٠٨] احمد بن على بن عمرو بن سليمان الزاهد البخارى، ابو الفضل السليمانى.
- [١٧٠٩] احمد بن عبدوش بن سلمويه الصرام، ابو حامد النيسابورى.
- [١٧١٠] احمد بن العباس بن عبيدالله المقرئ، ابوبكر الامام البغدادى.
- [١٧١١] احمد بن عبدالعزيز بن محمد بن اسحق بن ابراهيم الوراق، ابو حامد النيسابورى
عمّ والد ابى عمرو الصغير.
- [١٧١٢] احمد بن عبدالله بن حمشاد بن محمد الغازى، ابونصر التاجر النيسابورى و عاشر
اكابر الشيوخ من المتصوفه.
- [١٧١٣] احمد بن عمر بن سيبويه المروزى.
- [١٧١٤] احمد بن عبدالله بن محمد، ابوصابر الفقيه من اصحاب ابى العباس احمد بن هرون.
- [١٧١٥] احمد بن الفضل بن محمد، ابوبكر البزاز النيسابورى.
- [١٧١٦] احمد بن القسم، ابونصر الكاتب.

- [۱۷۱۷] احمد بن القسم، ابو نصر النیسابوری الکاتب و کان من اعقاب الحسین القبائی.
- [۱۷۱۸] احمد بن کوفی بن ایوب بن ابرهیم الاصبهانی التاجر، ابوبکر.
- [۱۷۱۹] احمد بن اللیث بن الحسین بن علی الزاهد الخیاط، ابواحمد النیسابوری مجاور الجامع.
- [۱۷۲۰] احمد بن محمد بن عبدوس العبدی، ابوالحسن الطرائفی النیسابوری و کان من اصحاب الصدق و المحدثین.
- [۱۷۲۱] احمد بن محمد بن سلیمان الحافظ الحنفی، ابوالطیب الصعلوکی النیسابوری عمُّ استاد ابی سهل رضی الله عنه و مدفون فی مقبرة باغک.
- [۱۷۲۲] احمد بن محمد بن عبدالله القاضی، ابوالحسن النیسابوری قاضی الحرمین و امام الکوفیین فی عصره بلامدافعة.
- [۱۷۲۳] احمد بن محمد بن یحیی المعدل، ابوالحسن بن یحویه النیسابوری و اقام بیفداد مدة ثم رجع.
- [۱۷۲۴] احمد بن ابرهیم الفقیه الأذیب، ابوجعفر الجرجانی نزیل بنیسابور.
- [۱۷۲۵] احمد بن محمد [، ابو] القاسم المذکر السرخسی، اقام بنیسابور.
- [۱۷۲۶] احمد بن محمد بن سهل الفقیه البارع، ابوالحسن الطبسی الشافعی.
- [۱۷۲۷] احمد بن نصر بن اشکاب البخاری.
- [۱۷۲۸] احمد بن محمد بن شعیب بن هارون الفقیه الجلابادی النیسابوری من محلة جلاباد و کان من الصالحین العباد.
- [۱۷۲۹] احمد بن محمد بن محمد بن ابرهیم بن عبده النیسابوری التیمی، ابوالحسن السلیطی.
- [۱۷۳۰] احمد بن محمد بن ایوب الواعظ المفسر، ابوبکر الفارسی نزیل بنیسابور.
- [۱۷۳۱] احمد بن محمد بن ابرهیم بن هاشم الحافظ، ابومحمد البلادری [۳۸b] الطوسی.
- [۱۷۳۲] احمد بن محمد بن اسمعیل بن مهران، ابوالحسن بن ابی بکر الاسماعیلی الشاهد النیسابوری.
- [۱۷۳۳] احمد بن محمد بن الحسین الواعظ، ابوالعباس النصر الداری.
- [۱۷۳۴] احمد بن محمد بن سهل، ابوالحسن بن سهلویه المزکی النیسابوری شیخ اهل الرأی فی عصره.
- [۱۷۳۵] احمد بن محمد بن الحسین الخطیب، ابوحامد الخسر و جردی شیخ کبیر.

- [۱۷۳۶] احمد بن محمد بن سعید بن منصور الواعظ الحافظ، ابوسعید. قد جمع الحديث و صنف فی الابواب و هو نیشابوری و مات بطرسوس.
- [۱۷۳۷] احمد بن محمد بن یحیی المتکلم، ابوبکر الأشقر شیخ اهل الکلام فی عصره بنیشابور.
- [۱۷۳۸] احمد بن محمد بن موسی بن کعب الشاهد، ابوسعید الکعبی النیشابوری و کان یقال: «فی رأس الاوقه منزل واحد یخرج منه مُحدِّثٌ و شاهد و فقیه.»
- [۱۷۳۹] احمد بن محمد بن الحسین الطوسی، ابوتراب الواعظ النوقانی.
- [۱۷۴۰] احمد بن محمد بن عیسی بن الجراح الحافظ، ابوالعباس النحاس المصری.
- [۱۷۴۱] احمد بن محمد بن ابرهیم الواعظ، ابوحامد المقرئ النیشابوری و [کان] یعطی لكل علم حقه.
- [۱۷۴۲] احمد بن محمش بن مهران بن عبدالله الاصبهانی، ابوالعباس الکافوری.
- [۱۷۴۳] احمد بن محمد بن الحسین بن علی، ابوطاهر الطاهری النیشابوری من محلة جورى.
- [۱۷۴۴] احمد بن محمد بن احمد بن اسحق بن عبدالله، ابوالعباس بن ابی الحسین المعروف بالصندوقی النیشابوری.
- [۱۷۴۵] احمد بن محمد بن احمد بن بالویه، ابوحامد النیشابوری.
- [۱۷۴۶] احمد بن محمد بن عبدالله الادیب اللغوی العلامة، ابوعمر و الزردی النیشابوری و الزرد قرية من قرى اسفراين.
- [۱۷۴۷] احمد بن محمد بن []، ابوحامد الخارزنجی امام اهل الادب بخراسان فی عصره بلامدافعة.
- [۱۷۴۸] احمد بن محمد بن ابرهیم، ابوعمر و الزوزنی الکاتب.
- [۱۷۴۹] احمد بن محمد بن الحسین البخاری، ابونصر الکلابادی الکاتب.
- [۱۷۵۰] احمد بن محمد بن عبدوس بن حاتم الفقیه، ابوالحسن الحاتمی ابوحاتم الفقیه المزکی المروزی.
- [۱۷۵۱] احمد بن محمد بن الحسن الفقیه ابونصر الطرائفی النیشابوری.
- [۱۷۵۲] احمد بن محمد بن اسحق المعدل، ابوعلی البزاز النیشابوری.
- [۱۷۵۳] احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن [۳۹۸] یحیی الانماطی النیشابوری، ابن بنت ابی الحسین البزاز.

- [١٧٥٤] احمد بن محمد بن ابراهيم، ابو نصر الطبسى التاجر نزيل نيسابور.
- [١٧٥٥] احمد بن محمد بن جعفر [بن] محمد بن بسجير بن نوح، ابو الحسين البجيرى النيسابورى.
- [١٧٥٦] احمد بن محمد بن عبدالله العنبرى، ابو منصور الصوفى النيسابورى.
- [١٧٥٧] احمد بن محمد بن صالح القاضى المنصورى من اهل منصوره.
- [١٧٥٨] احمد بن محمد بن المؤمل بن الحسن بن عيسى الحافظ، ابو حامد الفقيه الأديب المزكى الطوسى.
- [١٧٥٩] احمد بن منصور بن محمد الحافظ، ابو العباس الصوفى الشيرازى.
- [١٧٦٠] احمد بن موسى بن حماد، ابو حامد النيسابورى.
- [١٧٦١] احمد بن ابراهيم بن محمد الفقيه الزاهد، ابو حامد البغولنى النيسابورى.
- [١٧٦٢] احمد بن محمد بن معقل السرخسى، ابو عمرو الكاتب نزيل مزينان.
- [١٧٦٣] احمد بن محمد بن رميح بن وكيع النخعى، ابو سعيد الحافظ النسوى.
- [١٧٦٤] احمد بن محمد بن الحسن، ابو عمرو بن ابى طاهر محمد آبادى، محلة خسارج البلد.
- [١٧٦٥] احمد بن محمد بن شيرك الفقيه، ابو حامد الشافعى الهروى مفتى هراة فى عصره.
- [١٧٦٦] احمد بن محمد بن أيوب بن سليمان الفامى، ابو حاتم الجوبقى النيسابورى.
- [١٧٦٧] احمد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن محمد [بن] عبدالوهاب الصايغ، ابو حامد النيسابورى.
- [١٧٦٨] احمد بن محمد بن اسمعيل البغدادى، ابو الحسن الخلال.
- [١٧٦٩] احمد بن محمد بن ابراهيم بن حازم البخارى، ابو نصر الحازمى المؤذن.
- [١٧٧٠] احمد بن محمد بن حسنويه العابد، ابو بشر الحسنوى النيسابورى.
- [١٧٧١] احمد بن محمد بن عمر الزاهد، ابو الحسين بن ابى نصر الخفاف المُجاب الدعوة النيسابورى.
- [١٧٧٢] احمد بن محمد بن حمويه، ابو الوفاء المزكى النيسابورى.
- [١٧٧٣] احمد بن محمد بن بشر بن العباس، ابو سعيد المعروف بالبصرى و لكن هو نيسابورى.
- [١٧٧٤] احمد بن محمد بن احمد بن سعيد، ابو سعيد بن ابى سعيد العانى النيسابورى.
- [١٧٧٥] احمد بن محمد بن جعفر الخوارى.

- [١٧٧٦] احمد بن محمد بن علي بن يحيى، ابو الحسن المناشكى النيسابورى.
- [١٧٧٧] احمد بن محمد بن حامد الفقيه، ابو الحسن بن ابى العباس القطان النيسابورى [ى]
توفى سنة اثنى و سبعين و ثلثمائة.
- [١٧٧٨] احمد بن محمد بن احمد بن العطريف بن الحكم الحيرى النيسابورى.
- [١٧٧٩] احمد بن محمد بن همام بن محمد العبد [٣٩٦] الصالح، ابو عمرو بن ابى العباس بن همام النيسابورى. كان يصلى الليل فاذا اصبح مشى من محلة الى محلة و يأمر بالمعروف و ينهى عن المنكر و وقت الصلوة فى كل مسجد و صلى اذن و صلى.
- [١٧٨٠] احمد بن محمد بن اسمعيل بن نعيم، ابو حامد الطوسى الاسماعيلى.
- [١٧٨١] احمد بن محمد بن يحيى بن جبريل الدهلى، ابو نصر النيسابورى قريب محمد بن يحيى الشهيد الدهلى.
- [١٧٨٢] احمد بن محمد بن حمدان، ابو حامد المرادى.
- [١٧٨٣] احمد بن محمد بن عبد الله بن الحسين بن احمد بن محمد، ابو العباس بن ابى نصر الماسرجسى النيسابورى.
- [١٧٨٤] احمد بن محمد بن عبد الله الفقيه، ابو نصر العبسى.
- [١٧٨٥] احمد بن محمد بن احمد بن سهل المصطفى، ابو الفضل بن ابى طاهر المطرز النيسابورى.
- [١٧٨٦] احمد بن محمد بن يوسف، ابو الحسن بن ابى الفضل الفقيه القهذرى النيسابورى.
- [١٧٨٧] احمد بن محمد بن على بن عمر، ابو العباس المذكر النيسابورى.
- [١٧٨٨] احمد بن محمد بن احمد بن حفان العابد، ابو الفضل النيسابورى.
- [١٧٨٩] احمد بن محمد بن محمد بن ابراهيم، ابو حامد بن ابى سعيد الفامى النيسابورى.
- [١٧٩٠] احمد بن محمد بن يوسف المصطفى، ابو نصر الانماطى النيسابورى.
- [١٧٩١] احمد بن محمد بن الحسين، ابو سعيد الفامى.
- [١٧٩٢] احمد بن موسى بن عيسى بن عبد الرحمن الجرجانى و يعرف بابى الحسن بن ابى عمران الفريضى.
- [١٧٩٣] احمد بن موسى بن محمد المتادى، ابو بكر العابد النيسابورى.
- [١٧٩٤] احمد بن ابى الليث، و هو نصر بن محمد الحافظ النصيبى.
- [١٧٩٥] احمد بن نصر بن محمد الزهرى، ابو الحسن البغدادى الحيرى.

- [۱۷۹۶] احمد بن هرون بن ابرهیم الفقیه، ابو العباس الحاکم المزکی شیخ اهل الرأی فی عصره النیسابوری.
- [۱۷۹۷] احمد بن یعقوب بن احمد بن مهران بن عبدالله، ابو سعید الثقفی النیسابوری.
- [۱۷۹۸] احمد بن یعقوب بن ناصح الاصبهانی الادیب، ابو بکر النحوی.
- [۱۷۹۹] احمد بن یوسف بن عبدالرحمن الصوفی، ابو حامد المعروف بالاشقر ممن صحب المشایخ القدماء بخراسان و العراق.
- [۱۸۰۰] احمد بن یعقوب بن عفیر بن الجنید بن موسی التمیمی، ابو الفضل الخجندی.
- [۱۸۰۱] احمد بن یعقوب بن بغا طربن عبدالجبار القرشی الجرجانی.
- [۱۸۰۲] ابرهیم بن اسمعیل بن ابرهیم العابد، ابو اسحق المعروف بابرهیمک النیسابوری کان علی رأس سکه خشاوره و توفی [۴۰۵] رحمه الله سنة ثمان و ثلثین و ثلثمائة و كان احدودب حتى يقع رداءه فوق العمامة.
- [۱۸۰۳] ابرهیم بن احمد بن محمد بن رجاء الازاری النیسابوری، ابو اسحق الوراق.
- [۱۸۰۴] ابرهیم بن احمد بن عیید الله المستملی، ابو اسحق الهمدانی الاعور.
- [۱۸۰۵] ابرهیم بن اسحق بن حمویہ البزاز، ابو اسحق الرازی.
- [۱۸۰۶] ابرهیم بن احمد الزاهد، ابو اسحق السلمانی النیسابوری.
- [۱۸۰۷] ابرهیم بن احمد بن محمد بن عبدالله الریوندی.
- [۱۸۰۸] ابرهیم بن اسحق الادیب اللغوی، ابو اسحق الضریب.
- [۱۸۰۹] ابرهیم بن جعفر السختیانی، ابو اسحق النیسابوری.
- [۱۸۱۰] ابرهیم بن الحسن الفقیه، ابو الحسن النیسابوری.
- [۱۸۱۱] ابرهیم بن سیمجور الامیر بن الامیر، ابو اسحق بن ابی عمران الادیب والی امارة بخارا و هراة و مرو و نیشابور فاما بلاد قهستان فلم یزل برسمه.
- [۱۸۱۲] ابرهیم بن عصمة بن ابرهیم، ابو اسحق النیسابوری.
- [۱۸۱۳] ابرهیم بن علی بن بالویه البلخی، ابو اسحق.
- [۱۸۱۴] ابرهیم بن عبدالله بن اسحق العدل، ابو اسحق الاصبهانی.
- [۱۸۱۵] ابرهیم بن الفضل الهاشمی اللغوی.
- [۱۸۱۶] ابرهیم بن محمد بن ابرهیم، ابو اسحق الحیری المعروف بابی اسحاقک الزاهد النیسابوری.
- [۱۸۱۷] ابرهیم بن محمد بن احمد الفقیه، ابو اسحق البخاری.

- [١٨١٨] ابراهيم بن محمد بن يحيى المزكى النيسابورى، ابواسحق شيخ نيسابور فى عصره تُوْفِيَ رَحْمَةُ اللهِ سَنَةَ اِثْنَيْ وَ سِتِّينَ وَ ثَلَاثَمِائَةَ.
- [١٨١٩] ابراهيم بن محمد بن الحسين بن الحسن بن الخليل القطان، ابواسحق العابد النيسابورى.
- [١٨٢٠] ابراهيم بن محمد بن مكتوم المستملى، ابواسحق المكتومى النيسابورى.
- [١٨٢١] ابراهيم بن محمد بن احمد بن محمود بن محمود بن العارف، ابوالقاسم النصرآبادى النيسابورى الواعظ لسان اهل الحقايق.
- [١٨٢٢] ابراهيم بن محمد بن محفوظ بن معقل، ابواسحق المحفوظى النيسابورى.
- [١٨٢٣] ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن اسحق الهاشمى المعدل، ابواسحق بن ابي الفضل بن فضويه المزكى النيسابورى.
- [١٨٢٤] ابراهيم بن محمد بن عبدالله بن ابي بكر الخباز المذكر الرازى.
- [١٨٢٥] ابراهيم بن محمد بن ابراهيم الفقيه الاجولى، ابواسحق الاسفراينى.
- [١٨٢٦] ابراهيم بن مُحَبَّب بن ابراهيم بن سليمان بن خالد العبدى، ابواسحق النيسابورى.
- [١٨٢٧] ابراهيم بن مضارب بن ابراهيم، ابواسحق النيسابورى.
- [١٨٢٨] ابراهيم بن نصر، ابواسحق المروزى.
- [١٨٢٩] ابراهيم بن يوسف بن لقمان [٤٠٦] الفقيه البخارى.
- [١٨٣٠] اسمعيل بن عبدالله بن محمد بن ميكال، ابوالعباس الاديب الشريف النيسابورى شيخ خراسان و وجهها و عينها فى عصره رضى الله عنه و ميكال كان ابن [عبد] الواحد بن جبرئيل بن القسم بن بكر بن ديواشى و هوشور الملك بن سورين شورين سوراربعة من الملوك بن فيروز بن يزدجرد بن بهرام جور.
- [١٨٣١] اسمعيل بن نُجَيْد بن احمد بن يوسف بن سالم بن خالد السلمى، ابوعمر و الزاهد العابد شيخ عصره فى التصوف، توفى الشيخ ابوعمر و النيسابورى رضى الله عنه ليلة السبت الثالث عشر من ربيع الاول سنة خمس و ستين و ثلثمائة و دفن بشاهنبر.
- [١٨٣٢] اسمعيل بن محمد بن الفضل بن محمد بن المسيب، ابوالحسن النيسابورى الشعرانى و كان جده شيخ عصره بخراسان و توفى بقرية يبهق.
- [١٨٣٣] اسمعيل بن احمد بن محمد التاجر ابوسعيد الخلالى الجرجانى سكن نيسابور و توفى بها.

- [۱۸۳۴] اسمعیل بن عبدالله بن عمر [بن] سلیمان، ابو منصور بن ابی العباس الکوکبی النیسابوری.
- [۱۸۳۵] اسمعیل بن احمد بن محمد بن اسمعیل، ابو محمد بن ابی حامد الاسماعیلی الطوسی.
- [۱۸۳۶] اسمعیل بن احمد بن محمد بن یوسف، ابو ابراهیم الاسترابادی.
- [۱۸۳۷] اسمعیل بن ابراهیم بن محمد الفقیه المقری، ابو محمد الهروی.
- [۱۸۳۸] اسحق بن ابراهیم بن محمد بن محمد [بن] ابراهیم الخزرجی، ابو یعقوب العماری النیسابوری.
- [۱۸۳۹] اسحق بن ابراهیم بن عمرو به البخاری، ابو ابراهیم الفقیه.
- [۱۸۴۰] اسحق بن سعید بن الحسن بن سفیان الشیبانی، ابو یعقوب النسوی.
- [۱۸۴۱] اسحق بن محمد بن اسحق بن محمد [بن] قبیصة المعدل النیسابوری.
- [۱۸۴۲] اسحق بن محممشاد الزاهد، ابو یعقوب الکرامی شیخهم و امامهم ذکر الحاکم رحمه الله سمعت من الثقة انه: اسلم علی يد ابی یعقوب الکرامی من اهل الكتاب و المجوس بنیسابور ما یزید علی خمسة آلاف رجل و امرأة.
- [۱۸۴۳] اسحق بن احمد بن شیبث بن الحکم، ابو نصر الفقیه البخاری الصفار.
- [۱۸۴۴] احید بن احمد بن جیبیر، ابو احمد البخاری.
- [۱۸۴۵] اسد بن الهیثم بن عبیدالله المصری، ابو الهیثم.
- [۱۸۴۶] اسد بن رستم بن احمد بن عبدالله، ابو سعید الرستمی الهروی. [۴۱a]
- [۱۸۴۷] اسامة بن علی الهمدانی نزیل بنیسابور.
- [۱۸۴۸] بکر بن محمد بن حمدان المروزی الصیرفی المعروف بالدخسینی.
- [۱۸۴۹] بکر بن احمد بن زکریا، ابو عمرو الشاهد المعروف بالعدنی.
- [۱۸۵۰] بالویه بن محمد بن بالویه، ابو العباس المزینانی.
- [۱۸۵۱] بشر بن احمد بن بشر بن محمود بن اشرس الاسفرائینی.
- [۱۸۵۲] بشر بن محمد بن یاسین بن النضر بن سلیمان [ابو القاسم الباهلی] النیسابوری القاضی القضاة بنیسابور.
- [۱۸۵۳] بشر بن عبدالله البصری، ابو احمد نزیل بنیسابور.
- [۱۸۵۴] جعفر بن محمد بن الحارث [ابو محمد] المراغی نزیل بنیسابور.
- [۱۸۵۵] جعفر بن احمد بن محمد الصوفی العابد، ابو القاسم بن المقری الرازی شیخ عصره فی التصوف و التوکل.

- [١٨٥٦] جعفر بن نعيم بن شادان بن قنبر، ابو محمد النيسابورى.
- [١٨٥٧] جعفر بن محمد بن جعفر، ابو محمد بن ابى بكر بن جعفر البشتى النيسابورى.
- [١٨٥٨] جعفر بن الفضل بن عيسى الفقيه، ابو محمد الشاشى.
- [١٨٥٩] جميل بن محمد بن جميل ابو الحسين الزاوى.
- [١٨٦٠] جمعة بنت احمد بن محمد بن عبيد الله الرئيس النيسابورية من ولد عثمان بن عفان رضى الله عنه.
- [١٨٦١] الحسن بن ابراهيم بن يزيد الأسلمى، ابو محمد الفارس القطان نزىل بنيسابور.
- [١٨٦٢] الحسين بن احمد بن موسى، ابو على الفارسى.
- [١٨٦٣] الحسن بن احمد بن الحسن بن موسى القاضى، ابو على البيهقى.
- [١٨٦٤] الحسن بن احمد بن الحسن بن محمد، ابو منصور بن ابى الحسن المعاذى المزكى النيسابورى.
- [١٨٦٥] الحسن بن احمد بن عبيد الله، ابو الغازى الصوفى البغدادى.
- [١٨٦٦] الحسن بن احمد بن يعقوب بن موسى بن امير المؤمنين، ابو محمد المأمونى.
- [١٨٦٧] الحسن بن احمد بن محمد بن حفص الحرشى النيسابورى ابو على بن ابى عمر و الحيزرى.
- [١٨٦٨] الحسن بن احمد بن محمد بن الحسن بن على بن مخلد بن شيان العدل، ابو محمد المخلى النيسابورى.
- [١٨٦٩] الحسن بن احمد بن جعفر بن []، ابو سعيد بن ابى بكر اليزداذى الناجر.
- [١٨٧٠] الحسن بن احمد بن على بن مهران القهستانى.
- [١٨٧١] الحسن بن جعفر بن عبيد الله الكوفى، ابو محمد الكاتب المقيم بنيسابور.
- [١٨٧٢] الحسن بن الحسين بن محمد العابد، ابو على القارى النيسابورى.
- [١٨٧٣] الحسن بن [حمشادين] سختويه بن نصر التميمى النيسابورى.
- [١٨٧٤] الحسن بن الحسن بن محمد الحكيمى الجرجانى. [٤١٥]
- [١٨٧٥] الحسن بن زيد الكاتب، ابو محمد البخارى نزىل بنيسابور.
- [١٨٧٦] الحسن بن شاپور، ابو على الطبرى.
- [١٨٧٧] الحسن بن على بن محمد البلخى، ابو على.
- [١٨٧٨] الحسن بن على بن يحيى بن عبدالرحمن التميمى النيسابورى.
- [١٨٧٩] الحسن بن عثمان بن محمد بن عثمان الضبى التتمامى البغدادى، ابو محمد.

- [۱۸۸۰] الحسن بن علی بن عمرو القزوینی.
- [۱۸۸۱] الحسن بن عبد الحمید بن عبد الرحمن بن الحسین، ابوسعید الحاکم النیسابوری من اعیان ائمة اهل النظر.
- [۱۸۸۲] الحسن بن علی بن محمد بن محمد بن الحسین بن علی بن عبد الله بن الحسین بن عبید الله بن العباس بن علی بن ابیطالب، ابو محمد العلوی الواعظ الشهید رضی الله عنه.
- [۱۸۸۳] الحسن بن کوشاد الادیب البارع رئیس العالم، ابو العلاء الاصبهانی استوطن نیشابور و بهامات.
- [۱۸۸۴] الحسن بن محمد بن اسحق بن الازهر، ابو محمد الاسفرائینی ابن اخت ابی عوانه.
- [۱۸۸۵] الحسن بن محمد بن محمد بن شیظم التمیمی، ابو علی الحاکم البلخی.
- [۱۸۸۶] الحسن بن محمد الفقیه، ابو علی الطوسی.
- [۱۸۸۷] الحسن بن محمد بن اللیث المقرئ، ابو علی الفارسی.
- [۱۸۸۸] الحسن بن محمد بن المؤمل بن الحسن بن عیسی بن ماسرجس النیسابوری.
- [۱۸۸۹] الحسن بن محمد بن نصر بن عثمان بن الولید بن مدرک الرازی.
- [۱۸۹۰] الحسن بن محمد بن علی الرودباری الطوسی.
- [۱۸۹۱] الحسن بن محمد بن احمد بن زیاد العدل، ابوسعید الرازی.
- [۱۸۹۲] الحسن بن محمد بن الحسن العدل، ابوسعید بن ابی العباس بن الحسن الصیدلانی النیسابوری.
- [۱۸۹۳] الحسن بن محمد بن عبد الله الدینوری، ابو محمد.
- [۱۸۹۴] الحسن بن یعقوب بن یوسف العدل، ابو الفضل البخاری.
- [۱۸۹۵] الحسن بن یعقوب بن یوسف الصوفی النیسابوری المعروف بالحداد الورع الزاهد صاحب الخانقاه مجمع الزهد و الصوفیه. توفي رَجْمَهُ اللهُ فِي رَجَبِ سَنَةِ سِتِّ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ هُوَ فِي سَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ وَ شَهِدَتْ جَنَازَتُهُ بِالْحَيْرَةِ وَ دُفِنَ بِقُرْبِ الْمَشَايخِ السِّتَةِ.
- [۱۸۹۶] الحسن بن محمد بن یحیی بن الحسن السجزی، ابو محمد الادیب.
- [۱۸۹۷] الحسن بن احمد بن موسی، ابو علی القامی النیسابوری.
- [۱۸۹۸] الحسن بن احمد بن الحسن بن موسی القاضی، ابو علی البیهقی الادیب الفقیه.
- [۱۸۹۹] الحسن بن محمد بن محمد بن علی، ابو علی بن ابی الحسن بن ابی عبد الله الطوسی [۴۲۸] الرودباری.

- [١٩٠٠] الحسين بن علي بن يزيد بن داود بن يزيد الحافظ، ابو علي النيسابوري واحد عصره في الحفظ و الايقان و الورع و الرحلة. ذكره في الشرق كذكره في الغرب مقدم في مذاكير الائمة و كثرة التصنيف توفي رضى الله عنه [في] الخامس عشر من جمادى الاولى لسنة تسع و اربعين و ثلثمائة و دفن في مقبرة باب معمر.
- [١٩٠١] الحسين بن داود بن علي بن عيسى بن محمد بن القاسم بن الحسن بن [زيد بن] حسن بن علي بن ابي طالب، ابو عبدالله العلوي رضى الله عنهم.
- [١٩٠٢] الحسين بن [حسن بن] ايوب الأديب، ابو عبدالله الطوسي.
- [١٩٠٣] الحسين بن علي بن محمد بن يحيى بن عبدالرحمن، ابو محمد الحسينك بن ابي الحسن التميمي النيسابوري، من بيت الثروة و المروءة قريب حسين بن معاذ.
- [١٩٠٤] الحسين بن محمد بن يحيويه، ابو محمد البزاز.
- [١٩٠٥] الحسين بن محمد بن احمد بن محمد، ابو علي الماسرجسي النيسابوري.
- [١٩٠٦] الحسين بن احمد بن جعفر، ابو علي الكرابيسي النيسابوري المعروف بحار مادوانى.
- [١٩٠٧] الحسين بن محمد [بن الحسين بن] علي بن محمد الزبيرى القرشى، ابو علي النيسابوري.
- [١٩٠٨] الحسين بن حميد بن سيويه المعدل، ابو عبدالله النيسابوري.
- [١٩٠٩] الحسين بن احمد بن [محمد بن] عبدالرحمن، ابو عبدالله الصفار الهروي.
- [١٩١٠] الحسين بن عبدالله بن محمد الفقيه، ابو الطيب الشيرازى.
- [١٩١١] الحسين بن محمد بن الحسين بن يحيى الواعظ، ابو سعيد البسطامى.
- [١٩١٢] الحسين بن جعفر بن محمد الجرجانى، ابو عبدالله.
- [١٩١٣] الحسين بن جعفر بن يزيد، ابو عبيدالله الرازى.
- [١٩١٤] الحسين بن عبد الحميد بن عبدالرحمن، ابو عبدالرحمن الاديب النحوى النيسابورى.
- [١٩١٥] الحسين بن احمد بن جعفر الصوفى، ابو عبدالله الرازى.
- [١٩١٦] الحسين بن يحيى بن زكريا بن يحيى الواعظ، ابو علي الشافعى رضى الله عنه و قتلّه زعيمُ بشتقان.
- [١٩١٧] الحسين بن الحسن الفقيه القاضى، ابو عبدالله الحكيمى.
- [١٩١٨] الحسين بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزيز، ابو عبدالله النيسابورى.

- [۱۹۱۹] الحسين بن علي بن محمد الحسيني العلوي رضي الله عنه.
- [۱۹۲۰] الحسين بن علي بن بندار، ابو القاسم بن ابي الحسن الصيرفي.
- [۱۹۲۱] حسان بن محمد بن احمد بن هرون القرشي، ابو الوليد الفقيه امام اهل الحديث بخراسان في عصره توفي رضي الله عنه ليلة الجمعة الخامس من ربيع [۴۲b] الاول لسنة تسع و اربعين و ثلثمائة و دفن في مقبرة نصربن زياد القاضي المدفون فيها ثلثة من الصحابة وَقَدْ قَالَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ فِي الْقَصِيدَةِ الَّتِي يَرْتِي لَهَا بها:
- وَقَدْ بَقِيَ رِيْبِهِ وَ مَصْرَفُهُ اِمَامٌ هَذَا الدَّهْرُ وَ الْاَعْرَصُ
ابو الوليد الفقيه و السيد القرم و فخر الخلايق الاكبر
معدن كثر العلوم جملتها و من نتي بفضل الخنصر.
- [۱۹۲۲] حمزة بن محمد بن احمد الزيدي الحسيني العلوي، ابو علي نجم اهل بيت النبوة في زمانه الشريف حسبا و نسباً.
- [۱۹۲۳] حمزة بن احمد بن محمد بن حمزة الفقيه، ابو علي الشاعر الزوزني.
- [۱۹۲۴] حمزة بن عبدالعزيز بن محمد، ابو علي المهلبى الصيدلانى النيسابورى.
- [۱۹۲۵] حاجب بن احمد بن جهم بن سفيان، ابو محمد الطوسى.
- [۱۹۲۶] حامد بن محمد بن عبدالله بن محمد الهروى، ابو علي الواعظ المعروف بالرفاء.
- [۱۹۲۷] حامد بن محمد بن عبدالله الخياط النيسابورى.
- [۱۹۲۸] حامد بن محمد بن احمد بن جعفر الصوفى، ابو احمد الكاغذى النيسابورى و توفي بسجستان.
- [۱۹۲۹] حامد بن عبدالله بن حمشاد الفقيه، ابو احمد المناشكى النيسابورى.
- [۱۹۳۰] حمد بن محمد بن حمدون بن مرداس الفقيه، ابو منصور الجرجاني مات بنيسابور.
- [۱۹۳۱] حيدر بن فتحويه بن محمود بن هرون القرشى النيسابورى.
- [۱۹۳۲] حمد بن محمد بن ابراهيم بن الخطاب الفقيه الاديب پشتى، ابو سليمان الخطابى.
- [۱۹۳۳] خلف بن احمد بن محمد بن خلف الامير بن الامير و من بيت ولاة خراسان.
- [۱۹۳۴] الخليل بن احمد بن [محمد بن] الخليل القاضى شيخ اهل الراى فى عصره.
- [۱۹۳۵] الخضر بن احمد بن محمد القزوينى، ابو على.
- [۱۹۳۶] الخضر بن محمد بن يحيى البلخى و كان ابوه نيسابورياً.

- [١٩٣٧] خلف بن ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم البيلى النيسابورى.
- [١٩٣٨] خلف بن محمد الواسطى، ابو محمد.
- [١٩٣٩] خطاب بن على بن الخطاب، ابو محمد القزوينى.
- [١٩٤٠] خديجه بنت احمد بن محمد بن رجا القاضى النيسابورية و كان ابوها ابورجاء قاضى القضاة و كانت تحسن العربية والخط.
- [١٩٤١] دعلج بن احمد بن دعلج الفقيه، ابو محمد السجزي شيخ اهل الحديث فى عصره.
- [١٩٤٢] داود بن محمد بن نصير الاسفراينى.
- [١٩٤٣] داود بن محمد بن الحسين بن داود [بن على، ابو جعفر] الحسينى العلوى.
- [١٩٤٤] رشيق بن عبدالله الرومى، ابو نصر سكن طابران من قرى طوس.
- [١٩٤٥] رافع بن عبدالله، ابو اسامة المرورودى.
- [١٩٤٦] رافع بن عصم [٤٣٥] بن العباس الضبى الهروى.
- [١٩٤٧] ربيعة بنت عبدالله العابدة الزاهدة النيسابورية.
- [١٩٤٨] زبير بن عبد الواحد بن احمد بن زكريا، ابو عبدالله الاسترابادى.
- [١٩٤٩] زيد بن الحسين [بن] داود بن على [ابو القاسم] الحسينى العلوى.
- [١٩٥٠] زيد بن عيسى بن جعفر بن مهدي الكوفى.
- [١٩٥١] الزبير بن عبيدالله بن موسى بن الحارث الثورى، ابو يعلى البغدادى.
- [١٩٥٢] زاهر بن احمد بن محمد بن عيسى السرخسى، ابو على المقرئ شيخ عصره.
- [١٩٥٣] سليمان بن محمد بن ناجية، ابو القاسم بن ابى بكر بن ناجية النيسابورى.
- [١٩٥٤] سليمان بن محمد بن سليمان بن خلد العبدى النيسابورى من ميدان هانى.
- [١٩٥٥] سليمان بن محمد بن داود الفقيه، ابو على الفقيه الداودى الهروى.
- [١٩٥٦] سليمان بن محمد بن على، ابو القاسم المناشكى النيسابورى.
- [١٩٥٧] سعيد بن عبدالله بن محمد الزاهد، ابو عثمان السمرقندى سكن بنيسابور من صباه الى ان مات بها.
- [١٩٥٨] سعيد بن نصر، ابو عثمان الاندلسى.
- [١٩٥٩] سعيد بن محمد بن احمد بن جعفر الشيبى، ابو سعد.
- [١٩٦٠] سعيد بن القاسم بن العلاب بن الخالد البردعى، ابو عمر المطوعى.
- [١٩٦١] سعيد بن محسن الفقيه، ابو عثمان الكشى.
- [١٩٦٢] سعيد بن محمد بن سعيد الفقيه، ابو احمد المطوعى.

- [١٩٦٣] سعيد بن محمد بن سلمة العارف، ابو عثمان الزاهد المغربي ولادته بالقيروان في قرية يقال لها كركنت كان واحد عصره في الورع و الزهد و الصبر و جاور مكة فوق العشرة و كان لا يظهر في الموسم و توفي بنيسابور رضي الله عنه سنة ثلاث و سبعين و ثلثمائة و دفن بجانب ابي حفص و ابي عثمان في الحيرة رضي الله عنهم.
- [١٩٦٤] سعيد بن المسيب، ابو عثمان الشيرازي.
- [١٩٦٥] سعيد بن مشكان، ابو عثمان الفاريابي.
- [١٩٦٦] سعيد بن محمد بن الفضل الفقيه، ابو سهل بن ابي سعيد النيسابوري.
- [١٩٦٧] سعيد بن عبدالله بن سعيد بن اسماعيل بن [] ابو عمرو بن ابي عثمان النيسابوري.
- [١٩٦٨] سعيد بن محمد بن احمد بن سعيد الصوفي، ابو عثمان النيسابوري.
- [١٩٦٩] سهل بن محمد بن سليمان بن محمد [بن] سليمان العجلي الفقيه، ابو الطيب بن ابي سهل الحنفي الصعلوكي النيسابوري [مفتي نيسابور و] ابن مفتيها.
- [١٩٧٠] سهل بن احمد بن سهل الرّيوتدي، ابو سعيد المزكي.
- [١٩٧١] سهل بن عثمان بن محمد بن سهل، ابو محمد بن ابي سلمة [٤٣٥] البخاري.
- [١٩٧٢] سلمة بن احمد بن سلمة بن مسلم الذهلي، ابو نصر المعاذي الاديب النيسابوري.
- [١٩٧٣] سلمة بن محمد الفقيه، ابو نصر الصيدلاني النيسابوري.
- [١٩٧٤] سيمان بن عبدالله مولى الحازمية و يُعْرَفُ عندنا بابي علي.
- [١٩٧٥] شداد بن احمد البوزجاني، ابو عبد الرحمن قريب ابي الفضل.
- [١٩٧٦] شافع بن محمد بن يعقوب الاسفرايني، ابو النضر.
- [١٩٧٧] شجاع بن الحسن، ابو مقاتل الكاتب.
- [١٩٧٨] شعيب بن محمد بن شعيب بن محمد بن العجلي، ابو صالح البيهقي.
- [١٩٧٩] شيبان بن محمد بن احمد بن شعيب بن هارون، ابو محمد الشعبي النيسابوري.
- [١٩٨٠] ضاح بن محمد بن داود، ابو محمد الترمذي.
- [١٩٨١] ضمرة بن يحيى الدمشقي.
- [١٩٨٢] طاهر بن محمد بن يوسف البوشنجي، ابو الحسن الفقيه.
- [١٩٨٣] طاهر بن محمد بن سهلويه بن الحارث العدل، ابو الحسين النيسابوري.
- [١٩٨٤] طاهر بن محمد بن عبدالله بن ابراهيم، ابو عبدالله البغدادي نزيل نيسابور.
- [١٩٨٥] طاهر بن محمد بن عبدان التاجر المعروف بابي الطيب بن عبدان و كان من الأمانا

الصالحين. قال الحافظ ابو عبدالله: «و كنت اتبرك بدعائه».

- [١٩٨٦] طاهر بن على العماني.
- [١٩٨٧] طاهر بن احمد بن عبدالله البيهقي، ابو الطيب.
- [١٩٨٨] طاهر بن احمد بن محمد بن طاهر الورّاق، ابو القاسم المولقبادي النيسابوري.
- [١٩٨٩] طالب بن القسم بن ابجرک الثغري.
- [١٩٩٠] ظفر بن محمد بن احمد بن زبارة الشريف، ابو منصور بن زبارة العلوي العابد الزكي النيسابوري رضى الله عنه.
- [١٩٩١] عبدالله بن احمد بن سعد الحافظ، ابو محمد البزاز المعروف بالحاجبي النيسابوري.
- [١٩٩٢] عبدالله بن احمد بن اسحق الصنعى النيسابوري.
- [١٩٩٣] عبدالله بن احمد بن جعفر بن احمد بن بكر بن زياد الشيباني، ابو محمد بن ابي حامد.
- [١٩٩٤] عبدالله بن احمد بن محمد بن عمر، ابو القاسم بن عمر النيسابوري من اعيان مشايخنا.
- [١٩٩٥] عبدالله بن احمد بن محمد الابرشمي، ابو محمد بن ابي الحسين النيسابوري.
- [١٩٩٦] عبدالله بن احمد بن اسكاب، ابو محمد الاصبهاني نزيل نيسابور.
- [١٩٩٧] عبدالله بن احمد بن محمد بن احمد بن حفص الحرشي، ابو محمد بن ابي عمر الحيري النيسابوري.
- [١٩٩٨] عبدالله بن احمد بن سلمة بن مسلم، ابو القاسم [٢٤٤a] المعادي النيسابوري.
- [١٩٩٩] عبدالله بن ابراهيم الابدوني، ابو القاسم الجرجاني نزيل نيسابور.
- [٢٠٠٠] عبدالله بن احمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله المزني، ابو بشر بن الشيخ ابي محمد.
- [٢٠٠١] عبدالله بن احمد بن محمد [بن] سعيد الفقيه، ابو القاسم بن ابي سعيد النسوي.
- [٢٠٠٢] عبدالله بن اسمعيل بن عبدالله بن محمد بن ميكال رئيس نيسابور، ابو محمد الميكالي النيسابوري توفي بمكة رضى الله عنه.
- [٢٠٠٣] عبدالله بن ابي بكر، ابو نصر البزاز النيسابوري.
- [٢٠٠٤] عبدالله بن جعفر بن مره المنصوري، ابو محمد المقرئ التاجر.
- [٢٠٠٥] عبدالله بن جعفر بن الحسين الاسترابادي.
- [٢٠٠٦] عبدالله بن الحسين بن بالويه بن يحيى الورّاق المعروف بابي القاسم الصوفي النيسابوري.

- [۲۰۰۷] عبدالله بن حمدون الادیب الشاعر، ابو حاتم النیسابوری.
- [۲۰۰۸] عبدالله بن حامد بن محمد بن عبدالله الفقیه، ابو محمد الواعظ النیسابوری.
- [۲۰۰۹] عبدالله بن خالد [بن] عبدالله البغدادی.
- [۲۰۱۰] عبدالله بن سعید الادیب الپشتی.
- [۲۰۱۱] عبدالله بن صالح بن عبدالله الواسطی، نزیل بنیسا بور.
- [۲۰۱۲] عبدالله بن طاهر بن علی الرمجاری النیسابوری.
- [۲۰۱۳] عبدالله بن علی بن محمد بن احمد بن علی الحصری النیسابوری.
- [۲۰۱۴] عبدالله بن علی بن عبدالله القاضی، ابو محمد الطبری و يعرف بالعراقی و اهل جرجان يعرفونه بالمنجینی.
- [۲۰۱۵] عبدالله بن عمرو بن محمد بن الحسن الفقیه، ابو القاسم البخاری.
- [۲۰۱۶] عبدالله بن علی بن حمشاد بن شخنویته بن مهرویه، ابو محمد بن ابی الحسن التیمی النیسابوری.
- [۲۰۱۷] عبدالله بن عمرو بن محمد التاجر، ابو محمد النیسابوری.
- [۲۰۱۸] عبدالله بن غانم بن حمویة بن الحسن الصیدلانی، ابو محمد.
- [۲۰۱۹] عبدالله بن فارس بن محمد بن علی، ابو ظهیر البلیخی.
- [۲۰۲۰] عبدالله بن الفضل بن الحسن البخاری.
- [۲۰۲۱] عبدالله بن القسم الکراییسی.
- [۲۰۲۲] عبدالله بن محمد بن حمدوبه بن نعیم بن الحکم المؤذن، ابو محمد البیع والد الحاکم ابو عبدالله الحافظ النیسابوری مصنف هذا التاريخ.
- [۲۰۲۳] عبدالله بن محمد بن موسی بن کعب، ابو محمد الکعبی النیسابوری.
- [۲۰۲۴] عبدالله بن محمد بن علی بن زیاد، ابو محمد العدل النیسابوری.
- [۲۰۲۵] عبدالله بن محمد بن بدیل، ابو بکر البدیلی البخاری المعروف بالاشقر.
- [۲۰۲۶] عبدالله بن محمد بن عمر الفقیه، ابو محمد [۴۴۵] البخاری.
- [۲۰۲۷] عبدالله بن محمد بن محمد بن حمویة بن عباد، ابو القاسم بن ابی بکر الطهمانی.
- [۲۰۲۸] عبدالله بن محمد بن عبد الرحمن الصوفی، ابو محمد الحیری النیسابوری المعروف بالرازی.
- [۲۰۲۹] عبدالله بن محمد بن حمدان الدهقان، ابو طاهر الجونی النیسابوری.
- [۲۰۳۰] عبدالله بن محمد بن عصام الرُحی، ابو القاسم الحیری النیسابوری.

- [٢٠٣١] عبدالله بن محمد بن احمد بن حسان القاضي، ابو الطيب بن قورس النيسابورى.
- [٢٠٣٢] عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب بن عطا القرشى الصوفى الرازى.
- [٢٠٣٣] عبدالله بن محمد بن عبدالله الحيرازى الرازى.
- [٢٠٣٤] عبدالله بن محمد بن عبدالله الشيبانى الذهلى النيسابورى.
- [٢٠٣٥] عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله الزاهد، ابوبشر الخياط النيسابورى
وكان مجاب الدعوة رضى الله عنه.
- [٢٠٣٦] عبدالله بن محمد بن عبدالله بن على بن زياد السيمذى النيسابورى.
- [٢٠٣٧] عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدوس العدل، ابو محمد الحيرى النيسابورى.
- [٢٠٣٨] عبدالله بن محمد بن مهيمن اليزدى، ابو محمد التاجر وكان من اعيان خراسان.
- [٢٠٣٩] عبدالله بن احمد بن محمد بن عبدالله بن بالويه، ابو محمد البالوى النيسابورى.
- [٢٠٤٠] عبدالله بن محمد بن عبدالله بن دينار، ابو محمد بن ابى عبدالله النيسابورى.
- [٢٠٤١] عبدالله بن محمد بن فضلو بن الصوفى الزاهد، ابو محمد المعروف بالمعلم
النيسابورى و دفن بشاهنير.
- [٢٠٤٢] عبدالله بن محمد بن السرى بن الصباح الكرمانى، ابو محمد القبائى.
- [٢٠٤٣] عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله المحمى النيسابورى.
- [٢٠٤٤] عبدالله بن محمد بن اسحق الزاهد، ابو محمد الانماطى الرمجارى النيسابورى و
دفن رضى الله عنه فى مقبرة ابى على الثقفى.
- [٢٠٤٥] عبدالله بن محمد بن احمد بن محبوب التاجر، ابو العباس المحبوى المروزى.
- [٢٠٤٦] عبدالله بن محمد، ابو القاسم الاصبهانى.
- [٢٠٤٧] عبدالله بن محمد الشاؤغرى، ابو محمد المستملى.
- [٢٠٤٨] عبدالله بن محمد بن احمد بن حبيب الفقيه، ابو ذرين ابى جعفر الكرابيسى
النيسابورى.
- [٢٠٤٩] عبدالله بن محمد بن برزه التاجر، ابو محمد التاجر الرازى نزيل نيسابور.
- [٢٠٥٠] عبدالله بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن اسحق الهاشمى، ابو محمد بن ابى الفضل
النيسابورى.
- [٢٠٥١] عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدويه بن نعيم، [٢٥٥a] ابو الحسن
الضبى النيسابورى.
- [٢٠٥٢] عبدالله بن موسى بن رامك النيسابورى، ابو القاسم نزيل بغداد.

- [۲۰۵۳] عبدالله بن موسیٰ بن الحسین بن ابراهیم السلامی، ابو الحسن البغدادی.
- [۲۰۵۴] عبدالله بن مضارب بن ابراهیم، ابو القاسم المقرئ النیسابوری و کان من العباد المجتهدین.
- [۲۰۵۵] عبدالله بن مفلح، ابو محمد البغدادی نزیل بنیسا بور.
- [۲۰۵۶] عبدالله بن یحییٰ بن محمد بن عبدالله بن العنبری، ابو محمد بن ابی زکریا العنبری النیسابوری.
- [۲۰۵۷] عبیدالله بن احمد بن محمد بن عبیدالله بن النضر بن محمد رئیس بن رئیس النیسابوری.
- [۲۰۵۸] عبیدالله بن احمد القاضی الکلابادی، ابو القاسم البخاری.
- [۲۰۵۹] عبیدالله بن محمد بن نافع بن مکرم بن حفص الزاهد، ابو العباس العابد البشتی و کان من الأبدال و جرّب مرة بعد اخرى انه کان مُجاب الدعوة و تُوْفِيَ رضى الله عنه سنة اربع و ثمانین و ثلثمائة و دفن فی بيته.
- [۲۰۶۰] عبیدالله بن علی بن عبیدالله بن داود القاضی، ابو القاسم الداودی المصری سكن بنیسا بور.
- [۲۰۶۱] عبیدالله بن محمد بن ابراهیم بن جبرئیل، ابوبکر النیسابوری.
- [۲۰۶۲] عبیدالله بن ابی ذرین بن ابی رجا النیسابوری.
- [۲۰۶۳] عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن مخلد الدهان البلخی.
- [۲۰۶۴] عبیدالله بن منصور بن عبدالله الکلاحی المصری الشاعر.
- [۲۰۶۵] عبیدالله بن محمد المتکلم النیسابوری، ابونصر.
- [۲۰۶۶] عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن حامد، ابو القاسم الزاهد البلخی.
- [۲۰۶۷] عبدالرحمن بن محمد بن جعفر بن احمد بن سعید، ابو محمد بن ابی بکر الجرجانی و کان ابوه جرجانیا و هو نيسابوری.
- [۲۰۶۸] عبدالرحمن بن احمد بن حمدويه المؤذن، ابوسعید بن ابی حامد النیسابوری.
- [۲۰۶۹] عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن مهران، ابو مسلم الحافظ الزاهد البغدادی.
- [۲۰۷۰] عبدالرحمن بن محمد بن محبوب بن حفص بن ابراهیم التمیمی النیسابوری الدهان.
- [۲۰۷۱] عبدالرحمن بن محمد بن حمدان القاضی، ابو محمد الجرجانی.
- [۲۰۷۲] عبدالرحمن بن علی بن محمد بن یحییٰ بن عبدالرحمن، ابو الفضل التمیمی

- النيسابورى و كان من وجوه نيسابور ثروة و شهامة و مروة.
 [٢٠٧٣] عبدالرحمن بن محمد بن حكا، ابوسعيد الحاكم الفزى.
 [٢٠٧٤] عبدالرحمن بن محمد بن جعفر الواعظ، ابونصر العقيلي النيسابورى.
 [٢٠٧٥] عبدالرحمن بن الحسن بن يعقوب الصوفى، ابوالقاسم بن الحسن الحداد
 النيسا [٢٥b] بورى.
 [٢٠٧٦] عبدالرحمن بن حمدون بن تجار الفقيه، ابوالوليد النيسابورى.
 [٢٠٧٧] عبدالرحمن بن ابراهيم بن محمد بن يحيى، ابوالحسن بن [ابى] اسحق المزكى
 النيسابورى.
 [٢٠٧٨] عبدالرحمن بن عبدالله بن يعقوب بن سمويه، ابوسعيد النيسابورى.
 [٢٠٧٩] عبدالرحمن بن احمد بن جعفر، ابوالقاسم الشيبانى النيسابورى.
 [٢٠٨٠] عبدالرحمن بن محمد بن الحسين الصوفى النيسابورى، ابوالقاسم الحجاج حج
 نيفاً و ثلثين حجة مدفون فى مقبرة الحسين بن معاذ و هومات بنسا. حُمِلَ تَابُوتُهُ
 الى نيسابور.
 [٢٠٨١] عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن داود السجزي، ابو محمد النيسابورى.
 [٢٠٨٢] عبدالرحمن بن على بن محمد الترمذى، ابوالقاسم صاحب الترمذ.
 [٢٠٨٣] عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن الواعظ، ابوبكر السرخسى.
 [٢٠٨٤] عبدالرحمن بن محمد بن الحسن، ابو محمد النصر آبادى النيسابورى.
 [٢٠٨٥] عبدالرحمن بن حمدان الصيدلانى الرمجارى النيسابورى.
 [٢٠٨٦] عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد بن اسحق وَجَدُهُ امام اهل [الحديث] ابوبكر
 محمد بن اسحق و هو نيسابورى.
 [٢٠٨٧] عبدالرحمن بن محمد بن احمد بن بالويه، ابو محمد المزكى النيسابورى.
 [٢٠٨٨] عبدالرحمن بن احمد بن محمد بن ابراهيم من اولاد سعد بن عباده الخزرجى
 الانصارى رضى الله عنه، ابو محمد بن ابى عمرو العمارى النيسابورى.
 [٢٠٨٩] عبدالرحمن بن الحسن بن على، ابوسعيد.
 [٢٠٩٠] [عبدالرحمن] احمد بن على الصفار النيسابورى.
 [٢٠٩١] عبدالواحد بن احمد بن محمد بن عمر بن عبدالرحمن القرشى، ابو عمرو
 العُنْكَدْرِى.
 [٢٠٩٢] عبدالواحد بن محمد بن الشاه، ابوالحسين الصوفى الشيرازى.

- [۲۰۹۳] عبدالواحد بن احمد بن القسم من ولد عبدالرحمن بن عوف و هو ابن ابی الفضل المتکلم الاشعری.
- [۲۰۹۴] عبدالواحد بن محمد بن عبدالرحمن، ابوالحسن النیسابوری.
- [۲۰۹۵] عبدالواحد بن علی بن عبدالله، ابوالیسار المروزی.
- [۲۰۹۶] عبدالواحد بن عبدالعزیز بن الحارث التیمی، ابوالحسن الواعظ الحنبلی.
- [۲۰۹۷] عبدالصمد بن احمد بن الحسین بن علی الزبیری، ابوذر القاری النیسابوری.
- [۲۰۹۸] عبدالصمد بن محمد بن حیویه البخاری، ابو محمد الحافظ النیسابوری.
- [۲۰۹۹] عبدالحمید بن عبدالرحمن بن الحسین القاضی بن القاضی، ابوالحسن بن ابی سعید النیسابوری و کان من افراد زمانه و من الذین به افتخار [۴۶a] اهل زمانه لاهل نیشاپور خاصة توفی ببخارا رضی الله عنه حمل تابوته الی نیشاپور.
- [۲۱۰۰] عبدالعزیز بن احمد بن محمد [بن] اسحق، ابواحمد الوزاق النیسابوری.
- [۲۱۰۱] عبدالعزیز بن عبدالملک بن نصر الاموی، ابوالاصبع الاندلسی.
- [۲۱۰۲] عبدالصمد بن محمد بن محمد بن اسحق الزاهد الصوفی، ابونصر بن ابی احمد الصفار النیسابوری.
- [۲۱۰۳] عبدالعزیز بن الحسن بن احمد الدارکی الاصبهانی، ابوالقاسم الفقیه.
- [۲۱۰۴] عبدالعزیز بن محمد بن الحسن الفقیه، ابوالفضل البصروی.
- [۲۱۰۵] عبدالعزیز بن محمد بن الحنری الدامغانی، ابو محمد التاجر.
- [۲۱۰۶] عبدالعزیز بن محمد بن محمد بن اسحق، ابو محمد المعدل النیسابوری.
- [۲۱۰۷] عبدالمؤمن بن عبدالملک، ابونصر الدهستانی.
- [۲۱۰۸] عبدالرحیم بن محمد بن یحیی القاضی النیسابوری.
- [۲۱۰۹] عبدالوهاب بن حمزة بن نصر، ابوابرهیم الجرجانی.
- [۲۱۱۰] عبدالجلیل بن مذکور بن ثابت، ابو محمد السعدی.
- [۲۱۱۱] عبدالملک بن محمد بن ابرهیم، ابوسعید بن ابی عثمان الواعظ الزاهد بن الزاهد النیسابوری و قد صنف فی علوم الشریعة و دلائل النبوة و فی سیر العباد و الزهاد کتاباً و صارت تلك المصنفات فی بلاد المسلمین تاریخاً للنیشاپور.
- [۲۱۱۲] عبدالملک بن احمد بن الحسین، ابو محمد الصیدلانی.
- [۲۱۱۳] عمر بن محمد بن مسعود الفقیه، ابو حفص الاسفرائینی.
- [۲۱۱۴] عمر بن احمد بن عبدالله الآجری، ابو حفص البصری.

- [۲۱۱۵] عمر بن احمد بن عمر، ابو حفص الزاهد النیسابوری.
- [۲۱۱۶] عمر بن عبدالعزیز بن محمد بن الحسن المنصوری.
- [۲۱۱۷] عمر بن محمد بن محمد بن داود، ابوسعید النیسابوری.
- [۲۱۱۸] عمر بن احمد بن ابرهیم بن عبدویہ المسعودی، ابو حازم بن ابی الحسن العبدوی النیسابوری.
- [۲۱۱۹] عثمان بن محمد بن مسعود الاسفرائینی، ابویحییٰ الفقیہ.
- [۲۱۲۰] عثمان بن عمران بن الحارث المقدسی، ابو عمرو الصوفی.
- [۲۱۲۱] علی بن احمد بن ابرهیم البوسنجی، ابو الحسن الصوفی الزاهد الورع.
- [۲۱۲۲] علی بن احمد بن الحسن الفقیہ، ابو الحسن المعروضی.
- [۲۱۲۳] علی بن احمد بن عبدالعزیز الجرجانی، ابو الحسن المحتسب.
- [۲۱۲۴] علی بن احمد بن علی بن نصیر التاجر، ابو الحسن [۴۶b] المعدل النصیر النیسابوری.
- [۲۱۲۵] علی بن اسمعیل بن عبدالله، ابو القاسم المطوعی النیسابوری رحمہ اللہ خرج مرتین الی طرسوس و غزل الروم عنها بعد غزواته بخراسان.
- [۲۱۲۶] علی بن احمد بن علی، ابو الحسن بن ابی بکر بن علی الرواسی.
- [۲۱۲۷] علی بن احمد بن فیروز الجلاب، ابو الحسن الصیرکی النیسابوری.
- [۲۱۲۸] علی بن احمد بن بختیار، ابو الحسن النیسابوری.
- [۲۱۲۹] علی بن احمد بن اسد التیمی، ابو الحسن الاخباری.
- [۲۱۳۰] علی بن احمد بن محمد بن الحسن الانماطی، ابو الحسن الروعی.
- [۲۱۳۱] علی بن احمد بن واصل المستملی، ابو القاسم الواصلی الزوزنی.
- [۲۱۳۲] علی بن احمد بن محمد بن احمد بن عیسیٰ، ابو الحسن الطرسوسی.
- [۲۱۳۳] علی بن احمد بن [] الادیب الکاتب التحریر، ابو الفتح البشتی.
- [۲۱۳۴] علی بن احمد بن محمد بن اسمعیل، ابو الحسن البخاری القاضی.
- [۲۱۳۵] علی بن بندار بن الحسن بن علی الصوفی، ابو الحسن الصیرفی الزاهد النیسابوری.
- [۲۱۳۶] علی بن بشر بن علی الصوفی، ابو الحسن القزوینی.
- [۲۱۳۷] علی بن بکر بن علی الوراق، ابو الحسن الواسطی.
- [۲۱۳۸] علی بن حیدل القزوینی، ابو الحسن الصوفی.

- [۲۱۳۹] علی بن جعفر الکاتب، ابوالحسن الفارسی.
- [۲۱۴۰] علی بن جعفر بن عبیدالله الطوسی، ابوالحسن النوقانی.
- [۲۱۴۱] علی بن حمشاد بن سختویه، ابوالحسن النیسابوری محدث عصره بنیساپور و له تصانیف توفی فی شوال سنة ثمان و ثلثین و ثلثمائة و دُفِنَ فی مقبرة المصلی رحمة الله.
- [۲۱۴۲] علی بن الحسن بن احمید البلخی، ابوالحسین.
- [۲۱۴۳] علی بن الحسن بن المثنی العنبری، ابوالحسن الصوفی الطبری.
- [۲۱۴۴] علی بن الحسن بن عبدالرحمن القاضی، ابوالحسن البخاری السردری.
- [۲۱۴۵] علی بن الحسین بن علی الطوسی، ابوالحسن التاجر.
- [۲۱۴۶] علی بن الحسین بن محمودیه، ابوالحسن الصوفی الزاهد.
- [۲۱۴۷] علی بن رشیق الصوفی، ابوالحسن البغدادی.
- [۲۱۴۸] علی بن صالح بن سلیمان النمیری، ابوالقاسم البصری.
- [۲۱۴۹] علی بن عیسی بن ابرهیم بن عبدویہ الحیری النیسابوری، ابوالحسن الوراق.
- [۲۱۵۰] علی بن عمر بن نصر الدقاق، ابوالحسن البغدادی.
- [۲۱۵۱] علی بن عبدالله بن محمد الأودنی، ابوالحسن النیسابوری.
- [۲۱۵۲] علی بن عبدالملک بن سلیمان الفقیه الطرسوسی، ابوالحسن.
- [۲۱۵۳] علی بن عبدالعزیز القاضی الجرجانی.
- [۲۱۵۴] علی بن الفضل بن محمد الخزاعی، ابوالحسن بن [۴۷a] فضلان النیسابوری.
- [۲۱۵۵] علی بن الفضل بن العباس الفقیه، ابوالحسن الشاشی.
- [۲۱۵۶] علی بن القاسم بن العباس بن الفضل، ابوالحسن الزازی.
- [۲۱۵۷] علی بن محمد بن ایوب بن یزید، ابوالحسن الصنعی.
- [۲۱۵۸] علی بن المومل بن الحسن، ابوالقاسم النیسابوری.
- [۲۱۵۹] علی بن محمد بن احمد الطوسی، ابوالحسن بن ابی احمد.
- [۲۱۶۰] علی بن محمد بن اسمعیل، ابوالحسن الکارزی الطوسی.
- [۲۱۶۱] علی بن محمد بن الحسن المقرئ، ابوالحسن الجرجانی الخبازی.
- [۲۱۶۲] علی بن محمد بن احمد بن دلویه.
- [۲۱۶۳] علی بن محمد بن احمد بن دلویه المذکر، ابوالحسن الخانقاهی النیسابوری.
- [۲۱۶۴] علی بن محمد بن العباس الصوفی الرازی.

- [٢١٦٥] علی بن محمد بن عبدالله الصوفی، ابو الحسن القزوينی.
- [٢١٦٦] علی بن محمد بن ابراهیم بن حمدان، ابو الحسن الفارسی.
- [٢١٦٧] علی بن محمد بن علی، ابو الحسن الرمجارى النيسابورى.
- [٢١٦٨] علی بن محمد بن کهمس ابو الحسن العجلی النيسابورى و كان معوج الرجلين و یركب حماراً قصيراً و لا تخلف عن السماع فيكتب في السماع علی العجلی و حماره.
- [٢١٦٩] علی بن مضارب بن ابراهیم، ابو القاسم القارى النيسابورى.
- [٢١٧٠] علی بن مأمون العابد، ابو الحسن النيسابورى.
- [٢١٧١] علی بن محمد بن معاذ، ابو سعيد المولقبادی النيسابورى.
- [٢١٧٢] علی بن محمد بن ابراهیم، ابو جعفر القشیری.
- [٢١٧٣] علی بن محمد بن محمود الفامی النيسابورى، ابو الحسن.
- [٢١٧٤] علی بن محمد بن ابراهیم، ابو الحسن الفقيه النيسابورى.
- [٢١٧٥] علی بن محمد بن اسمعيل النجارى.
- [٢١٧٦] علی بن محمد بن عبدالرحمن، ابو الحسن الساكنی.
- [٢١٧٧] علی بن محمد بن احمد بن موسى القاضی، ابو القاسم بن ابی عبدالله الرازی.
- [٢١٧٨] علی بن محمد بن الحسين الصوفی، ابو الحسن البصری.
- [٢١٧٩] عمرو بن محمد بن منصور العدل، ابو سعيد الجنجرودى النيسابورى الختن و قيل له الختن لانه ختن ابی بكر محمد بن اسحق بن خزیمه.
- [٢١٨٠] عمرو بن اسحق بن ابراهیم بن احمد، ابو محمد السكنی البخاری محدث عصره ببخارا.
- [٢١٨١] عيسى بن زيد بن عيسى الطالبي، ابو الحسن العقيلي العلوي النيسابورى الاديب سكن في رستاق پشت.
- [٢١٨٢] عمران بن موسى بن الحصين، ابو موسى الخبوشانى.
- [٢١٨٣] عباس بن الحسين بن احمد الرازی، ابو الفضل الصفار.
- [٢١٨٤] عباس بن محمد بن العباس البغدادي، ابو محمد الجوهری. [٤٧b]
- [٢١٨٥] عتار بن محمد بن مخلد بن حبيب، ابو ذر البغدادي.
- [٢١٨٦] عصم بن العباس بن احمد الضبي، ابو محمد الهروي.
- [٢١٨٧] عاصم بن الحسين بن يحيى الاصبهاني، ابو الحسن الوزّاق.

- [۲۱۸۸] عُیْنَةُ بن علی، ابوبکر البشتی النیسابوری.
- [۲۱۸۹] عطیه بن سعید، ابو محمد الاندلسی.
- [۲۱۹۰] عوام بن محمد بن حامد القرشی، ابونصر النیسابوری.
- [۲۱۹۱] عتبه بن خیشمة بن محمد بن حاتم القاضي الامام الادیب، ابوالهیشم النیسابوری.
- [۲۱۹۲] فارس بن عیسی الصوفی البغدادی.
- [۲۱۹۳] فتح بن عبدالله الفقیه، ابونصر السندی النیسابوری.
- [۲۱۹۴] فایق بن عبدالله الرومی الخاصة و انما قیل له الخاصة لاختصاصه بالسلطان.
- [۲۱۹۵] الفضل بن محمد بن العباس الواعظ، ابوالعباس الهروی.
- [۲۱۹۶] الفضل بن محمد بن نصیر الاصبهانی.
- [۲۱۹۷] الفضل بن محمد بن ابراهیم المعدل، ابوالعباس بن ابی الفضل المزکی النیسابوری.
- [۲۱۹۸] الفضل بن محمد بن الفضل، ابوالهیشم التاجر النیسابوری.
- [۲۱۹۹] قاسم بن احمد بن محمد المزکی، ابوذر النیسابوری و كان شیخ نیشابور فی عصره.
- [۲۲۰۰] قیس بن طلحة بن احمد الفارسی، ابومازن.
- [۲۲۰۱] قاسم بن عبدالله بن محمد العدوی، ابونصر الجوهری النیسابوری.
- [۲۲۰۲] قتاده بن محمد بن احمد بن عمر النیسابوری.
- [۲۲۰۳] کثیر بن احمد الوزیر، ابو منصور العمید القاینی یتولی بنیسا بور نیفا و ثلاثین سنة و مات بها فحُمِلَ الی قاین.
- [۲۲۰۴] کامل بن احمد بن محمد بن جعفر المعید النیسابوری.
- [۲۲۰۵] لیث بن طاهر بن اللیث، ابونصر النیسابوری.
- [۲۲۰۶] لیث بن نصر بن جبرئیل البخاری، ابونصر الفقیه.
- [۲۲۰۷] محمد بن احمد بن محمد بن زید المعدل، ابو علی بن حیکان النیسابوری.
- [۲۲۰۸] محمد بن احمد بن بالویه الحلاب، ابو محمد المحدث النیسابوری.
- [۲۲۰۹] محمد بن احمد بن بَطَّة الاصبهانی، ابو عبدالله.
- [۲۲۱۰] محمد بن احمد بن سعید، ابو جعفر الرازی.
- [۲۲۱۱] محمد بن احمد بن محمد بن عقبه القاضي، ابو احمد الحنفی المروزی.
- [۲۲۱۲] محمد بن احمد بن عبدالله، ابو الحسن الصفار النیسابوری.
- [۲۲۱۳] محمد بن احمد بن زکریا، ابو الحسن بن زکریا کان من افاضل شیوخنا و هو نیشابوری و مدفون بمقبرة شاهنبر.

- [٢٢١٤] محمد بن احمد بن الحسن الحيرى النيسابورى، ابو الطيب المنادىلى.
- [٢٢١٥] محمد بن عبدالله بن محمد الفقيه، ابوبكر البخارى ثم الأودنى.
- [٢٢١٦] محمد بن احمد بن محمد بن الحسين المعادى، [٤٨٨] ابوالحسن الاديب النيسابورى.
- [٢٢١٧] محمد بن احمد بن محمد بن أبى الحيرى، ابوبكر بن ابى الحسين الغازى النيسابورى.
- [٢٢١٨] محمد بن احمد بن شعيب بن هارون، ابواحمد الشيعى العدل النيسابورى.
- [٢٢١٩] محمد بن احمد بن اسحق بن ابراهيم الصيدلانى، ابو عمرو بن ابى بكر العدل المتطبب النيسابورى.
- [٢٢٢٠] محمد بن احمد بن حمدون بن الحسن بن يزيد، ابو الطيب المذكر النيسابورى.
- [٢٢٢١] محمد بن احمد بن اسحق، ابو عمرو الصغير و لقد كان كبيراً فى العلوم و العدالة و هو نيسابورى.
- [٢٢٢٢] محمد بن احمد بن بشر الصوفى، ابو منصور الحيرى النيسابورى.
- [٢٢٢٣] محمد بن احمد بن حمدان، ابو عمرو بن ابى جعفر الحيرى النيسابورى.
- [٢٢٢٤] محمد بن احمد بن موسى الجامعى، ابو حبيب المصاحفى النيسابورى.
- [٢٢٢٥] محمد بن احمد بن حمشاد، ابو العباس الدقاق النيسابورى.
- [٢٢٢٦] محمد بن احمد بن حمدون الصوفى، ابوبكر الفراء النيسابورى مدفون فى مقبرة جنيدايته.
- [٢٢٢٧] محمد بن احمد بن عبدالرحمن، ابوبكر الزيقى النيسابورى.
- [٢٢٢٨] محمد بن احمد بن عبدالله بن احمد الفقيه، ابوزيد المروزى.
- [٢٢٢٩] محمد بن احمد بن منه السمسار النيسابورى.
- [٢٢٣٠] محمد بن احمد بن بالويه المعدل، ابو على النيسابورى.
- [٢٢٣١] محمد بن احمد بن هارون الريوندى، ابوبكر الشافعى النيسابورى.
- [٢٢٣٢] محمد بن احمد بن محمد النيسابورى و هو الملقب بزبارة السيد العلوى شيخ الطالبيية بنيسابور بل بخراسان فى عهده رضى الله عنه مدفون فى مقبرة العلوية بجنب عبدالله [بن] طاهر الامير.
- [٢٢٣٣] محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله، ابوالحسين بن زبارة العلوى ولد السيد ابى محمد بن زبارة.

- [۲۲۳۴] محمد بن احمد بن بالویه، ابو نصر بن [] جلاب النیسابوری.
- [۲۲۳۵] محمد بن احمد بن محمد، ابوبکر بن [ابی] الحسین الابریشمی النیسابوری.
- [۲۲۳۶] محمد بن احمد بن محمد، ابوسهل ابی بشر الحسینوی النیسابوری.
- [۲۲۳۷] محمد بن احمد بن علی الادیب التاجر، ابوالحسن بن الصفار النیسابوری.
- [۲۲۳۸] محمد بن احمد بن عبدالله بن شهمرد، ابوالحسین الفقیه النصرآبادی النیسابوری
من محلة نصرآباد.
- [۲۲۳۹] محمد بن احمد بن بشر المزکی، ابو عبدالله بن بشرویه النیسابوری شیخ اهل
الرأی فی عصره.
- [۲۲۴۰] محمد بن احمد بن محمد [۴۸b] الخفاف، ابو عمرو القهندزی النیسابوری.
- [۲۲۴۱] محمد بن احمد بن جعفر الیزدی.
- [۲۲۴۲] محمد بن احمد بن محمد بن محمود، ابوالعباس القبابی النیسابوری.
- [۲۲۴۳] محمد بن احمد بن شعیب الفقیه، ابوسعید الخفاف النیسابوری.
- [۲۲۴۴] محمد بن احمد بن موسی، ابوالطیب الرازی.
- [۲۲۴۵] محمد بن احمد بن قحطبه، ابوالحسن المروزی.
- [۲۲۴۶] محمد بن احمد بن الحسن الفامی، ابواحمد النیسابوری.
- [۲۲۴۷] محمد بن احمد بن موسی، ابواحمد المزینانی النیسابوری.
- [۲۲۴۸] محمد بن احمد بن [محمد بن] موسی البخاری، ابونصر الملاحمی.
- [۲۲۴۹] محمد بن احمد بن حامد، ابواحمد الکرابسی النیسابوری.
- [۲۲۵۰] محمد بن احمد بن محمد بن جعفر، ابو عمرو بن ابی الحسین البَحرَی
النیسابوری.
- [۲۲۵۱] محمد بن احمد بن حاضر الطوسی، ابوبشر الحاضری.
- [۲۲۵۲] محمد بن احمد الخالیدی النیسابوری.
- [۲۲۵۳] محمد بن احمد بن الحسن، ابوالفضل الصایغ النیسابوری.
- [۲۲۵۴] محمد بن احمد بن ثابت الیزاز، ابوالحسین البغدادی.
- [۲۲۵۵] محمد بن احمد بن جعفر، ابونصر الطوسی.
- [۲۲۵۶] محمد بن احمد بن عبدوس، ابوالحسن الحاتمی النیسابوری.
- [۲۲۵۷] محمد بن احمد بن عبدالاعلی، ابو عبدالله المغربی.
- [۲۲۵۸] محمد بن احمد الفقیه، ابوبشر الادیب الشروطی.

- [٢٢٥٩] محمد بن احمد بن ابی الفوارس، ابو الفتح البغدادی.
- [٢٢٦٠] محمد بن احمد بن عبدالوہاب الواعظ، ابوبکر الاسفرائینی.
- [٢٢٦١] محمد بن احمد بن محمد بن یزید، ابوبکر الاصبہانی و لکن ابوبکر نیشابوری و ابوہ کان اصفہانیا.
- [٢٢٦٢] محمد بن احمد بن الحسن السمسار النیشابوری، ابوطاہر الطاہری.
- [٢٢٦٣] محمد بن احمد بن محمد بن خاقان، ابو عبدالله البخاری.
- [٢٢٦٤] محمد بن احمد بن یحییٰ الفقیہ، ابو الفضل الترمذی.
- [٢٢٦٥] محمد بن احمد بن محمد التمیمی، ابو العباس بن ابی الحسن السلیطی النیشابوری.
- [٢٢٦٦] محمد بن احمد بن عبدالله السکری، ابو احمد المسکی النیشابوری.
- [٢٢٦٧] محمد بن احمد [بن] محمد [بن] حفص الحرشی، ابو نصر النیشابوری.
- [٢٢٦٨] محمد بن احمد بن محمد بن حم، ابو الفضل الجلودی النیشابوری.
- [٢٢٦٩] محمد بن احمد بن محمد الطوسی ابوبکر بن ابی تراب المسافری النوقانی.
- [٢٢٧٠] محمد بن احمد بن علی، ابوبکر القاضی الفارسی.
- [٢٢٧١] محمد بن احمد بن حسن بن العارف [٤٩٨] الزاهد، ابو احمد الحسنوی النیشابوری من کبار مشایخ التصوف مدفون فی مقبرۃ شہتیر.
- [٢٢٧٢] محمد بن احمد بن محمد [بن] محمود، ابو الحسن المزاحمی النیشابوری تفقہ عند الاستاد ابی الولید.
- [٢٢٧٣] محمد بن احمد بن عمر الخفاف، ابو نصر النیشابوری.
- [٢٢٧٤] محمد بن احمد بن الحامد، ابو الحسن العطار النیشابوری.
- [٢٢٧٥] محمد بن احمد بن سهل، ابو سهل الوراق الزوزنی.
- [٢٢٧٦] محمد بن احمد بن عمرو بن النیشابوری.
- [٢٢٧٧] محمد بن احمد بن علی، ابو الحسن الصبغی الجندرودی النیشابوری.
- [٢٢٧٨] محمد بن احمد بن محمد الفقیہ، ابوبکر بن ابی سعید النسوی.
- [٢٢٧٩] محمد بن احمد بن علی بن عبدالرحیم، ابو الحسن بن ابی احمد الصفار النیشابوری.
- [٢٢٨٠] محمد بن احمد بن سعید، ابو نصر بن ابی سعید الوالی النیشابوری.
- [٢٢٨١] محمد بن احمد بن علی بن شعیب، ابوبکر الکرابیسی النیشابوری من خان دستی.

- [۲۲۸۲] محمد بن احمد بن عبد الله الذَّيْبَلِي، ابو العباس الوراق.
- [۲۲۸۳] محمد بن احمد بن الحسن بن سعيد الجرجاني، ابوبكر الوراق.
- [۲۲۸۴] محمد بن احمد بن محمد بن عقيل، ابوبكر القطان النيسابوري.
- [۲۲۸۵] محمد بن احمد بن سعيد الانماطي البخاري، ابو محمد.
- [۲۲۸۶] محمد بن احمد بن موسى القاضي، ابو عبدالله الحارثي الداري.
- [۲۲۸۷] محمد بن احمد بن يحيى الفقيه، ابونصر السرخسي.
- [۲۲۸۸] محمد بن احمد بن بالويه، ابو منصور الكسائي النيسابوري.
- [۲۲۸۹] محمد بن احمد بن يعقوب المزكي، ابو عبدالله الاديبي.
- [۲۲۹۰] محمد بن احمد بن علي بن نصير المعدل، ابو عبدالله النصيري النيسابوري.
- [۲۲۹۱] محمد بن احمد بن عبدوس، ابوبكر بن ابي علي بن عبدوس النيسابوري المزكي.
- [۲۲۹۲] محمد بن ابراهيم بن الفضل الهاشمي، ابو الفضل المزكي النيسابوري واكثر شيوخ نيسابور في العدالة.
- [۲۲۹۳] محمد بن ابراهيم بن عمران بن موسى الجوري، ابوبكر النحوي من جور فارس.
- [۲۲۹۴] محمد بن ابراهيم بن علي بن حسويه الزاهد، ابوبكر الوراق النيسابوري وكان من الهكايين من خشية الله تعالى حتى لقب بالهكاي.
- [۲۲۹۵] محمد بن ابراهيم بن الحسن [بن] موسى المناشكي النيسابوري، ابو العباس المحاملي.
- [۲۲۹۶] محمد [بن] [۴۹b] ابراهيم الفامي، ابوبكر النيسابوري.
- [۲۲۹۷] محمد بن ابراهيم بن نصر، ابو عبدالله الأزنبي.
- [۲۲۹۸] محمد بن ابراهيم بن اسحق البخاري، ابوبكر الصانع.
- [۲۲۹۹] محمد بن ابراهيم بن ابي عمران الاميرين الامير ناصر الدولة، ابو الحسن النيسابوري.
- [۲۳۰۰] محمد بن ابراهيم بن حمش، ابو عبد [الله] النيسابوري نزيل نسا.
- [۲۳۰۱] محمد بن ابراهيم بن يحيى الاديبي، ابو عمرو البشتي وانشد في ذكر اصحاب الحديث قصيدة بعضها هذا:

وَدَعَّ فِكْرَ جُرْجَانٍ فَإِنَّ شُيُوخَنَا
بِبَلَدَةِ نَيْسَابُورِ أَعْلَىٰ فَمَا الْحَزْنَ؟

فَيَحْيَىٰ بِنِ يَحْيَىٰ لَا يُقَاسُ بِغَيْرِهِ
 كَفَاكَ بِهِ عِزًّا إِذَا كُنْتَ مُتَّخَنَ
 وَتَسَابِعُهُمْ اسْحَقُ لِإِلَهٍ ذُرَّةُ
 نَعَمَ وَالرِبَاطِيُّ فَضْلُهُمْ غَيْرَ مُكْتَمَنَ
 أَبُو الْأَظْهَرِ الْمِفْضَالُ ثُمَّ ابْنُ هَاشِمِ
 وَمُسْلِمِ أَرْبَابِ الْحَدِيثِ فَلَاتَحَنَ
 فَمَنْ مِثْلُهُمْ فِي حِفْظِهِمْ وَمَحَلِّهِمْ
 فَأَتَاؤُهُمْ يَسْفَىٰ وَتَدْفَعُ فِي الْمَحَنِ
 وَمَنَا ابْنُ اسْحَقِ الْخَزِيمِيُّ شَيْخُنَا
 وَمَفْخَرُنَا شَيْخُ الْمَشَايِخِ وَالزَّمَنِ
 لَقَدْ كَانَ لِلْإِسْلَامِ رُكْنًا وَمَرْكَزًا
 سَقَىٰ اللَّهُ قَبْرًا فِيهِ ذَا الشَّيْخِ مُنْتَدِفِنَ
 وَمِنَّا أَبُو عَمْرٍو بِنِ نَصْرٍ رَثِيئُنَا
 بِهِ عُرِفَ الْعِزُّ الَّذِي أَهْلُهُ سَكَنَ
 وَتَفَخَّرَ بِالسَّرَاجِ فَخْرًا مُوَاطِبًا
 وَبِالْحَرَشِيِّ الْحَيْرِيِّ مَنْ أَوْضَحُوا السَّنَنَ
 حَسِينِ وَجَارُودُنَا وَمَسَدِ
 وَعَنِ جَعْفَرِينَ الْعِلْمِ بِالْحِفْظِ مُقْتَرِنَ
 وَلَكُمُ أَطْمَآنٌ إِلَّا بِذِكْرِ مُفْضَلِ
 أَبِي طَالِبٍ كُنْ بِذِكْرِهِ مَطْمَئِنَ
 وَبَعْدَهُمُ الشُّوقِيُّ ثُمَّ مَوْمَلُ
 أَتَلْتُ بِالْمَكِيِّ يَا حَبِذَا الْقَرْنَ
 وَمَنَا أَبُو عَثْمَانَ ثُمَّ مُحَمَّدُ
 عَتِيبِ ابْنِ أَبِي بَكْرٍ أَفْرَدَايَةَ آدِنَ
 وَمَنَا الْأَدِيبُ الْأَزَيْحِيُّ الَّذِي مَضَىٰ
 أَبُو الْقَاسِمِ الشَّيْخُ الْمَذْكُورُ وَأَمِنَ
 وَمَنَا الْفَقِيهُ الْبَيْهَقِيُّ مُحَمَّدُ
 فَكَيْفَ الطَّبَارِيُّ وَهُوَ فِي اللَّحْدِ وَالْكَفَنِ

وَ مِنَّا الرَّئِيسَ الْفَاضِلَ السَّيِّدَ الَّذِي
 بِمَنْصُورَتِهِ لَمْ يَرْتَفِعْ رَأْسُ []
 أَقْبُولُ لَهُ وَالْقَوْلُ مِنِّي تَحِيَّةٌ
 سَلَامٌ عَلَيَّ [الشَّيْخِ] الرَّئِيسِ أَبِي الْحَسَنِ
 وَمِنَّا مِنَ الْأَحْيَاءِ، طَالَ بَقَاءُهُمْ
 وَ دَامَ لَهُمْ فَضْلٌ وَ عَمْرٌ بِلا شَحْنِ [٥٠٨]
 كَمَثَلِ أَبِي بَكْرٍ اسْحَقَ صَدْرِنَا
 إِمَامٌ لِأَسْبَابِ الْفَرَايِضِ وَالسُّنَنِ
 وَمِنَّا مِنَ الْأَصْحَابِ قَامُوا مِنْهُ
 هُوَ الْبَقِي الطَّالِبُ الْحَمْدُ بِالثَمَنِ
 لَقَدْ بَلَّغُوا فِي الدِّينِ أَشْرَفَ خَطْرِهِ
 وَ يَحْيَى بْنُ مَنْصُورٍ وَ هُمُ سَادَةُ الزَّمَنِ
 وَ حَسَّانُ سَيْفِ اللَّهِ وَ الصَّارِمُ الَّذِي
 بَدَيْنَ بِهِ وَلَمْ يَفِرْ وَالْمِ يَدُنِ []
 عَلَيْهِمْ صَلَوةُ اللَّهِ مَا ذَرَّ شَارِقُ
 وَ مَا صَاحَ قُمْرِيُّ عَلَيَّ شُعْبُ الْفَنَنِ
 وَ كُلُّ فُقَيْهِ حَاكِمٍ وَ مَذْكَرٍ
 فَمِنَّا إِبْرَاهِيمَ الْمَدَائِنِ وَ الْفَطَنِ.

[٢٣٠٢] محمد بن ابراهيم بن علي النيسابوري، ابو العباس من رستاق باخرز.

[٢٣٠٣] محمد بن ابراهيم بن سعيد، ابو جعفر البوسنجي.

[٢٣٠٤] محمد بن ابراهيم بن []، ابو عثمان الزاهد النيسابوري و كان من الصوفية العبادة
 رحمة الله عليه.

[٢٣٠٥] محمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد الصبغى، ابو العباس اخو شيخ ابوبكر
 النيسابوري.

[٢٣٠٦] محمد بن ابراهيم بن يحيى، ابوبكر الكسائي النيسابوري.

[٢٣٠٧] محمد بن ابراهيم بن نصر الوكيل، ابوبكر النيسابوري.

[٢٣٠٨] محمد بن ابراهيم، ابو سعيد الاديب النيسابوري.

[٢٣٠٩] محمد بن اسحق بن محمد بن يحيى الاصفهاني.

- [٢٣١٠] محمد بن اسحق بن محمد المعدل، ابوالحسن المولقبادی النیسابوری.
- [٢٣١١] محمد بن اسحق بن بشر ویه الزاهد من قریة الزاء، ابو جعفر الزائی.
- [٢٣١٢] محمد بن اسحق بن محمد السختیانی، ابوالحسن النیسابوری.
- [٢٣١٣] محمد بن بشر بن العباس، ابوسعید الکرابیسی النیسابوری المعروف بالبصری.
- [٢٣١٤] محمد بن بکر بن بشر البونی، ابو عبدالله الفقیه.
- [٢٣١٥] محمد بن بسطام [بن] الحسن، ابو جعفر الاستوائی.
- [٢٣١٦] محمد بن جعفر بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ایطالب رضی الله عنهم، السید ابو جعفر الموسوی وکان أَوْحَدُ الاشراف فی عصره.
- [٢٣١٧] محمد بن جعفر [بن] احمد بن موسی الفقیه الادیب، ابوبکر بن ابی جعفر المزکی البشتی.
- [٢٣١٨] محمد بن جعفر بن ابرهیم بن یوسف، ابوبکر الفامی النیسابوری.
- [٢٣١٩] محمد بن جعفر بن محمد بن مطر العدل، ابو عمرو الزاهد النیسابوری.
- [٢٣٢٠] محمد بن جعفر بن محمود، ابوسعید الهروی.
- [٢٣٢١] محمد بن جعفر بن ابرهیم النسوی، ابو جعفر.
- [٢٣٢٢] محمد بن جعفر بن [٥٠b] الحسین بن محمد بن المفید، ابوبکر البغدادی.
- [٢٣٢٣] محمد بن الحسن بن []، ابوطاهر المحمد آبادی النیسابوری.
- [٢٣٢٤] محمد بن الحسن بن علی بن بکر المعدل، ابوالحسن النیسابوری.
- [٢٣٢٥] محمد بن الحسن بن الحسن التاجر العدل، ابوالحسن من اجل مشایخ العلم النیسابوری.
- [٢٣٢٦] محمد بن الحسن بن احمد بن اسمعیل، ابوالحسن المقری السراج النیسابوری.
- [٢٣٢٧] محمد بن الحسن المولقبادی.
- [٢٣٢٨] محمد بن محمد الصوفی، ابوالعباس البغدادی ابن الخشاب.
- [٢٣٢٩] محمد بن الحسن الفقیه، ابو عبدالله الجرجانی الختن.
- [٢٣٣٠] محمد بن الحسن بن فورک، ابوبکر الاصبهانی.
- [٢٣٣١] محمد بن الحسن بن ثابت، ابوبکر النیسابوری.
- [٢٣٣٢] محمد بن الحسین بن محمد بن اسمعیل السلمی، ابوالحسن الکرابیسی النیسابوری.

- [۲۳۳۳] محمد بن الحسین بن محمد، ابوالحسن الجرجانی.
- [۲۳۳۴] محمد بن الحسین بن محمد، ابوالحسن الماوی النیسابوری.
- [۲۳۳۵] محمد بن الحسین بن یحیی، ابو جعفر المؤدب البشتی.
- [۲۳۳۶] محمد بن الحسین الجرجانی، ابوالحسن الخیاطی النیسابوری الورّاق امام نیشابور.
- [۲۳۳۷] محمد بن الحسن بن زید، ابواحمد الورّاق الطوسی.
- [۲۳۳۸] محمد بن الحسین، ابو عبدالله الانباری الوضّاحی.
- [۲۳۳۹] محمد بن الحسین بن داود الحسینی العلوی، ابوالحسن النیسابوری رضی الله عنه.
- [۲۳۴۰] محمد بن الحسن بن داود بن علی، ابو علی الحسنی النیسابوری العلوی رضی الله عنه.
- [۲۳۴۱] محمد بن الحسین بن موسی السمسار النیسابوری، ابوسعید.
- [۲۳۴۲] محمد بن الحسین بن مهران، ابوالحسن الفقیه النیسابوری.
- [۲۳۴۳] محمد بن الحسین بن موسی السلمی، ابو عبدالرحمن النیسابوری.
- [۲۳۴۴] محمد بن الحسین بن محمد، ابو الفضل قاضی المعروف بالحدادی النیسابوری.
- [۲۳۴۵] محمد بن الحسین الفقیه، ابو عمرو البسطامی.
- [۲۳۴۶] محمد بن حاتم الکشی.
- [۲۳۴۷] محمد بن حیان التمیمی، ابو حاتم البشتی القاضی.
- [۲۳۴۸] محمد بن حیکان، ابوالحسن السحوری النیسابوری.
- [۲۳۴۹] محمد بن حفص بن عمر، ابوالعباس النیسابوری المعروف بالهروی.
- [۲۳۵۰] محمد بن حیّان [بن حمدویه] الصوفی، ابوبکر صاحب الاحوال مدفون فی مقبرة الحسین رضی الله عنه.
- [۲۳۵۱] محمد بن حامد بن محمود [۵۱۸] القطان، ابوالعباس الشامتی النیسابوری.
- [۲۳۵۲] محمد بن حامد بن امة النیسابوری.
- [۲۳۵۳] محمد بن حامد بن علی، ابوبکر البخاری.
- [۲۳۵۴] محمد بن حام بن متک النیسابوری، ابو عبدالله الحمال.
- [۲۳۵۵] محمد [بن] محمد بن حمدون المعدل، ابوبکر.
- [۲۳۵۶] محمد بن حمدون بن مالک، ابو عبدالله البغدادی.

- [٢٣٥٧] محمد بن حسنویه بن سلمویه البغوی، ابو جعفر.
- [٢٣٥٨] محمد بن حسن، ابو منصور القرشی المصنف النیسابوری.
- [٢٣٥٩] محمد بن حسان بن محمد، ابو عبدالله القرشی النیسابوری.
- [٢٣٦٠] محمد بن الخلیل المعدل، ابو عبدالله الاصبهانی.
- [٢٣٦١] محمد بن الخالد بن الحسن، ابو بکر البخاری.
- [٢٣٦٢] محمد بن خشنام بن احمد، ابو عمرو الکاغذی النیسابوری.
- [٢٣٦٣] محمد بن خلف بن جعفر السلمی المنجم.
- [٢٣٦٤] محمد بن داود بن سلیمان، ابو بکر النیسابوری شیخ التصوف فی عصره.
- [٢٣٦٥] محمد بن []، ابو العباس الامیر القتیبی.
- [٢٣٦٦] محمد بن زید بن علی البلخی، ابو الحسن الکوفی.
- [٢٣٦٧] محمد بن سلیمان الحنفی العجلی الامام، ابو سهل الصعلوکی الفقیه الادیب اللغوی النحوی الشاعر المتکلم المفتی الصوفی الکاتب العروسی العلامة النیسابوری رضی الله عنه وارضاه.
- [٢٣٦٨] محمد بن احمد بن سلیمان بن محمد، ابو جعفر الازاری النیسابوری وازار قریة علی فرسخین من البلد.
- [٢٣٦٩] محمد بن سلیمان بن بلال، ابو بکر المقرئ النیری النیسابوری.
- [٢٣٧٠] محمد بن سهل بن ابرهیم بن سهل، ابو عبدالله التاجر النیسابوری.
- [٢٣٧١] محمد بن سعید بن محمد الکرابیسی النیسابوری.
- [٢٣٧٢] محمد بن سیما القطان النیسابوری.
- [٢٣٧٣] محمد بن شعیب بن جبریل، ابو بکر المؤدب.
- [٢٣٧٤] محمد بن سادل السجزی، ابو نصر الادیب.
- [٢٣٧٥] محمد بن صالح بن هانی المیدانی، ابو جعفر النیسابوری الوراق.
- [٢٣٧٦] محمد بن صالح بن علی، ابو عبدالله البشتی النیسابوری.
- [٢٣٧٧] محمد بن صالح بن محمد بن سعید القحطانی، ابو عبدالله الاندلسی.
- [٢٣٧٨] محمد بن صالح بن علی [بن] العباس المظلی، ابو الحارث.
- [٢٣٧٩] محمد بن طلحة بن منصور بن هانی، ابو بکر النیسابوری.
- [٢٣٨٠] محمد بن طاهر بن محمد، ابو طاهر الصوفی النیسابوری.
- [٢٣٨١] محمد بن [طاهر بن] علی [اصبها]نی، ابو علی.

- [۲۳۸۲] محمد بن طاهر [۵۱b] بن الحسين، ابو الحسن النيسابورى.
- [۲۳۸۳] محمد بن طاهر بن محمد، ابو نصر الوزير النيسابورى.
- [۲۳۸۴] محمد بن طاهر بن يحيى، ابو الحسن الفلقى النيسابورى. و فلق قرية على نصف فرسخ من البلد كبيرة عامره.
- [۲۳۸۵] محمد بن ظفر بن محمد العلوى الحسينى المصنف العالم النيسابورى رضى الله عنه.
- [۲۳۸۶] محمد بن عبد الله بن احمد، ابو عبد الله الصفار الاصبهانى محدث عصره بخراسان و كان مُجَابُ الدعوة [لم يَرَفَعْ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ كَمَا بَلَّغْنَا نَبِيًّا] و [اربعين سنة. تُوُفِّيَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي سَنَةِ تِسْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِينَ وَ دُفِنَ فِي دَارِهِ فِي سَكَّةِ الْعَنَبِيِّ.
- [۲۳۸۷] محمد بن عبد الله التاجر، ابو عبد الرحمن النيسابورى.
- [۲۳۸۸] محمد بن عبد الله بن دينار العدل، ابو عبد الله النيسابورى.
- [۲۳۸۹] محمد بن عبد الله بن بالويه، ابو جعفر الشاماتى النيسابورى.
- [۲۳۹۰] محمد بن عبد الله بن محمد، ابو بكر النيسابورى.
- [۲۳۹۱] محمد بن عبد الله بن محمد ابو عبد الله المزنى اخو الشيخ المزنى، تُوُفِّيَ بَنِيْسَابُور.
- [۲۳۹۲] محمد بن عبد الله بن محمد بن صبيح العمرى النيسابورى، رضى الله عنه.
- [۲۳۹۳] محمد بن عبد الله بن محمد الرازى، ابو الحسين.
- [۲۳۹۴] محمد بن عبد الله بن حمشاد الغازى، ابو بكر النيسابورى.
- [۲۳۹۵] محمد بن عبد الله بن محمد بن بشر المزنى، ابو الحسن الهروى.
- [۲۳۹۶] محمد بن عبد الله بن عبد العزيز، ابو بكر الرازى.
- [۲۳۹۷] محمد بن عبد الله بن قريش الورّاق الرّيوْنجى النيسابورى.
- [۲۳۹۸] محمد بن عبد الله بن ابرهيم، ابو الحسن السليطى النيسابورى.
- [۲۳۹۹] محمد بن عبد الله [بن] محمد [بن نعمان، ابو العباس] الأسفراينى.
- [۲۴۰۰] محمد بن عبد الله بن ابرهيم، ابو سعيد الزاهد المروزى.
- [۲۴۰۱] محمد بن عبد الله بن حمشاد، ابو منصور النيسابورى.
- [۲۴۰۲] محمد بن عبد الله بن الحسن الشّعيرى النيسابورى.
- [۲۴۰۳] محمد بن عبد الله الشيبانى، ابو بكر بن ابى الحسن المعدل النيسابورى.
- [۲۴۰۴] محمد بن عبد الله البزاز البخارى.

- [٢٤٠٥] محمد بن عبدالله بن يعقوب، ابوبكر النيسابورى و يعرف بالنسال.
- [٢٤٠٦] محمد بن عبدالله بن شنويه الهمدانى.
- [٢٤٠٧] محمد بن عبدالله بن [محمد بن] الحسين الفقيه، ابوبكر الصبغى النيسابورى.
- [٢٤٠٨] محمد بن عبدالله بن احمد البوسنجى، ابوبكر الواعظ الصوفى.
- [٢٤٠٩] محمد بن عبدالله [بن] الفضل الفارسى، ابو عبدالله الوراق.
- [٢٤١٠] محمد بن عبدالله بن اسمعيل، ابو جعفر، الاديب الرئيس النيسابورى.
- [٢٤١١] محمد بن عبدالله بن محمد، ابوبكر الفارسى.
- [٢٤١٢] محمد و على ابنا عبدالله بن محمد الأودنى النيسابورى.
- [٢٤١٣] محمد بن عبدالله بن ادريس، ابو عبدالله.
- [٢٤١٤] محمد بن عبدالله بن [٥٢٨] حمشاد، ابوسعيد الحاسب النيسابورى.
- [٢٤١٥] محمد بن عبدالله بن حمدون ابوسعيد النيسابورى.
- [٢٤١٦] محمد بن على بن الحسن الحسنى مولده بهمدان و منشأؤه بعراق رضى الله عنه.
- [٢٤١٧] محمد بن على بن الحسين، ابو على الاسفراينى.
- [٢٤١٨] محمد بن على بن الخليل الرمجارى، ابوبكر التاجر النيسابورى.
- [٢٤١٩] محمد بن على بن عمر، ابو على البرزنجى النيسابورى.
- [٢٤٢٠] محمد بن على بن احمد الجلاب، ابو منصور الفارسى.
- [٢٤٢١] محمد بن على بن محمد بن الحسن الطوسى.
- [٢٤٢٢] محمد بن على بن الحسن، ابو الطيب الخياط النيسابورى و كان مجاب الدعوة.
- [٢٤٢٣] محمد بن على دمشقى، ابوبكر.
- [٢٤٢٤] محمد بن عبدالله الكلاتى، ابو احمد النيسابورى.
- [٢٤٢٥] محمد بن على الاديب، ابو العباس الكرخى.
- [٢٤٢٦] محمد بن على بن اسمعيل، ابوبكر القفال الشاشى امام عصره بماوراء النهر.
- [٢٤٢٧] محمد بن على بن الحسين، ابوبكر المؤدب النيسابورى.
- [٢٤٢٨] محمد بن على [بن] عبدالله الزوزنى.
- [٢٤٢٩] محمد بن على بن محمد بن يحيى النيسابورى.
- [٢٤٣٠] محمد بن على بن مؤمل النيسابورى.
- [٢٤٣١] محمد بن على العلوى، ابو جعفر اليمانى.
- [٢٤٣٢] محمد بن على بن عمرو الاصبهانى، ابوسعيد.

- [۲۴۳۳] محمد بن علی بن الحسن، ابوبکر المروزی.
- [۲۴۳۴] محمد بن علی [بن] سهل، ابوالحسن الماسرجسی.
- [۲۴۳۵] محمد بن علی بن بکر النیسابوری.
- [۲۴۳۶] محمد بن علی بن محمد، ابوعلی المؤذن النیسابوری.
- [۲۴۳۷] محمد بن علی بن الرزاد، ابو عبدالله البصری.
- [۲۴۳۸] محمد بن علی بن محمد الرازی، ابوالحسن الفامی النیسابوری.
- [۲۴۳۹] محمد بن عبیدالله بن محمد، ابوبکر بن عبید النیسابوری.
- [۲۴۴۰] محمد بن عبیدالله [بن] ابرهیم [بن] بالویه، ابوالقاسم النیسابوری.
- [۲۴۴۱] محمد بن عبدالرحمن بن محمد، ابوالحسین بن ابی القاسم النیسابوری.
- [۲۴۴۲] محمد بن عبدالرحمن بن محمد، ابوالعباس حافد ابی العباس الدغولی
السرخی.
- [۲۴۴۳] محمد بن العباس بن احمد الضبی، ابو عبدالله الهروی الوجیه رئیس العالم
رضی الله عنه.
- [۲۴۴۴] محمد بن العباس [بن] محمد بن العباس بن حمویه، ابوبکر الصیدلانی
النیسابوری.
- [۲۴۴۵] محمد بن العباس [ابن] اُختِ محمد بن جریر، ابوبکر الادیب الخوارزمی.
- [۲۴۴۶] محمد بن العباس بن محمد بن قوهیار، ابوبکر الکسائی النیسابوری.
- [۲۴۴۷] محمد بن عیسی بن محمد، ابو صالح بن عیسی احد مشایخ خراسان.
- [۲۴۴۸] محمد بن علی بن عبدل، ابواحمد الجرجانی.
- [۲۴۴۹] محمد بن عیسی بن محمد بن عبدالرحمن، ابواحمد الجلودی النیسابوری
[۵۲b] من کبار عبّاد الصوفیه.
- [۲۴۵۰] محمد بن عبدالعزیز [بن] عبدالله بن ابرهیم، ابوعلی الزغوری النیسابوری.
- [۲۴۵۱] محمد بن عبدالعزیز بن علی الخشاب، ابوالحسین.
- [۲۴۵۲] محمد بن عبدالعزیز بن علی، ابوبکر الجرجانی.
- [۲۴۵۳] محمد بن عبدوس المقری، ابوبکر المفسر.
- [۲۴۵۴] محمد بن عمر بن قتادة بن مطر، ابوالحسن الرمجاری النیسابوری.
- [۲۴۵۵] محمد بن عبدان، ابو عبدالله خادم الجامع بنیسابور النیسابوری.
- [۲۴۵۶] محمد بن عمر بن محمد الاسفراینی، ابوبکر الفقیه.

- [۲۴۵۷] محمد بن عبدوس بن الحسين، ابو عبدالله السمسار النيسابورى.
- [۲۴۵۸] محمد بن عون بن اسحق المروزى، ابوسعيد الزاهد.
- [۲۴۵۹] محمد بن عبدوس بن حاتم، ابونصر الدهان النيسابورى.
- [۲۴۶۰] محمد بن الفضل بن محمد الكرايسى، ابواحمد الوراق النيسابورى و كان من المعروفين بطلب الحديث فى الشرق و الغرب.
- [۲۴۶۱] محمد بن الفضل بن محمد [بن] اسحق المذكر، ابوسعيد المقرئ النيسابورى.
- [۲۴۶۲] محمد بن الفضل بن العباس الشافعى، ابوالفضل النيسابورى.
- [۲۴۶۳] محمد بن الفضل بن محمد بن اسحق بن خزيمه، ابوطاهر النيسابورى.
- [۲۴۶۴] محمد بن الفضل [بن] محمد الاديب البلخى الربيع
- [۲۴۶۵] محمد بن الفضل بن محمد الفقيه، ابوبكر اهل بخارا.
- [۲۴۶۶] محمد بن الفضل بن لولو الحلوانى، ابوالحسين.
- [۲۴۶۷] محمد [بن] الفتح الانماطى، ابوالعباس المعدل.
- [۲۴۶۸] محمد بن القسم بن عبدالرحمن، ابومنصور الصنعى النيسابورى.
- [۲۴۶۹] محمد بن القسم بن محمد بن الحسين الكرايسى النيسابورى.
- [۲۴۷۰] محمد بن القاسم [بن] محمد بن بشر بن سالم الفارسى، ابوبكر.
- [۲۴۷۱] محمد بن كافور بن كافور مولى احمد بن حذيفة.
- [۲۴۷۲] محمد بن محمد بن محمد بن عبدالله بن خالد البغدادى، ابوجعفر التاجر مُحَدِّثُ خراسان فى عصره.
- [۲۴۷۳] محمد بن محمد بن يوسف، ابوالنضر الامام الطوسى.
- [۲۴۷۴] محمد بن محمد بن الحسن الشيبانى، ابواحمد النيسابورى.
- [۲۴۷۵] محمد بن محمد بن يوسف المقرئ، ابوبكر البخارى اللحيانى.
- [۲۴۷۶] محمد بن محمد بن محمش، ابوطاهر الزيادى النيسابورى.
- [۲۴۷۷] محمد بن محمد بن احمد بن عبدالله السلمى الحنفى، ابوالفضل الوزير عالم مرو رحمه الله.
- [۲۴۷۸] محمد بن محمد بن على العطار، ابوسعيد النيسابورى.
- [۲۴۷۹] محمد بن محمد بن ابيد، ابوبكر البلخى.
- [۲۴۸۰] محمد بن محمد بن احمد بن اسحق، ابوالحسن الحربى النيسابورى.
- [۲۴۸۱] محمد بن محمد بن جعفر، [۵۳۵] ابوبكر النيسابورى.

- [۲۴۸۲] محمد بن محمد بن جعفر بن مطر، ابواحمد بن ابی عمرو المعدل النیسابوری.
- [۲۴۸۳] محمد بن محمد بن احمد بن اسحق القاضي، ابواحمد الحافظ امام عصره و صنف علی کتابی مسلم [و] البخاری و علی کتاب ابی عیسی الترمذی و صنف کتاب «الأسامی و الکنی» و «العلل» و «المُخْرَجُ علی کتاب المُزَنی» و کتاب «الشروط» و صنف «الشرح و الأبواب». تُوفِّيَ رَحِمَهُ اللهُ يومَ الخمیس الرابع و العشرین من ربيع الاول سنة ثمان و سبعین و ثلثمائة و هو ابن ثلث و تسعين سنة و صَلَّى عليه الرئيس فی دیوان الجيش و دفن فی داره.
- [۲۴۸۴] محمد بن محمد بن حامد الترمذی.
- [۲۴۸۵] محمد بن محمد بن عبدان، ابوسهل بن ابی عبدالله النیسابوری.
- [۲۴۸۶] محمد بن محمد بن الحسن الکارزی و هی قرية علی فرسخ من البلد.
- [۲۴۸۷] محمد بن محمد بن اسحق بن النعمان العدل، ابواحمد الصفار النیسابوری.
- [۲۴۸۸] محمد بن محمد بن عبدوس المقری، ابو عمر و الزاهد الانعاطی النیسابوری.
- [۲۴۸۹] محمد بن محمد بن الحسين الترمذی، ابوسهل.
- [۲۴۹۰] محمد بن محمد بن یعقوب الحافظ المقری، ابوالحسین الحجاجی النیسابوری.
- [۲۴۹۱] محمد بن محمد بن اسمعیل بن منصور الفامی، ابوبکر النیسابوری.
- [۲۴۹۲] محمد بن محمد بن عبیدالله بن عمرو [ابو عبدالله] الجرجانی.
- [۲۴۹۳] محمد بن محمد بن علی النسوی، ابواحمد المعروف بالبغدادی.
- [۲۴۹۴] محمد بن محمد بن یحیی بن عامر الفقیه، ابوالحسین الاسفرائینی.
- [۲۴۹۵] محمد بن محمد بن داود السجزی العدل، ابوبکر.
- [۲۴۹۶] محمد بن محمد بن عبدالله، ابوالحسین بن ابی عبدالله المزنی الهروی.
- [۲۴۹۷] محمد بن محمد بن اسحق الثقفی، ابو عمرو [بن] ابی العباس السراج النیسابوری.
- [۲۴۹۸] محمد بن محمد بن []، ابوزرعة الکشی.
- [۲۴۹۹] محمد بن محمد بن الحسن بن علی بن الحسن السری بن یزدجرد بن سیبویه بن شاپور الذی بنا نیشاپور، الفقیه الحاکم، ابوالحسین الصفار النیسابوری.
- [۲۵۰۰] محمد بن محمد بن شاذه الزاهد، ابوالخیر الکراییسی النیسابوری.
- [۲۵۰۱] محمد بن محمد بن احمد، ابو عمرو الفامی النیسابوری.
- [۲۵۰۲] محمد بن محمد بن علی بن الحسن بن قتیبة.
- [۲۵۰۳] محمد بن محمد بن احمد الفقیه، ابوسعید المطوعی النیسابوری.

- [٢٥٠٤] محمد بن محمد بن سمعان الحیرى، ابو منصور المذکر النیسابورى.
- [٢٥٠٥] محمد بن محمد بن احمد بن عثمان البغدادی، ابوبکر الطرازى.
- [٢٥٠٦] محمد بن محمد بن سعید المعدل، ابوطاهر بن الکسکرى النیسابورى.
- [٢٥٠٧] محمد بن محمد بن سعد الأنماطى النیسابورى و يعرف بابى الحسين المدنى.
- [٢٥٠٨] محمد بن محمد بن اسحق [٥٣٦] السعدى، ابواحمد الهروى.
- [٢٥٠٩] محمد بن محمد بن رجا الامین، ابونصر الزمام على الضی النیسابورى.
- [٢٥١٠] محمد بن محمد بن احمد المعدل السراج، ابوبکر النیسابورى.
- [٢٥١١] محمد بن محمد بن عبدالله بن محمد بن صبیح العمرى النیسابورى.
- [٢٥١٢] محمد بن محمد بن الحسين الکرايىسى، ابو عبدالله الخالدى.
- [٢٥١٣] محمد بن محمد بن عبدالله المطوعى، ابومنصور النیسابورى.
- [٢٥١٤] محمد بن محمد بن احمد بن انس، ابونصر بن ابى الفضل الصترام النیسابورى.
- [٢٥١٥] محمد بن محمد بن احمد بن عبدالله السلمى النیسابورى.
- [٢٥١٦] محمد بن محمد بن احمد بن اسحق، ابواحمد الکرايىسى النیسابورى.
- [٢٥١٧] محمد بن محمد بن اسمعيل الزاهد، ابونصر الکرايىسى النیسابورى.
- [٢٥١٨] محمد بن محمد بن سهل بن ابرهيم النیسابورى، ابونصر امام اهل الرأى
بخراسان.
- [٢٥١٩] محمد بن محمد بن احمد المروزى، ابو الفضل الرّوحى.
- [٢٥٢٠] محمد بن محمد بن الفضل الخفاف، ابو عمرو القهندزى النیسابورى.
- [٢٥٢١] محمد بن محمد بن ابراهيم بن سيمجور.
- [٢٥٢٢] محمد بن محمد بن عزيز بن محمد، ابو الحسن دوست.
- [٢٥٢٣] محمد بن محمد بن عبدالله بن ادریس، ابو عبدالله الاسترابادى.
- [٢٥٢٤] محمد بن محمد بن []، ابو عمرو الرازى.
- [٢٥٢٥] محمد بن محمد بن عبدالرحمن النیسابورى، ابوبکر.
- [٢٥٢٦] محمد بن المؤمن بن الحسين الماسرجسى النیسابورى و كان احد وجوه
خراسان رضى الله عنه من انشاده:

وَ مَا حَسَالَاتُنَا إِلَّا ثَلَاثُ

شِبَابٌ ثُمَّ شَيْبٌ ثُمَّ مَوْتُ

وَ مِنْ اِنْشَادِهِ فِى وَقْتِ دُخُولِهِ عَلَى بَعْضِ الْوُزَرَاءِ:

أَلَمْ تَرَ أَتَىٰ أَرْوَرَ الْوَزِيرِ
وَأَمْدَحُهُ ثُمَّ أَسْتَغْفِرُ
وَأُثْنِي عَلَيْهِ وَبُئِنِّي عَلِيٌّ
وَكُلُّ بِصَاحِبِهِ يَشْخَرُ

- [۲۵۲۷] محمد بن موسی بن عمران الفقیہ، ابو الحسن الصیدلانی.
- [۲۵۲۸] محمد بن محمد بن موسی [] [الحسین بن] [الثعلبی، ابو الحسن الکوفی.
- [۲۵۲۹] محمد بن موسی بن عمران، ابو جعفر المؤذن الطوسی.
- [۲۵۳۰] محمد بن موسی بن القاسم، ابو سعید الدبّاس النیسابوری.
- [۲۵۳۱] محمد بن نصر ویہ بن [] البغدادی، ابو عبد اللہ البزاز.
- [۲۵۳۲] محمد بن نصر الطبری، ابو عبد اللہ الفقیہ.
- [۲۵۳۳] محمد بن الولید، ابو العباس الزوزنی.
- [۲۵۳۴] محمد بن ہشام، ابو عبد اللہ المروزی.
- [۲۵۳۵] محمد بن یعقوب بن یوسف الاموی مولاہم، ابو العباس الاَصَمّ النیسابوری
رضی اللہ عنہ وارضاه مدفون فی مقبرۃ شاہنبر.
- [۲۵۳۶] محمد بن یعقوب بن یوسف الشیبانی، ابو عبد اللہ الاخرم الحافظ وکان یعرف
بابن الکرمان و لکن ہو نیشابوری و لہ تصانیف کثیرہ و ہو صدر اہل الحدیث
فی زمانہ رضی اللہ عنہ وارضاه.
- [۲۵۳۷] محمد بن یعقوب النحوی [۵۴a] الاصبہانی.
- [۲۵۳۸] محمد بن یعقوب بن اسحق ابو مصعب الاسفرائینی.
- [۲۵۳۹] محمد بن یوسف بن حمدان، ابو جعفر التاجر النیسابوری.
- [۲۵۴۰] محمد بن یوسف [بن] ریحان البخاری الامیر، ابو الفضل.
- [۲۵۴۱] محمد بن یوسف بن ابرہیم المؤذن، ابو عبد اللہ الدقاق النیسابوری.
- [۲۵۴۲] محمد بن یوسف بن یعقوب، ابو سعید السوسی.
- [۲۵۴۳] محمد بن یحییٰ بن محمد بن احمد الحسنی العلوی النیسابوری رضی اللہ عنہ.
- [۲۵۴۴] محمد بن یحییٰ بن سعدان المودب، ابو بکر البشتی.
- [۲۵۴۵] [محمد بن] یحییٰ بن محمد بن عبد اللہ العنبری، ابو العباس بن ابی زکریّا
النیشابوری.
- [۲۵۴۶] محمد بن یزید بن محمد العدل اخو عبد اللہ الزاهد النیسابوری.

- [٢٥٤٧] منصور بن احمد بن هارون الفقيه المزكى، ابو صادق النيسابورى.
- [٢٥٤٨] منصور بن محمد بن احمد بن حرب القاضى، ابو نصر البخارى.
- [٢٥٤٩] منصور بن عبدالله بن خالد الذهللى، ابو على.
- [٢٥٥٠] منصور بن عبدالرحمن بن الحسين، ابو احمد النيسابورى.
- [٢٥٥١] مكى بن احمد بن سعدويه البردعى، ابو بكر.
- [٢٥٥٢] مسيب بن محمد بن مسيب، ابو عمرو [بن] ابى عبدالله الارغيانى.
- [٢٥٥٣] موسى بن محمد بن موسى، ابوالمشعر المالينى.
- [٢٥٥٤] معبد بن جمعة بن خاقان الاديب المطوعى الطبرى.
- [٢٥٥٥] موفق بن محمد بن الجراح الاديب، ابو سعيد الهروى.
- [٢٥٥٦] محمود بن الحسين بن محمود، ابو حامد القطان النيسابورى.
- [٢٥٥٧] محمود بن محمد بن محمود، ابو محمد المطوعى من اهل فراوه.
- [٢٥٥٨] [معتز بن] عبدالله [بن] حمزة بن حبه، ابو منصور الدهقان القنديشتنى النيسابورى.
- [٢٥٥٩] منصور بن عبدالله بن حمزه، ابو نصر بن ابى نصر النيسابورى.
- [٢٥٦٠] معاذ بن محمد [بن] الحسين المعدل، ابو الحسين الانماطى المعروف بالمعاذى النيسابورى.
- [٢٥٦١] مئة المنان بن محمد بن سلمويه، ابو رشيد العدل النيسابورى.
- [٢٥٦٢] مطهر بن محمد بن حاتم بن عبدالله، ابو على النيسابورى.
- [٢٥٦٣] مسلم بن عبدالعزيز اليمانى، ابو عبدالله الخصيب.
- [٢٥٦٤] نوح بن بلح بن احمد، ابو حاتم النيسابورى.
- [٢٥٦٥] نصر بن محمد بن احمد بن يعقوب، ابو الفضل الطوسى.
- [٢٥٦٦] نصر بن حاتم بن بكير بن []، ابو الليث الشالوسى.
- [٢٥٦٧] النضر بن محمد بن احمد بن محمد، ابو القاسم المحمى النيسابورى.
- [٢٥٦٨] نصر بن محمد بن عبدالملك الصوفى الاندلسى.
- [٢٥٦٩] النعمان بن محمد بن محمود بن احمد بن الحسن الطوسى، ابو الحسن التروغبذى النيسابورى.
- [٢٥٧٠] النعمان [بن محمد بن محمود] الجرجانى، ابو نصر.
- [٢٥٧١] ناصر بن محمد بن ابى المعالى المروزى.

- [۲۵۷۲] نعیم بن الحسین الجرجانی، ابوالحسین التاجر.
- [۲۵۷۳] ناصر بن عبدالرحمن بن ناصر، ابونعیم الجرجانی.
- [۲۵۷۴] ولید بن احمد بن محمد [بن] الولید، ابوالعباس الزوزنی، [۵۴b]
- [۲۵۷۵] ولید بن بکر بن مخلد بن ابی زیاد العمری، ابوالعباس الفقیہ المالکی الاندلسی.
- [۲۵۷۶] ہارون بن احمد بن ہارون، ابوسهل الاسترابادی.
- [۲۵۷۷] ہارون بن محمد [بن] ہارون الصوفی، ابوسهل الحمامی النیسابوری.
- [۲۵۷۸] ہارون بن محمد الآزادواری الجَوَینی، ابوموسی.
- [۲۵۷۹] ہبہ اللہ بن الحسن الادیب النحوی العلامة، ابوبکر الفارسی.
- [۲۵۸۰] ہشام بن محمد بن بکر، ابونصر السرخسی.
- [۲۵۸۱] لاحق بن الحسن بن عمران، ابو عمرو الوراق البغدادی.
- [۲۵۸۲] یحییٰ بن منصور بن یحییٰ [بن] عبدالملک، ابو محمد الحاکم العالم الدین النیسابوری الجرودی.
- [۲۵۸۳] یحییٰ بن محمد بن عبداللہ بن العنبر بن عطا مولا ابی خرقا السلمی، ابوزکریا العنبری النیسابوری.
- [۲۵۸۴] یحییٰ بن محمد بن احمد بن محمد الحسینی العلوی، ابو محمد [بن] ابی الحسین بن ابی [جعفر] زہارہ النیسابوری رضی اللہ عنہ.
- [۲۵۸۵] یحییٰ بن محمد بن سهل الاسفرائینی، ابوزکریا.
- [۲۵۸۶] یحییٰ بن محمد بن احمد العقری، ابوبشر القطان النیسابوری قریب محمد بن اسحق.
- [۲۵۸۷] یحییٰ بن عمرو بن صالح بن محمد بن یحییٰ، ابوزکریا البشتی.
- [۲۵۸۸] یحییٰ بن احمد بن محمد، ابو عمرو المَخَلدی النیسابوری.
- [۲۵۸۹] یحییٰ بن اسمعیل بن یحییٰ المزکی، ابوزکریا الحربی النیسابوری.
- [۲۵۹۰] یحییٰ بن یحییٰ بن عبداللہ، ابوزکریا المَحمودی البخاری.
- [۲۵۹۱] یحییٰ بن محمد بن احمد بن [] المذکر الطوسی، ابوزکریا.
- [۲۵۹۲] یحییٰ بن محمد [بن] یحییٰ المعدل، ابوالقاسم الصيدلانی النیسابوری.
- [۲۵۹۳] یحییٰ بن زکریا بن الشاہ السرخسی، ابو منصور.
- [۲۵۹۴] یحییٰ بن احمد بن [] ابوزکریا بن ابی طاهر السکری النیسابوری.
- [۲۵۹۵] یحییٰ بن عبدالرحیم بن یحییٰ، ابوزکریا الحیری النیسابوری.

- [٢٥٩٦] يحيى بن عثمان الواعظ السحري، ابوزكريا.
 [٢٥٩٧] يوسف بن يعقوب بن اسحق.
 [٢٥٩٨] يوسف بن احمد بن سليمان الديرعاقولي.
 [٢٥٩٩] يوسف بن يعقوب بن ابراهيم البغوي، ابويعقوب.
 [٢٦٠٠] يوسف بن اسحق الفقيه، ابوالحسين الجرجاني.
 [٢٦٠١] يوسف بن اسمعيل بن يوسف، ابويعقوب الساوي.
 [٢٦٠٢] يوسف بن محمد بن محمد بن يوسف، ابوالجراح الطوسي.
 [٢٦٠٣] يعقوب بن [احمد بن محمد بن] يعقوب الخسر وجردي، ابويوسف البيهقي.
 [٢٦٠٤] يعقوب بن محمد بن اسحق بن يزيد، ابويوسف المذكر النيسابوري.
 [٢٦٠٥] ياسين بن محمد بن محمد بن ياسين، ابويوسف النيسابوري. [٥٥a]

[تكملة مشايخ مؤلف]

- [٢٦٠٦] قال الحاكم الامام ابو عبدالله الحافظ النيسابوري: وقع الفراغ بعون الله و حسن تقديره [في] شهر رمضان سنة ثمان و ثمانين و ثلثمائه. فذكرت بعد الاربعين سنة منها شيوخي و اخواني الذين استفدت عنهم حديثاً او حكاية او انشاداً او جزواً من العلوم الى هذا الشهر فعلقت وفاة من تُوفّي من هذا الوقت:
 [٢٦٠٧] عبداً لله بن محمد بن عبدالله، ابو الفضل الفامي النيسابوري.
 [٢٦٠٨] ابو علي بن ابي الصامت بن ابي محمد النيسابوري.
 [٢٦٠٩] محمد بن احمد بن محمد السختياني النيسابوري.
 [٢٦١٠] العباس بن ابي القاسم الرمكي الوزير النيسابوري.
 [٢٦١١] عبدالواحد بن محمد، ابوالوفا البزاز النيسابوري.
 [٢٦١٢] محمد بن محمد بن علي بن سهل بن مصلح الفقيه، ابوبكر الماسرجسي النيسابوري.
 [٢٦١٣] ابوبكر بن محمد بن محمد بن علي بن بكر النيسابوري.
 [٢٦١٤] عبدالعزيز بن عبدالله [بن] محمد بن عبدالعزيز، ابو عمرو النيسابوري المعروف بابي عبدالله الهروي.
 [٢٦١٥] يحيى بن يحيى بن احمد بن ابي زكريا، [ابو] عمرو والمخلدي النيسابوري.
 [٢٦١٦] محمد بن الحسين بن الحسن الاصبهاني المقرئ.

- [۲۶۱۷] مهدی بن محمد بن محمد، ابوسلمة الصیدلانی النیسابوری.
- [۲۶۱۸] محمد بن عبدالله، ابوالعباس الزاهد السختیانی النیسابوری.
- [۲۶۱۹] عبدالرحمن بن محمد بن احمد، ابوالقاسم بن ابی بکر المسکی التاجر النیسابوری.
- [۲۶۲۰] عبدالله بن احمد بن محمد الماسرجسی النیسابوری، ابو محمد.
- [۲۶۲۱] محمد بن احمد بن عبدالله بن سلیمان السلیطی، ابو عمرو النیسابوری ختن ابی بکر بن اسحق.
- [۲۶۲۲] محمد بن عبدالاعلی بن محمد بن [] ابوبکر الشاهد النیسابوری.
- [۲۶۲۳] محمد بن احمد بن حبیب، ابوسهل المقری النیسابوری.
- [۲۶۲۴] ابراهیم بن محمد الاصبهانی، ابواسحق.
- [۲۶۲۵] محمد بن محمد بن الفضل، ابو حاتم القهندری.
- [۲۶۲۶] فاطمة امّ علی بنت ابی جعفر النیسابوری.
- [۲۶۲۷] محمد بن محمد بن [۵۵b] عبدالله بن محمد، ابوسهل [الضبی] ابن اخی الحاكم المصنف النیسابوری.
- [۲۶۲۸] محمد بن عبدالرحمن بن ابرهیم، ابوالحسین النیسابوری.
- [۲۶۲۹] ابو علی الحسین بن شیخ رئیس ابی الحسین النیسابوری.
- [۲۶۳۰] علی بن عبدالله [بن] محمد بن جعفر، ابوالحسن البیشکی.
- [۲۶۳۱] احمد بن عبدالحمید بن عبدالرحمن النیسابوری.
- [۲۶۳۲] محمد بن احمد، ابوبکر الفرائضی البطحی النیسابوری.
- [۲۶۳۳] عبدالله بن محمد [بن] عبدالله بن الرومی بن محمد الحیری النیسابوری، ابو عبدالله.
- [۲۶۳۴] سعید بن محمد بن سعید، ابو عثمان السکری النیسابوری.
- [۲۶۳۵] ابوالقاسم علی بن محمد بن علی الجرجانی.
- [۲۶۳۶] عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن حمد، ابوسعید النیسابوری.
- [۲۶۳۷] الحسن بن داود [بن] رضوان، ابو علی الفقیه السمرقندی.
- [۲۶۳۸] عبدالله بن احمد المذکر، ابوالحسین الحنبلی و هو ابن بنت علی الجنابدی.
- [۲۶۳۹] محمد بن علی بن الفضل بن محمد الخزاعی، ابونصر النیسابوری.
- [۲۶۴۰] محمد بن علی بن الحسین الخلقانی المعروف بابی نصر القصار.

- [٢٦٤١] محمد بن القاسم، ابو منصور المنادى النيسابورى.
- [٢٦٤٢] محمد بن احمد بن محمد، ابوبكر المقرئ النيسابورى.
- [٢٦٤٣] عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن احمد، ابوالقاسم المزكى النيسابورى.
- [٢٦٤٤] الحسين بن محمد بن ابراهيم، ابو على النسوى.
- [٢٦٤٥] ابوسهل بن ابى بشر بن محمد [بن] هارون النيسابورى.
- [٢٦٤٦] ابوسهل بن ابى القاسم النيسابورى.
- [٢٦٤٧] ابوبكر محمد بن محمد بن حمش النيسابورى.
- [٢٦٤٨] محمد بن ابى اسحق الكيالى المطوعى الجرجانى.
- [٢٦٤٩] محمد بن محمد بن احمد المعدل، ابو عبدالله شيخ اهل رأى النيسابورى.
- [٢٦٥٠] يحيى بن يحيى بن عبدالرحمن، ابواحمد النيسابورى.
- [٢٦٥١] عبدالله بن محمد بن احمد الصوفى الزاهد، ابوالعباس السختيانى النيسابورى.
- [٢٦٥٢] يحيى بن عبدالرحمن، ابى زكريا العاصمى النيسابورى.
- [٢٦٥٣] طغرل الترك مولى الشيخ العميد.
- [٢٦٥٤] محمد [بن احمد بن عبدالله]، ابو عمرو السليطى النيسابورى.
- [٢٦٥٥] السيد ابوالفضل احمد بن محمد الحسينى العلوى النيسابورى.
- [٢٦٥٦] محمد بن عبدالاعلى بن محمد، ابوبكر الفقيه النيسابورى.
- [٢٦٥٧] ابواسحق محمود التاجر الاصبهانى.
- [٢٦٥٨] ابوسهل بن حبيب المقرئ.
- [٢٦٥٩] ابو عمرو بن على الانماطى.
- [٢٦٦٠] عبدالرحمن بن عبدالله بن حمدون، ابوسعيد.
- [٢٦٦١] ابونصر العصلى العارضى.
- [٢٦٦٢] محمد بن احمد بن سهل، ابوسهل الدستى.
- [٢٦٦٣] على بن محمد المذكر، ابوالحسن المهرانى.
- [٢٦٦٤] عبدالله بن محمد بن على، ابو محمد النيسابورى.
- [٢٦٦٥] عبدالله بن محمد بن عبدالله، ابوالقاسم المطوعى النيسابورى المعروف بالخرضى.
- [٢٦٦٦] محمد بن عبدالله بن [٥٦٨] محمد، ابونصر الصوفى الانماطى النيسابورى.
- [٢٦٦٧] على بن محمد بن احمد، ابوالحسن السليطى النيسابورى.

- [۲۶۶۸] علی بن محمد بن احمد بن الحسن، ابو الحسن المعاذی النیسابوری.
- [۲۶۶۹] ابراهیم بن احمد بن حمزة، ابواسحق الوزير.
- [۲۶۷۰] الحسین بن علی بن الحسین الجوری النیسابوری.
- [۲۶۷۱] محمد بن الفضل بن محمد بن یعقوب النیسابوری.
- [۲۶۷۲] شبیبة بن محمد بن احمد بن [شعیب]، ابو محمد الشعیبی النیسابوری.
- [۲۶۷۳] عاصم بن یحیی النیسابوری.
- [۲۶۷۴] ابراهیم بن محمد بن ایوب الفقیه، ابواسحق الطراخی النیسابوری.
- [۲۶۷۵] محمد بن احمد بن حاتم، ابو حاتم الطوسی.
- [۲۶۷۶] ابو عمرو الحموی احمد بن ابی الفراتی الاستوائی.
- [۲۶۷۷] احمد بن منصور بن عبدالله [القندیشتنی] اخوالمعتز النیسابوری.
- [۲۶۷۸] عبدالرحمن بن محمد، ابوسعید الشریفی الصوفی النیسابوری.
- [۲۶۷۹] محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد، ابو الفضل بن رئیس النیسابوری.
- [۲۶۸۰] محمد بن احمد، ابوبکر الحموی الفقیه النیسابوری.
- [۲۶۸۱] محمد بن احمد بن حموی، ابو الحسن رئیس بایورد.
- [۲۶۸۲] الحسن بن محمد بن شاذان الشاهد، ابو محمد النیسابوری.
- [۲۶۸۳] محمد بن احمد بن معاد، ابوبکر القامی النیسابوری.
- [۲۶۸۴] عبدالرحمن بن عبدالله بن الشیخ ابی بکر علی بن محمد الغازی.
- [۲۶۸۵] ابو الحسن القطان الجرجانی.
- [۲۶۸۶] عبدالحمید بن محمد المذکر الخانقاهی، ابو القاسم.
- [۲۶۸۷] ابوسهل البقال الواعظ.
- [۲۶۸۸] اسمعیل بن الشیخ ابی علی العبدوی النیسابوری.
- [۲۶۸۹] علی بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله، ابو الحسن الحداد النیسابوری.
- [۲۶۹۰] علی بن محمد، ابو الحسن بن غلکان الخیاط النیسابوری.
- [۲۶۹۱] عبدالله بن محمد بن علی الصفار، ابو محمد الشاهد.
- [۲۶۹۲] محمد بن احمد المولی، ابونصر النیسابوری.
- [۲۶۹۳] محمد بن علی بن الفضل الخزاعی، ابوبکر النیسابوری.
- [۲۶۹۴] محمد بن علی الطبری، ابوجعفر البلادری الشریف.
- [۲۶۹۵] ابوجعفر بن ابی محمد العلوی.

- [۲۶۹۶] العباس بن محمد بن علی بن معدویه ابو جعفر بن ابی الحسن صهر الحاکم المصنف النیسابوری.
- [۲۶۹۷] ابوسهل بن ابی بشر.
- [۲۶۹۸] محمد بن هارون التاجر.
- [۲۶۹۹] عبدالرحمن [بن] عبدالله بن علی بن محمد بن سختویه النیسابوری.
- [۲۷۰۰] محمد بن علی المذکر، ابو جعفر الجوردی.
- [۲۷۰۱] ابوسهل بن مهران العدل النیسابوری.
- [۲۷۰۲] ابوسعید الفلاحی الفقیه و توفی سنة اربع مائه.
- [۲۷۰۳] محمد بن یعقوب الفقیه الزاهد.
- [۲۷۰۴] ابوبکر بن مخلد [ا] بن بنت ابی بکر بن ابی عثمان الزاهد النیسابوری.
- [۲۷۰۵] احمد بن محمد، ابونصر البالوی النیسابوری.
- [۲۷۰۶] یحیی بن یحیی [بن] محمد بن عبدالله العنبری [۵۶b] النیسابوری، ابواحمد.
- [۲۷۰۷] عبدالله بن محمد بن الحسن المهرستان بن عمرو بن محمدک، ابومنصور.
- [۲۷۰۸] فاطمة بنت بکر بن محمد بن اسحق بن خزیمه سمعت اباهَا وَ حَدَّثَتْ وَ تُؤَفِّیْتُ رَحْمَهُمُ اللّٰهُ فِی رَجَبِ سَنَةِ اِثْنِیْنِ [و] اربعمائة والله تعالی اعلم. [۵۷a]

[بنای نیشابور کهن]

- [۲۷۰۹] قال الحاکم الامام ابو عبدالله النیسابوری سألتی جماعة من اخوانی ان اذکر بعض ما انتهى الی من بناء المسجد القديمة بنیسابور و القهندز و المدينة الداخلة و ذکر الأودية و المحال و الرساتیق و الارباع فلم اجد السبیل الی الاستقصاء فیه بالأسانید فقد اجبتهم ان اذکر بعض ما يمكن ذكره بالاسانید و هذا كلامه و انا الفقیر محمد بن الحسن الخلیفه النیسابوری فترك الأسانید اعتماداً علی صحة قوله رضی الله عنه و اجتناباً من الاطالة. [۵۷b]
- ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و وادیها و محولات نیشابور قدیم و آنچه تعلق به امثال این امور دارد.
- [۲۷۱۰] امام حاکم فرمود: اول کسی که قهندز بنا نهاد انوش بن شیش بن آدم بود، علیه السلام. اساس آن بر سنگی بزرگ سفید مدور املس نهاد و از این جهت در افواه خلق بود که آن را قلعه حجریه یعنی سنگی گفتندی. بعد از آن به مدتی مندرس

شد و چند گاه ماند. ذوالایکه، دوم بار، بنا نهاد بعد از ما به طوفان خراب شد و تا زمان ایرج بن افریدون مهمل ماند، از آن جهت که افراسیاب ساحر با لشکر عظیم بر ملک ایران غلبه کرد و شهرها خراب می‌کرد و اسیر و غارت می‌کرد و در ساحری ماهر بود. دفع او متعذر بود. در اثناء اینکه در ملک ایران می‌گشت به صحراء قهندز رسید. نزول کرد، شهری نبود. به جوانب نظر کرد. میدانی وسیع دید، از اینطرف کوهی قوی، خوش‌منظر. از آنطرف کوهی مقابل. از جوانب جبال و تلال بوصف ایصال وادیه‌ها روان چشمه‌ها جاری اشجار مشره ثمار لذیذه، میدانی مستدیر، جبال محیط. در شگفت افتاد. قلعه‌ا اعلاء قهندز بنا کرد و دیوارها احکام کرد و بسی اساس مرتب گردانید و بعضی کسان ساکن کرد. و در زمان ایرج افریدون، عمارت آن بیشتر و تمامتر شد.

ذکر حفر خندق قهندز

[۲۷۱۱] امام حاکم فرمود که چون نوبت حکومت به منوچهر رسید به قهندز آمد و در حوالی آن خندق حفر کرد و در جوانب مردم را ساکن کرد و بعضی را درون قلعه‌ای اسکان نمود و اهل مملکتی را به عمارت و رفع دیوارها و توطن در جانب آن تکلیف کرد و آتشکده‌ای در آنجا ساخت و قومی را بر آن خانه موکل کرد و حکم کرد که به چهل روز اهل مملکتی، از عماراتی که گفته بود، فارغ شوند. پس در جوانب قهندز اماکن و مساکن پیدا شد و درون قلعه مسکون گشت و اجتماع مردم دست داد.

ذکر بناء شهر قدیم

[۲۷۱۲] امام حاکم فرمود که چون هرمز پادشاه شد و ملک او را مسخر گشت، منجمان و فال‌گویان او را خبر کردند که فرزندی او را متوقع است که همه روی زمین را مسخر کند و فرزند در راه بود. هرمز بمرد. مادرش را از حال [۵۸۸] پسرش خبر کردند، در محافظه آن پسر قوی جدی می‌نمود. و وزراء پدرش طریق وفاداری رعایت نمودند، تاج پدرش می‌فرستادند و مادرش تکیه می‌کرد. آن تاج بر سینه مادر می‌نهادند، یعنی تاج پدر بر سر پسر است. و آنج مصلحت می‌دیدند، در مملکت جهت آن پسر، حکم می‌کردند و احکام می‌نوشتند و به سلاطین زمان از زبان آن پسر منشور می‌فرستادند و او را شاپور نام نهاده بودند

یعنی شاه پسر یعنی پسر پادشاه به قصد آنک چون پیدا شود هر نام که جهت خود اختیار کند نام او آن باشد. چون بالغ شد نام خود همین اختیار کرد و به شاپور شهرت یافت یعنی شاهزاده. و به حسب دنیا عالی همت بود و رای صایب داشت. ملک شرق و غرب او را مسخر شد.

[۲۷۱۳] این شاپور شهر قدیم نیشابور، در حوالی قهندز، بنا نهاد. و معماران و عمله تعیین کرد و گفت که بر جوانب شهر خندق حفر کنند و به اصل مملکت پدرش که دیار بغداد و مداین است و آن جوانب بود رفت. و ایوان مدائن بساخت. و در دیار شام شهر انبار بنا کرد و شهر کرخ و سجستان در اطراف بصره بساخت. و شهری ساخت فیروزشاپور نام نهاد. بعد ما بنیشابور عود کرد و بر حوالی شهر خارج خندق عمارات آغاز کرد انبارده نام نهاد. معماران و عمله مرتب کرد و تکلیفات شاقه فرمود. رعایا عاجز آمدند معماران را امر کرد که هر روز پیش از آفتاب به سر کارها روند. هر که از رعایا پیش از آفتاب حاضر نشود زنده در میان خشت و گل دیوار گیرند. و چنان کردند و خلق بر آن رنج قرار گرفتند و بعد از سنین کثیره که جندران و بنیان انبارده منهدم می شد، استخوان جسد بنی آدم از سر تا قدم از میان گل بر خاک می افتاد. و آن انبارده ارسده بنا بود تا قریب زمان سلطان محمود. عمرو بن لیث، که والی نیشابور بود، خراب کرد. و از خاک آن بازاری مقابل جامع شهر بنا نهاد، چه شهر قوی وسیع بود و اسباب عمارت بغایت متعذر.

ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم

[۲۷۱۴] امام حاکم فرمود که چون شاپور به مملکت در رفته بود، لشکر ترک بار دگر [۵۸b] بر ملک ایران غلبه کردند. چون شاپور باز آمد خلق از آن فتنه فریاد بر می آوردند تا به لشکر جرّار به سر آن اتراک رفت و به محاربه و مقاتله ایشان را از ملک ایران اخراج کرد. و باز به نیشابور آمد، بوقت طیب هوا و زینت فضا و کثرت غذا و سعة معاش و رتبه ارتیاش و سکون غبار و ثمار بسیار و عذوبت میاه و استنطابۀ جایگاه فارغ الیال منتظم الحال، مملکت مسخر و مهمات میسر دشمن مقهور و لشکر منصور، اینجا مقام نمود و بناء شهر متصل به قهندز و اقامه شهرستان و اخراج ابراج و تشیید اساس فرمود و محلات و عمارات به هم

واصل کرد. و خندق شهر و قهندز به هم متصل کرد. و بر چار جانب شهر چار دروازه مرتب داشت شرقی و غربی و جنوبی و شمالی. و مهندسان را فرمود و طریق بنا به ایشان نمود تا چنان بنا نهادند که چون آفتاب طلوع کردی شعاع آن از هر چار دروازه در درون شهر سطوع کردی. و آن از عجایب بناها بود و به وقت غروب از هر چار دروازه آفتاب در نظر بودی که پوشیده شدی. همچنین ساختند و بسی زمان بنیان بر آن سان بود و به نام خود شهر را نام نهاد.

[۲۷۱۵] امام حاکم فرمود و آن بناست که تا [این] غایت اثر آن پیدا و علامت آن هویدا است. و در وقت حفر خندق به وی خبر آوردند که گنجی پیدا شد. اندک اهتمامی نمود و ضبط آن به یکی از نوّاب فرمود. گفتند هشتاد خروار زر بود. از آن اهتمام پشیمان و از آن التفات پریشان شد چه آن مقدار را کم داشت و اندک پنداشت و ترسید که بر قصور همت او و فرط خست حمل کنند اشارتی کرد که همه را نفقه کنند و دیگر ذکر آن نکرد.

ذکر ارتفاع زمین نیشابور به نسبت با بلاد دیگر

[۲۷۱۶] امام حاکم فرمود که در کتب متقدمان حکما ثابت است که زمین نیشابور ارفع مقام مسکون است و یک دلیل آن است که در دواوین قدیمه نام این شهر ابر شهر نوشتندی، یعنی شهری که به ابر نزدیک است از کمال ارتفاع خصوصیه دارد به ابر او را به ابر اضافه کنند و دیگر دلیل آنک معتدل الهواست نه حارّ مفرط نه بارّ مفرط نه سموم مفسد مهلک به خلاف باقی ممالک.

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر و قهندز بود به از دیا [د]
 عمارات در شهر و سور داخل شد و [۵۹a] باغات و بساتین
 محلات شهر گشت.

[۲۷۱۷] امام حاکم فرمود که شصت دیه، با اسواق و بساتین و مقابر، داخل محلات شهرست و در اطراف شهر اکنون متفرق مشهور به کوچها و محله‌های شهر معدود از بنیان بلده، اما:

آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد
 و آن رود مکرمت که شنیدی سراب شد

و نامهای دیه‌ها که یکان‌یکان بود همگنان به عماره همه را جمله ساختند این است:

الزریق، بویاباد و حنانه خشک، شخنة علیا، سخنة سفلی، ماهکاباد، سورین، کوی ذروان، رمجار سفلی، رمجار علیا، باغ کبار، دینکاباد، عانکاباد، دودیه یهود، باغک و شهرستانه، ساپور و این را نصرآباد گفتندی، معاحی سفلی، بشماناباد، داربجرد، حیره، طبیرانه، و این را کوی دزدان گفتندی، وافکر سلیط، وافکر معاد، مناشک سفلی، مناشک علیا، خرقرن علیاباد، حائط محفوظ، باغ بُهله، بزرکواباد، محمدآباد، خول، خندرون، کنار سفلی، رافقه، سمیجرد علیا، سمیجرد سفلی، حفصاباد، تلاجرد علیا، تلاجرد سفلی، جنجروود علیا، جنجروود سفلی، سهل تاشیش، قنایه خشانه، قنایه حمیره علیا، جنرکاباد، عمرویاباد، قنایه علیا ازجوری، باب طاق، و مسجد قریه بود، جوری علیا، جوری سفلی، جوسق، سیسنوبه، حایط سلمه، سوانقادر علیا، سوانقادر سفلی، وروهای و فراتاباد، دستجرد، شهر امقان، قنایه جهم از دستجرد، باغین، کرم بکر، فارزشک و رقاب فارس.

[۲۷۱۸] این مجموع قنات و قری بود بر جوانب شهر. به کثرت عمارت همه محلات و کوچه‌های شهر شد و باغات و بساتین و مقابر آن در محلات داخل گشت و به قضاء ازلیه در سنه خمس و خمسین و خمسمائة دور و قصور خارجها و داخلها.

توقع اذا زلزلت الارضش کرد
در یک دو سه دم، عالیها سافلها

ذکر محلات شهر و اوصاف و اوضاع آن

[۲۷۱۹] و تمامی محلات چل و هفت بود، و یک محله متوسطه را که نه بزرگ و نه خرد — محله جولاهگان گفتندی. سیصد کوچه زیادت داشت، محله حیره محله جامعه فایده بود، اشرف محلات مقام اولیا [۵۹۵] و بازار حیره اعظم اعظم اسواق شهر بود، و اول بازار از سر حیره بود، و مقطع او قریبی روضه سلطان حسین کر میر و آن یک فرسخ هست تقریباً و تمام پوشیده بود.

[۲۷۲۰] محله بویاباد، در عمارت و رتبت و جلالت اهل محله مواضع را به آن مثل

زدندی. ابو مسلم مروزی رحمه الله پیش از ظهور سلطنت در آن محله فرود آمد در کاروان سرایی کرین بر زبان او گذشت که «زود باشد که همه خراسان مسخر من باشد.» بعضی جوانان سُفها دنبِ درازگوش او بریدند. چون دید پرسید که «نام این محله چیست؟» گفتند «بویاباد» گفت: «زود باشد که این محله را گندآباد گردانم» و برفت. دیگر بار که آمد والی بود. آن را خراب کرد و همچنان خراب ماند دیگر معمور نشد.

[۲۷۲۱] محلهٔ ملقآباد پیوستهٔ اعلاء حیره است. محلهٔ میدان زیاد، بغایهٔ بزرگ بود. محلهٔ نصرآباد، اعلاء شهر بود بزرگ و عریض محلّی علما و تجار بود. امام حاکم گفت: چهل بازرگان بود در آن محله بوقتِ عبدالله طاهر. به هر عیدی یکی از ایشان اهل شهر را دعوتی کردی که همه خلائق شهر را فرا رسیدی. عبدالله طاهر پرسید که از آن جماعت کدام طعام دهنده تر است و طریق تر گفتند: حسین بن محمد نصرآبادی. او را حاضر کرد و از رسوم دعوت و عادت ایشان پرسید فصلی بگفت در ترتیب دعوت که عبدالله از آن تعجب کرد و جاه و مال و حشمه و دعوه و سخاوه نفس او پیش او اندک نمود. گفت خراب مباد شهری که درو چنین ارباب مروت باشد.

[۲۷۲۲] محلهٔ دیگر بود بزرگ درو مسجدی بود متبرک و حوضی که به آب آن تبرک جستندی حوض کسلان گفتندی و قصهٔ این محله و حوض مستوفا ذکر خواهد شد به طریق اوضح. محلهٔ الزیق، محلهٔ مناشک علیا و سفلی گوید علی حده شهری بود و محلهٔ دیز به وقت فتح شهر صحابه آنجا مسجدی ساختند مبارک. ظلمتِ دیز و اهل آن به نورِ مسجد و اهل آن منطفی گشت. محلهٔ نمدآباد، بزرگ بود. محلهٔ باب ابی الاسود، محلهٔ قباب، محلهٔ خولست متصل شادیاخ است غیر از خولست که در ربع مازل است. محلهٔ شادیاخ مکان عبدالله طاهر بود و یعقوب لیث خراب کرد و بساتین ساخت و بعد از آن شهر شد. محلهٔ جلاباد، بزرگ بود متصل بشادیاخ. محلهٔ [۶۰a] تلاجر، محلهٔ قوی بزرگ بود یک طرف بجلاباد دیگر طرف متصل بجنجرو. محلهٔ حفصآباد. محلهٔ خمز کاباد. محلهٔ بزرگ بود. محلهٔ محمدآباد درو ریاض و حیاض است. محلهٔ فز، محلهٔ بزرگ معمور بوده علم و هدی و عماره و ارفع محلها بود صاحب دولت و آب و هوای او خوشتر بود و وصف او بیاید. محلهٔ در باغ، و آن باغ ابو مسلم بود

صاحب دولت. محله باب عقیل، محله باب عسگر همه بازار آشپزان و طعام فروشان بودی و بازار علافان. محله باب عزره، محله حرب، محله باب معاذ، محله بیدستان درخت بید بسیار بود درو. محله مُرَبَّعَه، محله سر پل، محله ذروان موضع کنارنک بود و او در جاهلیه ملک خراسان بود. اما بعبدالله بن عامر او کاغذ و کس فرستاد تا آمدند و خراسان فتح داد. محله باب معمر، محله در باغ تلاجرد، محله میدان حسین و اوصاف بسیار دارد. محله سمیجرد، محله الرتعیاء، محله جولاهگان، محله جوری علیا عیدگاه آنجا بود. درو پساتین و انهار بسیار بود. محله جوری سفلی، محله سر کوی، محله سنجد ستانه، محله باغ رازیان، اهل علم و تجارة آنجا بسیار بودی. محله باغک، متصل بود به محله فز. عبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد. و مسجد او آنجاست. محله رمجار، محله خرکلاباد متصل به رمجار بود و علماء صحابه و تابعین آنجا بودندی. محله سرواقه طرف مغرب بود محله کرمانیان.

در زمان امام حاکم این محلات معمور بوده و اوصاف بسیار هریک رافی [۲۷۲۳] الجملة نوشته بود چون حالا نیست نبشته نشد یا قومی را ابو مسلم از شهر بیرون کرد محله داشتند آن نوشته نشدی.

ذکر فتح نیشابور بر دست صحابه و تابعین رضوان الله علیهم

و مقصود از کتابت این است و بیان مفاخر نیشابور در این است و بالله التوفیق. [۲۷۲۴] امام حاکم، رحمة الله و رضوانه علیه، فرمود که به نقل صحیح از ثقات اثبات ثابت شد کی به وقت حکومت عبدالله بن عامر بن کرزبن حبیب بن ربیع بن عبدالشمس، در بصره و حکومت سعید بن عاص، در کوفه، در خلافت امیر المؤمنین عثمان، رضی الله عنه، کنارنک — که والی [۶۰b] خراسان بود و او مجوسی بود — نامه فرستاد به ایشان و ایشان را به خراسان خواند و به فتح وعده داد و گفت که یزدجرد بی مروت، در مرو، کشته گشته. و مقصود نامه این بود که اشارت و بشارت ظهور نور اسلام و سطوع طلوع شمس هدایت و احکام سید انام و شفیع روز قیام ماحی ظلام و هادی کرام خواجه کاینات، علیه الصلوة والسلام، به استماع جموع این اماکن و مقام رسیده. بیماران ضلالت، فروماندگان تیه جهالت، محتاجان شفاء هدایت، تشنگان شربت عنایت،

دل زندگانِ عهدِ ازل، کمر بستگانِ عبودیتِ ابد، چشم بر راه و گوش بر آواز
منتظرند.

گر یک نظر به سوی من خسته می‌کنی

همچون مسیح مرده به دم زنده می‌کنی

ایشان، این خبر به امیرالمؤمنین فرستادند، رضی الله عنه، به ایشان نامه فرستاد
و وعده خلعتِ جنت داد که هر کدام سبقت گیرند و در نشرِ نورِ اسلام جدّ نمایند
و به والد و حافِد و ولد و جدّ باز نمایند، حکومت در این جهان و درجهٔ جنان در
آن جهان او را باشد.

فرمانِ مدینه را ز جا بر جستم

احکامِ همی گفت کمر می‌بستم

عبدالله بن عامر سرعت نمود و سعی فرمود و عن قریب به آزادوارِ جوین نزول
کرد و سعید بن عاص چون به قومس، یعنی ولایت سمنان، رسید — و هر یک از
راهی دنیوی به طلبِ جاهی اُخروی می‌شتافتند — خبرِ سبقتِ عبداللهِ عامر
شنود، مراجعه فرمود و اهلِ آزادوار به سلمِ اسلام، یعنی به صلاحِ صلح،
درآمدند. و جوینی گند [م] که داشت دریغ نداشت. عبدالله عامر، عبدالله خازم
را طلیعهٔ لشگر کرد و با لشگر خود و اهلِ جوین به رای صایب و فکرِ صواب
قصدِ صوبِ نیشابور نمود و به فیروزی و به روزی طلیعِ جیوشِ اسلامیان
جوانبِ آن شجاعت و استیلاءِ اسلام به سُکّانِ آن مقام نمود. پس عبدالله عامر از
عقب رسید با لشگری جرّار و شجاعانِ کَرّار و در میان دو دروازهٔ جرجان و
فارس،

فروزد به ماهی و برزد به ماه

بُنِ نیزه و قُبّهٔ بارگاه

و آن نااهلانِ نیشابور بر جوانبِ بُرج و بازهٔ مُغْرِضِینَ عَنِ التَّذْکِرَةِ (کَأَنَّهُمْ حُمُرٌ
مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ۷۴/۵۱) به باطل، برحق، اعتراض کرده و چون خران
از شیرانِ اعراض کرده از شرعِ اجتناب و در دینِ ارباب نمودند. و [۶۱a] تانه
ماه، شام و سحرگاهِ مقابله و مقاتله امتداد یافت. بعد ما شبی لشگریان در برجها
دریچه‌ها کردند و به قوّتِ بازو در باروِ ثلمه‌ها افکندند و ریشه ریشه‌های
کافران، چون سلمه‌ها، برکنندند و چون مدتِ حملهٔ جمله شهریان تمام شد،

بامداد را فتح الباب دست داد. و چون نه ماه تمام شده بود وَضَع حَنْلِ أَوْزَارِ
حرب نمودند و مُنْتَسِلِم و مُنْقَاد گشتند.

روایة اخری

[۲۷۲۵] امام حاکم، رحمه الله، فرمود: چون از زمان مجاهده و محاربه تا وقت این کتابت
سنین کثیره گذشت لاجرم در خبرها اختلاف واقع گشت.

روایتی دیگر چنان است، و این روایت در تواریخ عیان است، که چون مکتوب
امیرالمؤمنین عثمان، رضی الله عنه، به عبدالله عامر رسید، بسا لشگری همه
کریمان، از راه کرمان، و یا جیشی همه موافق و دوستان، به ناحیه قهستان، نزول
کرد و بقاع و قلاع آن را به عُدَّت بسیار و مُدَّت اندک، فتح فرمود و به دست هُدَاة
به هرات، مکتوبات فرستاد، و ایشان را به اتباع طریق رشاد و سداد و سرعت
خروج به سوی او و ادای خراج به او دلالت کرد. جواب فرستادند که «مَالِ آمال
و مال، و انتظام احوال، و مرجع کبار این دیار اَبْرَشَهْر مشهور، یعنی نیشابور
است. چون ایشان تابع شوند همه مطیعیم.» و طوس و ابیورد و نسادران تاریخ
توابع نیشابور بود.

[۲۷۲۶] پس عبدالله عامر قصد ظاهر نیشابور مُصَمَّم داشت و اعلام مجاهده فی سبیل الله
برافراشت. و چون به حوالی اَبْرَشَهْر رسیدند و پوش زره پوشیدند بَرَزَان جاه
طاغی یاغی — که در آن زمان والی این زمین بود — با قوم او آن دولت و صولت
بدیدند. او نیز با حمران دیگر از میدان آن مردان به جایگاه و پایگاه خود باز
دویدند و بکره و اجبار دستار چون افسار بر گردن زیردستان کرده بر بالای
دیوار حصار و دژ قهندز کشیدند، و یک ماه تمام، از صباح تا شام و از اول شام
تا بانگ خروس، آواز و خروش جنگ بود. ناگاهی شبانگاهی هوا متغیر و
حرکت متعذر گشت و غمام بر تمام جوانب اَبْرَشَهْر احاطه کرد، و از میغ
بی دریغ بر آنها چون تگرگ باران شد، و غموم بر دلهای مؤمنان عموم یافت. اقربا
از زبان ضعفا پیش عبدالله عامر گفتند که ما غریبیم و از عربیم در برف سَرْمَا، به
سَرْمَا فرود آمد: [۶۱۵] «الْحَرُّ يُوذِي وَالْبَرْدُ يَقْتُلُ، لَعَنَ اللَّهُ الْعَجَمَ يَمُوتُونَ مِنَ
الْبَرْدِ وَ يَقُولُونَ خُنْكَلٌ» گرما گریبان چاک کند اما سرما ابدان هلاک کند.

نی روی سفر کردن و نی جای اقامت

عبداللهِ عامر به اسعافِ حاجاتِ ضُعفا پرداخت و لواءِ کوچ برافراشت و آن لشگر را به ملاحظه و مکالمهٔ اُخلی از قند به مرغز [ار] ازغند برد چه او دید که آنجا هوا به اعتدال و مقام بودن را مجال است. چون چند روزی نجح و فیروزی در آن منزل روزی شد، شبی به مقتضای قضا در آن فضا چندان برف بر طرف جویباران مرغزار متراکم شد که از ثُلُوج بُروجِ اِنِّ اَشَدُّ البلاءِ عَلَی الانبیاءِ ثُمَّ عَلَی الاولیاءِ و بَرَد چنان دست بُردی نمود که از خوفِ شرِّ او شرر آتش را از جوف آهن و سنگ قوَتِ حرکتِ نماند.

سرماست چنانک بینی و گوش فسرد
سرماست چنانک دیک در جوش فسرد
گر آتشی مانده بد در دوزخ
آن نسیز پسریرودینه و دوش فسرد

ضُعفا دلها از غم بختند، و سرما و هوای نیشابور باز جستند. معتق — که یکی از مقربانِ عبداللهِ عامر بود — گفت: «صواب آن است که به نیشابور رویم، و هرآینه نصرت ما راست، و دل اعداء ما مقهور است، بیرون در خانها با جامها زمستان بگذرانیم، چون ربیعِ بدیع و روزگار بهار آید به صلح یا به جنگ آن شهر به چنگ آوریم و هر جا فرمایی برویم.» صواب دیدند و باز عبدالله خازم را طلیمهٔ لشگر کردند و عبداللهِ عامر در آن زمستان به نیشابور باز عبور فرمود، و برزان جاهِ مذکور ضالُّ مُضِلُّ نسابور را از آن معاودِ مخالفتِ تمام مراجعه کرد، و قوی ضعیف و سخت سست و حال او نیک بد شد. و آن قلعه‌ها و حصارها، به تأییدِ خدای، در زمانِ قریب همه فتح شد.

[۲۷۲۷] و کنارنک به آستانهٔ عبداللهِ عامر آمد. و خراج اُبر شهر، یعنی نیشابور و طوس، هفتصد هزار درم — که قریب به پانصد هزار مثقال نقره باشد — با بسیاری از انواع اشیاء دگر قبول کرد. و چون این فتح دست داد ملوکِ خراسان — از هراة و مرو و بلخ و غیر آن — دیدند (جاء نصرُ الله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دینِ الله أفواجا ۲/۱۱۰) و اموالِ کثیره از انواع زر و نقره و افراش و مواشی آوردند و به اسعاف قبول کردند:

آن فوج مسلمان شد تا باد چنین بادا
کفرش همه ایمان شد تا باد چنین بادا [۶۲۸]

و عبدالله عامر، درون شهر، به بقعه محله شاهنبر فرود آمد. و آنجا مسجد ساخت و سرایی برای خود بنا نهاد، و خراسان آسان بر ایشان قرار گرفت. [۲۷۲۸]

امام حاکم فرمود، در بیان کرامت و شرف عبدالله بن عامر، رضی الله عنهما، «روی ان عامر بن کریر اُتی با ینہ عبدالله الی النبی صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ وَهُوَ ابْنُ خُمسِ اَوْسْتِ سَنین. فَقَبِلَ النبی صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ [عَلِیْهِ] فِی فِیهِ فَجَعَلَ یَزْدَرِدُ رِیقَ النَّبِیِّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ فَقَالَ النَّبِیُّ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ: ان ابْنک هَذَا مُسْقِأٌ.» قال: فَکَانَ یَقَالُ «لَوَانِ عَبْدِ اللَّهِ قُدِحَ حَجْرًا اِمَاء» یَعْنِی یُخْرِجُ الْمَاءَ مِنَ الْحَجَرِ مِنْ بَرِکَتِهِ. تَرْجَمَهُ — وَالْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ — اَنْ اَسْتِ کَه «عَامِرِ» پسر خود عبدالله را به حضرت خواجه ما، صلوات الله و سلامه علیه، برد و او پنج ساله بود یا شش ساله. پس بوسه دادند حضرت خواجه ما، صلوات الله و سلامه علیه، در دهن او. آن سعادت مند ازل و ابد. پس شروع کرد، یعنی عبدالله، فرو می برد آب دهن حضرت خواجه ما را صلوات الله و سلامه علیه پس فرمود حضرت خواجه ما، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْهِ، بدرستی که پسر تو این، هر آینه آب داده شده است.» پس چنان بود که اگر عبدالله سر انگستی یا سرپایی بر سنگ زدی و خواستی (انْفَجَرَتْ مِنْهُ اِثْنَا عَشْرَةَ عِیْنًا ۲/۶۰) روان شدی از یک سنگ سبک ده سنگ آب، از برکت آن تربیت.

[۲۷۲۹] امام حاکم فرمود، رحمه الله، که چون عبدالله نیشابور فتح کرد، عبدالله بن طاهر را در نیشابور بگذاشت و خود به بصره رفت و پدر خود را باز دریافت بعد ما باز به نیشابور بازگشت و در همان حوالی و سرای خود — که به شاهنبر ساخته بود — نزول فرمود و از نیشابور به همه بلاد و اماکن اُمرا فرستاد و نیشابور دار اماره و سلطنت کرد و اموال این ممالک همه بنیسا بوردند و آنچ به شرع آوردن جایز بود نه به جور.

[۲۷۳۰] بعضی ارباب تاریخ گفته اند که نیشابور به جنگ مُسَخَّر شد. و اَصْحَ آن است — و بیشتر مشایخ بر آنند — که نیشابور به صلح فتح شد. و نقل است که عبدالله طاهر چون والی و مطلق العنان شد بر نیشابور، خواجهگان شهر را جمع کرد و مال خراج بریشان الزام می کرد. و قصد کرد که نواحی شهر و ولایت را مساحت کنند [۶۲b] و زمینها محیة و موات را ضبط کنند و بر هر جریبی مالی خراجی وضع کنند و در چار ربع، و همه ولایاتی که تعلق به نیشابور داشت، چنین کنند.

احمد بن حاج بکر از کبار نیشابور بود گفت: «تو امیر مایی نه شریک مایی و این شهر ما به صلح فتح شد نه به قهر و جنگ، آنچه به قهر و جنگ فتح کنند در آن خراج است و آنچه به صلح فتح شد شرعاً خراج نیست. آنچه حاصل کنیم عشر آن به مستحقان رسانیم و معهذا خراجی نیز به تو بدهیم. اما مساحتی، در این ناحیه، بیشتر شده است به اتفاق همه رعایا و سلطان سلیمان بن مطر، و در دواوین ثابت است. اگر به آن رضا دادی فیهما و نغم، و اگر آن تغییر می‌کنی راضی نیستیم. از شهر بیرون رو و ما را یک سال مهلت ده تا غلات خود را برداریم و به حصار بریم و آنچه خواهیم ذخیره نهیم، پس بیا و جنگ کن اگر به قهر و غلبه بگیری و مسخر کنی مساحت نوکن و هرچ خواهی بکن.» پس عبدالله طاهر توقف کرد و تأمل نمود و بر مساحت سلیمان بن مطر برفت و مصالحه کرد با اهل ابرشهر، یعنی نیشابور، بر دو بار هزاردو هزار درم و دویست هزار درم که تسلیم نمایند مجموع هزاردو هزار و پانصد هزار و چهل هزار مثقال نقره باشد.

[۲۷۳۱] امام حاکم، رحمه الله، فرمود که به این روایات معلوم شد که نیشابور به صلح فتح شده نه به جنگ. و آنک نیشابور همیشه قصبه خراسان بود و دار امارت و سلطنت و مال کبار اماکن و بلاد حَفِظَتْ عَنِ الْفُتُورِ اِلَى يَوْمِ النُّشُورِ. [۶۳۸]

مفاخر نیشابور قدیم که برکت آن تا ابد بر سگان این بلد فایض و باقی است.

[۲۷۳۲] از آن جمله آنک چون سلطان اولیا، برهان اتقیا، وارث علوم المرسلین، مهبط اسرار رب العالمین، ولی الله، صفی الله، فلذة کبد رسول الله، غوث الأمة و کشف الغمة يوم الاخذ بالنواص و اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال بموازين الاخلاص حین البحات و الاستبثاث يوم البعث — کما وعد فی المواقف الثلث: عند المیزان و تطایر الصحف و الصراط ببسط بساط الشفاعة و السری بالانبساط — سلطان المقربین يوم الحشر و الجزا الامام ابوالحسن علی بن موسی الرضا، صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الائمه المعصومین و اتباعهم اجمعین الی يوم الدین در مدینه در شهر ثمان و اربعین و مائة نور مقدس ایشان ظهور یافت و در شهر اربع و تسعین و مائة، به بصره، به

درس حدیث و نشر علم به نصرت دین، آفتاب هدایت ایشان بر اُمت تافت و به تدوین نسخه مبارک صحیفه تقویت ملت حنیفه فرمودند، پس به مقتضای قضای ازل و حکم مبرم قدیم لم یزل به صوب خراسان عزیمت نمودند.

[امام علی بن موسی الرضا (ع) در نیشابور]

[۲۷۳۳] و در سنة مائین من الهجرة نسابور به مقدم حضرت ایشان روضاتِ جنان شد و چون بشارت سطوات شعشعه اشعه آن نور بر قطرِ نسابور میان سگان شهر مشهور شد قطب الانام، کشف العلما، برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ ابویعقوب اسحق زاهویه مروزی قدس سره، شیخ شهر و مقدم ارباب کشف و ولایت بود در کبر سن آن شیخ مسن زین منن به اقدام بر اشغال اقدام نمود به تأیید توفیق غیبیه تا قرینه مؤیدیه با چند هزار صدیق رفیق در پی پیشوارفتند.

[۲۷۳۴] و نقل است که حضرت سلطان، صلوات الله علی رسول الله و علی آله، در محقه بر ناقه عضباء خود سوار بودند و قدوة اهل انس و ایناس شیخ محمد بن اسلم طوسی را، قدس سره، در محقه دیگر اجلاس فرموده بودند - فایده، قبر این دو بزرگوار، در نسابور، بر کناره خندق شادیاخ بر طرف راه روضه تلاجرد، در بناء یک صفا قوی به هم قریب است - و ان اشوة احرار کمر بندگی بسته و به حکم من اغبرت قدماه فی سبیل الله [۶۳b] حرمة الله تعالی علی النار دامن تاتعه ساق برکشیده و شربت و عده کمال قربت چشیده زمام خطام مرکب حضرت امام اولیاء ملک علام بر دوش احترام گرفته و نقل است که متوجه به آن [قدوة] ابرار، ذره وار، در هواء و لاء از ورا قهقری، به شهر باز آمد. استفاده احکام و استکشاف اسرار می کرد و به زبان فصیح و عبارت صریح می گفت که «به روز قیام [نزد] ملک علام جل جلاله وسیله نجات و وصیله فلاح من این است که روزی در دنیا خادم و مهارکش مرکب حضرت سلطان خود بوده ام.»

[اقامتگاه حضرت در نیشابور]

[۲۷۳۵] و چون به نسابور ورود فرمودند در محله فز، در کوچه بلاس آباد، خدام مقام اختیار کردند. و در افواه و اسماع فقراء مشهور بود که چار سال در نسابور

توطَن فرمودند و العلمُ عِنْدَ اللَّهِ. و آن آستانه منزل مبارک — که مهبط ارواح مقربین و مطافِ ملائکه علیین بود — مانده. بقاء آن شهر [و] مآلِ اولیا و ملاذِ اصفیا و محلِ اجابتِ دعاء و اشرافِ آن شهر بود. و خدّامِ آن آستانه ولایت مرتب و به انواع اعزاز و اکرام موظف می‌بودند.

[حمامِ سلطان]

[۲۷۳۶] و بعضی از کرامت، که در آن محله واقع شد، آن بود که بر سرِ آن کویچه حمامی خراب و قناتی بایر و محوطه‌ای بود که آن را حمام و قنّاء و محوطه کهلان گفتندی. اهلِ محله به عمارتِ حمامِ اهتمام کردند، تا به وقتِ التفاتِ خدّام به استحمام، حاجت به محلات نباشد. و قصد می‌داشتند که چون عمارت تمام شود اسبابِ آب از چاه یا غیر آن پیدا کنند. چون حمام تمام شد، بی‌خرج و خرج و سعی مُقنی از قنّاه کهلان، بشتاب، آب روان شد. و حضرتِ سلطان، صلوة الله علی رسول الله و علی آله الائمه المعصومین اجمعین، به آن حمام در آمدند و به شرفِ انتسابِ به حضرتِ ایشان متبرک شد. و آن حمام به نام مبارکِ ایشان شرفِ اضافه یافت، «حمامِ سلطان» گفتندی. و امام حاکم، از زبان خود، نوشته است که «آن حمام هنوز هست و مُتَبَرِّکِ خَلقِ است.»

[درختِ بادامی که حضرت به دستِ خود کاشت]

[۲۷۳۷] و یک کرامت، دیگر آن بود که روزی یک بادام به یکی از خدّام دادند و فرمودند که در طرفی از محوطه کهلان غرس نماید. خادم چنان کرد. غرسِ الفِرْدَوْسِ بِنْدِهِ. سبز شد و در همان تابستان بادام بسیار بار آورد و برگ و شکوفه و پوست و میوه آن درخت سببِ برگ و نوا و صحّت و شفاءِ مَرَضیِ آن زمان بودی. تا چون بسی زمان بگذشت ظالمی غاشم در قهندز حاکم شد و از قُصُورِ عقل خواست که در آن محوطه قصری سازد که محل آن درخت داخل [۶۴a] قصر او می‌بود و درخت [را] نضارت به ذبولِ بَدَلِ رفته بود و بعضی اَجْرًا و معمار و نجار را گفت تا آن را قطع کنند. عمارت تمام نشده آن ظالم و معمار و نجار و مزدور — و هرکس به آن کار منسوب و بر آن منصوب بود — هم در زمانِ اندک مردند. بعد از چند سال ظالمی دیگر پیدا شد به عمارت همان قصر

قصد کرد. چون بناء دیوار می‌کنند اصل آن درخت در زمین نمود. تمام قصه گذشته با او گفتند. چون دلش سیاه و قصدش تباه بود به عین استبصار در آن نگاه نکرد گفت که چون درخت نیست و این در زیر خاک پنهان بوده سهل پنداشت و آن بی اصل، آن اصل را برداشت. عمارت ناساخته او و همه آن اقوام، در اندکی از ایام، هلاک شدند.

[بر کنارِ صُفّه]

[۲۷۳۸] و از فوایدِ مقامِ خُدامِ ایشان به نیشابور یکی دیگر آن است که روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت و حضرت سلطان را، صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الایمة المعصومین، التماسِ اجابت نمود. وعده فرمودند. و عادت آن عصر آن بود که شریفی که دعوت به جهت ایشان بودی صاحب دعوت، پیشتر طفیلیان را بنشاندی، پس آن را که اول مقصود بود آخر حاضر کردی؛ تا انتظار احضار نباشد. آن عزیز، به این معنی، اولیا و اعظام و علما و اشرافِ آن شهر را جمع کرد. و عادت دیگر آن بود که در مجامع، پیشانِ صُفّه‌ها صدر بودی، و بزرگان آنجا مجالسِ اختیار داشتندی و خُدام بر کنارِ صُفّه‌ها بودندی. چون حضرت سلطان، صلوة الله علی رسول الله و علی آله الایمة المعصومین و سلم، رسیدند صوفیان صفوفِ پیشانِ صُفّه‌های صفا، با نیل سعادت و اقبال، استقبال نمودند. حضرت سلطان به متکا و نمارقِ مصفوفه پیشانِ صُفّه التفات فرمودند. و کنارِ صُفّه به شرفِ ذیلِ خلعتِ ولایتِ حضرت ایشان شرف یافت. از آن حین، تا قیامِ قیامت، در این دیار و سایر اقطار کنارها، صُفّه‌ها صدرِ صدور و منازلِ افاضل شد و به تبعیت آن یک بقعه، سایر بقاع — که آن نام داشت — دولتِ آن مکرمت و تعزز برداشت.

[مشاهده باب کعبه]

[۲۷۳۹] و از مفاخر نیشابور دیگر آن است که روزی حضرت سلطان، صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله المعصومین، در مجلسی به نماز قصد فرمودند. کسی سؤال کرد که «محراب بر موضع قبله مستقیم هست؟» دست آن کس گرفتند و به انگشت [۶۴۵] مبارک اشارت فرمودند. باب کعبه در مواجهه نموده شد. و

آن محل تا [این] غایت متعین است بر طرفِ قبلهٔ شارعِ عام [که] از امام قهندز می‌گذرد واقع است.

[رفتن حضرت رضا (ع) به زیارتِ امام زاده محروق]

[۲۷۴۰] و از مفاخر نیشابور دیگر آن است که حضرت سلطان، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَي آلِهِ الْأَيْمَةِ الْمُعْصومِينَ وَ سَلَّمَ، روزی فرمودند عبارتی که فی الجمله حکایت آن این است که «مخدوم ما اینجا مدفون است به زیارت ایشان رویم.» و به روضهٔ سلطان محمّد محروق، در تلاجرد، تشریف آوردند. و آن روضهٔ مقدّسه را زیارت فرمودند. و حال آنکه سلطان محمّد محروق در مرتبهٔ نَسَبِ با وَالِدِ حضرت سلطان، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَي جَمِيعِ آلِهِ الْأَيْمَةِ الْمُعْصومِينَ، مساوات دارند. و بیان هر دو نَسَبِ چنین ثابت و محقق است: الامام موسی بن الامام جعفر بن الامام محمد بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیر المؤمنین ابو عبدالله الحسین بن امیر المؤمنین و یعسوب المسلمین کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُمْ. و نَسَبِ دوم: الامام محمد بن الامام محمد بن الامام زید بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیر المؤمنین ابی عبدالله الحسین بن امیر المؤمنین و یعسوب المسلمین کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُمْ.

[مزار یکی از سادات]

[۲۷۴۱] و از مفاخر نیشابور دیگر آن است که اگر چه ایمةٔ سادات در خاک پاک بسیار روضات دارند اما اگر روضات قرب از عیون اعیان و صدور نیشابور پوشیده است مگر آنکه در یکشنبه شانزدهم جمادی الاولی سنهٔ اثنین و ثلثین و ثمانمائه در قربِ جوارِ روضهٔ تلاجرد، روضهٔ سلطانی از اهل البيت — قُدْوَةٌ أُولیَا وَ أَصْفیَا، صَلَوَةُ اللَّهِ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَی آلِهِ الْأَيْمَةِ الْمُعْصومِينَ اجمعین — پیدا شد به این لَقَبِ وَ نَسَبِ که مسطور می‌شود، مکتوب بر رَقْمِ منشور مضبوط در بیتی معمور به خطی مطبوع، موضوع درونِ روضهٔ حضرت ایشان:

«هذا قبر الشریف الحسین بن ابو عبدالله داود بن علی بن عیسی بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابیطالب کَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُمْ دُفِنَ فِی تَلَاجَرْدِ الْعُلَیَا. توفی، رضی الله عنه، لیلۃ الخمیس من ربیع الاول سنهٔ اثنین و

ثلثمائه من الهجرة» و از در خانقاه تلاجر د به جانب شرق به مقدار ده ذراع تقریباً روضه مقدسه ایشان است، رضوان الله تعالی علیهم اجمعین. [۶۵a]

[حدیثی که حضرت روایت کرد]

[۲۷۴۲] و از مفاخر شهر قدیم این قصه کریم در السنه مذکور و در افواه مشهور است که حضرت سلطان، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَي آلِهِ وَ سَلَّمَ، در نیشابور به منبر بر آمدند. و نقل است که چند هزار دوات و قلم اعیانِ اُمَم مرتب داشته اقتباس انوار اسرار افاده ایشان می کردند. حضرت سلطان این حدیثِ مُعْتَمَن از آباء اولیاء اصفیاء خود تا حضرت خواجه کاینات، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِمْ وَ عَلَي آلِهِمُ الْاِئِمَّةِ الْمُعْصُومِينَ اِجْمَعِينَ الی یومِ الدین، روایت فرمودند که «التَّعْظِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ الشَّفَقَةُ عَلَي خَلْقِ اللَّهِ».

[۲۷۴۳] دیگر از مفاخر نیشابور آن است که منشاء و مقر و مظهر انوار ولایت چند هزار از مقربان حضرت و ائمه عظام ملت بود، که اسامی نفیسه حضرت بعضی از ایشان، رضوان الله علیهم اجمعین، در این اجزا و اوراق سابقه ذکر شده. و هریک را از کرامات و مقامات، بسیار بود که این نسخه قابل بیان آن نبود.

[میوه نیشابور در سراسر سال]

[۲۷۴۴] و از مفاخر نیشابور امام حاکم، رَحِمَهُ اللَّهُ، فرمود کی «از دلائل ارتفاع بقاع نیشابور بر بلدان و اماکن قریب و دور آن است که ثمار در هیچ دیار در دوره سال برقرار نماند الا نیشابور کی مثل امرود و سیب و بهی در دوازده ماه، هرگاه که خواهند، فی الجمله موجود است. و در قُربِ نه ماه و ده ماه انگور و خربزه، تر و تازه در بیوت و اسواق و دروازه به بها و دریوزه توان یافت، و از آن ثمار شربتهای نافع توان گرفت. و در بلاد شرق این مذکورات اگر باشد زود منقص شود. و به نیشابور بر کمال خود باقی ماند، مگر در محافظت مساهله نموده باشند.

[در ستایش نیشابور]

[۲۷۴۵] امام حاکم فرمود که «نیشابورست، هوای اوصافی به صحت ابدان وافی، خالی از خطایا، عاری از وبا و اکثر بلایا، مصر امصار حلید مقدار، عروس بلدان،

خزانه خراسان، دار امارت، لطیف عمارت، معدن فتوت، مخزن مروت و موطن ادیبان، مقر سلطان، موضع اعلام هدی، مطلع انوار تقی. رحمت دروی نازل، برکت به او واصل بدل آنکه در سرخس دُنیشها به نیشها تنها خونین کند در نسابور زنبور کندو، جهان پرانگین کند، ریزه او فیروزه، و حصول آن نجز هر روزه، حجر او جوهر، کمر او تقره و زر. نبات او، بر اطراف عیون جبالشان، ریباس. نبات او، بر اکناف عیون [۶۵b] رجالشان، زیباش، درو مخافتِ سموم نی، مرض او را عموم نی، سلاطین به امارت آن متفاخر، در انتزاع آن از یکدیگر متظاهر، منازل کُبرا، مناهلِ عظیمًا، مأوایِ اشراف، مثنوی عدل و انصاف، همه چیز او موصوف، سگان او به سخا وجود موصوف. اهل کمال را درو مقام، همه کمالات او تمام.» این معانی و اوصاف قدیمه کثرتی داشت ختم شد.

[مقایسه نیشابور و دیگر شهرها]

[۲۷۴۶] امام حاکم فرمود: قومی مردم آنایی تنها رو و هر جایی با پدری و پور از نسابور در فضیلتِ اماکن آنها و تنقیصِ مساکنِ اینها مجادله کردند. آن پور و پدر این قصه مختصر نگرفتند و از بلدانِ دیگر اکثر را عیب و نقصان بیان کردند: «در سیستان، باد او جنوب و اثرِ آن ریگها در دیدهها و جیبوب. خانهها از آن خراب و دیدهها از آن بیاب. سند و هند حرارت شدید دایما اشک و عرق ازیشان پالوده و معاطف بدن به آرد جو آلوده. خوارزم و ترکستان سرمای آن وافر و حاجتِ به دود و آتش اکثر سال متکاثر. به مرو و حوالی آن از پشه و امثال چنان که به عالم کس نبیند امثالِ آن.» و علیٰ هذا اکثر بلادِ عالم مکتوب بود و هریک به فساد منسوب بود ترک کرده شد.

[ذکر وادیهای نیشابور]

[۲۷۴۷] امام حاکم فرمود که میان یکی از نیشابور و دیگری از شهری دور، معارضه شد. غریب گفت: «در شهرِ شما مسافر را تاب نیست و در صحرا راه‌گذری را آب نیست. در بلادِ دیگر مثل دجله و جیحون و در اطراف این شهر همه هامون است.» نسابوری گفت: «این سخن هر نادان است و مرا بر صدق خود روشن صد برهان است. از دیزباد — که طرفِ ولایت [است] — تا کالکاباد — که آن

کَنْفِ ناحیه است — وادی‌ها و جوی‌ها و چشمه‌ها که بر دیده‌ها عیان است زیاده از سیصد موضع آنها روان است که همه بی سعی انسان است که اگر اکثر آن جمع بودی بیشتر از جیحون و سیحون شدی. و نزد همه عقلا معقول است که از متفرق بودن آن بیش محصول است. و از عین اخضر و آب انبوه آن — که در کوه است — چه مجال مقال است. و مابین دو طرف ولایت زیادت از چهار هزار قناده است، غیر قنواتی که دیه‌ها بر آن مبنی است. و آب کاریز شیرین تر و پاک تر از آب بلاد دیگر است که بسیار [۶۶a] قاذورات در آن واقع شود تا به خانه‌ها رسد.

[نخستین کاریز]

[۲۷۴۸] و اول کسی که کاریز کند، و بهندیسه آب از زیر زمین بر روی زمین اجرا کرد، پادشاه منوچهر بود. و اجراء قنوات نیشابور از او شد. و نیز گویند که بعضی از اوضاع کاریز کنندن و آنها بر بلندیا بردن، به دولاب و مثل آن، ابی‌الریحان حکیم خوارزمی اخراج کرد. و اما آن وادیا که به شهر جاری می‌شود و شرب باغات و با داخل شهر است: شغابندیسر و وادی بوشنقان و خرو است و آنج داخل نمی‌شود چارست: و عطی رود و وادی شامات، وادی بشفروش، وادی دیزباد.

[رَبْع‌های نیشابور]

[۲۷۴۹] اما ارباع نیشابور چارست: ریوند، مازل، شامات، بشفروش و کیفیت قسمت و مساحت آن است که از چار طرف مسجد جامع، به هر طرفی رفتند و تا کنار زمین ولایت قری و قنوات را به آن رِبْع نسبت دادند و به قریه‌ای که در آن جانب معمور و بیشتر بود اضافه کردند.

[رَبْع ریوند]

[۲۷۵۰] اما رِبْع ریوند: از حَدِّ مسجد جامع بود تا مزرعه احمدآباد، اول حدود بیهق، طول او سیزده فرسخ عرض او از حدود ولایت طوس تا حدود بشت، پانزده فرسخ. مشتمل بر زیاده از پانصد دیه که بعضی را یک قناه بود یا دو یا سه یا

چهار یا پنج. و ریوند که ربع به آن منسوب است قریه کبیره معموره بود، بانی آن انوشروان عادل، درو مسجدی جامع منیع رفیع و خانقاه‌های بسیار. و در اول اسلام حکام ماوراءالنهر سه برادر بودند: محمد و عطریف و مسیب، هر سه از ریوند. هر یک در آن مملکت درم و دینار بسیار زدند و آثار آن پیداست.

[رَبْعِ شَامَات]

[۲۷۵۱] رُبْعِ شَامَات: از مسجد جامع تا حدود پشت. طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رُخ، چارده فرسخ. قُرَایِ آن سیصد زیاده بود. راه فارس و کرمان از سوی قهستان بر آن است.

[رَبْعِ مَازِل]

[۲۷۵۲] رُبْعِ مَازِل: از همه ارباع، قری بیشتر دارد، متنزهات و مواضع تفریح و تنزه اهل بلده قُرَایِ این رُبْعِ است. و اکثر قُرَایِ این متصل بحل است: فرخک و موسنقان و باغ فرک، در ربیع و خریف مطاف هر حریف و ظریف است.

[رَبْعِ بُشْفَرُوش]

[۲۷۵۳] رُبْعِ بُشْفَرُوش: ناحیه بزرگتر ولایت است و دپه‌ها بزرگ معمور. به خراسان از آن معمورتر [۶۶b] ناحیتی نیست.

[ولایت‌های نیشابور]

[۲۷۵۴] ذکر ولایات کی از نواحی و اقطار خراسان به نیشابور نسبت دادندی و اشراف و اکابر آن را نیشابوری خواندندی و آن دوازده ولایت است طول و عرض، یعنی آن از سی فرسخ و بیست و پنج کمتر نباشد. به هر یکی از آن قری و قنوات و باغات و عمارات، ما لا یُعَدُّ و لا یُحْصی.

[۲۷۵۵] منها، ولایت بیهق، بر حدود ریوند تا حذام ولایت دامغان، بیست و پنج فرسخ زیاده است و عرض مثل این.

[۲۷۵۶] ولایت جوین، منشأ اولیاء و علما، قری و قنوات در عمارات به حد غایات به یکدیگر قریب، چنانچ همه را به مثابه یک ربع مسکون مملکت توان گفت. اهل

دین و دیانت و خداوندان باهوش و همه ایوان‌خانه‌ها رفیع و مهمان‌خانه‌ها وسیع، اصنافِ اشراف و عوامِ ایشان را همتها عالی و دل اکرام اصناف و اتمام الطاف دلها از ملال خالی.

[۲۷۵۷] ولایت اسفراین، پادشاه قبادبن فیروز چند روز آنجا بود. از حضرت صحرا و صحت هوا آن را مهرجان نام نهاد. امام حاکم فرمود، رحمه‌الله، که خواندم در تاریخ و شنیدم از مشایخ آنک پادشاه قباد از برادرش بلاش فرار کرد. سویی خاقان ترک می‌رفت تا لشگر به مدد ستاند و ملک را از برادر بستاند. راه بر اسفراین بود. به خانه خواجه‌ای نزول کرد. و داعیه تاهل کرد و فرزند آن میزبان را به نکاح مهمانی کرد. و او را فرزندی متوقع شد. به جانب خاقان رفت و این ضعیفه را به خانه پدرش بگذاشت، اما از او نگذشت. و چار سال به ترکستان توقف کرد، و با لشگری عظیم معاوت کرد و به مهرجان آمد و حلال خود را جست. حلال او با پسری سه ساله به نزدیک او آمد. نام پسر سلطان انوشیروان، لقب کسری. و به این جهت انوشیروان را در آن دیار نیسابوری گفتندی. و نقل است که این خواجه از قریه فریمان بودند. و اقرباء انوشیروان از آن جهت در اسفراین هستند. بعد ما سلطان حمویه بن علی از اولاد او در خراسان سلطان بود. و خود را به اسفراین و قریه فریمان نسبت می‌داد و سپهدار و نامدار لشگرهای شرق بود. و هفتاد کت با مخالفان دین جهاد کرد و در هفتاد بار آن لشکرها شکسته و ایشان مظفر و منصور بودند. و علماء اسفراین [۶۷a] از حد بیشتراند.

[۲۷۵۸] ولایت خبوشان، و آن را استوا گفتندی تا حد نساوتا اسفراین و ولایت طوس و ارغیان حد آن است. قرای کثیره کبیره معموره دارد. منابع و مراتع و مزارع بسیار دارد.

[۲۷۵۹] ولایت ارغیان، ولایتی معمور و به کثرت علماء کبار مشهور.

[۲۷۶۰] ولایت پُشت، آن را عربستان خراسان گفتندی، از بس که ادبا و بلغاه آنجا و از آنجا بودند. یک دیه معمور آن خارزنج و دیگر کندر که با قهندز بنا کرده‌اند.

[۲۷۶۱] ولایت رُخ، ولایتی قدیم معمور کبار بسیار درو قرار گرفته.

[۲۷۶۲] ولایت زوزن، عمارت و علماء آن مستغنی از بیان.

[۲۷۶۳] ولایت خواف، متصل به زوزن. و سلومدیهی است از آن. و یکی است از آن

هفت دیه که با قهندز بنا نهاده‌اند. و ابوقابوس — که مدتها مَلِکِ شام بود — از سلومد خواف [بود].

[۲۷۶۴] ولایت ازقند، ولایتی معمور درو مرغزارها. موضع بودن عبدالله عامر. از آنجا به نیشابور آمد و فتح شد.

[۲۷۶۵] ولایت جام و باخرز...

[۲۷۶۶] ولایت جاجرم، اول ولایت متصل به جُوئین و آخر به جُرْجان، درو دیده‌های معمور و بزرگان دین و دنیا مشهور.

[کوچه آتشکده و مسجد جامع]

[۲۷۶۷] ذکرِ بناء مسجد جامع، چون عبدالله عامر. رضی الله عنهما، نیشابور فتح کرد آتش‌کده قهندز را خراب کرد. و به جای آن جامع ساخت. و صحابه به آن درآمدند و به احکام دین فتوی دادند. کسانِ کنارانک آمدند. گفتند که «جزیه قبول کرده‌ایم» تا آتشکده ایشان خراب نشود. عبدالله عامر ایشان را دور از جامع، مکانی تعیین کرد. آنجا کوچه آتشکده گفتندی. و مسجد بی مناره بود تا ابن مهلب به نیشابور آمد. بناء مناره فرمود. در قهندز. و امام شهر بن حوشب و عکرمه را به جهت فتوی دادن بنشانند.

[مسجدی که ابو مسلم ساخت]

[۲۷۶۸] اما مسجد جامع بزرگ و مقصوره بزرگ، بلاخلاف، ابو مسلم مروزی بنا نهاد. مساحت زمین جامع سی جریب بود. و هزار ستون داشت. شصت هزار خُلق، بیکبار، در وی نماز کردند. درو آبهای روان و حوض‌های عمیق در وسط آن یخدانی ساخته و هر سال از برف مملو داشته. و همه تابستان بتبرک بیماران و غیر [۶۷b] ایشان به آن انتفاع یافته بی ثمن. درو درختها ناژ و وتوت، که از هر یکی از آن غالباً چند ستون حاصل شدی، چنان بزرگ. زیاده از صد خادم و فراش داشت. و در موضعی ازو، مثل خاندهای، مبنی بر دوازده ستون به عمارت ممتاز، شش ستون از مرمر و دو ستون از بیشه طرف دجله آورده، به رنگ مهره‌ها سیاه و سفید و چهار ستون از گچ و خشت پخته ساخته، سقف و ستونهای آن به زر تذهیب کرده و قُبَّة مُذَهَّب بالای آن مرتب. مقومان و مبصران

بیست هزار مثقال زر آن را تقدیر می کردند. امام حاکم فرمود کسی «سقف و ستون و پله ها و منابر و صنادیق و مصاحف و قنادیل و حصیرها و فرشها و توابع اینها را قیمت کردند به صد هزار مثقال زر رسید. و صد هزار مثقال زر طلا را اوقاف مسجد جامع زیاده بود. و به خراسان منبری احسن تر از آن منبر نبود که ابو مسلم درین جامع نهاده بود.»

ذکر دو منار جامع

[۲۷۶۹] ابو مسلم در جامع منار ساخت. بعد از او، ارباب مناصب [را] آن منار قصیر و آن بنا به نسبت با جامع حقیر نمود. چون حکومت به منصور بن طلحة بن طاهر، برادرزاده عبدالله طاهر، رسید آن منار را منهدم ساخت و منار دیگر برافراخت و به بسیاری از اول بلندتر و قوی تر و عمارت او به زینت و تذهیب آراسته تر کرد و به طریق هندسه چنان کردند که در دوره سال از ظلال آن انتقال شب و روز معلوم شدی. بعد از زمان او به حرکتی در ایامی میلی در روی پیدا شد. چون نوبت به عمر ولیث رسید آن را نیست کرد و دیگری برداشت و نام و لقب خود بر آن بنگاشت.

[منار جنبان نیشابور]

[۲۷۷۰] بعد از آن چون نوبت به خمار تکین رسید مناری رفع کرد وصیت آن دو منار دفع کرد، چنانچ در دنیا ارفع از آن و اعجب و آراسته تر و پراسته تر و دایر تر منار در هیچ دیار هیچ نجار ندید. از فوق عالی بام جامع تا سر منار نود و چهار ذراع بود. و اجرت استادان بی مزدور خرج عمارت دوهزار مثقال طلا مقرر کرده بودند و به هندسه چنان ترتیب کرده بودند که چون باد آمد فراخورد قوه باد آن منار حرکت کردی اما نیفتادی و هیچ خستی و جزئی از [۶۸۸] وی فاسد نشدی.

ذکر مسجدهای متبرک شهر قدیم که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی

[۲۷۷۱] اول مسجد که صحابه بنا نهادند، به وقت فتح شهر قدیم در موضع شاهنبر و در

آنجا نماز گزاردندی. و سنگی قوی بزرگ، جمع صحابه به اتفاق خود، برداشتند و در آن مسجد آوردند و برای علامت بگذاشتند. مسجد محله فز، در جوار منزلِ خدامِ سلطان، صَلَوَةُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلٰی رَسُوْلِ اللَّهِ وَ عَلٰی آلِهِ الْاَيَّةِ الْمُعْصُوْمِيْنَ اجمعين. مسجد معروف به مسجد روی بکوه، مسجدی قدیم و عزیز بود. و مسجدِ بابِ معمر، میان دو مقبره. مسجدِ رجبانِ معاذبنِ مسلم. مسجدِ دروازه قهندز، که پیش از فتح نه ماه صحابه در آنجا عبادت کرد[ه]اند. مسجدِ سرالعار، مسجد که مُصَلِّي جَنِيَانِ گفتندی، مسجدِ امامِ یحیی متصل سرای بستان، مسجدِ ابنِ حَرْب، مسجدِ اَیُّوبِ بنِ الحَسَنِ، مسجدِ حَمَش از اجابتِ دعا، درین مسجد، عجایب بسیار منقول بود.

ذکر میادین نیشابور

[۲۷۷۲] میدانِ تلاجرد و در صدر این میدان قصرِ مطبوعِ مرفوعِ مرغوبِ محبوبِ مزین بود. هارون رشید چون به نیشابور رسید مدت اقامت او آن گوشک مقام او بود. میدان هانی، میدان حسین بن معاذبن مسلم، مجمع سلاطین و میان بلد بود، و میدان زیاد.

ذکر مقابر و قبور کی مزارات نیشابور بود

[۲۷۷۳] مقابر و قبور اولیا و اصفیا در محلات و قری بیشتر بود از عدد و احصاء اما آنچه علی التعمیم زیارت کردند از مقابر و قبور بیشتر این است:

[۲۷۷۴] مقابر صحابه، در بالای مقبره حیره و آن را مقبره نصرین زیاد القاضی گفتندی و سه صحابی در آنجا مدفون اند اما آن قبر که سر حلاب است یقین قبر همام بن زید است که یقین از صحابه کبار و قدوة ابرار بود و در همین مقبره در حیره روضه شیخ ابی حفص و ابی عثمان و زهاد بسیار است و شیخ ابو جعفر مدنی در بالای مقبره است.

[۲۷۷۵] مقبره تلاجرد مشهد سلطان علوی شهید مقبول و لیس الله المقتول فلذة کبد الرسول، صلوة الله و سلامه علیه و علی آلہ المعصومین اجمعین، [۶۸b] نام و نسب مبارک ایشان بر لوحی مسطور بر سر روضه ایشان به این ترتیب است: «هذا قبر الامام محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب

علیه السلام و رضی الله عنهم اجمعین.»

- [۲۷۷۶] مقبره سر میدان، قبر نصر بن زیاد القاضی و امام احمد بن ابراهیم و ابی عبدالله البوشنجی و ابی الولید و ایوب بن الحسن الزاهد و امام مسلم الحجاج صاحب صحیح و بشر بن الحکم و عبدالرحمن بشر و محمد بن عبدالوهاب.
- [۲۷۷۷] مقبره شاهنبر، بسیاری از علما و اولیاء تابعین آنجا مدفون اند. و در آن مقبره آن امام زکریا [بن] دلویه و ابراهیم بن محمد [بن] سفیان و ابو عمرو بن نجید و ابوالحسن قاضی الحرمین و ابوالعباس الاصبم.
- [۲۷۷۸] مقبره محله قز، الشیخ حمدون القصار و ابو علی الثقفی و عبدالله بن منازل و ابوالحسن علی بن احمد البوشنجی.
- [۲۷۷۹] مقبره باب معمر، قبر امام احمد بن حرب. و دعا آنجا صباح جمعه مستجاب است شیخ یحیی معاذ و بسیاری از علما.
- [۲۷۸۰] مقبره حسین بن معاذ بن مسلم به باب عزره، الحسین بن الولید القرشی و حفص بن عبدالرحمن و یحیی بن یحیی. و براهین روشن است بر آنک دعا به نزدیک قبر ایشان مستجاب است. و عبدالله الرماح و یاسین بن النضر الباهلی و الحسین بن الفضل [و] احمد بن المبارک الزاهد و ابوالعباس السراج و ابراهیم بن ایطالب.
- [۲۷۸۱] مقبره امیر عبدالله بن طاهر و اولاد و عشیره او، امام الحدیث محمد بن یحیی الذهلی و بسیاری از سادات علویّه در بالای این مقبره در حظیره ای سه که منسوب است به اهل البیت - آسوده اند. و در این حظیره است روضه مقدسه سید شهید الامام ابی جعفر الصوفی و هو محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسین بن امیر المؤمنین و یعسوب المسلمین کرم الله و جهههم. و قبر سید بزرگوار امام جعفر بن زبارة و دو پسر و احفاد ایشان، رضوان الله علیهم اجمعین.
- [۲۷۸۲] مقبره جلاباد، علماء بسیار و اولیاء کبار در آن مقبره آسوده اند از آن جمله: امام اسحق بن ابراهیم الخنظلی و امام محمد بن اسلم العابد و محمد بن رافع القشیری و امام احمد بن سعید [۶۹۸] الدارمی و ابو زکریا عنبری و بسیاری از علماء. اکثر این اشراف پیش از چهارصد از هجرت بوده اند، در قرون اول و بعضی [...] از هجرت بوده اند. و بعد از چهارصد بزرگان، که بوده اند تا پانصد و پنجاه و پنج - که آن شهر به زلزله خراب کلی شد - و بزرگان که بعد از

آن تا ششصد و شصت و شش — که خرابی شادیاخ شد — و بعد از آن در آن شهر دیگر که عدد و حصر این بزرگان مقدور و میسر نیست، یکی از ایشان در این اسامی مذکور نیستند.

فایده

[زلزله‌های نیشابور]

[۲۷۸۳] و بعضی از وقایع نیشابور آن است که در حواشی تاریخ یمینی که در چارصد و کسری از هجرت نوشته شده آورده که نیشابور از ابتداء بنا آن تا این غایت هیژده بار به زلزله خراب شده. و بعد از آن در تاریخ پانصد و پنجاه و پنج از [هجرت] شهر قدیم خرابی کلی یافت، قومی که ماندند به محله شادیاخ اجتماع کردند و شهر ساختند. صد و ده سال مجال بقاء شهر بود. مجمع افاضل و معدن کرام و عظام ایام بود.

[نامه امام فخر رازی به سید صدرالدین حسینی]

[۲۷۸۴] و در آن ایام بزرگان شادیاخ بر اشراف سایر بلاد فضیلت داشتندی. خصوصاً سید بزرگوار سید صدرالدین الحسینی که در مراتب علم و عمل لاحق به اولین و سابق بر آخرین بودند. و از مکارم حضرت ایشان یکی آن است که امام امت و مقتدای ملت امام فخر العله و الحق والذین الرازی، رضوان الله علیه، مکتوبی نوشته‌اند به ایشان. بعضی از آن این است: «كُتِبَتْ مِنْ هِرَاةٍ، صِيْنَتْ عَنِ الْاَقَاتِ، رَأَيْتُ فِي السَّفَرِ الْخَامِسِ مِنَ التَّوْرَاتِ اَنْ لَهِ سُبْحَانَهُ قَالَ لِمُوسَى: «يَا مُوسَى اِحِبُّ رَبَّكَ بِكُلِّ قَلْبِكَ وَاَنَا اُخْبِرُ سَيِّدِي وِسَنْدِي وِمَوْلَايَ الصَّدْرَ الْاَجَلَّ الْمَبْجَلَّ السَّيِّدَ السَّنَدَ الظَّاهِرَ الطَّاهِرَ التَّقَى النَّقَى صَدْرَ الْمَلَّةِ وِالذَّيْنِ شَمْسِ الْاِسْلَامِ وِالْمُسْلِمِيْنَ مَلِكِ السَّادَاتِ اِفْتِخَارَ الْعِثْرَةِ الطَّاهِرَةِ قُدُوَّةَ الْمُحَقِّقِيْنَ فِي الْعَالَمِ، خَصَّهُ اللهُ تَعَالَى مِنَ السَّعَادَاتِ الْقُدْسِيَّةِ وِالْكَرَامَاتِ الْعُلُوِيَّةِ بِاَكْمَلِ دَرَجَاتِهَا وَاَفْضَلِ غَايَاتِهَا، بَأَنِّي اُحِبُّهُ مِنْ صَمِيمِ قَلْبِي وَاُحِبُّ مَنْ اُحِبَّهُ» الى آخر المکتوب.

[۲۷۸۵] حاصل کلام، با تخفیف ایرام، آنک فرمود امام که «خواندم در سفر ینجم از تورا که حق سبحانه و تعالی فرمود موسی را علیه السلام که «ای موسی دوست داری پروردگار خود را به تمام [۶۹b] دل خود و من خبر می‌کنم سید

خود و سَنَدِ خود و خواجه خود را که من ایشان را دوست می‌دارم از صمیم دل خود و دوست می‌دارم آنک ایشان را دوست می‌دارد.» با آنچ در آن مکتوب است از براهین برین معنی.

[زلزله سال ششصد و شصت و شش]

[۲۷۸۶] بعد ما در شب جمعه سنه ست و ستین و ستمائه این شهر نیز به زلزله خراب شد. هفتاد کس به صحراها ماندند. آن شهر سیّم بنا نهادند. آن نیز بچاشت یکشنبه آخر جمادی الاول سنه ثمان و ثمانمائه به زلزله خراب شد، اندر سه زمان سه زلزله واقع گشت بُد پانصد و اند آنک شد شهر چو دشت شش سال فزون دوم ره از ششصد و شصت از زلزله بار سیّم هشتصد و هشت

چون بیان اسامی و کرامات و مقامات سادات و اتباع حضرت ایشان از اولیاء کرام و علماء عظام مقدور مقدار بشر نیست، برین مختصر ختم اولی تر.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ بِحُرْمَةِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَيْرِ الْبَرِيَّاتِ وَ ادْخِلْهُمْ بِرَحْمَتِكَ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. [۷۰۸]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ رَبِّ يَسِّرْ وَ تَسِّمْ

[۲۷۸۷] الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى حَبِيبِهِ وَ رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ) وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: «إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا يَمُوتُونَ وَ لَكِنْ يَنْتَقِلُونَ مِنْ دَارِ الْإِلْهِ إِلَى دَارِ» وَقَالَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ: «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنِ زِيَارَةِ الْقُبُورِ إِلَّا فَرَّزُوا رُوحَهَا.»

[مقابر و مزارهای دیگر]

[۲۷۸۸] بر مقتضای آیه و حدیث چون زیارت دوستانِ خدای متضمن ثواب بسیار و

فواید بی شمار بود، بعضی از احبّه — که امتثال التماس ایشان واجب بود — درخواست کردند از بنده کمینه احمد [بن] محمد بن حسن [بن] احمد المعروف بالخلیفه النیسابوری تَابَ اللهُ عَلَيْهِ تا اسامی بزرگان — که در نیشابور آسوده اند — در قلم آورد، و ذکر اسامی از جمله بزرگان متعذر بود. از بهر آنکه نیشابور کهنه — که محط رحالِ (رجالٌ لا تُلهيهم تجارةٌ ولا بيعٌ عن ذكرِ الله ۲۴/۳۷) بوده چهل و هفت محله داشته که یکی از آن محلات متوسط را محله جولاهگان گفتندی و آن را سیصد کوچه زیادت بودی و هر محله ای را مقبره هایی بوده. و شصت دیه در ربض درآمده بوده و مقابر آن دیه ها که مملو به اولیا و صلحا بوده در میان شهر ناپیدا گشته و بعد از خرابی آن شهر به سبب غارات و تاراج مزارات مندرس و قبور منطمس شده و کسی نمانده که گورستانها را باز شناسد، فَكَيْفَ بِالْقُبُورِ؟ و هر چند چنین بود اما بر موجب «إِنْ لَمْ يُدْرِكِ الْكَلَّ لَمْ يُتْرَكِ الْكَلُّ»، اسامی این بزرگان — که در طبقات شیخ [ابو] عبدالرحمن سلمی و رساله استاد ابوالقاسم و تذکره شیخ فریدالدین عطار و تاریخ امام ابو عبدالله نیشابوری مسطور است که در نیشابور آسوده اند — جمع کرد. حق، سبحانه و تعالی، همگنان را رعایت اقوال این بزرگان و متابعت افعال ایشان کرامت کند و از برکت و شفاعت ایشان [۷۰b] محظوظ گرداند و هُوَ وَلِيُّ الْأَجَابَةِ وَ التَّوْفِيقِ.

اسامی سادات کبار

[۲۷۸۹] محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب صلوة الله علی رسول الله و علی آله الطیبین الطاهرین، مدفون است به مقبره تلاجرد. ابو جعفر الصوفی محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسین بن علی بن ابیطالب، محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله و پسر بزرگوار او، محمد بن محمد الملقب به زبارة نقیب سادات خراسان، این دو شریف بزرگ و اولاد و احفاد ایشان، رضی الله عنهم، در مقبره عبدالله طاهراند و آن را «گورستان سادات» گفتندی.

اسامی صحابه رضی الله عنهم

[۲۷۹۰] عامر بن سلیم الأسلمی علمدار رسول خدای عزوجل، عفان بن حبیب، هام بن

زیدبن و ابصه، این سه صحابی و سه صحابه دیگر — که نام ایشان معلوم نیست — بیقین در نیشابور آسوده‌اند. و گفته‌اند که ابو بزرگه اشلمی در نیشابور آسوده است.

اسامی مشایخ طبقات

[۲۷۹۱] ابو حفص حداد نیشابوری، ابو عثمان حیری نیشابوری، حمدون قصار نیشابوری، محفوظ بن محمود نیشابوری، ابو علی ثقفی نیشابوری، یحیی بن معاذ رازی، ابو الحسن علی الفوشنجی، ابوبکر طمستانی فارسی، عبدالله بن مبارک نیشابوری، ابوبکر فنار نیشابوری، ابو عمرو بن نجید نیشابوری، ابو جعفر احمد بن حمدان نیشابوری، ابو عثمان مغربی، ابو القاسم مغربی، این مشایخ در نیشابور آسوده‌اند. و امام حاکم ابو عبدالله و شیخ سلمی یا یکی از این دو حکم کرده‌اند به وفات ایشان. و ابو الحسن علی بن بندار و [ابو] عبدالله النیشابوری المعروف بالرازی و ابوبکر الشبلی و ابو الحسن الوراق و ابو حمزه خراسانی ظاهراً هم در نیشابور آسوده‌اند، و از بهر آنکه ظهور ولایات ایشان و مسکن ایشان در نیشابور و نیشابور [ی] اند، اما در این کتب، مذکور ذکر مدفون ایشان نیافتیم، شاه ابو الفوارس شجاع کرمان خلاف است که در نیشابورست یا در سیرجان. و در این کتب ذکر مدفون او نیست.

اسامی علماء بزرگ

[۲۷۹۲] امام محیی السنه [۷۱۵] مسلم قشیری، امام المذهب اسحق راهویه، امام محمد بن یحیی ذهلی، امام محمد بن اسحق خزیمه، احمد بن حرب نیشابوری، محمد بن اسلم طوسی، امام ابوسهل الصعلوکی، امام قاضی الحرمین، امام ابو العباس الاصم، امام نصر بن زیاد القاضی، امام محمد بن الهیثم، امام ابو علی الکوفی، امام احمد المنکدری، امام ابو محمد حصیری، امام عباس بن حمزه، امام ابو عبدالله السراج، امام ابو القاسم الواعظ، امام ابو الطیب الصعلوکی، امام ابو علی نیشابوری، امام ابو یعقوب الکرّامی پنج هزار جهود یا بیشتر بر دست او مسلمان شده.

اسامی کسانی که قبور ایشان مزارات آن شهر بوده بعضی آن بزرگان و بعضی غیر ایشان

[۲۷۹۳] یحیی بن یحیی و دعا بر سر خاک او مستجاب است، احمد بن حرب و دعا بامداد جمعه بر سر خاک او مستجاب است، ابو حمزه مدینی، علی بن هانی بن قنبر و ظاهر آن است که هانی آنجاست، ابوبکر الزاهد، ابوالحسن الکوفی، ابراهیم بن ابی طالب، ابویعقوب اسحاق، ابو عمرو الحیری، ابو عمرو المستملی، ابو عمرو الخفاف، ابو عمرو الزاهد، عباس بن حمزه، ابوسعید الاصبم، ابوالحسین الخفاف، الحسن الحداد، ابوالولید، ابوالعباس العابد، ابوعبدالله الصفار، ابوالفضل الواعظ، زکریا بن دلویه، ابرهیم بن محمد بن سفیان، عبدالله بن عمر الرماح، یاسین بن النضر الباهلی، حسین بن الفضل البجلی، بشر بن الحکم العبدی، عبدالرحمن بن بشر، محمد بن عبدالوهاب، احمد بن سعید دارمی، ابو زکریا عنبری، بعضی از این بزرگان مجاب الدعوه بوده اند و دعا بر سر خاک هر یکی از این بزرگان مَرَجُوْهُ الْاِجَابَه است.

[۲۷۹۴] این بزرگان از متقدمان اند اما بزرگانی که بعد از طبقه ششم در این شهر آسوده اند بسیارند، از آن جمله، شیخ عالم ابوعلی دقاق، استاد ابوالقاسم قشیری، امام احمد میثدانی، شیخ علی مؤذن، امام ابن فورک اصبهانی، [۷۱b] امام الحرمین ابوالمعالی، امام علی واحدی، شیخ فریدالدین عطار، شیخ مَهْمَدِ طَبَسِي، شیخ مجنون اولیا، شیخ مجدالدین بغدادی رَزَقَنَا اللهُ مُتَابِعَتَهُمْ وِ الْاِنْخِرَاطُ فِي سِلْكِهِمْ بِفَضْلِهِ وَ كَرَمِهِ وَ هُوَ اَكْرَمُ الْاَكْرَمِيْنَ وَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِيْنَ.

اسامی بزرگانی که در شهر نیشابور مدفون اند. نقل از خط خواجه قطب الدین رحمه الله.

[۲۷۹۵] مقابر صحابه رضی الله عنهم در اعلی حیره و در مقابر منسوب به نصر بن زیاد القاضی: سید بزرگوار محمد محروق — صلی الله علی رسول الله و علی آلہ و سلم — وَ هُوَ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ وَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ، جوانمرد معروف بابو شحمه از شهدای صدر پیشین است، تربت او محل اجابت دعاست. جوانمرد، عَلَمَدَارِ حَضْرَتِ

مصطفی بوده است قبر او مشهور است.

[۲۷۹۶] جوانمرد بزدباد او نیز از شهداء صدر اول است، احمد حَرَبِ رَحْمَهُ اللهُ، تربت او و تربت یحیی معاذرازی — که از کبار طبقات است رَحِمَهُ اللهُ — در مقبره معمر است. شیخ محمد بن اسلم طوسی تربت او در راه مزار تِلاجرَد است زاهد زمان بوده است و خدمت امام علی بن موسی الرضا را دریافته صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و حدیث از او شنیده. امام روایة الحدیث امام مسلم بن الحجاج القشیری، تربت او در حوالی تراباد در شرقی کهن دیز نیشابور قدیم است رَحْمَهُ اللهُ.

امام ابوبکر [بن] فورک و یحیی بن یحیی، در بر حیره هر دو در یک حظیره اند از زاهدان و عباد زمان بوده.

امام الحَرَمَین عبدالملک ابوالمعالی بن الامام ابی محمد یوسف الجَوَینی رَحِمَهُ اللهُ، تربت او در جوار مزار تِلاجرَد است.

شیخ محمد فتال، تربت او در قبله مقبره حیره است، رَحِمَهُ اللهُ.

شیخ عبدالرحمن کوف و شیخ [ابو] عبدالرحمن سُلَمی و ناصرالدین محمد کوف رَحِمَهُ اللهُ، تربتها، ایشان در قبله مقبره حیره است.

امام بیان الحق قاضی محمود نیشابوری مصنفِ جمل الغریب و غیره تربت او در جوار نماز گاه عید در شهر شادیاخ رَحِمَهُ اللهُ. [۷۲a] قنبر [مولای]

امیر المؤمنین علی کَرَّمَ اللهُ وَجْهَهُ، تربت او در جوارِ فرت آباد.

شیخ علی مؤذن رَحِمَهُ اللهُ، تربت او در جوارِ مقبره حیره است.

استاد ابوعلی دقاق و استاد ابوالقاسم قشیری و محمد بن یحیی، رَحِمَهُمُ اللهُ، در یک حظیره اند در شهر قدیم در قبله کهن دیز.

شیخ فریدالدین عطار، رَحْمَهُ اللهُ، تربت او در شادیاخ است.

شیخ محمد مانی و امام جمال الاسلام، رَحْمَهُمُ اللهُ، تربت هر دو به هم نزدیک است در شادیاخ.

شیخ ابو حفص حداد و شیخ ابوبکر صیدلانی، تربتها، ایشان در راه شارع ادک است در غربی عَلمدار رَحْمَهُمُ اللهُ.

شیخ مجدالدین بغدادی، که از خوارزم صندوقی او را نقل نیشابور کرده اند، تربت او در شادیاخ است رَحِمَهُ اللهُ.

شیخ [مهدی] طبسی و تربتِ شاه شجاع کرمانی به هم نزدیک است، رَحِمَهُمَا اللهُ.
شیخ مجنون اولیا، تربتِ او در مقبره چل سر.

[۲۷۹۷] مقبره باب عَزْرَه فيها حسن بن الولید و حفص [بن] عبدالرحمن و عبدالله بن عمر
الرمّاح و حسین بن الفضل و ابوالعباس السراج و ابرهیم بن ابی طالب رضی الله
عنهم.

[۲۷۹۸] شیخ حمدون قِصَار و ابوعلی ثقفی و عبدالله مبارک در جوارِ حیره رَحِمَهُمَا اللهُ.
مقبره عبدالله طاهر: فيها قَبْرُهُ و قَبْرُ اولادِهِ و قَبْرُ امام الحدیث محمد بن یحیی
الدُّهلی. ائمتَهُ هیاصِصَه، تربتهاء ایشان در جوار ترخک زرکان ناپیدا است قبر
ایشان، [ابو] عبدالله الفوشنجی، ایوب بن الحسن الزاهد، شیخ محمد بن
عبدالوهاب، بشر بن الحکم العبدی استاد ابوالولید.

[۲۷۹۹] مقبره جلاباد: امیر طاهر می فرمود که علماء و زهاد آن زمان را در این مقبره
دفن می کردند فيها اسحق بن ابرهیم الحنظلی و محمد بن اسلم و محمد بن رافع
القشیری و احمد بن مؤید الروقی و اسحق بن المنصور الکوسج و ابوزکریا
العنبری رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ. [۷۲۵]

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ يَسَّر

[۲۸۰۰] هذه أسماء المشايخ الذين سَمَّاهُم السَّلَفُ مَشَايخُ الطَّبَقَات. نقلت من الرسالة
التي هي معروفة بطبقات السُّلَمي مما جَمَعَهُ الشَّيْخُ العالم الرباني المَحَقِّقُ
الصَّمَداني [ابو] عبدالرحمن السُّلَمي رَحِمَهُ اللهُ عَلَيْهِ.

الطبقة الاولى

[۲۸۰۱] منهم: قُضَيْلُ بن عياض، بخاری الاصل، مات في المحرّم و وفاته سنة سبع و
ثمانين و [مائة] و كُنِيَّتُهُ ابوعلی.

[۲۸۰۲] و منهم: ابواسحق ابرهیم بن ادهم بن منصور. مات بالحریر فَحُمِلَ إِلَى صور و
دفن بها في الشام.

[۲۸۰۳] و منهم: ذوالنون المصري. قيل مات سنة ثمان و اربعين و مأتين و قيل سنة
خمس و اربعين و كُنِيَّتُهُ ابو الفیض.

- [٢٨٠٤] و منهم: شيخ بشرحافى، مات سنة سبع و عشرين و مأتين ببغداد و دفن بها و كُنِيَّتُهُ ابونصر.
- [٢٨٠٥] و منهم: الشيخ سَرِي سَقَطِي رَحِمَهُ اللهُ، مات سنة احدى و خمسين و مأتين و كُنِيَّتُهُ ابوالحسن.
- [٢٨٠٦] و منهم: الشيخ ابوعبدالله حارث المحاسبى، من بصرة مات ببغداد سنة ثلث و اربعين و مأتين.
- [٢٨٠٧] و منهم: الشيخ ابوزيد البسطامى رَحِمَهُ اللهُ، مات بسنة احدى و ستين و مائتين و اسمه طَيْفُور.
- [٢٨٠٨] و منهم: الشيخ ابوسليمان دارانى، مات بسنة خمس عشرة و مأتين و اسمه عبدالرحمن بن عطية.
- [٢٨٠٩] و منهم: الشيخ معروف الكرخى، مات ببغداد سنة مأتين و قيل سنة احدى و مأتين و كُنِيَّتُهُ ابومحفوظ.
- [٢٨١٠] و منهم: الشيخ حاتم الأصم، مات سنة اربع عشر و مأتين و كُنِيَّتُهُ ابوعبدالرحمن و قيل سنة سبع و ثلثين [و] مأتين.
- [٢٨١١] و منهم: الشيخ احمد بن [ابى] الحوارى، مات سنة ثلثين و مأتين و كُنِيَّتُهُ ابوالحسن.
- [٢٨١٢] و منهم: الشيخ ابوصالح حمدون بن احمد القصار، مات بنيسابور سنة احدى و سبعين و مأتين.
- [٢٨١٣] و منهم: الشيخ منصور [بن] عمار، من اهل مرو و كُنِيَّتُهُ ابوالسرى.
- [٢٨١٤] و منهم: الشيخ ابوتراب النخشبى، توفى بالبادية سنة خمس و اربعين و مأتين و اسمه عسكر بن الحصين. [٧٣a]
- [٢٨١٥] و منهم: الشيخ ابوعلی احمد الانطاكى — و قيل ابوعبدالله — مات سنة تسع و تسعين و مائتين.
- [٢٨١٦] و منهم: فى طبقات السلمى الشيخ ابوالقاسم جنيد رَحِمَهُ اللهُ.

الطبقة الثانية

- [٢٨١٧] و منهم: الشيخ ابوالقاسم الجنيد بن محمد بن الجنيد الخزاز، على قول بعض مات، رَحِمَهُ اللهُ، سنة سبع و تسعين و مأتين.

- [۲۸۱۸] و منهم: الشيخ ابو الحسن النورى، مات ببغداد فى سنة خمس و تسعين و مأتين و اسمه محمد بن احمد بن محمد.
- [۲۸۱۹] و منهم: الشيخ ابو عثمان الحيرى، اصله من الرى مات بنيسابور فى سنة ثمان و تسعين و مأتين و اسمه [سعيد بن] اسمعيل بن سعيد بن منصور.
- [۲۸۲۰] و منهم: رُويم بن احمد، مات بسنة ثلث و ثلثمائة ببغداد و كُنِيَّتُهُ ابو محمد.
- [۲۸۲۱] و منهم: الشيخ يوسف بن الحسين، مات سنة اربع و ثلثمائة و كُنِيَّتُهُ ابو يعقوب.
- [۲۸۲۲] و منهم: الشيخ ابو عبدالله جلا، اصله من بغداد كان بالشام. مات سنة عشرين و ثلثمائة و اسمه احمد بن يحيى.
- [۲۸۲۳] و منهم: الشيخ سمنون بن حمزه، مات ببغداد بعد الجنيد و كُنِيَّتُهُ ابو الحسن.
- [۲۸۲۴] و منهم: شاه شجاع الكرمانى، مات بنيسابور. قيل سنة ثمان و ثمانين و مأتين و قيل ثلثمائة و كُنِيَّتُهُ ابو الفوارس.
- [۲۸۲۵] و منهم: الشيخ ابو عبدالله عمر [و ابن عثمان المكى، مات ببغداد سنة احدى و تسعين و مأتين و قيل سنة سبع و تسعين.
- [۲۸۲۶] و منهم: الشيخ سهل بن عبدالله التُسْتَرى، مات بسنة ثلاث و سبعين و مأتين و قيل سنة ثلاث و ثمانين و مأتين و كُنِيَّتُهُ ابو محمد.
- [۲۸۲۷] و منهم: الشيخ محمد بن الفضل البلخى، ساكن سمرقند و مات بها سنة تسع عشر و ثلثمائة و كُنِيَّتُهُ ابو عبدالله.
- [۲۸۲۸] و منهم: الشيخ ابو عبدالله محمد [بن على] الترمذى.
- [۲۸۲۹] و منهم: الشيخ ابوبكر الوراق، اصله من ترمذ و اقام ببلخ و اسمه محمد بن عمر الحكيم.
- [۲۸۳۰] و منهم: الشيخ ابوسعيد الخراز، هو من بغداد. مات بسنة سبع و سبعين و مأتين و اسمه احمد بن عيسى.
- [۲۸۳۱] و منهم: الشيخ على بن سهل الاصفهانى، و كُنِيَّتُهُ ابو الحسن.
- [۲۸۳۲] و منهم: الشيخ ابو العباس احمد بن محمد بن مسروق، من اهل الطوس. سكن ببغداد و مات بها بسنة سبع و تسعين و مأتين و قيل سنة ثمان.
- [۲۸۳۳] و منهم: الشيخ [۷۳b] ابو عبدالله محمد بن اسمعيل، قيل عاش مائة و عشرين سنة و مات بجبل طور سنة تسع و تسعين و مأتين و قيل سنة سبع.
- [۲۸۳۴] و منهم: الشيخ ابو على الجوزجانى، اسمه الحسن بن على.

[٢٨٣٥] و منهم: الشيخ ابو عبدالله السجزي، من مشايخ خراسان.

[٢٨٣٦] و منهم: الشيخ محمد [والشيخ] احمد ابناؤ ابي الورد، من مشايخ العراقيين.

الطبقة الثالثة

[٢٨٣٧] و منهم: الشيخ ابو محمد الجري، مات بسنة احدى عشر و ثلثمائة و اسمه احمد بن محمد [بن] الحسين.

[٢٨٣٨] و منهم: الشيخ ابو العباس [بن] العطا، مات بسنة تسع و ثلثمائة و قيل سنة احدى عشر و اسمه احمد بن محمد [بن] سهل بن عطا.

[٢٨٣٩] و منهم: محفوظ بن محمود، من اصحاب ابي حفص النيسابوري، مات بسنة ثلاث او اربع و ثلثمائة بنيسابور و دفن بجانب ابي حفص.

[٢٨٤٠] و منهم: الشيخ ابو عمرو و الدمشقي، مات بسنة عشرين و ثلثمائة، هو [من اجل] مشايخ الشام.

[٢٨٤١] و منهم: الشيخ محمد بن حامد الترمذي، من مشايخ خراسان و كنيته ابو بكر.

[٢٨٤٢] و منهم: الشيخ طاهر المقدسي، من اجل مشايخ الشام.

[٢٨٤٣] و منهم: الشيخ ابو محمد عبدالله بن محمد الخراز، من مشايخ الرازيين مات قبل العشر و ثلثمائة.

[٢٨٤٤] و منهم: الشيخ بنان بن محمد الحمالي الواسطي، ساكن مصر. مات بها في رمضان سنة ست عشر و ثلثمائة و كنيته ابو الحسن.

[٢٨٤٥] و منهم: الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص، مات في جامع الري بسنة احدى و تسعين و مأتين و كنيته ابو اسحق.

[٢٨٤٦] و منهم: الشيخ ابو حمزة البغدادي، مات قبل الجعيد سنة تسع و ثمانين و مأتين و اسمه محمد بن ابراهيم.

[٢٨٤٧] و منهم: الشيخ ابو الحسين الوراق، من مشايخ نيسابور. مات قبل العشرين و ثلثمائة و اسمه محمد بن سعد.

[٢٨٤٨] و منهم: الشيخ ابو بكر الواسطي، اصله من خراسان استوطن كورة مرو و مات بها بعد العشرين و ثلثمائة و اسمه محمد بن موسى.

[٢٨٤٩] و منهم: الشيخ ابو الحسن الدينوري، من مشايخ الجبل. اقام بمصر و مات بها بسنة ثلثين و ثلثمائة. اسمه علي بن محمد بن سهل.

- [٢٨٥٠] و منهم: الشيخ ابوالمغيث حسين بن منصور الحلاج قُتِلَ ببابِ الطاق ببغداد، يوم الثلاثاء [٧٤٨] [لستُ بقينَ] من ذى القعدة سنة تسع و ثلثمائة.
- [٢٨٥١] و منهم: الشيخ خير النّساج، اصلُهُ من سامره. اقام ببغداد و كُنِّيَتْهُ ابو الحسن.
- [٢٨٥٢] و منهم: الشيخ مشاد الدينورى، من كبار مشايخها. مات بسنة تسع و تسعين و مأتين.
- [٢٨٥٣] و منهم: الشيخ ابو حمزة الخراسانى، من نيسابوز من محلة ملقباد. مات بسنة تسعين و مأتين.
- [٢٨٥٤] و منهم: الشيخ الصبيحى، من اهل البصره و كُنِّيَتْهُ ابو عبدالله مات بالسوس و قبر بها.
- [٢٨٥٥] و منهم: الشيخ ابواسحق ابراهيم بن داود الرقى، مات بسنة ست و عشرين و مأتين و قيل ثلثمائة.
- [٢٨٥٦] و منهم: الشيخ ابو جعفر احمد بن حمدان بن على بن سنان، من مشايخ نيسابور مات فى سنة ست عشرة و ثلثمائة.
- الطبقة الرابعة**
- [٢٨٥٧] و منهم: الشيخ ابوبكر الشبلى، خراسانى الاصل. عاش سبعاً و ثمانين سنة و مات فى ذى الحجة سنة اربع و ثلثين و ثلثمائة ببغداد و اسمه دلف بن جحدر.
- [٢٨٥٨] و منهم: الشيخ المرتعش، و هو ابو محمد بن عبدالله بن محمد النيسابورى من محلة حيره. مات ببغداد سنة ثمان و عشرين و ثلثمائة و قيل من محلة ملقباد.
- [٢٨٥٩] و منهم: ابو على الرودبارى، توفى بسنة اثنين و عشرين و ثلثمائة بمصر. و اسمه احمد بن محمد بن ابي القاسم.
- [٢٨٦٠] و منهم: الشيخ ابو الحسن الاقطع، اصله من المغرب. مات بسنة اربعين و ثلثمائة.
- [٢٨٦١] و منهم: ابو على الثقفى، مات بسنة ثمان و عشرين و ثلثمائة بنيسابور. و اسمه محمد بن عبدالوهاب.
- [٢٨٦٢] و منهم: ابو محمد عبدالله بن محمد بن منازل، من مشايخ نيسابور مات بها بسنة تسع و عشرين او ثلثين و ثلثمائة.
- [٢٨٦٣] و منهم: ابو الحسن المزين، و اسمه على بن محمد. اصله من بغداد. جاؤر مكة و مات بها سنة ثمان و عشرين و ثلثمائة.

- [٢٨٦٤] و منهم: الکتانی و هو محمد بن علی بن جعفر الکتانی اقام بمكة و مات بها بسنة
اثنين و عشرين و ثلثمائة و کُنِيَّتُهُ ابوبکر.
- [٢٨٦٥] و منهم: النهرجورى، و هو ابوعقوب اسحق بن محمد اقام بمكة و مات بها سنة
ثلاثين و ثلثمائة.
- [٢٨٦٦] و منهم: ابوالحسين بن بنان، [٧٤٦] من مشايخ مصر. مات فى التيه.
- [٢٨٦٧] و منهم: ابوعلی الکاتب، من كبار مشايخ المصر [بين]. مات بسنة نيف و اربعين و
ثلثمائة و اسمه الحسن بن احمد.
- [٢٨٦٨] و منهم: ابوبکر عبدالله بن طاهر الابهرى، من مشايخ الجبل. قيل مات بقرب
الثلثين و ثلثمائة.
- [٢٨٦٩] و منهم: [مُظَفَّر] القرميسنى من مشايخ الجبل، مات فى سنة ثلاثين و ثلثمائة.
- [٢٨٧٠] و منهم: ابوالحسين على بن هند الفارسى، من كبار مشايخ الفرس.
- [٢٨٧١] و منهم: ابواسحق [ابرهيم] بن شيبان القرميسنى.
- [٢٨٧٢] و منهم: الحسين بن على [بن] [يزدانيار من اهل ارمية مات فى الصفر سنة ثلاث و
ثلاثين و ثلثمائة.
- [٢٨٧٣] و منهم: محمد بن احمد بن سالم البصرى، و كنيته ابو عبدالله.
- [٢٨٧٤] و منهم: ابرهيم بن احمد بن [المؤلد من كبار] مشايخ الرقة. و كنيته ابواسحق.
- [٢٨٧٥] و منهم: محمد بن عليان النسوى، من كبار مشايخ نسا.
- [٢٨٧٦] و منهم: ابوبکر احمد بن محمد بن سعدان البغدادى.
- [٢٨٧٧] و منهم: ابوسعيد الاعرابى، سكن بمكة و مات بها سنة احدى و اربعين و ثلثمائة
و اسمه احمد بن [محمد بن] زياد.

الطبقة الخامسة

- [٢٨٧٨] و منهم: ابو عمر [و] الزجاجى، نيسابورى الاصل. توفى بسنة ثمان و اربعين و
ثلثمائة.
- [٢٨٧٩] و منهم: ابوالعباس السيارى، من اهل مرو. توفى سنة اثنتين و اربعين و ثلثمائة و
اسمه القاسم بن [القاسم بن المهدي].
- [٢٨٨٠] و منهم: جعفر الخلدى، البغدادى المولد المنشأ توفى سنة ثمان و اربعين و
ثلثمائة ببغداد و قبره عند الجنيد و كُنِيَّتُهُ ابومحمد.

- [۲۸۸۱] و منهم: ابوبکر [محمد بن] داود الدینوری الدقی، مات بعد الخمسین و ثلثمائة.
- [۲۸۸۲] و منهم: عبدالله بن محمد، رازی الاصل مولده بنسَابور. مات سنة ثلاث و خمسين و ثلثمائه و کُنِيْتُهُ ابو محمد.
- [۲۸۸۳] و منهم: ابو عمرو السُّلَمِي و هو اسماعيل بن نُجَيْد بن احمد السُّلَمِي، مات سنة ست و ستين و ثلثمائة.
- [۲۸۸۴] و منهم: ابو الحسن الفوشنجي، مات سنة ثمان و اربعين و ثلثمائة و اسمه علي بن احمد بن سهل.
- [۲۸۸۵] و منهم: ابو عبدالله محمد بن خفيف الشيرازي، و اسمه محمد بن خفيف. مات بسنة احدى و سبعين و ثلثمائة [۷۵۵] بشيراز و كانت أمُّه نيسابورية.
- [۲۸۸۶] و منهم: ابو عثمان المغربي، من ناحية قيروان. وَرَدَ بنسَابور و مات بها سنة ثلث و سبعين و ثلثمائة.
- [۲۸۸۷] و منهم: ابو القاسم النصر آبادي، نيسابوري الاصل و المولد. خرج [في] آخر عمره الى مكة سنة ست و ستين و ثلثمائة و مات بها سنة سبع و ستين و ثلثمائة و اسمه ابراهيم بن محمد.
- [۲۸۸۸] و منهم: بندار بن الحسين، من اهل شيراز. مات بسنة ثلث و خمسين و ثلثمائه و كنيته ابو الحسين.
- [۲۸۸۹] و منهم: الحُضْرِيُّ و هو ابو الحسن علي بن ابراهيم، بصرى الاصل مات ببغداد يوم الجمعة من ذى الحجة سنة احدى و سبعين و ثلثمائة.
- [۲۸۹۰] و منهم: ابوبكر الطمستاني الفارسي، ورد بنسَابور و مات بها بعد سنة اربعين و ثلثمائة.
- [۲۸۹۱] و منهم: ابو عبدالله التروغبدي، و اسمه محمد بن محمد بن الحسن من مشايخ [طوس] مات بعد الخمسين و ثلثمائة.
- [۲۸۹۲] و منهم: ابو العباس الدينوري، مات بسمرقند بعد الاربعين و ثلثمائة و اسمه احمد بن محمد.
- [۲۸۹۳] و منهم: محمد بن احمد [الشَّيْبِيُّ] و كنيته ابوبكر. مات قبل الستين و ثلثمائة و هو من مشايخ نيسابور.
- [۲۸۹۴] و منهم: ابو عبدالله الرودباري، و اسمه احمد بن عطاء بن احمد. مات سنة تسع و ستين و ثلثمائة.

- [۲۸۹۵] و منهم: ابوالحسن بن علی بن بندار [بن]الحسین الصیرفی، من مشایخ نیشابور. مات سنة تسع و خمسين و ثلثمائة.
- [۲۸۹۶] و منهم: ابو عبدالله و ابوالقاسم ابناء احمد بن محمد المقرئ. فاما ابو عبدالله مات بسنة ست و ستين و ثلثمائة. و اما ابوالقاسم مات بنیشابور بسنة ثمان و سبعين و ثلثمائة.
- [۲۸۹۷] و منهم: محمد بن احمد بن حمدون الفراء، من كبار مشایخ نیشابور. مات بسنة سبعين و ثلثمائة.
- [۲۸۹۸] و منهم: محمد بن عبد الخالق الدینوری، مات بها و کُنیتُهُ ابو عبدالله.
- [۲۸۹۹] و منهم: ابو محمد عبدالله بن محمد الراسبی.



تعليقات



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ترجمه عبارات عربی

آنچه پس ازین می آید، ترجمه بندهایی است که اطلاعات موجود در آنها از حد نام پدر و نسبت و سال تولد و وفات اعلام گذشته و مشتمل بر نوعی اطلاع تاریخی یا جغرافیائی است یا حکمنی و شعری را در خود دارد. برای بعضی از مراجعه کنندگان این کتاب و با معذرت از ارباب فضل، نیز مراجعه شود به مقدمه مصحح.

[۱۴] خَیْرُ خُرَاسَانَ نِيسَابُورُ: بهترین خراسان نیشابور است.

[۲۳۷] اسحق بن ابراهیم... ساکن نیشابور شد و در آنجا درگذشت، گویند اصل وی مروزی است و بعضی گویند هروی است اما در نیشابور درگذشته است. عبدالله بن طاهر بدو گفت: چرا ترا «راهویه» خوانده اند و معنای آن چیست؟ گفت: من در راه مکه زاده شدم و مروزی ها مرا راهویه خواندند زیرا در راه زاده شدم. پدرم این امر را ناخوش می داشت اما من آن را ناخوش نمی دارم.

[۲۵۹] احمد بن حرب... یحیی بن زکریا بن حرب گفت، از پدر خویش شنیدم که گفت: پدرم حرب بن عبدالله اصفهانی در نیشابور، به سال یکصد و هشتاد درگذشت و فرزندان که بجای نهاد محمد بود که نه ساله بود و احمد که چهار ساله بود و من پس از درگذشت او زاده شدم. [۲۵۹] ایوب بن الحسن... مسجد او و مسکنش در نصرآباد بود و مسجد او اکراماتی است که نقل می شود و مُجَرَّب است و قبر او در سر میدان زیاد قرار دارد.

[۴۷۶] عبدالله بن طاهر... امیر عادل که وفاتش در نیشابور بود و قبر او و نه تن از هفده فرزندانش زیارتگاه است.

[۵۲۲] امیرالمؤمنین علی بن موسی بن جعفر... ابوالحسن الرضا، امام شهید. در سال دویست وارد نیشابور شد و چون به نیشابور درآمد و یک چند در آن اقامت کرد، مأمون در مرو بود. تا آنگاه که فرمان داد او را نزد وی برند. آنگاه بود آنچه بود. و رضا (ع) در سناباد طوس شهید شد در تاریخ نه روز مانده از ماه رمضان، شب آدینه، سال بر دویست و سه هجری و چهل و نه سال و شش ماه از عمرش می گذشت. رضا رضی الله عنه گفت: هر که مرا، با دوری سرایم، زیارت کند، روز رستاخیز در سه جایگاه او را درمی یابم و از هولهای رستاخیز می رهانم: آنگاه که نامه های اعمال از چپ و راست فراز آیند و به هنگام گذر از صراط و در برابر میزان.

[۵۳۱] علی بن جمعه بن هانی بن قنبر: مولای امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه و او از کسانی است که در نیشابور زاده شده است. زیرا هانی ساکن نیشابور بود به هنگامی که با جعدة بن هبیره به نیشابور درآمد. و خاندان قنبر، نزد ما، در نیشابور، خاندانی بزرگ اند و خُطَّة ایشان در نیشابور بر دروازه ری قرار دارد.

[۶۰۱] محمد بن اسلم... ابوالحسن الطوسی، در نیشابور درگذشت و در کنار اسحق بن راهویه در گورستان شادیاخ به خاک سپرده شد و این شعر، از شعرهایی است که او می خواند:
پزشک با دانش پزشکی و داروهایش / از دفع سرنوشتی که فراز آمده باشد ناتوان است / چون است که پزشک خود به همان بیماری، که در روزگاران گذشته آن را معالجه می کرد، می میرد / هم آنکه معالجه می کرد و هم آنکه معالجه می شد و هم آنکه دارو می فروخت، همگان هلاک شدند.

[۶۰۳] محمد بن اسمعیل... البخاری پیرانه سر به نیشابور درآمد و پنج سال در این شهر اقامت کرد تا آنگاه که آن فترت میان او و شیخ روزگارش محمد بن یحیی ذُهلّی رضی الله عنه اتفاق افتاد و اگر این حادثه روی نداده بود، بخاری از نیشابور بیرون نمی رفت. چرا که در آن سکونت گزیده بود. ابوحسان مهلب بن سلیم کرینی گفت: «محمد بن اسمعیل بخاری، در سال دویست و پنجاه و شش، در شب عید فطر، نخستین شب از ماه شوال، نزد ما درگذشت و عمرش شصت و دو سال و ده شب کم بود و تولدش در شوال سال یکصد و نود و چهار بود و او در خانه ای تنها بود، چون صبح شد او را مُرده یافتیم» و این در فترتی بود که او را از بخارا بیرون کرده بودند. سبب این کار، حُرَیث بن ابی الوراق بود که به محمد بن یحیی ذُهلّی متشبث شد و گفت که وی بخاری را از نیشابور بیرون کرد. و او امام عصر است. و گویند

سبب رانده شدن او از بخارا امیر خالد بن احمد ذُهلّی خلیفه ظاهریه در بخارا بود زیرا بخاری از تعلیم فرزندان وی سر باز زد. بخشایش بیکران خداوند بر او باد!

[۶۷۰] محمد بن عبدالوهاب... ابواحمد ادیب فقیه الفراء، و او خردمندترین مشایخ ما بود و ملقب به «حمّد» بود و دلیل آن این است که ارباب ثروت و اشراف در بلاد ما، بویژه در نیشابور، فرزندان خود را از سر دوست داشتن و شفقت بریشان، لقب می دهند و «محمد» را به صورت «حمّد» یا «حمّش» یا جز آن ملقب می کنند.

[۶۷۱] محمد بن عبدالجبار حیدی، ابومسافر نیشابوری. روایت کردند که چون اصمعی به نیشابور درآمد در سرای او، در قصر - که در آن روز به نام قصر حید در کوی سکس معروف بود - وارد شد. و اصمعی گفت: از اعرابی مردی شنیدم که می گفت: زینهار بپرهیز از زن زیباروی چرا که با جمال خویش از تو دل می رباید و عاشقانش روی در افزونی می نهند، آنگاه این شعر بر خواند که:

و هرگز چرا خواری دلپذیر و [خوش] نمی یابی / مگر اینکه نشانه های خورده شدن در آن می بینی.

[۷۲۱] امام مسلم بن حجاج، آن پیشوا و آن حجت در شناخت احادیث «صحیح» از سقیم مسکن وی در بالای محله رمجار بود و تجارتگاه او در خان (= کاروانسرای) محمش و زندگیش، از ضیاعی که در ناحیه استوا داشت، گذران می شد. در شب یکشنبه پنج شب باقی مانده از رجب سال دویست و شصت و یک درگذشت، رحمت خدای بر او باد. گورش در سر میدان زیاد است. حاکم [مؤلف کتاب] رضی الله عنه گوید: از ابو عمرو بن ابی جعفر شنیدم که گفت از ابوالعباس بن سعید بن عقیله شنیدم - آنگاه که درباره [مقایسه] محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری ازو پرسیدم که کدام یک داناترند؟ - گفت: «محمد عالم بود و مسلم نیز عالم بود.» و من این پرسش خویش را دیگر بار تکرار کردم، و او به همین گونه پاسخ می داد. سپس گفت: ای ابو عمرو! محمد بن اسماعیل بخاری گاه در مورد اهل شام خطا می کند زیرا که او کتابهای ایشان را گرفته و در آنها نگریسته، چه بسا که گاه یک تن را با کثیة او یاد می کند و در جای دیگر هم او را با نام نیز می آورد و چنان پندارد که این ها دو تن اند، اما مسلم، در علل حدیث، بدشواری مرتکب غلط می شود زیرا او کتب «مُسَنَد» را نگاشته و احادیث «مقاطیع» و «مراسیل» را نیاورده است اینک یادکرد مصنفات مسلم بن حجاج: [نام کتابهای او...]

[۷۳۱] منصور بن طلحة بن طاهر، ابوالعباس برادر عبدالله طاهر و خلیفه مرو و سرخس و

مروالروود و او عالم بود و در شادیاخ نیشابور بخاک سپرده شده است و در محله محمدآباد و از شعرهای اوست درباره ریش ابوه:

ریش ابوه را هیچ معنایی نیست، جز زشتی نام آن و / اگر مرد خردپیشه آن را ببیند از آن روی گردان شود و اگر سفیهی در آن بنگرد، برخیزد و بانگ در دهد.
و هم او گفته است در مدیح خلیفه الواصل:

آنکو محمد (ص) پیامبر را برانگیخت / هم او خلافت را به امام مهتدی بخشید / آنکو به گاه بخشش دریاست و به هنگام برشدن آتش / که هرگز از راه میانین عدل منحرف نمی شوند / بتوش به شادی روی شادی، شوابی سرخ چونان ستاره عیوق یا فرقدان / برنگ روی نوجوانی لطیف اندام / که گونه و کف دستش از آن رنگ پذیرفته است.
و ابو تمام در حق عبدالله طاهر گفت و صله او را پذیرفت:

ای پادشاه مقیم در شهری / زینهار از حوادث روزگار درامان مباش / روزگار بر خاندان برمکیان صیحه ای زد / که از تندی آن صیحه به روی درافتادند / و با صیحه ای دیگر، در پی آن، ایشان را نابود کرد / و بر خاندان ماهان نیز روزگار فرود آمد / باشد که فردا روز، بر خاندان طاهر صیحه زند / خشی که از خدای بریشان فرود خواهد آمد.

[۷۶۰] نصرین زیاد... او بر مذهب کوفیان [پیروان ابوحنیفه] بود و بازماندگان او نیز، همگان، کوفی مذهب اند. وی در سال دویست و سیزده قضا نیشابور را عهده دار شد و هفت روز باقی مانده از صفر سال دویست و سی و شش درگذشت، در حالی که نودوشش ساله بود.
[۷۷۰] النضر بن محمد... ابو محمد بیشکی، و بیشک قصبه ناحیه رُح است و گور او هم اکنون در بیشک مزاری است که بزیارت آن می روند. یحیی بن منصور قاضی گفت که سعید بن عثمان بن عفان، آنگاه که از راه اصفهان به خراسان درآمد، از راه بُشت بود و از آنجا به سوی رُح آمد و چون در بیشک فرود آمد، بیمار شد. پس در آنجا همسری گزید و خود از آنجا بیرون رفت و آن زن از برای او دختری زاد که نامش را «عین نسا» نهادند و آن دختر در بیشک بود تا آنگاه که محمد بن نصر که از علمای وقت بود، با او ازدواج کرد و آن دختر پسری زاد که النضر او را نامیدند و او النضر بن محمد بیشکی نیای پدر ابوالحسن محمی است.

[۸۲۲] ابراهیم بن محمد بن نوح... ابواسحق مُزَکی نیشابوری و کنیه پدرش محمد ابوطالب است از عبدالله بن سعید شنیدم که می گفت: «همچون ابراهیم بن ابی طالب هرگز ندیدم و او نیز چون خود هرگز ندیدم.» روز یکشنبه دوّم رجب سال دویست و نود و پنج درگذشت و در مقبره حسین بن معاذ به خاک سپرده شد و از ابو عبدالله محمد بن یعقوب حافظ بارها شنیده

شد که می گفت: «این شهر ما سه تن از مردان حدیث را بیرون داد: محمد بن یحیی و مسلم بن حجاج و ابراهیم بن ابیطالب، که رحمت حق بر همه شان باد.» و او را در دانش حدیث تصنیف هاست.

[۸۴۳] ابراهیم بن محمود... ابواسحق مالکی معروف به قطن و مسجد و مدرسه او معروف به «میان دهیته» است و بعد از او، مالکیان را در نیشابور، دیگر مدرسی نبود.

[۸۵۹] اسمعیل بن احمد بن اسد بن نوح بن سامان خدای، ابوابراهیم، امیر ماضی، والی خراسان پیشوای عادل و پرهیزگار و با دیانت در نیمه صفر سال دویست و نود و پنج، در بخارا، درگذشت و روزگار ولایتش بر خراسان هفت سال بود.

[۸۹۱] ابوالعباس مروزی: گویند از خراسان رئیسی چون شیخ ابوالعباس مروزی در اندیشه و خرد و هوش بیرون نیامده است.

[۹۲۳] احمد بن محمد... الخزسی، ابو عمرو حیری، شیخ نیشابور در روزگار خویش هم در ریاست و هم در عدالت و ثروت و علم و حدیث. درگذشت شیخ جلیل پرهیزگار فرزندی پرهیزگار در دهم آذرماه سال سیصد و هفده بود بخشایش خداوند بر او باد و در مُصلای حیره بر او نماز گزاردند.

[۹۳۰] احمد بن مبارک زاهد، ابو عمرو مستملی ملقب به «مَمکویه» عابد وی مستجاب الدعوه بود و راهب عصر خویش شب پنجشنبه یازدهم جمادی الآخرة سال دویست و هشتاد و چهار درگذشت و شب جمعه به خاک سپرده شد در مقبره حسین بن معاذ رحمت بیکران خداوند بر او باد!

[۹۹۸] خلد بن احمد... پدرش احمد بن خلد در نیشابور درگذشت و گویند خلد در نیشابور زاده شد و ساکن بخارا گردید و او را در آن شهر آثاری است مشهور و ستوده جز آنچه در حق امام اهل حدیث محمد بن اسماعیل بخاری جُعفی کرد که لغزش و مایه زوال فرمانروائی او بود.

[۱۰۱۸] شُعَیب بن ابراهیم... می گفت که از اعرابی مردی شنودم که می گفت:

چه خوش است آبِ گوارا آمیخته با یخ / که سپاس را از ژرفای دل بدر می آورد.

[۱۰۹۶] عباس بن حمزه...، ابوالفضل واعظ نیشابوری، دوست و مصاحب احمد بن حرب و کوچه (= سکه) منسوب به عباس، [در نیشابور] منسوب به اوست و او از اعظم بزرگان است و او را با ذوالنون مصری مباحثات بوده است و حالاتی. و او مستجاب الدعوه بوده است. در ماه ربیع الاول سال دویست و هشتاد درگذشت.

[۱۱۰۳] امام اهل حدیث در روزگار خویش، محمد بن اسحق بن خزیمه... دانشمند یگانه پیشوا

که تمام مردم روزگار بر پیشوائی و تقدم او اتفاق نظر دارند. خدای ازو خوشنود باد! وی در گنجرود ساکن بود و او استاد محمد بن اسماعیل بخاری و مسلم بن حجاج نیشابوری و دیگر علمای حدیث عصر بود. حاکم گوید از ابوبکر محمد بن علی فقیه چاچی شنیدم که می گفت: نزد ابوبکر محمد بن اسحق رفتم، ابوبکر نقاش مقری بغدادی به او گفت: «شنیده‌ام که چون میان مُزنی و ابن عبدالحکیم آن واقعه اتفاق افتاد، به مُزنی گفتند که «وی ردّ شافعی می کند.» او گفت: «این کار ازو ساخته نیست مگر به یاری محمد بن اسحق نیشابوری» و ابوبکر گفت: «آری چنین بود.» و نیز شنیدم از محمد بن یحیی، هنگامی که زنی نزد وی آمد و از مسأله‌ای از مسائل حیض ازو پرسید. محمد بن یحیی بدو گفت: «برو به گنجرود، در آنجا جوانی ست که به نام محمد بن اسحق بن خزیمه معروف است، این مسأله را ازو پپرس.» و کرامات وی مشهور است خدای ازو خرسند باد و خرسندش کناد! وی در ذی قعدة سال سیصد و یازده درگذشت و پسرش ابوالنضر بر جنازه او نماز گزارد و فاصله میدان حسین تا گنجرود در محل نماز از مردم پر شده بود و در یکی از حجره‌های سرایش او را به خاک سپردند. سپس آن حجره مقبره‌ای شد. بار خدایا بر او بخشای!

[۱۱۰۴] محمد بن اسحق... ابو عبدالله سراج نیشابوری محدث عصر خویش بود و در سال سیصد و سیزده درگذشت این چنین خواندم بر گور او که در مقبره حسین بن معاذ است بر سمت راست شارع از سوی راست یحیی بن یحیی.

[۱۱۲۵] محمد بن اسمعیل... ابوبکر اسمعیلی نیشابوری، یکی از ارکان علم حدیث در نیشابور هم به لحاظ کثرت احادیث و هم به خاطر سفرها در طلب حدیث و هم به اعتبار شهرت، وی در ذی الحجه سال دویست و نود و پنج درگذشت، بخشایش خداوند بر او باد. و گویند هرکس که بعد از هشتاد و نه سالگی از وی سماع حدیث کرده است، سماع وی اعتبار ندارد زیرا وی [درین سالها به بعد] توانائی آن را نداشت که زبانش را جز به «نه» [= لا] گفتن حرکت دهد و چون بدو می گفتند: «چنانکه قرائت کرده ایم.» می گفت: «نه، نه، نه» بجای «آری» سرش را تکان می داد.

[۱۱۴۸] محمد بن جابر بن حماد مروزی ابو عبدالله، حافظ فقیه یکی از امامان عصر خویش در سن کهنولت درگذشت (در میانسالی) خدایش پیامرزد و او از ابن عباس این بیت را روایت می کرد که:

تو در خواب آن گفته پیامبری که روزی گفت / نیکی را نزد خداوندان زیبائی بجوئید.

[۱۱۵۱] محمد بن جعفر... ابو عبدالله نیشابوری آزادواری و آزادوارقریه‌ای از قرای جوین است.

وی این شعر را از اعرابی مردی روایت می‌کرد که:

ای شکافنده سپیده‌دمان، تو پرورده‌گار منی / و تو خداوندگار منی / تو مرا بسنده‌ای /
پس دل مرا به «یقین» اصلاح کن / و مرا از اندوه روز اندوه رهایی ده.

[۱۱۸۹] محمد بن سعید بن محمد مروزی، ابو عبدالله بوقرقی، وی در نیشابور مجموعه‌ای از احادیث «مُنْکَر» را، بروایت از مردمی ناشناخته، روایت کرد و جمعی از مشایخ ما نیز از وی روایت کردند و بعضی ازین کار تن زدند. و او مجموعهٔ بیشماری از احادیث «مُنْکَر» به نام راویان ثقه جعل کرد و رسواترین آنها، این روایت او بود که از بعضی از مشایخ خویش، از طریق فضل بن موسی شیبانی از محمد بن عمرو، از ابی سلمه، از ابوهریره، از رسول (ص) ... بنا بر ادعای خودش - که رسول (ص) گفت: «خواهد بود در میانِ اُمَّتِ من مردی که او را ابوحنیفه گویند و او چراغِ اُمَّتِ من است» این چنین روایت کرد در شهرهای خراسان. و پس آنگاه در بلادِ عراق به اسنادِ خویش روایت کرد و این را نیز بر آن افزود که: «خواهد بود در میانِ اُمَّتِ من مردی که او را محمد بن ادریس [= یعنی امام شافعی] گویند، فتنهٔ او، بر اُمَّتِ من، زیان‌آورتر است از فتنهٔ ابلیس.» هرکس به این حدیث از زبان پیامبر روایت کند از جمله کسانی خواهد بود که رسول در حق ایشان گفته است: «هرکس از زیان من حدیثی روایت کند که آن حدیث، دروغ بنماید، او خود یکی از دروغ‌گویان است.»

[۱۴۱۰] بکر بن محمد... ابوالنضر نیشابوری. طاهر بن محمد بن فضل بن اسحق گفت که «عمویم ابوالنضر در سال سیصد و بیست و سه درگذشت و این بیت از وی روایت می‌شود:

زبانِ مردِ نیمی از وجودِ اوست، و آن نیمی دیگر دلِ مود است. پس چیز دیگری جز
ظاهری از خون و گوشت باقی نماند / چه بسا که مردی را خاموش می‌بینی و مایهٔ
شگفتی توست / فزونی و کاستی او در سخن نهفته است.

[۱۴۵۳] عبدالله بن محمد بن صَبِیح... و سرای او در کوچه (= سَكَّة) حمدان است. حاکم رحمة الله علیه گوید: سرای پدرم در کوچهٔ حمدان بود و نیز مسجد پدرم که بر آن منارهٔ کهن قرار داشت. پدرم گفت: «برادرِ رضاعی من عبدالله در سال سیصد و پانزده درگذشت.»

[۱۴۶۱] عبدالله بن محمد بن منازل نیشابوری، ابو محمد. صوفی مجرّد راستین و حقیقی نه از روی عادت. وی که خدای از وی خشنود باد در شب پنجشنبه پنجم ربیع‌الاول سال سیصد و سی و یک درگذشت و در مقبرهٔ شاهنبر بخاک سپرده شد او را حالاتی شگفت‌آور بود. ابو عبدالله ملقبادی گفت: با عبدالله بن منازل در سفر مکه همراه بودم و ابوعلی ثقفی نیز با ما بود. و ما در گفتگو هامان پیوسته از جنید بن محمد سخن می‌گفتیم و شوقِ دیدار او در دل ما

افزون می‌شد. عبدالله بن منازل همچنان خاموش بود. چون به بغداد رسیدیم، من و ابوعلی ثقفی برخاستیم و به عبدالله گفتیم: برخیز به دیدار ابوالقاسم [جنید] رویم. گفت: «شما بروید.» گفتیم: «نمی‌آیی؟» گفت: «نه» و ما در شگفت شدیم. نزد جنید رفتیم. دیدار او افزون‌تر از آن بود که شنیده بودیم. جنید ما را گفت: «آیا کسی دیگر نیز همراه شما هست؟» گفتیم: «آری، یکی از یاران ما به نام عبدالله بن منازل» گفت: «چرا او نزد ما نیامد؟» گفتیم: «به دلیلی» گفت: «چون به... رفتید از او بخواهید که همراه شما شود.» گفتیم چنین خواهیم کرد. نزد عبدالله رفتیم و آنچه شنیده بودیم، از برای او نقل کردیم و به توصیف آن پرداختیم. او هیچ نگفت. تا آنگاه که روز دیگر آهنگ رفتن نزد جنید کردیم. دیگر بار بدو گفتیم که به زیارت جنید رویم. او سر باز زد. گفتیم: «حال که از آمدن امتناع می‌کنی، ما را خبر ده که چه چیز ترا از دیدار این شیخ بازمی‌دارد؟» گفت: «ناگزیرم که شما را آگاه کنم؟» گفتیم: «آری.» گفت: «اگر کار ابوالقاسم جنید از آن گونه است که شما گزارش می‌کنید، پس آنچه از او می‌شنوید جز بدان نمی‌ماند که مردی طعامی لطیف را تناول کند و آنگاه افزونی و فضله آن را بدان‌گونه که می‌بینید خارج کند. و هم از بنگونه است علم معرفت همانا که حق تعالی، در خاطر هر که از بندگان خویش که بخواهد، می‌افکند از [الهامات] نیک. سپس آنچه او از دهان برمی‌آورد و حق او را بدان متکلم می‌کند، نیست جز آن پست‌ترین نوع. من اگر، به یکباره بی‌بهره از دیدار جنید باشم، هر آینه مرا خوشتر است تا با گرفتن پست‌ترین چیزی از آنچه نیکش بدو داده شده مغیون شوم.» ما از سخن عبدالله منازل سخت در شگفت شدیم و از نزد او برخاستیم تا رسیدیم به نزد جنید. جنید ما را خوشامد گفت و ما داستان را با او در میان گذاشتیم. جنید گریست، چندان که نزدیک بود بیهوش شود و آن روز خاموش ماند و هیچ سخن نگفت تا آنگاه که ما از نزد وی برخاستیم.

[۱۵۲۸] محمد بن عبدالوهاب ثقفی، ابوعلی. آن امام پیشوا در فقه و کلام و وعظ و پرهیزگاری و عقل و دین. حاکم گوید: از ابو محمد عبدالله بن محمد ثقفی [= پسرش] درباره نسبت جد او جو یا شدم گفت: این چنین به یاد دارم که جدّم تبار خویش را بیان می‌کرد که: من محمد بن عبدالوهاب بن عبدالرحمن بن عبدالوهاب بن عبدالاحد بن اُبی بن کعب ام و او محمد بن حجاج بن یوسف بن حکم است و منسوب به مُضَر. و گفت که پدرم عبدالوهاب در عهد عبدالله طاهر امیر قهستان بود و من در قهستان زاده شدم در سال دویست و چهل و چهار. و هم ابو محمد گفت که نیای من ابوعلی رحمة الله علیه، شب آدینه بیست و سوم جمادی الاولی سال سیصد و بیست و هشت درگذشت و روز آدینه او را بخاک سپردند، در مقبره فز. و

او هشتاد و نه ساله بود. خدای ازو خشنود باد و او را خشنود گرداناد! حالات او مشهور است. [۱۶۱۹] محمد بن اسحق... ابوالحسن نیشابوری از فضیل عیاض این شعر را روایت کرد که:

پیش از این چون بیمار می شدیم از پزشک یاری می طلبیدیم / هلاک ما خود بر دست
پزشکان فراز آمد / ما چه گونه از چیزی که گلوگیرمان شده است رهائی یابیم / حال آنکه
آب آشامیدنی گلوی ما را گرفته است.

[۱۶۵۵] حاکم رضی الله عنه گویند: این بود اسامی مشایخی که مرا سماع حدیث ازیشان حاصل
نشد ازین طبقه. و اینک به یادکرد نام کسانی می پردازم که به دیدارشان نایل شدم و سماع
ازیشان در نیشابور مرا روزی شد، ازین طبقه بر همان ترتیب یاد شده.

[۱۶۵۶] احمد بن اسحق... فقیه ابوبکر پیشوای مفتی متکلم غازی، رئیس پرهیزگار، یگانه روزگار
که خدای ازو خشنود باد! در شعبان سال سیصد و چهل و دو وفات یافت و هشتاد و چهار
سال و چند ماه از عمرش می گذشت و مناقب او در فقه و اصول و حدیث و سوارکاری
بسیار است، وی در همه این شاخه ها، بی هیچ مدافعی، بر همگان تقدم داشت.

[۱۸۳۰] اسمعیل بن عبدالله... ابوالعباس ادیب شریف نیشابوری، شیخ خراسان و چشم و چراغ
روزگاران خویش که خدای ازو خشنود باد و می کمال [نیای او] فرزند عبدالواحد بن جبرئیل بن
قاسم بن بکر بن دیواشی است که او شور شاه فرزند شور فرزند شور که [اینان]
چهار تن از شاهان اند فرزند فیروز بن یزدگرد بن بهرام چوین [نسخه بدل: بهرام گور]

[۱۸۴۲] اسحق بن محممشاد زاهد، ابویعقوب کرامی شیخ و پیشوای این فرقه. حاکم رحمه الله
گفته است که از ارباب و ثوق شنیدم که افزون بر پنج هزار زن و مرد از اهل کتاب و مجوس، در
نیشابور، بر دست او مسلمان شدند.

[۱۹۱۶] حسین بن یحیی بن زکریا واعظ: ابوعلی شافعی که خدای ازو خشنود باد! رئیس بشتقان
او را کشت.

[۱۹۲۱] حسان بن محمد... ابوالولید قرشی فقیه امام اهل حدیث در خراسان بروزگار خویش وی
که خدا ازو خشنود باد در شب آدینه پنجم ربیع الاول سال سیصد و چهل و نه درگذشت و در
مقبره نصرین زیاد قاضی - که سه تن از صحابه در آنجا مدفون اند - به خاک سپرده شد و
یکی از دانشمندان در مرثیه ای که از برای او سروده بود گفت:

بدرود جهان گفت پیشوای این روزگاران و زمانه / ابوالولید آن فقیه و سرور و افتخار
بزرگ خلائق / آن کان همه دانشها و آن کس که انگشت اشارت ها، همواره، به سوی
اوست، [ترجمه بعضی از کلمات، مورد تردید است].

[۱۹۶۳] سعید بن محمد بن سلمه عارف، ابو عثمان زاهد مغربی وی در قبروان در قریه‌ای به نام کرکنت زاده شد. چهرهٔ یگانهٔ روزگار خویش بود در پرهیزگاری و زهد و شکیبایی. بیش از دهسال مجاور مکه بود و هیچ‌گاه در موسم حج ظاهر نمی‌شد وی که خدای ازو خشنود باد به سال سیصد و هفتاد و سه درگذشت و در کنار ابو حفص و ابو عثمان، در گورستان حیره بخاک سپرده شد، خدای ازیشان خشنود باد!

[۲۱۹۴] فایق بن عبدالله رومی خاصه و ازین روی او را خاصه خوانده‌اند که وی به سلطان [= منصور بن نوح] اختصاص و ویژگی داشته است.

[۲۲۳۲] محمد بن احمد بن محمد نیشابوری، و هم اوست که ملقب است به «زباره». سید علوی پیشوای طالبیان نیشابور بلکه همهٔ خراسان در روزگار خویش که خدای ازو خشنود باد وی در مقبرهٔ علویه، در کنار امیر عبدالله بن طاهر، بخاک سپرده شده است.

[۲۳۰۱] این قطعه که از ترجمهٔ آن صرف‌نظر شده جمعی از علمای حدیث، از اهل نیشابور را نام می‌بزد و بدانها فخر می‌کند. صورت درست بعضی ابیات آن نیز بعلت منحصر بودن نسخه، به هیچ روی امکان پذیر نشد.

[۲۳۸۶] محمد بن عبدالله بن احمد صفار اصبهانی، محدث عصر خویش در خراسان و او مستجاب الدعوه بود و چنان که بما رسیده، وی چهل و چند سال سر خویش را به سوی آسمان بلند نکرده. وی که خدای ازو خشنود باد در سال سیصدوسی و نه درگذشت و در سرای خویش، در کوچه [= سکه] العنبری (?) بخاک سپرده شد.

[۲۴۸۳] محمد بن محمد... ابو احمد حافظ امام روزگار خویش. وی بر دو کتاب [صحیح] مسلم و بخاری و نیز کتاب [صحیح] ابو عیسی ترمذی تصنیف کرده و نیز کتاب الامامی و الکتبی را و کتاب العلل را و کتاب المخرج هلی کتاب المزی را و نیز الشرح و الابواب را. روز پنجشنبه بیست و چهارم ربیع‌الاول سال سیصد و هفتاد و هشت در سن نود و سه سالگی درگذشت و رئیس، در دیوان جیش، بر او نماز گزارد و در سرای خویش به خاک سپرده شد.

[۲۵۲۶] محمد بن مؤمل بن حسین ماسرجسی نیشابوری. یکی از چهره‌های برجستهٔ خراسان بود، که خدای ازو خشنود باد. از انشاد اوست:

و نیست حالت ما مگر سه حالت / جوانی و پیری و مرگ

و نیز از انشاد اوست، هنگامی که نزد یکی از وزرا رفت:

نمی‌بینی که من به دیدار وزیر می‌روم / و او را می‌ستایم و سپس استغفار می‌کنم / من او را می‌ستایم و او مرا می‌ستاید / و هر یک از ما آن دیگری را به مسخره گرفته است.

[۲۶۰۶] ابو عبدالله حافظ نیشابوری، امام حاکم فرمود که پایان رسید به یاری خدای و حُسنِ تقدیر او در ماه رمضان سال سیصد و هشتاد و هشت. پس بعد از چهل سال به یادکردِ مشایخِ خویش و برادرانم که از ایشان استفادهٔ حدیث یا حکایتی یا شعری یا کتابی در علوم کرده بودم پرداختم، درین ماه، پس تاریخ وفات هر یک را پس ازین تاریخ یادداشت کردم.

[۲۷۰۹] امام حاکم، ابو عبدالله نیشابوری فرمود که جماعتی از برادران از من درخواستند تا آنچه از بنای مسجد کهن نیشابور و کهندژ و مدینهٔ داخله (شهر درونی) و یادکردِ وادیها و محلات و رستاق‌ها و رُبعاها به من رسیده است بیاورم. راهی به استقصای اسنادِ آن نیافتم. در حدِّ یاد کرد آنچه ذکرِ آن با استاد امکان‌پذیر است، اجابتِ ایشان کردم و اینک این گفتار امام حاکم است و من فقیر محمد بن حسین خلیفهٔ نیشابوری‌ام. پس اسناد را، بنا بر اعتمادی که بر درستی گفتار او بود، رها کردم، تا از دراز سخنی پرهیز شده باشد، خدای ازو بخشود باد.

[۲۷۲۴] معروضون هن... در حالی که از بیم‌دادن روی‌گردان شده بودند (همچون خرائی گریزان از شیر درنده ۷۴/۵۱).

[۲۷۲۶] الحُرُیو ذی... گرما می‌آزارد و سرما می‌کشد، خدای این ایرانیان را بکشد که از سرما می‌میرند و می‌گویند: خوشا! [گویا «خنکا» را که هم بمعنی «خوشا» است و هم بمعنی خبر دادن از سردی، در نظر گرفته است.]

[۲۷۲۶] ان اشدَّ البلاء... همانا سخت‌ترین آزمون‌ها از آن پیامبران است، سپس از آن اولیاء.

[۲۷۲۷] جاء نصر الله... «فرارسید دین خدای و پیروزی و دیدی مردمان را که گروه گروه به دین خدای اندر آیند ۱۱۰/۲»

[۲۷۳۱] حَفِظْتَ مِنَ الْفِتْرِ: از فِتْرَت‌ها در امان باد!

[۲۷۳۲] سلطان اولیا برهان اتقیا: ... میراثِ بَرِ دانش پیامبران، فرود آمد نگاهِ الهام پروردگار جهان، ولی خداوند، برگزیدهٔ او، پارهٔ جگر رسول خدای، پناهگاهِ اَمّت و اندوهزایِ خاطرها، در روز رستاخیز و درماندگی گناهکاران از برای رهائی و آزمون و سنجش اعمال به سنجةٔ اخلاص، هنگام انگیزش و جستجو از رازها، آنگونه که خود وعده فرمود که در سه موقف: یکی در برابر میزان و دیگری به هنگام پراکنده شدن نامه‌های اعمال و دیگری بر صراط [۵۲۲] بساط شفاعت و بخشندگی بگسترده، آن سلطانِ مُقَرَّبانِ حق در روزِ پاداش امام ابوالحسن علی بن موسی (ع)...

[۲۷۳۴] مَنْ إِضْبَرَتْ... هر که در راه خدای، غباری بر قدمهای او نشیند، خدای او را بر آتش دوزخ حرام کند.

[۲۷۳۷] عَرَسَ الْفِرْدَوْسِ... با دستِ خویش بهشتی کاشت.

[۲۷۴۲] التَّعْظِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ... بزرگداشتِ فرمانِ حق و دوستی کردن با بندگانِ خدای.

[۲۷۸۷] الْحَمْدُ لِلَّهِ... حمدِ خدای را پروردگارِ جهانیان و درود و سلام بر حبیبِ او و پیامبرِ او

محمد و خاندانش، خدای تعالی فرمود و «مپندارید آنان را که در راهِ خدای کشته شدند از

مردگان که ایشان زندگانند و روزی داده شده نزدِ پروردگارِ خویش ۱۰/۶۹)

[۲۷۸۷] إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ... همانا که اولیایِ خدای نمیرند، بلکه از سرایی به سرایی دیگر انتقال

یابند.

[۲۷۸۷] كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ... پیش ازین شما را از زیارتِ گورها بازداشته بودم [اینک گویم که] به

زیارتِ گورها شتابید.

[۲۷۸۸] رَجَالٌ لَا تُلْهِيمُ... مردانی که هیچ خرید و فروشی آنان را از یادِ خدای باز نمی‌دارد

(۲۴/۳۷)

[۲۷۸۸] إِنَّ لَمْ يَذْرِكِ الْكُلَّ... اگر همه آن را نتوان دریافت از دریافت بخشی از آن نباید تن زد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های تاریخی نیشابور

تعليقات عام

- [۱۳/۳] بعضی از اجله کرام...: به تاریخ بیهقی، ۲۱ و نیز مقدمه همین کتاب مراجعه شود.
- [۲/۵] قَلَمًا نَزَلَتْ...: تقریباً اغلب مفسران، در ذیل این آیه، همین مطلب را نقل کرده‌اند، مراجعه شود به تفسیر القرطبی (الجامع لاحکام القرآن)، ۹۳/۱۸ و تفسیر کشف الاسرار، میبیدی، ۹۷/۱۰.
- [۴/۵] لَوْ كَانَ الذِّينُ بِالثَّوَاتِيَا...: به صورتهای مختلف نقل شده از جمله: لَوْ كَانَ الْاِيْمَانُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَا لَا تَنَالُهُ الْعَرَبُ لِنَالِهِ رِجَالٌ مِّنْ فَارِسٍ. کنز العمال، شماره ۳۴۱۲۹ و نیز فیض القدير ۳۲۲/۵.
- [۲/۹] فَارِسٌ عَضِبْتَنَا...: عیناً به همین صورت در کنز العمال شماره ۳۵۱۲۴ آمده و به صورت «أَهْلُ فَارِسٍ هُمْ وَوَلَدُ اسْحَقٍ» بشماره ۳۴۱۳۸ نیز در همان کتاب دیده می‌شود.
- [۱/۱۰] أَهْلُ الْعِظَمِ النَّاسِ...: به همین صورت مراجعه شود به کنز العمال شماره ۳۴۱۲۶.
- [۳/۱۱] حَزْرِيْرٌ دَرِ اَنْجَا نَمَاز كُود: با تفاوتی‌هایی مراجعه شود به تاریخ بیهقی، ۲۲.
- [۴/۱۴] خَيْرُ خِرَاسَانَ...: به صورت «خَيْرُ خِرَاسَانَ نِيْسَابُورَ وَ هَرَاتِ ثُمَّ بَلُخٌ ثُمَّ اَخَافُ عَلِيَّ الزِّي وَ قَزْوِيْنَ اَنَّ تَغْلَبَ عَلَيْهِمُ الْعَدُوُّ» در التذوين، رافعی ۳۱/۱ نیز آمده است و نیز مراجعه شود به تاریخ بیهقی، ۲۲ به صورت «خَيْرُ بِلَادِ خِرَاسَانَ نِيْسَابُورَ». در باب احاديث مربوط به فضاييل شهرها و ولايات، نزديك به آنچه در متن ما آمده است مراجعه شود به ترجمه فتوح، اعثم، ۲۶۲ به بعد.
- [۳/۱۵] مَا مِّنْ اَخِيْدٍ مِّنْ...: با اندکی تفاوت در تاریخ بیهقی، ۲۲ نیز آمده است.
- [۷/۱۷] درخت صنوبر: کلمه [صنوبر] افزوده از الانساب سمعانی است ۴۳۳D و از آنجا که درین

مورد مثل بسیاری موارد دیگر سمعانی از حاکم نقل کرده، احتمال بسیار زیاد هست که کلمه صنوبر در اصل حاکم بوده باشد.

[۸/۱۷] کوه اسعار: صورت درست نام این کوه پیدا نشد. در برهان قاطع گوید: اسفار، نام ولایتی است و یاقوت در معجم البلدان، ۱/۱۸۹ می گوید: آستان من قرئ هرات.

[۴/۱۸] یا بُرَئِدَة...: عیناً به همین صورت مراجعه شود به کنز العمال شماره ۱۲ - ۳۵۱۱۱ و نیز یاقوت، در معجم البلدان، ۵/۱۱۳ که از حاکم نقل می کند و نیز مراجعه شود به الکامل فی ضعفاء الرجال، ابن عدی، ۴۰۲/۱.

[۵/۱۹] لحد ساختن: بجای ساختند، ظاهراً غلط کاتب است ولی اگر غلط نباشد قابل توجیه دستوری است، زیرا شواهد بسیار زیادی وجود دارد که در این موارد از شکل مصدری استفاده می شده است. در ترجمه (حَمَلُوا التَّورِيَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا ۶۲/۵) در لسان التنزیل ۶۰، آمده است: داده شدن توریة، یعنی فرموده شدن به عمل توریة. و در طبقات الصوفیه، انصاری، چاپ حبیبی، ۱۳۴۱ صفحه ۴۶ آمده: «وقتی قومی آمده بودند از یمن قرآن می شنیدند و می گریستند.» برای تفصیل بحث و شواهد بیشتر مراجعه شود به مقاله نگارنده در نقد لسان التنزیل، راهنمای کتاب، سال نهم شماره سوم (شهریور ۱۳۴۵) صفحات ۲۹۲-۳۰۰.

مراکز تحقیقات کتب و اسناد

[۲/۳۳] ابر شهر: ۲۷۱۶

[۲/۳۵] شابور تزه: در اصل نشابور تزه بود که بر اساس اللباب، ۲/۲ و الانساب، ۵ ۳۲۴ و معجم البلدان، ۳/۳۰۴ اصلاح شد.

[۱/۴۴] در قریه بایشان: شاید تصحیف فاشان است که از قرای معروف مرو بوده است و عده ای از علما از آنجا برخاسته اند. معجم البلدان، ۴/۲۳۱.

[۲/۴۵] ما ناهیه: در باب هویت تاریخی این شخص، نتوانستم به جایی برسم، بی گمان، اگر افسانه هم هست، افسانه ای است بسیار کهن که در عصر الحاکم، شهرت داشته است و این قسمت بعید است که افزوده محمد بن حسین خلیفه باشد. در کتاب طبقات الاسماء المفردة، ابوبکر بردیجی که جای اینگونه نامهاست، ازین نام خبری نیست. تنها حدسی که می توانم بزنم این است که «ماناهیه» صورتی دیگر از «ماهویه» و «ماه» است که نام اصلی سلمان فارسی است. اگرچه با احوال او تطبیق نمی کند. در باب نام او، التدوین، ۱/۷۰ و تاریخ دمشق، ۱۰/۲۸ دیده شود.

[۱/۱۹۶] کوچۀ صرامین: عبدالغافر فارسی از مسجد صرافین معروف به مسجد اصهبانی در

السیاق، شماره ۳۸۷ یاد می‌کند آیا یکی از این دو تصحیف آن دیگری است؟

[۳۷۹ و ۳۸۰] معنی‌یاد و معنی‌یادی: مُسَلِّماً تصحیف یک کلمه است در محلات و قرای نیشابور

چنین جا و نسبتی نیافتیم. شاید با مسکة مفتی، سیاق، شماره ۶۴۵، بی‌ارتباط نباشد.

[۶/۵۲۲] مَنْ زَاوَنِي عَلِيٍّ بَعْدَ دَارِيٍّ...: عیناً از طریقِ صدوق نیز در عُيُونِ اَخْبَارِ الرِّضَا، ۲/۲۵۸

چاپ نجف، نقل شده است.

[۲/۵۳۰] قنبر: در بابِ خاندان قنبر در خراسان و نیشابور، مراجعه شود به شماره ۱۶/۲۷۹۶.

[۵۴۹] زیادآباد: در تاریخ بیهق ۳۵ زیادآباد آمده ولی در یاقوت و مراصد نیست.

[۵۶۹] اسفنج: از قرای ارغیان در ناحیه نیشابور لباب ۴۴/۱.

[۳/۶۰۱] إِنَّ الطَّيِّبَ بِطَبَةِ...: گوینده شعر معلوم نیست ولی ثعالبی، در التَّمثِيلِ وَ الْمَحَاضِرِ،

۱۸۲ آن را نقل کرده است.

[۶۰۴] خوش: یکی از قرای اسفراین، لباب ۳۹۴/۱.

[۱/۶۶۹] يُعْرَفُ بِحَمَشٍ: مقایسه شود با شماره ۶۷۰ همین متن و نیز این گفته مؤلف صاحب

تاریخ بیهق، ۱۵۱ که از متن مؤلف ما نقل می‌کند: «حاکم ابو عبدالله الحافظ در تاریخ نیشابور

یاد کند که اهل نیشابور و نواحی آن را محمد را از طریق تعظیم و جزّ حمک خوانند و حمش

خوانند.» و این نکته را علی بن زید در شرح حال ابراهیم بن محمد مغیشی آورده که در خاندان

او چندین حمک وجود دارد. استاد فرای در مقدمه *The Histories of Nishapur*, P 12 می‌گوید

«از جمله مطالب جالب درین کتاب صورت نامهایی است که دارد از قبیل صورت محمش

برای محمد (از جمله ورق ۹۲ و در صفحات دیگر مکرر) که ممکن است ویژه ناحیه

نیشابور باشد.» ولی ظاهراً در موارد دیگر حمش است و اینجا هم غلط کتاب است به

صورت: ملقب محمش.

[۲/۶۷۱] قصر حید: از توضیح مؤلف ما دانسته می‌شود که قصر حید در کوی (سکة) سکش

۲/۶۷۱ قرار داشته و در عصر اصمعی (متوفی ۲۱۵) به همین نام خوانده می‌شده است.

عبدالغافر فارسی در السیاق، چاپ آقای محمودی، شماره ۱۴۹۲ در شرح حال ابوبکر حیدی

می‌گوید: لهم خطة بنيسابور تعرف بقصر حيد. و در شرح حال ابوبکر جوهری، همانجا،

شماره ۶ می‌گوید: «شيخ عدل ثقة، من محلة الرمجار و اليهم يُنسبُ خطتهم قصر» که ازین

عبارت احتمالاً می‌توان دریافت که قصر حید در محله رمجار قرار داشته است. نیز مراجعه

شود به السیاق، تلخیص اول ۷۹b و ادامه آن در ۸۸a که در صحافی نسخه اوراق

بهم خوردگی پیدا کرده و استاد فرای آن را تنظیم نکرده است.

[۲/۶۷۱] سکه سیکش: به کسر سین و کاف و در آخر شین، سمعانی بعنوان محله‌ای در نیشابور و این اثر به عنوان سکه‌ای در نیشابور از آن یاد کرده‌اند و عده‌ای از علمای منسوب به آنجا را نام برده‌اند. الانساب ۳۰۱۵ و اللباب ۵۴۸/۱ و جای شگفتی است که یاقوت آن را به کسر سین و سکون کاف ضبط کرده است معجم البلدان ۲۳۱/۳.

[۵/۶۷۱] وَلَنْ تَصَادَفَ مَرَعَى...: گوینده بیت را نیافتیم و افتادگی مصرع اول را در [] قرار دادم.
[۴/۷۳۱] لَيْسَ لِللَّحْيَةِ الْكَثِيفَةِ...: گوینده شعر را نیافتیم. مصرع دوم در اصل: «عم النواده» بود که به «عم الفؤاده» اصلاح شد پیشنهاد از استاد حسینعلی محفوظ عراقی است به نقل استاد فرای در *The Histories of Nishapur*, P 18

[۹/۷۳۱] إِنَّ الَّذِي بَعَثَ النَّبِيَّ: بیت دوم در اصل چنین بود: قمران اجدی و ناران سطا، صورت متن، پیشنهاد اصلاحی استاد فرای است. در *The Histories of Nishapur*, P 18 و شاید حدس استاد حسینعلی محفوظ باشد. با اینهمه من ازین پیشنهاد راضی نیستم به دلیل فعل «لا یعدلان» به صورت تشبیه در مصرع دوم.

[۱۸/۷۳۱] يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ الْمَقِيمُ: تا آن جا که من جستیم در دیوان ابوتمام این شعر را نیافتیم و در جاهای دیگر هم به نظرم نرسید. احتمالاً متن ما تنها سندی است که از وجود این شعر ابوتمام و شأن نزول آن خبر می‌دهد و در آن بخش از زندگی ابوتمام که مرتبط با ایران و خراسان است دارای کمال اهمیت است و گویا تاکنون هیچ یک از محققان درباره ابوتمام به این شعر و موضوع آن توجه نکرده‌اند.

[۷۵۳] الفرهری: ظاهراً تصحیف نام دیگری است. درین ناحیه چنین روستائی نیافتیم. شاید فرغول که سمعانی با احتمال آن را از قرای دهستان دانسته است. لباب ۲۰۷/۲.

[۲/۷۷۰] بیشک... و می قصبة الرُخ: بیشک، به کسر باء و به فتح شین، همانطور که مؤلف ما می‌گوید و یاقوت نیز آورده است قصبة ناحیه رُخ بوده است و بازاری داشته ولی یاقوت تصریح می‌کند که در آنجا منبر (مسجد جامع بعنوان مرکزیت شهری) وجود نداشته. مؤلف ما از مزار النضرین محمد بیشکی که در آنجا قرار داشته و زیارتگاه بوده است یاد می‌کند و علی بن زید بیهقی می‌گوید: «امام عهد، سفیان ثوری، مدتی در بیشک، قصبة رخ، متوطن بود و آنجا آرام گرفت و محمیان از وی حدیث روایت کنند، در وقتی که در بیشک متوطن بود.» استاد بهمینار در تعلیقات تاریخ بیهقی نوشته است: «در بخش رخ - که اکنون از توابع تربت حیدریه است - محلی به نام بیشک نیست و از اسامی دیه‌ها، که بدین نام مشابَهت دارد، یکی بزک، به کسر اول و سکون ثانی است که اهل قلم بسق، بر وزن عشق، نویسند...»

معجم البلدان ۱/ ۵۲۸ و تاریخ بیهق ۲۶۴ و تعلیقات آن ۳۳۰.

[۱/۷۹۹] جورید: یا کوروی، از قرای اسفراین، معجم البلدان، ۱۸۰/۲.

[۸۴۳] مدرسه میان دهیه: مراجعه شود به The Patricians of Nishapur p. 49.

[۸۷۷] دیوره: در لباب ۴۴/۱ به صورت دیور آمده است به عنوان قریه‌ای از رستاق نیشابور.

[۱/۸۹۱] ابوالعباس مروزی: اگر این شخص که حاکم نیشابوری هوش و خرد و اندیشه او را در

میان خراسانیان می‌ستایند، همان ابوالعباس مروزی باشد که در ردیف نخستین شاعران

پارسی‌زبان و در اوایل قرن سوم می‌زیسته بدین طریق می‌توانیم نام و نشان بیشتری از او

بدست آوریم و بدانیم که وی که کنیه‌اش ابوالعباس است نامش احمد بن سعید بن مسعود

است مراجعه شود به: لباب‌الالباب، ۲۱.

[۱/۹۱۶] من بامله بلخ: به تعلیقات اعلام در همین شماره رجوع کنید.

[۱/۹۳۵] بوزجان: شهرکی میان هرات و نیشابور، لباب ۱۵۱/۱.

[۲/۹۵۸] بالوز: قریه‌ای در سه فرسنگی نسا، لباب ۹۲/۱.

[۱/۹۷۹] آرتیان: از قرای ناحیه استوا (قوچان) لباب ۳۱/۱.

[۹۹۲] ابزار: قریه‌ای در دو فرسنگی نیشابور لباب ۱۹/۱.

[۳/۱۰۱۸] ما أطیب الثلج...: گوینده را نیافتم.

[۱/۱۰۵۸] بزدیقر: از قرای نیشابور بوده است لباب، ۱۱۹/۱.

[۳/۱۱۴۸] انت بشرط النبی...: عجلونی در کشف‌الخفا، ۱۳۶/۱، ذیل همین حدیث این بیت را

بدینگونه آورده است:

أنت شرطُ النبی إذ قال يوماً فابتغوا الخیر فی صباحِ الرجوعِ

[۳/۱۱۵۱] یا فائق الأصباح...: گوینده را نیافتم.

[۲/۱۱۸۰] جنیداییه: درین مورد آشکارا جنیداییه است و در ۲۲۲۶ جنیدالله که در یک مورد

بعنوان محله و جایی که منزل یکی از علما در آنجاست از آن سخن رفته و در جای دیگر

مقبره جنیداییه که مرتبط با همان محله است. در جای دیگر ازین محله و گورستان اطلاعی

بدست نیامد. ظاهراً ربطی به جنید که از قرای نیشابور بوده و دیگری نیز به همین نام در

رستاق بست نیشابور، ندارد. در باب جنید‌المشترک، یاقوت، ۱۰۸ و معجم‌البلدان ۱۶۸/۲ و

یتیمه‌الدهر ۴/ ۵۰ که در آنجا بقلط جنید خوانده شده است. یکی از محلات معروف نیشابور،

که سرای مؤلف این کتاب، در آنجا بوده است، باب جنید نام داشته و یاقوت از حاکم داستانی

در باره سرای او درین محله نقل می‌کند. شاید با این نام مرتبط باشد. معجم‌الادباء شماره ۶۳۹.

- [۲/۱۱۸۹] مَنَّاكِبُ...: جَمْعِ مُنْكَرٍ وَ مُنْكَرٍ حَدِيثِي اسْتِ كِه رَاوِي ضَعِيفِي اَن رَا رَوَايْت كَنْد دَر جِهْتِ مَخَالِفِ رَوَايْتِي كِه اَز رَاوِي تَفَه نَقْل شُدِه اسْت، بَعْضِي حَدِيثِ مَنْكَرٍ رَا بِمَعْنِي شَاذْ تَلْقَى كَرْدِه اَنْد. عِلْمُ الْحَدِيثِ وَ مَصْطَلَحَاتِه، ۲۱۴ وَ مَنَهْجِ النَّقْدِ فِي عِلْمِ الْحَدِيثِ، ۱۰۴.
- [۵/۱۱۸۹] سَيِّكُونُ فِي امْتِي رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ اَبُو خَنِيْفَه...: مَجْعُوْلِيَّتِ اَن چَنْدَان رَسُواسْت كِه دَر هِيچِ مَجْمُوْعَه‌اِي اَز «مَوْضُوْعَات» هَمْ نَمِي تُوَان يَافْت.
- [۷/۱۱۸۹] سَيِّكُونُ فِي امْتِي رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدِ بْنِ اِدْرِيس...: اَز رَسُوَاتِرِيْنِ «مَوْضُوْعَات» اسْت وَ طَبِيعِي اسْت كِه دَر هِيچِ جَايِ دِيْغِرِي نَقْل نَشُدِه بَاشَد.
- [۹/۱۱۸۹] مَنْ حَدَّثَ عَنِّي بِحَدِيثٍ يَرَوِيْ اَنَّهُ كَذِبٌ...: حَدِيثِي اسْت بَسِيَار مَشْهُوْر مُسْلِم وَ اِيْن مَاجِه وَ تَرْمِذِي اَن رَا رَوَايْت كَرْدِه اَنْد مَرَاجِعِه شُوْد بِه فَيضِ القَدِيْر ۱۱۶/۶ وَ نِيْزِ مَنَهْجِ النَّقْدِ فِي عِلْمِ الْحَدِيثِ، ۲۷.
- [۱/۱۱۹۲] جُنْدَ فَرَجٍ يَاجُنْدَ فَرَجٍ، قَرِيْبَه‌اِي دَر يَكِ فَرَسَنْگِي نِيْشَابُوْر لِبَابِ ۲۴۰/۱.
- [۱۲۰۷] دِيْر: مَقَايِسَه شُوْد بَا دُوِيْر ۴۶۴ وَ مَرَاجِعِه شُوْد بِه لِبَابِ ۴۱۰/۱.
- [۱۲۳۷] رِبَاطِ فَرَاوَه: مَرَاجِعِه شُوْد بِه اِحْسَنِ التَّقَاْسِيْمِ چَاپِ بِيْرُوْت، ۲۵۰.
- [۱/۱۳۸۷] سَكَّةُ خَدَامٍ: يَكِي اَز كُوچَه‌هَآيِ نِيْشَابُوْر، لِبَابِ، ۳۴۹/۱.
- [۱۳۹۷] مَدْرَسَه اَبُو اسْحَقِ بَسْطَامِي: مَرَاجِعِه شُوْد بِه The Patricians of Nishapur, p. 250.
- [۱۴۲۱] نَمْدِ اَبَاد: مَرَاجِعِه شُوْد بِه ۵/۲۷۲۲.
- [۱۴۳۰] بَار: اَز قَرَايِ نِيْشَابُوْر كِه عِدَه‌اِي اَز عِلْمَا اَز اَنجَا بَر خَاسْتَه اَنْد. لِبَابِ، ۸۷/۱.
- [۲/۱۴۳۷] الشَّاهِدُ: شَاهِدِ نَوْعِي مَقَامِ وَ شَغْلِ بُوْدِه اسْت اَز نَوْعِ قَاضِي وَ اِيْن عِنْوَانِ رَا دَر مَوْرِدِ بَعْضِي اَز عِلْمَا دَر كِتَابَهَآيِي اَز نَوْعِ اَنْسَابِ سَمْعَانِي مِي تُوَان دِيْد. سَمْعَانِي دَر شَرْحِ حَالِ اَبُو الْعَبَّاسِ بْنِ كَلْثُوْمِ سَكْسِي الشَّاهِدِ، مِي گوِيْد: «وَ كَانِ يَشْهَدُ بِنِيْشَابُوْر نِيْفَاً وَ خَمْسِيْنَ سَنَةً.»
- الانساب ۳۰۱ a.
- [۱۴۶۵] سَكَّةُ نُوْنِد: مَرَاجِعِه شُوْد بِه الانساب ۵۷۲a كِ مَحَلِ خَانِقَاَهِ سَلْمِي وَ بُوْسَعِيْدِ رَا دَر اَنجَا تَعْيِيْنِ مِي كَنْد.
- [۱/۱۴۸۳] بُغُوْخَك: اَز قَرَايِ نِيْشَابُوْر، لِبَابِ ۱۳۳/۱.
- [۱۵۱۳] فَرَنْدِ اَبَاد: اَز قَرَايِ نِيْشَابُوْر، لِبَابِ ۲۰۹/۲.
- [۱۵۱۶] كُوْرَان: اَز قَرَايِ اَسْفَرَايِيْنِ، لِبَابِ ۵۷/۲.
- [۱۵۴۹] شَرْمُغُوْل: قَلْعَه‌اِي بَا حِصَارِ، دَر چَهَارِ فَرَسَنْگِي نَسَا. مَرَاصِدُ الْاَطْلَاعِ ۷۹۳/۲.
- [۱۶۵۳] الْمُكَاتِبُ: اِيْن كَلْمَه بِه صِيغَةُ اسْمِ مَفْعُوْلٍ، يَعْْنِي بِه ضَمِّ مِيْمِ وَ فَتْحِ تَاِ اسْت وَ بِه مَعْنِي

نایب حاکم است در قریه‌ها و سواد. کسی که قاضی با او در فیصله دادن خصومت‌ها مکاتبه می‌کند. و این عنوان، در نواحی نیشابور بیشتر، رواج داشته است. اللباب، ۱۷۲/۳ و الانساب ۵۴۰ b.

[۳/۱۶۱۹] وَ كُنَّا نَسْتَطِبُّ إِذَا مَرَّضْنَا: بیت اول این قطعه در امثال و حکم، محمدبن عبدالقادر رازی، ۱۹۵ به این صورت و بدون نام گوینده، آمده است:

وَ كُنَّا نَسْتَطِبُّ إِذَا مَرَّضْنَا
فَصَارَ الشَّقْمُ مِنْ قِبَلِ
الطَّبِيبِ

[۱/۱۶۶۰] خانقاه ابوبکر اسحق کزّامی: مراجعه شود به تعلیقات اسرارالتوحید ۶۴۳/۲ و نیز منتخب روتق‌المجالس، ۷۵.

[۲/۱۷۲۱] مقبره باغک: سمعانی نیز به همین صورت آورده و تصریح دارد که از حاکم نقل می‌کند. صورت تفصیلی مطلب حاکم در آنجاست. الانساب b ۳۵۲ ولی در السیاق، چاپ آقای محمودی، شماره ۳۴ این نام به صورت مقبره بابک آمده است که با احتمال قوی تصحیف باغک است.

[۲/۱۷۳۸] یقال فی رأس الأوقه: سِرواقه، شماره [۲۵/۲۷۲۲]

[۱۷۴۶] زرد: از قرای اسفراین مراصدالاطلاع ۶۶۲/۲.

[۲/۱۸۰۲] سکه خشاوره: اصل: خشاوزه، اصلاح از الانساب b ۱۹۹ و اللباب ۳۷۲/۱.

[۶/۱۹۲۱] و قد بقی ریه: صورت درست این شعر در جای دیگر پیدا نشد.

[۱/۲۲۸۱] خان‌الدشتی: از خانها و کاروانسراهای معروف نیشابور بوده است مراجعه شود به لباب، ۴۲۰/۱.

[۱/۲۲۹۳] جور فارس: جور یا گور نام قدیم فیروزآباد فارس است.

[۳/۲۳۰۱] وَدَعَ فِکْرَ جَوْجَانٍ: یافتن صورت ابیات این قصیده و تحقیق در هویت بعضی از رجال

مذکور در آن، برای من مقدور نشد و دلم نخواست که با حدس و گمان تغییراتی در آن بدهم

و اسم‌های تصحیف شده را با حدس و گمان مشخص کنم.

[۲۳۱۱] الزاء: ظاهراً همان زاه است که از قرای نیشابور است مراصدالاطلاع ۶۵۶/۲.

[۲۳۸۳] فلق: از قرای نیشابور، لباب ۲۲۱/۲.

[۶/۲۴۸۳] دیوان الجیش: منظور محلی است که در آن به امور و مسائل لشکر و سپاهیان و

پرداخت حقوق و مواجب آنان رسیدگی می‌شده است، چیزی شبیه ارکان حرب و وزارت

جنگ، در قدیم. گویا از آن به دیوان‌الجند نیز تعبیر می‌شده است. دیوان الجیش خراسان، که

متصدی آن را صاحب الجیش می خوانده اند، در نیشابور قرار داشته است. کتاب الخراج و صنعة الكتابة، از قدامة بن جعفر، چاپ عکسی فؤاد سزگین، ۳ به بعد و مفاتیح العلوم، خوارزمی، ۶۴ به بعد و احسن التقاسیم، لیدن، ۳۳۷.

[۳/۲۵۲۶] و ما حالاتنا إلا ثلاث...: بیهقی آن را بدون نام گوینده، آورده است و می گوید: اخیرنا ابو عبدالله الحافظ [یعنی حاکم] قال سمعتُ ابا بکر بن المؤمل يُنشد: و ما حالاتنا... کتاب الزهد، ۶۶۸.

[۶/۲۵۲۶] أَلَمْ تَرَ أَنَّى أُرْوَى الْوَزِيرُ: بیت دوم آن در ترجمه تاریخ یعنی، ۱۱۹ آمده است، بدون نام گوینده و تخریح نشده است.

[۸/۲۷۰۹] محوولات: ظاهراً محوولات را بمعنی گردشگاهها به کار برده است از حول بمعنی گردش با اینکه چنین مفهومی برای این کلمه در قوامیس معتبر عربی ظاهراً دیده نمی شود از جمله رجوع کنید به محیط المحيط، در حول. نکته قابل یادآوری این که در همین حوزه نیشابور بزرگ و در ربیع شامات آن منطقه ای هست به نام محوولات که چندین آبادی دارد و بنا بر ضبط فصیح خوافی، در قرن نهم محوولات خوانده می شده است، مجمل فصیحی ۱۵۸/۳ و ۲۵۰. نیز حافظ ابرو در بخش جغرافیای خراسان، ۴۱ آیا میان محوولات در تعبیر مؤلف ما با این کلمه رابطه ای هست؟ به گفته یاقوت در بغداد دروازه ای بوده است به نام باب محوول که می گوید از محلات بزرگ بغداد بوده است علت تسمیه این دو آیا یکی است؟ معجم البلدان ۳۱۲/۱.

[۴/۲۷۱۳] کرخ و سجستان در اطراف بصره: یاقوت، ذیل سجستان پس از توصیف سجستان معروف، یعنی سیستان، می گوید: ابوالفضل محمد بن طاهر مقدسی گفت که از محمد بن ابی نصر قل هو الله خوان، شنیدم که می گفت: امام ابوداؤد سجستانی (محدث معروف) از قریه ای است در بصره به نام سجستان و ربطی به سجستان خراسان ندارد. باز می گوید: بعضی از هرویانی نیز مرا گفتند، در سال چهارصد و سی و اندک که محمد بن یوسف گفته است ابوحاتم سجستانی از کوره ای است در بصره که آن را سجستانه خوانند نه از سجستان خراسان» یاقوت می گوید همین محمد بن ابی نصر گفته است که من از اهل بصره جو یا شدم و ایشان قریه ای به نام سجستان را نمی شناختند، اما یکی ازیشان گفت نزدیک اهواز قریه ای است که نامش شبیه به سجستان است. یاقوت در دنباله این بحث دلایل دیگری برای رد وجود سجستانی در بصره می آورد. اما همین تصریح مؤلف ما که خود از قدماست و گفتارش بسیار معتبر می تواند تأییدی باشد بر وجود سجستان (یا چیزی شبیه این نام) در

حدود بصره. در مورد کرخ بصره تردیدی نیست که چنین چیزی بوده است زیرا یاقوت عنوان خاص کرخ البصره را جداگانه مورد بحث قرار داده است. معجم البلدان، ۱۹۱/۳ و ۴۴۷/۴.

[۱۰/۲۷۱۳] جندران: شاید جُدران، بمعنی دیوارها. مراجعه شود به فرهنگ ایران زمین ۳۴۸/۱-۳۶۲ که در آنجا چنین قرائتی پیشنهاد شده است. در میان اسامی نواحی و قرای پیرامون نیشابور شماره ۱۲/۲۷۱۷ خندرون آمده ولی ظاهراً ربطی به این کلمه ندارد و آن کلمه خود تصحیف نام دیگری است. کلمه جندره به معنی آرایش صورت زنان و از نوع گلگونه در یکی از عناوین مثنوی، چاپ نیکلسون، ۳۴۴/۳ آمده است «داستان آن عجزه که روی زشت خویشان را جندره و گلگونه می ساخت...» اگر در عبارت متن ما جندران را به معنی نقش بنا بگیریم، در مقابل پایه و اساس، شاید بی ارتباطی نباشد؛ و بعد از سنین کثیره که جندران و بنیان انبارده منهدم می شده در دیوان شمس، نیز جندره به معنی آرایش چندین بار به کار رفته است، فرهنگ نوادر دیوان شمس ۲۵۰/۷.

[۶/۲۷۱۳] انبارده: ظاهراً از مصدر انباردن است بمعنی «پُر کردن جای عمیق به خاک و جز آن» که در بعضی فرهنگها آمده است؛ لغتنامه دهخدا دیده شود.

[۱۱/۲۷۱۳] و آن انبارده ارسنده بنا بود... شده، بمعنی در سرای و سایبانی که بر سر در سرای قرار دارد، در فرهنگها آمده است محیط المحيط، در سده. شاید: آن انبارده را سنده بنا بود تا... یعنی سر در آن عمارت انبارده، تا عصر محمود باقی بود.

[۲/۲۷۱۶] ابر شهر: هم از توضیح مؤلف می توان دریافت که صورت کهن و اصیل این نام ابر شهر بوده است، به همان معنی سحاب، و هم از وزن شعر ابوتمام که گفته است:

أيا سَهْرِي بَلِيلَةَ اَبْرِ شَهْر
ذَمَمْتُ اِلَى نَوْمًا فِى سَواها

صورة الارض، ۴۳۱ بنابراین آنچه به صورت ایران شهر، در مورد نیشابور، در کتابها آمده است، ظاهراً تصحیف این کلمه است. در متن احسن التقاسیم، چاپ لیدن، همه جا ایران شهر است. هم از متن ما و هم از توضیحات متون کهن جغرافیا دانسته می شود که ابر شهر نام ناحیه است و نیشابور شهری است، در ناحیه ابر شهر. و حوزه جغرافیائی ابر شهر (یا به صورت مصحف: ایران شهر) مورد اختلاف قدماست. مقدسی می گوید: مردمان در این باره اختلاف دارند بعضی آن را بر سراسر این کوره و جابلستان اطلاق می کنند و در آن صورت سیستان و پیرامون آن نیز در ابر شهر داخل است و بعضی ابر شهر را نام این کوره می دانند و بعضی آن را بر قصبه فقط اطلاق می کنند و ما همین را اختیار می کنیم زیرا مورد اجماع همگان است... و آن کوره ای است پهناور، با رستاق های جلیل و ضیعت ها و قنات ها. احسن التقاسیم، لیدن،

۲۹۹. برای تمامی شعر ابوتمام که قطعه هشت‌بیتی بسیار زیبایی است، مراجعه شود به اخبار ابی تمام از صولی، ۲۱۳ در باب ریشه نام آبرشهر، استاد ریچارد فرای در مقدمه *The Histories of Nishapur* P. 9 معتقد است که Aparshahr و Abarshahr بوده است که این شکل، هم در متون ارمنی باقی مانده است و هم در متون عربی و نیز در سکه‌های عرب - ساسانی دوران اموی. صورت آبرشهر در مورد ناحیه نیشابور قابل ارتباط است به عنوان مرکز «رساتیق اعلی» یا «اعالی رساتیق» Upper Countries یا ساتراپهای بالایی (= اعلی) دوران پارتها و سلوکیدها و حتی هخامنشیان و در این باب ارجاع می‌دهد به:

W. B. Henning "Mittel Iranische" in B. Spuler, ed. Hand Buch der Orientalistik IV (Leiden 1958) 95

و می‌گوید: احتمال آن نیز هست که میان آبر شهر Aparshahr و سرزمین Aparni، یعنی قبایلی پارتی حاکم بر منطقه، رابطه‌ای وجود داشته باشد و خود می‌افزاید که البته این حدسی پیش نیست.

[۷/۲۷۱۷] ماهکاباد: این نام را به این صورت در جایی نیافتم، شاید تصحیف کلمه‌ای دیگر است قس ۸/۲۷۱۷ قدر مسلم این است که ماهک از نامهای رایج در نیشابور این عصر است. از جمله نام یکی از دختران امام عبدالکریم قشیری، ماهک بوده است التحبیر، ۵۰۶/۱. نیز لباب‌الانساب، بیهقی، ۷۰۰، ۷۱۲.

[۷/۲۷۱۷] سورین: به گفته یاقوت قریه‌ای بوده است در نیم‌فرسنگی نیشابور و هم او در جای دیگری می‌گوید سورین محله‌ای است در قسمت بالای نیشابور. در نسبت سورینی، اللباب ۵۷۶/۱. الانساب ۳۱۷ a، با احتمال سوریان را دهبی از دهات نیشابور نوشته‌اند آیا سوریان و سورین یکی است مراجعه شود به معجم البلدان ۳/۲۷۹.

[۸/۲۷۱۷] کوی دروان: و محله دروان با همین املاي «ذ» در آغاز شماره ۱۷/۲۷۲۳ آیا با کوی دروگران (= درودگران) که عربی آن الخشایین است نسبتی دارد؟ مراجعه شود به اللباب، ۳۷۲/۱ و الانساب، ۱۹۹ a که در مورد ابن بلال خشاب می‌گوید او را ازین روی خشاب گفتندی که در کوی یا محله الخشایین نیشابور زندگی می‌کرد و این نسبت را ناخوش می‌داشت. شاید یادآوری این نکته بی‌فایده نباشد که یکی از محلات نیشابور کهن محله‌ای بوده است به نام «دروان کوس» در شماره ۱۴۴۳ یکبار آمده است اگر کوس تصحیف کوی باشد شاید «دروان کوی» صورتی مغلوب از «کوی دروان» باشد.

[۸/۲۷۱۷] رمجار سفلی و علیا: رمجار از محلات بسیار مهم و معتبر نیشابور بوده است سمعانی

در التخبیر، ۹۴/۱ می‌گوید: رمجار محلّه‌ای است به نیشابور که آن را چارراهک خوانند. آیا میان چار در رمجار و چار در چار رابطه‌ای بوده است؟ قدر مسلم این است که اظهار نظر ریشه‌شناسانه استاد عبدالحمید مولوی، آثار باستانی خراسان، ۱/۱۱۰ که آن را مُعَرَّبِ زمگار (بزای منقوط) نوشته، ظاهراً اعتبار علمی ندارد.

[۸/۲۷۱۷] باغ کبار: شاید باغ کنار ولی اطلاعی در باب این نام در جایی ندیدم. در بلوک زیرگان، به روایت حافظ ابرو، قریه کمار (بدون نقطه) وجود داشته است، بخش جغرافیای خراسان، ۵۷. [۸/۲۷۱۷] دینکاباد: حافظ ابرو از بلوک رنکناباد و قریه‌ای به همین نام، نام بُرده است، ولی اینکه آن قریه جزء قرای داخلی سواد نیشابور بوده باشد تردید است بخش جغرافیای خراسان ۵۶۰.

[۸/۲۷۱۷] عابکاباد: شاید با کالکاباد، شماره ۲۷۴۷ و یا کالماباد شماره ۱۳۴۸ مرتبط است. [۸/۲۷۱۷] دو دیه یهود: ظاهراً باغک و شهرستانه که در دنبال این نام می‌آید بیان آن دو دیه است [۹/۲۷۱۷] از بعضی اشارات محمدبن منور می‌توان دانست که در نیشابور قرن چهارم و پنجم عده‌ای یهودی و مسیحی وجود داشته است اسرار التوحید ۱/۱۳۱ و نیز مقدمه همان کتاب هفتاد و چهار.

[۹/۲۷۱۷] باغک و شهرستانه: ظاهراً بیان همان دو دیه یهود است. ابن اثیر در نسبت الباغکی می‌گوید: محله‌ای است در نیشابور، اللباب ۱/۸۹ و این نسبت در الانساب، چاپ مرگلیوت، ظاهراً افتاده است.

[۹/۲۷۱۷] سابور و این را نصرآباد گفتندی: نصرآباد ۲/۲۷۲۱

[۹/۲۷۱۷] بعایحی سفلی: حدس می‌زنم صورت اصل آن بُغَانِخِی بوده است که صورتی است از بُغَانِخَد (که قریه‌ای است شناخته شده مراجعه شود به اللباب ۱/۱۳۱ و شماره‌های ۵۲۶، ۸۵۰ و ۱۶۲۱ همین کتاب) تبدیل [ی / ذ] در فارسی این عصر، طبیعی است. مقایسه شود [جوربند / کوروی] در همین ناحیه. نگاه کنید به اسرار التوحید ۲/۷۵۳ و معجم البلدان ۲/۱۸۰ و جهانگشای جوینی ۲/۲۳۳ و ۲۷۸ و فرهنگ جغرافیایی ۳۷۱/۹.

[۱۰/۲۷۱۷] بشماناباد: در باب این محله، اطلاعی بدست نیاوردم.

[۱۰/۲۷۱۷] داربجرد: یاقوت می‌گوید محله‌ای است از محالی نیشابور، در صحراء در قسمت بالای شهر و جای دیگر از آن به عنوان محلی در نیشابور یاد می‌کند. نکته قابل یادآوری اینکه یاقوت ذیل داربجرد ازین محل یاد می‌کند و می‌گوید آن را داربجرد هم می‌گویند و در آنجا ذکر خواهد شد آنگاه در ذیل داربجرد از آن یاد می‌کند. معجم البلدان ۲/۴۱۹ و ۴۴۶.

[۱۰/۲۷۱۷] حیره: همان‌گونه که در متن ما تصریح شده، یکی از محلات بزرگ و مهم نیشابور بوده است ظاهراً نامیده‌شدن این ناحیه به حیره، به علت این بوده است که عده‌ای از اهالی حیره کوفه به اینجا مهاجرت کرده بوده‌اند. بنا به نوشته سمعانی حیره در جهت دروازه مرو، قرار داشته است مراجعه شود به معجم‌البلدان ۳۳۱/۲ تاریخ بیهقی، ۵۳۲ و الانساب b ۱۸۲ و السياق ۳ b و التحبیر، سمعانی، فهرست و نیز *The Patricians*, P. 13 و نیز مقاله بولیت *Medival Nishapur* P. 79 و نیز تعلیقات اسرار التوحید ۷۳۹/۲.

[۱۰/۲۷۱۷] طبیرانه و این را کوی دزدان گفتندی: ذروان کوی، شماره ۲۷۲۲.

[۱۰/۲۷۱۷ و ۱۱] و افکر سلیط / و افکر معاذ: در صحّت سلیط و معاذ آن تقریباً تردیدی نیست که منسوب است به دو خانواده معروف به این نام. مراجعه شود به نسبت السلیطی و المعاذی در لباب و انساب و کتب مشابه. می‌ماند کلمه «وافکر» که ظاهراً فارسی است. در برهان قاطع «وافکر» را به معنی رودخانه‌ای آورده و استاد معین نوشته است شاهدهی برای آن یافت نشد آیا همین «وافکر» نیست که به مناسبت مالکیت دو خاندان سلیطی و معاذی به آنها منسوب شده است برهان قاطع در وافگر.

[۱۱/۲۷۱۷] مناشک سفلی و علیا: سمعانی به فتح میم و کسر شین معجمه آن را ضبط کرده است ولی ابن‌اثیر درباره حرکت شین چیزی نمی‌گوید. یاقوت هم شین آن را مکسور می‌داند. ابن‌اثیر می‌گوید محله‌ای است از محال نیشابور و در آنجا دروازه‌ای است که بنام دروازه مناشک خوانده می‌شود. مقدسی در شمار محلات بزرگ نیشابور که وسعت آنها را برابر نیمی از شیراز آن روزگار می‌داند، یکی هم محله مناشک را نام می‌برد. اللباب ۱۷۹/۳ و الانساب b ۵۴۲ و معجم‌البلدان ۱۲۰۳/۵ احسن التقاسیم، ۲۴۷.

[۱۱/۲۷۱۷] خرقرن هلیاباد: در لباب و انساب و یاقوت به صورت خرکن، بعنوان قریه‌ای از قرای نیشابور از آن یاد می‌شود اللباب ۳۵۷/۱ و الانساب b/۱ ۱۹۵ و معجم‌البلدان ۳۶۰/۲ قابل یادآوری است که ابن‌اثیر و یاقوت هر دو از سمعانی نقل کرده‌اند و او هم به قید احتمال این سخن را گفته است.

[۱۱/۲۷۱۷] حائط محفوظ: اصل حافظ محفوظ ولی با احتمال قوی کلمه نخستین باید حائط باشد که اصطلاحی است (قیس شماره ۲۷۱۷ حائط سلمه) و در خراسان از دیرباز رواج داشته است و به صورت حَیْط و حَیْطَه به کار می‌رود یکی از محلات قدیمی در مرکز شهر مشهد تا چند سال قبل حیطه حاج کربلایی علی نام داشت. استاد بهمنیار آن را بدین‌گونه تعریف کرده است: «زمینی است در داخل شهر که اطراف آن دیوار کشیده باشد و در آن زراعت

کنند، این‌گونه زمینها را امروز در سبزواری حیطة، بر وزن نمط و در مشهد حیطة، بر وزن بیضه، گویند. تعلیقات تاریخ بیهقی، ۳۳۲ در اصطلاح مترجم مسالک و ممالک اصطخری حائط مفهومی دارد میان دیه و مزرعه ولی گویا دیوار داشتن در آن هم لحاظ می‌شود ترجمه مسالک و ممالک، ۲۴۲، ۲۴۳ شاید یادآوری این نکته بی‌فایده‌ای نباشد که منظور ازین محفوظ احتمالاً محفوظین محمود نیشابوری است که از بزرگان مشایخ تصوف نیشابور است و از اصحاب ابوحفص حدّاد و حمدون قصّار. تاریخ وفاتش را ۳۰۴ یا ۳۰۳ نوشته‌اند طبقات الصوفیة سلمی ۴-۳۷۲ و طبعاً این اضافه نباید اضافه ملکیت باشد که با مشایخ تصوف سازگاری ندارد.

[۱۲/۲۷۱۷] باغ بهله: ظاهراً همان است که حافظ ابرو از آن به عنوان قریه مهله (ضبط کلمه در متن حافظ ابرو، بنا بر تصریح محقق کتاب، مشکوک است) یاد می‌کند، در بلوک زیرکان بخش جغرافیای خراسان، ۵۸.

[۱۲/۲۷۱۷] بزرگ‌آباد: شاید بزرگ‌آباد

[۱۲/۲۷۱۷] محمدآباد: ۱۱/۲۷۲۲

[۱۲/۲۷۱۷] خول: ۶/۲۷۲۲

[۱۲/۲۷۱۷] خندرون: آیا تصحیف جَنْدَرَزَن است که احتمالاً صورت دیگری از زُنْدَرَزَن و اَنْدَرَزَن است؟ درباره زُنْدَرَزَن از محلات شمالی نیشابور مراجعه شود به السیاق، a ۵۷ تلخیص اول و نیز همان کتاب تلخیص دوم a ۱۰۶ و التجبیر ۲/۲۸۸ و تعلیقات اسرارالتوحید ۲/۷۴۸.

[۱۲/۲۷۱۷] کنار سفلی: ۸/۲۷۱۷ باغ کبار؟

[۱۲/۲۷۱۷] رافقه: به همین صورت حرفی بعد از «را» نقطه ندارد شاید با «واقه» و «سرواقه» و «رأس واقه» مرتبط باشد. به شماره ۲۷۲۲ مراجعه شود.

[۴/۲۷۱۷] آن مصر و مملکت که... صورت تغییر شکل یافته مطلع یکی از فصاید خاقانی است که در مرثیه محمدبن یحیی و بلیه غزها در خراسان سروده است دیوان خاقانی، ۱۵۵.

[۷/۲۷۱۷] الزیق: آنچه از انساب و لباب و یاقوت، دانسته می‌شود و نیز از همین متن ما این است که زیق یکی از محلات نیشابور بوده است یاقوت می‌گوید معرب جیک است که محله‌ای است در نیشابور معجم البلدان، ۳/۱۶۴ و در الانساب a ۲۸۴ جای نسبت این کلمه خالی است و معلوم می‌شود که در اصل نسخه سمعانی جای کلمه خالی بوده است زیرا در اللباب، ۱/۵۱۸ نیز این اثر که گفتار سمعانی را تلخیص کرده جای آن را خالی گذاشته است.

در فهرست اسامی روستاهای بلوک سر ولایت، بنابر ضبط شهر فیروزه ۶۸۸ روستایی به نام زیک وجود دارد آیا ارتباطی میان این زیک و آن زیق هست یا نه؟ در جغرافیای حافظ ابرو در بلوک زبرکان قریه رنق (بدون نقطه) و نسخه بدل‌های زین / ری دیده می‌شود بخش جغرافیای خراسان، چاپ و یسپادن، ۵۷ در اسامی دهات بلوک سر ولایت، بنقل شهر فیروزه ۶۸۸، روستای زیک هنوز باقی است ولی بعید است که با آن زیک که از محلات اصلی شهر بوده است مرتبط باشد. یکی از دروازه‌هایی که مقدسی از آنها نام می‌برد دروازه «الجیق» نیشابور است.

[۷/۲۷۱۷] بویاباد: ۱/۲۷۲۰

[۷/۲۷۱۷] حنانه خشک: آیا با باغ خشک که در سیاق، شماره ۴۲۵ آمده ارتباطی دارد؟ (باغ =

چنان؟) و احتمال ارتباط این کلمه با خشانه قناده ۱۴/۲۷۱۷ نیز وجود دارد

[۷/۲۷۱۷] شخنه علیا و سفلی: در نسخه اصل شخنه علیا و شخنه سفلی ولی مسلماً هر دو یک

کلمه است. حدس می‌زنم که میان شخنه و سوخته (ظ: شوخنه) و شوخنان ارتباطی هست.

یکی از دروازه‌های مشهور نیشابور در قرن پنجم دروازه شوخنان بوده است: شیخ ابوسعید در

مسیر حرکت از نیشابور به طرف میهنه و دشت خاوران در بدرقه فرزندانیش «تا به دروازه

شوخنان پیامد و آنجا بازداشت». بنابرین، باید گفت که شخنه یا شوخنان در جهت دروازه‌ای

بوده است که از آنجا به طرف مرو و دشت خاوران می‌رفته‌اند. درباره دروازه شوخنان در

متون دیگر اطلاعاتی نیست اسرار التوحید ۱/۱۴۷ ولی مقدسی در احسن التقاسم ۲۴۸

چاپ بیروت، از باب خشنان نیشابور یاد می‌کند. بعید نیست که خشنان مغلوب شخنان (=

شوخنان) باشد و با شخنه مرتبط و همچنین باب سوخته (شوخنه؟) در عبارت اصطخری

المالک و المالک، ۲۵۵.

[۱۲/۲۷۱۷ و ۱۳] سمیجرد سفلی و علیا: در هر دو مورد سمیجرد آمده است به تقدیم میم بر

یاء. در کتب مورد مراجعه، هیچ‌یک از دو صورت سمیجرد / سمیجرد دیده نشد. تنها

صورت سمیجن، آنها در ماوراء النهر، به روایت سمعانی در الانساب دیده می‌شود که ربطی

به موضوع ما ندارد مگر از لحاظ فقه‌اللغه.

[۱۳/۲۷۱۷] حفصاباد: اصل حفصاباد یکبار دیگر هم این نام آمده است شماره ۲۷۲۲ با اینهمه

احتمال آن هست که با احوص آباد یکی باشد. احوص آباد بنا بر نوشته اصطخری یکی از

دروازه‌های نیشابور بوده است که به هنگام خروج به طرف فارس و قهستان از آنجا

می‌گذشته‌اند. سمعانی و ابن‌اثیر و یاقوت از حفص آبادهای دیگری یاد کرده‌اند ولی نه در

نیشابور المالک و المالک، ۲۵۵.

[۱۳/۲۷۱۷] تلاجرود سفلی و علیا: تلاجرود، ظاهراً در حدود منطقه‌ای است که محمدآباد و مهرآباد و شادیاخ و «میان» نامیده می‌شده است زیرا مؤلف تصریح دارد که امامزاده محروق در آنجا مدفون است، مراجعه شود به ۴/۲۷۴۰ و ۱۰/۲۷۴۱ ولی یاقوت و ابن‌الیر و سمعانی از تلاجرود یاد نمی‌کنند. اما در تلخیص اول السیاق ۲۲ a و ۳ a به صورت ثلاثی و میدان بلادجرود چند بار آمده است (بدون نقطه) مصحح لباب‌الانساب، بیهقی ۴۲۵/۱ و ۴۴۲/۲ این کلمه را بلاجرود قرائت و ضبط کرده است.

[۱۳/۲۷۱۷ و ۱۴] جنجرود سفلی و علیا: اصل خنجرود / خنجرود: گنجرود، قریه‌ای بوده است (ظاهراً دو تا: سفلی و علیا) بر دروازه نیشابور، در داخل رَنْص. گاه به صورت جنجرود و گاه به صورت جنزود معرب شده است. عده بسیاری از علما منسوب به گنجروداند مراجعه شود به الانساب ۴۸۸ و نیز معجم البلدان ۴۸۱/۴ و اللباب ۱/۲۴۰ و ۳/۵۳ و تعلیقات اسرار التوحید ۲/۷۵۴.

[۱۴/۲۷۱۷] سهل تائیش: آیا دو نام است یا یکی؟ هیچ نتوانستم سندی بیابم یا حدسی. [۱۴/۲۷۱۷] قناه خشانه: آیا با جنانه خشک مرتبط است؟ به شماره ۷/۲۷۱۷ مراجعه شود. [۱۴/۲۷۱۷] قناه حمرة علیا: چنین نامی بدین صورت نیافتم، شاید با خمزکاباد مرتبط باشد. [۱۴/۲۷۱۷] جنرکاباد: خمزکاباد ۱۰/۲۷۲۲: ظاهراً همان چیزآباد است که سمعانی از آن بعنوان محله‌ای در نیشابور یاد می‌کند، در شرح حال ابوالفضل احمدبن اسماعیل چیزآبادی که گویا با جیح‌آباد، نوعی ارتباط دارد التحبیر، ۲/۴۴۳.

[۱۵/۲۷۱۷] عمرویاباد: احتمال اینکه نام اصلی به همین صورت باشد و تصحیفی در آن راه نیافته باشد بسیار زیاد است اما در جایی آن را نیافتم.

[۱۵/۲۷۱۷] قناه علیا از جوری: جوری ۱۵/۲۷۱۷.

[۱۵/۲۷۱۷] باب طاق: ظاهراً این همان طاقی است سمعانی می‌گوید: ابوالمعالی قشیری (۴۷۷ - ۵۵۶) عصر جمعه در آن وعظ می‌کرد در مسجد جامع جدید که روبروی طاق است. اینک عین عبارت او: «کان و اعظاً یعظ عصر الجمعة بالجامع الجديد بنیسابور قبالة الطاق.» مصحح کتاب التحبیر در حاشیه نوشته: «المراد به طاق جامع نیشابور.» ولی شاید بتوان گفت که مسجد جامع جدید روبروی طاق - که محله‌ای بوده و در همین متن ما هم از آن یاد می‌شود - قرار داشته است. رک: التحبیر، ۱/۴۷۸.

[۱۵/۲۷۱۷] و مسجد قریه بود: آیا «بود» فعل است یا مضاف‌الیه «قریه» احتمال دوم بسیار زیاد است در آن صورت قریه «بود» تصحیف «بوژه» می‌تواند باشد. مراجعه شود به قز، شماره ۱۱/۲۷۲۲.

[۱۶/۲۷۱۷ و ۱۵/۱۶] جوری سفلی و علیا: جور بعنوان یکی از محلات نیشابور را سماعانی و ابن اثیر و یاقوت نام برده‌اند ولی اطلاع بیشتری در این باب نداده‌اند. در باب وسعت و اهمیت محله جوری مقدسی می‌گوید: شنیدم که ابوعلی علوی به ابوسعید جوری می‌گفت: «تو شیخ محله‌ای هستی که اگر مجزاً از نیشابور بود، هر آینه به طبل و علم نیاز داشت و به امیری محکم» یعنی خود شهری مستقل بود با تمام ویژگیهای یک شهر. از جمله محلات نیشابور که مقدسی آنها را برابر نصف شیراز آن عصر می‌شمارد یکی همین محله جوری است. هم‌اکنون در بخش ریوند، روستایی بنام ده جوری وجود دارد. اللباب ۱/۲۵۰ الانساب b ۱۴۱ معجم البلدان ۲/۱۸۲ شهر فیروزه، ۱۶۸۱ احسن التقاسیم، ۲۴۷.

[۱۶/۲۷۱۷] جوسق: اصل جوسق. در عربی این کلمه را جوسق ضبط کرده‌اند. همان کلمه کوشک فارسی است. چند روستا به نام کوشک در بخش سر ولایت و تخت جلگه نیشابور هنوز باقی است. معلوم نیست که با این جوسق مرتبط است یا نه؟ شهر فیروزه ۶۸۸، ۶۸۷. [۱۶/۲۷۱۷] سیسنوبه: به احتمال بسیار قوی، همان محلی است که در سفرنامه افضل الملک به خراسان در مسیر از نیشابور بطرف قدمگاه از آن بعنوان سیشون یاد می‌کند. شاید هم با شیهر (شی هو) در مسیر نیشابور به معدن فیروزه مرتبط باشد در سفرنامه مشهد در مجموعه سه سفرنامه، چاپ روشنی، ۱۷۵ و نیز سفرنامه خراسان و کرمان، افضل الملک، چاپ روشنی، ۵۰. [۱۶/۲۷۱۷] حایط سلمه: قس حایط محفوظ و توضیح مربوط به آن شماره ۱۱/۲۷۱۷ به احتمال قریب به یقین رابطه‌ای هست میان این حایط سلمه و دبه سلمی که بر در نیشابور بوده است، بنابر یکی از نسخه‌های طبقات الصوفیه انصاری، ۱۱۷ که گویا نام دیگر کوجاباد و یا در جوار آن بوده است.

[۱۶/۲۷۱۷] سوانقادر سفلی و علیا: سوانقادر، با احتمال قوی مرتبط است با سوار کاریز یا اسوار کاریز که یکی از دروازه‌های قدیمی شهر بوده است احسن التقاسیم، ۲۴۸.

[۱۷/۲۷۱۷] پروهای: شاید تلفظی و صورتی از «باروس» باشد که به گفته یاقوت قریه‌ای بر دروازه نیشابور بوده است. معجم البلدان، ۱/۳۲۰ تبدیل [و / ب] و [س / ه] بسیار طبیعی است. [۱۷/۲۷۱۷] قراتاباد: فرت آباد شماره ۲۷۹۶.

[۱۷/۲۷۱۷] دستجرد: یک دستجردان و یک دستگرد، در بلوک در بقاضی نیشابور امروز وجود دارد آیا با این دستجرد رابطه‌ای دارد؟ بسیار بعید است در باب آنها رجوع شود به شهر فیروزه، ۶۸۲.

[۱۷/۲۷۱۷] سهرامقان: ضبط کلمه مشکوک است و اطلاعی در باب آن بدست نیاوردم.

[۱۷/۲۷۱۷] قنّاة جهّم از دستجرد: در اصل جهّم.

[۱۷/۲۷۱۷] باغین: شاید باغشن که امروز به همین نام باقی است.

[۱۷/۲۷۱۷ و ۱۸] کرم بکر: با احتمال قوی همان است که به صورت کُرم به، در مسیر نیشابور به

معدن فیروزه نام آن آمده است. سه سفرنامه، ۱۷۵.

[۱۸/۲۷۱۷] فارزشک: گویا مرتبط است با اوارشک که به صورت آب رشک نیز ضبط شده است

و دهی است در مسیر نیشابور به مشهد سه سفرنامه، ۲۰۰.

[۱۸/۲۷۱۷] ورقاب فارس: با احتمال قوی: «در قباب و در فارس» که دو محله و دو دروازه

معروف نیشابور قدیم بوده و مقدسی هم به عنوان «درب القباب، درب فارس» در کنار هم از

آنها یاد می‌کند. احسن التقاسیم، ۲۴۸.

[۳/۲۷۱۸] در سنه خمس و خمسين و خمسمائه: این بیت، از قطعه‌ای است از لطف‌الله

نیشابوری (متوفی ۸۱۶) که فصیح‌خوافی در مجمل فصیحی ۱۶۰/۳ به مناسبت زلزله ۸۰۸

نقل کرده است و تمامی آن چنین است:

در مجمع او جمع شدی قافلها

شهری که درو فرض بُدی نافلها

در یک دو نفس هالیها سافلها

توقیع اذا زلزلت الارضش کرد

در باب زلزله‌های نیشابور و اینکه سالهای مذکور در این متن از جمله در قطعه مذکور در

شماره ۲۷۸۶ آیا با حقیقت تاریخی تطبیق می‌کند یا نه مراجعه شود به

'Earthquakes in the History of Nishapur', by Charles Melville in *Journal of Persian Studies*
Vol. XVIII 1980, P. 103-120.

و ترجمه نه‌چندان دقیقی آن بقلم ترکاندخت ثقه‌الاسلامی و باقر شیرازی، در مجله اثر، شماره

۷-۹ (بهمن ۱۳۶۱) صفحات ۴۹-۷۴.

[۲/۲۷۱۹] محله جولاهگان: در باب این محله در اسناد دیگر اطلاعاتی بدست نیامد.

[۳/۲۷۱۹] بازار حیره: مراجعه شود به حیره.

[۵/۲۷۲۰] روضه سلطان حسین کریم: حدس می‌زنم که «کرمیر» تصحیف «شه‌میر» است و

هم‌اکنون بقایای بقعه «شه‌میر» در حدود ۱۰ کیلومتری مسیر جاده نیشابور به کاشمر باقی

است و مسلماً از قبل از حمله مغول است. مؤلف شهر فیروزه نوشته است: «زیر این بنا غرفه

مربع شکلی از آجر وجود دارد که بر چهارسوی آن دالان گونه‌هایی آجری ساخته‌اند البته

اکنون دروازه این نقب‌ها مسدود است.» شهر فیروزه، چاپ دوم ۳۶۲ مؤلف شهر فیروزه

عکسی نیز از این بنا چاپ کرده و نوشته است: «در شناسائی این ساختمان انجمن آثار ملی

نیز کمکی به نگارنده نکرد. همین قدر آقای سیدمحمدتقی مصطفوی ریاست این انجمن در

پاسخ‌نامه و عکس ارسالی من مرقوم داشتند: این بنا باید از بناهای روزگار سلجوقیان باشد.» پایان گفتار آقای گرایلی مؤلف شهر فیروزه. حدیث شخصی بنده این است که این بنا یکی از خانقاه‌های کزّامیان است و شبیه همین بنادر تون (فردوس کنونی) نیز وجود دارد آنجا هم به نام مدرسه علیا معروف است که تصحیفی است از «اولیا» و اولیا نام عمومی فرقه کزّامیه بوده است و گاه به صورت «ولیان» و «اولیائان» و یا «هیاصمه» از ایشان یاد می‌شده است (بکرات در مقامات ژنده‌پیل صفحات ۲۲، ۱۱۳، ۱۴۰، ۱۴۹، ۱۹۶، ۳۸۱ و در قسمت اضافات آن کتاب ۲۴۸ - ۲۵۰) مدرسه علیا (= اولیاء) تون نیز مسلماً یکی از خانقاه‌های کزّامیان آن شهر بوده است. نگارنده در باب کزّامیه خراسان و خانقاه‌های ایشان مطالعه‌ای مفرد کرده و نشان داده است که تا اواسط قرن ششم اینان هنوز در بخشهایی از خراسان با عنوانهای دیگری جز کزّامی ادامه حیات می‌داده‌اند و دارای قدرت و احترام بوده‌اند، اگرچه از جهاتی نیز تحت فشار بوده‌اند. بنا بر تصریح السیاق، چند تن از هیاصمه (عبدالله بن محمد بن هیصم و برادرش عبدالسلام بن محمد بن هیصم) را در مقبره حسین دفن کرده‌اند السیاق، تلخیص اول ۳۴ b ۵۵ پس می‌توان حدس زد که گورستان هیاصمه احتمالاً در کنار مقبره حسین بن معاذ بوده است، آیا این سلطان حسین کر میر / شه میر / با حسین بن معاذ ارتباطی دارد. در آن صورت این مزار شه میر ادامه گورستان هیاصمه بوده است. در مورد نام شه میر یک نفر از عرفای قرن دوم و اوایل قرن سوم، به نام شاه‌مردان بوده که فتح موصلی (متوفی ۲۲۰) از او مطلبی نقل می‌کند. آیا شاه‌مردان / شه میر می‌تواند یکی باشد گزیده خانقاهی، ۲۵۱.

[۱/۲۷۲۰] بوی‌آباد: ظاهراً تا قرن‌ها بعد از ابو مسلم نام این ناحیه بوی‌آباد بوده است و بعضی از علمای منسوب به آنجا به همین نام بوی‌آبادی شهرت داشته از جمله ابوحنیفه بوی‌آبادی تاریخ بیهقی ۱۸۵ و اینکه بعضی از معاصران ما تصور کرده‌اند که نام آنجا بعد از ابو مسلم به گنداب تبدیل شد، شهر فیروزه، ۳۹، ظاهراً سندی ندارد. البته هم‌اکنون در ناحیه مازول دهی به نام جنداب باقی است فرهنگ جغرافیائی ۱۰۲/۹.

[۱/۲۷۲۰] کاروانسرای کرین: ظاهراً اسم خاص است ولی شاید کاروانسرای گزین، بمعنی مجلل و زیبا هم بشود قرائت کرد. گزین را قدما برابر الحسنا بکار می‌برده‌اند. بلخ الحسنا را فردوسی بلخ گزین آورده است، شاهنامه ۶۶/۶ چاپ مسکو.

[۱/۲۷۲۱] ملقباد، پیوسته اعلاء حیره است: ملقباد یکی از محلات بزرگ نیشابور و خود دارای چندین محله بوده است. ملقباد در کنار حیره قرار داشته است. و میان این دو محله رودی

خُرد وجود داشته که به گفته ابو الفضل بیهقی «به وقت بهار آنجا سیل آمدی و مسلمانان را از آن رنج بسیار بودی»، سوری بن معتز (صاحب دیوان خراسان در عهد سلطان مسعود غزنوی) فرمان داد «تا با سنگ و خشت پخته ریخته کردند و آن رنج دور شده تاریخ بیهقی ۵۳۲ بر در این محله گورستانی وجود داشته و مقبره خاندان معروف بحیری آنجا بوده است. خانقاه ابو عثمان بحیری و خانقاه ابو حامد ملقبادی درین محله بوده است این نام در تاریخ بیهقی به صورت بلقباد آمده که شاید غلط باشد و به صورتهای مولقباد / ملقباد / بلغاوا (بدون نقطه در احسن التقاسیم، ۳۲۹) نیز ضبط شده است مراجعه شود به تاریخ بیهقی ۵۳۲ و الانساب a ۵۴۵ و السیاق، تلخیص دوم a ۲۳ و مراصد الاطلاع ۱۳۰۸/۳ و معجم البلدان ۱۹۳/۵ از نوشته مقدسی می توان دانست که همواره عصبیتی میان دو بخش نیشابور وجود داشته از یک سوی نیمه غربی آن که ضمناً بخش بالائی شهر بوده و منسوب به منشک در یک طرف قرار داشته اند و مردمان حیره در یک سوی دیگر. و این عصبیت، به گفته مقدسی، از نوع عصبیت های مذهبی نبوده است. احسن التقاسیم، ۳۳۶ ولی در عصر او تبدیل به نزاع شیعه و کزازی شده بوده است.

[۱/۲۷۲۱] محله میدان زیاد: منسوب است به زیاد بن عبدالرحمن (متوفی ۲۴۷) که درین محله سکونت داشته است. در باب احوال او رجوع شود به شماره ۳۹۷ همین کتاب و نیز تاریخ الاسلام، ۷۲-۲۷۶ (۲۵۰-۲۴۱)

[۲/۲۷۲۱] نصرآباد اهلاء شهر بود: سمعانی نیز بعنوان محله ای در قسمت بالای شهر نیشابور از آن یاد می کند ابن اثیر و یاقوت از آن نام برده اند الانساب، a ۵۶۰ اللباب، ۲/۲۲۵ و معجم البلدان، ۵۴/۲۸۷.

[۲/۲۷۲۲] حوض کسلان: کهلان شماره ۲۷۳۶ و ۲۷۳۷.

[۳/۲۷۲۲] محله الزیق: الزیق شماره ۲۷۱۷.

[۳/۲۷۲۲] مناشک علیا و سفلی: ۲۷۱۷

[۴/۲۷۲۲] محله دیز: یکی از کهن ترین محلات نیشابور بازمانده قبل از اسلام که دیز (= دز، دژ) شهر در آنجا بوده است.

[۵/۲۷۲۲] محله نمدآباد: سمعانی و ابن اثیر و یاقوت به عنوان یکی از محلات نیشابور از آن یاد کرده اند یاقوت آن را به «عمارة نمد» تفسیر کرده است الانساب b ۵۶۸ اللباب ۳/۲۳۸ معجم البلدان ۳۰۴/۵ السیاق، چاپ محمودی، شماره ۲۲۵.

[۶/۲۷۲۲] محله باب ابی الاسود: محله ای بوده است در قسمت بالای شهر نیشابور، در راه کوه

منسوب به ابوالاسود. شماره ۸۱۶ دیده شود.

[۶/۲۷۲۲] محله قیاب: محله قیاب یا گنبدان، به عنوان یکی از محلات معروف نیشابور در نوشته‌های سماعی و ابن اثیر و یاقوت دیده می‌شود. سماعی می‌گوید ابن ماکولا آن را از طریق تاریخ الحاکم بعنوان محله‌ای در نیشابور بر سر راه عراق معرفی کرده است در عبارت یاقوت این نکته نیز افزوده شده است که بالاترین محله‌ای است بر سر راه عراق، الانساب، ۱۴۴/الباب ۲/۲۳۹ و معجم البلدان ۳۰۳/۴ و سرزمین‌های خلافت شرقی، ۴۱۰.

[۶/۲۷۲۲] در اصل «محله خولست متصل شادیاخ است عنرا حواست که در ربیع مازل است»: با احتمال قوی صورت اصلی عبارت بدین‌گونه بوده است: «محله خول است متصل شادیاخ است غیر از خول است که در ربیع مازل است» یعنی دو جا به نام خول وجود دارد یکی متصل به شادیاخ است و دیگری در ربیع مازل به همین نام وجود دارد. حدس می‌زنم که خول در ۲/۲۷۱۷ نیز همین کلمه است و مربوط به این نام است. در ناحیه غورستان محلی به نام «خول مانی» وجود داشته که منهاج سراج، از آن یاد کرده است آیا میان آن محل و این کلمه ربطی هست؟ مرحوم حبیبی بحثی دارد در باب مفهوم خول مانی که مثل اضلب فرمایشات او از موهومات است طبقات ناصری ۱۴۵/۲ و تعلیقات مصحح، ۳۶۴.

[۷/۲۷۲۲] محله شادیاخ: درباره شادیاخ که یکی از مهمترین و کهن‌ترین بخشهای نیشابور دوره اسلامی است یاقوت مطلبی دارد که خود تصریح می‌کند که از تاریخ نیشابور الحاکم نقل کرده است. از آن جا که این بخش از متن ما، از میان رفته، برای تکمیل متن کتاب، عین گفته یاقوت را ترجمه می‌کنیم بویژه که اطلاعاتی که یاقوت در مورد سرنوشت شادیاخ در دوره‌های بعد بر آن می‌افزاید از مشاهدات شخصی اوست و بسیار اهمیت دارد.

«شادیاخ، بعد از ذال مکسوره یائی است که در زیر دو نقطه دارد و در آخر آن خاء است... مدینه نیشابور است که نیشابور خود مادر همه شهرهای خراسان در عصر ماست و شادیاخ در آغاز بستانی بود از آن عبدالله بن طاهر بن حسین (۱۸۲ - ۲۳۰) که پیوسته مدینه نیشابور بود. حاکم ابو عبدالله بن البیع در پایان تاریخ نیشابور خویش چنین آورده است که آنگاه که عبدالله بن طاهر بعنوان والی خراسان به نیشابور درآمد و در آن جا ساکن شد، از بسیاری لشکر او جای بر ایشان تنگ شد، بناچار ساکن سرای مردمان شدند، از راه غضب و مردم ازیشان سختیها می‌دیدند و چنان اتفاق افتاد که یکی از سپاهیان او در سرای مردی ساکن شد که آن مرد را زنی زیبا بود. و آن مرد سخت اهل غیرت بود. بناچار از فرط غیرت بر همسر خویش سرای خود را ترک نکرد. یک روز آن مرد سپاهی بدو گفت: برو و اسب مرا آب ده. آن

مرد نتوانست که خلاف فرمان آن مرد سپاهی کند و از سوی دیگر یارای آن را نداشت که همسر خویش را تنها رها کند. بناچار به همسر خویش گفت: تو برو و اسب او را آب ده تا من متاع منزل را پاسداری کنم. آن زن رفت و زنی زیبا بود. رفتن این زن مصادف بود با برنشستن عبدالله بن طاهر. عبدالله آن زن را دید و او را سخت زیبا یافت و ازین که او به چنین کاری پرداخته در شگفت شد. او را طلبید و بدو گفت: چهره و وضع تو می‌نماید که افسارکشیدن اسب و آبیاری آن درخور تو نیست، داستان تو چیست؟ آن زن گفت: «این کاری است که عبدالله بن طاهر نفرین شده برگردن من نهاده است» آنگاه عبدالله را از ماجرا آگاه کرد. عبدالله سخت در خشم شد و لاجول بر زبان آورد و با خود گفت: مردم نیشابور از تو بدبها و سختبها دیدند، ای عبدالله! سپس عریفان لشکر خویش را فرمان داد تا در سپاه آواز دردادند که «هرکس از ایشان در شهر شب را بسر آورد خونش و مالش حلال خواهد بوده و عبدالله خود به شادیاخ رفت و در آنجا سرایی از برای خویش بنا کرد و فرمان داد تا لشکر نیز در پیرامون او سراهای خویش را بنا کنند و بدینگونه شادیاخ آبادان شد و محله‌ای بزرگ گردید و پیوسته مدینه نیشابور از جمله محلات نیشابور شد. آنگاه اهالی آنجا، در آنجا، سراها و کاخها بنیاد کردند. آنچه نوشتیم مضمون سخن حاکم بود و آن را از حافظه نوشتیم زیرا اصل کتاب او هم اینک در دسترس نیست. به همین دلیل، شاعر، عبدالله بن طاهر را مخاطب قرار داده و می‌گوید:

در شادیاخ به شادی بنوش جام شراب، با افسر شهریاری بر سرت و رها کن «غمدان» را
از برای یمن..

آنگاه دولت آل طاهر سپری شد و آن کاخها ویرانه گردید و یکی از شاعران بر آنجا گذشت و سرود:

شادیاخ، آرامگه سلطنت بود / ولی سلطنت از آنجا روی بزوال نهاد...

و دیگری گفت:

آنک آن کاخهای «شادیاخ» است که ویرانه شده است / و «میان» به گونه مزرعه‌ای

درآمده است «شادمهر» تهی مانده و آنچه آبشخورها در زمین رها.

و عوف بن محلم، در شعری طولانی، که در کلمه «میان» تمامی آن را خواهم آورد چنین گوید:

سیراب باد از باران، کاخهای شادیاخ و «میان» از پس بدروغ من...

یا قوت آنگاه می‌افزاید که من در سال ششصد و سیزده به نیشابور درآمدم که شادیاخ بود و آن

را نیک دیدم و در آنجا مرا واقعه‌ای روی داد... سپس آنگاه که در سال ۵۴۸ غزان به خراسان

درآمدند، و آن کارها را کردند و به نیشابور آمدند و آنجا را ویران کردند و آتش زدند و بگونه مجموعه‌ای از تپه‌ها آن را رها کردند. آنان که از مردم نیشابور باقی مانده بودند به شادیخ نقل مکان کردند و به آبادانی شادیخ پرداختند اینک شهر معروف نیشابور، در عصر ما، همان شادیخ است. آنگاه، تئاران، که نفرین خدای بریشان باد! در سال ششصد و هفده آنجا را ویران کردند و هیچ دیواری را، فرو نریخته، نگذاشتند و چنانکه شنیده‌ام، ویرانه‌هایی است که اشک در چشم‌ها می‌آورد و دلها را به آتش می‌کشد.

گویا بخش مرکزی و بسیار مجلل شادیخ را «میان» می‌خوانده‌اند زیرا یاقوت در ذیل این کلمه می‌گوید: جاهایی است که کاخهای آل طاهر در آنجا بوده است. معجم البلدان ۷/۳ - ۳۰۵ و ۲۳۹/۵. در تاریخ مبارک غازانی، روایت دیگری، از داستان عبدالله طاهر و مسأله شادیخ دارد که در آن بجای عبدالله طاهر، مخاطب، یکی از پادشاهان ترک است و آن پادشاه ترک بعد از شنیدن گفتار آن زن جوان فرمود که من بعد هیچ آفریده از حشم در نیشابور فرود نیاید و تمامت امرا و اتراک، هر یک جهت خود، در حدود آنجا خانه سازند و شادیخ نیشابور - که این زمان [عصر تألیف تاریخ مبارک غازانی] شهر است - بدان سبب ساختند، تاریخ غازان، ۳۵۹.

[۸/۲۷۲۲] محله جلاباد: سمعانی درباره جلاباد نیشابور الانساب، ۱۴۶ a می‌گوید: محله بزرگی است در نیشابور که آن را گلاباد گویند. ابو حامد فقیه جلابادی متوفی ۳۳۸ را بر سر محله جلاباد خانقاهی بود. نیز اللباب ۱/۲۵۹ دیده شود. گورستان معروفی درین محله بوده است که از همان قرون اولیه اسلامی بسیاری از بزرگان را در آنجا دفن کرده بودند از جمله اسحاق بن ابراهیم حنظلی و محمد بن اسلم را ۲۷۹۹.

[۹/۲۷۲۲] محله تلاجورد: محمدآباد، شماره ۱۱/۲۷۳۲ و تلاجورد ۱۳/۲۷۱۷.

[۹/۲۷۲۲] محله حفصاباد: حفصاباد ۱۳/۲۷۱۷.

[۱۰/۲۷۲۲] محله خمزکاباد: جنرکاباد ۱۴/۲۷۱۷.

[۱۱/۲۷۲۲] محله محمدآباد درو ریاض و حیاض است: محمدآباد نزدیک شادیخ و در کرانه شهر بوده و ظاهراً از مناطق خوش آب و هوا، و گویا به همین نام تا قرن سیزدهم باقی بوده است. ابوالفضل بیهقی چند بار ازین محمدآباد یاد کرده است یکبار در توصیف باغی که ابوالمظفر برغشی از وزرای سامانیان درین محله داشته و یکبار هم به مناسبت زمینی که ابونصر مُشکان درین محله می‌خواست است خریداری کند و ظاهراً نام کهنه این دبه یا یکی از بخشهای آن مهرآباد بوده است زیرا در یک مورد که بیهقی می‌گوید: در نیشابور دبهی بود محمدآباد نام داشت و به شادیخ پیوسته و جایی عزیز است چنانک یک جُفت و اراز آن

که به نساپور و اصفهان و کرمان «جریب» گویند - زمین ساده به هزار درم بخریدندی و چون با درخت و کشت‌ورزی بودی به سه هزار درم...» در همین جا یکی از نسخه بدلهای کتاب، بنا بر توضیح استاد قیاض، «مهرآباد» دارد. گویا مهرآباد، در قرون بعد رواج یافته است و مزار میر مخدوم یکی از شهدای حروفیه و از مریدان قاسم انوار در قریه مهرآباد نیشابور بوده است، مجالس النفایس، ۸ یکی از نسخه‌های آثار عطار که گویا بر سر مزار او که در شادیاخ است کتابت شده است این عبارت دیده می‌شود و اینها قرینه این است که مهرآباد و شادیاخ و محمدآباد بهم پیوسته بوده است. نسخه شماره ۷۷۰ کتابخانه آستانقدس رضوی، از قرن نهم، و تاریخ بیهقی، ۴۵۸، ۶۲۹، ۸۱۰، ۸۱۲ گویا در همین حدود شادیاخ و مهرآباد (محمدآباد) محلی نیز به نام «میان» وجود داشته که یاقوت از آن یاد کرده و نمونه‌هایی از شعر شعرائ عرب‌زبان را درباره آن نقل کرده و ظاهراً «میان» مرکز شادیاخ و مرکز آبادانی و کاخهای مجلل بوده است. معجم البلدان ۲۳۹/۵. افضل الملک، در سفرنامه خویش درباره محمدآباد می‌گوید: «به محمدآباد در باغ فرود آمدم و به اطراف گردش کردم معلوم شد که قبل از شادیاخ بنای شهر نیشابور در اینجا بوده است. مؤید قول من، قول اهالی است که در حوالی و اطراف محمدآباد دهاتی است که آنها را «قطن‌آباد» و «آهنگران» و «ده زرگر» و «فولاد فروش» و «ده سنگ» و «ده تعلی» می‌گویند. کنون در این دهات نه پنبه و نه آهن و نه زرگری و نه فولاد و نه سنگتراشی و نه نعل‌بندی است. پس تسمیه اسامی این دهات ازین جهت است که پیش ازین محلات نیشابور بوده و بواسطه بازار حلاجان (اصل: ملاحان) و آهنگران و زرگران و فولاد فروشان و سنگ‌تراشان و نعل‌بندان، پس از خرابی شهر، این دهات به اسم بازارهای شهر نامیده شده است.» سفرنامه خراسان و کرمان، ۴۹.

[۱۱/۲۷۲۲] محله فز: به ضم فاء و تشدید زاء محله‌ای در نیشابور که به گفته سمعانی آن را وزکان / بوزکان (بوزگان، ظاهراً) هم می‌خوانده‌اند. در باب حرکت فاء در این کلمه یاقوت می‌گوید: «سمعانی آن را به فتح ضبط کرده و حازمی به ضم» در صورتی که سمعانی تصریح دارد به مضموم بودن فاء، شاید حازمی به فتح ضبط کرده بوده است که البته اشتباه است. ابن‌اثیر که اللباب را براساس تلخیص الانساب فراهم آورده او نیز به ضم فاء تصریح دارد اما در نسخه چاپی اللباب بجای بوزکان، بوز (بدون نقطه روی راء) آمده که احتمالاً غلط مطبعی است. اغلب مورخان نیشابور در عصور متأخر، این کلمه را «قز» ضبط کرده‌اند که غلط فاحش است. مراجعه شود به الانساب B ۴۲۷ و معجم البلدان ۲۶/۴ و اللباب ۲/۲۱۴ و برای صورت بوزگان رجوع شود به تاریخ بیهقی، در نام سالار بوزکان، ۷۳۰ به بعد.

[۱۳/۲۷۲۲] محله در باغ: محله در باغ تلاجرد ۱۸/۲۷۲۲.

[۱۴/۲۷۲۲] محله باب عقیل: باب عقیل یکی از محلات نیشابور بوده است که متصل به میدان حسین بن زیاد بوده است و این نکته را از مطلبی که صدوق در *عیون اخبار الرضا* آورده می‌توان فهمید آنجا که می‌گوید: «حمویه صاحب جیش خراسان، سالاران لشکر خویش را، در میدان حسین بن زیاد، باب عقیل، سان می‌دید...» *عیون اخبار الرضا*، چاپ نجف ۲/۲۹۱ و چاپ غفاری ۲/۷۰۳ و مقایسه شود با *لباب الانساب*، بی‌هی، ۶۹۵.

[۱۴/۲۷۲۲] محله باب عسکر: یا *المعسکر* یا *لشکرگاه*، محله‌ای بوده است که در داخل *رَئِض* قدیم شهر نیشابور قرار داشته است و نزدیک مسجد جامع بوده است و این از توضیحات اصطخری بروشنی دانسته می‌شود *المسالک و الممالک*، ۲۵۴.

[۱۵/۲۷۲۲] محله باب عَزْرَه: یا *دَرِ عَزْرَه* یکی از محلات بزرگ نیشابور قدیم که شمار بسیاری از دانشمندان منسوب بدانجا یافتند و به عنوان *العزری* مشهور. مدرسه سوری که یکی از مدارس مهم نیشابور بوده است (از بناهای سوری بن المعتر یا محمد بن سوره تمیمی) در این محله قرار داشته است. *الجواهر المضية* ۱/۳۶ و *السیاق تلخیص دوم*، ۱۲ و ۳۰ و ۳۱ و *الانساب* b ۳۲۵ و ۳۸۹ b و *التحییر*، ۱/۵۰۱ و *معجم البلدان*، ۴/۱۱۸ و *The Particians*, P. 252. و *تعلیقات اسرار التوحید* ۲/۷۴۴.

[۱۵/۲۷۲۲] محله *حزب*: یا *سکه حرب* یا *باب حرب* که گاه ترجمه فارسی آن را در کتابهای جغرافیای قدیم می‌بینیم به صورت *دروازه جنگ*. یکی از محلات و دروازه‌های مهم نیشابور بوده و گویا از آبادترین محلات و دروازه‌های شهر به شمار می‌رفته است. اصطخری می‌گوید: «*رَئِض* [نیشابور] را دروازه‌هاست، دروازه‌ای که سوی مرو و بلخ و ماوراءالنهر روند آن را دروازه جنگ خوانند.» *مشهد خاندان معروف صابونی* درین محله قرار داشته است. از طرز بیان متن ما دانسته می‌شود که دیگر در عصر مترجم اثری ازین محله باقی نبوده است ولی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم بسیار *پُرونق* بوده است زیرا وقتی *ابوسعید ابوالخیر* (۳۵۷ - ۴۴۰) «به سرکوی حرب رسید، دوکان آراسته دید، *پُر ریاحین* و میوه‌ها نیکو نهاده. و آن جایی عظیم خوش بودی، چنانکه در نیشابور هیچ موضع خوشتر و آراسته‌تر از آن نبودی.» *اسرار التوحید* ۱/۲۱۹ و *تعلیقات همان کتاب* ۲/۷۵۳ و نیز *ترجمه مسالک و ممالک*، اصطخری، ۲۰۴ و *السیاق*، *تلخیص دوم* b ۳۹ و a ۴۶.

[۱۵/۲۷۲۲] محله باب معاذ: ۱۵۶۵

[۱۶/۲۷۲۲] محله *بیدستان*: در باب این محله اطلاعی بدست نیاوردم.

[۱۶/۲۷۲۲] محله مرتعه: در اصل، بدون نقطه، فقط تشدید مانندی روی «ر» دیده می‌شود و با احتمال قوی همان مرتعه است که برابر کلمه «چهارسوی» است و ظاهراً مهمترین چارسوی نیشابور همان «چهارسوی کرمانیان» یا «مربعه کرمانیه» بوده است که از مراکز تجاری شهر بوده است. چهارسوی کرمانیان در متهاالیه یک طرف بازار اصلی، یعنی راسته بازار نیشابور بوده است و درست در نقطه مقابل محله حیره. خانقاه ابوسعید ابوالخیر در حد فاصل این دو محله قرار داشته است. از اطلاعاتی که از خلال متون بدست می‌آید در این مرتعه انواع دکانها از کاغذفروشی گرفته تا کاک‌پزی وجود داشته است و همچنین چندین خان (یعنی کاروان‌سرای)، در درون این مرتعه قرار می‌گرفته است مراجعه شود به دُنْيَةُ الْقَصْرِ، ۲۸۴ التحییر، ۲۷۲/۱، السیاق، تلخیص اول a ۷۷ و تلخیص دوم b ۱۲۵ و الانساب a ۲۸۰ طبقات الشافعیه، سبکی، ۱۸۳/۳ و ترجمه مسالک و ممالک، اصطخری ۲۰۴ و متن عربی المسالک و الممالک ۲۵۵ و نیز تعلیقات اسرار التوحید، ۷۳۶/۲ به بعد.

[۱۶/۲۷۲۲] محله سرپل: همان است که در متون عربی بعنوان «رأس القنطرة» از آن یاد می‌شود به گفته سمعانی و ابن اثیر محله‌ای به نام رأس القنطرة وجود داشته که عده‌ای از علما بدان منسوب‌اند. اللباب، ۸/۲ در نسبت القنطری و نیز الانساب b ۴۳۶.

[۱۷/۲۷۲۲] محله ذروان: شماره ۲/۲۷۱۷.

[۱۸/۲۷۲۲] محله باب معمر: ۱/۲۷۷۹

[۱۸/۲۷۲۲] محله در باغ تلاجر: ظاهراً بمناسبت در باغ ابو مسلم که در این محله بوده است این قسمت از شادیاخ یا تلاجر را «در باغ» می‌خوانده‌اند شماره ۱۳/۲۷۱۷ دیده شود.

[۱۹/۲۷۲۲] محله میدان حسین: میدان حسین بن معاذ ۳/۲۷۷۲.

[۱۹/۲۷۲۲] محله سمیجر: سمیجر ۱۲/۲۷۱۷.

[۲۰/۲۷۲۲] محله الرعیاء: ضبط کلمه مشکوک است و اطلاعی در باب آن بدست نیاوردم.

[۲۰/۲۷۲۲] محله جولاهگان: جولاهگان، ۲/۲۷۱۹.

[۲۰/۲۷۲۲] محله جوری علیا: جوری ۱۵/۲۷۱۷ و ۱۶.

[۲۰/۲۷۲۲] محله جوری سفلی: جوری ۱۵/۲۷۱۷ و ۱۶.

[۲۰/۲۷۲۲] محله سرکوی: اطلاعی در باب آن بدست نیامد.

[۲۰/۲۷۲۲] محله سنجده‌سناه: ابوالفضل بیهقی در مسیر هرات به نیشابور در نزدیکی نیشابور،

از سرای سنجده یاد می‌کند و ظاهراً با این محل باید یکی باشد: «امیر به سرای سنجده رسید بر

سر دو راه نیشابور و طوس» و چون راه قدیم نیشابور به طوس از میان کوه‌های زشک

بوده‌ست، بسیار طبیعی است که این سرای سنجد در نزدیک نیشابور باشد. تاریخ بیهقی، ۸۰۳.

[۲۲/۲۷۲۲] محله باغ رازیان: یا در بافت عبارات عربی باغ الرازیین، محله بزرگی بوده است با سگه‌های (کوچه‌ها)ی متعدد که اولین سگه آن بنام محمدبن رافع قشیری بوده است و ابواسحق بسطامی نیز در آنجا مدرسه داشته است و سرای او نیز همانجا بوده است، سرایی که برای اهل حدیث ساخته بوده است و مؤلف ما نیز تصریح دارد که اهل علم و تجارت آنجا بسیار بودی. به نوشته الانساب ۸۰b خانقاه ابن جَبَّان بُستی (متوفی ۳۵۴) در محله باغ‌الرازیین نیشابور بوده است. در السیاق تلخیص دوم، چاپ آقای محمودی، شماره ۲۳۳ باغ‌الرازیین (با تردید) قرائت شده که در اصل نسخه بدشواری قابل قرائت است. شماره‌های ۶۴۶، ۸۲۶، ۱۱۰۷، ۱۳۹۷، از متن حاضر نیز دیده شود. نیز رجوع شود به لباب‌الانساب، بیهقی، ۷۱۰.

[۲۲/۲۷۲۲] محله باغک: مؤلف تصریح دارد که محله باغک پیوسته محله فز است و از کهن‌ترین محلات نیشابور که وقتی عبدالله عامر شهر را فتح کرد در آنجا سکونت گزید و مسجد او در آنجا بوده است. قبر ابوالطیب صعلوکی نیز در مقبره باغک بوده است. شماره‌های ۱۶۰۲ و ۱۷۲۲ نیز دیده شود.

[۲۴/۲۷۲۲] محله رمجار: رمجار شماره ۸/۲۷۱۷.

[۲۴/۲۷۲۲] محله خرکلاباد: خرکلاباد محله‌ای بوده است در جوار یکی از مشاهد نیشابور و این نکته از عبارت بیهقی قابل استفاده است که در مورد سیدناصرین ابی‌القاسم می‌گوید: «کان بنیشابور فی جوارالمشهد الذی بخرکلاباد» لباب‌الانساب ۶۳۹/۲ مصحح کتاب آن را «نحرکلاباد» خوانده و نوشته است: کذا فی جمیع النسخ.

[۲۵/۲۷۲۲] محله سَرواقه: محله‌ای بوده است به تصریح مؤلف در جانب غربی نیشابور و تردیدی ندارم که این همان است که در شماره ۱۷۲۸ به صورت «رأس الاوقه» آمده است: «یقال: فی رأس الاوقه منزل واحد یخْرُجُ منه محدث و شاهد و فقیه» این عبارت تاریخ نیشابور را در شرح حال همین ابوسعید کعبی، سمعانی از حاکم نقل کرده است. در چاپ عکسی مرگلیوث: الاوقه a ۴۸۵ آمده و در چاپ حیدرآباد الاوقه ۱۲۲/۱۱ ثبت شده و در چاپ بیروت (دارالجنان) ۸۰/۵ الأوقه مشکول شده است. و مسلماً ربطی به جمع زقاق (أوقه) ندارد. احتمالاً همان «اوقه» یا «واقه» درست است.

[۲۵/۲۷۲۲] محله کرمانیان: همان مربعه کرمانیان است ← مربعه، شماره ۱۶/۲۷۲۲ معلوم

نیست که این محله از چه تاریخی به نام کرمانیان شهرت یافته است. قدر مسلم این است که در قرن چهارم و پنجم عده بسیاری از اهل کرمان در نیشابور زندگی می‌کرده‌اند که احتمالاً روی علاقه به کرمان، نام فرزندان خویش را نیز کرمان، می‌نهاده‌اند. بعضی از علمای نیشابور این عصر، نامشان کرمان است. از تعبیر متن ما دانسته می‌شود که محله کرمانیان، در حمله مغول بکلی ویران شده بوده است. مراجعه شود به تعلیقات اسرار التوحید، ۷۳۸/۲ و مدارک منقول در آنجا.

[۵/۲۷۲۴] کنارنگ: مؤلف تصریح دارد که فرمانروای ناحیه اُبرشهر، یعنی منطقه نیشابور کهن را، قبل از اسلام کنارنگ می‌خوانده‌اند. در فرهنگ‌ها نیز به این مسأله بارها تصریح شده است. ابن فقیه در ذکر اسامی پادشاهان محلی ایران، پادشاه نیشابور را کیان ضبط کرده است، البلدان، نسخه خطی آستان قدس رضوی، شماره ۵۲۲۹، b ۱۷۵ که ظاهراً باید تصحیف کنار باشد، زیرا ابن خرداذبه نیز که به یادکرد نام پادشاهان محلی ایران پرداخته ملک نیشابور را کنار و در نسخه بدل‌ها کنارنگ، می‌خواند الممالک و الممالک، چاپ لیدن ۳۹ (افست مکتبه المثنی) طبری نیز این کلمه را کناری ضبط کرده است تاریخ الرسل والملوک، چاپ اروپا I/۲۸۸۶ (افست اسدی، تهران) از آنجا که بنا بر اشاره بعضی فرهنگ‌های قدیم میان این کلمه و کلمه «صاحب طرف» و «ملوک اطراف» ظاهراً رابطه‌ای هست باید این کلمه کنارنگ در اصل کناریک باشد یعنی منسوب به کنار. نکته‌ای که این موضوع را تأیید می‌کند. صورت سُرِیاتی کلمه است که «قنارق» است و شکل کنارکس که به روایت پرو کوپیوس درباره آن نقل کرده‌اند، سندی دیگر است. نیز مراجعه شود به برهان قاطع و تعلیقات استاد معین در کلمه کنارنگ. و لغت نامه دهخدا در کنارنگ. ابومنصور محمد بن عبدالرزاق طوسی که از مشوقان شاهنامه و فردوسی بوده است از تبار کنارتگیان طوس است. نیز تعلیقات تاریخ بخارا، از استاد مدرس رضوی ۳۳۷.

[۱۴/۲۷۲۴] گریک نظر به سوی من خسته می‌کنی: گوینده را نیافتم.

[۲۰/۲۷۲۴] فرمان مدینه را ز جا برجستم: گویا از شعرهای نسبتاً کهن قرن پنجم و شاید هم قرن چهارم باشد که به صورت:

فرمان تو آمد و ز جا برجستم پیغام همی داد و کمر می‌بستم

در زوُج الأرواح، سمعانی ۹۷ نیز دیده می‌شود.

[۲۲/۲۷۲۴] از آزادوار جوین: به همین نام هنوز باقی است اللباب، ۱/۱۵ و الانساب b ۱۴ و

[۳۰/۲۷۲۴] دروازه جرجان و فارس: دروازه فارس گویا جدا از دروازه گرگان بوده است و در

سمت رَیغ شامات [۳/۲۷۵۱]

[۳۱/۲۷۲۴] فرورد به ماهی و برزد به ماه: گوینده را نیافتم.

[۳۹/۲۷۲۴] وَضِعَ حَمَلٍ اَوْزَارِ حَرْبٍ نمودند: ناظر است به این تعبیر قرآنی: «حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ

اَوْزَارَهَا ۴/۴۷) تا جنگ، سختیهای خود را فروگذارد.

[۹/۲۷۲۵] اَبْرَشَهَر: در اینجا به همین صورت مشکول شده و مخالف است با موارد دیگر و

توضیحی که در تعلیقات ۲/۲۷۱۶ جای دیگر داده شده است.

[۱۰/۲۷۲۵] طوس و ایبورد و نسا در آن تاریخ توابع نیشابور بود: مراجعه شود به تعلیقات مربوط

به ارباع نیشابور شماره ۱/۲۷۹۴.

[۲/۲۷۲۶] برزان جاه: در باب هویت این شخص و صورت درست نام او اطلاعی بدست نیامد.

[۴/۲۷۲۶] حمران دیگر: ظاهراً ناظر است به تعبیر «حُمُرٌ مُسْتَنْفَرَةٌ» قرآنی که پیش از این هم بدان

اشارت داشت ۲۷۲۴ چه به صورت حُمُر و چه تصحیف حمیر.

[۱۱/۲۷۲۶] الْحَرُّ يُوَفِّي وَ الْبَرْدُ يَقْتُلُ: یعنی گرما آزاردهنده است و سرما کشنده. نفرین خدای

برین ایرانیان (عجم) باد که از سرما می میرند و می گویند: خوشا! ظاهراً ناظر است به دو

مفهوم «خنک» که هم سردی است و هم خوشا.

[۱۲/۲۷۲۶] و يَقُولُونَ حُتَّكَلْ: کلمه خنکل به همین صورت مشکول شده است.

[۱۵/۲۷۲۶] از غند: از قند ۱/۲۷۶۴

[۱۸/۲۷۲۶] اِنَّ اَشَدَّ الْبَلَاءِ عَلَيَّ الْاَنْبِيَاءُ: حدیثی است بسیار مشهور، یعنی «دشوارترین آزمونها

(بلاها) از آن پیامبران است آنگاه از آن اولیا» و به صورتهای گوناگون نقل شده است مراجعه

شود به کشف المحجوب، هجویری ۵۰۴ جامع صغیر، سیوطی ۴۲/۱ و کنوزالحقایق ۳۰/۱.

[۲۵/۲۷۲۶] مُعْتَقٌ که یکی از مقرَّبانِ عبدالله عامر بود: منظور مُعْتَقُ بِنِ قَلْعِ الْعَشْرِي است که

یاقوت در ذیل مَرْجُ الْخَطْبَاءِ، درباره او و همین مسأله فتح نیشابور می گوید: «مَرْجُ الْخَطْبَاءِ،

مکانی است در خراسان که در آن جماعتی از خطیبان خطبه خواندند و این نام بر آنجا باقی

ماند. مدائنی گوید: عبدالله بن عامر به ابرشهر آمد و چون گشوده نشد، در مَرْجُ الْخَطْبَاءِ، که تا

نیشابور یک روز راه است، فرود آمد. پس معتق بن قلع العشری، بدو گفت: ای امیرا ما را

درین زمستان مکش که سرما دشمنی ست سگ خور. به ابرشهر بازگرد، امیدوارم خداوند آن را

بر تو بگشاید.» عبدالله به ابرشهر برگشت و شهر را به جنگ گشود. این مَرْجُ الْخَطْبَاءِ در

ولایت اَشْفَنْد یا اَسْبَنْد قرار داشته است. معجم البلدان ۱۰۰/۵ و ۱۹۸/۱.

[۷/۲۷۲۷] آن فوج مسلمان شد: صورت تغییر شکل یافته مطلع یکی از غزلهای سنائی است:

مешوقه بسامان شد، تا باد چنین باد کفرش همه ایمان شد، تا باد چنین باد

که مولانا نیز آن را با اندک تصرفی به صورت غزلی دیگر درآورده است گزیده غزلیات شمس،

۳۷ و در اقلیم روشنائی، تعلیقات ۱۸۹.

[۹/۲۷۲۷] محله شاهنبر: شاهنبر شماره ۱/۲۷۷۷.

[۷/۲۷۳۰] احمد بن حاج بکر: شاید همان احمد بن حاج بن القاسم العامری از قدما و از اتباع

الاتباع است، شماره ۲۶۲ که در تاریخ الاسلام، ۳۵ (۲۳۱ - ۲۴۰) هم احوال او آمده و به

تصریح حاکم در نیشابور مسجدی نیز به نام او وجود داشته است.

[۱۱/۲۷۳۰] سلطان سلیمان بن مطر: شماره ۴۰۴.

[۲/۲۷۳۱] قصبه خراسان: قصبه را بمعنی شهر بزرگ به کار برده است (محیط المحيط) و در هر

ناحیه، مهمترین و بزرگترین آبادی، قصبه آنجا خوانده می شده است و گاه عنوان علم بخود

می گرفته مثلاً سبزواری در عصر علی بن زید قصبه می گفته اند. تعلیقات استاد بهمنیار بر

تاریخ بیهق، ۳۳۵.

[۶/۲۷۳۳] قریه مؤیدیه: یا مؤیدی. مسلماً این نام بعدها برین قریه اطلاق شده است و در عصر

ورود حضرت رضا نام دیگری داشته است. ظاهراً نام مؤیدیه از نام مؤیدای ابه است که در

نیشابور فرمانروایی داشته و آبادیها و ابنیه دیگری هم به نام او بوده است. راحة الصدور،

۸۳-۱۷۹. این روستا تا عصر غازان باقی بوده است و به گفته تاریخ مبارک خازانی «بر آن

مقرر کردند که قیشلامیشی در نیشابور کنند، غازان در مؤیدی قشلاخ فرمود.» تاریخ مبارک

خازانی، ۲۳.

[۶/۲۷۳۴] مَنْ اَعْبَرَتْ قَدَمَا: حدیثی است بسیار مشهور که اکثر مشایخ آن را نقل کرده اند مراجعه

شود به فیض القدیر ۳۲۲/۵.

[۱۱/۲۷۳۴] وصیله: کذا و ظاهراً به این املا، در عبارت ما، معنی مناسبی ندارد مگر به این مناسبت

که یکی از معانی وصیله آبادی و سرسبزی است. محیط المحيط در ماده وصل، دیده شود.

[۱/۲۷۳۵] کوچه بلاس آباد: در روایات شیعی، کیفیت ورود حضرت رضا (ع) به نیشابور از زبان

خدیجه دختر حمدان بن بسنده چنین است که چون رضا (ع) به نیشابور درآمد در محله غربی،

در ناحیه ای به نام بلاس آباد، در سرای نیای من بسنده فرود آمد و نیای مرا از آن روی بسنده

می گفتند که رضا (ع) او را از میان مردم پسندیده بود. چون به سرای ما درآمد، دانه بادامی را

غرس کرد در یکی از جوانب سرای، که در یک سال درختی شد و بار آورد و چون مردم این را

دانستند، از بادام آن درخت شفا می‌جُستند...» عیون اخبار الرضا، نجف ۱۹۷۰/۱۳۳۰، ج ۱۳۱/۲ قابل یادآوری است که در متن عربی عیون اخبار الرضا «ناحیه تعرف «بلاشاباذ» آمده که در اصل احتمالاً «ببلاشاباذ» بوده است باعتبار ماده فعلی «عرف» که حرف «ب» را لازم دارد. در چاپی که آقای علی اکبر غفاری ازین کتاب نشر داده است، تهران، صدوق، ۱۳۷۳، ج ۲۹۲/۲ به این صورت نقطه‌گذاری و مشکول شده است: «ناحیه تُعَرَّفُ بِ «لاشاباذ» در صورتی که بلاشاباد یا بلاس آباد مشهور است و در همه اسناد موجود است در باب بلاس آباد بیهق نیز رجوع شود به تاریخ بیهق، ۲۶۴ متأسفانه خطایی که در نسخه عیون اخبار الرضا بوده به بحار الانوار، ۱۲۱/۴۹ نیز راه یافته است.

[۲/۲۷۳۶] محوطة کهلان: کهلان که در متن ما یکجا نیز به صورت کسلان آمده است (و ظاهراً هر دو صورت درست است زیرا در فارسی کهن [س / ه] قابل تبدیل اند نظیر [خروس / خروه] و امثال آن) در عیون اخبار الرضا به صورت کهلان ضبط است چاپ نجف ۱۳۴/۲ و چاپ غفاری ۳۰۰/۲ و نیز در بحار الانوار، ۱۲۳/۴۹.

[۹/۲۷۳۶ و ۱۰] حَمَّامِ سُلْطَان... هنوز هست: صدوق نیز که معاصر مؤلف ماست می‌گوید: «و هی العین المعروفة بعین کهلان یقصدھا الناس الی یومنا هذا» عیون اخبار الرضا چاپ نجف ۱۳۴/۲ و چاپ غفاری ۳۰۰/۲ آنچه در اینجا باید متنی هر دو چاپ عیون اخبار الرضا اصلاح شود این عبارت است: «نزل فی محلّة یقال لها الفروینی فیها حَمَّام و هو الحمام المعروف الیوم بحمام الرضا». چاپ نجف ۱۳۴/۲ و آقای غفاری آن را بدین صورت مشکول و نقطه‌گذاری کرده است: فی محلّة یقال لها الفُروینی، فیها حَمَّام و هو الحمام المَعْرُوفُ الیَوم بحَمَّام الرُّضَا(ع) و چنین ترجمه کرده که: وارد شد در محلّه‌ای که آن را فروینی گویند به حمام رفت. حمامی بود که همین حمام معروف است و آن را در این زمان حمام الرضا می‌گویند.» در صورتی که هر دو مصحح، هم آقای غفاری و هم مصحح چاپ نجف عبارت را غلط قرائت کرده‌اند. بر طبق تمام روایات، و از جمله الحاکم، حضرت به محلّه «فُز» که از محلات بسیار معروف نیشابور بوده است وارد شدند. (در باب «فُز» به یادداشت ۱۱/۲۷۲۲ در همین کتاب رجوع شود) عبارت عیون اخبار الرضا چنین بوده است: «نزل فی محلّة یقال لها الفُز وَ بَیْنَ فِیْهَا حَمَّام و هو الحمام المعروف...» این ضبط غلط در بحار الانوار ۱۲۳/۴۹ نیز راه یافته.

[۱/۲۷۳۷] درختِ بادام: درباره ظالمی که شاخهای آن درختِ بادام را برکنند، صدوق در عیون اخبار الرضا، از زبان، نوه بسنده نقل می‌کند که این کار را شخص حمدان بن بسنده انجام داد و به همین دلیل نابینا شد و سپس ابو عمرو بن حمدان آن درخت را از زمین بدر آورد، در

پی آن مالش از میان رفت عیون اخبار الرضا، ۱۳۱/۲ تجف و چاپ غفاری ۲۹۳/۲.
[۶/۲۷۴۱] بررقی منشور: اصل: درسی، اصلاح بقرینه آیه قرآن: «و کتاب مسطور فی زق منشور
(۳/۵۲) و سوگند به کتاب مسطور، در صحیفه گشوده.

[۱۱/۲۷۴۱] خانقاه تلاجرد: تلاجرد ۱۳/۲۷۱۷.

[۷/۲۷۴۲] حدیث «التَّعْظِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ»: ظاهراً در مجامیع مشهور حدیث اهل سنت به این
صورت، حدیثی نقل نشده است. عجلونی به صورت «الشَّفَقَةُ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ تَعْظِيمٌ
لِأَمْرِ اللَّهِ». و به روایتی دیگر «تَعْظِيمٌ لِرُؤْجِهِ اللَّهِ». نقل کرده و می گوید: در مقاصد گفته است، با
این عبارات، بعنوان حدیث شناخته نیست ولی معنای آن درست است و هم صاحب مقاصد
گفته که قاری هروی آن را کلام بعضی از مشایخ دانسته آنجا که گفته است: «مدائز الأمر علی
شینین التعظیم لأمر الله و الشَّفَقَةُ عَلَى خَلْقِ اللَّهِ. كشف الغفا، ۱۱/۲ و نیز مراجعه شود به
یادداشت های قزوینی، ۱۲۸/۴ و نیز چهار مقاله عروضی، ۲۵ که این عبارت در آنجا فقط نقل
شده است.

[۲/۲۷۴۵] حلید مقدار: کذا شاید، جلیل مقدار

[۵/۲۷۴۵] دُنِشَهَا به تِشَهَا: چنین است در اصل می تواند «دُنِشَهَا» یا «دُونِشَهَا» خوانده شود
ظاهراً یکی از حشرات گزنده مقصود است اما این که چه کلمه ای بوده است، روشن نیست.

[۱/۲۷۴۶] تومی مردم آنایی: کلمه آنایی در معنایی مناسب بافت عبارت ما، هم اکنون در
بخشهایی از نیشابور کهن (از جمله کدکن) به کار می رود به صورت آنایی و شنیده ام که در
آذربایجان هم بقایای این استعمال از دوره آذری فهلوی وجود دارد، شاید با اندکی تفاوت در
تلفظ، به معنی شخص یا چیز نابهنجار، برابر abnormal فرنگی. احتمالاً (حرف نفی) + ن
وقایه + آیین، یعنی شخص یا شیء خارج از آیین و عادت و هنجار؛ غیر عادی.

[۶/۲۷۴۶] به آرد جو آلوده: اصل، «بارد حو الوده» اصلاح از تاریخ بیهقی، ۳۰ که می گوید: «در
سند و هند جرب و حصبه باشد، اسافل بآرد جو و بوخله طلا کنند».

[۷/۲۷۴۶] سرمای خوارزم: از همان شعر منوچهری که گفت: باد خنک از جانب خوارزم وزان
است دیوان منوچهری ۱۱۹ و نیز اشارت ارباب کتب ادب و جغرافیا می توان دانست که
خوارزم به سردی شهرت داشته است.

[۸ و ۷/۲۷۴۶] از پشه و امثال آن: اصل: ارثه با احتمال قوی اصلاح ما قطعیت دارد در تاریخ بیهقی،
۳۰ گوید: «در مرو سازخک و پشه و رشته باشد.» احتمال اینکه «ارثه» صورتی از «از رشته»
باشد ضعیف تر می نماید.

[۸/۲۷۴۶] اکثر بلادِ عالمِ مکتوب بود؛ پاره‌ای ازین قسمتِ محذوف کتاب، که مترجم می‌گوید: «تُرک کرده شد.» دربارهٔ قزوین بوده و رافعی آن را نقل کرده است: «و آورد الحاکم ابو عبدالله الحافظ فی تاریخ نیشابور: اَنَّ بقزوین میاها اذا داوم الغریب علی شربها و لم یُکثیر الحَرَکة انتفخت رِجُلَاهُ، حتی لا یجد بُدّاً من قطعهما.» التدوین، ۵۲/۱ و مراجعه شود به مقدمهٔ متنِ حاضر.

[۵/۲۷۴۷] دیزباد: یا دیزباد، که در متون عربی گاه آن را به قصر الریح ترجمه کرده‌اند. دهی ست در بخش قدمگاه نیشابور. ابن رسته می‌گوید: از نیشابور به دیزباد، راه از ناحیهٔ مشرق می‌رسد به سوادِ نیشابور و در چپا و راستای راه، قریه‌ها و رباط‌هاست تا منتهی می‌شود به دیزباد. الاعلاق النغیسه، ۱۷۴ و البلدان یعقوبی ۲۷۹ و معجم البلدان، ۴۵۴/۲ و نیز تعلیقات اسرار التوحید، ۷۴۵/۲.

[۵/۲۷۴۷] کالکاباد: کالماباد: ۱۳۴۸.

[۹/۲۷۴۷] عینِ أَخْضَر: همان چشمهٔ سبز، یا چشمهٔ کَلَسَب (در تلفظ عامّه: چشمه گیلان) است که در شاهنامه (چاپ مسکو ۲۸۳/۷) به صورتِ چشمهٔ سو (= سبز؟)

ترا چاره آن است کز راهِ شهید
سوی چشمهٔ سو گزایی به مهد

آمده است برای تفصیل اطلاعات درین باره تاریخ نیشابور، مؤید ثابتی ۳۱-۲۸ و مقالهٔ عبدالحمید مولوی: «چشمهٔ سبز...» در دومین کنگرهٔ تحقیقاتِ ایرانی، ۲ (۱۳۵۲) ۶۴۸-۶۲۲.

[۱۱/۲۷۴۷] قناده: به همین صورت، ظاهراً تلفظی از کلمهٔ قنات است که در فرهنگ‌ها دیده نشده است.

[۱/۲۷۴۸] هندیسه: اصل: ... یسه؟ یا اندیشه. اگر هندیسه باشد، در آن صورت شکلی است از کلمهٔ هندسه که ظاهراً در فرهنگ‌ها ضبط نشده است.

[۵/۲۷۴۸] شغابد دسر: چنین است در اصل. اصطخری می‌گوید: «و لَهم نَهْرٌ یُعْرَفُ بوادی سغاور (نسخه بدلها: سغادر، سعاوه، بشغاود، سقا، سغارد) یُسْقَى منه بعضُ البلد و رساتیق کثیرة» و در ترجمهٔ کهنِ اصطخری نیز آمده است: و رودی بزرگ هست کی شهر و روستا را آب دهد، وادی سغاور (نسخه بدلها: سقا، سعا) و در ترجمهٔ تستری به نام ممالک و مسالک، سغاور (نسخه بدل: سعاود) بدون تردید میان کلمهٔ مورد بحثِ ما و این صورتها رابطه‌ای هست که تقریباً صورتهای [شغاود / شغابد] نزدیکترین و قابل قبول‌ترین‌اند و از آنجا که [ب / و] همیشه در تغییر و تبدیل‌اند، هر دو صورت می‌تواند وجهِ صحّت داشته باشد. می‌ماند کلمهٔ «دسر» (بدون هیچ نقطه‌ای) یکی از قرای نیشابور قدیم دبیر یا دوبر است که به هر دو صورت

در متن ما آمده است (در نسبت بعضی از اعلام) آیا شغابید دبیر می تواند صورت اصلی سخن متن باشد. از آنجا که سمعانی به هنگام توصیف این محل، یعنی دبیر، می گوید «وقتی سلطان سنجر بدانجا نزول کرده بود، شبی چند در آنجا گذراندم» می توان فهمید که این دبیر، احتمالاً در کنار رودخانه ای بوده است که سپاهیان سنجر بتوانند در آنجا مقیم شوند. احتمال این که میان کلمه مورد بحث ما با شانندیز (شغاندیز؟) که «قصبه ای است از دهستان بخش طرهبه» و دارای رودخانه ای نیز هست بسیار بعید می نماید. گرچه نیشابور بزرگ، شامل آن ناحیه نیز می شده است. مراجعه شود به *المسالک و الممالک*، ۲۵۵ و نیز ترجمه آن *مسالک و ممالک*، ۲۰۵ و *مسالک و ممالک*، ۲۷۱ و نیز *الانساب* b ۲۲۲ و *اللیباب*، ۴۱۰/۱ و شماره ۱۲۰۷ و ۴۶۴ متن ما. و فرهنگ جغرافیائی، ۲۳۵/۹ همچنین مقایسه شود با بلوک سیاه دیز در بخش جغرافیای خراسان ۵۶ حافظ ابرو.

[۵/۲۷۴۸] وادی بوشتقان: به صورت پشنگان، بشتقان، بشتقان و بشتنجان و بشتنجه نیز دیده می شود دیهی است از تفرجگاه های نیشابور که هم اکنون نیز به همین نام پشنگان باقی است و اهل محل آن را فوشنجان می خوانند (به شماره ۱/۲۷۵۲ در باب مازل رجوع شود) در شعرهای عربی قرن چهارم و پنجم ضبط این کلمه هم به صورت «بشتقان» و هم «بشتنقان» دیده می شود مراجعه شود به سبکی، *طبقات الشافعیه* ۱۸۱/۵ *معجم البلدان* ۴۲۵/۱ *السیاق*، تلخیص دوم a ۱۲ و تاریخ بیهقی ۵۵۱ و حاشیه همان صفحه و فرهنگ جغرافیائی، ۵۹/۹ و *دمیه القصر*، چاپ حلب ۳۰۰ و چاپ دمشق ۱۴۹۱/۳ و *احسن التقاسیم*، ۲۴۸ و ترجمه تاریخ یمنی ۱۶۶ و حالات و سخنان ابوسعید، ۴۰ و *تذکره دولت شاه* ۲۳۹ و *تعلیقات اسرار التوحید* ۷۳۵/۲.

[۵/۲۷۴۸] خَرُو: همان است که امروز به صورت خَرُو بالا و پایین وجود دارد در بخش قدمگاه. قدمای جغرافیاتویسان همیشه خرو را به نیشابور اضافه می کرده اند و می نوشته اند خرو نیشابور، تا با خَرُو دیگری که در دامنه هزارمسجد وجود دارد اشتباه نشود و آن را خَرُو جَبَلی یا خَرُو الجَبَل می خوانده اند. *معجم البلدان* ۳۶۲/۲ و *مشیخه سمعانی* ۲۲۷b و ۲۲۸a و *التحیر* ۲/۲۱۹ و *Le strange* P. 394 و فرهنگ جغرافیائی ۱۴۸/۹ و نیز *تعلیقات اسرار التوحید* ۷۴۲/۲.

[۶/۲۷۴۸] و عطی رود: تردیدی ندارم که «وعطی» بجای «وادی» شنیده و کتابت شده است. شواهد بیشماری در دست است که تنها نسخه موجود از این کتاب که اساس این چاپ قرار دارد، بوسیله کسی کتابت شده که بر او املا می کرده اند و او از راه گوش کلمات را می شنیده و

کتابت می‌کرده است (مقدمه مصحح درین باره دیده شود) بنابراین، در اینجا که باید از چهار وادی سخن گفته شود، سه وادی را که عبارتند از وادی شامات، وادی بشفروش، وادی دیزباد درست شنیده ولی اولین را و عطفی شنیده و کتابت کرده است. اتفاقاً در لهجه نیشابور کلماتی از نوع وادی خودبه خود وِدی تلفظ می‌شوند مثل: عادی / عَدی. بنابراین وادی را که وِدی تلفظ می‌شود و عطفی نوشته است. «و عطفی رود» همان «وادی دَرُود» است که رودخانه پُرابی است به همین نام.

[۶/۲۷۴۸] وادی شامات: رَبع شامات ۱/۲۷۵۱.

[۶/۲۷۴۸] وادی بشفروش: رَبع بشفروش ۱/۲۷۵۳.

[۶/۲۷۴۸] وادی دیزباد: دیزباد شماره ۵/۲۷۴۷.

[۱/۲۷۴۹] ارباع نیشابور: جمع رَبع است و رَبع در اینجا بمعنی محله است، علی بن زید بیهقی

در توضیحی که در باب رَبع‌های بیهق — که دوازده ربع در محدوده خودش دارد — می‌گوید:

مراد آن است که در کتاب مجمل اللغة این فارس بیارد که الربع محله القوم. پس هر کجا که

قومی آنجا به یکدیگر جمع شوند و بنا و عمارت سازند آن را ربع خوانند. اما در عجم هر چه

منزلگاه خلق بُود بر یک سمت آن را محله خوانند آنچه در صحرا و کوه بُود آن را ربع خوانند.

تاریخ بیهق، ۳۵ ربع‌های نیشابور نیز در جهت صحرا و کوه از مرکز شهر (مسجد جامع) به

چهار طرف کشیده می‌شده است. مقدسی در باب تقسیمات جغرافیائی نیشابور بزرگ

می‌گوید: قصبه (= شهر اصلی و مرکزی) آن ایرانشهر (صحیح: اَبْرَشهر) است و چهارخان (=

رَبع)‌ها و دوازده رستاق (ولایت در تعبیر متن ما) و سه خزینه و یک قصر و یک دار (سرای)

دارد: خان (ربع)‌ها عبارتند از: شامات، ریوند، مازل و بشفروش. رستاق‌ها عبارتند از: پشت،

بیهق، کویان (= جوین)، جاجرم، اسفراین، استوا، اسفند، جام، باخرز، خواف، زواه و رخ. و

دار عبارت است از زوزن و قصر عبارت است از بوزجان و خزینه‌ها عبارتند از طوس و نسا و

ایبورد. احسن التقاسیم، لیدن، ۳۰۰ در حدود العالم نیز از ربع‌های چهارگانه نیشابور به عنوان

خان یاد شده است، حدود العالم، چاپ دکتر ستوده، ۸۹.

[۱/۲۷۵۰] رَبع ریوند: سمعانی حدود ربع ریوند را بدین‌گون مشخص می‌کند: مجموعه‌ای است

از قریه‌ها و چنین می‌پندارم که افزون از پانصد قریه است و شاید هم بیشتر که از حدود

مسجد جامع آغاز می‌شود تا احمدآباد که آغاز حدود بیهق است و چنانکه برآورد کرده‌اند

حدود سیزده فرسنگ است و پهنای آن از حدود طوس است تا حدود بُست و پانزده فرسنگ

است الانساب، b ۲۶۵ و a ۲۶۶ و مقدسی درباره ربع ریوند گوید: ربعی ست پاکیزه و والا با

تاکستان‌های بسیار و انگورهای نیکو و میوه‌های خوب و در آنجا گلابی بی است که همانند آن دیده نشده‌ست، شهری نزه در آنجاست به نام ریوند که نهری از آن می‌گذرد و در آن مسجد جامعی است که از آجر آن را تجدید بنا کرده‌اند. احسن التقاسیم، ۲۴۸.

[۱/۲۷۵۰] مزرعه احمدآباد: احتمالاً همان «احمدآباد منزل» است که مرز بیهق و ربیع ریوند را

تشکیل داده است تاریخ بیهق، ۳۵ و ۳۷ و نیز تعلیقات استاد بهمنیار بر همان کتاب، ۳۲۶.

[۱۰/۲۷۵۰] محمد و غطریف و مسیب: علی بن زید در ذکر بزرگانی که از ناحیت بیهق

برخاسته‌اند می‌گوید: از کاریز محمد، از ربیع ریوند، غطریف و محمد و مسیب برخاستند،

پادشاهان ماوراءالنهر که سیم غطریفی و مسیبی بدیشان بازخوانند تاریخ بیهق، ۲۵۶ و

سمعانی در الانساب، در نسبت غطریفی می‌گوید: غطریفی که در ماوراءالنهر وجود دارد و

عوام آن را عذرفی [در اللباب: عذرفی] خوانند منسوب است به غطریف بن عطاء الکنندی و

در ادامه گفتار می‌گوید: در هم غطریفی که در بخارا و ماوراءالنهر وجود دارد منسوب است به

غطریف بن عطاء الکنندی زیرا وی هنگامی که بعنوان امیر خراسان در سال ۱۷۱ در خلافت

رشید، آمد، اهل بخارا از او درخواستند تا درهمی از برای ایشان ضرب کند که بجای دیگر آن

را نبرند و جز در آن ولایت رواج نداشته باشد پس او درهمی ضرب کرد از مجموعه‌ای

جواهر که چون آن را بگدازند (اصل: اذا سبیل و ظ: شبک) چیزی از آن به حاصل نیاید. پس

او طلا و نقره و آهن و سرب و مس را با مشک درآمیخت و از آن درهمی ضرب کردند.

بنابراین غطریفی منسوب به غطریف بن عطاء است. الانساب، a ۴۱۰ و نیز اللباب، ۱۷۵/۲

سمعانی در جای دیگر از کتاب خویش از دراهم محمدیه و مسیبیه که منسوب به آن دو برادر

دیگر است نیز یاد کرده است الانساب a ۲۶۶ و نیز تاریخ بخارا، ۵۱ و تعلیقات استاد مدرس

رضوی، صفحات ۲۳۱ و ۹۹ و تعلیقات صفحه ۲۸۵ و ترجمه مسالک و ممالک، ۲۴۵.

[۱/۲۷۵۱] ربیع شامات: سمعانی که با احتمال قوی در بحث از ربیع شامات متکی به کتاب تاریخ

نیشابور ابو عبدالله الحاکم بوده است می‌گوید: شامات یکی از ربیع‌های نیشابور است که از

مسجد جامع تا حدود بُست راه، بدرازا، دست‌کم شانزده فرسنگ، و از حدود بیهق تا حدود

رخ راه، به پهنای، دست‌کم چهارده فرسنگ، شامل است و بیش از سیصد قریه دارد. الانساب، a

۳۲۷ و مقدسی در مورد ربیع شامات می‌گوید: ربیع است فراخ با قریه‌های نیکو و

کشتزارهای بسیار و آن را «تک‌آب» می‌نامند یعنی آنچه آب بدانجا کشیده می‌شود، زیرا

پست‌ترین رستاق‌هاست... در آنجا شهری نیست و نیز میوه بسیار ندارد، بیشتر مزرعه‌هاست.

[۱/۲۷۵۲] رُبْعِ مَازَلٍ: مقدسی دربارهٔ ربع مازل می‌گوید: ربعی نفیس است و قرای عجیبی دارد و از آن ریباس نیکو خیزد و در آن قریه‌ای است به نام بشتقان که عمرو لیث آهنگ خریدن یک محله از چهار محله آن داشت، که سراها در وسط بستانهاست و آب از میان آنها می‌گذرد، بیت‌المال او برای خریدن آن کفایت نکرد، حال آنکه وقتی وارد نیشابور شده بود با خود هزار حمل بار داشت. احسن التقاسیم، ۲۴۸.

[۲/۲۷۵۲] متصل بحل است: مسلماً این کلمه‌ای است که در موارد دیگر به صورت خل / خول آمده مراجعه شود به شماره ۶/۲۷۲۲.

[۲/۲۷۵۲] فَرَحْک: از رهگذر شعری که ابونصر قشیری (متوفی ۵۱۴) سروده و نام این روستا را در آن بکار برده (انساب، سمعانی، چاپ حیدرآباد ۲/۲۴۱) می‌توان دانست که تلفظ آن به سکون خاء بوده است:

یا غرمة الأیك سلام علیک
سلام صبّ مستهام إلیک
ثلاثة لیس لها رباع
بشتقان و فرحک و ایک

همچنین در کتاب الشواهد و الامثال، مجموعه ابا صوفیا 4128 ورق ۱۱۳ در ضمن داستانی این نام را به صورت فَرَحْک مشکول کرده است ولی در یک مورد از کتاب السیاق تلخیص اول ۹۶a این کلمه به صورت فَرَحْک (به تشدید) ضبط و مشکول شده است.

[۲/۲۷۵۲] بوسنقان: اصل بوسبقان، که تصحیف بوشنقان (پوشنگان) است ۵/۲۷۴۸.

[۳/۲۷۵۲] باغ فرک: در نسخهٔ اصل فاصلهٔ «فر» و «ک» - در معیار کاتب این نسخه - زیاد است و نشان می‌دهد که فاصلهٔ میان «فر» و «ک» با حرف دیگری پر شده بوده است و به صورت کمرنگی هنوز قابل مشاهده است به این دلیل حدس می‌زنم باغ فرحک (۲/۲۷۵۲) باشد آیا همین «باغ فرحک» نیست که بعلت خوش آب و هوایی بسیار مشهورش اقامتگاه ابراهیم ینال، به هنگام ورود به نیشابور بوده و در تاریخ بیهقی به «باغ خرّمک» تصحیف شده است؟ تاریخ بیهقی، ۷۳۰ و ۷۳۱.

[۱/۲۷۵۳] رُبْعِ بُشْتَفْرُوش: یا قوت این کلمه را بُشْتَفْرُوش (به ضم اول و سکون دوم و فتح تاء و سکون نون و ضم فاء و راء و سکون واو) ضبط کرده و می‌گوید «بُشْتَفْرُوش (بدون نون) نیز خوانده می‌شود، کوره‌ای از اعمال نیشابور است که گشتاسب (بشتاسف) ملک آن را احداث کرده است و دارای صدویست و شش قریه است، بیهقی چنین گفته است. «معجم البلدان، ۴۲۶/۱ در قرون اخیر آن را پیش‌فروش تلفظ می‌کرده‌اند و قریه‌ای به این نام هنوز در آنجا باقی است سه سفرنامه، ۱۹۸ و سفرنامه خراسان و کرمان، ۵۰. استاد مولوی، نوشته است که

قسمتی از آن هم‌اکنون از اوقاف آستان‌قدس رضوی است و در مغرب آبادی قدمگاه، آثار باستانی خراسان، ۱۱۸/۱.

[۱/۲۷۵۵] ولایت بیهق: یاقوت مرز آن را فاصله قوس و جوین می‌داند و مشتمل بر سیصد و بیست و یک قریه. علی‌بن زید بیهقی قرای آن را به دوازده ربع تقسیم کرده و به تفصیل تمام آن‌ها را شناسانده است معجم‌البلدان، ۵۳۷/۱ و تاریخ بیهق ۳۹-۳۴.

[۱/۲۷۵۶] ولایت جوین: یاقوت حدود آن را از بسطام تا نیشابور تعیین می‌کند و می‌گوید حدود آن متصل است به بیهق در سمت قبله و به جاجرم در جهت شمال و قصبه آن آزادوار است معجم‌البلدان ۱۹۲/۲.

[۱/۲۷۵۷] ولایت اسفراین: یاقوت درباره اسفراین می‌گوید: شهرکی ست با بارو از نواحی نیشابور در نیمه‌راه گرگان معجم‌البلدان ۱۷۷/۱.

[۲/۲۷۵۷] آنجا را مهرجان نام نهاد: یاقوت نیز می‌گوید نام قدیم اسفراین مهرجان است و این نام را یکی از پادشاهان بر آن نهاده به دلیل سرسبزی و شادابی آن و مهرجان یکی از قرای آنجا نیز هست معجم‌البلدان ۱۷۷/۱.

[۶/۲۷۵۷] فرزند میزبان را به نکاح مهمانی کرد: طرز تعبیر مترجم یا مؤلف قابل تأمل است. طبری داستان قباد و مادر انوشروان را با تفصیل زیاد آورده و نام دختر را نینوندخت ضبط کرده است و می‌گوید: دختر یکی از اسواران بود. تاریخ طبری، چاپ اروپا، ۸۸۴ I نیز تاریخ یعقوبی، ۱۳۳/۱.

[۱۰/۲۷۵۷] انوشروان را نیشابوری گفتندی: ثعالبی در وصف اسفراین می‌گوید: از ویژگیهای آن برآمدن بزرگانی است از آنجا مانند انوشروان که پیامبر بدو افتخار کرد و گفت: «من بروزگار شهریار دادگر زاده شدم» و مسقط الرأس انوشروان در اسفراین مشهور است. یتیمه‌الدهر، ۵۰۴/۴.

[۱۲/۲۷۵۷] قریه فریمان: ظاهراً همان است که امروز فریمانه خوانده می‌شود، دهی از بخش جغتای سبزوار، سه سفرنامه، ۱۷۳ و فرهنگ جغرافیائی، ۲۸۵/۹.

[۱۲/۲۷۵۷] سلطان حمویه بن علی: درباره حمویه بن علی، اطلاعات پراکنده در متون تاریخی و جغرافیائی بسیار است، اما اینکه او خود را از تبار انوشروان می‌دانسته، نکته بسیار مهمی است بویژه که او دارای تمایلات شیعی نیز بوده و در گسترش و رشد دولت ایرانی تبار ساسانی نقش بسیار مهمی داشته است. شیخ صدوق از او به عنوان «صاحب جیش خراسان» یاد می‌کند و در متن ما نیز که معاصر صدوق است، از او به «سلطان» تعبیر می‌شود. ثعالبی در

شمار مفاخر اسفراین ازو به عنوان ابوجعفر حمویه بن علی یاد می‌کند که مایهٔ احیاء دولت آل سامان شد و چهل جنگ ایشان را، بگونه‌ای اداره کرد که حتی یک درفش آن بشکست بازگشت نکرد. ثعالبی از آثار عدلی او در نیشابور و اوقافی که بوجود آورده و آثار خیری که داشته یاد می‌کند. صاحب تاریخ بخارا ازو بعنوان «صاحب وجود خراسان» نام می‌برد. تقریباً یقینی است که خاندان بسیار معروف «حمویه» در خراسان که از میان ایشان رجال بسیاری در حوزهٔ ادب و عرفان و سیاست برخاسته‌اند، همه از منسوبان او و شاید هم از تبار اویند. در باب حمویه بن علی مراجعه شود به: عیون اخبار الرضا (ک)، ۲/۲۹۱ چاپ نجف، احسن التقاسیم، لیدن، ۳۰۰ الکامل، ابن اثیر، ۸/۸۰، ۸۷، ۱۱۹، ۱۲۰ و یتیمه الدهر، ۴/۵۰۴ و تاریخ بخارا ۱۳۰ و تاریخ گردیزی ۱۹۲، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۴۱ و در باب خاندان حمویه مراجعه شود به مشیخه خطی، شماره ۲۱۴۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و معجم شیوخ ابن عساکر، ۲۰۷ و ۱۸۹ و تاریخ بیهقی، ۳۳۲ و طبقات الشافعیه، ۴/۲۶۵ و تمهیدات، عین القضاة، ۲۵۸ و حالات و سخنان ابوسعید ۱۳۸، و اسرار التوحید ۲/۸-۶۹۷. و لباب الانساب، بیهقی ۶۲۲ که از مصاهرت خانواده او با نقباء علویان یاد می‌کند.

[۱/۲۷۵۸] ولایت خبوشان: خبوشان، خوجان، فوجان. به گفتهٔ ابوالفضل بیهقی و یاقوت، قصهٔ کورهٔ استوا، از ناحیهٔ نیشابور، خبوشان بوده است که عده‌ای از علما منسوب بدانجایند. مراجعه شود به معجم البلدان، ۳/۳۹۹ و تاریخ بیهقی ۸۰۴ و ۸۰۹. فوجان تلفظ مغولی کلمه است.

[۱/۲۷۵۸] و آن را استوا گفتندی: استوا یا آستو و استو، در لغت بمعنی آفتاب‌گیر است، مشتمل بر نود و سه قریه است که قصبه (= شهر اصلی) آن خبوشان است. حدود العالم (عکسی ضمیمهٔ چاپ کابل) ۱۱ a و اللباب، ۱/۵۲ و معجم البلدان ۱/۱۷۵ و مرصد الاطلاع ۱/۷۱ و نزهة القلوب، ۱۵۰.

[۱/۲۷۵۸] تا حد نسا: نسا یکی از شهرهای باستانی ایران بزرگ بوده است میان سرخس و مرو. از نسا اکنون جز ویرانه‌ای باقی نمانده است. معجم البلدان ۵/۲۸۲، الانساب ۵۵۹، حواشی بارتلدبر حدود العالم ۱۶۷، جغرافیای تاریخی، بارتلد ۱۱۹-۱۱۸.

[۱/۲۷۵۹] آرزغان: به گفتهٔ یاقوت کوره‌ای از نواحی نیشابور مشتمل بر هفتاد و یک قریه نام قصبهٔ آن را راوینر نوشته‌اند معجم البلدان ۱/۱۵۳ و ۳/۲۰.

[۱/۲۷۶۰] ولایت پُشت: که گاه به صورت پُست نیز آمده و منسوبین بدانجا را غالباً پُستی نوشته‌اند، کوره‌ای از نیشابور که قصبهٔ آن طُرُثِیث (ترشیز، بعدها: کاشمر) است. در باب این

نامگذاری بعضی گفته‌اند چون گشتاسب (بشتاسف) آن را بنا نهاد بدین نام خوانده شد و بعضی گفته‌اند چون این ناحیه به منزله پُشت (= ظَهْر) برای نیشابور بحساب می‌آید پشت خوانده شده است. معجم البلدان ۴۲۵/۱ و السیاق، تلخیص دوم ۱۱ b و ثمار القلوب، ثعالبی، ۵۹۰ و شاهنامه، چاپ مسکو، ۳۴۶/۹ و تعلیقات اسرار التوحید، ۲/۵-۷۳۴.

[۲/۲۷۶۰] و آن را عربستان خراسان گفتندی: بعَلَّتْ کثرت حضور قبایل عرب در این ناحیه و نیز بعَلَّتْ اشتهار ادیبان عربی سُرایِ آنجا، ناحیه پُشت را عربستان می‌خوانده‌اند و این نکته را از تعبیرات سمعانی و ابن اثیر و دیگران هم می‌توان دریافت اللباب، ۱/۴۲۵ الانساب، ۸۲ a [۳/۲۷۶۰] خازرُج: یا خار زَنگُ قریه‌ای در ناحیه پُشت نیشابور که عده بسیار زیادی از دانشمندان و ادیبان از آنجا برخاسته‌اند اللباب ۱/۳۳۵ و الانساب، ۱۸۴ a.

[۳/۲۷۶۰] کُنْدُر که با قَهْدِز بنا کرده‌اند: کُنْدُر را از اعمالِ طریث (کاشمر امروز) نوشته‌اند اصطخری فاصله کُنْدُر تا ترشیز را یک روز راه می‌داند و فاصله کُنْدُر تا گنابد (ینابد) را دو روز. معجم البلدان ۴۸۳/۴ اللباب ۵۵/۳ و الانساب، ۴۸۸ b، ترجمه مسالک و ممالک، ۲۲۳.

[۱/۲۷۶۱] ولایت رُخ: یاقوت از آن به عنوان یکی از رُج‌های نیشابور یاد می‌کند و در عِلَّتِ این نامگذاری، از ابوالحسن بیهقی، نقل می‌کند که چون خاکی این ناحیه سخت است و سرخ، آن را رُخ خوانده‌اند. کوره رُخ به گفته یاقوت صدوشش قریه بوده است و قصبه آن بیشک. معجم البلدان ۳۸/۳ اللباب، ۱/۴۶۳ الانساب ۲۵۰ b جُلکة رُخ هم‌اکنون به همین نام باقی است و کدکن مرکز آن است. با اینکه در عصر حافظ ابرو، ظاهراً، بلوک بُرس و کدکن خود در عرض رُخ قرار داشته‌است. بخش جغرافیای خراسان ۵۹ و نیز جغرافیای تاریخی ولایت زاوه، ۲۲۷-۲۰۷.

[۱/۲۷۶۲] ولایت زُوژن: زوزن ناحیه و نام شهر بزرگی میان هرات و نیشابور بوده است. از شهر زوزن آثار هیزی هنوز باقی است از جمله مسجدی بسیار کهن احتمالاً از قرن ششم. عده بسیار زیادی از شاعران و ادیبان عربی سُرایِ خراسان، ازین ناحیه برخاسته‌اند به همین دلیل آن را بَصْرَة صغیر می‌خوانده‌اند. یاقوت شماره قرای آنجا را صد و بیست و چهار می‌داند و از آتشگاهی در آن ناحیه خبر می‌دهد که عِلَّتِ نامگذاری زوزن نیز بدان وابسته است. معجم البلدان ۱۵۸/۳ و اللباب ۵۱۲/۱ و الانساب ۲۸۱ a.

[۱/۲۷۶۳] ولایت خواف: خاف تلفظ می‌شود. یاقوت به عنوان قصبه‌ای بزرگ از اعمال نیشابور از آن یاد می‌کند و می‌گوید از یک سوی به پوشنگ هرات پیوسته است و از سوی دیگر به زوزن و شامل صد قریه است و سه شهر. نام شهرها را سنجان و سیراوند و خرجرد ضبط کرده است. معجم البلدان ۳۹۹/۲ و اللباب ۳۹۲/۱.

[۱/۲۷۶۳] سلومند: امروز سلامه و سلامی خوانده می‌شود و از روستاهای آباد ناحیه خواف است. کوشکی قدیمی، حدود نیم‌قرن قبل از این، در آنجا از زیر خاک بیرون آوردند که به همت مالک آن مرحوم قریشی بازسازی و تکمیل شد. از اینکه مؤلف ما، در هزار سال قبل، از قهندز آنجا یاد می‌کند می‌توان حدس زد که شاید این کوشک یافت شده بقایایی از همان قهندز را نیز در خود داشته است. مراجعه شود به جغرافیای تاریخی ولایت زاوه، صفحات ۳۷۳-۳۷۹ دولتشاه، محمد مظفر، سلطان مقتدر فارس را، از مردم سلومند معرفی می‌کند، تذکره دولتشاه، ۱۹۲.

[۲/۲۷۶۳] هفت دیه که با قهندز بنا کرده‌اند: غیر از سلومند و کُنْدَر که مؤلف بدانها تصریح دارد، از نوشته سمعانی می‌توان استنباط کرد که یکی دیگر ازین هفت قریه که دارای قهندز بوده‌اند، قریه فرهادجرد از ناحیه اَسْفند است شماره ۱/۲۷۶۴ عین عبارت سمعانی چنین است: «[فرهادجرد] وهی من القرى السبع القديمة التي كانت مع القاهندز» الانساب ۴۲۸ B.

[۲/۲۷۶۳] و ابوقابوس از سلومند خواف [بود]: علی بن زید بیهقی می‌گوید: «ابو قابوس ملک الشام و الروم از دیه سلومند بود از ناحیه خواف». تاریخ بیهقی، ۲۶۴.

[۱/۲۷۶۴] ولایت ازقند: مترجم کتاب، با سجعی که در شماره ۱۵/۲۷۲۶ بوجود آورده و می‌گوید: «به ملاحظه و مکالمه اَحلی ازقند به مرغز [ار] ازغند بُرد» هرگونه احتمال دیگری را در قرائت این نام از ما گرفته است، یعنی یقینی است که او، در قرن هشتم، این کلمه را [ازقند / ازغند] می‌خوانده است، ولی با احتمال قوی، خطا می‌کرده است زیرا این کلمه باید ازقند باشد که تغییرشکل یافته اَسْفند / اَسْبند / اَسْفند است که یکی از ولایت‌ها و به تعبیر مقدسی یکی از رستاق‌های دوازده گانه نیشابور بوده است و بنا به گفته یاقوت: کوره بزرگی است از نواحی نیشابور که قصبه [= آبادی مهم و مرکزی] آن فرهادجرد است و مرز آن از مَرَج الفضاء (صحیح آن مَرَج الحُطباء است، دنباله بحث دیده شود) تا حدود زوزن و بوزجان است و هشتاد و سه قریه دارد. یاقوت تصریح دارد که عبدالله بن عامر لشکر خویش را در همین اَسْفند یا اَسْفند فرود آورد و چون سرما بریشان فشار آورد به نیشابور بازگشتند. بنابراین کلمه مورد نظر مؤلف ما چیزی است در حدود اَسْفند / اَزْقند و از آنجا که تبدیل [ف / ق] در اواسط کلمات ظاهراً دیده نشده است باید قرائت مترجم را غلط تلقی کنیم و بگوئیم صورت درست کلمه [اَزْقند / اَسْفند / اَسْبند] است. درباره این رستاق یا ولایت مراجعه شود به احسن التقاسیم، لیدن، ۳۰۰ معجم البلدان، ۱۹۸/۱ ولی یک نکته را نباید فراموش کرد که هم‌اکنون در نزدیکی تربت حیدریه، از ولایت زاوه نیشابور کهن، روستایی

بنام ازغند وجود دارد که نام آن در متون قرن دهم نیز آمده است. شاید مترجم ما نام این روستا را در ذهن داشته و ازفند / اسفند را ازغند قرائت کرده است. در باب روستای ازغند، که هیچ ربطی به کلمه مورد بحث ما ندارد، مراجعه شود به روضة الریاحین، ۶۱-۶۰، و جغرافیای تاریخی ولایت زاوه، ۹۴-۲۹۱ و در باب مرج الفضاء که صحیح آن مَرَجُ الخُطباء است، مراجعه شود به معجم البلدان، ۱۰۰/۵.

[۱/۲۷۶۵] ولایت جام و باخرز: جام یا زام، در تلفظ عربی آن، یکی از کوره‌های مشهور نیشابور که قصبه آن بوزجان بوده است. یاقوت علت تسمیه جام را این می‌داند که منطقه شبیه است به جامی از شیشه. و می‌گوید مشتمل بر یکصد و هشتاد قریه است. یاقوت توضیح داده است که سمعانی زام / جام را به دو ناحیه تقسیم کرده است؛ زام و باخرز ولی بعد می‌گوید حق این است که باخرز خود مستقل است و ربطی به جام ندارد. معجم البلدان، ۱۲۷/۳، اللباب، ۲۰۵/۱ و الانساب ۲۶۷۵.

[۱/۲۷۶۶] ولایت جاجرم: سرزمینی میان نیشابور و جوین و گرگان، شامل بسیاری قریه‌ها و شهری زیبا به همین نام (جاجرم) که جمعی از دانشمندان منسوب بدانجایند. معجم البلدان، ۹۲/۲ و اللباب ۲۰۱/۱.

[۱/۲۷۶۷] آتشکده‌ای که مسجد شد: قهندز نیشابور که این آتشکده مسجد شده، در آن بنا شده بوده است تا عهد ارسلان ارغون (متوفی ۴۹۰) هنوز باقی بوده است و قهندز بر دست ارسلان ارغون خراب شده است. ثم خَرَّبَ الملک ارسلان ارغون سور مرو و قلعة سرخس و قهندز نیشابور. فَخَرَّبَ کُلَّ حِصْنِ کَانَ فِی خراسان. اخبارالدولة السلجوقیة ۸۶ و همین مسجد بوده است که خلیفه سوم مسلمانان عثمان، جامه‌هایی برای آن فرستاده بوده است که تا تاریخ ۳۵۵ (سال تألیف کتاب البدء والتاریخ) هنوز بخشهایی از آن جامه‌ها بجا بوده است. آفرینش و تاریخ ۸۶۸/۲.

[۳/۲۷۷۰] هیچ نجار ندید: شاید هیچ جای ندیدند.

[۶/۲۷۶۷] شهرین حوشب و حکومه: شماره‌های ۸۰ و ۹۵ دیده شود.

[۵/۲۷۷۱] مسجد روی بکوه: اطلاعی در باب آن بدست نیاوردم.

[۶/۲۷۷۱] مسجد باب معمر: ظاهراً در مجاورت مقبره باب معمر بوده است به شماره ۱/۲۷۷۹

مراجعه شود. باب (۱)

[۶/۲۷۷۱] مسجد رجابن معاذبن مسلم: مقدسی، در گزارش آیین‌های ویژه‌ای که در نیشابور دیده است می‌گوید: «یکی از آنها مجلسی مظالم است که هر یک شنبه و چهارشنبه در حضرت

صاحب الجیش یا وزیر او برگزار می‌شود... و مجلس حکم هر دو شبه و پنج‌شنبه در مسجد رجاء تشکیل می‌شود و در اسلام همانندی ندارد. «احسن التقاسیم، لیدن، ۳۲۸.

[۸/۲۷۷۱] مسجد سمرالعار: آیا با سوانقادر، سوارکاریز ۱۶/۲۷۱۷ ربطی دارد؟

[۸/۲۷۷۱] مسجد که مصلی جنیان گفتندی: جای دیگر در باب آن اطلاعی بدست نیامد.

[۸/۲۷۷۱] مسجد امام یحیی: منسوب است به یحیی بن محمد بن یحیی دُهلّی که محله و مسجدش بسیار معروف بوده است، شماره ۷۸۶ و تعلیقات آن دیده شود.

[۹/۲۷۷۱] مسجد ابن حرب: منسوب است به احمد بن حرب شماره ۲۵۹ دیده شود.

[۹/۲۷۷۱] مسجد ایوب بن الحسن: این مسجد که منسوب است به ایوب بن الحسن الزاهد، شماره ۲۹۵ متن حاضر، در محله نصرآباد بوده و از مساجد بسیار معروف. مراجعه شود نیز به نصرآباد.

[۹/۲۷۷۱] مسجد حَمَش: گویا منسوب است به حمش نیشابوری، یعنی ابراهیم بن محمد بن عبدالله سلمی، شماره ۲۲۲.

[۳/۲۷۷۲] میدان هانی: ظاهراً منسوب است به هانی بن قنبر که خاندان بسیار معروف سلیطی نیشابور بدو منسوب‌اند. در قرن ششم چنین مشهور بوده است که قبر قنبر در نیشابور است، در محلی که به نام مسجد هانی مشهور بوده و هانی از فرزندان قنبر بوده است، بسیار طبیعی است که میدان هانی در جوار همین مسجد بوده باشد. تاریخ بیهقی، ۲۵.

[۳/۲۷۷۲] میدان حسین بن معاذ: بعنوان میدان الحسین شهرت داشته و یکی از مراکز اصلی شهر بوده است: «و سرای امارت در جایگاهی است که آن را میدان حسین خوانند» ترجمه مسالک و ممالک، ۲۰۴ و در متن اصطخری میدان الحسین آمده که ظاهراً غلط است و در نسخه بدل‌های آن، میدان الحسین است. مسالک الممالک چاپ لیدن، ۲۵۴ در کتاب عیون اخبار الرضا، ۲/۲۹۱ از چاپ نجف می‌گوید: حمویه، صاحب جیش خراسان، روزی در نیشابور در میدان حسین بن یزید (کذا) ایستاده بود تا سالاران لشکر خویش را که همراه بودند، در باب عقیل، سان ببینند» ازین تعبیر دانسته می‌شود که باب عقیل پیوسته میدان حسین بوده است. ضمناً در متن عیون اخبار الرضا «باب عقیل» باید به «باب عقیل» اصلاح شود. در چاپ غفاری نیز چنین است. تردیدی باقی نمی‌ماند که «حسین بن یزید» در عیون اخبار الرضا غلط کاتب است و همان حسین بن معاذ درست است که دیگر متون تاریخی و جغرافیائی آن را تأیید می‌کنند.

[۴/۲۷۷۲] میدان زیاد: چنانکه مؤلف تصریح دارد، شماره ۲۹۷، این میدان منسوب است به

زیادبن عبدالرحمن، که شرح حال او درین کتاب ۳۹۷ آمده است و نیز در اغلب کتب رجالی از قبیل تاریخ الاسلام ذهبی، ۲۷۶ (۲۴۰ - ۲۵۰)

[۲/۲۷۷۴] سرحلاب: چنین است در اصل، بدون نقطه، آنچه مسلم است این است که این محله متصل به حیره بوده است.

[۲/۲۷۷۴] همام بن زیدبن وابصه: در اصل: وابصه بود، اصلاح از تاریخ بیهقی، ۲۵ که می‌گوید: «از صحابه رسول (ص) بود و در دیه ایزی نشستی و با وی کاسه مصطفی بود.»

[۴/۲۷۷۴] روضه شیخ ابی حفص: ۲۴/۲۷۹۶

[۴/۲۷۷۴] روضه ابی عثمان: ۲۸۹۱

[۴/۲۷۷۴] شیخ ابو جعفر مدنی: ۲/۲۷۹۳

[۱/۲۷۷۵] سلطان علوی شهید: منظور همان امامزاده محروق است که هم‌اکنون زیارتگاه مشهوری است در نیشابور و نام و نشان بنابر نوشته متن ما چنین است: محمدبن محمدبن علی بن الحسین بن علی (ع).

[۱/۲۷۷۶] مقبره سرمیدان: در السیاق، شماره ۱۳۵۲، چاپ آقای محمودی، بعنوان مقبره رأس المیدان از آن یاد شده و گور علی بن محمد نصرآبادی را در آنجا یاد می‌کند.

[۱/۲۷۷۷] مقبره شاهنبر: محله‌ای بوده است در قسمت بالای نیشابور کهن. علت این تسمیه را سمعانی و به تبع او ابن اثیر و دیگران این دانسته‌اند که چون در صدر اسلام، وقتی مسلمانان وارد خراسان شدند، در این محل بسیاری ازیشان شهید شدند آنجا را «شهید انبار» گفتند و بعد «شاهنبر» شد. یاقوت آن را «شاه هنبر» ضبط کرده است. عطار نیز، در شرح حال عبدالله منازل، که به تصریح الحاکم در متن ما، در مقبره شاهنبر مدفون است، می‌گوید: «و خاک او در شهید انبار است» (نیکلسون این کلمه را مشهد انبار خوانده و به تبع او آقای دکتر استعلامی نیز) در یکی از نسخه‌های چاپ نیکلسون (نسخه L) مشهد دانیال بوده است. آقای دکتر استعلامی در تعلیقات خود بر تذکره، ذیل «انبار» نوشته‌اند: «گویا از محله‌های قدیم در نیشابور بوده است در مأخذ جغرافیایی قدیم خراسان نام آن دیده نشد.» نکته قابل یادآوری در متن ما، این است که خلیفه نیشابوری، با همه تصریح الحاکم (شماره ۱۴۶۱) گور عبدالله منازل را در مقبره «فزه» نوشته است شماره ۲۷۷۸ و ظاهراً بعلمت قرب جوار این دو گورستان بوده است. الانساب، ۳۲۸ b و اللباب، ۹/۲ و معجم البلدان، ۳/۳۱۶ و تذکره الاولیاء، چاپ نیکلسون، ۱۰۹/۱ و P. 79 و چاپ دکتر استعلامی، ۵۴۲ و ۸۶۸.

[۱/۲۷۷۸] مقبره محله فزه: شماره ۱۱/۲۷۷۲.

[۱/۲۷۷۹] مقبره باب معمر: یکی از گورستانهای بزرگ نیشابور که عده زیادی از علما در آنجا مدفوناند، علاوه بر کسانی که در این کتاب نامشان آمده، مراجعه شود به السیاق، چاپ آقای محمودی، شماره‌های ۱۶۶، ۱۸۴، ۲۴۵ و معجم‌الادباء، شماره ۲۴۳ در تلخیص دوم السیاق ۶۳۸ این کلمه به صورت باب معمر (با تشدید) مشکول شده است. ظاهراً در مجاورت همین گورستان، یعنی در محله باب معمر، بازاری نیز به همین نام بعنوان «سوق باب معمر» وجود داشته که معاملات در آنجا انجام می‌شده است لباب الانساب، بیهقی، ۴۹۹/۲.

[۱/۲۷۸۰] مقبره حسین بن معاذ: یا مقبره حسین، یکی از گورخانه‌های مشهور نیشابور بوده است که بسیاری از بزرگان در آنجا مدفون بوده‌اند از جمله ابوبکر صوفی شماره ۲۳۵۰ و یحیی بن یحیی و ابوالعباس سراج مراجعه شود به السیاق، شماره‌های ۷۶، ۹۵.

[۱/۲۷۸۱] مقبره امیر عبدالله بن طاهر: گورستان سادات ۶/۲۷۸۹.

[۲/۲۷۸۱] حظیره اهل البیت: ظاهراً همان دارالعلویّه است که در محله ملقباد قرار داشته است، السیاق تلخیص اول، ۴۸.

[۱/۲۷۸۲] مقبره جلاباد: جلاباد شماره ۸/۲۷۲۲.

[۳/۲۷۸۲] ابوزکریا عنبری: شماره ۲۵۸۳.

[۱/۲۷۸۳] زلزله ششصد و شصت و شش: ۳/۲۷۱۸ دیده شود.

[۲/۲۷۸۴] سید صدرالدین الحینی: بدون تردید همان کسی است که عوفی ازو بعنوان: «الصدر الاجل صدرالملة والدين ملك السادات النيشابوري رحمة الله عليه» یاد می‌کند و می‌گوید: «سید اجل صدرالدین، از معارف سادات و صدور کبار و فضیله روزگار بود. صاحب دیوان استیفای نیشابور بود و در فضل بغایتی که جملگی افاضل خراسان بتقدم او اعتراف می‌کردند.» از نامه امام فخر نیز همین مفاهیم کاملاً قابل استنباط است. عوفی نمونه‌هایی از شعر فارسی و عربی او را نقل کرده و می‌گوید: «در آخر عمر از شغل استیفا خواست و بمراد دل بنشست و از سر منصب برخاست» عوفی از تألیفات او کتابی در تاریخ خوارزمشاهی یاد می‌کند لباب‌الالباب، ۶-۱۲۵.

[۳/۲۷۸۶] زلزله سال هشتصد و هشت: در باب این زلزله‌ها به شماره ۳/۲۷۱۸ مراجعه شود و در باب روایت دیگر رباعی منقول در ۲۷۸۶ مراجعه شود به تذکره دولتشاه، ۱۴۰ که بدین‌گونه آن را نقل کرده است:

الدر سه زمان سه زلزله نازل گشت	بُد پانصد و اند آنکه شد شهر چو دشت
وان زلزله بار دوم ششصدوسی	و آن زلزله بار سیوم هشتصدوهشت

[۳/۲۷۸۷] إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا يَمُوتُونَ...: برای صورتهای گوناگون این سخن که بعنوان حدیث شهرت دارد، ولی گویا اصل آن از اقوال مشایخ صوفیه است مراجعه شود به تعلیقات حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، ۱۲۵.

[۴/۲۷۸۷] كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ: برای صورتهای دیگر و تکمیل آن که «فإنها تترقُّ القلب و تدمع العين و تذكر الآخرة و لا تقولوا هجراً»، مراجعه شود به کنز العمال، ۶۴۶/۱۵ و در تحفة الأحباب و بُقْيَةُ الطُّلاب، سخاوی، آورده که: پیامبر به زیارت گور مادر خویش و گور عثمان بن مظعون آمد و آن را با سنگی مشخص کرد و گفت: «نهیتکم عن زیارة القبور ولكن زوروها» [۳/۲۷۸۸] احمد بن محمد بن حسن بن احمد المعروف بالخليفة: مراجعه شود به مقدمه مصحح.

[۱۳/۲۷۸۸] إِنَّ لَمْ يَذْرِكِ الْكُلُّ لَمْ يَذْرِكِ الْكُلُّ: به صورت ما لا يَذْرِكُ كُلَّهُ لَا يَذْرِكُ كُلَّهُ مشهور است و عجلونی می گوید: معنی فاتقوا الله ما استطعتم است و حدیث نیست كشف الغفا ۱۹۶/۲. [۳/۲۷۸۹] درباره ابوجعفر صوفی و احوال او و کشته شدنش در بند طاهریان و دفن او در مقبره عبدالله بن طاهر، مراجعه شود به لباب الانساب ۵۱۰/۲.

[۶/۲۷۸۹] گورستان سادات: ظاهراً همان حظيرة اهل البیت است. شماره ۲/۲۷۸۱ و شاید بالدار العلوية که در السياق تلخیص اول، ۴۵ آمده است نیز یکی باشد و آن در محله ملقباد بوده است.

[۲/۲۷۹۰] همام بن زید بن ابصه: شماره ۳۰، نام نیای او در اصل: ابصه بود، اصلاح از تاریخ بیهق، ۲۵.

[۴/۲۷۹۱] ابوبکر فنار نیشابوری: تقریباً یقین دارم که تصحیف فزاه است و ابوبکر محمد بن احمد بن حمدون الفراء از کبار مشایخ نیشابور بوده است و از اصحاب ابوعلی ثقفی و عبدالله منازل و در سیصد و هفتاد درگذشته است، مراجعه شود به طبقات الصوفیه، سلمی، ۵۰۷ از آنجا که قراین بیشماری در دست است که نسخه اساس ما را بر کسی املا می کرده اند و او می نوشته، اینکه فراء را فنار بشتود بسیار طبیعی است، حتی در رسم الخط هم این دو کلمه بسیار بهم نزدیک اند. نیز هفت اقلیم ۲/۲۲۶ دیده شود.

[۲/۲۷۹۳] ابو حمزة مدینی: با احتمال بسیار زیاد تصحیف ابوجعفر مدینی است که حاکم درباره او می گوید: الحسن بن محمد بن جعفر المدني الزاهد، ابوجعفر المدفون بمقبرة مولقباد الذي يُزار و يُرجى الدعاء [۳۲۷].

[۷/۲۷۹۳] ابراهیم بن محمد بن سفیان: اصل شعبان بود به سفیان اصلاح شد ۸۵۱، ۲۷۷۷.

[۸/۲۷۹۳] الحسين بن الفضل البجلي: اصل الحسن / البجلي (بدون نقطه بود) اصلاح از ۳۴۱.

[۳/۲۷۹۴] امام احمد میدانى: به شماره ۱۳۳۵ مراجعه شود و به تعليقات همان شماره در بخش تعليقاتِ رجالى.

[۳/۲۷۹۴] شيخ على مؤذن: به گفته نورالدين اسفراينى، وى پير عبدالرحمن اكاف بوده است. كاشف الاسرار، ۴۱ و از تعبير نجم الدين رازى مى توان دانست كه وى نسبت به شيخ محمد كوف نيز سمت ارشاد و تقدم داشته است. مرصاد العباد، ۱۰۹.

[۳/۲۷۹۴] امام ابن فورك اصبهانى: ۲۳۳۰.

[۴/۲۷۹۴] امام الحرمین، ابوالمعالى: عبدالملك بن عبدالله بن يوسف جوينى (۴۱۷-۴۷۸)

بزرگترین چهره علمی خراسان در عصر خویش. درباره او منابع بیشمار است برای نمونه تبیین کذب المقترى، ۲۷۸ طبقات الشافعية ۱۵۳/۵ و فیات الاعیان، ۱۹۷/۳ و الانساب، ۱۵۴ب.

[۴/۲۷۹۴] امام على واحدى: ابوالحسن على بن احمد واحدى نیشابورى، از علمای شافعية و مؤلف «تفسیر» متوفى ۴۶۸ در باب او مراجعه شود به تلخیص سیر اعلام النبلاء، شماره ۴۲۶۸ و اسباب النزول، از تألیفات او.

[۴/۲۷۹۴] شيخ فریدالدین عطار: فریدالدین محمد بن ابراهیم عطار کدگنی نیشابورى متوفى ۶۲۷ در باب او مراجعه شود به شرح احوال عطار، از استاد بدیع الزمان فروزانفر و مقدمه مختارنامه، چاپ انتشارات توس، صفحات بیست و سه تا سی و چهار.

[۵/۲۷۹۴] شيخ مَهْمَدِ طَبَسِی: به همین صورت در نسخه اصلی آشکارا مشکول شده است و مُسَلِّماً ربطی به «محمد» ندارد. در باب هویت این بزرگ، به هیچ سندی دست نیافتم. یکبار دیگر نام او به صورت شيخ طَبَسِی آمده است که «مَهْمَد» را در [] قرار دادم.

[۵/۲۷۹۴] شيخ مجنون اولیا: ۲۸/۲۷۹۶.

[۵/۲۷۹۴] شيخ مجدالدین بغدادى: ۲۶/۲۷۹۶.

[۴/۲۷۹۵] جوانمرد معروف به ابوشحمة: شاید ابوشحمة تصحیف کلمه‌ای دیگر است. از

توضیح مؤلف دانسته می شود که وى علمدار رسول (ص) بوده است و از شهدای صدر اسلام، آنهم در نیشابور. چنین کسی را با این کنیه نیافتم. ابوشحمة کنیه عبدالرحمن بن عمر بن الخطاب است ولى او چنین مشخصاتی ندارد او همان پسری است که عمر او را جلد کرد، تاج العروس در ماده شحم دیده شود.

[۱/۲۷۹۶] جوانمرد بڑدباد: بڑدباد ظاهراً صورتی از بوژآباد است که دهی ست در رُبْعِ مازَل،

حومه نیشابور فرهنگ جغرافیایی، ۶۴/۹ و ظاهراً همان است که به صورت کوچآباد در شرح حال ابوحفص حداد، در طبقات الصوفیه، انصاری، ۱۱۳ (نسخه بدلها: کوچه آباد / سلمی)

آمده است و تبدیل [گ / و / ب] امری است شایع. انصاری می‌گوید «از دیه کوجاباد بر در نیشابور» به مناسبت آمدن نام این دو جوانمرد در اینجا، استاد فرای در مقدمه *The Histories of Nishapur*, P 12 می‌گوید: وجود نام «جوانمرد» (از جمله در a ۷۱) نشان می‌دهد که نهضت تصوف به گونه‌ای نیرومند، در نیشابور، از همان آغاز عصر اسلامی، سابقه دارد» درباره این نظر استاد فرای باید گفت: هیچ ارتباطی میان کلمه جوانمرد و تصوف وجود ندارد و اگر باشد ارتباط آن با فتوت است و نه با تصوف. دلیل اینکه این «جوانمرد»ها به تصوف ارتباطی نداشته‌اند همین که در قرن سوم و چهارم که نیشابور مرکز تصوف خراسان، بلکه به واسطه مکتب ملامت، مرکز تصوف عالم اسلامی بوده است، هیچ نامی ازین دو جوانمرد در احوال و اقوال مشایخ نیشابور دیده نمی‌شود.

[۲/۲۷۹۶] تربت یحیی معاذ: عطار نیز محل گور یحیی معاذ را گورستان معمر نوشته است تفکره الاولیاء، ۳۱۲/۲.

[۶/۲۷۹۶] تراباد: بقایای تپه‌های تراباد، به همین نام، هنوز باقی است و در قرن اخیر محل کاوشهای باستانشناسان بوده است. برای تفصیل وضع آن مراجعه شود به شهر فیروزه، ۹-۳۵۷ که عکسی نیز از آن تپه‌ها در آنجا هست.

[۸/۲۷۹۶] امام ابوبکر بن نورک: ۲۳۳۰ و تعلیقات آن.

[۱۲/۲۷۹۶] شیخ محمد قتال: محمد بن حسن قتال فارسی نیشابوری، متوفی ۵۰۸ از بزرگان علمای شیعه در نیشابور قرن پنجم و آغاز قرن ششم، مؤلف کتاب بسیار مشهور *روضه الواعظین* و کتابهای دیگر. در باب او مراجعه شود به فهرست، منتجب‌الدین، شماره‌های ۳۹۵ و ۵۱۱ از چاپ طباطبائی و محدث ارموی و *معالم العلماء* ابن شهر آشوب، شماره ۷۶۹ و تعلیقات استاد محدث ارموی بر کتاب *النقض* ۱۴۴ به بعد و نیز مقدمه خراسان بر *روضه الواعظین*، ۴-۱۶.

[۱۳/۲۷۹۶] شیخ عبدالرحمن کوف: احتمالاً تصحیف عبدالرحمن اکاف یا اکافی است که از جمله علمایی است که در ذی‌قعدة ۵۴۹ در فتنه غزان در نیشابور به شهادت رسید. چون ناصرالدین محمد کوف، در همین جا نامش آمده است، احتمال وجود یک عبدالرحمن کوف ضعیف می‌نماید ۱۳/۲۷۹۶ محمد کوف و اکافی از معاصران و دوستان و معاشران یکدیگر بوده‌اند. البته یک نفر احمد کوف جزء مریدان ضیاءالدین ابوبکر حاتمی یاد شده است و در همین قرن ششم و اوایل قرن هفتم بوده است. مقامات حاتمی a ۱۸۲، *التحجیر* ۱/۳۹۹ و تعلیقات اسرار التوحید، ۴۵۲/۲.

[۱۳/۲۷۹۶] شیخ ابو عبدالرحمن سلمی: در متن ما در چند مورد: عبدالرحمن که بسیار طبیعی است این گونه تغییر در نام او. سلمی بالاترین چهره تاریخ تصوف در عصر خویش بوده و به لحاظ اهمیت تألیفات در تاریخ تصوف بی نظیر یا کم نظیر است وی در نیشابور متولد شد و در همین شهر درگذشت (۳۲۵-۴۱۲) از آثار اوست طبقات الصوفیه و حقایق التفسیر. درباره او مراجعه شود به تلبیس ابلیس ۱۶۴ و مقدمه نورالدین شریبه بر طبقات الصوفیه او.

[۱۳/۲۷۹۶] ناصرالدین محمد کوف: درباره این شخص که از مشایخ گمنام تصوف خراسان در آستانه حمله مغول است، اطلاع در کتابهای مشهور و رایج مطلقاً وجود ندارد. مُنذری (۵۸۱-۶۵۶) سال وفات و دیگر مشخصات او را بدین گونه تعیین کرده است: «در سَلْخِ صَفْرِ سال [ششصد و ده] شیخ زاهد ابو عبدالله محمد بن مسعود بن حسن محتسب، معروف به کوف، در شادیاخ نیشابور درگذشت.» التکملة لوفیات النقلة، ۲/۲۶۹ مجدالدین بغدادی (مقتول در ۶۰۷ یا ۶۱۶) یک جا از شیخ محمد کوف بعنوان «شیخنا الصدیق» یاد می کند و می گوید که کوف مطلبی را از گفتگوی ابوطاهر عطاری (متولد ۴۸۴) و عبدالرحمن اکافی، برای مجدالدین بغدادی نقل کرده است. تحفة البررة، نسخه مجلس شورای ملی، ۳۸ b و جای دیگر از او بعنوان کسی که با بهره کم از علوم ظاهری، دارای مکاشفات غیبی بوده است، یاد می کند. همانجا، ۸۹ a. به تصریح مشیخه، خطی شماره ۲۱۴۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران صفحه ۳۱۵، خرقة رضی الدین علی لالا از ناصرالدین کوف (اصل: لواف) و او از عبدالرحمن اکاف و او از ابونصر قشیری بوده است. بنابر گفته صاحب مقامات حاتمی محمد کوف جانشین ضیاء الدین ابوبکر حاتمی و پدر او، ابوالعلاء سعدالدین حاتمی، در ناحیه رادکان طوس، بوده است. مقامات حاتمی، ۳۳، ۳۲. از تصریح نجم الدین رازی چنین دانسته می شود که کوف او آخر عمر شیخ علی موذن را درک کرده بوده است. مرصاد العباد، ۱۰۹.

[۱۵/۲۷۹۶] امام بیان الحق قاضی محمود: عوفی در شرح حال پسرش محمد بن محمود (همان مؤلف تفسیر بصائر یمینی) می گوید: «و تصانیف او در انواع علوم از اطراف جهان مشهور است.» و یاقوت در معجم الادباء از او به عنوان: محمود بن ابی الحسن بن الحسن النیسابوری الغزنوی یلقب ببیان الحق یاد می کند و از تشخص او در لغت و فقه سخن می گوید و چند تصنیف از او را نام می برد از جمله «جمل الغرائب» و ایجاز بیان فی معانی القرآن و نمونه ای از شعر عربی او را نیز می آورد. در باب سال وفات او، اطلاعی از اسناد قدیمی به دست نمی آید ولی از آنجا که پسرش محمد در سن پیری و شیخوخیت به پایمردی میان بهرامشاه و سنجر برخاسته است، به حدس، می توان گفت که پدرش از علمای نیمه دوم قرن پنجم و

احتمالاً اوایل قرن ششم بوده است. رجوع شود به لباب الالباب، ۲۳۳ و معجم الادباء، ۲۶۸۶/۶ و کشف الظنون، ۶۰۱/۱ و تفسیر بصائر یمنی، ۹۱ و یادداشت‌های قزوینی، ۳۶/۴. [۱۵/۲۷۹۶] **جمل الغرایب**: در اصل: **جمل العراب** (بدون نقطه) بود از یاقوت و حاج خلیفه، اصلاح شد. حاج خلیفه کتاب را خود در اختیار داشته و می‌گوید: **جمل الغرائب للقاضی بیان‌الحق... المتوفی سنة [جای سال وفات در کشف الظنون خالی است] جمع فیه غرایب الحدیث و رتب علی اربعة و عشرين کتاباً اوله الحمد لله الذی بحمده ابتداء کل کلام. کشف الظنون، ۶۰۱/۱ و اعظ بلخی که کتاب **جمل الغرایب** را در اختیار داشته، مطلبی از آن در تفسیر حدیث: «أَغْبُوا الْعِيَادَةَ وَأَرْبَعُوا» نقل کرده است که از رهگذر آن شیوه کار مؤلف را تا حدی نشان می‌دهد. فضایل بلخ، ۱۹۵.**

[۱۶/۲۷۹۶] **قبر مولای امیرالمؤمنین: علی بن زید بیهقی** می‌گوید: «قبر مولی و حاجب امیرالمؤمنین علی، مدتی در بیهق متوطن شد و اینجا تأهل ساخت و خاکش در نیشابور است، اینجا که مسجد هانی است. و هانی که آن مسجد به وی بازخوانند، از فرزندان قنبر است و هو هانی بن قنبر و من عقبه علی بن جمعة بن هانی. و سلطیان از فرزندان ایشان باشند، در نیشابور. و این بیتی معروف است. و قنبر را در سبزوار پسری آمد نام او شادان بن قنبر. مسجد شادان در سبزوار به وی نسبت کنند. حاکم ابو عبدالله الحافظ در جلد ششم از تاریخ [نیشابور] این را یاد کند. تاریخ بیهق، ۲۵ محققان، بودن قنبر را در نیشابور، مورد تردید، بلکه انکار قرار داده‌اند. مراجعه شود به تعلیقات استاد بهمنیار بر تاریخ بیهق، ۲۹۴.

[۱۷/۲۷۹۶] **فرت آباد**: ظاهراً همان است که جای دیگر به صورت فراتاباد (شماره ۲۷۱۷) آمده است. هم از لحاظ صورت و هم به لحاظ تغییرات حروف در زبان فارسی، می‌توان گفت که میان فرت آباد و فریاباد که در یک جای دیگر از کتاب السیاق، تلخیص دوم b ۱۰۰ آمده است رابطه‌ای هست و ظاهراً هر سه کلمه به یک صورت اصلی بازمی‌گردد (مقایسه شود: اسفندیار / اسفند دات) در همان کتاب یک جای دیگر، السیاق تلخیص دوم، b ۲۳ در شرح حال ابو الحسن الشجاعی می‌گوید: «او را نخست در بستانش در «فریاباد» (بدون نقطه) دفن کردند بعد به گورستان بالای میدان زیاد بن عبدالرحمن انتقال دادند. آقای محمودی، در چاپ خود ازین کتاب، چاپ قم شماره ۲۴۸ این کلمه را با تردید «قرناباد» قرائت کرده و در فهرست همان کتاب با تردید «فرت آباد» آورده است. ظاهراً صورت درست آن همان فریاباد است که شکل دیگری است از فرتاباد.

[۱۸/۲۷۹۶] **شیخ علی مؤذن**: ۳/۲۷۹۴.

[۱۹/۲۷۹۶] استاد ابوعلی دقاق: ابوعلی حسن بن علی بن محمد، معروف به استاد ابوعلی دقاق، مُراد و پدرزن استاد ابوالقاسم قشیری و از صوفیان بنام قرن چهارم. آراء و سخنان او بیشتر از طریق شاگرد و دامادش ابوالقاسم قشیری انتشار یافته است. درباره او مراجعه شود به السياق، تلخیص اول، ۴۴ a و تلخیص دوم ۵۳ b و طبقات الشافعیه، سبکی، ۳۲۹/۴ و کشف المحجوب، ۲۰۴ و تذکرة الاولیاء ۱۸۷/۲ و الشواهد و الامثال، ۲۵ a و معجم السفر، حافظ سلفی، شماره ۱۵۶ و تعلیقات اسرار التوحید، ۶۶۶/۲. نکته قابل یادآوری درباره خاکجای دقاق این است که خلیفه نیشابوری مزار دقاق و قشیری و جمعی دیگر را در حظیره ای می داند، در شهر قدیم، در قبله کهن دیز شماره ۱۹/۲۷۹۶ و عطار می گوید: «هر شب گاهی بر بام خانه شدی - آن خانه که اکنون در برابر تربت اوست و آن را بیت الفتوح گفتندی - چون بر بام شدی روی به آفتاب کردی...»، تذکرة الاولیاء ۱۹۸/۱ ازین تعبیر می توان دانست که آثار سرای دقاق تا عصر عطار هنوز باقی بوده است به نام بیت الفتوح.

[۱۹/۲۷۹۶] استاد ابوالقاسم قشیری: زین الاسلام استاد ابوالقاسم قشیری (۳۷۶-۴۶۵) یکی از برجسته ترین چهره های تصوف خراسان و از علمای بزرگ اسلام در قرن پنجم صاحب کتاب بسیار معروف الرسالة القشیریة و تفسیر لطایف الاشارات است و کتابهای دیگر. در باب او رجوع شود به ذمیه القصر ۱۹۴، السياق، تلخیص دوم، ۹۷ a و تبیین کذب المفتوی، ۲۷۱ و وفیات الایمان، ۲۰۵/۳ و مقدمه استاد فروزانفر بر ترجمه رساله قشیریة.

[۲۲/۲۷۹۶] شیخ محمد ماسی: قرائت کلمه مشکوک است. شاید: ماینی (= مایونی) و مایون و میون دره ای است میان کوه نیشابور و طوس و هم اکنون سه آبادی نزدیک به هم، به نام مایون پایین، مایون بالا و مایون درباغ وجود دارد. فرهنگ جغرافیایی ۳۷۹/۹ و تعلیقات اسرار التوحید، ۷۴۴/۲.

[۲۲/۲۷۹۶] امام جمال الاسلام: جمال الاسلام نیشابوری از علمای قرن هفتم و از استادان مستنصریه بغداد از علمای برجسته عصر در باب او مراجعه شود به الجواهر المضية چاپ ریاض، ۳۸۶/۱.

[۲۴/۲۷۹۶] ابو حفص حداد: عمرو بن سلمه معروف به ابو حفص حداد از مشایخ بزرگ تصوف و صاحب نظریه ملامت متوفی ۲۷۰ یا ۲۶۷ در باب او مراجعه شود به طبقات الصوفیه، سلمی ۱۱۵ و حلیة الاولیاء ۲۲۹/۱۰ و صفة الصفوة ۱۱۸/۴ و تعلیقات اسرار التوحید، ۶۵۳/۲. [۲۴/۲۷۹۶] ابوبکر صیدلانی: شماره های ۷۱۹، ۱۶۵۷، ۲۴۴۴ دیده شود.

[۲۴/۲۷۹۶] شارع اذک: منظور شارع و طریقی بوده است که بطرف اذک می رفته است و اذک جزء بلوک مازول بوده است بخش جغرافیای خراسان، حافظ ابرو ۵۷ و ظاهراً ایک هم تلفظ

می شده است و این بر طبق قوانین زبان‌شناسی بسیار طبیعی است که [د / ذ / ی] بهم بدل شوند. در شعری که ابونصر قشیری گفته بشتنقان و فرخک و ایک را در کنار هم آورده و در جغرافیای حافظ ابرو هم این سه در کنار هم معرفی می‌شوند برای شعر قشیری ۲/۲۷۵۲.

[۲۵/۲۷۹۶] غریب علمدار: منظور مزار همان علمدار حضرت مصطفی است که قبر او مشهور است ۵/۲۷۹۵ و ظاهراً کنیه او ابوشحمة بوده است و از شهدای صدر اسلام. حافظ ابرو، جزء بلوک مازول، از قریه علمدار یاد می‌کند که با همین نام، مرتبط است بخش جغرافیای خراسان، ۵۷.

[۲۶/۲۷۹۶] شیخ مجدالدین بغدادی: جامی نوشته است که «چون شیخ مجدالدین را در سنه سبع و ستمائه، و قیل سنه سته عشر و ستمائه شهید کردند، خاتون وی که از نیشابور بود، وی را به نیشابور نقل کرد و در سنه ثلاث و ثلاثین و ثمانمائه وی را به اسفراین نقل کرده‌اند» نفحات الانس، ۴۳۱ علاءالدوله سمنانی نیز به آوردن جسد مجدالدین به نیشابور و تدفین او در آنجا اشارت دارد تذکره المشایخ، چاپ دانش‌پژوه ۱۵۵.

[۲۸/۲۷۹۶] شیخ مهتمد طبسی: ۵/۲۷۹۴.

[۲۸/۲۷۹۶] تربت شاه شجاع: از عبارت سلمی چنین استنباط می‌شود که احتمالاً شاه بن شجاع در نیشابور مدفون است: «وزرة نیشابور فی زیارة ابی حفص و معه ابو عثمان الحیری و مات قبل الثلثمائة». طبقات الصوفیه، ۱۹۲ ولی در رساله کهن رساله التصوف، شماره ۴۲۵۱ کتابخانه ملک تهران، می‌گوید: «شاه بن شجاع... خراسانی الاصل نزیل السیرجان و بها قبره». رساله التصوف، ۶۰ b.

[۲/۲۷۹۸] ترخک زرکان: ظاهراً ترخک نام آبادی بوده است در بخش زرکان یا زیرکان که حافظ ابرو از بلوک زبرکان یاد می‌کند. بخش جغرافیای خراسان، ۵۷ یک احتمال هم وجود دارد که زرخان / زرکان، قریه‌ای باشد در نیشابور. عوفی از فخرالدین محمد زرخالی سرخسی مقیم نیشابور یاد کرده است و علامه قزوینی در برابر نسبت زرخالی در تعلیقات لباب الالباب، علامت استفهام نهاده است و استاد نفیسی یادآور شده است که «در هفت اقلیم، که اساس کار خود را درین مورد از عوفی گرفته، این نسبت زرخانی است.» چون قاعده نسبت‌های متعدد در قدیم چنین بوده است که به چندجا شخصی را منسوب می‌کرده‌اند پس زرخانی سرخسی یعنی اهل سرخس مقیم زرخان. لباب الالباب، ۱۸۳ و ۳-۶۳۲.

[۲/۲۷۹۸] ناپیدا است قبر ایشان: نشان می‌دهد که در عصر فراهم آمدن این ترجمه و تلخیص، قرن هشتم، دیگر هیچ‌گونه اثری از کرامیان باقی نمانده بوده است با اینکه حدود گورستان ایشان

مشخص بوده است، قبرهای ائمه هیاصمه (کرامیان) دیگر نامعلوم بوده است. شاید مشهد اسحاقیه که یکی از مقابر کرامیه نیشابور بوده است، السياق، شماره ۳۸۶، با این محل ترخک زرکان مرتبط بوده باشد.

[۳/۲۷۹۹] احمد بن المؤید الروقی: احتمالاً تصحیف نام دیگری است. یکی از بزرگان مشایخ صوفیه به نام ابراهیم بن احمد بن المولد الرقی است که بعید است در نیشابور مدفون باشد. طبقات الصوفیه، سلمی، ۴۱۰.

[۳/۲۷۹۹] اسحق بن منصور الکوسج: شماره ۲۳۸ و تعلیقات آن در بخش تعلیقات رجالی.
[۲۹/۲۷۹۶] از آنجا که «اولیا» غیر از معنی رایج آن عنوان ویژه مشایخ کرامیه و پیروان مذهب محمد بن کرام بوده است، احتمال آن هست که این شخص ازین فرقه باشد. جای دیگر نامش را ندیده‌ام. آنچه مسلم است این است که وی در شمار مجانین عقلاء مذکور در کتاب عقلاء المجانین، حسن بن حبیب نیشابوری (متوفی ۴۰۶) نیست. در مقامات حاتمی از یک تن به نام شیخ آجه مجنون، یا شیخ آجه بزرگ، در زنجیره عرقایی که مرید حاتمی (متوفی قبل از حمله مغول) بوده‌اند یاد شده است یعنی در شمار اقران کوف و مجدالدین بغدادی آجه مجنون رحمة الله علیه هم از ولایت شیخ بوده است و به حضرت شیخ اختصاص یافته و خرقه از دست شیخ پوشیده و ریاضات کشیده و هم در ولایت مقبور است و او را شیخ آجه بزرگ گویند، مقامات حاتمی، ۲۷.

[۲۹/۲۷۹۶] مقبره چل سر: در باب این گورستان نیشابور کهن، جای دیگر اطلاعی بدست نیامد.

[۱/۲۷۹۷] مقبره باب عرزه: باب عرزه، شماره ۱۵/۲۷۲۲.

[۴/۲۷۹۷] حمدون قصار: ابوصالح حمدون بن احمد بن عماره قصار نیشابوری (متوفی ۲۷۱) شیخ مذهب ملامت و مدفون در گورستان حیره نیشابور رک: طبقات الصوفیه، سلمی، ۲۹-۱۲۳ و حلیه الاولیاء، ۱۰/۲۳۱.

[۴/۲۷۹۷] ابوعلی ثقفی: شماره ۱۵۲۸.

[۴/۲۷۹۷] عبدالله مبارک: ابو عبدالرحمن عبدالله بن مبارک مروزی (۱۱۸-۱۸۱) از حفاظ حدیث و از زهاد قرن دوم در خراسان. وی در فقه تألیفاتی داشته و بنا بر اسناد موجود در غزو با رومیان در هیت (نزدیک فرات) در گذشته است. آیا جسد او را به خراسان آورده‌اند و در نیشابور دفن کرده‌اند؟ بسیار بعید است. مراجعه شود به تذکرة الحفاظ شماره ۱/۲۵۳ و حلیه الاولیاء، ۸/۱۶۲.

[۲/۲۷۹۸] ائمه هیاصمه: ائمه هیاصمه، عنوان کلی بزرگان مذهب محمد بن کرام (متوفی ۲۵۵)

است که در عصر غزنوی و آغاز سلاجقه یکی از مهمترین قدرتهای سیاسی و مذهبی بخشهایی از خراسان و بویژه نیشابور بوده‌اند. این تسمیه ظاهراً به این دلیل است که چندین نفر از بزرگان اینان هیصم نام داشته‌اند. و مسلماً در قرن ششم گورخانه ایشان، در نیشابور، بر جای بوده و حظیره مانندی بوده که در آن را می‌بسته‌اند و این نکته از بعضی اشارات در مقامات احمد جام ژنده‌پیل روشن می‌شود که: شیخ الاسلام [ژنده‌پیل] گفت:... که در نیشابور بودم تا روزی اتفاق افتاد که به زیارت استاد اسحق [یعنی اسحق بن محمشاد کزّامی] و امام احمد بجستانی [یعنی امام احمد میدانی، شماره ۱۳۳۵] رویم. چون به در گورخانه او رسیدیم، در بسته بود. گفتم: «دانشمند احمد! اگر زنده‌ای در بگشای!» در حال در گشاده شد. مقامات ژنده‌پیل، ۱۹۷ و این دو تن یعنی هم استاد اسحق و هم احمد بجستانی از سران فرقه کزّامیه بوده‌اند و ازین داستان بخشی از روابط معنوی احمد جام با بقایای کزّامیه نیز روشن می‌شود.

[۲/۲۸۰۲] مات بالحرب: در مورد محل مرگ ابراهیم ادهم روایات متعدد است. شاید «الحرب» تصحیف «کفر بر یک» است که به گفته بعضی وی در آنجا درگذشته است. الاشارات الی معرفة الزیارات، ۲۹.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

تعليقات مربوط به رجال متن

- ۲۱ / حکم بن عمرو: تاریخ الاسلام، ۱۲ (۶۰-۴۱) و سیر
اعلام النبلاء ۲/۲۷۲
- ۲۳ / ابویزید اسلمی: سیر اعلام النبلاء، ۳/۴۰
- ۲۵ / الثقفی: اصل: المثقی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۶۹
(۶۰-۴۱)
- ۲۷ / قیس: اصل: فیس، اصلاح از الاصابة، شماره ۷۲۴۲.
- ۳۰ / همام بن زید: درباره او تاریخ بیهقی، ۲۵ دینه شود.
- ۳۱ / قریط: اصل: فریط، اصلاح از الاصابة، شماره ۷۲۶۷.
- ۴۰ / ۱/ قثم: اصل: قاسم، اصلاح از فتح البلدان، ۴۰۲.
- ۴۰ / ۲/ حسین: اصل: حسن، اصلاح از تلخیص سیر اعلام
النبلاء، شماره ۳۱۶.
- ۴۱ / اوس: در اسد الغابة ۱/۱۴۰ می گوید: ذکره الحاکم
فیمن قدم نيسابور. نیز مراجعه شود به تاریخ
الاسلام، ۱۶۰ (۴۱-۶۰).
- ۴۵ / ماناهیه: در باب هویت چنین کسی، سندی نیافتم و
ظاهراً از محدث برجسته ای مانند الحاکم نقل نام
چنین صحابی بی، قدری غیر عادی می نماید. به
تعليقات عام ۲/۴۵ رجوع شود.
- ۴۸ / سعدی: اصل: سعیدی، اصلاح از اسد الغابة، ۱/۵۵،
نیز الثقات، ابن حبان، ۴/۵۵.
- ۵۰ / زرع: اصل: ذرع، اصلاح از تاریخ الكبير، بخاری،
۲۴/۲/۱
- ۵۲ / ارقم بن ارقم: اصلاح و تکمیل از لسان المیزان
۳۳۸/۱
- ۵۳ / بشر بن حلاله: اصل: بسیرین جلال تاریخ الكبير
۷۱/۲/۱.
- ۵۴ / ماعز: اصل: باعر، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۵
(۱۲۰-۱۰۱).
- ۵۹ / جراح: اصل: خراج... المجلس اصلاح از تلخیص
سیر اعلام النبلاء، شماره ۶۵۹ نیز مراجعه شود به
تاریخ مدينة دمشق، تلخیص ابن منظور ۱۵/۶.
- ۶۰ / جویز: اصل: ابن سعید، تکمیل و اصلاح از تاریخ
الاسلام، ۹۴ (۱۴۱-۱۶۰).
- ۶۱ / النبیسی: اصل: التمیسی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۳۹
(۱۲۰-۱۰۱) نیز المؤلف والمختلف، دارقطنی،
شماره ۵۱۱.
- ۶۶ / حنین بن المنذر: اصل: حنیر بن العبد، اصلاح از
الجرح والتعديل، ۳/۳۱۱ و نیز الکامل، ابن اثیر،
۱۲۷/۳ و التاريخ الكبير ۱/۱۲۸.
- ۷۱ / الربیع: افزوده از تلخیص سیر اعلام النبلاء، شماره
۹۲۱.
- ۷۳ / قاضی هرات: در باب او مراجعه شود به تاریخ
الاسلام، ۳۳۱ (۱۲۱-۱۴۰).
- ۷۶ / سعید: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۴۰۱
(۱۶۰-۱۴۱) و نیز الجرح والتعديل ۴/۴۰.
- ۷۷ / سلیمان: در باب او، رکن: تلخیص سیر اعلام النبلاء،
شماره ۶۴۲.
- ۸۱ / صلت بن ایاس: تاریخ الكبير ۲/۲۹۹

- ۸۲/ ضمره بن سعید: اصل: سفره بن حمید، تاریخ الاسلام، ۱۳۵ (۱۴۰ - ۱۲۱) و نیز الجرح و التعديل ۴۶۶/۴ البته در الجرح يك نفر ضمره بن حبيب هم هست.
- ۸۳/ ضحاک بن مزاحم: در باب او فضایل بلخ، ۶۹-۶۲ دیده شود و نیز القند، ۱۲۸.
- ۸۵/ سعید بن عثمان: اصل: سعد بن عثمان.
- ۸۸/ عامر: تلخیص سیر اعلام النبلاء، شماره ۴۹۴.
- ۸۹/ حلقة: همانجا، شماره ۳۹۵.
- ۹۰/ عطاء بن ابي السائب المکزی: عطاء بن السائب الکوفی، تلخیص سیر اعلام النبلاء، شماره ۶۵۵ و نیز فضایل بلخ، ۷۱-۷۳.
- ۹۴/ عمرو بن عبدالله: عمرو بن عبدالله السبعی متوفی ۱۲۸، تاریخ الاسلام، ۱۹۰ (۱۲۱ - ۱۴۰).
- ۹۵/ حکومه: حاکم در تاریخ خویش، به نقل باقوت، به تفصیل از وی یاد کرده بوده است. معجم الادباء، شماره ۱۶۲۸.
- ۹۶/ عباد البصری: تاریخ الكبير ۴۱/۲/۳ و ۴۳.
- ۹۷/ جلباء: اصل: علیاء، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۸۱ (۱۰۱ - ۱۲۰).
- ۱۰۴/ مشعث: شاید صحیح آن مطرق بن طریف (متوفی ۱۴۲) باشد، تاریخ الاسلام، ۲۹۲ (۱۴۱ - ۱۶۰) یا ميث بن مطرف، الجرح و التعديل ۳۹۱/۸.
- ۱۱۲/ نهار العبدي: رجوع شود به الجرح و التعديل ۵۰۱/۸.
- ۱۱۳/ منبه: اصل: منبه.
- ۱۱۵/ لاحق بن حمید: لاحق بن حمید البصری، تاریخ الكبير ۲۵۸/۲/۴.
- ۱۱۷/ يحيى بن حميد: الفزودن نام يحيى به قرينه رديف نامهاست.
- ۱۱۸/ يحيى بن عقيل: تاریخ الكبير ۲۹۲/۲/۴.
- ۱۲۰/ ابراهيم بن طهمان: اصلاح و افزوده از تاریخ الاسلام، ۶۰ (۱۷۰ - ۱۶۱).
- ۱۲۱/ النضر: اصل: بصر، اصلاح از الجرح و التعديل، ۴۷۳/۱.
- ۱۲۲/ المروزي: صاحب الجواهر المفضية، ۸۰/۱ شرح حال او را از حاکم نقل می کند.
- ۱۲۸/ اصم بن غياث: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۶۸ (۲۰۱ - ۲۱۰) متن و حاشیه.
- ۱۳۱/ بشار: اصل، بشار، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۱۹ (۲۰۰ - ۱۱۹).
- ۱۳۵/ حسين بن الوليد: تاریخ الاسلام، ۱۱۲ (۲۰۱ - ۲۱۰) وقایع ۲۰۳ دیده شود.
- ۱۳۷/ حماد: تاریخ الاسلام، ۱۳۱ (۲۱۰ - ۲۰۱) و نیز الجواهر المفضية، ۱۵۰/۲.
- ۱۳۸/ حفص بن عبد الرحمن: صاحب الجواهر المفضية، ۱۳۸/۲ تفصیل احوال او را از حاکم نقل کرده است.
- ۱۴۱/ حبيب بن مهران: تاریخ الكبير ۳۲۴/۲/۱.
- ۱۴۲/ الحكم بن عبدالله: فضایل بلخ، ۱۵۴ - ۱۴۶.
- ۱۴۳/ خارجه: تاریخ الاسلام، ۱۵۷ (۱۶۱ - ۱۷۰).
- ۱۴۶/ زافر: تاریخ الكبير ۴۵۱/۱/۲.
- ۱۴۷/ زهير: اصل: زهير بن محمد بن نسابوری، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۹۵ (۱۶۱ - ۱۷۰).
- ۱۴۹/ مسفين بن حصين: اصل: حسين، اصلاح از تاریخ الكبير ۸۹/۲/۲.
- ۱۵۲/ مسلم بن سالم: در اصل سالم بن سالم، اصلاح از فضایل بلخ، ۱۶۰ - ۱۵۶.
- ۱۵۵/ شقيق: فضایل بلخ، ۱۴۲ - ۱۲۹.
- ۱۶۰/ واقف: اصل: واقف، اصلاح از تاریخ الكبير ۲۱۸/۱/۳.
- ۱۷۱/ عمرو بن هارون: فضایل بلخ، ۱۶۲ - ۱۶۰.
- ۱۷۲/ عمر بن ميمون: تکميل از فضایل بلخ، ۲۹ - ۱۲۴.
- ۱۷۵/ هبسي بن موسى: سیر اعلام النبلاء، ۴۸۷/۸.
- ۱۷۹/ اللغوي: باقوت از الحاکم به تفصیل شرح حال او را نقل کرده است، معجم الادباء، شماره ۲۱۵۰ و حواشی استاد احسان عباس.
- ۱۸۰/ فضل: باقوت شرح حال او را از الحاکم به تفصیل تمام نقل می کند، شماره ۲۱۷۷ معجم الادباء و حواشی استاد احسان عباس دیده شود.
- ۱۸۲/ قتيبة بن سعيد: فضایل بلخ، ۲۳۹ - ۲۳۰.
- ۱۹۱/ مؤرج: تاریخ الاسلام، ۴۱۴ (۱۹۱ - ۲۰۰).
- ۱۹۴/ مکی بن ابراهيم: فضایل بلخ، (۲۰۶ - ۲۰۲) دیده شود.
- ۱۹۵/ شحير بن قحدم: اصل: مجير بن مخدم، اصلاح از تاریخ الكبير، ۵۹/۲/۴. ابن ماکولا ۱۸۷/۷.
- ۱۹۸/ النضر بن شميل: باقوت در باب او از الحاکم نقل می کند معجم الادباء، شماره ۲۲۵۷.
- ۱۹۹/ وهب بن وهب: همان ابوالبختري معروف است،

تعلیقات مربوط به رجال متن ۳۰۵

- ۲۵۵/جؤاس: اصل: حواس اصلاح از تاریخ الاسلام ۳۵ (۲۳۱ - ۲۴۰).
- ۲۵۹/احمد بن حرب: اصل: و خلف محمداً و له لتسع، اصلاح قبایسی است در باب او مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۳۶ (۲۳۱ - ۲۴۰).
- ۲۶۲/احمد بن حاج: در باب او مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۳۵ (۲۳۱ - ۲۴۰) و الجواهر المضية، ۱۵۳/۱.
- ۲۶۴/جؤاس: اصل: حواس.
- ۲۶۵/الذهلي: اصل: الدنبلي، اصلاح از الانساب، ۲۴۱ b در نام نیاکان او و خاندانش.
- ۲۶۷/احمد بن سنان: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۴۵ (۲۵۱ - ۲۶۰) و ۴۷ (۲۳۱ - ۲۴۰).
- ۲۷۳/راهويه: سبکی ۵/۲ - ۸۴ دیده شود.
- ۲۷۴/حمويه: اصل: حمويه بدون نقطه.
- ۲۷۸/الحرشي: اصل: الجرسى، تاریخ الاسلام، ۵۰ (۲۵۱ - ۲۶۰) و در آنجا عمرو بن ربيعه است ولی از آنجا که تخریج نشده است، دلیلی برای این تخریب وجود ندارد.
- ۲۸۸/اللياد: رجوع شود به الجواهر المضية، ۳۲۱/۱ که از حاکم نقل می‌کند و می‌گوید: حاکم در سند خود از جعفر بن محمد صادق (ع) روایت کرده است که می‌تواند تمایل او را به شیعه نشان دهد.
- ۲۹۰/الصيرفي: اصل: المرأي، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۷۹ (۲۵۱ - ۲۸۱) که شخصی را به همین مشخصات می‌آورد.
- ۲۹۲/احمد بن نصر: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۱۵۰ (۲۴۱ - ۲۵۰).
- ۲۹۵/ایوب بن الحسن: الجواهر المضية، ۴۴۵/۱.
- ۲۹۸/اشرف بن محمد: اصل چنین است: قاضی نیشابوری، بدون الف و لام. در باب او تاریخ الاسلام، ۸۰ (۲۱۱ - ۲۲۰) دیده شود.
- ۲۹۹/العثكي: در باب او الانساب، ۳۸۳ b دیده شود.
- ۳۰۵/بشر بن الحكم: تاریخ الاسلام، ۱۰۸ (۲۳۱ - ۲۴۰) دیده شود.
- ۳۰۶/بشر بن ابی الازهر: تاریخ الاسلام، ۸۳ (۲۱۱ - ۲۲۰) و نیز الجواهر المضية، ۴۵۶/۱ که از حاکم نقل می‌کند.
- رك الجرح والتعديل ۲۵/۹ و سیر اعلام النبلاء، ۳۷۴/۹.
- ۲۰۱/هتاج: اصل: هباح، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۹۳ (۱۷۱ - ۱۸۰) و طبقات الاسماء المفردة، ۱۱۳، شماره ۳۹۴.
- ۲۰۲/یحیی بن صبیح: در باب او مراجعه شود به تاریخ الاسلام ۳۳۴ (۱۶۰ - ۱۴۱).
- ۲۰۶/ابراهیم بن العارث: اصل: سکن نیشابور بود.
- ۲۰۹/السعدی: اصل: السمری، اصلاح از لسان المیزان، ۷۴۴/۱ که به تفصیل از تاریخ نیشابور حاکم نقل می‌کند. ولی استاد فرای این نسبت را بدون هیچ‌گونه سندی و دلیلی، به السغدی اصلاح کرده است در *The Histories of Nishapur P. 18*.
- ۲۱۳/البنانی الطالقانی: اصل لسان الطالقان، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۵۱ (۲۰۰ - ۱۹۱) و سیر اعلام النبلاء، ۳۱/۳ و ۳۹۷/۸.
- ۲۱۷/سعدان: اصل: معدان، اصلاح از سیر اعلام النبلاء، ۳۹۳/۱.
- ۲۱۹/شاش: اصل: شاس.
- ۲۲۱/اقام: اصل: امام.
- ۲۳۴/الشانجي: رجوع شود به الانساب ۳۲۶ b.
- ۲۳۷/اسحق بن ابرهیم: اصلاح و تکمیل افتادگیها از تاریخ الاسلام ۹۰ - ۸۱ (۲۴۰ - ۲۳۱) و سبکی ۸۵/۲ و معجم الابداء، ۲۳۹۹ که مناخره او را با شافعی از حاکم نقل می‌کند و عبارت فارسی او را در حق شافعی.
- ۲۳۸/الکوسج: اصل: الکرسج، اصلاح از سیر اعلام النبلاء، ۱۶۰/۴ و نیز تاریخ الاسلام، ۸۲ (۲۶۰ - ۲۵۰).
- ۲۴۰/العثك: اصل: الحثل، اصلاح از سیر اعلام النبلاء ۲۵/۱۳ و الانساب لیدن، ۲۰۰۸.
- ۲۴۶/الحرشي: اصل: الحرش.
- ۲۴۸/احمد بن ازهر: مراجعه شود به تاریخ دمشق ۱۹/۳.
- ۲۴۹/احمد بن احجم: لسان المیزان ۱۳۴/۱ دیده شود.
- ۲۵۰/احمد بن ایوب: تاریخ الاسلام، ۳۶ (۲۵۱ - ۲۶۰).
- ۲۵۴/قطن الكثيري: اصل: قطی، اصلاح از تاریخ دمشق، ۳۷/۳ قابل یادآوری است که نسبت او را در آنجا الکبیری خوانده‌اند و غلط است و همان کثیری درست است به اعتبار جدش کثیر. مراجع زندگی او نیز در آنجا تخریب نشده است.

- مشکوک است. شاید المغنیابادی؟
- ۳۸۵/ خلیف بن ایوب: فضایل بلخ، ۸۵-۱۷۸ و نیز الجواهر المضية، ۱/۱۷۱ که به تفصیل از حاکم نقل می‌کند.
- ۳۸۸/ مُخْتَبَر بن قحدم: اصل: محربن معدم شماره ۱۹۵.
- ۳۹۰/ داود بن علی: رجوع شود به ذکر اخبار اصیهان ۳۱۲/۱.
- ۳۹۳/ رجایب السندی: سیر اعلام النبلاء ۱۱۲/۱.
- ۳۹۴/ ابوالمضاء: اصل: ابوالمصفا، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۳۵ (۲۶۰-۲۵۱) و تاریخ دمشق ۳۱۷/۸.
- ۳۹۷/ زیاد بن عبدالرحمن: تاریخ الاسلام، ۲۷۶ (۲۴۱-۲۵۰).
- ۴۰۰/ بجر: کذا، شاید بحر؟
- ۴۰۵/ بجر: کذا، شاید بجر؟
- ۴۰۶/ الخفاف: اصل، الخفاف.
- ۴۰۷/ شعیب بن کیسان: [سن] افزوده ماست و احتمالی است.
- ۴۱۱/ السجستانی: سبکی، ۶/۲۰-۲۹۳ دیده شود که از حاکم نقل می‌کند.
- ۴۱۶/ الفراء: تاریخ الاسلام، ۱۱۷ (۲۲۱-۲۳۰).
- ۴۲۰/ بشر: در تاریخ الاسلام، ۱۸۷ (۲۳۲-۲۴۰) بشیر ضبط کرده است.
- ۴۲۱/ سهل بن عثمان: سیر اعلام النبلاء، ۳۲/۱۳ و الجواهر المضية، ۲/۲۳۹ که از حاکم نقل کرده است.
- ۴۲۲/ عمان: شاید عثمان؟
- ۴۲۵/ سعید بن الصباح: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۱۶۹ (۲۱۰-۲۰۱) که می‌گوید: محله و خانی (کاروانسرای) بزرگ در نیشابور، منسوب به او و برادر اوست.
- ۴۲۸/ الشاشی: اصل، السامی.
- ۴۲۹/ الرهاوی: تاریخ الاسلام، ۱۵۴ (۲۵۱-۲۶۰).
- ۴۳۶/ شیبب: اصل: سبب، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۸۷ (۲۴۱-۲۵۰) در آنجا نسبت او المسمعی است.
- ۴۳۸/ سلعة: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۱۷۸ (۲۱۱-۲۲۰).
- ۴۴۲/ السیراسانی: السیراسانی این نسبت را به این شکل نیافتم و طبعاً این شخص را، استاد فرای در برابر
- ۳۰۷/ بشر بن القاسم: تاریخ الاسلام، ۸۸ (۲۱۱-۲۲۰) و نیز الجواهر المضية، ۱/۲۵۱ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۳۱۱/ الغازی: اصل: العاری.
- ۳۱۸/ ماصرخس: اصل: عیسی سرخسی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۳۴ (۲۳۱-۲۴۰).
- ۳۲۱/ عبدربه: اصل: عبدرب، ولی در همین متن در مورد برادرش عبدربه است، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۲۱ (۲۴۱-۲۵۰).
- ۳۲۲/ المغیره: اصل: المعبره.
- ۳۲۷/ مقبره: اصل مقبره.
- ۳۲۷/ یوحی: اصل: برجا.
- ۳۲۹/ الرمجاری: مراجعه شود به الجواهر المضية، ۲/۴۸ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۳۳۱/ المستملی: تاریخ الاسلام، ۱۰۷ (۲۶۰-۲۵۱).
- ۳۳۸/ السلمی: تاریخ الاسلام، ۱۴۲ (۲۳۱-۲۴۰).
- ۳۴۱/ الحسین بن فضل: سیر اعلام النبلاء، ۴۱۴/۱۳.
- ۳۴۲/ الحسین بن بشر: تاریخ الاسلام، ۲۳۶ (۲۴۱-۲۵۰).
- ۳۴۳/ المرتفع: کذا! این عنوان را جایی نیافتم افزوده‌ها از نام برادرش در شماره ۳۷۲ آمده است.
- ۳۴۴/ القرشی: اصل: القرین.
- ۳۴۵/ الحسین بن عیسی: تاریخ الاسلام، ۲۴۵ (۲۴۱-۲۵۰).
- ۳۴۸/ القرشی: اصل: القرین.
- ۳۵۲/ حفص بن عبدالله: اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۱۵ (۲۱۰-۲۰۱).
- ۳۵۶/ حماد: اصل: حماد.
- ۳۵۸/ الحکم: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۱۳۱ (۲۱۱-۲۲۰).
- ۳۶۳/ القرشی: اصل: القرسی.
- ۳۶۴/ حمدان: اصل: محمدان.
- ۳۷۲/ حسین المرتفع: اصل: حسن بود به قرینه نام برادرش اصلاح شد، ضمناً صورت درست باید حسین [بن عبدالله بن] علی النیشابوری المشهور بابی علی المرتفع باشد. المرتفع یا المرتفع؟
- ۳۷۵/ حاشد: در اصل: خاشد، اصلاح از لسان المیزان، ۱۶۲/۲.
- ۳۷۹/ معیناباد: کذا.
- ۳۸۰/ المغنیابادی: اصل المغنیابادی، ضبط نسبت

- ۲۸۳/۵ برده نقل کرده است.
- ۴۹۲/ عیدالله بن عبدالله: یک نفر عیدالله بن محمد بن عبدالله بن سنان بن طغان الترمذی الخراسانی السجزی، ابوالهیشم در نیشابور بوده است و با همین شخص هم تطبیق می‌کند در تاریخ الاسلام، ۲۵۸ (۱۷۱ - ۱۸۰) و در آنجا هم تخریج نشده است.
- ۴۹۳/ العبدی: تاریخ الاسلام، ۱۹۱ (۲۵۱ - ۲۶۰).
- ۴۹۴/ السعدی: مراجعه شود به الجواهر المفضیلة، ۳۸۵/۲ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۴۹۹/ عبدالوهاب: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۲۴۹ (۲۱۰ - ۲۰۱) که در آنجا از حاکم نقل می‌کند.
- ۵۰۹/ عبدالسلم: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۲۴۹ (۲۳۱ - ۲۴۰).
- ۵۱۲/ القشیری: تاریخ الاسلام، ۳۲۲ (۲۵۰ - ۲۴۱).
- ۵۱۵/ عمر بن عبدالله: تاریخ الاسلام، ۲۸۱ (۲۱۰ - ۲۰۱) که در آنجا می‌گوید: «حاکم گفته است خطه ایشان مشهورترین خطه نیشابور در روزگار عبدالله بن عامر بوده است.»
- ۵۲۲/ فی ثلث: افزوده از صیون اخبار الرضا، ۲۵۸/۲.
- ۵۲۳/ النبیاتی: اصل: النبیانی، پیشنهاد سندی ندارد، حدیسی است.
- ۵۲۴/ صاحبها: کذا. شاید به پدر و پسر هر دو برمی‌گردد.
- ۵۲۸/ حریر: اصل: حریر.
- ۵۲۹/ یزید: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۲۷۸ (۲۲۱ - ۲۳۰) که در آنجا نامش مزید است نه یزید.
- ۵۳۱/ العبدی: سیر اعلام النبلاء، ۱۰/۳۴۹.
- ۵۳۲/ الدوائجری: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۲۱۰ (۲۵۱ - ۲۶۰).
- ۵۳۶/ البیهقی: در متن تاریخ بیهقی، ۱۳۹ نام او حسن است ولی بعد که تکرار شده در نسخه بدل حسین آمده است.
- ۵۳۹/ الملجکانی: مراجعه شود به الانساب ۵۴۱ b.
- ۵۴۰/ علی بن مسلم: تکمیل از الانساب، ۵۴۱ b و تاریخ الاسلام، ۲۱۳ (۲۶۰ - ۲۵۰).
- ۵۴۲/ الکوئی: در تاریخ الاسلام: الکوئی ۲۸۵ (۲۳۰ - ۲۲۱) در سیر اعلام النبلاء ۱۰/۵۶۹ نام او عثمان و نسبت او کوئی است.
- ۵۴۳/ البیهقی: در باب او مراجعه شود به تاریخ بیهقی، ۱۳۹.

- قرائت دکتر کریمی که این کلمه را «الخراسانی» خوانده است (صفحه ۲۴ چاپ کریمی) «السرمانی» را پیشنهاد کرده به احتمال اینکه منسوب به یکی از دهات نیشابور باشد به این نام. تا آنجا که نگارنده جستجو کرده است در هیچ جا دهی به این نام وجود ندارد. قرائت کلمه در اغلب حروف آن مورد تردید است.
- ۴۴۳/ سخنویه: تاریخ الاسلام، ۱۴۹ (۲۵۱ - ۲۶۰) که در آنجا می‌گوید: مجوسی بود و بر دست مأمون در جوانی اسلام آورد.
- ۴۴۶/ شداد: فضایل بلغ ۱۹۶ - ۱۸۵ دیده شود و نیز القند، ۱۲۲.
- ۴۴۸/ شریح: به تفصیل احوال او در تاریخ بیهقی ۱۳۸ آمده است و علی بن زید ظاهراً از الحاکم نقل می‌کند مثل بسیاری موارد دیگر.
- ۴۶۰/ رواد: اصل: داود، اصلاح از الجرح و التعمیل، ۱۱۳/۵.
- ۴۶۲/ الطیسی: شاید الطیسی.
- ۴۶۸/ مغلل: اصل: مغلل مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۱۸۹ (۲۵۱ - ۲۶۰).
- ۴۷۱/ الرماح: تاریخ الاسلام، ۲۱۹ (۲۳۱ - ۲۴۰) دیده شود و نیز شماره ۱۷۲ همین کتاب و فضایل بلغ، ۶۵ - ۱۶۲.
- ۴۷۲/ النحوی: تاریخ الاسلام، ۲۳۰ (۲۳۱ - ۲۴۰).
- ۴۷۵/ العامری: تاریخ الاسلام، ۲۴۹ (۲۱۱ - ۲۳۰).
- ۴۸۸/ اصل: عرابه الساسی. اصلاح از تهذیب الکمال، ۱۵/۲۹۴ و تاریخ الكبير ۱/۳۶۶.
- ۴۸۹/ طنطری: کذا و عبارت ظاهراً افتادگی دارد. این شخص بعنوان یکی از جفالات حدیث در الانساب، ۳۵۵ b معرفی شده است. و کلمه طنطری در دنبال نسبت او و جمله: «علی رساتیق نیشابور مثل...» ظاهراً افتادگی دارد. گویا در دنباله نسبت او نسبت دیگری هم به عنوان طنطری داشته که معانی توضیح می‌دهد این نسبت چیزی است از نوع جوینی و اسفراینی و... دو طنطیر [۱] علی رساتیق نیشابور.
- ۴۹۰/ براد: اصل: بره، اصلاح، از تاریخ الاسلام، ۳۴۴ (۲۴۱ - ۲۵۰) در پای صفحه، مصحح، از تاریخ الكبير

- ۵۴۷/ علی بن محمد: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۲۱۷ (۲۵۱ - ۲۶۰).
- ۵۴۹/ الزیاد آبادی: علی بن زید بیهقی، در تاریخ بیهقی ۱۴۴ شرح حال او را آورده و می‌گوید: او از زیادآباد سرناحیت است.
- ۵۵۶/ واقد الکلابی: اصل: واقد الکلابی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۸۷ (۲۳۱ - ۲۴۰).
- ۵۶۶/ عصمة: مقایسه شود با تاریخ الاسلام، ۳۵۲ (۲۴۱ - ۲۵۰).
- ۵۸۱/ هُشان بن محمد: مراجعه شود به الجواهر المصیبة، ۸/۲ - ۶۸۷ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۵۸۳/ الشعرانی: اصل: السمران، اصلاح از تاریخ بیهقی ۱۴۰ و سیر اعلام النبلاء، ۳۱۷/۱۳ و علی بن زید که احوال او را به تفصیلی تمام نوشته نسبش را به پادان، پادشاه یمن می‌رساند و می‌گوید: دلیل اینکه او را شعرانی خوانده‌اند این است که «موی دراز داشتی بر سر و روی».
- ۵۸۴/ بندش: در آخر سطر بندش آمده است.
- ۵۸۶/ ابونوح: در باب او تاریخ الاسلام، ۲۲۶ (۲۶۰ - ۲۵۱) دیده شود.
- ۵۹۹/ السجری: اصل: السبحری، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۴۳۰ (۳۰۱ - ۳۲۰).
- ۶۰۲/ محمد بن ابان: فضایل بلغ، (۶ - ۲۴۴) دیده شود.
- ۶۰۳/ ۸/ خَرِیْث: اصل: جریب، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۷۱ (۲۶۰ - ۲۵۱) در شرح حال بخاری و نیز سبکی ۲۴۱/۲ - ۲۲۱۲ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۶۰۸/ اسکاف: به احتمال قوی اشکاب درست است که از اسامی بسیار رایج در خراسان بویژه ماوراءالنهر است ولی از آنجا که اسکاف، احتمالاً، می‌تواند صورتی از اشکاب باشد، تغییر ندادم.
- ۶۱۰/ العبدی: سبکی ۱۸۲/۲ می‌گوید: «وله ترجمة طويلة عريضة ذات فوائد في تاريخ الحاکم».
- ۶۱۴/ الرماني: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۴۱۴ (۲۴۱ - ۲۵۰).
- ۶۱۶/ محمد بن ازهر: ظاهراً محمد بن ازهر بن خَرِیْث، ابو جعفر که در تاریخ الاسلام، ۲۳۷ (۲۵۱ - ۲۶۰) آمده است هم اوست که مصحح کتاب نتوانسته است او را تخریج کند.
- ۶۲۱/ محمد بن افلح: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۴۱۵ (۲۴۱ - ۲۵۰) که متن ما آن را تکمیل می‌کند.
- ۶۳۴/ محمد بن الحسن: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۲۸۴ (۲۵۱ - ۲۶۰).
- ۶۴۴/ محمد بن وافع: تاریخ الاسلام، ۴۳۰ (۲۴۱ - ۲۵۰) و مقایسه شود با سبکی، ۶۱/۲.
- ۶۴۷/ محمد بن رجاء: تاریخ الاسلام، ۲۳۲ (۲۴۱ - ۲۵۰).
- ۶۵۰/ سعید الجلاب: اصل: سعید الحلاف و در ذمبی سعد الجلاب، تاریخ الاسلام، ۲۹۰ (۲۵۱ - ۲۶۰).
- ۶۷۰/ ۴/ حَمد و حَمَش: مقایسه شود با تاریخ بیهقی ۱۵۱ که احتمالاً از الحاکم گرفته.
- ۶۷۱/ العبدی: اصل: العبدی و... قصر چند و... شکش، اصلاح از سیاق، چاپ آقای محمودی شماره ۶ و ۱۴۹۲ و مراجعه شود به تعلیقات مربوط به قصر حید در همین کتاب.
- ۶۷۵/ المروزی: در باب او تاریخ الاسلام، ۴۵۸ (۲۵۰ - ۲۴۱) دیده شود.
- ۶۸۵/ محمد بن عقیل: تاریخ الاسلام، ۳۰۴ (۲۶۰ - ۲۵۱) دیده شود.
- ۶۹۲/ الطالقان: ظاهراً، و با احتمال بسیار زیاد، همان محمد بن القاسم الطایقانی است که حاکم خود در المدخل الی الصحیح، شماره ۱۹۵، صفحه ۲۱۰ (چاپ ربیع بن هادی المدخلی) می‌گوید: «من اهل بلخ حَمدٌ بنیسیابور و فی طریق مکه باحادیث موضوعه نیز رجوع شود به الانساب ۳۹۴۵، ذیل الطایقانی».
- ۶۹۳/ المجاملی: تاریخ الاسلام، ۳۱۵ (۲۵۱ - ۲۶۰) دیده شود.
- ۶۹۴/ محمد بن منصور: تاریخ الاسلام، ۲۳۱ (۲۵۱ - ۲۶۰) دیده شود.
- ۶۹۴/ القرشی: اصل: القرسی.
- ۶۹۶/ الهلالی: تاریخ الاسلام، ۳۸۶ (۲۲۱ - ۲۳۰) دیده شود.
- ۶۹۷/ العسال: اصل: العسل اصلاح از اللباب، ۱۵۳/۲.
- ۷۰۱/ واره: مراجعه شود به سیر اعلام النبلاء، ۲۸/۱۳.
- ۷۰۲/ سان: کذا شاید بنان / بیان؟
- ۷۰۵/ محمد بن النعمان: تکمیل از تاریخ دمشق، ۲۸۳/۲۳.

فهر محم بن سعید بن عثمان بن عفان و دختری آمد
او را عین نام کرد و عین در حباله امام محمد بن
النصر الیشکی بود. و این قسمت را بیهقی از تاریخ
نیشابور حاکم نقل کرده است.

۷۷۲/ المؤدب: برای بقیه نام و مشخصات او رجوع
شود به تاریخ الاسلام، ۱۹۴ (۲۸۰ - ۲۶۱) النضر بن
سلمة بن الجارود بن یزید، ظاهراً جد شخص شماره
۷۷۰ است.

۷۷۵/ مریع: اصل: مرتع.

۷۸۴/ السورسی: شاید السورینی که قریه‌ای بوده است
در قسمت بالای نیشابور، معجم البلدان ۲۷۹/۳.

۷۸۷/ ۲ بالقرب: اصل: بالقریب.

۷۹۶/ غانم: اصل غانم.

۸۰۴/ الفراء: تاریخ الاسلام، ۴۶۵ (۲۲۱ - ۲۳۰) دیده شود.

۸۰۹/ اشرس: اصل: اشرش.

۸۱۲/ یاسین بن النضر: مقایسه شود با ۲۷۹۳ همین متن و
در تاریخ الاسلام، ۳۶۷ (۲۵۱ - ۲۶۰) آمده است اما
مصحح کتاب نتوانسته است آن را از سندی تخریج
کند، متن ما تکمیل کننده تاریخ الاسلام است.

۸۱۳/ بشر: اصل: بسر، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۴۶۳
(۲۱۰ - ۲۰۱).

۸۱۵/ الترك النیسابوری: درباره او مراجعه شود به تاریخ
بیهقی، ۱۲۶ که درباره خاندان ایشان فصلی دارد.

۸۲۱/ الانماطی: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۱۱۱
(۳۰۱ - ۳۲۰).

۸۲۲/ العنبری: تاریخ دمشق، ۳۴/۴ دیده شود و
تذکره الحفاظ ۶۷۹/۱.

۸۲۴/ القراء: متن ما القرآن بود در تاریخ الاسلام، ۱۵۶
(۳۳۱ - ۳۵۰) به صورت القاری آمده است.

۸۲۹/ الواعظ: تاریخ الاسلام، ۲۳۳ (۳۲۰ - ۳۰۱) دیده
شود.

۸۳۵/ الذهلی: تاریخ الاسلام، ۹۹ (۲۹۱ - ۳۰۰) دیده شود.

۸۴۰/ الآزادواری: اصل: الانادباری، اصلاح از اللباب
۱۴/۱ با این تفاوت که کنیه او در آنجا
ابوموسی است و ظاهراً درست هم همان است نیز
الانساب ۱۴۵.

۸۴۲/ ابرهیم بن محمد: تاریخ الاسلام، ۹۷ - ۹۲
(۲۹۱ - ۳۰۰) دیده شود.

۷۰۹/ محمد بن هانی: تاریخ الاسلام، ۳۹۸ (۲۲۱ - ۲۳۰)
که مصحح در حاشیه می‌گوید: شرح حال او را
نیافتم.

۷۱۰/ الذهلی: تاریخ الاسلام، ۳۳۷ (۲۵۱ - ۲۶۰).

۷۱۴/ محمد بن یحیی: تاریخ الاسلام، ۳۴۳ (۲۵۱ - ۲۶۰).
۷۱۵/ السلمی: تاریخ الاسلام، ۳۴۵ (۲۵۱ - ۲۶۰) و
الجواهر المضية، ۴۰۰/۳ که از حاکم نقل کرده و
می‌گوید: «یلقب محمش».

۷۲۵/ الاسفنجی: تاریخ دمشق، ۲۵/۲۶ دیده شود.

۷۲۹/ الشهنیزی: تاریخ الاسلام، ۳۸۵ (۳۲۰ - ۲۱۰)
بعنوان الاخوة القهنتزین ازین خانواده یاد می‌کند و
مقایسه شود با شماره‌های ۷۳۲ و ۷۳۴ متن حاضر.

۷۳۴/۷۳۲ رزین: اصل: زرین بود، اصلاح از تاریخ
الاسلام، ۳۹ (۱۸۱ - ۱۹۰) و نیز ۳۵۳ همان جلد، با
تفصیل بیشتر.

۷۳۵/ النی: اصل: البس.

۷۴۳/ القلاس: در باب نسبت القلاس، مراجعه شود به
الانساب ۴۶۷ و اللباب ۱۴/۳.

۷۴۴/ مخلد بن مالک: تاریخ الاسلام، ۴۹۳ (۲۴۱ - ۲۵۰).

۷۵۴/ محمش بن عصام: مصحح تاریخ الاسلام، ۴۷۲
(۲۶۱ - ۲۵۰) مجشر بن عصام خوانده و اشتباه است.

۷۵۵/ مهرجان: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۳۶۸
(۲۴۰ - ۲۳۱) که از حاکم نقل می‌کند و می‌گوید: «و
له عندنا بنیسابور آثار کبیره مذکوره و کانت کُتِب
المأمورین الیه مُتواترة».

۷۵۸/ نصر بن فضاله: تاریخ الاسلام، ۳۷۴ (۲۴۰ - ۲۵۰).

۷۶۰/ نهیک: اصل: نهیک بن حسل، مراجعه شود به
تاریخ الاسلام، ۳۷۳ (۲۳۱ - ۲۴۰) که از حاکم نقل
می‌کند و نیز الجواهر المضية، ۵۳۷/۳ که از حاکم
نقل کرده و نیای او را تحسک ضبط کرده است.

۷۶۵/ جمیل: اصل: الحمیل.

۷۷۰/ النضر بن محمد: متن ما نسبت به اصل سخن
الحاکم گویا افتادگی دارد. در تاریخ بیهقی، ۱۲۶
می‌گوید: «سعید بن عثمان بن عفان امیر خراسان بود.
از راه اصفهان بناحیت بُشت آمد و از آنجا به ناحیت
رُخ رفت. چون به قصبه بیشک رسید بیمار شد و
آنجا زنی بزنی کرد و او را پسری آمد محم نام کرد.»

- ۸۹۱/ ابوالعباس المروزی: سبکی ۵۲/۲ می گوید: «ابو عبدالله حاکم در طبقه خامسه از تاریخ نیشابور در ترجمه ابوالعباس مروزی گفته است... و بعد به نقل مطلبی می پردازد.
- ۸۹۲/ احمد بن شعیب: اصلاح و تکمیل از تاریخ الاسلام، ۱۰۵ (۲۲۰-۳۰۱) و نیز تاریخ دمشق ۱۰۰/۳ و سبکی، ۱۶/۳-۱۴.
- ۸۹۶/ احمد بن حنبل: در سیر اعلام النبلاء، ۲۴۳/۱۵ و ۱۶۸/۱۶ شرح حال پسر و نوه او آمده است.
- ۸۹۸/ احمد بن حنبل: مصحح تاریخ الاسلام عبدالله را عبدالله خواند است و تخریج هم نکرده است. مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۵۵۵ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۸۹۹/ احمد بن حمدان: اصلاح و تکمیل از تاریخ الاسلام، ۴۰۲ (۳۲۰-۳۰۱) و مراجع مذکور در حواشی آن کتاب.
- ۹۰۱/ احمد بن عقیل: تاریخ الاسلام، ۵۲۸ (۳۲۰-۳۰۱) دیده شود.
- ۹۰۴/ احمد بن عبدوس: تاریخ الاسلام، ۴۷۳ (۳۲۰-۳۰۱) دیده شود.
- ۹۰۵/ احمد بن عباس: تاریخ الاسلام، ۲۶۳ (۳۲۰-۳۰۱) دیده شود.
- ۹۰۷/ السامانی: شاید السامانی.
- ۹۱۰/ احمد بن محمد: تاریخ الاسلام، ۸۲ (۲۹۰-۲۸۱) دیده شود.
- ۹۱۱/ السجری: اصل: السجری، اصلاح و تکمیل از سیر اعلام النبلاء ۱۴/۲۹۶.
- ۹۱۳/ الوثری: اصل: الوثری، تکمیل و اصلاح از لیاب ۲۶۲/۳ و الانساب ۵۷۸ و بدون نسبت الوثری، بقیه اطلاعات در تاریخ الاسلام، ۲۹۷ (۳۲۰-۳۰۱) نیز آمده است.
- ۹۱۵/ احمد بن محمد بن بکر: یک نفر احمد بن محمد بن بکر نیشابوری در تاریخ الاسلام، ۸۳ (۲۸۱-۲۹۰) از مردم همین عصر، آمده است.
- ۹۱۶/ الذهبی: سیر اعلام النبلاء، ۴۶۱/۱۴ و نیز تاریخ الاسلام ۴۷۳ (۳۲۰-۳۰۱) دیده شود در باب بامله / بافله که در متن ما بی نقطه و مبهم است. اطلاعی بدست نیامد.
- ۹۱۷/ الاصبهانی: متن ما، تاریخ الاسلام را تکمیل می کند، ۸۴۳/ ابرهیم بن محمود: تاریخ الاسلام، ۱۰۱ (۲۹۱-۳۰۰) دیده شود.
- ۸۴۶/ الأشعج: اصل: الاسج.
- ۸۵۱/ ابرهیم بن محمد: تاریخ الاسلام، ۲۲۸ (۲۲۰-۳۰۱) دیده شود.
- ۸۵۴/ ۱ و ۲ البشتکانی: اصل: بستکانی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۲۷ (۲۸۱-۲۹۰).
- ۸۵۵/ اسمعیل بن اسحق: تاریخ الاسلام، ۱۲۵ (۲۸۱-۲۹۰) به تفصیل شرح حال او را دارد.
- ۸۵۶/ حازم / الاهوری: اصل: خادم / الاغور.
- ۸۶۴/ عماره: ذهبی، در تاریخ الاسلام، ۵۳۱ (۳۲۰-۳۰۱). عمار ضبط کرده است. در اینجا متن ما از ذهبی کامل تر است و آن را تکمیل می کند.
- ۸۶۵/ اسحق بن ابرهیم: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۱۱۳ (۳۲۰-۳۰۱) و ظاهراً شخص بعدی هم که به عنوان اسحق بن ابرهیم البشتی از ابن ما کولاً نقل می کند همین است.
- ۸۶۶/ اسفرائینی: سبکی ۹-۲۵۸ که از حاکم نقل می کند.
- ۸۶۷/ اسحق بن حمدان: تاریخ الاسلام، ۶۲۴ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۸۷۱/ السامانی: تاریخ الاسلام، ۵۸ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۸۷۲/ الصبغی: اصل: الصبغی، بدون نقطه. مراجعه شود به تلخیص سیر اعلام النبلاء، شماره ۳۱۶۷ و سبکی، ۹/۳ در شرح حال پسرش احمد بن اسحق.
- ۸۷۴/ احمد بن ابرهیم: تاریخ الاسلام، ۱۵۵ (۳۲۰-۳۰۱) دیده شود.
- ۸۷۵/ المروزی: تاریخ الاسلام، ۴۰۱ (۳۲۰-۳۰۱) دیده شود.
- ۸۷۷/ قرية دیورة: در باب این شخص و نام قرية دیورة رجوع شود به الانساب ۲۳۸۵ و معجم البلدان ۵۴۶/۲ و تاریخ بیهق، ۱۲۲.
- ۸۷۸/ احمد بن حمدان: تاریخ الاسلام، ۷۴ (۲۳۰-۲۲۱) دیده شود.
- ۸۸۰/ احمد بن الحسن: در تاریخ الاسلام، ۵۴۰ (۲۸۱-۲۹۰) الحسن آورده است.
- ۸۸۹/ البرزازی: تاریخ الاسلام، ۵۹ (۲۸۱-۲۹۰) دیده شود.
- ۸۹۰/ احمد بن سهل: تاریخ الاسلام، ۴۹ (۲۹۱-۳۰۰) که مصحح کتاب میان او و شخص دیگری خلط کرده است.

- ۱۱۱، (۳۰۱-۳۲۰).
 ۹۱۸/ العنکدوری: تاریخ الاسلام، ۴۷۳ (۳۰۱-۳۲۰).
 ۹۲۳/ احمد بن محمد: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۵۲۹ (۳۰۱-۳۲۰) ولی در آنجا نام نیای او بجای یزید بن مسلم، مسلم بن یزید آمده است.
 ۹۲۷/ ابو زرعة: اصل: ابو زرعة.
 ۹۲۹/ المستملی: تاریخ الاسلام، ۸۵ (۲۹۰-۲۸۱).
 ۹۳۰/ حمکویه: اصل: حملویه، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۸۶ (۲۸۱-۲۹۰) که در آنجا داستان او را با احمد بن عبد الله نجستانی آورده و بسیار مهم است و احتمالاً مستند ذهبی همین تاریخ الحاکم است. استاد فرای بدون ارائه سند آن را به حمدویه اصلاح کرده است. *The Histories of Nishapur*, P. 18.
 ۹۳۲/ احمد بن محمد ماسرجسی: در باب او رجوع شود به تاریخ الاسلام، ۴۴۹ (۳۳۰-۳۲۱).
 ۹۳۳/ احمد بن نصر: تاریخ الاسلام، ۷۸ (۲۹۱-۳۰۰) دیده شود.
 ۹۳۴/ احمد بن نصر: در، تاریخ الاسلام، ۸۰ (۲۹۱-۳۰۰) و نیز در سیر اعلام النبلاء ۵۶۴/۱۳ انصر آمده است.
 ۹۳۵/ الشهدی: سبکی، ۴/۲-۵۳ مطلبی در باب او از تاریخ الحاکم نقل می‌کند در باب پیداشدن جسدش.
 ۹۳۶/ البردجی: اصل: البوذنجی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۵۴ (۳۲۰-۳۰۱) و اللباب، ۱/۱۱۰ و ابن ماکولا، ۴۷۹/۱.
 ۹۳۸/ الیاس بن رجا: تاریخ الاسلام، ۵۲۵ (۳۲۰-۳۰۱)
 ۹۴۳/ جعفر بن محمد بن سوار: تاریخ دمشق، ۸۲/۶ و نیز تاریخ الاسلام، ۱۴۳ (۲۸۱-۲۹۰).
 ۹۴۴/ جعفر بن احمد: تاریخ الاسلام، ۱۱۴ (۲۹۱-۳۰۰) ولی در آنجا نام نیای او بجای ابو عبد الرحمن، عبد الرحمن است.
 ۹۴۵/ حصیری: تاریخ الاسلام، ۱۱۴ (۳۲۰-۳۰۱) دیده شود.
 ۹۴۶/ جعفر بن سهل: تاریخ الاسلام، ۱۸۴ (۳۲۰-۳۰۱).
 ۹۴۷/ جعفر بن محمد بن موسی: تاریخ الاسلام، ۲۰۵ (۳۰۱-۳۲۰).
 ۹۵۸/ حسن بن سفیان: تاریخ الاسلام، ۱۱۶ (۳۲۰-۳۰۱) نیز سبکی، ۵-۲۶۳ به نقل از حاکم.
 ۹۶۰/ کردش: در تاریخ الاسلام، ۳۱۴ (۲۶۰-۲۵۱) لقب
- او را کردوس ضبط کرده و بر گفته مصحح آن کتاب، درین گونه موارد، اعتمادی نیست.
 ۹۶۶/ الشکستکی: مراجعه شود به اللباب، ۱/۵۴۹ و الانساب b ۳۰۰.
 ۹۶۷/ نوفل: اصل: نوفل.
 ۹۷۰/ الهمدانی: اصل: الهمدانی؟
 ۹۷۱/ حسن بن بالویه: تاریخ الاسلام، ۱۸۵ (۳۲۰-۳۰۱).
 ۹۷۴/ القبانی: تاریخ الاسلام، ۱۶۵ (۲۸۱-۲۹۰) به تفصیل شرح حال او را دارد.
 ۹۷۵/ حسین بن احمد: تاریخ الاسلام، ۴۳۲ (۳۲۰-۳۰۱).
 ۹۷۶/ حسین بن معاذ: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۱۶۶ (۲۸۱-۲۹۰).
 ۹۸۹/ الشاشی: اصل الساسی، اصلاح قیاسی است.
 ۹۹۰/ ارداد: چنین است در اصل.
 ۹۹۳/ حمدان بن محمد: تاریخ بیهقی، ۱۴۲، می‌گوید از دیده بروفن بود
 ۹۹۴/ الایزازی: مراجعه شود به اللباب، ۱/۱۹۱ و الانساب المتفق، ۵ که می‌گوید: کرامی المذهب است و روی عنده الحاکم و لم یرضه.
 ۹۹۵/ حمین احمد: در باب پسرش مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۱۸۵ (۳۳۰-۳۲۱).
 ۹۹۸/ خالد بن احمد: الانساب b ۲۴۱، دیده شود و نیز القند، ۲۲.
 ۹۹۹/ حُشنام: در تاریخ دمشق، ۵۳/۸ نام نیای او را منیب خوانده‌اند و در تاریخ الاسلام، ۱۶۹ (۲۸۱-۲۹۰) نام او را به غلط حشنام آورده است هم در متن و هم در فهرست.
 ۱۰۰۰/ حُشنام بن ابی معروف: تاریخ دمشق، ۵۳/۸ و در تاریخ الاسلام، ۲۹۱ (۳۰۰-۲۹۱) مصحح کتاب نام او را حُشناج ضبط کرده و غلط است.
 ۱۰۰۱/ داود بن الحسین: در باب او مراجعه شود به تاریخ بیهقی، ۱۴۵ که به تفصیل آمده است.
 ۱۰۰۳/ الفَرهادجردی: الانساب، ۴۲۶ b دیده شود.
 ۱۰۰۴/ زکریا بن داود: تاریخ الاسلام، ۱۷۹ (۲۸۱-۲۹۰).
 ۱۰۰۵/ زکریا بن یحیی: تاریخ الاسلام، ۱۴۷ (۳۰۰-۲۹۱) و نیز الجواهر المصیفة که از حاکم نقل می‌کند.
 ۱۰۰۶/ الملا بادی: شاید الجلابادی یا الملقابادی، زیرا چنین نسبتی ظاهراً وجود نداشته است.

- ۱۰۰۷ / زکریایین دلویه: تاریخ الاسلام، ۱۲۷ (۲۹۱ - ۳۰۰).
- ۱۰۰۸ / البرنودی: تاریخ الاسلام، ۴۵۳ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۰۹ / زنجویه: تاریخ الاسلام، ۵۶۱ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۱۰ / سعید بن اسمعیل: تاریخ الاسلام، ۱۵۳ - ۱۲۹ (۲۹۱ - ۳۰۰).
- ۱۰۱۳ / سعید بن سعد: تاریخ الاسلام، ۱۵۳ (۲۹۱ - ۳۰۰).
- ۱۰۱۸ / شعیب بن ابرهیم: در تاریخ الاسلام، ۴۱۷ (۳۲۰ -)، به گونه‌ای بسیار مختصر شرح حالش آمده است و تخریج هم نشده است.
- ۱۰۲۱ / رمیح: اصل: رحیح، اصلاح از القند، شماره ۲۲۳ صفحه ۱۳۸.
- ۱۰۲۳ / عبدالله بن احمد: الانساب، ۳۲۹ ا.
- ۱۰۲۸ / عبدالله بن بحر: الانساب، ۳۷۶ ا.
- ۱۰۲۹ / عبدالله بن جعفر: تاریخ الاسلام، ۱۷۷ (۲۹۱ - ۳۰۰) در آنجا در نام نیاکان او غلاظ را ندارد.
- ۱۰۳۲ / عبدالله بن سلمة: تاریخ الاسلام، ۱۷۹ (۲۹۱ - ۳۰۰) و نیز الجواهر المضية، ۳۱۱/۲ بنقل از حاکم.
- ۱۰۳۳ / عبدالله بن سلیمان: تاریخ الاسلام، ۵۱۲ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۳۴ / عبدالله بن صالح: تاریخ الاسلام، ۱۶۲ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۳۵ / عبدالله بن علی: تاریخ الاسلام، ۲۱۲ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۳۶ / الکوکی: اصل: الرکنی بود، اصلاح از الانساب ۳۹۰ ب و تاریخ الاسلام، ۴۱۸ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۳۷ / عبدالله بن قتیبة: اللباب، ۱۳۳/۱ و الانساب، ۴۴۳ ا.
- ۱۰۳۹ / عبدالله بن محمد: تاریخ الاسلام، ۴۸۰ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۴۰ / التواریخ و العلل: ذهبی نیز می‌گوید: صنف کتاب «التاریخ» و العلل، تاریخ الاسلام، ۳ - ۱۸۲ (۲۹۱ - ۳۰۰). نیز فضایل بلخ، ۲۹۵.
- ۱۰۴۳ / عبدالله بن محمد: تاریخ الاسلام، نیای او را عمرو ضبط کرده است ۴۱۹ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۴۴ / القیراطی: الانساب، ۴۶۷ ب و تاریخ الاسلام، ۲۵۴ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۴۶ / السمنانی: تاریخ الاسلام، ۱۲۲ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۵۱ / الجرجانی: سبکی، ۳۴۲/۳ بنقل از طبقات وسطی
- در حاشیه ولی نام او در اصل بوده و جای ترجمه‌اش خالی مانده است. در هر دو کتاب طبقات کبری و طبقات وسطی، نام او عبدالله است. مصححان این ترجمه را تخریج نکرده‌اند و سبکی تصریح دارد که از حاکم نقل می‌کند.
- ۱۰۵۵ / عبدالرحمن بن محمد: یک نفر عبدالرحمن بن محمد بن عقیل در تاریخ الاسلام، ۲۱۴ (۲۹۰ - ۲۸۱) با کنیه ابوالقاسم و به عنوان اکبر الاخوه، از شاگردان اسحق بن راهویه، آمده است. احتمالاً هم او است.
- ۱۰۵۶ / عبدالرحمن بن الحسین: تاریخ الاسلام، ۲۵۵ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۵۸ / البزديغری: رجوع شود به الجواهر المضية، ۳۷۸/۲ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۱۰۵۹ / خراش: در سیر اعلام النبلاء ۵۰۸/۱۳ خراس آمده است.
- ۱۰۶۲ / عبدالصمد بن هرون: تاریخ الاسلام، ۲۱۵ (۲۹۰ - ۲۸۱) و نیز الانساب ۴۸۶ ب متن ما ذهبی را تکمیل می‌کند.
- ۱۰۶۶ / علی بن احمد: تاریخ الاسلام، ۶۳۲ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۶۸ / علی بن الحسن: در تاریخ الاسلام، ۲۰۷ - ۲۰۸ (۳۰۰ - ۲۹۱) علی بن الحسین ضبط کرده، ولی در بعضی نسخه‌های آن کتاب هم نام پدرش حسن است.
- ۱۰۷۱ / علی بن الحسن بن مهرا ن: تاریخ الاسلام، ۲۰۹ (۲۹۱ - ۳۰۰) در اینجا نیز ذهبی نام پدر را الحسین ضبط کرده است.
- ۱۰۸۰ / السبرتودی: در باب او مراجعه شود به ۷۶ ب الانساب و اللباب ۱۱۶/۱.
- ۱۰۸۳ / علی بن محمد: اصلاح و تکمیل از تاریخ الاسلام، ۵۴۴ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۸۵ / علی بن محمد بن الصلا: تاریخ الاسلام، ۴۸۰ (۳۲۰ - ۳۰۱).
- ۱۰۸۷ / العمی: اصل: القمی، اصلاح از الجواهر المضية، ۶/۴/۲ که عیناً از حاکم نقل کرده و می‌گوید هكذا ذکره فی تاریخ نیشابور.
- ۱۰۹۱ / الخطمی: مراجعه شود به اللباب ۱/۳۸۰ و الانساب ۲۰۳ ب و همین متن حاضر شماره ۱۲۸۱ که برادرش موسی بن اسحق را معرفی می‌کند.

- ۱۰۹۴/ عمرو بن بشر: از تاریخ الاسلام، ۳۲۳ (۳۰۱-۳۲۰) تکمیل شد.
- ۱۰۹۷/ عمران بن موسی: تاریخ الاسلام، ۱۶۵ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۱۰۲/ قسم بن خلط: در اصل نام نیای او را قطی دارد که با توجه به سیر اعلام النبلاء ۵۴۴/۱۳ اصلاح شد به قطن.
- ۱۱۰۳/ اسحاق بن خسزیمه: تاریخ الاسلام، ۴۲۵ (۳۰۱-۳۲۰) و نیز میکی، که از حاکم نقل می‌کند.
- ۱۱۰۴/ محمد بن اسحاق: تکمیل و اصلاح از تاریخ الاسلام ۲۶۲ (۳۰۱-۳۲۰) در صیغی ۱۰۸/۳ نیز همان افزوده ذهبی وجود دارد و سال وفات او نیز ۳۱۳ است و کنیه را ابوالعباس نوشته است.
- ۱۱۰۶/ المنتوق: در تاریخ الاسلام، ۲۵۱ (۳۰۰-۲۹۱) که مصحح کتاب لقب او را بلفظ المؤلف خوانده است نیز مراجعه شود به الانساب، ۵۲۸۵.
- ۱۱۰۷/ السجری: اصل: السجری.
- ۱۱۱۳/ الصباح: تاریخ الاسلام، ۲۵۱ (۳۰۰-۲۹۱).
- ۱۱۱۴/ محمد بن اسحاق: درباره او مراجعه شود به تاریخ بیهق، ۱۵۸ که می‌گوید اهل دیه گلین است.
- ۱۱۲۴/ محمد بن ابرهیم: در تاریخ الاسلام، ۲۴۰ (۳۰۰-۲۹۱) نام نیای او سعد آمده است و یک نفر ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن سعید العبیدی هم در صفحه ۲۳۵ (۳۰۰-۲۹۱) آمده است که قابل یادآوری است.
- ۱۱۲۹/ محمد بن احمد: تاریخ الاسلام، ۲۵۰ (۳۰۰-۲۹۱).
- ۱۱۳۲/ محمد بن احمد: در تاریخ الاسلام، ۲۵۰-۲۴۹ (۲۹۰-۲۸۱) نیز جای نام نیای او خالی است فقط محمد بن احمد آمده است و همین شخص است که قاضی عمرو بن لیث بوده است. تکمیل نام او از الجواهر المفضیة، ۸۲/۳ که از حاکم نقل کرده است.
- ۱۱۴۴/ الرذائسی: اصل: الرذغسی بود اصلاح از تاریخ الاسلام، ۴۵۸ (۳۰۱-۳۲۰) در آنجا احمد بن ابی عون آمده که بلحاظ زبان و قواعد ادب درست همان است اما تصور می‌کنم غلم بالغلبه به همین شکل بوده است و از تصرفات فارسی‌زبانان به همین دلیل آن را تغییر ندادم. در نسبت او، ابن ماکولادر الاکمال ۲۳۶/۴، الرئانی آورده است و
- ذهبی الرذائی، رذان یارتان به گفته ذهبی از اعمال نیشابور است حاشیه ذهبی دیده شود. ۴۵۹ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۱۴۷/ محمد بن جمعة بن الخلف: در تاریخ الاسلام، ۴۶۵ (۳۰۱-۳۲۰) خلف بدون «ال» در نسخه اصل ما: الخلف.
- ۱۱۵۲/ محمد بن حمدان: تاریخ الاسلام، ۲۸۶ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۱۶۶/ محمد بن داود: تاریخ الاسلام، ۹۸ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۱۶۷/ محمد بن دلویه: همانجا، عیناً.
- ۱۱۷۱/ محمد بن رومی: تاریخ الاسلام، ۲۱۷ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۱۷۲/ محمد بن رمیح: اصل: بریح به قیاس دیگر نامهای همین خانواده به رمیح اصلاح شد با اینکه نام نیای او نوبع مشخص نشد.
- ۱۱۷۵/ البرزیدیری: اصل: البردیدی اصلاح از الجواهر المفضیة، ۱۵۷/۳ که تفصیل احوال او را از حاکم نقل می‌کند.
- ۱۱۷۷/ محمد بن زنجویه: تاریخ الاسلام، ۹۸ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۱۷۸/ الریقبانی: در تاریخ الاسلام، ۵۰۱ (۳۰۱-۳۲۰) ترجمه او آمده است ولی نسبت او را ندارد و ذهبی همیشه به هنگام تلخیص مطالب تاریخ نیشابور، در توجه به اعلام جغرافیایی و ضبط انساب کوتاهی دارد.
- ۱۱۷۹/ محمد بن معدویه: مراجعه شود به تاریخ بیهق، ۱۵۹ که می‌گوید از دیه نزلاباد است.
- ۱۱۸۰/ محمد بن سفیان: در اصل: سان النیسابوری، اصلاح که به اتکای تاریخ الاسلام، ۴۴۰ (۳۰۱-۳۲۰) آمده چندان قطعی نیست در باب چندابیه به تعلیقات بخش دیگر کتاب ما مراجعه شود.
- ۱۱۸۳/ الدلال: تاریخ الاسلام، ۴۴۰ (۳۳۰-۳۲۱) دیده شود.
- ۱۱۸۵/ محمد بن سلیمان: تاریخ الاسلام، ۲۷۰ (۳۰۱-۳۲۰) دیده شود.
- ۱۱۸۹/ محمد بن سعید: تاریخ الاسلام، ۵۷۱ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۱۹۲/ جند فرجی: اصل: جند فرح، اصلاح از اللباب، ۲۴۰/۱.
- ۱۱۹۳/ محمد بن شادان: مصحح تاریخ الاسلام، ۴۲۶

- ۱۲۶۷/ محمد بن نصر: تاریخ الاسلام، ۳۰۱ (۳۰۰-۲۹۱) و نیز الجواهر المضمیة، ۲/۳۸۲ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۱۲۶۸/ محمد بن نصر: تاریخ الاسلام، ۳۲۵ (۲۵۱-۲۶۰).
- ۱۲۷۲/ محمد بن یحیی: تاریخ الاسلام، ۴۷۰ (۳۲۰-).
- ۱۲۷۲/ محمد بن یاسین، ابوبکر: تاریخ الاسلام، ۳۰۴ (۲۹۱-۳۰۰).
- ۱۲۷۵/ محمد بن یاسین ابواحمد: تاریخ الاسلام، ۲۴۴ (۳۲۰-۳۰۱) از مقایسه نام این دو برادر معلوم می‌شود که هر دو یک نام دارند و تفاوت آنها در کنیه است.
- ۱۲۸۱/ الخسطی: اصل: الحطیمی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۱۳ (۲۹۱-۳۰۰) و نیز الانساب ۲۰۳۵ و مقایسه شود با شماره ۱۰۹۱ متن ما.
- ۱۲۸۳/ موسی بن محمد: تاریخ الاسلام، ۳۱۴ (۲۹۱-۳۰۰).
- ۱۲۸۵/ موسی بن الحسین: در تاریخ بیهق، ۱۲۳ می‌گوید از دیه هدیه است.
- ۱۲۸۶/ مسضار بن ابرهیم: تاریخ الاسلام، ۳۱۲ (۲۹۱-۳۰۰).
- ۱۲۸۷/ ابو زجانی: اصل: انورجانی، از آنجا که چنین نسبتی وجود ندارد و بوزجان یکی از ولایات نیشابور گنهن است به بوزجان اصلاح شد در بسیاری متون دیگر نیز بوزجانی به نورجانی تصحیف شده است.
- ۱۲۹۳/ مسند دین قسطن: در تاریخ الاسلام، ۳۱۰ (۲۹۱-۳۰۰) مسور قرانت شده است و ظاهراً غلط است، در همان کتاب ۸۱ (۳۲۰-۳۰۱) به صورت درست آمده است.
- ۱۲۹۴/ مؤمل: اصل: موقل، اصلاح و تکمیل از تلخیص سیر اعلام النبلاء ۳۳۳ و نیز تاریخ الاسلام ۵۹۲ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۲۹۵/ هزیمه: شاید هرثمه؟
- ۱۳۰۷/ هارون بن عبدالعسجد: در تاریخ الاسلام، ۳۱۷ (۲۱۸-۱۹۰) و نیز در الانساب ۲۵۰۵.
- ۱۳۱۲/ یحیی بن زکریا بن حمرب: تاریخ الاسلام، ۳۲۸ (۲۸۱-۲۹۰).
- ۱۳۱۲/ یحیی بن زکریا بن یحیی: تاریخ الاسلام، ۲۲۶ (۳۰۱-۳۲۰).
- (۳۰۱-۳۲۰) شاذل خواننده و به العبر، ۲/۱۵۰ و سیر اعلام النبلاء ۱۴/۲۶۳ و تاج العروس و شذرات الذهب ارجاع داده است.
- ۱۲۰۰/ محمد بن الصباح: تاریخ الاسلام، ۲۷۱ (۳۰۰-۲۹۱).
- ۱۲۰۲/ محمد بن صالح: به همان مرجع قبلی مراجعه شود.
- ۱۲۰۵/ محمد بن طاهر: ذهبی ازو بعنوان محمد بن طاهر بن حسین بن مصعب بن عبدالله بن طاهر یاد می‌کند تاریخ الاسلام، ۲۷۲ (۳۰۰-۲۹۱).
- ۱۲۰۷/ محمد بن عبدالله: تاریخ الاسلام، ۲۱۸ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۲۲۵/ محمد بن عمرو: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۱۴۹ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۲۲۷/ محمد بن علی: تاریخ الاسلام، ۲۶۱ (۳۰۱-۳۲۰) در آنجا نام نیای او را الحسین ضبط کرده‌اند.
- ۱۲۳۷/ القطان: تاریخ الاسلام، ۴۸۳ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۲۴۰/ محمد بن علی: اصلاح از تلخیص سیر اعلام النبلاء، ۲۵۸۳.
- ۱۲۴۱/ الطایی: شاید، الطا [برانی] درست باشد به قرینه طوسی بودن او و اینکه چنین نسبتی، ظاهراً، جایی دیده نشده است.
- ۱۲۴۲/ محمد بن علی: تاریخ الاسلام، ۶۲۲ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۲۴۸/ محمد بن فوزا: در تاریخ الاسلام، ۲۸۹ (۲۹۱-۳۰۰) القور آمده است.
- ۱۲۵۰/ محمد بن قبیصه: تاریخ الاسلام ۱۷۲/۲۳.
- ۱۲۵۳/ محمد بن کرام: سبکی، ۵/۲-۳۰۴ در ذیل احوال ابوسعید داری از حاکم نقل می‌کند و نشان می‌دهد که حاکم با تجلیل بسیار ازو سخن گفته بوده است.
- ۱۲۵۵/ محمد بن محمد: تاریخ دمشق، ۲۳/۱۸۵ و سیر اعلام النبلاء ۱۳/۲۹۲ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۱۲۵۶/ مسمحمد بن المصیب: تاریخ الاسلام، ۵۰۲ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۲۵۷/ محمد بن المنذر: سیر اعلام النبلاء، ۱۴/۲۲۱.
- ۱۲۶۵/ محمد بن نصر: تاریخ الاسلام، ۲۹۵ (۲۹۰-۳۰۰) دیده شود و نیز سبکی ۲/۲۵۵-۲۲۶ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۱۲۶۶/ المدنی: در تاریخ الاسلام، ۲۹۲ (۲۸۱-۲۹۰) متن ما ذهبی را تکمیل می‌کند.

- ۱۳۱۶/ یحیی بن مختار: برای تفصیل احوال او رجوع شود به تاریخ الاسلام، ۳۳۲ (۲۹۰-۲۸۱).
- ۱۳۲۲/ یعقوب بن یوسف: تاریخ الاسلام، ۲۳۸ (۲۸۱-۲۹۰).
- ۱۳۲۶/ یعقوب بن اسحاق: تاریخ الاسلام، ۵۲۵ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۳۲۷/ حموک: استاد فرای در *The Histories of Nishapur P. 12* حموک را با جاموک مرتبط کرده و می‌گوید جموک یک نام ایرانی کهن است که از ترکی به وام گرفته شده است *Yabryu* و می‌گوید: من درین باره مقاله‌ای دارم با این مشخصات: R. N. Frye: "Some Early Iranian titles" in *Oriente 15* (1965) 356.
- مصحح این کتاب در اصالت رأی و اصابت نظر استاد فرای تردید دارم و حموک را در ردیف «حمویه» از نام‌های دوره اسلامی رایج در خراسان می‌بینم.
- ۱۳۲۸/ یوسف بن یعقوب: تاریخ الاسلام، ۹۵ (۳۳۰-۳۲۱) و نیز ۲۷۱ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۳۳۰/ الماکیانی: درباره او، الانساب، ۵۰۳۸ دیده شود.
- ۱۳۳۴/ احمد بن ابراهیم: الانساب، ۱۴۹ a و تاریخ الاسلام، ۵۲۷ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۳۳۵/ احمد میدانسی: درباره او تاریخ الاسلام، ۲۸۸ (۳۰۱-۳۲۰) و الانساب ۶۶۸ دیده شود. وی به عنوان بجزستانی در الانساب آمده و ظاهراً از مشایخ کرابته بوده است.
- ۱۳۴۳/ احمد بن حمدویه: تاریخ الاسلام، ۴۸۸ (۳۰۱-۳۲۰) بنا بر نقل ذهبی از خاندان قاضی است.
- ۱۳۴۸/ احمد بن السری: تاریخ الاسلام، ۱۴۴ (۳۳۰-۳۲۱) و در مورد کالماباد تاریخ بیهق، ۳۶ دیده شود.
- ۱۳۵۴/ الجلودی: تاریخ الاسلام، ۲۲۷ (۳۳۰-۳۲۱).
- ۱۳۵۵/ احمد بن علی: در مورد سال وفات او، در اصل روی خمس خط کشیده شده است، در باب او تاریخ الاسلام، ۴۸۹ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۳۵۸/ احمد بن محمّد: در باب او مراجعه شود به الانساب، در الشرفی و نیز اللباب و تاریخ الاسلام، ۱۶۵ (۲۹۱-۳۰۰) عبارت «منسوبة اليه» را بقرینه
- افزودم. در سبکی ۲/۳-۲۱ نیز نام نیای او حسن است.
- ۱۳۶۰/ احمد بن محمد بن سعید: تاریخ الاسلام، ۵۰۷ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۳۶۵/ الحجزی: اصل: السحری، چون نسبت السحری نبود، اصلاح شد و حدسی است.
- ۱۳۶۷/ زنجویه: اصل: ربحویه، اصلاح قیاسی است در مورد نسبت او، الموارینی هیچ اطلاعی بدست نیاردم و ظن متناخم به یقین دارم که تصحیف کلمه‌ای دیگر است.
- ۱۳۶۸/ الشاشی: اصل: الساسی بود، تصحیح قیاسی است.
- ۱۳۶۹/ بشر بن الحکم: اصل: بسر الحکیم بود، اصلاح قیاسی است مراجعه شود به شماره ۳۰۵ همین کتاب.
- ۱۳۷۰/ الخداسی: اصل: الخداسی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۲۰ (۳۳۰-۳۲۱).
- ۱۳۷۳/ الخشاب: اصل: الجشاب، تاریخ الاسلام، ۲۷۸ (۳۳۰-۳۲۱) دلیل نسبت الخشاب را آورده است و نیز اللباب ۳۷۲/۱ که می‌گوید وی ازین نسبت ناخشنود بود.
- ۱۳۸۴/ الکردی: مصحح تاریخ الاسلام، ۲۰۰ (۳۳۱-۳۵۰) نام نیای او را سعد آورده است.
- ۱۳۸۷/ الخداسی: در باب او مراجعه شود به الانساب، ۱۹۰۵ و الجواهر المضية، ۱/۹۸ که از حاکم نقل کرده است.
- ۱۳۹۰/ مرشد: چنین است اصل، شاید: مرثد؟
- ۱۳۹۲/ قیصه: شاید قیصه.
- ۱۳۹۹/ ابراهیم بن عبدالله: اصل: و لقب عبید بن عبدوس که غلط است اصلاح از ذهبی. نسبت الحرشی را که در نیشابور نسبتی است بسیار رایج مصحح ذهبی الحرسی آورده است. در نام نیاکان او، در اصل احمد بن جعفر بود به احمد بن حفص اصلاح شد، تاریخ الاسلام، ۱۸۸ (۳۳۱-۳۳۰).
- ۱۴۰۰/ اسمعیل بن ابراهیم: نام نیای او در اصل عمال بود که به عمار اصلاح شد با توجه به تاریخ الاسلام، ۵۵۷ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱/۱۴۱۰ و ۲ ابوالنضر: در اصل، در سطر اول، ابونصر

- ۱۴۵۳/ عبداللّٰه بن محمد بن صبیح: تاریخ الاسلام، ۴۹۶ (۳۲۰-۳۰۱) بسیار مختصر و بدون تخریج.
- ۱۴۵۴/ عبداللّٰه بن الفضل: تاریخ الاسلام، ۱۴۹ (۳۵۰-۳۳۱) دیده شود.
- ۱۴۵۶/ الذّٰهان: مقایسه شود با شماره ۱۰۳۹ و تاریخ الاسلام، ۴۸۰ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۱۴۵۷/ عبداللّٰه بن محمد: در تاریخ الاسلام، ۱۵۰ (۳۳۰)، نام نیای او و اصل آمده است.
- ۱۴۶۰/ [عبداللّٰه بن] محمد: افزوده در [] قیاسی است از طریق ردیف نام‌ها.
- ۱۴۶۱/ عبداللّٰه منازل: تاریخ الاسلام، ۵۵ (۳۵۰-۳۳۱) و این مطلب که حاکم درباره او نقل می‌کند، ظاهراً در هیچ یک از متون رجالی و عرفانی نیامده است.
- ۱۴۶۲/ التّیذنی: اصل: البرلمری، اصلاح از الانساب، ۷۹.
- ۱۴۶۶/ الداهونی: الانساب، ۲۱۹b و اللباب ۴۰۶/۱ ولی در آن دو کتاب نسبت البحاری را ندارد.
- ۱۴۶۵/ عبداللّٰه بن حمشاد: تاریخ الاسلام، ۶۰۷ (۳۱۰-). دیده شود که مصحح نتوانسته است او را تخریج کند متن ما کاملتر است نیز رک: الانساب ۵۷۲b.
- ۱۴۶۸/ الزّیّری: درباره او، الانساب ۵۷۸b دیده شود.
- ۱۴۷۵/ عبداللّٰه بن یعقوب: اصل: عبداللّٰه بن اسحق بن یعقوب الکرمانی و غیره [!] اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۰۲ (۳۵۰-۳۳۰) و تلخیص سیر اعلام النبلاء، شماره ۳۰۵۷.
- ۱۴۷۶/ الشّرقی: مصحح تاریخ الاسلام، نام نیای او را الحسن خوانده که اعتمادی بر ضبط او نیست، تاریخ الاسلام، ۲۳۰ (۳۳۰-۳۲۱) ضمناً مصحح سندی برای تخریج این نام نیافته است مقایسه شود با شماره ۱۳۵۶ چاپ حاضر.
- ۱۴۸۱/ عبیداللّٰه بن یعقوب: تاریخ الاسلام، ۹۰ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۴۸۴/ بُعُوخَک: درباره او و نام قریه بُعُوخَک مراجعه شود به الانساب، ۸۶b و اللباب ۱۳۳/۱.
- ۱۴۸۹/ الاسترآیادی: سبکی، ۷/۳-۳۳۵ به نقل از حاکم.
- ۱۴۹۳/ ابن علق: اصل: علل، اصلاح و تکمیل از سیر اعلام النبلاء، ۲۴۳/۱۵.
- ۱۴۹۴/ القنارزی: در باب او الانساب، ۴۶۲b دیده شود.
- بود و در سطر دوم ابوالنصر به ابوالنصر اصلاح شد که قاعده‌های عام است که وقتی این کنیه با الف و لام باشد باید به ضاد، کتابت شود نه به صاد. این قاعده را در سراسر کتاب اعمال کردیم.
- ۱۴۱۱/ بکر بن عبدالله: اصل: ابوبکر بود که به ابی بکر اصلاح شد و نسبت او نیز در اصل الحنّال بود، اصلاح از اللباب ۲۷۳/۱.
- ۱۴۱۴/ جعفر بن محمد: اصل: بحر بن الشیمی بود، اصلاح از ذهبی تاریخ الاسلام، ۵۳۴ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۱۴۱۵/ الغازی: مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۵۲۳ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۱۴۱۶/ الحسن بن محمد: اصل: الحسین بود، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۴۹۱ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۱۴۱۸/ النصرآبادی: تاریخ الاسلام، ۲۸۰ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۱۴۲۲/ القنطری: اللباب، ۸/۳ و تاریخ الاسلام، ۵۲۵ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۱۴۳۵/ الضبی: تاریخ الاسلام، ۱۹۲ (۳۳۰-۳۲۱).
- ۱۴۳۶/ قطنان: مراجعه شود به الجواهرالمضیئة، ۲۹/۲ که با نسبت الشامانی از حاکم نقل می‌کند.
- ۱۴۳۷/ حامد بن محمود: اصل: ابی العباس بن کلیم، اصلاح به کلثوم از اللباب ۵۴۹/۱ و الانساب، ۳۰۱a و در مورد نسبت الشاهد به تعلیقات بخش دیگر مراجعه شود.
- ۱۴۴۰/ البرلودی: درباره او الانساب، ۷۶b دیده شود.
- ۱۴۴۲/ زکریّا بن محمد: تاریخ الاسلام، ۴۵۳ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۱۴۴۳/ دروان کوس: شاید دروان کوی با کوی ذروان شماره‌های ۲۷۲۲ و ۲۷۲۳ مرتبط باشد به تعلیقات شماره ۸/۲۷۲۲ مراجعه شود.
- ۱۴۴۴/ سلیمان بن داود: تاریخ الاسلام، ۶۰۶ (۳۲۰-۳۰۱) دیده شود.
- ۱۴۴۶/ سفیان بن محمد: تاریخ الاسلام، ۲۰۵ (۳۳۱-۳۳۰).
- ۱۴۴۷/ الدیز: اصلاح قیاسی است، اصل: الدیر.
- ۱۴۴۹/ الراوسانی: معجم البلدان، ۱۹/۳ دیده شود.
- ۱۴۵۰/ القلیقی: اصل: البلقی، اصلاح از اللباب، ۲۲۱/۲ و الانساب ۴۳۱b.
- ۱۴۵۱/ عبداللّٰه بن محمد: تاریخ الاسلام، ۴۹۳ و ۵۱۸ (۳۲۰-۳۰۱).

- ۱۴۹۶/ الزیعی: مراجعه شود به الانساب، ۲۸۳ب.
- ۱۴۹۸/ علی بن ابرهیم: تاریخ الاسلام، ۹۰ (۳۳۱-۳۵۰) دیده شود.
- ۱۵۰۲/ السنجانی: سبکی، ۳/۴۴۴۵ از حاکم نقل کرده و در آنجا نام پدرش حسن است و همچنین در الباب، ۱/۵۶۹ و معجم البلدان، ۳/۲۶۳.
- ۱۵۰۶/ الطلحی: سبکی، ۵/۲۹۲ نوشته: «نزیل نیسابور. فقیه ادیب، شاعر. قال الحاکم» و بعد هیچ مطلبی نقل نمی‌کند نه در طبقات کبری و نه در طبقات وسطی.
- ۱۵۰۹/ عبدوس: تاریخ الاسلام، ۱۰۵ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۵۱۰/ عمرو بن عبدالله: تاریخ الاسلام، ۱۰۹ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۵۱۲/ محمد آبادی: تاریخ الاسلام، ۴۳۶ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۵۱۳/ الفرد آبادی: تاریخ الاسلام، ۱۹۳ (۳۲۱-۳۳۰).
- ۱۵۱۴/ عباس بن محمد: اصل فوهبار، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۷۶ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۵۲۳/ الکوکی: مراجعه شود به الانساب ۵/۴۹۰.
- ۱۵۲۷/ محمد بن احمد: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۴۹۹ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۵۲۸/ محمد بن عبدالوهاب: تاریخ الاسلام، ۳۳۸ (۳۲۱-۳۴۰) و نیز سبکی، ۳/۶-۱۹۲ که به تفصیل از حاکم نقل می‌کند.
- ۱۵۳۰/ محمد بن محمد: تاریخ الاسلام، ۱۶۳ (۳۲۱-۳۳۰).
- ۱۵۳۲/ الخلیل: اصل: الجلیل، اصلاح و تکمیل از تاریخ الاسلام، ۸۰ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۵۳۳/ محمد بن حمدون: تاریخ الاسلام، ۶۱۱ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۵۳۴/ محمد بن عمرو: تاریخ الاسلام، ۱۶۳ (۳۳۱-۳۳۰) در ذمی تخریح نشده است.
- ۱۵۳۵/ محمد بن سعید: تاریخ الاسلام، ۱۷۹ (۳۲۱-۳۳۰).
- ۱۵۳۶/ محمد بن عبدالله: تاریخ بیهقی، ۱۱۹ و تاریخ الاسلام، ۵۰۱ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۴۵۰/ المذلی: الانساب، ۳۰۷.
- ۱۵۳۱/ محمد بن حمویه: تاریخ الاسلام، ۴۶۶ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۵۴۴/ المروزی: الانساب، ۵۳۴ a و تاریخ الاسلام، ۲۱۵ (۳۲۱-۳۳۰).
- ۱۵۴۷/ محمد بن شریک: تاریخ الاسلام، ۱۹۶ (۳۲۱-۳۳۰).
- ۱۵۴۹/ محمد بن عمران: اصل: السر مغولی، اصلاح از الانساب، ۳۳۵ و تاریخ الاسلام، ۸۲ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۵۵۰/ الاهباری: اصل چنین است: اهباری، تاریخ الاسلام، ۱۶۲ (۳۲۱-۳۳۰).
- ۱۵۵۳/ المسکی: در تاریخ الاسلام، ۵۵۱ (۳۰۱-۳۲۰) المسکی خوانده و غلط است و تخریح هم نکرده است. رجوع شود به الانساب ۵۳۰ a و الباب ۳/۱۳۸.
- ۱۵۵۴/ الجباخانی: الانساب، ۵/۱۲۰ دیده شود.
- ۱۵۶۶/ محمد بن عمرو: مقایسه شود با تاریخ الاسلام، ۱۶۲ (۳۲۱-۳۳۰) و نیز همان کتاب ۵۰۱ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۵۶۷/ الاکارعی: درباره او الانساب، ۴۷ a و الباب ۱/۶۵۱ دیده شود.
- ۱۵۶۸/ الزورآبدی: الانساب، ۲۸۰ a و تاریخ الاسلام، ۵۲۰ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۵۷۰/ محمد بن ابرهیم: در تاریخ الاسلام، ۵۴۵ (۳۰۱-۳۲۰).
- ۱۵۷۱/ محمد بن اسحق: اصل: محمد بن اسحق بن محمد بن. بن را حذف کردم در تاریخ الاسلام: محمد بن اسحق بن ابرهیم. شاید در اصل: ابرهیم بن محمد بوده است. تاریخ الاسلام ۳۵۸ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۵۷۸/ الصایغ: اصل: الصانع، اصلاح قیاسی است چون نسبت دیگری در این شکل وجود ندارد.
- ۱۵۷۹/ السیمرآبدی: درباره او الانساب، ۳۲۲ a و الباب ۱/۵۸۷ دیده شود.
- ۱۵۸۴/ الشخنانی: چنین نسبتی را نیافتم ولی مسلماً محله‌ای در نیشابور به نام شخان وجود داشته است. مراجعه شود به تعلیقات مربوط به شخته در بخش دیگر تعلیقات شماره ۷/۲۷۱۷.
- ۱۵۸۶/ البیلی: الانساب، ۱۰۰ b و نیز تاریخ الاسلام، ۲۸۸ (۳۲۱-۳۳۰) دیده شود.
- ۱۶۰۳/ محمد بن الحسن: اصل: انب ابی سعد. درین ترجمه احتمال افتادگی می‌رود.

- ۱۶۰۸/ النوبندجانی: اصل: الموبند حانی، اصلاح از الباب، ۲۴۱/۳.
- ۱۶۱۵/ الدغولی: در باب او مراجعه شود به الانساب، ۲۲۷ب و تاریخ الاسلام، ۱۷۸ (۳۳۰-۳۲۱) در سطر دوم متن ما عبارت اصل چنین بود: مستفید اعلی بن محمد.
- ۱۶۱۹/ اصل: بخیر.
- ۱۶۲۲/ محمد بن عبیدالله: تاریخ الاسلام، ۲۷۲ (۳۳۰-۳۲۱) نیز مقایسه شود با سبکی ۱۸۸۳ که نام پدر و نیاکان او را به گونه دیگر دارد.
- ۱۶۳۶/ الورای: کذا، شاید الورای.
- ۱۶۳۹/ الکنشی: اصل: الکنشی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۵۷۲ (۳۲۰-۳۰۱) در ذهبی کتبه او ابو نصر است.
- ۱۶۴۱/ موسی بن العباس: تاریخ دمشق، ۲۹۳/۵ دیده شود.
- ۱۶۴۲/ مکی بن عبدان: تاریخ الاسلام، ۱۸۱ (۳۳۰-۳۲۱).
- ۱۶۴۳/ البردعی: اصل المردهی.
- ۱۶۴۴/ الزمی: درباره او رجوع شود به الباب در ماده زمی، ۵۰۸/۱ و نیز الانساب، ۲۷۸ب که از الحاکم نقل کرده اند.
- ۱۶۴۶/ یحیی بن محمود: تاریخ الاسلام، ۵۵۳ (۳۲۰-۳۰۱) در آنجا تخریح نشده و نام نیای او عبیدالله بجای عبدالله آمده است.
- ۱۶۴۷/ یحیی بن محمد: تاریخ الاسلام، ۴۸۷ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۱۶۵۱/ یعقوب بن محمود: تاریخ الاسلام، ۴۸۷ (۳۲۰-۳۰۱).
- ۱۶۵۶/ احمد بن اسحق: تاریخ الاسلام، ۲۵۶ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۶۵۷/ الصیدلانی: تاریخ الاسلام، ۱۴۴ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۶۵۸/ احمد بن ابرهیم: تاریخ الاسلام، ۴۸۹ (۳۸۰-۳۵۱) و نیز سبکی ۷۸/۳ که از حاکم نقل می کند.
- ۱۶۵۹/ العبدوی: تاریخ الاسلام، ۱۸۴ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۶۶۱/ احمد بن ابرهیم: معجم الادب، ۱۷۳.
- ۱۶۶۴/ الهذلی: تاریخ الاسلام، ۹۱ (۴۰۰-۳۸۱) اصل: من سدوس.
- ۱۶۶۶/ ابو حامد المرزکی: تاریخ الاسلام، ۱۱۵ (۴۰۰-۳۸۱).
- ۱۶۶۸/ العفصی: اصل: العفصی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۷۲ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۶۶۹/ احمد بن بندار: تاریخ الاسلام، ۴۷ (۴۰۰-۳۸۱).
- ۱۶۷۲/ احمد بن الحسن: تاریخ الاسلام، ۱۷۳ (۳۵۱-۳۸۰).
- ۱۶۷۵/ احمد بن الحسن: به صورت: احمد بن الحسن بن بندار ابوبکر الطرسوسی در تاریخ الاسلام، ۱۹۳ (۴۰۰-۳۸۱) آمده و تخریح هم نشده است و احتمالاً یا غلط کتاب است یا اشتباه مصحح آن کتاب.
- ۱۶۷۸/ احمد بن حسین بن مهران: در معجم الادب، ۲۳۳ تفصیل احوال او آمده است و داستان به خواب دیدن وی پس از مرگش و اینکه خداوند ابوالحسن عامری فیلسوف را فدای او از آتش کرد، آمده است و احتمالاً باقوت ابن مسأله را از نسخه اصل تاریخ نیشابور الحاکم نقل کرده است. نیز تاریخ الاسلام، ۲۷ (۴۰۰-۳۸۱).
- ۱۶۸۰/ القامی: در تاریخ الاسلام، ۹۱ (۴۰۰-۳۸۱) بدون تخریح آمده است.
- ۱۶۸۱/ حسکویه: دکتر کریمی حسکویه «را» محکومه خوانده و فرای «حسنویه» پیشنهاد کرده است در صورتی که متن آشکارا «بلقب حسکویه» است و از آنجا که نام حسکویه درین عصر و در نیشابور رواج داشته ما حسکویه را انتخاب کردیم. برای حسکویه مراجعه شود به السیاق، تلخیص دوم ۸۳۵، ۳۲۵ و تلخیص اول ۳۸۵ و تعلیقات اسرار التوحید ۶۷۰/۲.
- ۱۶۸۲/ احمد بن الحسن: تاریخ الاسلام، ۵۳۴ (۳۵۱-۳۸۰).
- ۱۶۸۶/ احمد بن الخضر: تاریخ الاسلام، ۲۸۹ (۳۳۱-۳۵۰).
- ۱۶۹۰ و ۱۶۹۱/ احمد بن محمد بن سعید: در اصل شماره های ۱۶۹۰ و ۱۶۹۱ بدین صورت آمده است: احمد بن سلیمان بن اسمعیل، ابوالحسن بن نوح ابوسعید الحیری النیسابوری و کان من الصالحین، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۸۴ (۳۵۰-۳۸۰) نیز سبکی، ۴۲/۳ دیده شود که از حاکم نقل می کند.
- ۱۶۹۲/ احمد بن سعید: در تاریخ الاسلام، ۲۷۲ (۳۳۱-۳۵۰) کتبه او ابوالحسن آمده است.

افتادگی داشته از طبقات وسطی او، از حاکم نقل کرده‌اند.

۱۷۳۱/ البلادی: تاریخ الاسلام، ۱۸۷ (۳۵۰-۳۱) و نیز تذکرة العاقل، شماره ۸۶۰

۱۷۳۲/ الاسماعیلی: تاریخ الاسلام، ۱۸۷ (۳۵۰-۳۳۱) بدون تخریج.

۱۷۳۳/ المزکی: مراجعه شود به الجواهر المضية، ۲۷۰/۱ که از حاکم نقل می‌کند.

۱۷۳۵/ الخسروچردی: تاریخ بیتهی، ۱۶۰ که اطلاعات مهم درباره او دارد.

۱۷۳۷/ المتکلم: تاریخ الاسلام، ۱۸۹ (۳۵۱-۳۸۰).

۱۷۳۸/ الکیمی: در باب رأس الاوقه به تعلیقات شماره ۲۷۲۲ مراجعه شود. و در باب احمد بن محمد رجوع شود به الانساب، ۴۸۵۸.

۱۷۴۴/ الصندوقی: تاریخ الاسلام، ۶۵۵ (۳۵۱-۳۸۰).

۱۷۴۵/ احمد بن محمد بن بالویه: در تاریخ الاسلام، ۶۴۲ (۳۵۱-۳۸۰) مصحح این کلمه را با کوبه آورده و متن را که بالویه بوده است به حاشیه برده است.

۱۷۴۶/ الزردی: معجم الادباء، ۲۶۳ دیده شود. در تاریخ الاسلام، ۵۹ (۴۰۰-۳۸۱) الزردی خواننده است. بدون تخریج.

۱۷۴۷/ الخاوارزجی: نام نیای او در اصل خالی است و در تمام مراجع هم که ذکر او رفته نام او و نام پدرش آمده است، فقط معجم الادباء، ۶۴۱.

۱۷۴۸/ الزوزنی: تاریخ الاسلام، ۵۶۹ (۳۸۰-۳۵۱) کنیه او ابو حامد آمده است بدون تخریج.

۱۷۵۰/ الحاتمی: تاریخ الاسلام، ۹۲ (۴۰۰-۳۸۱) بدون تخریج، ظاهراً «ابوالحسن» یا «ابوحاتم» خطای کاتب است. سبکی ۴۱/۳ در طبقات الکبری نام او را آورده و جای زندگینامه او را خالی گذاشته است اما در طبقات الوسطی (منقول در حاشیه طبقات کبری) صورت درست نام او را دارد: احمد بن محمد بن حاتم الفقیه ابو حاتم المرزکی من اهل طبران. بعد مطالبی از حاکم درباره او نقل می‌کند و باز در همان جا ۴۶/۳ در ذیل نام احمد بن محمد بن عبدوس بن حاتم - که در متن خالی است - در حاشیه از طبقات وسطی نقل کرده‌اند: احمد بن محمد بن عبدوس بن حاتم الفسفی

۱۶۹۴/ احمد بن سهل: تاریخ الاسلام، ۷۳ (۴۰۰-۳۸۱) دیده شود.

۱۶۹۷/ المزنی: سبکی ۱۷/۳۰ و الانساب ۵۲۷۵ در نام نیای او متن ما باید اصلاح شود: حسان بن عبداللّه بن محمد بن عبداللّه بن معقل.

۱۶۹۹/ الذّهلی: تاریخ الاسلام، ۲۷۳ (۳۵۰-۳۳۱) نسبت او را مصحح کتاب الذبیلی خوانده است و سندی هم برای آن ارائه نداده است.

۱۷۰۱/ الطرافی: سبکی، ۱۷/۳ و الانساب ۳۷۰۵.

۱۷۰۶/ ابو حامد التاجری: تاریخ الاسلام، ۴۳۱ (۳۵۰-۳۳۱).

۱۷۰۸/ السلیمانی: اصل: السلیمن، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۹۶ (۴۰۱-۴۲۰) نیز سبکی، ۲/۴-۴۱ به نقل از حاکم

۱۷۰۹/ عبدوس: در تاریخ الاسلام، ۳۲۱ (۳۳۱-۳۵۰) عبدش آمده و در آنجا تخریج نشده است.

۱۷۱۷/ القبانی: در باب نیای او مراجعه شود به اللیاب، ۲۲۰/۲ و الانساب ۴۴۰۵ و التکید، ۳۰۲/۱.

۱۷۱۸/ احمد بن کوفی: مراجعه شود به ذکر اخبار اصبهان، ۱۳۹/۱.

۱۷۲۰/ العبدی: در تاریخ الاسلام، ۳۴۵ (۳۵۰-۳۳۱) و نیز ۳۳۷ (۴۰۰-۳۸۱) العززی آورده است.

۱۷۲۱/ ابوالطیب الضعلوکی: اصل: حمد و اصلاح از ذهبی، گرچه حمد و محمد یک کلمه است چون در مراجع دیگر هم محمد آمده است از باب احتیاط اصلاح شد مراجعه شود به الانساب ۲۵۲۵ و نیز تاریخ الاسلام، ۱۲۵ (۳۳۱-۳۵۰) نیز سبکی ۴/۳-۲۳ که از حاکم نقل می‌کند.

۱۷۲۲/ قاضی الحرمین: تاریخ الاسلام، ۵۰ (۳۵۱-۳۸۰) و بجای امام الکوفیین عنوان مشابه آن را که شیخ الحنفیة فی زمانه است آورده است و نیز الجواهر المضية، ۵/۱-۲۸۷ که به تفصیل از حاکم نقل می‌کند.

۱۷۲۶/ الطیبی: سبکی، ۵۴/۳-۴۴ شرح حال او را از حاکم نقل کرده است در طبقات وسطی ولی در طبقات کبری جای ترجمه او را خالی گذاشته است.

۱۷۲۸/ الجلابادی: تاریخ الاسلام، ۱۵۶ (۳۵۰-۳۳۱).

۱۷۲۶/ السلیطی: سبکی، ۵۴/۳ متن طبقات کبری،

۱۷۸۷/ المذکر: تاریخ الاسلام، ۳۳۴ (۳۸۰-۳۵۱) دیده شود.

۱۷۹۲/ الفرایضی: درباره او الانساب ۴۲۱b و اللباب، ۲۰۱/۲ دیده شود.

۱۷۹۴/ النصیبی: تلخیص سیر اعلام النبلاء، شماره ۳۶۴۵ و نیز تاریخ الاسلام، ۱۱۷ (۴۰۰-۳۸۱).

۱۷۹۶/ احمدین هرون: تاریخ الاسلام، ۱۷۱ (۳۵۰-۳۳۱) بدون تخریج و نیز الجواهرالمضیئة، ۱/۳۴۳ که از حاکم نقل کرده و نسبت او را العزنی خوانده است و مصحح در حاشیه یادآور شده که در ترجمه پسرش ابن نسبت المزکی است نیز اللباب ۱/۱۶۸ و الانساب ۱۰۳ در الثبان.

۱۷۹۷/ الثقفی: تاریخ الاسلام، ۱۸۷ (۳۵۰-۳۳۱).

۱۷۹۷/ احمدین یعقوب: در تاریخ دمشق ۳/۳۲۷ نام و نام نیاکان او چنین آمده است: احمدین یعقوب بن عبد الجبار بن بفاطرن مصعب بن سعید بن مسلمة، ابوبکر القرشی الاموی الجرجانی.

۱۸۰۲/ ابرهیمک: تاریخ الاسلام، ۱۵۶ (۳۵۰-۳۳۱) بدون تخریج. در نسخه اصل ما: خشاوزه بود که از رهگذر اللباب ۱/۳۷۲ و الانساب ۱۹۹b اصلاح شد.

۱۸۰۳/ الابزازی: اصل: الفزازی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۲۱ (۳۵۱-۳۸۰) ولی احتمال آن هست که الفزازی تصحیف الفزازی باشد و الفزازی شکلی از الفزازی / الابزازی.

۱۸۰۸/ اللغوی: معجم الادباء، ۵۱ دیده شود.

۱۸۱۰/ الفقیه: مراجعه شود به الجواهرالمضیئة، ۱/۷۷ که او را با نسبت العزری از حاکم نقل می کند.

۱۸۱۱/ ابراهیم بن سیمجور: الفتح الوهیبی ۱/۱۵۲ به بعد و ترجمه تاریخ یمنی ۸۳ به بعد و اللباب ۱/۵۸۹ و الانساب b و ۳۲۳a که به تفصیل تمام از حاکم نقل می کند و نشان می دهد شرح حال مفصلی از او در تاریخ نیشابور حاکم بوده است. نیز شماره ۲۲۹۹ متن حاضر.

۱۸۱۲/ ابرهیم بن عصمة: تاریخ الاسلام، ۲۶۱ (۳۳۱-۳۵۰).

۱۸۱۲/ الاصبهانی: در تاریخ الاسلام، ۵۳۶ (۳۵۱-۳۸۰) بجای العدل المعدل دارد و ذکر اخبار اصبهان، ۲۰۱/۱.

ابوالحسن الحاتمی، قال الحاکم کان من علماء الشافعیة و ازین نکته می توان دریافت که در نسخه تاریخ نیشابور حاکم که در اختیار منبکی بوده است، همین اختلال که در متن ما است نیز، به نوعی دیگر، ظاهراً وجود داشته است.

۱۷۵۳/ انماطی: مراجعه شود به الجواهرالمضیئة، که از حاکم نقل می کند.

۱۷۵۵/ البحریری: در اصل، در نام نیای او، یحیی بن نوح آمده و در نسبت او نیز البحریری، اصلاح از تاریخ الاسلام ۵۶۸ (۳۵۱-۳۸۰) و اللباب ۱/۱۰۱ در ذبی بجای یحیی، جعفر آمده است.

۱۷۵۷/ المنصوری: معانی شرح حال او را از الحاکم نقل کرده است، الانساب ۵۴۳b و اللباب، ۱۸۴/۳.

۱۷۶۱/ البقوئی: در باب او الانساب ۸۶۸ و تاریخ الاسلام، ۳۱۹ (۳۵۱-۳۸۰) و نیز ۵۷ (۳۸۱-۴۰۰).

۱۷۶۳/ النخعی: تاریخ دمشق، ۳/۳۹۲ و تاریخ الاسلام ۱۵۶ (۳۵۱-۳۸۰).

۱۷۶۵/ الهروی: منبکی، ۳/۴۵ به صورت احمدین محمدین شارک، ابو حامد الهروی الشارکی، و از حاکم نقل می کند.

۱۷۶۶/ الجویقی: اللباب ۱/۲۴۷ و الانساب ۱۴۰b.

۱۷۶۹/ الحازمی: الانساب ۱۴۹b.

۱۷۷۱/ الخفاف: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۳۱۲ (۳۸۱-۴۰۰).

۱۷۷۲/ احمدین محمد: تاریخ الاسلام، ۶۰ (۴۰۰-۳۸۱).

۱۷۷۵/ الخواری: در تاریخ الاسلام، ۵۸۷ (۳۵۰-۳۸۰) به صورت الخواری الکرایسی او را آورده ولی تخریج نشده است.

۱۷۷۶/ المناشکی: در تاریخ الاسلام، ۶۰۵ (۳۵۱-۳۸۰) بدون تخریج آمده است.

۱۷۷۷/ قطان: مراجعه شود به الجواهرالمضیئة، ۱/۲۶۴ که از حاکم نقل می کند.

۱۷۸۰/ الاسماعیلی: تاریخ الاسلام، ۳۲۲ (۳۵۰-۳۳۱).

۱۷۸۲/ المرادی: در تاریخ الاسلام ۳۹۸ (۴۰۰-۳۸۱) پسرش محمدین احمدین مهرازی، آمده است.

۱۷۸۳/ الماسرجسی: در تاریخ الاسلام، ۶۲۰ (۳۵۱-۳۸۰) بسیار مختصر و بدون تخریج آمده است.

تعلیقات مربوط به رجال متن ۳۲۱

۱۸۳۱/۱ السلمی: سبکی، ۴/۳ - ۲۲۲ که از حاکم نقل می‌کند.

۱۸۳۲/ الشسرانی: اصل: السعرائی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۷۲ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۱۸۳۳/ الخلالی: اصل: الخلال، اصلاح از الانساب ۲۱۳ب و الباب ۱/۳۹۷ و تاریخ الاسلام ۳۲۲ (۳۸۰ - ۳۵۱) در تاریخ دمشق، ۴/۳۳۵ الخلال.

۱۸۳۴/ الکوکی: در الانساب ۴۹۰ب برادر او آمده است، شماره ۱۰۶۳ متن ما نیز دیده شود.

۱۸۳۵/ الطوسی الاسماعیلی: سبکی، ۴۰/۳ در شرح حال پدرش احمد که از حاکم نقل می‌کند.

۱۸۴۰/ اسحق بن سعید: در تاریخ الاسلام نام پدرش را سعد و نسبتش را القسوی آورده است و مصحح کتاب می‌گوید در شذرات ۸۳/۳ اسعد است.

۱۸۴۲/ اسحق بن محمّد: الانساب ۴۷۷ب دیده شود در تاریخ الاسلام، ۶۰ (۴۰۰ - ۳۸۱) هم نام پدرش محمّد بوده است ولی ناشر بر طبق اسناد متأخر،

به حمّاد بدل کرده است. نیز لیاب الانساب ۵۰۰/۲ که به غلط محمّد و محمّد قرائت شده است.

۱۸۴۳/ اسحق بن احمد: تکمیل از معجم الادب، ۶۲۰ و نیز الجواهر المفضیة، ۱/۱۴۲ که نام او را بغلط احمد بن اسحاق آورده ولی مصحح کتاب متوجه شده و اصلاح کرده است.

۱۸۴۸/ الذّخیرینی: الانساب ۲۲۲ب و تاریخ الاسلام، ۳۲۵ (۳۵۰ - ۳۳۱) دیده شود.

۱۸۵۱/ بشر بن احمد: تاریخ الاسلام، ۴۳۶ (۳۸۰ - ۳۵۱).

۱۸۵۲/ بشر بن محمد: تاریخ الاسلام، ۶۲۱ (۳۵۱ - ۳۸۰) تکمیل از ذهبی در متن ما: «القاضی القضاة» بود و تعدد باقی گذاشتیم.

۱۸۵۴/ المراحی: تکمیل از سبکی، ۴۸۲/۳ در شرح حال منصور بن اسماعیل تمیمی که تصریح می‌کند حاکم شرح حال او را آورده و شعری از او.

۱۸۵۵/ جعفر بن احمد: در تاریخ الاسلام، ۶۲۲ (۳۵۱ - ۳۸۰) آمده ولی تخریج نشده است.

۱۸۶۱/ القطان: تاریخ الاسلام، ۲۷۴ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۱۸۶۲/ الحسین بن احمد: ظاهراً الحسن درست است. زیرا در ردیف اسامی چنین است.

۱۸۶۷/ الحرشی: اصل: ابوعلی بن ابو عمرو. مراجعه

۱۸۱۵/ اللغوی: معجم الادب، ۹۲.

۱۸۱۶/ الحیری: تاریخ الاسلام، ۲۶۰ (۳۵۰ - ۳۳۱) و الانساب ۱۸۳ا.

۱۸۱۷/ البخاری: تاریخ الاسلام، ۱۴۶ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۱۸۱۸/ ابرهیم بن محمد: تاریخ الاسلام، ۲۸۹ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۱۸۲۱/ النصرآبادی: تاریخ الاسلام، ۳۶۷ (۳۵۱ - ۳۸۰) ذهبی از طریق الحاکم، در اینجا مطلبی در باب نصرآبادی نقل می‌کند که ظاهراً منحصر است.

۱۸۲۲/ المحفوظی: تاریخ الاسلام، ۲۹ (۴۰۰ - ۳۸۱).

۱۸۲۵/ الاسفرائینی: سبکی، ۲۶۲/۴ - ۲۵۶ به نقل از حاکم.

۱۸۲۶/ ابرهیم بن معجب: تاریخ الاسلام، ۲۷۴ (۳۵۰ - ۳۳۱) اصل ما محب بود که از طریق ذهبی

اصلاح شد و نیز الاعلام، ابن ناصرالدین ۴۶۵.

۱۸۲۷/ ابرهیم بن مضارب: تاریخ الاسلام، ۲۹۴ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۱۸۲۹/ البخاری مراجعه شود به طبقات ابن قاضی شبهه ۱/۱۳۶ که از حاکم نقل می‌کند.

۱۸۳۰/ اسمعیل بن عبدالله: تاریخ بیهق ۱۱۷ و معجم الادب، ۱۵۰۷ و تاریخ الاسلام، ۲۹۰ (۳۵۱ - ۳۸۰) دیده شود و نیز تعلیقات استاد احسان

عباس، بر معجم الادب نکته قابل یادآوری در پایان نسب‌نامه او این است که در معجم الادب بهرام

چوبین است، به جای بهرام جور که در ذهبی و تاریخ بیهق آمده است. نام نیای او در تاریخ بیهق دیوآشتی

است. آنچه در متن ما دیوآشتی آمده باید به دیوآشتی اصلاح شود که یک نام سفدی است مراجعه شود به

نظر فرای در the Histories of Nishapur, p. 12-13 درباره دیوآشتی و هم او در همانجا درباره

کلمه سور / شور که در نام نیاکان این شخص آمده است تردید کرده است که آیا šūr یا šūr است و

می‌گوید تنها حدسی که می‌توانم بزنم این است که آن را با šūr در ترکی قدیم که در ماوراءالنهر رواج

داشته، مقایسه کنیم و به W.B. Barthold, Turkestan (London 1928) p.15.

می‌دهد برای مقایسه. با اینهمه می‌گوید ریشه این نام بسیار مبهم است.

جمله (۴۱۵) و آن را به معنی کسی که راننده چهارپاست ترجمه کرده است: Four-footed racer ولی هیچ سندی در این باب ارائه نمی‌دهد. و اینکه می‌گوید: چندین بار، جز همین یک مورد، مورد دیگری وجود ندارد. اصل نسخه: حارمادوانی است.

۱۹۰۷/ الزبیری: اصلاح و تکمیل از لباب‌الانساب، ۷۱۴/۲ که به تفصیل از تاریخ نیشابور حاکم نقل می‌کند و در نسخه چاپی نام او را به غلط حسن آورده‌اند.

۱۹۰۹/ الحسين بن احمد: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۵۱۷ (۳۸۰-۳۵۱).

۱۹۱۱/ البسطامی: تاریخ الاسلام، ۵۱۸ (۳۸۰-۳۵۱) بدون تخریج.

۱۹۱۵/ الرازی: تاریخ الاسلام، ۶۴۴ (۳۸۰-۳۵۱).

۱۹۱۷/ الحکیمی: مقایسه شود با سبکی، ۳۴۴-۳۳۳ که شرح حال حسین بن حسن الحلیمی را از تاریخ حاکم نقل می‌کند و با احتمال قوی متن ما باید به الحلیمی اصلاح شود.

۱۹۱۹/ الحسینی العلوی: بیهقی در لباب‌الانساب، ۷۱۴/۲ تفصیل احوال او را از حاکم نقل می‌کند.

۱۹۲۱/ القرشی: نیز سبکی، ۲۹۳-۲۲۶ که از حاکم نقل می‌کند.

۱۹۲۲/ حمزة بن محمد: بیهقی احوال او را از حاکم نقل می‌کند لباب‌الانساب ۷۱۴/۲.

۱۹۲۵/ الطوسی: تاریخ الاسلام، ۱۲۶ (۳۵۰-۳۳۱) بدون تخریج. از آنجا بجای جم (شاید: حم) یرحم آمده است.

۱۹۲۶/ الکاغذی: اصل: الوفاء اصلاح از السیاق، تلخیص اول ۸۵ و تلخیص سیر اعلام النبلاء ۳۲۲۷.

۱۹۲۹/ المناشکی: در الانساب ۵۴۲۵ ابو حامد احمد بن عبدالله مناشکی آمده است.

۱۹۳۰/ الجرجانی: در تاریخ الاسلام، ۱۱۷ (۴۰۰-۳۸۱) الجوزجانی قرأت شده است و ظاهراً اشتباه است در الجواهر المضية، ۱/۱۵۵ نسبت او الجوزجانی آمده و در شمار کسانی که حاکم از ایشان سماع داشته است.

۱۹۳۲/ الخطایی: یاقوت، در معجم‌الادباء ۴۸۶ و ۱۲۰۷

شود به تاریخ الاسلام، ۱۶۳ (۴۰۰-۳۸۱).

۱۸۶۸/ المخطدی: در تاریخ الاسلام، ۱۸۰ (۴۰۰-۳۸۱) نام نیای او را بجای شیان سان آورده است.

۱۸۷۲/ القاری: تاریخ الاسلام، ۲۷۴ (۳۵۰-۳۳۱).

۱۸۷۳/ الحسن بن حمشاد: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۱۲۸ (۳۵۰-۳۳۱).

۱۸۷۹/ الحسن بن عثمان: اصل: الصبی، مراجعه شود به اللباب ۱۸۱/۱.

۱۸۸۲/ العلوی الواعظ: تفصیل احوال او را بیهقی، در لباب‌الانساب ۷۱۲/۲ از تاریخ نیشابور حاکم نقل می‌کند.

۱۸۸۶/ الطیبی: سبکی، ۷۳-۲۶۵ به نقل از حاکم.

۱۸۹۴/ البخاری: تاریخ الاسلام، ۲۶۲ (۳۵۰-۳۳۱) اطلاعات مهمی در باب او دارد که احتمالاً از الحاکم گرفته است.

۱۸۹۸/ البیهقی: سبکی، ۳-۲۷۰ می‌گوید: ذهبی به تبعیت از حاکم او را در شمار کسانی که نامشان «حسن» است آورده است ولی سبکی خود تمام او را «الحسن» ضبط کرده است. این ترجمه در سبکی تخریج نشده است.

۱۹۰۰/ الحسين بن علی: تاریخ دمشق ۱۶۱/۷ و تاریخ الاسلام ۴۱۹ (۳۵۰-۳۳۱) نیز سبکی، ۸۰۳-۲۷۶ به نقل از حاکم و می‌گوید بسیار مفصل بوده است.

۱۹۰۱/ الحسين بن داود: اصلاح و تکمیل از لباب‌الانساب، بیهقی ۷۱۳/۲ که به تفصیل احوال او را تاریخ نیشابور حاکم نقل می‌کند.

۱۹۰۲/ الحسين بن حسن: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۱۸۸ (۳۵۰-۳۳۱).

۱۹۰۳/ الحسينک: تاریخ الاسلام، ۵۷۱ (۳۸۰-۳۵۱) کنیه او را ابو احمد ثبت کرده است. در اصل ما: ابو محمد الحسينک بن ابوالحسن، کذا. سبکی هم ابوالاحمد دارد سبکی، ۳-۵/۲۷۴ که از حاکم نقل می‌کند.

۱۹۰۶/ حارمادوانی: این نسبت را نیافتیم و صورت درست آن بر من معلوم نشد. استاد فرای در مقدمه The Histories of Nishapur p.12 می‌گوید یکی از نامه‌های شکفت‌آور و قابل ملاحظه که چندین بار، در این متن دیده می‌شود چهارپادوانی است (از

تعلیقات مربوط به رجال متن ۳۲۲

دوجا نام او را آورده است یک جا به صورت حمد و یکجا احمد. منظور همان ابوسلیمان خطابی معروف صاحب اعجازالقرآن است. نیز مراجعه شود به تلخیص سیراعلام النبلاء ۳۶۶۰ و تاریخ الاسلام، ۱۶۵ (۲۸۱-۴۰۰) و نیز سبکی، ۹۰-۲۸۲ دیده شود.

۱۹۳۴/ الخلیل بن احمد: تکمیل از معجم الادباء، ۱۲۷۱ و تعلیقات استاد احسان عباس. یاقوت از الحاکم نقل می کند.

۱۹۳۷/ البیلی: در اصلی تاریخ الاسلام البلی بوده و مصحح کتاب آن را به الشبلی اصلاح کرده است بدون سند و تخریج، تاریخ الاسلام، ۳۲ (۲۸۱-۴۰۰).

۱۹۴۱/ دعلج بن احمد: تلخیص سیراعلام النبلاء ۳۳۴۴ و تاریخ الاسلام، ۵۳ (۲۸۰-۳۵۱).

۱۹۴۲/ داود بن محمد: بیهقی به نقل از حاکم احوال او را آورده است، لباب الانساب ۷۱۵/۲.

۱۹۴۶/ الضبی: اصل: عضم، اصلاح از سبکی، ۱۷۵/۳ در نام یکی دیگر از افراد این خاندان نیز سبکی، ۳/۳-۲۹۱ به نقل از حاکم.

۱۹۸۳/ طاهر بن محمد: تاریخ الاسلام، ۶۴۵ (۲۸۰-۳۵۱).

۱۹۸۴/ البغدادی: تاریخ الاسلام، ۶۳ (۲۸۱-۴۰۰) و نیز سبکی، ۳/۳-۳۰۴ که جای شگفتی است که سبکی دوبار شرح حال او را آورده، یک بار هم در آغاز طبقه خامسه سبکی، ۵۱-۵۲/۵ و مصححین به این نکته توجه کرده اند.

۱۹۸۷/ البیهقی: تاریخ الاسلام، ۲۸۰ (۲۳۱-۳۵۰) مصحح نتوانسته است آن را تخریج کند می گوید: شاید از تاریخ نیشابور یا تاریخ سمرقند است.

۱۹۸۸/ المولقبادی: الانساب، ۵۴۵b

۱۹۹۰/ ظفر بن محمد: در باب او مراجعه شود به لباب الانساب، بیهقی، ۵۰۹/۲ که تفصیل احوال او را از تاریخ نیشابور حاکم نقل می کند.

۱۹۹۱/ الحاجی: اصل الحاجی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۴۲۲ (۲۳۱-۳۵۰).

۱۹۹۳/ الصنعی: تاریخ الاسلام، ۴۴۰ (۲۸۰-۳۵۱) و نیز صفحه ۵۲۰ که عیناً تکرار شده است.

۱۹۹۵/ الابریشمی: تاریخ الاسلام، ۶۱۰ (۲۸۰-۳۵۱).

۱۹۹۹/ الابدونی: اللباب، ۱۳/۱ و الانساب ۱۳a و تاریخ الاسلام ۳۹۷ (۲۸۰-۳۵۱).

۲۰۰۱/ التسوی: ظهراً همان عبدالله بن احمد بن محمد نسائی است که سبکی، ۳/۳-۳۰۵ از تاریخ نیشابور حاکم شرح حال او را نقل کرده و از ذهبی، نیز بروایت حاکم، تاریخ فوئد او را ۳۸۲ آورده است. هر چند در نام نیای او با متن ما اختلاف دارد.

۱۹۴۸/ الاسترابادی: در تاریخ الاسلام، ۳۷۶ (۳۳۱-۳۵۰) نام او را محمد و نسبتش را الاسترابادی آورده است.

۱۹۴۹/ زید بن الحسین: بیهقی از حاکم نیشابوری، احوال او را نقل کرده است لباب الانساب ۷۱۵/۲ و در آنجا نام او بقلط الحسن آمده است.

۱۹۵۱/ الثوری: در تاریخ الاسلام، ۴۴۰ (۲۸۰-۳۵۱) اتوزی ثبت شده است.

۱۹۵۲/ السرخسی: تاریخ الاسلام، ۱۸۰ (۲۸۱-۴۰۰) و الانساب ۲۹۶۸ و معجم البلدان ۲۰۹/۳ نیز سبکی، ۳/۳-۲۹۳ به نقل از حاکم.

۱۹۵۳/ سلیمان بن محمد: تاریخ الاسلام، ۴۴۱ (۳۳۱-۳۵۰).

۱۹۵۴/ العبیدی: تاریخ الاسلام، ۱۸۹ (۳۳۱-۳۵۰).

۱۹۵۷/ السمرقندی: تاریخ الاسلام، ۲۸۰ (۳۳۱-۳۵۰).

۱۹۶۲/ المطوسی: تاریخ الاسلام، ۵۷۲ (۲۸۰-۳۵۱) بدون تخریج. نیز سبکی، ۳/۳-۳۰۱ و بدون تخریج و با کتبه ابو محمد.

۱۹۶۳/ ابوعثمان الزاهد: تاریخ الاسلام، ۵۳۹

- ۲۰۵۹ / التبتی: تاریخ الاسلام، ۷۹ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۰۶۰ / الداودی: در تاریخ الاسلام، ۵۷۷ (۳۵۱ - ۳۸۰) الدازوردی ثبت کرده و مصحح کتاب می گوید: «کذا فی الاصل و در النجوم الزاهرة ۱۴۸/۴ الواردی».
- ۲۰۶۱ / عییدالله بن محمد: تاریخ الاسلام، ۷۹ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۰۶۴ / الکلاهی: شاید: الکلاهی.
- ۲۰۶۶ / الزاهد البلخی: نام او در اصل عییدالله آمده و مسلماً اشتباه کاتب است که به قیاس نامه‌های قبلی، آورده است ولی درست آن همان عبدالرحمن است که از ذهبی نقل کردیم تاریخ الاسلام، ۱۲۲ (۳۵۱ - ۳۸۰) البته در آنجا عبدالرحمن بن محمد بن حامد است و از تاریخ بغداد ۲۹۴/۱۰ (شماره ۵۴۳۰) و المنتظم ۳۵۰/۷ (شماره ۳۵) تخریج شده است.
- ۲۰۶۸ / المؤذن: تاریخ الاسلام، ۴۲۰ (۳۸۰ - ۳۵۱).
- ۲۰۶۹ / البغدادی: تاریخ الاسلام، ۵۴۷ (۳۸۰ - ۳۵۱).
- ۲۰۷۰ / التیمیعی: اصل: محبوب به جای مجبور، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۶۱ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۰۷۳ / القزوی: تاریخ الاسلام، ۵۸۸ (۳۸۰ - ۳۵۱) دیده شود و نیز الجواهرالمضیئه، ۳۹۱/۲ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۲۰۷۶ / عبدالرحمن بن حمدون: نام نیای او به صورت تجار آمده و احتمالاً تصحیف است.
- ۲۰۷۷ / المزکی: تاریخ الاسلام، ۳۴۳ (۴۰۰ - ۳۸۱) سبکی، ۳۲۳ به نقل از حاکم.
- ۲۰۷۹ / الشیبانی: تاریخ الاسلام، ۵۵۸ (۳۵۱ - ۳۸۰) و بجای الشیبانی الاصبهانی.
- ۲۰۸۶ / عبدالرحمن بن عبدالله: [الحديث] را بفرینه افزودم، شاید متن مادر نام جد او که احمد آمده غلط باشد و درست آن محمد است. ظاهراً او از احفاد محمد بن اسحق بن محمّد کزّامی است.
- ۲۰۸۸ / العماری: تاریخ الاسلام، ۳۰۲ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۰۹۰ / الصغّار: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۱۴۳ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۰۹۲ / الصوفی: تاریخ الاسلام، ۵۳ و ۱۰۰ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۰۹۳ / المستکلم الأشعری: تاریخ الاسلام، ۵۳ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۰۹۸ / البخاری: اصل: حبویه، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۲۰۰۲ / المیکالی: معجم الادب، ۱۵۰۷ و تاریخ الاسلام، ۶۴۵ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۰۰۸ / الواعظ: تاریخ الاسلام، ۱۸۲ (۴۰۰ - ۳۸۱) نیز سبکی، ۳۰۶/۳ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۲۰۱۴ / الطبری: تاریخ الاسلام، ۲۴۳ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۰۱۸ / الصیدلانی: در اصل: عالم، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۵۹ (۳۸۰ - ۳۵۱).
- ۲۰۲۲ / المؤذن: اصل: عبدالله بن محمود، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۷۴ (۳۵۰ - ۳۳۱).
- ۲۰۲۳ / الکعبی: تاریخ الاسلام، ۴۲۳ (۳۵۰ - ۳۳۱).
- ۲۰۲۴ / العدل: تاریخ الاسلام، ۳۶۰ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۰۲۵ / الاشقر: رجوع شود به الجواهرالمضیئه، ۳۲۸/۲ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۲۰۲۷ / الظهّمانی: الانساب، ۳۷۴ب و تاریخ الاسلام، ۲۹۸ (۳۵۰ - ۳۳۱) که در حاشیه می‌گوید: «شرح حال او را، که از تاریخ نیشابور بود، نیافتم».
- ۲۰۲۸ / الحیري: تاریخ الاسلام، ۹۰ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۰۲۹ / الجونی: اصل: الحونی و چنین نسبتی ظاهراً وجود ندارد. در باب الجونی رجوع شود به اللیب ۲۵۴/۱ - ۲۵۵.
- ۲۰۳۰ / الرّحی: الانساب، ۲۵۰ب دیده شود.
- ۲۰۳۴ / الشیبانی: تاریخ الاسلام، ۵۰۱ (۳۸۰ - ۳۵۱).
- ۲۰۳۶ / السیّدی: الانساب، ۳۰۷ب، الباب ۱/۱ ۵۶۱.
- ۲۰۳۷ / الحیري: در تاریخ الاسلام، ۵۷۳ (۳۸۰ - ۳۵۱) العربی خوانده شده است و تخریج نیز نشده است.
- ۲۰۳۸ / مهیمن: چون این کلمه از اسماءالله است نمی‌تواند به این صورت نام شخص باشد بناچار باید گفت تصحیف کلمه‌ای دیگر است یا صورت نامی است فارسی و ایرانی که چندان شناخته نیست.
- ۲۰۴۱ / المعلم: تاریخ الاسلام، ۵۵۷ (۳۵۱ - ۳۸۰) بدون تخریج.
- ۲۰۵۶ / العنبري: در تاریخ الاسلام، ۳۹۹ (۳۸۰ - ۳۵۱) بدون تخریج و ناقص آمده به صورت عبدالله بن الامام زکریا [بن] یحیی بن محمد که المتادگی دارد و متن ما آن را تکمیل می‌کند نیز مراجعه شود به تاریخ یبھی، ۱۱۹ - ۳۸۱.
- ۲۰۵۸ / الکلاباذی: در الجواهرالمضیئه، ۵۰۱/۲ تفصیل احوال او را از حاکم نقل کرده است.

۲۱۳۹ / الفارسی: معجم الادباء، ۱۶۶۸، از طریق الحاکم نقل می‌کند.

۲۱۴۱ / علی بن حمشاد: تاریخ الاسلام، ۱۶۵ (۲۵۰ - ۳۳۱).

۲۱۴۴ / السردری: مراجعه شود به الجواهر المفضیلة، ۵۵۲/۲ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۱۴۶ / الصوفی: تاریخ الاسلام، ۸۰ (۲۰۰ - ۳۸۱).

۲۱۴۹ / الورّاقی: تاریخ الاسلام، ۳۰۱ (۲۵۰ - ۳۳۱).

۲۱۵۰ / الدقاقی: تاریخ الاسلام، ۴۲۵ (۳۳۱ - ۳۵۰).

۲۱۵۱ / الأودنی: اصل: الدورقی، به شماره ۲۴۱۲ همین متن و نیز اللباب، ۷۴/۱ مراجعه شود.

۲۱۵۳ / البُسر جسانی: شرح حال او را یاقوت در معجم الادباء، ۱۷۹۶ از حاکم نقل می‌کند و نیز سبکی، ۶۲/۳ - ۴۵۹.

۲۱۵۸ / علی بن المؤمل: تاریخ الاسلام، ۴۲۵ (۳۳۱ - ۳۵۰).

۲۱۶۰ / الکاززی: اصل: الکازری اصلاح از الانساب، ۴۱۷۸.

۲۱۶۱ / الخبازی: تاریخ الاسلام، ۳۶۱ (۳۸۱ - ۴۰۰) بدون تخریج.

۲۱۶۲ / علی بن محمد: ظاهراً شماره ۲۱۶۳ تکمیل ۲۱۶۲ است و دو شخص نیست درباره او مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۲۴۶ (۲۵۰ - ۳۳۱).

۲۱۶۸ / العجلی: سطر دوم عبارت افتادگی و تصحیف دارد و چون سندی برای آن نیافتم پیشنهاد خاصی بنظرم نرسید شاید: «فیکتب فی السماع علی حمارة» در آن صورت «العجلی» و غلط کتاب است.

۲۱۷۱ / المولقبادی: تاریخ الاسلام، ۱۰۵ (۳۸۱ - ۴۰۰).

۲۱۷۷ / الرازی: اصل: الرازی.

۲۱۷۹ / الجـنـجـرودی: در تاریخ الاسلام، ۳۰۱ (۳۳۱ - ۳۵۰) به صورت: عمرو بن اسحق بن السکن، ابو محمد الاسدی البخاری آمد است و مصحح در حاشیه نوشته: شاید از تاریخ بخارا یا تاریخ نیشابور.

۲۱۸۱ / العقیلی: تاریخ الاسلام، ۱۵۰ (۳۳۱ - ۳۵۰).

۲۱۸۴ / الجوهری: ذهبی نام نیای او را اسرائیل آورده است. تاریخ الاسلام، ۴۲۲ (۳۳۱ - ۳۵۰) و تخریجی که مصحح کتاب درباره او کرده است مشکوک است.

۱۹۳ (۳۵۱ - ۳۸۰) و در همان جلد صفحه ۳۹۹ عیناً تکرار شده است.

۲۱۰۰ / الورّاقی: تاریخ الاسلام، ۲۶۴ (۲۵۰ - ۳۳۱).

۲۱۰۳ / الدارکی: تاریخ الاسلام، ۵۵۷ (۳۵۱ - ۳۸۰) در اصل نام او افتادگی داشته و به صورت عبدالعزیز بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز، ابوالقاسم الدارکی از متون مختلف نقل کرده است. در سبکی، ۳۱/۳ - ۳۰۳ نیز نام پدر و نیای او همچون ضبط ذهبی است و به نقل از حاکم.

۲۱۰۴ / البصری: مصححان سبکی، ۵/۳ - ۳۳۴ انصروی خوانده‌اند ولی بدون تخریج. سبکی شرح حال او را از حاکم نقل کرده و در اینجا است که از نسخه «تاریخ نیشابوری» که در نزد او بوده است یاد می‌کند.

۲۱۱۵ / الحنری: شاید: الجزری یا الحیری؟

۲۱۱۴ / الأبحری: اصل: الاحدی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۵۲ (۳۸۱ - ۴۰۰) در ذهبی نام نیای او هارون است و نسبتش بغدادی. شاید دو شخص اند.

۲۱۲۱ / البوسنجی: تاریخ الاسلام، ۳۸۲ (۳۳۱ - ۳۵۰) نیز سبکی، ۵/۳ - ۳۴۴ به نقل از حاکم.

۲۱۲۲ / المعروفی: در سبکی، ۳۴۵/۳ المعروفی و بدون تخریج.

۲۱۲۳ / الجرجانی: تاریخ الاسلام، ۳۶۱ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۲۱۲۶ / الرواسی: اصل: الروابنی.

۲۱۲۷ / الصیرکی: کذا و این نسبت را نیافتم ظاهراً تصحیف است. شاید: الصیرفی.

۲۱۳۰ / الروعی: شاید: الدوغی؟

۲۱۳۳ / البشتی: اغلب مراجع نام نیای او را یاد نکرده‌اند و گویا علت این امر، اختلافی بوده است که در استاد قدیم، درین باب وجود داشته. سبکی که از حاکم درباره او مطالبی نقل می‌کند می‌گوید: «علی بن محمد و قیل علی بن احمد. ثم قیل، اسم جدّه حسین بن یوسف بن عبدالعزیز، و قیل الحسن» سبکی ۹۶/۵ - ۲۹۳ به همین دلیل بوده که تلخیص‌کننده نسخه ما جای نام نیای او را عالی گذاشته است.

۲۱۳۵ / الصیرفی: تاریخ الاسلام، ۱۹۳ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۲۱۳۸ / علی بن حیدل: اصل: حیدل؟

از حاکم نقل می‌کند با نسبت الفاشانی.
 ۲۲۳۰/ المعدل: تاریخ الاسلام، ۱۹۳ (۳۵۰ - ۳۳۱) حاشیه
 مصحح دیده شود.
 ۲۲۳۱/ الریوندی: اصل: الدموندی، اصلاح از المفسی
 فی الضعفاء که می‌گوید: «شیخ للحاکم مُتَّهَمٌ بِالْوَضْعِ»
 شماره ۵۲۵۸
 ۲۲۳۲/ زیاره: مراجعه شود به لباب الانساب، ۴۹۴/۲ که
 احوال او را به تفصیل تمام از طریق تاریخ نیشابور
 حاکم نقل می‌کند و سبب نامیده شدن ایشان به زیاره
 و نیز منتقلة الطالبین ۳۲۸.
 ۲۲۳۳/ محمد بن احمد: تفصیل احوال او را بیتهقی از
 تاریخ نیشابور حاکم نقل کرده است لباب الانساب
 ۴۹۶/۲.
 ۲۲۳۴/ الجلاب: تاریخ الاسلام، ۱۹۳ و ۱۹۴ (۳۵۰ - ۳۳۱)
 دیده شود که ذهبی، از الحاکم درباره او نقل مطلب
 می‌کند و از نسخه اساس همین متن ما، وی متوفی
 ۳۴۰ بوده است و غیر از ابوعلی محمد بن احمد بن
 بالویه نیشابوری معدل است که در ۳۷۴ در گذشته
 در باب او تاریخ الاسلام، ۵۶۲ (۳۵۱ - ۳۸۰) دیده
 شود.
 ۲۲۳۸/ التصراآبادی: مراجعه شود به الجواهرالمضیئة،
 ۳۲۸/۳ که از حاکم نقل می‌کند.
 ۲۲۳۹/ المزکی: تاریخ الاسلام، ۱۲۴ (۳۵۱ - ۳۸۰) و
 الجواهرالمضیئة، ۲۲/۳ که از حاکم نقل می‌کند.
 ۲۲۴۰/ الخفاف: تاریخ الاسلام، ۵۹۷ (۳۵۱ - ۳۸۰) بدون
 تخریج.
 ۲۲۴۲/ القبابی: در تاریخ الاسلام، ۵۰۵ (۳۵۱ - ۳۸۰) به
 صورت محمد بن احمد بن محمود آمده و تخریج
 هم نشده است. مصحح نسبت او را القبابی خوانده
 است برای نسبت او و نیز جد او مراجعه شود به
 الانساب ۴۴۰ b.
 ۲۲۴۳/ محمد بن احمد: تاریخ الاسلام، ۶۴۸
 (۳۵۱ - ۳۸۰) دیده شود و الجواهرالمضیئة، ۳۵/۳ که
 از حاکم نقل می‌کند.
 ۲۲۴۸/ الملاحمی: الانساب، ۵۴۶b و اللباب ۱۹۶/۳
 دیده شود.
 ۲۲۵۰/ البحیری: الانساب ۶۷b و تاریخ الاسلام، ۳۳۶
 (۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۱۸۵/ البغدادی: در تاریخ الاسلام، ۱۵۱ (۴۰۰ - ۳۸۱)
 نیای او، بجای حبیب، جئیر خوانده شده است.
 ۲۱۹۱/ ابوالهیثم: مراجعه شود به الجواهرالمضیئة،
 ۵۱۱/۲ که از حاکم نقل می‌کند.
 ۲۱۹۴/ فایق العاصمة: در الانساب ۱۸۵b و اللباب، ۲۹/۱
 تصریح شده است که حاکم از او روایت کرده است
 در این دو کتاب درباره نسبت «العاصمة» درباره او به
 تفصیل سخن رفته و معانی این اطلاع را از اصل
 کتاب تاریخ نیشابور الحاکم ظاهراً نقل کرده است.
 ۲۲۰۵/ لیشبن ظاهر: تاریخ الاسلام، ۵۰۳ (۳۵۱ - ۳۸۰).
 ۲۲۰۷/ المعدل: تاریخ الاسلام، ۱۹۴ (۳۵۰ - ۳۳۱).
 ۲۲۰۸/ الجلاب: تاریخ الاسلام، ۱۹۳ (۳۵۰ - ۳۳۱) و ۵۶۲
 (۳۵۱ - ۳۸۰) دیده شود.
 ۲۲۰۹/ محمد بن احمد: تاریخ الاسلام، ۳۰۱
 (۳۵۰ - ۳۳۱).
 ۲۲۱۰/ الرازی: تاریخ الاسلام، ۳۰۶ (۳۵۰ - ۳۳۱).
 ۲۲۱۲/ الصقار: تاریخ الاسلام، ۴۲۷ (۳۵۰ - ۳۳۱).
 ۲۲۱۳/ محمد بن احمد: تاریخ الاسلام، ۱۲۵ (۳۵۰ - ۳۸۰)
 در آنجا تخریج نشده است متن ما ذهبی را تکمیل
 می‌کند.
 ۲۲۱۴/ المنادلی: اصل: المنادلی، اصلاح از اللباب،
 ۱۷۹/۳ و الانساب ۵۲۳a و تاریخ الاسلام، ۲۴۷
 (۳۵۰ - ۳۳۱).
 ۲۲۱۵/ الأودنی: اصل: الاددبی، اصلاح از اللباب، ۷۴/۱
 نیز سبکی، ۱۸۱/۳ که از حاکم نقل می‌کند.
 ۲۲۱۸/ شعبی: مراجعه شود به الجواهرالمضیئة ۲۵/۳
 که از حاکم نقل می‌کند.
 ۲۲۲۰/ المذکر: اصل: ابوبکر الطیب، اصلاح از
 تاریخ الاسلام، ۱۹۵ (۳۵۱ - ۳۸۰).
 ۲۲۲۱/ ابوعمرو الصغیر: تاریخ دمشق، ۲۵۷/۲۱.
 ۲۲۲۳/ الحیری: تاریخ الاسلام، ۵۹۸ (۳۵۱ - ۳۸۰) و نیز
 سبکی ۶۹/۳ که از حاکم نقل می‌کند.
 ۲۲۲۶/ الفراء: اصل: الفراء، اصلاح از ذهبی،
 تاریخ الاسلام، ۵۲۵ (۳۵۱ - ۳۸۰) در مورد اصلاح
 جنبدالله به جنبدایت شماره ۲/۱۱۸۰ دیده شود.
 ۲۲۲۸/ المروزی: تاریخ الاسلام، ۵۰۳ (۳۵۱ - ۳۸۰) در
 آنجا نام نیای او بجای احمد، محمد است. سبکی،
 ۷۱/۳ هم محمد بن احمد بن عبدالله بن احمد دارد و

۲۲۷۶ / محمد بن احمد: تاریخ الاسلام، ۲۸۸ (۲۹۱ - ۳۳۰).

۲۲۷۷ / الصبغی: تاریخ الاسلام، ۸۴ (۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۲۸۰ / الوالی: شاید: الوالی.

۲۲۸۱ / الکراییسی: اللباب، ۱/۷۴۲۰ در آنجا خان الدشتی آمده است.

۲۲۸۲ / الذیبلی: الانساب، ۲۳۶۵، در آنجا محمد بن محمد که گویا غلط است.

۲۲۸۳ / الجرجانی: تاریخ الاسلام، ۶۷ (۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۲۸۴ / القطان: تاریخ الاسلام، ۱۷۳ (۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۲۸۴ / العارثی: اصل: العارثی و العارثی نزدیکترین شکل معنی دار این نسبت است.

۲۲۸۷ / السرخسی، اصل: السرخسی، اصلاح از سبکی،

۹۹/۳ که در حاشیه طبقات الکبری، از طریق طبقات

الوسطی، نقل شده است و تصریح دارد که از حاکم

نقل کرده است.

۲۲۸۸ / الکسایی: اصل: الکسایی، اصلاح از الانساب،

۴۸۲۵.

۲۲۹۰ / النصیری: الانساب، ۵۶۳۵ و تاریخ الاسلام، ۱۸۷

(۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۲۹۱ / المرزکی: تاریخ الاسلام، ۳۳۷ (۴۰۰ - ۳۸۱) اصل:

ابوبکر بن ابوعلی.

۲۲۹۲ / الهاشمی: تاریخ الاسلام، ۳۸۶ (۳۳۱ - ۳۵۰) گویا

هموست که در مجلس ابومنصور محمد بن

عبدالرزاق، مدعی شد که «علوی حسینی» است و

بعد خلاف آن ثابت شد. بیهقی این مطلب را به نقل

از حاکم نیشابوری آورده است لباب الانساب ۷۱۵/۲.

۲۲۹۳ / الجوری: الانساب، ۱۳۱۵ و معجم الادباء ۲۲۹۵ و

استاد احسان عباس این نسبت را هم در متن و هم

در فهرست الجوزی آورده که باید در چاپ ایشان

اصلاح شود وی اهل جور (گور = فیروزآباد فارس)

بوده است.

۲۲۹۵ / المناشکی: تاریخ الاسلام، ۳۴۴ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۲۲۹۷ / الأرتبوی: اصل: الاربتدی، اصلاح از الانساب

۲۷۵ که همین شخص را از تاریخ نیشابور حاکم،

آورده و می‌گوید: و ظنی أنها من قری نيسابور.

۲۲۹۸ / الصایغ: اصل: الصانع.

۲۲۹۹ / الامیر ناصرالدوله: منظور همان ابوالحسن

۲۲۵۱ / العاضری: اللباب ۱/۲۷۰ و هم اوست که به

صورت محمد بن احمد بن جعفر الطوسی، در

تاریخ الاسلام، ۵۰۵ (۳۵۱ - ۳۸۰) آمده و تخریج هم

نشده است.

۲۲۵۳ / الصایغ: اصل: الصایغ که چنین نسبتی جز در

شکل الصایغ وجود ندارد.

۲۲۵۶ / الحاتمی: در تاریخ الاسلام، ۳۳۷ (۴۰۰ - ۳۸۱)

نامش احمد آمده است با اینکه ردیف الفبائی آن

محمد است. مصحح متوجه التادگی و نقص نام

نشده است.

۲۲۶۳ / البخاری: در تاریخ الاسلام، ۵۷۹ (۳۵۱ - ۳۸۰) نام

نیای او خلقان آمده است که غلط است و خلقان در

اسامی ماوراءالنهری بسیار شایع است نیز مراجعه

شود به الجواهر المضية، ۵۸/۳ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۲۶۶ / المسکی: در تاریخ الاسلام، ۵۷۹ (۳۵۱ - ۳۸۰)

بدون تخریج، المسکی خوانده شده است. متن ما

درست است به الانساب ۵۳۰۵ مراجعه شود

۲۲۶۸ / الجلودی: اصل: الحلوی، اصلاح از اللباب،

۲۳۴/۱ در لباب بجای حم، احمد دارد ولی در

الانساب ۱۳۳۵ و نیز در تاریخ الاسلام، ۱۰۷

(۴۰۰ - ۳۸۱) حم آمده است.

۲۲۷۰ / الفارسی: دو نفر، با این مشخصات، در

تاریخ الاسلام ذمبی آمده‌اند وفات یکی ۳۶۱ است و

وفات دیگری ۳۶۲ یکی حنفی و دیگری شافعی

تاریخ الاسلام، ۲۹۵ و ۲۸۳ (۳۵۱ - ۳۸۰) و مصحح در

تخریجات خویش هر دو را عملاً یکی تلقی کرده و

به الوالی بالفویات ۲۴/۲ و فویات الاصلان ۲۱۱/۴ و

چند مرجع دیگر ارجاع داده است و سبکی، ۷۸/۳ به

صورت: محمد بن احمد بن علی بن شاهویه ابوبکر

القاضی الفارسی و از حاکم نقل می‌کند. سبکی، در

طبقات وسطی آورده بوده است و در حاشیه طبقات

کبری نقل شده است نیز مراجعه شود به

الجواهر المضية، ۴۹/۳.

۲۲۷۱ / الحسنوی: تاریخ الاسلام، ۵۸۰ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۲۲۷۲ / المزاحمی: اصل: المراحی، اصلاح از اللباب

۱۳۱/۳ و الانساب، ۵۲۵۵.

۲۲۷۳ / الخفاف: تاریخ الاسلام، ۲۴۷ (۳۳۰ - ۲۹۱) بدون

تخریج

سیمجور امیر خراسان و نیشابور است الفتح الوهبی، ۱۵۲/۱ به بعد و ترجمه تاریخ بمبئی ۸۳ به بعد و الانساب ۵ و ۲۲۳۵ که به تفصیل از حاکم نقل می‌کند و نیز اللباب ۵۸۹/۱.

۲۳۰۰ / النیسابوری: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۹۴ (۳۵۱ - ۳۸۰) ولی در آنجا حمش را حسن خوانده‌اند.

۲۳۰۱ / قصیده اصحاب حدیث: این قصیده، الفناذکیها و تصحیفات بسیاری داشت که بعضی از آنها را با حدس و گمان و تقریب و فیاس اصلاح کردم و در نسخه بدلها مشخصات آن تغییرات و اصل آنها تعیین شده است. چون در هیچ یک از متون، نشانی از این قصیده نیافتم بعد از سالها، به همین صورت که می‌بینید آن را نقل می‌کنم تا پیداشدن نسخه‌ای از این قصیده، هر نوع پیشنهادی جنه استحصانی خواهد داشت.

۲۳۰۶ / الکسائی: تاریخ الاسلام، ۱۰۸ (۳۸۱ - ۴۰۱).
۲۳۰۸ / الأدیب: باقوت در معجم الادبیه ۲۲۹۶ به تفصیل از الحاکم درباره او مطلب نقل می‌کند و استاد عباس درباره او به بغیة الوعاة، ارجاع داده است.

۲۳۱۳ / الکراییسی: تاریخ الاسلام، ۶۳۳ (۳۵۱ - ۳۸۰).
۲۳۱۴ / البونی: الانساب، ۹۵ ولی در ضبط انساب غلطهایی در نام او دیده می‌شود.

۲۳۱۷ / البشتی: تاریخ الاسلام، ۴۰۷ (۳۵۰ - ۳۳۱) بدون تخریج در تاریخ الاسلام ۱۹۵ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۳۱۸ / الفاسی: یک نفر با تمام این مشخصات آمده ولی نسبت المناشکی است و چون الفاسی و المناشکی مانعة الجمع نیست، باید همین شخص باشد.

۲۳۲۰ / الهروی: در تاریخ الاسلام، ۳۸۷ (۳۵۰ - ۳۳۱) آمده است و تخریج نشده است. در آنجا کنیه او ابوسعید آمده است.

۲۳۲۲ / البغدادی: تاریخ الاسلام، ۴۴۶ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۲۳۲۳ / المحمد آبادی: جای نام نیای او در نسخه اصل خالی است در الانساب، ۵۱۲۵ و تاریخ الاسلام، ۱۴۱ (۳۴۰ - ۳۵۰) نیز این نام نیامده است. گویا در اصل نسخه الحاکم فقط نام پدرش آمده بوده است و افزودن [بن] اشتباه کاتب است.

۲۳۲۴ / المعدل: تاریخ الاسلام، ۲۴۹ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۳۲۵ / التساجر: تاریخ الاسلام، ۱۲۴ (۳۵۱ - ۳۸۰).

ذهبی محمد بن حسین بن منصور آورده و مصحح در پای صفحه یادآور شده که در شذراته ۱۷/۳ محمد بن حسن بن الحسن بن منصور آمده است. و شذرات ضبط متن ما را تأیید می‌کند.

۲۳۲۶ / السراج: تاریخ الاسلام، ۳۶۴ (۳۸۰ - ۳۵۱) دیده شود.

۲۳۲۹ / الختن: در باب او الانساب ۱۸۹۵ دیده شود. و نیز سبکی ۸/۳ - ۱۲۶ بنقل از حاکم و نشان می‌دهد که شرح حال او در تاریخ نیشابور بسیار مفصل بوده است و چندین شعر هم در آنجا نقل می‌کند. در سبکی، بجای «الجرجانی» در نسبت او الفارسی الاسترابادی دارد که قابل توجیه است.

۲۳۳۰ / ابن فورک: تلخیص سیر اسلام النبلاء ۳۷۷۲ و السیاق، چاپ استاد محمودی شماره ۱ و مراجع پای صفحه و اغلب کتب رجالی مربوط به شافعیه بویژه سبکی، ۴۳/۴ - ۱۴۰ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۳۳۴ / المساوی: شرح حال او را الجواهر المضمیة، ۱۴۲/۳ از حاکم نقل کرده است.

۲۳۳۶ / الغیاطی: اصل: الحنطی، اصلاح از الانساب ۲۱۴۵ و اللباب، ۱/۲۸۹ در آنجا کنیه او ابوالحسین است و درست تر می‌نماید به مناسبت نام پدر خودش.

۲۳۳۸ / الوضاحی: اصل: الموضاحی، اصلاح از اللباب، ۲۷۶/۳ و الانساب ۵۸۲۵ و نیز تاریخ الاسلام، ۱۲۵ (۳۵۱ - ۳۸۰) و المحمدون من الشعراء، ۳۳۴ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۳۳۹ / العلوی: سبکی، ۹/۳ - ۱۴۸ نسبت او را «الخنی العلوی» آورده و از حاکم نقل می‌کند و چون نسبت او به امام حسن بن علی (ع) می‌رسد، ضبط سبکی مرجح است.

۲۳۴۱ / السمسار: تاریخ الاسلام، ۶۶۵ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۲۳۴۳ / السلمی: السیاق، شمار ۴ و مراجع آن و تعلیقات اسرار التوحید ۶۶۱/۲.

۲۳۴۴ / الحدادی: مراجعه شود به الجواهر المضمیة، ۱۴۵/۳ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۳۴۵ / البسطامی: السیاق، چاپ آقای محمودی، شماره ۲ و نیز سبکی ۴۳/۴ - ۱۴۰ بنقل از حاکم.

۲۳۴۶ / الکیسی: تاریخ الاسلام، ۱۷۸ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۳۷۹ / محمد بن طلحه: تاریخ الاسلام، ۲۷۱

(۳۵۰ - ۳۳۱) ولی با کنیه ابو عبدالله و بدون تخریج.

۲۳۸۱ / محمد بن طاهر: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۱۹۶
(۳۸۰ - ۳۵۱).

۲۳۸۳ / الوزیری: اللباب ۲۷۳/۳، و الانساب ۳۸۳د دیده شود.

۲۳۸۴ / المؤلفی: اصل: ابی طاهر، اصلاح از اللباب، ۲۲۱/۲.

۲۳۸۶ / الصقار: افزوده از تاریخ الاسلام، ۱۷۹ (وقایع ۳۳۹) ولی در الانساب ۲۵۲۵ [لم یرفع بصره] دارد.

نیز سبکی، ۱۷۸/۳ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۳۸۸ / العدل: در الجواهر المضیئة، ۱۸۸/۳ از حاکم نقل کرده و در حاشیه از منابع دیگر به عنوان المعدل، از جمله از الوافی بالوفیات ۳۱۶/۳.

۲۳۸۹ / الشامانی: اصل: الشامانی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۹۵ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۳۹۰ / محمد بن عبدالله: تاریخ الاسلام، ۲۵۹
(۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۳۹۱ / المزنی: تاریخ الاسلام، ۸۰ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۲۳۹۶ / الرازی: تاریخ الاسلام، ۶۰۰ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۲۳۹۷ / الرقوی: اصل: الریدنی، اصلاح از اللباب ۴۸۶/۱ و الانساب ۲۶۵۵.

۲۳۹۹ / الاصفرائی: اصلاح و تکمیل از تاریخ الاسلام، ۲۵۰ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۴۰۰ / المرزوی: تاریخ الاسلام، ۲۵۹ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۴۰۱ / حمشاد: اصل: ابو حمشاد، اصلاح از تاریخ الاسلام ۱۲۸ و ۱۷۶ (۴۰۰ - ۳۸۱) و نیز سبکی، ۸۱/۳ - ۱۷۹ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۴۰۳ / الشیانی: سبکی ۵/۳ - ۱۸۴ به نقل از حاکم به عنوان الجوزقی النیسابوری الشیانی. نیز تذکرة الحفاظ، شماره ۱۰۱۳.

۲۴۰۷ / الصبغی: اصل: صنعی تکمیل و اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۰۹ (۳۵۰ - ۳۳۱) و مقایسه شود با سبکی ۷۲/۲.

۲۴۱۲ / الأودنی: اصل: الدورنی، اصلاح از اللباب، ۷۴/۱ و تاریخ الاسلام، ۱۱۰ (۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۴۱۵ / النیسابوری: نیز سبکی، ۱۷۹/۳ دیده شود.

۲۴۱۷ / الاصفرائی: تاریخ الاسلام، ۵۲۸ (۳۸۰ - ۳۵۱).

۲۳۴۷ / البشتی: تاریخ الاسلام، ۱۱۲ (۳۵۱ - ۳۸۰) و نیز سبکی، ۵/۳ - ۱۳۱ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۳۴۸ / السجوری: در تاریخ الاسلام، ۲۵۱ (۳۵۰ - ۳۳۰) السنجوری آمده و مصحح می‌گوید:

این نسبت را نیافتم و طبعاً به تخریب آن هم نپرداخته است. ولی در نیشابور محله السجور وجود داشته

در السیاق، شماره ۹۱۱ در شرح حال ابوبکر کرابیسی می‌گوید: «کان یسکن محله السجور و یقعد علی حانوت فی خان عبدالکریم».

۲۳۴۹ / الهروی: تاریخ الاسلام، ۳۳۳ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۳۵۰ / الصوفی: تکمیل از تاریخ الاسلام، ۱۲۹ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۳۵۱ / الشامانی: اصل الشامانی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۴۰۸ (۳۵۰ - ۳۳۱) و شامات یکی از

ربع‌های نیشابور است. نام او نیز در نسخه اصل: محمد بن محمد بن حامد بود و از ذهبی اصلاح شد.

۲۳۵۳ / محمد بن حامد: تاریخ الاسلام، ۶۷ (۴۰۰ - ۳۸۱) بدون تخریج و نیز الجواهر المضیئة، ۱۱۵/۳ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۳۵۸ و ۲۳۵۹ / محمد بن حسان: دو برادرند به یک نام که تفاوت آنها در کنیه است مقایسه شود،

تاریخ الاسلام، ۳۸۲ (۳۵۱ - ۳۸۰) و نیز ۱۲۴ (۴۰۰ - ۳۸۱) نسبت ایشان در نسخه اصل مالقرسی بود. نیز سبکی ۳۵ - ۱۳۳ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۳۶۲ / محمد بن حُشنام: در تاریخ الاسلام، ۲۲۷ (۳۸۰ - ۳۵۱) حنام خوانده شده و تخریب ندارد.

۲۳۶۴ / محمد بن داود: تاریخ الاسلام، ۲۶۹ (۳۵۰ - ۳۳۱).

۲۳۶۵ / القتی: اصل: القبی.

۲۳۶۷ / الضحلوکی: تاریخ الاسلام، ۴۲۳ (۳۵۱ - ۳۸۰) نیز سبکی ۷۳/۳ - ۱۶۷ که به تفصیل از حاکم نقل می‌کند.

۲۳۶۸ / الأیزاری: تاریخ الاسلام، ۴۰۸ (۳۵۰ - ۳۳۱) دیده شود که گویا مصحح اشتباه کرده است.

۲۳۷۰ / التاجر: مراجعه شود به الجواهر المضیئة، ۱۱۷/۳ که از حاکم نقل می‌کند.

۲۳۷۴ / السجری: اصل: السحری.

۲۳۷۶ / البشتی: تاریخ الاسلام، ۱۲۶ (۳۵۱ - ۳۸۰).

۲۳۷۸ / المعطلی: صحیح آن گویا المالکی است، مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۲۱۹ و ۲۲۶ (۳۸۰ - ۳۵۱).

- ۲۴۱۹ / البرتوودی: تاریخ الاسلام، ۱۵۱ (۳۵۰ - ۳۳۱) اللباب ۱۱۶/۱ و الانساب ۷۶۵ و معجم البلدان، ۴۰۳/۱ کلمه را به ذال ضبط کرده‌اند.
- ۲۴۲۴ / الکلاتی: شاید: الکلابی.
- ۲۴۲۵ / الکرخی: سبکی، ۱۹۹/۳ الکرخی به (جیم) ضبط کرده است ولی مصححان کتاب نوشته‌اند که در انباء الزوارة ۱۸۵/۳ هم الکرخی است.
- ۲۴۲۶ / القفال: سبکی، ۲۲/۳ - ۲۰۰ به نقل از حاکم به تفصیل.
- ۲۴۲۷ / المؤدب: اصل: المودل، شاید: المزدن؟
- ۲۴۲۸ / الزوزنی: سبکی، ۳۵/۳ - ۱۴۳ تحت عنوان محمد بن الحسن بن سلیمان، ابوجعفر الزوزنی البحات، می‌گوید: «و سماء الحاکم فی تاریخ نیشابور محمد بن علی بنت عبدالله و الصواب ما آوردناه» مصححان طبقات الشافعی نوشته‌اند که در بیمة الدهر ۴۴۳/۴ نام او محمد بن الحسین است. در این صورت باید گفت: احتمالاً دو نفرند که در نظر سبکی خلط شده‌اند.
- ۲۴۳۴ / الماسرجسی: تاریخ دمشق، ۹۲/۲۳ و تاریخ الاسلام ۸۵ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۴۳۶ / المؤذن: اصل: المودن.
- ۲۴۳۷ / الرزاد: کذا؟
- ۲۴۴۲ / الذغولی: تاریخ الاسلام، ۱۷۸ (۳۲۱ - ۳۳۰) و نیز الانساب ۲۲۷۵.
- ۲۴۴۳ / الضبی: تفصیل احوال او در الانساب ۳۹۳۵ و نیز تاریخ الاسلام، ۶۳۴ (۳۵۱ - ۳۸۰) معنای نام او را محمد بن عباس بن احمد بن محمد آورده و ذهبی محمد بن عباس بن محمد بن عباس بن احمد. نسبت او در الانساب الضبی العظمی است. معنای اطلاعات مهمی درباره او از تاریخ نیشابور الحاکم نقل کرده است که بسیار خواندنی است.
- ۲۴۴۵ / الخوارزمی: معجم الادباء، ۲۵۲۳ که از الحاکم نقل می‌کند و نیز الانساب ۲۰۹۵ و تاریخ الاسلام، ۶۸ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۴۴۶ / الکسائی: تاریخ الاسلام، ۷۶ (۳۵۰ - ۳۳۱) در اصل: قوه‌نار بود، اصلاح از ذهبی که می‌گوید: نام جدش قوه‌نار معاذ بوده است.
- ۲۴۴۸ / الجرجانی: صاحب الجواهر المصنفة، ۲۶۴/۳
- شرح حال او را از حاکم نقل می‌کند، و در آنجا نام نیای او عبّذک ضبط شده و توضیح داده که نام عبذک عبدالکریم بوده است.
- ۲۴۴۹ / الجلودی: الانساب، ۱۳۲۵ و تاریخ الاسلام، ۲۰۴ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۴۵۰ / الزغوری: الانساب، ۲۷۶۵ و اللباب ۵۰۵/۳
- ۲۴۵۱ / الخشاب: اصل: الحشاب، تصحیح پیشنهادی است چون چنین نسبی احتمالاً وجود ندارد.
- ۲۴۵۹ / الذّهان: تاریخ الاسلام، ۱۸۸ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۴۶۱ / المسقری: مراجعه شود به الجواهر المصنفة، ۳۰۳/۳ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۲۴۶۴ / الریبع: اصل: الربیع.
- ۲۴۶۸ / الصنعی: شاید: الصبغی در تاریخ الاسلام، ۳۶۰ (۳۵۰ - ۳۳۱) آمده ولی ذهبی آن را العتکی ثبت کرده است.
- ۲۴۷۳ / الطوسی: اصل: ابوالنصر، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۱۱ (۳۵۰ - ۳۳۱).
- ۲۴۷۴ / الشیبانی: تاریخ الاسلام، ۴۰۹ (۳۵۰ - ۳۳۱).
- ۲۴۷۶ / الزیادی: اصل: الزنّاطی، اصلاح از اللباب، ۵۱۵/۱ نیز سبکی، ۲۰۱/۴ - ۱۹۸ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۲۴۸۱ / ابوبکر النیشابوری: شماره ۲۴۸۱ عیناً دوبار تکرار شده است. درباره او مراجعه شود به تاریخ الاسلام، ۴۴۹ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۴۸۲ / ابواحمد النیشابوری: تاریخ الاسلام، ۶۰۱ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۴۸۳ / القاضی: در فهرست کتابهای او ذهبی بجای الاسامی و الکنی، الاسماء و الکنی دارد. در مورد الشرح و الابواب، اصل ما: النسوح و الابواب داشت که غلط بود. و بجای دیوان الجيش دیوان الحین.
- ۲۴۸۵ / ابومسهل النیشابوری: تاریخ الاسلام، ۱۲۶ (۳۵۱ - ۳۸۰) بدون تخریج.
- ۲۴۸۶ / الکارزی: اصل: الکاژی، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۶۱ (۳۵۰ - ۳۳۱) و اللباب ۲۰/۳ و الانساب ۴۷۱۵.
- ۲۴۹۰ / الحجاجی: تاریخ الاسلام، ۴۰۵ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۴۹۲ / الجرجانی: اصل: محمد بن محمد بن عبدالله بن عمرو الجرجانی. اصلاح و تکمیل از تاریخ الاسلام، (۳۵۱ - ۳۸۰).

- ۲۴۹۵/ السجزی: تاریخ الاسلام، (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۴۹۶/ المزنی: سبکی، ۱۸۱/۳۴ ترجمه پدرش را آورده است.
- ۲۵۰۰/ الکرابیسی: اصل: شاده. ذهبی دیده شود، تاریخ الاسلام، ۵۴۹ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۵۰۴/ الحیری: تاریخ الاسلام، ۵۵ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۵۰۵/ الطرزی: اصل: الطراری، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۱۱۱ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۵۰۹/ محمد بن محمد بن رجاء: اصل: الامین [یا: الامیر]، ابونصر الزمام علی الفی النیسابوری؟
- ۲۵۱۳/ المطوعی: مراجعه شود به الجواهر المفضیة، ۳۲۸/۳ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۲۵۱۵/ السلمی: مراجعه شود به الجواهر المفضیة، ۳۱۳/۳ که به تفصیل از حاکم نقل می‌کند.
- ۲۵۱۶/ الکراییسی: اصل: محمد بن محمد بن احمد بن احمد بن اسحق اصلاح از تاریخ دمشق، ۱۸۵/۲۳.
- ۲۵۱۹/ الروحی: تاریخ الاسلام، ۱۱۳ (۳۵۰ - ۳۳۱) تمام اطلاعات متن ما را دارد جز الروحی را.
- ۲۵۲۶/ الماسرجسی: در تاریخ الاسلام، ۴۵۲ (۳۵۰ - ۳۳۱) نام نیای او الحسن است.
- ۲۵۳۵/ الأضم: تاریخ الاسلام، ۳۶۳ (۳۵۰ - ۳۳۱).
- ۲۵۳۶/ الأخرم: اصل: احرم، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۳۱۲ (۳۵۰ - ۳۳۱).
- ۲۵۳۷/ النحوی: یک نفر احمد بن یعقوب بن ناصح نحوی اصبهانی در معجم الادباء، ۱۵۵۶ آمده است شاید یاقوت در یادداشت‌های خود محمد را احمد خوانده است.
- ۲۵۴۷/ المزمکی: تاریخ الاسلام، ۵۳۰ (۳۸۰ - ۳۵۱) و نیز الجواهر المفضیة، ۵۰۴/۳ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۲۵۵۴/ معبدین جمعه: اصل: معبد، اصلاح از تاریخ الاسلام، ۴۵۳ (۳۵۰ - ۳۳۱).
- ۲۵۵۸/ القندیشتی: در باب او مراجعه شود به الانساب، ۲۶۲۵ و الاعلام، ابن ناصر الدین ۲۷۳.
- ۲۵۵۹/ منصور بن عبدالله: اصل: ابونصر بن ابونصر.
- ۲۵۶۵/ الطوسی: در تاریخ الاسلام، ۷۰ (۴۰۰ - ۳۸۱) کنیه او ابونصر است.
- ۲۵۶۶/ الشالوسی: اصل: بکر... الشاشی. اصلاح و تکمیل از طبقات ابن قاضی شبهه ۱۱۹/۱ که از حاکم نقل می‌کند.
- ۲۵۶۹/ التروغی: اصل: الروغندی، اصلاح از الانساب، ۱۰۶۵ و اللباب ۱/۱۷۵.
- ۲۵۷۰/ الجرجانی: تکمیل از اللباب، ۱/۱۷۵ و نیز رجوع شود به تاریخ الاسلام ۳۴۸ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۵۷۴/ الزوزنی: در تاریخ الاسلام ۶۰۲ (۳۸۰ -) فقط به صورت: ولید بن احمد بن الولید آمده است.
- ۲۵۷۵/ الاندلسی: تذکرة الحفاظ، شماره ۸۹۳ به نقل از حاکم.
- ۲۵۷۶/ الاسترابادی: تاریخ الاسلام، ۳۳۱ (۳۵۱ - ۳۸۰) بدون تخریح.
- ۲۵۷۸/ الآزادواری: الانساب ۱۴۵ و اللباب ۱/۱۵ - ۱۴ و سبکی، ۲۸۲/۳ به نقل از حاکم.
- ۲۵۸۱/ التواق: تاریخ الاسلام، ۸۹ (۴۰۰ - ۳۸۱) با تفاوت در حسین به جای حسن و ابو عمر به جای ابو عمرو.
- ۲۵۸۲/ الجردی: تاریخ الاسلام، ۶۶ (۳۵۱ - ۳۸۰).
- ۲۵۸۳/ السلمی: تاریخ الاسلام، ۳۱۵ (۳۴۰ - ۳۸۱) و تاریخ بیهقی ۱۱۹ و سبکی، ۸۶/۳ - ۴۸۵ به نقل از حاکم.
- ۲۵۸۴/ یحیی بن محمد: تکمیل و اصلاح از لباب الانساب، بیهقی ۴۹۶/۲ که از تاریخ نیشابور حاکم نقل می‌کند.
- ۲۵۸۸/ المخلدی: تاریخ الاسلام، ۷۱ (۴۰۰ - ۳۸۱) اصل: المخلدی بود اصلاح از اللباب ۱/۱۱۱ و ذهبی، نیز سبکی، ۴۸۴/۳ به نقل از حاکم.
- ۲۵۸۹/ الحریمی: تاریخ الاسلام، ۳۰۶ (۴۰۰ - ۳۸۱).
- ۲۵۹۰/ المحمودی: اصل: المحمودی، اصلاح از اللباب، ۱۰۷/۱.
- ۲۵۹۴/ السکری: سبکی، ۴۸۵/۳ به نقل از حاکم. سبکی نیز فقط نام پدرش را آورده و مصححان این ترجمه را تخریح نکرده‌اند.
- ۲۵۹۵/ الحیری: مراجعه شود به الجواهر المفضیة، ۳۵۹۴/۳ که از حاکم نقل کرده و سال و وفات او را ۳۷۷.
- ۲۵۹۸/ الدیرعاقولی: اصل: الدیرعالی.
- ۲۶۰۳/ الخسروچردی: اصل: یعقوب بن محمد بن احمد بن یعقوب ولی روی کلمات را ذمه گذاشته‌اند و آن را به همان گونه که در متن آورده‌ایم مشخص کرده‌اند، نیز تاریخ بیهقی، ۱۹۵ و اللباب ۱/۳۷۱ و الانساب ۱۹۹۸.
- ۲۶۰۴/ المذکر: مراجعه شود به الجواهر المفضیة، ۶۱۵/۳.

که از حاکم نقل می‌کند.

۲۶۰۷/ الفامی: تاریخ الاسلام، ۱۶۸ (۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۶۱۰/ الرمکی: ظاهرأ صحیح آن الرامکی است، یک نفر

ابوالقاسم الرامکی در الانساب، ۲۴۴ب و اللباب ۱/۲۵۳

آمده که با احتمال قریب بیقین نیای همین شخص است.

۲۶۱۵/ المختلدی: اصل: احمد بن ابوزکریا.

۲۶۲۷/ محمد بن محمد: اصل: ابوسهل بن اخوالحاکم،

اصلاح و تکمیل از تاریخ الاسلام، ۲۷۵ (۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۶۳۰/ الییشکی: معجم البلدان، در بیشک ۱/۵۲۸.

۲۶۳۴/ السکری: تاریخ الاسلام، ۲۸۵ (۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۶۳۷/ السمرقندی: مراجعه شود به الجواهر المضية،

۲/۵۴ به نقل از حاکم.

۲۶۵۴/ السلیطی: اصل: محمد ابوعمر و السلیطی.

اصلاح و تکمیل از تاریخ الاسلام، ۲۵۹ (۳۸۱ - ۴۰۰).

۲۶۶۱/ العصلی العارضی: کذا و چنین نسبتی را نیافتیم.

شاید: العفصی.

۲۶۷۲/ الشسعی: افزوده از تاریخ الاسلام، ۳۱۵

(۳۸۱ - ۴۰۰).

۲۶۷۴/ الطراخی: اصل: الطراخی، سمعانی، در نسبت

الطراخی (که منسوب است به طراوخ، یکی از

قزاق بخارا) می‌گوید: عامه آن را طراخی می‌گویند.

سمعانی چندین نفر از علمای منسوب به طراوخ را

معرفی می‌کند ولی این شخص را نام نمی‌برد.

الانساب، ۳۷۰ب و اللباب ۲/۸۶ نکته قابل یادآوری

اینکه سمعانی می‌گوید: «به کسر طاء و بعضی هم

گفته‌اند فتح آن» ولی ابن اثیر، در لباب می‌گوید: «به

ضم طاء و بعضی هم به فتح گفته‌اند».

۲۶۷۷/ القندیشتی: افزوده از اللباب، ۷/۳ و الانساب

۴۶۲ب در نام نیای او و نیز شماره ۲۵۵۸ متن ما.

۲۶۸۷/ البقال: تاریخ الاسلام، ۳۶۲ (۴۰۰ - ۳۸۱).

۲۶۹۰/ فلکان: شاید: علکان.

۲۷۰۰/ الجوردی: صاحب الجواهر المضية، ۳/۲۷۸

می‌گوید: «ذکره الحاکم فی آخر تاریخ نیشابور و قال:

کان من اصحاب ابي حنیفه و کان من الصالحین.

توفی سنة اربعمأة».

۲۷۰۲/ الفلاحی: تاریخ الاسلام، ۳۹۱ (۴۰۰ - ۳۸۱).

موارد اصلاحات متن

آنچه در ذیل می‌آید صورت اصلی بعضی کلمات و عبارات است در نسخه اساس، شامل اغلاط فاحش متن و موارد ابهام بعضی از کلمات و نیز پیشنهادهای ما برای تغییر. برای دلایل تغییرات، مراجعه شود به تعلیقات مصحح.

مراجعه تکمیلی در صورت لزوم

۹/۱ فضا / فضا • ۲/۲ باولره / باوفرت • ۵/۲ سعود / صعود • ۱/۳ عرض از عرض / عرض از عرض ۲/۴ فصحان / فصیحان • ۹/۴ تاویل / تلویل • ۳/۵ کَلَمٌ / کَلَمٌ • ۵/۷ مصطفی‌اند / مصطفی آمد • ۴/۸ یعنی دروی / یعنی روی • ۶/۸ نباشد / نباشند • ۷/۸ این این و قوم / این و قوم • ۸/۸ هرآینه اگر فرا / هرآینه فرا • ۴/۹ فرمودند صلوات الله علیه که / فرمودند که • ۶/۹ عصبه / عصبه • ۲/۱۱ عزیز / عزیز • ۱/۱۲ خواص / خاص • ۱۲/۱۲ در تو اعتبار و منزلت / در [تو] مس اعتبار و منزلت است • ۱۰/۱۳ در مسجد / دو مسجد • ۶/۱۸ يقال له / يقال لها • ۱۶/۱۸ ربيع الاسلامی / ربيع الاسلام • ۲۶/۱۸ فضله / فضیلت • ۶/۱۹ روزه / روضه • ۲/۲۹ در نسخه اصل روی مساکن شد و اینجا خطی نازک کشیده • ۱/۳۶ سخام / خمخام • قوت / شاید: قوم؟ • ۱/۴۰ قاسم / قثم • ۱/۸۵ سعدین عثمان / سعیدین عثمان • ۱/۱۱۳ منیه / منیه • ۱/۲۰۶ سکن بنسایور بود و توفی / سکن بنسایور و توفی • ۱/۲۱۴ ضاضی / قاضی • ۱/۲۲۱ امام بنسایو / اقام بنسایور • ۱/۲۴۶ الحرش / الحرشی • ۳/۲۵۹ والسه تسع / وله تسع • ۱/۲۶۴ حواس / جواس • ۱/۲۷۴ حمويه / حمويه • ۱/۲۹۸ قاضی نساپوری / قاضی النساپوری • ۱/۳۱۱ العاری / الغازی • ۱/۳۲۲ المعبره / المعبره • ۱/۳۲۷ مقبره • بمقبره • ۲/۳۲۷ پرجا / پرجی • ۱/۳۲۴ القرنین / القرشی • ۱/۳۲۸ القرنین / القرشی • ۱/۳۵۷ حماد / حماد • ۱/۳۶۲ القرسی / القرشی • ۱/۳۶۴ محمدان / حمدان • ۱/۳۸۰ المغیثابادی / المغیثابادی؟ • ۱/۴۰۶ الحفاف / الخفاف • ۱/۴۶۸ محلد / مخلد • ۱/۴۸۰ المكفون / شاید: المكفوف • ۱/۵۲۴ صاحبا / کذا! یا به پدر و پسر برمی‌گردد یا به دو شماره • ۱/۵۲۸ حریر / حریر • ۲/۵۴۵ سَکَةٌ / سَکَةٌ • ۱/۵۸۴ ابن بندس / ابن بندش • ۱/۶۹۵ القرسی / القرشی • ۷/۷۳۱ الشفیه / السفیه • ۲۲/۷۳۱ فارادهم / فابادهم. استاد فرای نیز همین پیشنهاد را داده است. • ۱/۷۳۵ ابس / انس • ۱/۷۳۶ بنسایور / نساپور • ۳/۷۶۰ سفر / صفر • ۱/۷۹۶ غانم / غانم • ۱/۸۰۹ اشرش / اشرس • ۱۲/۸۴۶ الاسج / الاشج • ۱/۸۵۶ خادم ... الأفور / حازم ... الأعود • ۱/۹۲۷ ابوررعة / ابوزرعة • ۱/۹۶۷ تونل / نوفل

- ۱/۹۷۰ /المحدثی /الهمدانی * ۱/۹۸۹ /الساسی /الشاشی * ۱/۱۰۲۱ /رحم /کذا * ۱/۱۰۳۰ /البلی /کذا * ۱/۱۰۵۲ /البحری /کذا * ۱/۱۰۵۹ /خراش /کذا * ۱/۱۱۰۱ /الثارونی /کذا * ۱/۱۱۰۲ /القطی /کذا * ۱۰/۱۱۰۳ /ثم شات بعرف بمحمد /ثم شاب یغرف بمحمد * ۱/۱۱۰۷ /السجری /کذا * ۱/۱۱۲۰ /المبکل /کذا * ۱/۱۱۲۴ /قطبه /کذا * ۱/۱۱۷۲ /نربع ابو رمح /کذا * ۱/۱۱۷۶ /قمیم /کذا * ۱/۱۲۰۹ /الحوار /کذا * ۱/۱۲۸۷ /النورجانی /کذا * ۱/۱۲۹۵ /هزیمه /کذا * ۱/۱۳۰۹ /متخل بن قاسم القرسی /کذا * ۱/۱۳۶۵ /بالسحری /کذا * ۱/۱۳۶۷ /رنحویه الموارینی /کذا * ۱/۱۳۶۹ /بسرالحکیم /کذا * ۱/۱۳۹۲ /قمیصه /کذا * ۱/۱۴۰۵ /المرحانی /کذا * ۱/۱۴۱۱ /ابوعلی بن ابوبکر /ابوعلی بن ابی بکر * ۱/۱۴۳۴ /السام /کذا * ۱/۱۴۶۰ [عبدالله بن] افزوده قیاسی است. * ۱/۱۴۴۷ /الذیر /الذیر * ۲/۱۴۸۸ /تنکش /سکش * ۱/۱۵۲۲ /وهی اکبر /وهواکبر * ۱/۱۵۷۴ /الصوام /الصوام * ۱/۱۵۷۸ /الصامع /الصانع؟ یا الصایغ؟ * ۱/۱۶۰۳ /انیب ابی سعد /کذا * ۱/۱۶۲۸ /و کثر /واکثر * ۱/۱۶۳۶ /الورای /کذا * ۲/۱۶۶۰ /ابوبکر /ابی بکر * ۱/۱۶۶۴ /من سدوس /بن سدوس * ۱/۱۶۷۲ /بنیساپور /نیشابور * ۱/۱۷۷۳ /العانی /کذا * ۱/۱۷۸۸ /حفان /کذا * ۱/۱۸۴۴ /حیر /جیبیر * ۱/۱۸۵۲ /القاضی القضاة /قاضی القضاة * ۱/۱۸۶۷ /ابوعمر /ابی عمرو * ۱/۱۸۸۸ /ماسرخس /ماسرجس * ۱/۱۸۷۸ /الصبی /الضبی * ۱/۱۸۹۵ /مجمع الزاهد /مجمع الزهاد * ۲/۱۹۰۳ /ابوالحسن /ابی الحسن * ۲/۱۹۰۶ /بحارمادوانی /کذا * ۱/۱۹۰۷ /القرسی /القرسی * ۲/۱۹۱۶ /صله زعیم بشفان /قتله زعیم بشفان * ۱/۱۹۱۹ /الحسن /الحسین (بقیاس ردیف اسماء) * ۶۷/۱۹۲۱ /وقد بقی ربه و مصرفه /وقد لقی ربه و مصرفه * ۷/۱۹۲۱ /الصید /السید * ۱/۱۹۴۶ /عضم /کذا * ۱/۱۹۹۰ /ریاره ... زیاره /زیاره ... زیاره * ۱/۲۰۲۹ /الحنونی /کذا * ۱/۲۰۴۵ /ابی العباس /ابوالعباس * ۱/۲۰۶۴ /الکلاخی /کذا * ۱/۲۰۷۶ /تجار /کذا * ۱/۲۰۹۸ /حنونه /حبویه * ۱/۲۱۰۵ /الخبری /کذا * ۱/۲۱۲۵ /المطوعی /اصل: المطوفی، اصلاح به دلیل طرسوس و غزوات * ۱/۲۱۲۷ /الصیرکی /کذا * ۱/۲۱۳۰ /الروعی /کذا * ۱/۲۱۳۸ /جدل /کذا * ۲/۲۱۶۸ /علی العجلی و حواره /کذا * ۱/۲۱۷۵ /النجاری /کذا * ۱/۲۱۷۶ /الساکنی /کذا * ۱/۲۲۰۳ /یتولی /کذا * ۱/۲۲۳۱ /الدسوسندی /کذا * ۱/۲۲۵۳ /الصایغ /کذا * ۱/۲۲۸۰ /الوالی /کذا * ۱/۲۲۸۶ /الحارثی /کذا * ۱/۲۲۹۸ /الصایغ /کذا * ۱۴/۲۳۰۱ /مفخرنا شیخ قوم المشایخ والزمن /ومفخرنا شیخ المشایخ والزمن * ۱۵/۲۳۰۱ /لقد کان /لقد کان * ۲۰/۲۳۰۱ /وبالبحیری من /وبا لبحری [البحیری افزوده قیاسی است و از روی قراین * ۲۱/۲۳۰۱ /نیا /لنا * ۲۳/۲۳۰۱ /کن بذكره مطمئن (کذا) * ۲۷/۲۳۰۱ /عتیب ابابکر الفرد ایه ادن /کذا * ۲۹/۲۳۰۱ /المذکور و امن /کذا * ۳۱/۲۳۰۱ /الطیاری /کذا * ۳۳/۲۳۰۱ /رأس [؟] /کذا * ۳۴/۲۳۰۱ /الحقول منی تحیت /والقول منی تحیه * ۳۷/۲۳۰۱ /عبر بلا شجن /عمر بلا شجن * ۳۹/۲۳۰۱ /الاسباب /الأسباب * ۴۰/۲۳۰۱ /قامومه /کذا * ۴۱/۲۳۰۱ /هو البقی الطالب /کذا * ۴۵/۲۳۰۱ /بدین به ولم یفر ولم یدن /کذا * ۴۹/۲۳۰۱ /لما ابرهیم العداین و الفطن /کذا * ۱/۲۳۰۶ /الکسایبی /کذا * ۱/۲۳۳۴ /المادی /کذا * ۳/۲۳۶۷ /ایضاه /ارضاه * ۳/۲۳۶۷ /العروض /العروضی * ۱/۲۳۷۴ /سادل السخری /کذا * ۱/۲۴۲۴ /الکلاتی /کذا * ۱/۲۴۲۷ /المودل /المؤدب یا المؤذن؟ * ۱/۲۴۳۷ /الرزاد /کذا * ۱/۲۴۵۱ /الحشنانب /کذا * ۱/۲۴۶۴ /الربیع /کذا * ۱/۲۴۹۸ /محمد بن /محمد * ۱/۲۵۰۹ /ابونصر الزمام علی الضی /کذا * ۱/۲۵۲۶ /الماسرجسی /در اصل: ماسرخسی * ۱/۲۵۲۶ /بیت دوم، در اصل: ونثنی علی (ل) /بصاحبه نسخر * ۱/۲۵۵۸ /حبه /کذا * ۱/۲۵۵۹ /ابونصر بن ابونصر /ابونصر بن ابی نصر * ۱/۲۵۶۰ /المعادی /المعادی * ۲/۲۵۸۳ /النیمابو /النیشابوری * ۱/۲۵۹۶ /السحری /کذا * ۱/۲۶۱۰ /الرمکی /کذا * ۱/۲۶۱۵ /ابوزکریا عمرو /ابی زکریا [ابو] عمرو * ۱/۲۶۴۰ /المصلقانی /کذا * ۱/۲۶۶۱ /العصلی /کذا * ۱/۲۶۶۸ /المعادی /المعادی * ۱/۲۶۷۴ /الطراحی /کذا * ۱/۲۶۹۰ /غلکان /کذا * ۱/۲۶۹۲ /المولی /کذا * ۱/۲۶۹۶ /معدویه /کذا * ۱/۲۷۰۰ /الجوردی /کذا * ۴/۲۷۰۹ /هذا کلاته امام الفقیر /هذا کلامه و انا الفقیر * ۴/۲۷۱۰ /بعد از ما به طرفان /کذا * ۷/۲۷۱۰ /ساحره /ساحری * ۱۱/۲۷۱۳ /و آن انبارده ارسده بنا /کذا * ۵/۲۷۱۴ /رتبه ارتباش /کذا * ۸/۲۷۱۴ /تشبیه /تشبید * ۵/۲۷۱۵ /ارتباش /ارتیاش * ۷/۲۷۱۷ /سورین /سورین * ۱۱/۲۷۱۷ /حافظ محفوظ /کذا * ۱۲/۲۷۱۷ /رافقه * کذا * ۱۶/۲۷۱۷ /حوسق /حوسق * ۱۷/۲۷۱۷ /حهم /جهم * ۳/۲۷۲۰ /سرایبی کردن /سرایبی کترین * ۵/۲۷۲۱ /طریق تر /ظریف تر؟ * ۷/۲۷۲۱ /قضا /فصلی * ۳/۲۷۲۲ /مناسک /مناشک *

۶/۲۷۲۲ حولست / کذا * ۷/۲۷۲۲ عنرا حواست / کذا * ۱۶/۲۷۲۲ مرتغه / مریغه * ۲۶/۲۷۲۴ و جوینی کند که
 داشت / و جوینی گندم که داشت * ۸/۲۷۲۵ مأل و مال / مألِ آمال * ۱۰/۲۷۲۵ درآن دران / درآن * ۲/۲۷۲۶
 حمران / کذا * ۵/۲۷۳۰ محیات و موات / کذا * ۵/۲۷۳۳ در کبر منسن ان شیخ من رسین منن با اقدام بر اشغال اقدام
 نمود بتأیید توفیق عینیه تا / در کیرسن آن شیخ منن زین منن به اقدام بر اشغال اقدام نمود به تأیید توفیق غیبیه تا *
 ۴/۲۷۳۲ النحات / البحات * ۲/۲۷۳۴ غضباء / عضباء * ۲/۲۷۴۰ فرمودند که عبارتی که / فرمودند عبارتی که *
 ۱۰/۲۷۴۰ نامه نامه / ثمانمانه * ۷/۲۷۴۱ درسی / دربیستی (بقرینه آیه قرآن ۵۲/۳) * ۸/۲۷۴۱ در برابر سطر «رفی
 منشور...» در حاشیه این عبارت آمده است: «دوباره شده روضه مقدسه ایشان رضی الله عنهم اجمعین» افزوده در
 حاشیه بخط اصلی است ولی ظاهراً ربطی به متن ندارد. * ۵/۲۷۴۴ بنتها / به بها * ۲/۲۷۴۵ حلیه مقدار / کذا *
 ۴/۲۷۴۵ ادیان / ادیان * ۱۱/۲۷۴۵ موصوف / شاید معروف؟ * ۲/۲۷۴۶ نور / نور * ۶/۲۷۴۶ بدی / بدن *
 ۷/۲۷۴۶ ارشه / ازپشه * ۱۱/۲۷۴۸ هزار قاده / هزار قناده * ۴/۲۷۴۹ یا کنار / ناکنار * ۴/۲۷۴۹ بیشتر / مشتهر؟ *
 ۱/۲۷۵۵ صدها / حدها * ۱/۲۷۵۶ اسراف / اشراف * ۳/۲۷۵۷ تلاش / بلاش * ۲/۲۷۷۱ گذاردندی / گزاردندی *
 ۲/۲۷۷۴ وابصه / وابصه * ۳/۲۷۷۶ بسر / بشر * ۳/۲۷۸۰ القصر / التنصر * ۶/۲۷۸۱ زیاره / زیاره * ۸/۲۷۸۲
 ایشا / ایشان * ۳/۲۷۸۴ ایشا / ایشان * ۱۱/۲۷۸۴ ان احبه / من احبه * ۵/۲۷۸۷ الّا فزورواها / الّا فزورواها * ۳/۲۷۸۸
 درخواست / درخواست * ۴/۲۷۸۸ بیاسامی / تااسامی * ۹/۲۷۸۸ مقبره های / مقبره های * ۶/۲۸۸۸ رجال
 رجال / رجال / رجال * ۲/۲۷۹۰ وابصه / وابصه * ۱۰/۲۷۹۱ امام / امام * ۱۷/۲۷۹۲ الکرمانی / الکرمانی * ۷/۲۷۹۳
 شعبان / سفیان * ۸/۲۷۹۳ باسربن نصر / باسربن بن النصر * ۸/۲۷۹۳ الرماح / الرماح * ۸/۲۷۹۳ الیجلی / الیجلی *
 ۳/۲۷۹۴ امامین / امامین * ۲۰/۲۷۹۶ دیز / دیز * ۲۲/۲۷۹۶ ماسی / ماسینی (مایونی؟) * ۱۵/۲۷۹۶
 حمل العرایب / حمل الغرایب * ۱/۲۷۹۷ حسن / حسین * ۱/۲۷۹۷ جعفر / حفص * ۲/۲۷۹۷ حسن / حسین *
 ۱/۲۷۹۷ عبدالله عبدالرماح / عبدالله بن عمر الرماح * ۲/۲۷۹۸ الزاهدی / الذهلی * ۳/۲۷۹۸ ابویوب / ایوب *
 ۴/۲۷۹۸ بسرین / کذا * ۲/۲۷۹۹ رافع / رافع * ۴/۲۷۹۹ القشیری / العنبری



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست ما



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فہرست آیات

- [۵] وَاٰخِرِيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوْا بِهِمْ. (۶۲/۳)
- [۸] اِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمٌ غَيْرِكُمْ ثُمَّ لَا يَكُوْنُوْا اَمْثَالِكُمْ. (۴۷/۳۸)
- [۲۷۲۸] اِنْفَجَرَتْ مِنْهُ اِثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا. (۲/۶۰)
- [۲۷۲۷] جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُوْنَ فِيْ دِيْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا. (۱۱۰/۲)
- [۲۷۸۸] رِجَالٌ لَا تُلْهِيْهِمْ تِجَارَةٌ وَّلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ. (۲۴/۳۷)
- [۲۷۲۴] كَانْتُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ. (۷۴/۵۱)
- [۲۷۸۷] لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ قَتَلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُوْنَ. (۳/۱۶۹)



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فہرست احادیث و ماثورات

- [۱۰] اَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيْبًا فِي الْاِسْلَامِ اَهْلُ فَارِسٍ.
- [۲۷۲۶] اِنْ اَشَدَّ الْبَلَاءِ عَلٰى الْاَنْبِيَاءِ ثُمَّ عَلٰى الْاَوْلِيَاءِ.
- [۲۷۸۷] اِنْ اَوْلِيَاءَ اللّٰهِ لَا يَمُوتُوْنَ وَلٰكِنْ يَنْتَقِلُوْنَ مِنْ دَارٍ اِلٰى دَارٍ.
- [۲۷۲۸] اِنْ اَبْنِكَ هَذَا لَمُسْقٍ.
- [۲۷۸۸] اِنْ لَمْ يَدْزِكِ الْكُلَّ لَمْ يَتْرِكِ الْكُلَّ.
- [۱۸] اِنَّهُ سَيُبْعَثُ ← يَا بُرَيْدَةَ اِنْ سَيُبْعَثُ...
- [۱۸] بُرَيْدَةَ رُبِعِ الْاِسْلَامِ.
- [۲۷۴۲] الْعَظِيْمُ لِاَمْرِ اللّٰهِ وَالسَّفِيْقَةُ عَلٰى خَلْقِ اللّٰهِ.
- [۲۷۲۶] الْحَرُّ يُوْذِي وَالْبَرْدُ يَقْتُلُ، لَعَنَ اللّٰهُ الْعَجَمَ يَمُوتُوْنَ مِنَ الْبَرْدِ وَيَقُوْلُوْنَ حُنْكَلٌ.
- [۱۴] خَيْرُ خُرَاسَانَ نَيْسَابُورُ.
- [۱۱۸۹] سَيَكُوْنُ فِيْ اُمَّتِي رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ اَبُو حَنِيْفَةَ، هُوَ سِرَاجُ اُمَّتِي.
- [۱۱۸۹] سَيَكُوْنُ فِيْ اُمَّتِي رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدِيْنٌ اِذْ رَسِ فَتَنَّتُهُ عَلٰى اَضْرُ مِنْ فِتْنَةِ اِبْلِيسَ.
- [۹] فَارِسٌ عَضْبُنَا اَهْلُ النَّبِيْتِ... لِاَنَّ اِسْمَعِيْلَ عَمُّ وُلْدِ اسْحَقُ وَاسْحَقُ عَمُّ وُلْدِ اِسْمَعِيْلَ.
- فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْاٰيَةُ (وَ اٰخَرِيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوْا بِهِمْ ۳/۶۲) كَلَّمَهَا النَّاسُ فَاَقْبَلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلٰى سَلْمَانَ فَقَالَ: «هُمُ قَوْمٌ هَذَا، لَوْ كَانَ الدِّيْنُ بِالْثَرِيَّا لَنَا لَهُ رِجَالٌ مِنْ هٰؤُلَاءِ.»
- [۵] كُنْتُ مَهَيِّتُكُمْ عَنِ زِيَارَةِ الْقُبُوْرِ، الْاَفْرُوْرُوْهَا.
- [۲۷۸۷]

- [۵] لَوْ كَانَ الدِّينُ بِالثَّرِيَا ← فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ.
- [۸] لَوْ كَانَ الدِّينُ عِنْدَ الثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنَ الْفُرْسِ.
- [۱۵] مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِي يَمُوتُ بِأَرْضٍ إِلَّا بُعِثَ قَائِداً أَوْ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
- [۲۷۳۴] مَنْ إِعْبَرَتْ قَدَمَاهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى النَّارِ.
- [۱۱۸۹] مَنْ حَدَّثَ عَنِّي بِمُحَدِّثٍ يُرَى أَنَّهُ كَذَبٌ فَهُوَ أَحَدُ الْكَاذِبِينَ.
- مَنْ زَارَنِي عَلِيٌّ بَعْدَ دَارِي أَنْتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا، إِذَا
 تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِيناً وَشِمَالاً وَعِنْدَ الصِّرَاطِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ.
- [۵۲۲] نَعَمْ الْبَلَدُ نَيْسَابُورُ.
- يَا بَرِيدَةَ إِنَّهُ سَيُبْعَثُ... بَعْدِي بَعُوثٌ فَإِذَا بُعِثَتْ تِلْكَ الْبَعُوثُ فَكُنْ فِي بَعْثِ الْمَشْرِقِ،
 ثُمَّ كُنْ فِي بَعْثِ خِرَاسَانَ، ثُمَّ كُنْ فِي بَعْثِ أَرْضِ يَمَانَ قَالَ لَهَا مَرُوءٌ، فَإِذَا أَتَيْتَهَا فَانزِلِ مَدِينَتَهَا
 فَإِنَّهَا بَنَاهَا ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَصَلَّى فِيهَا عَزَيْرٌ. أَنْهَارُهَا تَجْرِي بِالْبَرَكَاتِ عَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْهَا
 مَلَكٌ شَاهِرٌ سَيْفُهُ يَدْفَعُ السُّوءَ عَنْ أَهْلِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.
- [۱۸] يَا بَرِيدَةَ لَا يَكُلُّ بَصْرُكَ وَلَا يَذْهَبُ سَمْعُكَ أَنْتَ نُورٌ لِأَهْلِ الْمَشْرِقِ.
- [۱۹] يَا مُوسَى أَحِبِّ رَبَّكَ بِكُلِّ قَلْبِكَ.
- [۲۷۸۴]

فہرستِ شعرهای عربی

- مَا أَطْيَبَ التَّلْجُ بِمَاءِ الْقَذْبِ يَسْتَخْرِجُ الْحَمْدُ مِنْ أَصْلِ الْقَلْبِ
 [۱۰۱۸] اعرابی (۱ بیت)
- وَكُنَّا نَسْتَطْبُ إِذَا مَرَضْنَا فَصَارَ هَلَاكُنَا بَيْدِ الطَّيِّبِ
 [۱۶۱۹] بروایت فضیل عیاض (۲ بیت)
- وَمَا حَالَاتُنَا إِلَّا ثَلَاثُ شَبَابٌ ثُمَّ شَيْبٌ ثُمَّ مَوْتُ
 [۲۵۲۶] محمد بن مؤمل ماسرجسی (۱ بیت)
- وَقَذْبُ رِيْبِهِ وَمَصْرَفُهُ أَمَامَ هَذَا الدُّهُورِ وَالْأَعْصَرِ
 [۱۹۲۱] یکی از علما در مرثیة ابو الولید فقیه (۲ بیت)
- أَلَمْ تَرَ أَنِّي أَزُورُ الْوَزِيرَ وَأَمْدَحُهُ ثُمَّ اسْتَغْفِرُ
 [۲۵۲۶] از انشاء محمد بن مؤمل ماسرجسی (۲ بیت)
- وَلَنْ تَصَادَفَ مَرْعَى مُرْعَاً [] إِلَّا وَجَدْتِ بِهِ آثَارَ مَأْكُولِ
 [۶۷۱] اعرابی (۱ بیت)
- لِسَانُ الْفَقِي نَضْفٌ وَنِضْفٌ فَوَادَةٌ وَلَمْ يَنْبِقِ إِلَّا صَوْرَةُ اللَّحْمِ وَالْدَّمِ
 [۱۴۱۰] بکر بن خزیمه (۲ بیت)
- يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ الْمَقِيمُ بِبَلَدَةٍ لَا تَأْمَنَنَّ حَوَادِثَ الْأَرْمَانِ
 [۷۳۱] ابو تقام (۲ بیت)

وَدَعَّ فِكْرَ جُرْجَانَ فَإِنَّ شَيْوَحَنَا

ببِلْدَةِ نَيْسَابُورِ أَعْلَىٰ فَمَا الْحَزَنُ؟

أَنْتَ بِشَرْطِ النَّبِيِّ إِذْ قَالَ يَوْمًا

أَطْلُبُوا الْخَيْرَ فِي حِسَانِ الْوُجُوهِ

يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ أَنْتَ رَبِّي

وَأَنْتَ مَوْلَايَ وَأَنْتَ رَبِّي

لَيْسَ لِلْخَيْبَةِ الْكَشِيفَةُ مَعْنَىٰ

غَيْرُ قُبْحِ اسْمِهِ وَغَمِّ الْفُؤَادِ

إِنَّ الَّذِي يَعْتِ النَّبِيَّ مُحَمَّدًا

وَهَبَ الْخِلَافَةَ لِلْإِمَامِ الْمَهْتَدِي

إِنَّ الطَّبِيبَ بِطَبِّهِ وَدَوَائِهِ

لَا يَسْتَطِيعُ دِفَاعَ مَقْدُورِ أَتَىٰ

إِزْأَنشَادِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلِ طُوسِيِّ (بَيْتِ ۳) [۶۰۱]



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

فهرست شعرهای فارسی



مرکز تحقیقات کتابخانه‌شناسی و اسنادشناسی

- | | |
|--|-----------------------------------|
| کفرش همه ایمان شد تا باد چنین بادا
[۲۷۲۷] | آن فوج مسلمان شد تا باد چنین بادا |
| در یک دو سه دم عالیها سافلها
[۲۷۱۸] | توقیع اذا زلزلت الارضش کرد |
| بُد پانصد و اند آنکه شد شهر چو دشت
[۲۷۸۶] | اندر سه زمان، سه زلزله واقع گشت |
| مصراع [۲۷۲۶] | نی روی سفر کردن و نی جای اقامت |
| سرماست چنانک دیک در جوش فسرد
[۲۷۲۶] | سرماست چنانک بینی و گوش فسرد |
| وان رود مکرمت که شنیدی سراب شد
[۲۷۱۷] | آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد |
| احکام همی گفت کمر می بستم
[۲۷۲۴] | فرمان مدینه را ز جا برجستم |
| بُن نیزه و قُبّه بارگاه
[۲۷۲۴] | فروزدبه ماهی و برزد به ماه |
| همچون مسیح مُرده به دم زنده می کنی
[۲۷۲۴] | گر یک نظر به سوی من خسته می کنی |



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست نامها و نسبت‌ها

الابریشمی، محمدبن احمد ۲۲۲۵	الآبتدونی، عبدالله بن ابراهیم ۱۹۹۹
الابزازی، حامدبن موسی ۹۹۲	الآجری، عمر بن احمد ۲۱۱۴
الابزازی، محمدبن احمد ۲۳۶۸	الآزادواری، ابراهیم بن عبدالرحمن ۸۴۰
الابزازی، ابراهیم بن احمد ۱۸۰۳	الآزادواری، محمدبن جعفر ۱۱۵۱
ابن اسحاق، الخزیمی ۲۳۰۱	الآزادواری، هارون بن محمد ۲۵۷۸
ابن بشلش ۵۸۴	ابراهیم (نبی) ۱۳
ابن جریج ۱۴	ابراهیم (از اصحاب حدیث) ۲۳۰۱
ابن الحسنک ۱۲۹۷	ابراهیم بن ابی طالب ۸۴۲، ۲۷۸۰، ۲۷۹۳، ۲۷۹۷
ابن داود النسوی ۱۴۴۴	ابراهیم بن ادھم ۲۰۸۲
ابن عباس ۱۳، ۹	ابراهیم بن طهمان ۱۴
ابن عبدالحکم ۱۱۰۳	ابراهیم بن محمد بن شعبان ۲۷۹۳، ۲۷۷۷
ابن عطا ۲۸۳۸	ابراهیمک النیسابوری ۱۸۰۲
ابن عقده، ابوالعباس ۷۲۱	الابرص، محمدبن احمد
ابن علیک ۱۴۹۳	الابریشمی، عبدالله بن احمد ۱۹۹۵

این کتاب، در اصل دارای نظام الفبایی دقیقی بوده است و هنوز هم، با اندکی اغماض، نظام الفبایی خود را حفظ کرده است. کتاب براساس «طبقات» تنظیم شده و هر طبقه به ترتیب الفبایی، از الف تا یا. این فهرست فقط شامل نسبت‌ها و لقب‌هاست و نیز شامل آن دسته از نامها و کنیه‌هایی است که در نظام تدوین مؤلف، قابل یافتن نیستند. برای «مثال» اگر در جستجوی «احمدبن علی اسفراینی قاضی الحرمین» هستید، باید آن را در نظام تألیفی کتاب، در طبقه خودش و در حرف الف: احمدبن علی، بجویید. درین فهرست، فقط صورت اسفراینی، احمدبن علی، و «قاضی الحرمین، احمدبن علی» را می‌توانید بیابید که نسبت یا لقب او را نشان می‌دهد و نیز اسم‌ها و کنیه‌هایی را که در نظام مورد نظر مؤلف، در ضمن احوال اشخاص دیگر آمده‌اند. برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به مقدمه مصحح.

ابوالعباس بن مسروق ۲۸۳۲	ابن فورک لصبهانی ۲۷۹۴، ۲۷۹۶
ابوعبدالله بن احمد المقرئ ۲۸۹۶	ابن الکرمان، محمد بن یعقوب ۲۵۲۶
ابوعبدالله جلا ۲۸۲۲	ابن کوا ۱۲
ابوعبدالله النیسابوری ۲۷۹۱	ابن مخارق ۱۴
ابوعثمان (از اصحاب حدیث) ۲۳۰۱	ابن مخلد ۱۷
ابوعثمان حیری ۱۹۶۳، ۲۷۹۱، ۲۸۱۹	ابن المفید، جعفر ۹۴۸
ابوعثمان مغربی ۲۷۹۱	ابن مهلب ۲۷۶۷
ابوعلی ثقفی ۱۴۶۱، ۲۷۷۸، ۲۷۹۱، ۲۷۹۷، ۲۸۶۱	ابن هاشم ۲۳۰۱
ابوعلی نیشابوری ۲۷۹۲	ابن یزداینار، حسین ۲۸۷۲
ابوعمر بن ابی جعفر ۷۲۱	ابواسحاقک الزاهد ۱۸۱۶
ابوعمر بن نجید ۲۷۷۷، ۲۷۹۱	ابوالاسود ۳۶
ابوعمر بن نصر ۲۳۰۱	ابوالاظهر ۲۳۰۱
ابوعوانة اسفراینی ۱۳۲۶	ابوبکر بن اسحاق ۲۳۰۱
ابوالفضل المتکلم الاشعری ۲۰۹۳	ابوبکر الزاهد ۲۷۹۳
ابوقایوس، ملک شام ۲۷۶۳	ابوبکر صدیق ۱۸
ابوالقاسم، الشیخ (از اصحاب حدیث) ۲۳۰۱	ابوبکر فنار ۲۷۹۱
ابوالقاسم مغربی ۲۷۹۱	ابوبکر محمد بن اسحاق ۲۰۸۶
ابومسلم مروزی ۲۷۲۰، ۲۷۲۲، ۲۷۶۸، ۲۷۶۹	ابوبکر النیسابوری، الشیخ ۲۳۰۵
ابوالورد ۲۸۳۶	ابوتمام ۷۳۱
ابوالولید، الاستاد ۲۲۷۲، ۲۷۷۶، ۲۷۹۳، ۲۷۹۸	ابوجعفر احمد بن حمدون ۲۷۹۱
ابوهزیره ۱۱۸۹	ابوجعفر الصوفی، محمد بن جعفر ۲۷۸۹، ۲۷۸۱
ابویعقوب، اسحاق ۱۷۹۳	ابوالحسن، الشیخ رئیس ۲۳۰۱
ابویوسف قاضی ۲۹۸	ابوالحسین بن بنان ۲۸۶۶
الابهری، ابوبکر عبدالله ۲۸۶۸	ابوحفص حنلا ۹۸۳، ۱۹۶۳، ۲۷۹۱، ۲۷۹۶
الابهری، عبدالرحمن بن محمد ۱۴۸۵	ابوحنیفه ۱۱۸۹
الابیوردی، ابراهیم بن محمد ۸۴۷	ابوذرقاری ۸۷
الابیوردی، ابراهیم بن محمد ۱۳۹۳	ابورجا، قاضی القضاة ۱۹۴۰
الابیوردی، السری بن خزیمه ۴۴۱	ابوریحان بیرونی ۲۷۴۸
الابیوردی، علی بن حریر ۵۲۸	ابوسلمه ۱۱۸۹
الابیوردی، محمد بن حماد ۶۳۷	ابوشحمة جوانمرد ۲۷۹۵
احمد بن ابراهیم ۳۷۷۶	ابوالصلت هروی ۵۰۹
احمد بن ابی الحواری ۲۸۱۱	ابوالطیب بن عبدان ۱۹۸۵
احمد بن ابی الورد ۲۸۳۶	ابوالعباس بن عطا ۲۸۳۸
احمد بن حاج بکر ۲۷۳۰	ابوالعباس بن کلثوم ۱۳۳۷

- احمد بن حرب ۲۵۹، ۱۰۹۶، ۱۲۵۳، ۲۷۹۲، ۲۷۹۳، ۲۷۹۶
 احمد بن حنبل (حنبلون) ابو جعفر ۲۷۹۱، ۲۸۵۶
 احمد بن حنبل ۸۱۹، ۲۶۰
 احمد بن خالد ۹۹۸
 احمد بن المبارك الزاهد ۲۷۸۰
 احمد بن محمد حسن بن احمد الخلیفه النیسابوری ۲۷۸۸
 الاخباری، علی بن احمد ۲۱۲۹
 الاخرم، محمد بن یعقوب ۲۵۳۶
 الادیب، احمد بن الحسین ۱۶۸۳
 الادیب، عبدالرحمن بن محمد ۱۴۸۲
 الادیب، عبدالله بن حنبلون ۲۰۰۷
 الادیب، عتب بن خیمه ۲۱۹۱
 الادیب، محمد بن ابراهیم ۲۳۰۸
 الادیب، محمد بن عبدالله ۲۳۱۰
 الادیب، مضارب بن ابراهیم ۱۲۸۶
 الادیب النحوی، الحسین بن عبدالحمید ۱۹۱۳
 الادیب النیسابوری، محمد بن ابراهیم ۱۱۱۹
 الارتمانی، الحسین بن اسمعیل ۹۷۹
 الارزنانی، محمد بن عبدالرحمن ۱۵۳۷
 الارغیانی، عبدالواحد بن سعید ۱۴۸۶
 الارغیانی، عمران بن موسی ۱۰۹۸
 الارغیانی، محمد بن المسیب ۱۲۵۶
 الارغیانی، مسیب بن محمد ۲۵۵۲
 الارغیانی، هارون بن عمران ۷۷۹
 الارنبوی، محمد بن ابراهیم ۲۲۹۷
 الازدی، احمد بن عبدالرحیم ۲۷۶
 الازدی، عبدالله بن سلیمان ۱۰۳۳
 الازدی، مهلب ۱۰۲
 الازدی، ولید بن سلمه ۲۰۰
 الازهری، احمد بن محمد ۹۱۱
 الاسترابادی، احمد بن بنزار ۱۶۶۹
 الاسترابادی، اسماعیل بن احمد ۱۸۳۶
 الاسترابادی، زبیر بن عبدالواحد ۱۹۴۸
 الاسترابادی، عبدالله بن جعفر ۲۰۰۵
 الاسترابادی، عبدالملک بن محمد ۱۴۸۹
 الاسترابادی، محمد بن محمد ۲۵۲۳
 الاسترابادی، هارون بن احمد ۲۵۷۶
 الاستوائی، احمد بن ابی الفراتی ۲۶۷۶
 الاستوائی، احمد بن جواس ۲۵۵
 الاستوائی، دلوود بن عبدالله ۱۰۰۲
 الاستوائی، عمرو بن عقبه ۵۱۸
 الاستوائی، عمرو بن عصام ۵۶۲
 الاستوائی، محمد بن بسطام ۲۳۱۵
 الاستوائی، محمد بن روح ۱۱۷۳
 الاستوائی، محمد بن عبدالرحمن ۶۶۸
 الاستوائی، هارون بن هشام ۱۳۰۸
 اسحاق (نبی) ۹
 اسحاق (از اصحاب حدیث و ظاهراً اسحاق حنظلی)
 ۲۳۰۱
 اسحاق بن ابراهیم حنظلی ۲۷۹۹، ۲۷۸۲، ۱۲۶۵
 اسحاق بن راهویه ۱-۶، ۲۷۸۲، ۲۷۹۹
 الاسدی، محمد بن شعیب ۶۵۷
 الاسدی، محمد بن مروان ۷۰۳
 الاسفراینی، ابراهیم بن بلال ۸۲۵
 الاسفراینی، ابراهیم بن محمد ۱۸۲۵
 الاسفراینی، احمد بن اسحاق ۱۳۳۲
 الاسفراینی، احمد بن بشر ۱۳۳۹
 الاسفراینی، احمد بن سهل ۸۹۰
 الاسفراینی، احمد بن شادان ۱۳۵۰
 الاسفراینی، اسحاق بن موسی بن عمران ۸۶۶
 الاسفراینی، اسماعیل بن ابراهیم ۲۳۳
 الاسفراینی، بدیل بن محمد ۳۱۵
 الاسفراینی، بشر بن احمد ۱۸۵۱
 الاسفراینی، حامد بن عبدالوهاب ۳۶۲
 الاسفراینی، الحسن بن محمد ۱۸۸۴
 الاسفراینی، داود بن محمد ۱۹۴۲
 الاسفراینی، رجاب بن السندی ۳۹۳
 الاسفراینی، شافع بن محمد ۱۹۷۶

- الاسفرائینی، شوکر بن عبدالله ۴۴۹
 الاسفرائینی، عثمان بن محمد ۲۱۱۹
 الاسفرائینی، عمر بن محمد ۲۱۱۳
 الاسفرائینی، محمد بن احمد ۲۲۶۰
 الاسفرائینی، محمد بن بحر ۶۲۷
 الاسفرائینی، محمد بن الجنید ۶۲۸
 الاسفرائینی، محمد بن شریک ۱۵۴۷
 الاسفرائینی، محمد بن عبدالله ۲۳۹۹
 الاسفرائینی، محمد بن عبدالصمد ۱۲۱۷
 الاسفرائینی، محمد بن علی ۲۴۱۷
 الاسفرائینی، محمد بن عمر ۲۴۵۶
 الاسفرائینی، محمد بن فراس ۱۲۴۶
 الاسفرائینی، محمد بن قبیصة ۱۲۵۰
 الاسفرائینی، محمد بن محمد ۲۴۹۴
 الاسفرائینی، محمد بن یحییٰ ۷۱۴
 الاسفرائینی، محمد بن یعقوب ۲۵۲۸
 الاسفرائینی، یحییٰ بن الحسین ۷۹۹
 الاسفرائینی، یحییٰ بن محمد ۲۵۸۵
 الاسفرائینی، یعقوب بن اسحاق ۱۳۲۶
 الاسفرائینی، یعقوب بن سلیمان ۱۳۲۳
 الاسفنجی، عمر بن سعید ۵۶۹
 الاسفنجی، موسیٰ بن یزید ۷۲۵
 الاسلامی، ابراهیم بن زید ۲۱۱
 اسلامی، ابو برزہ ۲۲، ۲۷۹۰
 اسلامی، بُزید بن خُصیب ۱۸
 الاسلامی، خالد بن ابی برزہ ۶۹
 الاسلامی، سلیمان ۷۷
 الاسلامی، عامر بن سلیم ۲۴
 اسلامی، عبدالله بن خُصیب ۲۰
 الاسلامی، القاسم بن محمد ۱۵۲۴
 اسماعیل (نبی) ۹
 الاسماعیلی، احمد بن ابراهیم ۱۶۵۸
 الاسماعیلی، احمد بن اسماعیل ۱۶۶۲
 الاسماعیلی، احمد بن محمد ۱۷۳۲
 الاسماعیلی، محمد بن اسماعیل ۱۱۲۵
 الاسماعیلی الطوسی، اسماعیل بن احمد ۱۸۳۵
 الاشخّ المدنی، ابراهیم ۸۴۶
 الاشروسنی، حامد بن ابی حامد ۱۴۳۹
 الاشقر، ابوبکر ۲۰۲۵
 الاشقر، احمد بن محمد ۱۷۳۷
 الاشقر، احمد بن یوسف ۱۷۹۹
 الاصبهانی، ابراهیم بن عبدالله ۱۸۱۴
 الاصبهانی، ابراهیم بن محمد ۲۶۲۴
 الاصبهانی، احمد بن ابراهیم ۱۶۶۵
 الاصبهانی، احمد بن الحسن ۱۶۷۲
 الاصبهانی، احمد بن علی ۱۷۰۳
 الاصبهانی، احمد بن کوفی ۱۷۱۸
 الاصبهانی، احمد بن محمد ۹۱۷
 الاصبهانی، الحسن بن کوشاد ۱۸۸۳
 الاصبهانی، داود بن علی ۳۹۰
 الاصبهانی، عاصم بن الحسین ۲۱۸۷
 الاصبهانی، عباس بن مرزبان ۱۵۱۵
 الاصبهانی، عبدالله بن احمد ۱۹۹۶
 الاصبهانی، عبدالله بن محمد ۲۰۴۶
 الاصبهانی، علی بن الحسن ۱۰۷۰
 الاصبهانی، علی بن سهل ۲۸۳۱
 الاصبهانی، الفضل بن محمد ۲۱۹۶
 الاصبهانی، محمد بن ابراهیم ۱۱۲۱
 الاصبهانی، محمد بن احمد ۲۲۰۹
 الاصبهانی، محمد بن احمد ۲۲۶۱
 الاصبهانی، محمد بن اسحاق ۲۳۰۹
 الاصبهانی، محمد بن الحسن ۲۳۳۰
 الاصبهانی، محمد بن الحسین ۲۶۱۶
 الاصبهانی، محمد بن الخلیل ۲۳۶۰
 الاصبهانی، محمد بن ظاهر ۲۳۸۱
 الاصبهانی، محمد بن علی ۲۳۳۲
 الاضم، ابوسعید ۲۷۹۳
 الاضم، ابوالعباس ۱۳۲۵، ۲۷۷۷، ۲۷۹۲

- الاصم، خاتم ۲۸۱۰
 الاصم، محمد بن یعقوب ۲۵۳۵
 الاصمعی، عبدالملک ۶۷۱، ۱۷۰
 الاعرابی، ابوسعید احمد ۲۸۷۷
 الاعرج، محمد بن یحیی ۱۲۷۲
 الاعرج، یحیی بن زکریا ۱۳۱۳
 الاعمش، احمد بن حمدون ۸۷۸
 الاعمشی، ابو حامد ۹۸۴
 افراسیاب ۲۷۱۰
 الاقطع، ابوالحسن ۲۸۶۰
 الاکارعی، محمد بن ابراهیم ۱۵۶۷
 اکزمکی، ابراهیم بن سعید ۸۳۳
 «امادوار» (= رجاء) ۷۴۰
 امام الحرمین ۲۷۹۴، ۲۷۹۶
 الاموی، عبدالعزیز بن عبدالملک ۲۱۰۱
 الاموی، محمد بن یوسف ۱۳۷۹
 امیر ماضی (اسماعیل بن احمد) ۱۳۰۲، ۸۷۱
 الاندلسی، سعید بن نصر ۱۹۵۸
 الاندلسی، عطیة بن سعید ۲۱۸۹
 الاندلسی، محمد بن صالح ۲۳۷۷
 الاندلسی، نصر بن محمد ۲۵۶۸
 الاندلسی، ولید بن بکر ۲۵۷۵
 انس بن مالک ۶۹
 الانصاری، ابراهیم بن عمار ۲۳۳
 انصاری، ابراهیم بن مرء ۱۲۱
 انصاری، ابوبکر ۳۵
 انصاری، ابو عمرو ۳۴
 الانصاری، احمد بن سهل ۱۶۹۴
 الانصاری، احمد بن علی ۸۹۸
 الانصاری، اسحاق بن موسی ۲۴۴
 الانصاری، عمرو بن سالم ۹۲
 الانصاری، عیسی بن اسحاق ۱۰۹۱
 الانصاری، قیس بن ابی ودیعة ۳۷
 الانصاری، محمد بن احمد ۶۰۷
 الانصاری، محمد بن حمدویه ۶۳۸
 الانصاری، محمد بن عبدالرحمن ۶۶۶
 الانصاری، محمد بن محمد ۱۲۶۱
 الانصاری، محمد بن نصر ۱۶۱۸
 الانطاکی، ابوعلی احمد ۲۸۱۵
 الانطاطی، ابراهیم بن اسحاق ۸۲۱
 الانطاطی، ابوالحسن ۲۵۶۰
 الانطاطی، احمد بن محمد ۱۷۵۳
 الانطاطی، احمد بن محمد ۱۷۹۰
 الانطاطی، الحسین بن محمد ۱۳۲۹
 الانطاطی، عبداللہ بن محمد ۲۰۳۳
 الانطاطی، علی بن الحسین ۱۵۰۵
 الانطاطی، ابو عمرو بن علی ۲۶۵۹
 الانطاطی، محمد بن اسحاق ۱۱۱۰
 الانطاطی، محمد بن عبدالله ۲۶۶۶
 الانطاطی، محمد بن الفتح ۲۴۶۷
 الانطاطی، محمد بن محمد ۲۴۸۸
 الانطاطی النجاری، محمد بن احمد ۲۲۸۵
 انوشروان ۲۷۵۰، ۲۷۵۷
 الأودنی، علی بن عبدالله ۲۱۵۱
 الأودنی، محمد بن عبدالله ۲۲۱۵
 الابهاری، محمد بن عبثوس ۱۵۵۰
 ایرج بن فریدون ۲۷۱۰
 ایوب بن الحسن الزاهد ۲۷۷۶، ۲۷۹۸
 الباخری، عاصم ۵۶۵
 الباری، الحسین بن نصر ۱۴۳۰
 الباغکی، الحسین بن عبدالله ۹۸۱
 الباغکی، محمد بن الحسین ۱۶۰۳
 البالوی، احمد بن محمد ۲۷۰۵
 البالوی، عبدالله بن احمد ۲۰۳۹
 البالوی، محمد بن احمد ۱۱۴۳
 البالوی الحیری، عبدالواحد بن محمد ۱۴۹۰
 الباهلی، الحسن بن محمد ۱۴۲۳
 الباهلی، حماد بن معاذ ۹۸۸

- الباهلی، عبدالله بن محمد ۱۳۶۰
 الباهلی، محمد بن یاسین ۱۲۷۴
 الباهلی، یاسین بن النضر ۸۱۲، ۲۷۹۳
 البجلی، الحسین بن فضل ۲۳۴۱، ۲۷۹۳
 البجلی، علی بن الفضل ۱۵۰۱
 البخیری، احمد بن محمد ۱۷۵۵
 البخیری، محمد بن احمد ۲۲۵۰
 البخیری، محمد بن محمد ۱۵۳۰
 البخاری، ابراهیم بن الاشعث ۲۱۲
 البخاری، ابراهیم بن محمد ۱۸۱۷
 البخاری، ابراهیم بن یوسف ۱۸۲۹
 البخاری، احمد بن سعید ۱۶۹۳
 البخاری، احمد بن نصر ۱۷۲۷
 البخاری، احمد بن احمد ۱۸۲۴
 البخاری، اسحاق بن ابراهیم ۱۸۲۹
 البخاری، بکر بن محمد ۱۴۱۲
 البخاری، حاشد بن اسماعیل ۳۷۵
 البخاری، الحسن بن زناد ۱۸۷۵
 البخاری، الحسن بن یعقوب ۱۸۹۴
 البخاری، سهل بن عثمان ۱۹۷۱
 البخاری، عبدالله بن عمرو ۲۰۱۵
 البخاری، عبدالله بن الفضل ۲۰۲۰
 البخاری، عبدالله بن محمد ۱۳۷۳
 البخاری، عبدالله بن محمد بن بدیل ۲۰۲۵
 البخاری، عبدالله بن محمد بن عمر ۲۰۲۶
 البخاری، عبدالصمد بن محمد ۲۰۹۸
 البخاری، علی بن احمد ۲۱۲۴
 البخاری، عیسی بن موسی ۱۷۵
 البخاری، لیث بن نصر ۲۲۰۶
 البخاری، محمد بن اسماعیل ۶۰۳، ۷۲۱، ۸۷۴، ۸۹۸
 ۲۴۸۳، ۱۱۰۳
 البخاری، محمد بن حامد ۲۳۵۳
 البخاری، محمد بن الخالد ۲۳۶۱
 البخاری، محمد بن علی ۱۵۹۵
 البخاری، محمد بن محمد ۱۵۲۸
 البخاری، محمد بن نصر ۲۲۶۳
 البخاری، محمد بن یحیی ۱۲۷۷
 البخاری، محمد بن یوسف ۲۵۴۰
 البخاری، منصور بن محمد ۲۵۴۸
 البخاری، یحیی بن عاصم ۷۹۸
 البخاری، یوسف بن عیسی ۸۱۰
 البردعی، سعید بن القاسم ۱۹۶۰
 البردعی، مکی بن احمد ۲۵۵۱
 البردیحی، احمد بن هارون ۹۳۶
 البردعی، احمد بن علی ۹۰۶
 البردعی، احمد بن هارون ۹۳۶
 البردعی، عبدالعزیز بن الحسن ۱۴۸۷
 البردعی، محمد بن الحسین ۱۱۶۱
 برزان جاه ۲۷۲۶
 البرمقی، احمد بن ابراهیم ۲۵۱
 البرنودی، حوثرة بن محمد ۱۳۴۰
 البرنودی، زکریا بن یحیی ۱۰۰۸
 البرنودی، علی بن بکر ۵۲۷
 البرنودی، علی بن عمر ۱۰۸۰
 البرنودی، محمد بن علی ۲۴۱۹
 البرنودی، یحیی بن محمود ۱۶۴۶
 بُزَیْدَه ۱۸، ۱۹، ۲۱
 البزاز، ابو حامد ۷۳۰
 البزاز، احمد بن اسحاق ۱۳۳۷
 البزاز، احمد بن جعفر ۱۶۷۱
 البزاز، احمد بن سلمه ۸۸۸
 البزاز، احمد بن الفضل ۱۷۱۵
 البزاز، احمد بن محمد ۹۱۲
 البزاز، احمد بن محمد ۱۷۵۲
 البزاز، الحسن بن محمد ۱۴۲۴
 البزاز، الحسن بن محمد ۱۹۰۴
 البزاز، زکریا بن یحیی ۱۰۰۵
 البزاز، عبدالله بن احمد ۱۹۹۱

- البیاضی، فوز - ۱۲۴۷
- البیاضی، محمد بن ابراهیم ۲۳۰۱
- البیاضی، محمد بن جعفر ۲۳۱۷
- البیاضی، محمد بن الحسین ۲۳۲۵
- البیاضی، محمد بن حبان ۲۳۴۷
- البیاضی، محمد بن صالح ۲۳۷۶
- البیاضی، محمد بن یحیی ۲۵۴۴
- البیاضی، موسی بن عبدالمؤمن ۱۲۸۴
- البیاضی، یحیی بن عمرو ۲۵۸۷
- بشر بن الحکم ۲۷۹۸، ۲۷۷۶
- بشر الحافی ۲۸۰۴
- البصری، ابو عمرو ۱۵۱۰
- البصری، بشر بن عبدالله ۱۸۵۳
- البصری، ابراهیم بن عبدالرحمن ۲۲۷
- البصری، احمد بن محمد ۱۷۷۳
- البصری، حجاج بن المهاجر ۲۶۵
- البصری، الحسن بن ابی الحسن ۶۲
- البصری، زید بن الحواری ۷۳
- البصری، عباد ۹۶
- البصری، سعید بن عبدالرحمن ۷۶
- البصری، طلحة بن ایاس ۸۴
- البصری، علی بن محمد ۲۱۷۸
- البصری، عمر بن احمد ۲۱۱۴
- البصری، غسان بن عبدالله ۵۸۲
- البصری، قحطه بن سلیمان ۱۸۳
- البصری، مجیر بن قحطم ۱۹۵
- البصری، محمد بن احمد ۲۸۷۳
- البصری، محمد بن بشر ۲۳۱۳
- البصری، محمد بن الحسن ۱۵۹۶
- البصری، محمد بن شادان ۶۵۹
- البصری، محمد بن واسع ۱۰۱
- البصری، مورج بن عمرو ۱۹۱
- البصری، یحیی بن حمید ۱۱۷
- البصری، یحیی بن عقیل ۱۱۸
- البزاز، عبدالله بن ابی بکر ۲۰۰۳
- البزاز، عبدالله بن محمد ۱۴۷۲
- البزاز، عبدالرحمن بن بحر ۱۰۶۰
- البزاز، عبدالواحد بن محمد ۲۶۱۱
- البزاز، محمد بن الحمید ۱۱۶۰
- البزاز، محمد بن عمرو ۱۵۳۴
- البزاز، محمد بن عمرو ۱۵۶۶
- البزاز، محمد بن نصرویه ۲۵۳۱
- البزاز، محمد بن یحیی ۷۲۰
- البزاز، موسی بن هارون ۱۲۸۲
- البزاز البخاری، محمد بن عبدالله ۲۴۰۴
- البزاز البصری، ابراهیم بن محمد ۲۲۱
- البزاز الطوسی، احمد بن محمد ۱۳۶۳
- البزیدفری، عبدالله بن دلشاد ۱۴۶۲
- البزیدفری، محمد بن زیاد ۱۱۷۵
- البسطامی، ابراهیم بن محمد ۱۳۹۷
- البسطامی، ابویزید ۲۸۰۷
- البسطامی، احمد بن محمد ۹۲۰
- البسطامی، احمد بن یحیی ۹۳۷
- البسطامی، الحسین بن علی ۳۴۵
- البسطامی، الحسین بن محمد ۱۹۱۱
- البسطامی، محمد بن الحسین ۲۳۲۵
- البشتقانی، اسماعیل بن قتیبة ۸۵۴
- البیاضی، احمد بن حذیفه ۸۸۲
- البیاضی، احمد بن خلیل ۸۸۶
- البیاضی، اسحاق بن ابراهیم ۸۶۵
- البیاضی، جعفر بن محمد ۱۸۵۷
- البیاضی، الحسن بن قتیبة ۲۳۷
- البیاضی، حمد بن محمد ۱۹۳۲
- البیاضی، سعید بن شادان ۱۰۱۱
- البیاضی، عبدالله بن سعید ۲۰۱۰
- البیاضی، عبدالله بن محمد ۲۰۵۹
- البیاضی، علی بن احمد ۲۱۳۳
- البیاضی، عیینه بن علی ۲۱۸۸

- البصری، عبدالعزیز بن محمد ۲۱۰۴
 البغدادی، ابراهیم محمد ۸۵۰
 البغدادی، علی بن بشر ۵۲۶
 البغدادی، محمد بن احمد ۱۶۲۱
 البغدادی، ابراهیم بن احمد ۱۳۹۴
 البغدادی، ابراهیم بن الحارث ۲۰۶
 البغدادی، ابوحمزه ۲۸۴۶
 البغدادی، احمد بن بسام ۱۶۷۰
 البغدادی، احمد بن الخلیل ۲۶۳
 البغدادی، احمد بن العیاس ۱۷۱۰
 البغدادی، احمد بن محمد ۱۷۶۸
 البغدادی، احمد بن محمد ۲۸۷۶
 البغدادی، الحسن بن مسلم ۳۲۵
 البغدادی، سعید بن مروان ۴۲۹
 البغدادی، سهل بن مهران ۴۱۹
 البغدادی، صالح بن محمد ۴۵۳
 البغدادی، طاهر بن محمد ۱۹۸۴
 البغدادی، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۶۹
 البغدادی، عبدالرحمن بن یوسف ۱۰۵۹
 البغدادی، عبدالله بن خالد ۲۰۰۹
 البغدادی، عبدالله بن مقلح ۲۰۵۵
 البغدادی، علی بن رشیق ۲۱۴۷
 البغدادی، علی بن محمد ۱۰۸۶
 البغدادی، عمار بن محمد ۲۱۸۵
 البغدادی، عمران بن سوار ۵۷۶
 البغدادی، فارس بن عیسیٰ ۲۱۹۲
 البغدادی، ابوحمزه محمد ۲۸۴۶
 البغدادی، مجدالدین ۲۷۹۴، ۲۷۹۶
 البغدادی، محمد بن احمد ۲۲۵۹
 البغدادی، محمد بن احمد ۲۲۵۴
 البغدادی، محمد بن حمدون ۲۲۵۶
 البغدادی، محمد بن محمد ۲۳۲۸
 البغدادی، محمد بن محمد ۲۳۷۲
 البغدادی، مسیب بن زهیر ۷۳۶
 البغالی، عبدالله بن قتیبه ۱۰۳۷
 البغالی، قتیبه بن سعید ۱۸۲
 البغولنی، احمد بن ابراهیم ۱۷۶۱
 البغوی، محمد بن حسنویه ۲۳۵۷
 البغوی، یوسف بن یعقوب ۲۵۹۹
 البقال الواعظ، ابوسهل ۲۶۸۷
 بکر بن دیوانسی ۱۸۳۰
 البکری، الربیع بن انس ۷۱
 البکری، سلیمان بن عبدالله ۳۱۲
 البیادری، محمد بن علی ۲۶۹۴
 البیادری الطوسی، احمد بن محمد ۱۷۳۱
 بلاش ۲۷۵۷
 البلخی، ابراهیم بن سلیمان ۱۲۳
 البلخی، ابراهیم بن علی ۱۳۹۶
 البلخی، ابراهیم بن علی ۱۸۱۳
 البلخی، ابراهیم بن مخلد ۸۴۹
 البلخی، احمد بن الحسین ۱۶۷۶
 البلخی، احمد بن عقیل ۹۰۱
 البلخی، احمد بن محمد ۲۸۶
 البلخی، احمد بن محمد ۹۲۶
 البلخی، جویبر بن سعید ۶۰
 البلخی، حرمی بن محمد ۳۷۶
 البلخی، الحسن بن شجاع ۳۲۴
 البلخی، الحسن بن علی ۱۸۷۷
 البلخی، الحسن بن محمد ۱۸۸۵
 البلخی، الحسین بن احمد ۹۷۸
 البلخی، حسین بن داود ۱۳۶
 البلخی، الحکم بن عبدالله ۱۴۲
 البلخی، حم بن احمد ۹۹۵
 البلخی، خالد بن یزید ۳۷۸
 البلخی، الخضر بن محمد ۱۹۳۶
 البلخی، سالم بن سالم ۱۵۲
 البلخی، سعید بن ابی سعید ۴۲۷
 البلخی، سعید بن منصور ۴۳۴

- البختی، شداد بن حکیم ۴۴۶
 البختی، شقیق بن ابراهیم ۱۵۵
 البختی، عباس بن الضحاک ۵۷۱
 البختی، عبدالله بن محمد ۱۰۴۰
 البختی، عبدالله بن فارس ۲۰۱۹
 البختی، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۶۶
 البختی، عبدالصمد بن سلیمان ۵۰۸
 البختی، عیبدالله بن محمد ۲۰۶۳
 البختی، علی بن الحسن ۲۱۴۲
 البختی، علی بن یونس ۵۵۲
 البختی، عمر بن هارون ۱۷۱
 البختی، محمد بن اسماعیل ۱۱۲۶
 البختی، محمد بن علی ۱۳۳۲
 البختی، محمد بن عمرو ۱۲۳۰
 البختی، محمد بن الفضل ۲۴۶۴
 البختی، محمد بن الفضل ۲۸۲۷
 البختی، محمد بن محمد ۲۳۷۹
 البختی، محمد بن موسی ۲۰۰
 البختی، محمود بن عبدالرحمن ۱۳۹۶
 البختی، مخلد بن عمرو ۲۴۵
 البختی، مقاتل بن سلیمان ۱۰۷
 البختی، مکی بن ابراهیم ۱۹۴
 البختی، مکی بن محمد ۱۲۹۱
 البلمعی، محمد بن عیبدالله ۱۶۳۲
 البلی، عبدالله بن الحسن ۱۰۳۰
 بنان الحمال ۲۸۴۴
 البنانی الملقانی، ابراهیم بن اسحاق ۲۱۳
 بندار بن الحسین ۲۸۸۸
 بندش ۵۸۴
 البورقی، محمد بن سعید ۱۱۸۹
 البوزجانی، احمد بن نصر ۹۳۵
 البوزجانی، شداد بن احمد ۱۹۷۵
 البوزجانی، مذکور بن الحارث ۱۲۸۷
 البوسنجی، ابو عبدالله ۳۷۹۸، ۲۷۷۶
 البوسنجی، علی بن احمد ۲۱۲۱
 البوسنجی، محمد بن ابراهیم ۲۳۰۳
 البوسنجی، محمد بن سعید ۶۵۲
 البوسنجی، محمد بن عبدالله ۲۴۰۸
 البوشنجی، ابوالحسن علی بن احمد ۲۷۹۱، ۲۷۷۸
 البوشنجی، طاهر بن محمد ۱۹۸۲
 البونی، محمد بن بکر ۲۳۱۴
 بهرام جور ۱۸۳۰
 بیان الحق، قاضی محمود ۲۷۹۶
 البیشکی، علی بن عبدالله ۲۶۳۰
 البیشکی، النضر بن محمد ۲۷۰
 البیعی، عبدالله بن محمد ۲۰۲۲
 البیلی، خلف بن ابراهیم ۱۹۳۷
 البیلی، محمد بن احمد ۱۵۸۶
 البیهقی، احمد بن حمدویه ۸۷۷
 البیهقی، الحسن بن احمد ۱۸۹۸
 البیهقی، حمدان بن محمد ۹۹۳
 البیهقی، شریح بن عقیل ۳۴۸
 البیهقی، شعیب بن محمد ۱۹۷۸
 البیهقی، طاهر بن احمد ۱۹۸۷
 البیهقی، علی بن الحسین ۵۳۶
 البیهقی، علی بن عیسی ۵۳۳
 البیهقی، فضل بن محمد ۵۸۴
 البیهقی، محمد بن اسحاق ۱۱۱۴
 البیهقی، محمد بن سلویه ۱۱۷۹
 البیهقی، محمد بن شعیب ۱۵۵۲
 البیهقی، محمد بن الفضل ۱۶۱۷
 البیهقی، محمد (از اصحاب حدیث) ۳۳۰۱
 البیهقی، موسی بن الحسین ۱۲۸۵
 التاجر، احمد بن زید ۱۶۸۹
 التاجر، احمد بن علی ۱۷۰۶
 التاجر، اسحاق بن الصباح ۲۴۵
 التاجر، اسماعیل بن یحیی ۸۶۴
 التاجر، طاهر بن محمد ۱۹۸۵

- التاجر، عبدالله بن عمرو ٢٠١٧
 التاجر، فضل بن الحكم ٥٨٥
 التاجر، الفضل بن محمد ٢١٩٨
 التاجر، محمد بن اسحاق ١١١٣
 التاجر، محمد بن الحسين ٢٢٢٥
 التاجر، محمد بن سهل ٢٣٧٠
 التاجر، محمد بن عبدالله ٢٣٨٧
 التاجر، محمد بن هارون ٢٦٩٨
 التاجر، محمد بن يوسف ٢٥٣٩
 التاجر، محمود ٢٦٥٧
 التاجر، نصر بن الحسين ٧٢٦
 التاروني، غسان بن محمد ١١٠١
 الترك، طغرل ٢٦٥٣
 الترك، عبدالوهاب بن منصور ٢٩٨
 الترك، عبيدالله بن عبدالله ٢٩٢
 الترك، محمد بن افلح ٦٢١
 الترك، محمد بن الحسن ١١٥٣
 الترك، يونس بن افلح ٨١٥
 الترمذی، ابراهيم بن علي ٨٣٧
 الترمذی، ابو عيسى ٢٢٨٢
 الترمذی، احمد بن الحسن ٢٦٠
 الترمذی، احمد بن علي ١٢٠٩
 الترمذی، احمد بن محمد ٩١٩
 الترمذی، صالح بن محمد ١٠٢١
 الترمذی، صالح بن محمد ١٩٨٠
 الترمذی، عبدالرحمن بن علي ٢٠٨٢
 الترمذی، علي بن الحسن ٥٣٤
 الترمذی، محمد بن احمد ٢٢٦٤
 الترمذی، محمد بن حامد ٢٨٤١
 الترمذی، محمد بن علي ١٢٣١
 الترمذی، محمد بن علي ٢٨٢٨
 الترمذی، محمد بن محمد بن حامد ٢٢٨٢
 الترمذی، محمد بن محمد بن الحسين ٢٢٨٩
 الترمذی، محمد بن هاشم ١٢٦٩
 التروغبذی، ابو عبدالله ٢٨٩١
 التروغبذی، النعمان بن محمد ٢٥٦٩
 التستري، سهل بن عبدالله ٢٨٢٦
 التتمامي، الحسن بن عثمان ١٨٧٩
 التميمي، اوس بن ثعلبة ٤١
 التميمي، جعفر بن محمد ٩٥٢
 التميمي، جعفر بن محمد ١٤١٤
 التميمي، الحسن بن حمشاد ١٨٧٣
 التميمي، الحسن بن علي ١٨٧٨
 التميمي، الحسن بن هارون ٢٢٢
 التميمي، الحسين بن علي ١٩٠٣
 التميمي، زكريا بن يحيى ٣٩٩
 التميمي، زهير بن محمد ١٢٧
 التميمي، السري بن عطيه ٢٣٩
 التميمي، عبدالله بن علي ٢٠١٦
 التميمي، عبدالرحمن بن علي ٢٠٧٢
 التميمي، عبدالواحد بن عبدالعزيز ٢٠٩٦
 التميمي، فتح بن محمد ٥٨٧
 التميمي، فضل بن حماد ٥٨٤
 التميمي، محمد بن احمد ١١٢٨
 التميمي، محمد بن كيسان ٦٩٣
 التميمي، مخلد بن خالد ٧٢٦
 التميمي، مكى بن عبدلن ١٦٤٢
 التميمي، النضر بن سلمه ١٣٠٣
 التميمي، يحيى بن بكر ٢٠٣
 التميمي، يحيى بن زكريا ١٣١٧
 التميمي، يحيى بن محمد ١٦٤٧
 التميمي، البلخي، الحسين بن محمد ١٢٣٣
 التميمي، جواد بن عبدالله ٦١
 التعلبي، محمد بن زيد ٦٤٩
 التعلبي، يحيى بن محمد ١٣١٨
 الثغري، طالب بن القاسم ١٩٨٩
 الثقفي، ابراهيم بن اسحاق ٨١٩
 الثقفي، ابو علي محمد ٢٨٦١

- الثقفی، احمد بن یعقوب ۱۷۹۷
 الجرجانی، محمد بن اسماعیل ۱۵۶۸
 الثقفی، حجاج ۶۷
 الجرجانی، محمد بن الحسن ۲۳۲۹
 الثقفی، عبدالوهاب ۱۵۲۸
 الجرجانی، محمد بن الحسین ۲۳۳۳
 الثقفی، عثمان بن ابی العاص ۲۵
 الجرجانی، محمد بن عبدالعزیز ۲۴۵۲
 الثقفی، ابو محمد عبدالله بن محمد ۱۵۲۸
 الجرجانی، محمد بن علی بن عبدل ۲۴۴۸
 الثقفی، محمد بن عبدالوهاب ۱۵۲۸
 الجرجانی، محمد بن عمیره ۶۷۹
 الثوری، الزبیر بن عینالله ۱۹۵۱
 الجرجانی، محمد بن محمد ابو عبدالله ۲۴۹۲
 الثوری، سفیان بن سعید ۱۴۸
 الجرجانی، ناصرالدین عبدالرحمن ۲۵۷۳
 جارود (از اصحاب حدیث) ۳۳۱۰
 الجرجانی، النعمان بن محمد ۲۵۷۰
 الجارودی، سعید بن عبدالرحمن ۳۳۲
 الجرجانی، نعیم بن الحسین ۲۵۷۲
 الجارودی، محمد بن النضر ۱۲۶۷
 الجرجانی، یوسف بن اسحاق ۲۶۰۰
 الجارودی، یحیی بن منصور ۲۵۸۲
 الجرجانی، علی بن محمد ۱۵۵۴
 الجریری، ابو محمد احمد بن محمد ۲۸۳۷
 جریل بن قاسم ۱۸۳۰
 جملة بن هیرة ۵۳۰
 الجرجانی، احمد بن ابراهیم ۱۷۲۴
 الجمدی، یعقوب بن اسحاق ۱۶۴۹
 الجرجانی، احمد بن ابی طیب ۱۲۶
 جعفر بن زبارة ۲۷۸۱
 الجرجانی، احمد بن عبدالله ۱۶۹۸
 جعفر بن (دو جعفر از اصحاب حدیث) ۲۳۰۱
 الجرجانی، احمد بن محمد ۹۲۷
 الجلاب، احمد بن السری ۱۳۴۸
 الجلاب، احمد بن محمد ۱۷۲۸
 الجلاب، احمد بن محمد ۲۲۳۴
 الجلاب، محمد بن علی ۲۳۲۰
 الجلاب، احمد بن احمد ۱۳۴۸
 الجلاب، احمد بن محمد ۱۷۲۸
 الجلاب، احمد بن محمد ۱۶۲۰
 الجلاب، احمد بن محمد ۲۲۶۸
 الجلاب، احمد بن محمد ۲۴۴۹
 الجلاب، احمد بن محمد ۱۷۰۵
 الجلاب، احمد بن محمد ۲۲۹۶
 الجلاب، احمد بن علی ۱۷۰۵
 الجلاب، احمد بن محمد ۱۴۰۶
 الجلاب، احمد بن محمد ۱۴۱۷
 الجلاب، احمد بن محمد ۱۴۱۶
 الجلاب، احمد بن محمد ۲۶۳۸
 الجرجانی، احمد بن یعقوب ۱۷۹۷
 الثقفی، حجاج ۶۷
 الثقفی، عبدالوهاب ۱۵۲۸
 الثقفی، عثمان بن ابی العاص ۲۵
 الثقفی، ابو محمد عبدالله بن محمد ۱۵۲۸
 الثقفی، محمد بن عبدالوهاب ۱۵۲۸
 الثوری، الزبیر بن عینالله ۱۹۵۱
 الثوری، سفیان بن سعید ۱۴۸
 جارود (از اصحاب حدیث) ۳۳۱۰
 الجارودی، سعید بن عبدالرحمن ۳۳۲
 الجارودی، محمد بن النضر ۱۲۶۷
 الجارودی، یحیی بن منصور ۲۵۸۲
 الجبائلی، محمد بن علی ۱۵۵۴
 جریل بن قاسم ۱۸۳۰
 الجرجانی، احمد بن ابراهیم ۱۷۲۴
 الجرجانی، احمد بن ابی طیب ۱۲۶
 الجرجانی، احمد بن عبدالله ۱۶۹۸
 الجرجانی، احمد بن محمد ۹۲۷
 الجرجانی، احمد بن یعقوب ۱۸۰۱
 الجرجانی، حاتم بن یونس ۲۶۷
 الجرجانی، الحسین بن جعفر ۱۹۱۲
 الجرجانی، احمد بن محمد ۱۹۲۰
 الجرجانی، داود بن سلیمان ۱۴۴
 الجرجانی، سخنویه بن الجنید ۳۴۴
 الجرجانی، عبدالله بن محمد ۱۰۵۱
 الجرجانی، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۶۷
 الجرجانی، عبدالرحمن محمد ۲۰۷۱
 الجرجانی، عبدالؤمن بن عیسی ۱۰۶۳
 الجرجانی، عبدالوهاب بن حمزة ۲۱۰۹
 الجرجانی، علی بن احمد ۱۰۶۷
 الجرجانی، علی بن احمد ۲۱۲۳
 الجرجانی، علی بن عبدالعزیز ۲۱۵۳
 الجرجانی، علی بن محمد ۲۶۳۵
 الجرجانی، محمد بن احمد ۲۲۸۳

- الحاتمی، محمد بن احمد ۲۲۵۶
 الحاجبی، احمد بن ابراهیم ۱۳۳۴
 الحاجبی، علی بن الحاتم ۱۰۷۵
 الحاجبی النیسابوری ۱۹۹۱
 حارث المحاسبی ۲۸۰۶
 الحارثی، النضر بن منصور ۷۷۳
 الحازمی، احمد بن محمد ۱۷۶۹
 الحاسبی، محمد بن عبدالله ۳۴۱۴
 الحاضری، محمد بن احمد ۲۲۵۱
 الحافظ، محمد بن الحسین ۱۶۳۶
 حافی، بشر ۲۸۰۴
 الحاکم، ابو عبدالله (مؤلف کتاب) ۳، ۱۶، ۴۳، ۷۲۱، ۱۱۰۳،
 ۱۲۶۳، ۱۴۵۲، ۱۵۲۸، ۱۶۵۵، ۱۸۴۲، ۱۹۸۵، ۲۶۰۶،
 ۲۶۲۷، ۲۶۹۶، ۲۷۱۰، ۲۷۱۱، ۲۷۱۲، ۲۷۱۴-۲۷۱۷،
 ۲۷۲۴، ۲۷۲۵، ۲۷۲۸، ۲۷۲۹، ۲۷۳۱، ۲۷۴۴-۲۷۴۷،
 ۲۷۵۷، ۲۷۶۸، ۲۷۸۸، ۲۷۹۱
 الحاکم، الحسن بن عبدالحمید ۱۸۸۱
 الحاکم، عبدالله بن عبدالرحمن ۱۴۶۹
 الحبیال الرازی، بکر بن عبدالله ۱۴۱۱
 الحجاجی، محمد بن اسماعیل ۱۱۲۷
 الحجاجی، محمد بن محمد ۲۴۹۰
 الحجام، ولید بن محمد ۷۷۷
 الحداد، الحسن ۲۷۹۳
 الحداد، الحسن بن یعقوب ۱۸۹۵
 الحداد، عبدالرحمن بن الحسن ۲۰۷۵
 الحداد، عبدالله بن عبدالله ۱۰۵۴
 الحداد، علی بن محمد ۲۶۸۹
 الحداد الطیبی، علی بن محمد ۱۰۸۸
 الحدادی، محمد بن الحسین ۲۳۳۴
 حرب بن عبدالله ۲۵۹
 الحربی، محمد بن محمد ۳۴۸۰
 الحربی، یحیی بن اسماعیل ۲۵۸۹
 الحرشی، ابراهیم بن عبدالله ۱۳۹۹
 الحرشی، احمد بن الحسین ۱۶۷۹
 الجنجرودی، الحکم بن عبدالله ۳۶۰
 الجنجرودی، عمرو بن محمد ۲۱۷۹
 الجنجرودی، محمد بن خالد ۶۴۱
 الجنجرودی، محمد بن شعیب ۱۱۹۴
 الجند فرجی، محمد بن شانان ۱۱۹۲
 جنید بن محمد ۲۷۱۸
 جوانمرد، ابوشححه ۲۷۹۵
 جوانمرد نردباد ۲۷۹۶
 الجوبقی، احمد بن محمد ۱۷۶۶
 الجوری، الحسن بن علی ۲۶۷۰
 الجوری، محمد بن ابراهیم ۲۲۹۳
 الجوری، محمد بن اسکاف ۶۰۸
 الجوری، محمد بن علی ۳۷۰۰
 الجوزجانی، ابوعلی الحسن ۲۸۳۴
 الجوزجانی، الحسن بن ابی جعفر ۹۶۳
 الجوزجانی، سعید بن منصور ۴۳۳
 الجوزجانی، عبدالرحمن بن مسعود ۴۹۶
 الجوزجانی، محمد بن احمد ۶۱۳
 الجوزجانی، محمد بن احمد ۱۱۳۲
 الجوزجانی، یوسف بن [] ۱۳۲۹
 الجوسقی، محمد بن یوسف ۷۱۱
 الجوهری، احمد بن صالح ۸۹۴
 الجوهری، سفیان بن محمد ۱۴۴۶
 الجوهری، عباس بن محمد ۲۱۸۴
 الجوهری، عبدالله بن محمد ۱۴۵۳
 الجوهری، عمر بن علی ۱۴۹۳
 الجوهری، قاسم بن عبدالله ۲۲۰۱
 الجوهری، محمد بن یعقوب ۱۵۶۵
 الجوهری المروزی، احمد بن طک ۸۹۶
 الجوهری، المروزی، عمر بن علی ۱۴۹۳
 الجوینی، محمد بن ماهان ۱۲۵۸
 الجوینی، موسی بن عباس ۱۶۴۱
 حاتم الاضم ۲۸۱۰
 الحاتمی، احمد بن محمد ۱۷۵۰

- الحرشی، احمد بن عمر ۲۷۸
 الحرشی، احمد بن محمد ۹۲۳
 الحرشی، اسحاق بن العنبر ۲۴۶
 الحرشی، اسماعیل بن عبیدوس ۸۶۱
 الحرشی، الحسن بن احمد ۱۸۶۷
 الحرشی، حسنیو بن خشنام ۳۷۱
 الحرشی، عبدالله بن احمد ۱۹۹۷
 الحرشی، عتیق بن محمد ۵۷۹
 الحرشی، عمرو بن سعید ۲۴۷
 الحرشی، محمد بن احمد ۲۲۶۷
 الحرشی، محمد بن بشر ۶۲۵
 الحرشی، محمد بن حفص ۶۲۶
 الحرشی، محمد بن عنبر ۶۸۷
 الحرشی الاسفرائینی، بدل بن محمد ۹۳۹
 الحرشی، عبدالله بن محمد ۲۶۶۵
 حشان (از اصحاب حدیث) ۲۳۰۱
 حسکویه، احمد بن الحسن ۱۶۸۱
 الحسن بن عیسیٰ النیسابوری ۹۳۲
 الحسنوی، احمد بن محمد ۱۷۷۰
 الحسنوی، محمد بن احمد ۲۲۳۶
 الحسنوی، محمد بن احمد ۲۲۷۱
 حسین (از اصحاب حدیث) ۲۳۰۱
 حسین بن داوود بن علی (عامزاده) ۲۷۳۱
 حسین بن علی (ع) ۴۰
 الحسین بن الفضل ۲۷۹۷، ۲۷۹۳، ۲۷۸۰
 حسین بن معاذ ۱۹۰۳
 حسین بن الولید القرشی ۲۷۹۷، ۲۷۸۰
 الحسینک بن ابی الحسن ۱۹۰۳
 الحسینی، صدرالدین ۲۷۸۴
 الحسینی، محمد بن علی ۲۴۱۶
 الحسینی العلوی، احمد بن محمد ۲۶۵۵
 الحسینی العلوی، الحسن بن علی ۱۹۱۹
 الحسینی العلوی، حمزة بن محمد ۱۹۲۲
 الحسینی العلوی، زید بن الحسن ۱۹۴۹
 الحسینی العلوی، محمد بن یحییٰ ۲۵۴۳
 الحسینی العلوی، یحییٰ بن محمد ۲۵۸۴
 الحُصَری، ابوالحسن علی ۲۸۸۹
 حصیری، ابومحمد ۲۷۹۲
 الحصیری، جعفر بن احمد ۹۴۵
 الحصیری، عبدالله بن علی ۲۰۱۳
 حفص بن عبدالرحمن ۲۷۹۷، ۲۷۸۰
 الحکمی، جراح بن عبدالله ۵۹
 الحکیمی، الحسن بن الحسن ۱۸۷۴
 الحکیمی، الحسن بن الحسن ۱۹۱۷
 الحلاب، محمد بن احمد ۲۲۰۸
 الحلاب، محمد بن حبيب ۱۱۵۳
 الحلاب، محمد بن سعید ۶۵۰
 الحلاج، حسین منصور ۲۸۵۰
 الحلال الجرجانی، اسماعیل بن احمد ۱۸۳۳
 الحلواتی، محمد بن الفضل ۲۴۶۶
 الحقال، بنان بن محمد ۲۸۴۴
 الحقال، محمد بن حام ۲۳۵۴
 الحقال الرازی، مخلد بن مالک ۷۴۴
 الحماسی، هارون بن محمد ۲۵۷۷
 حمدان بن خلف ۶۴۳
 حمدان، ابوسعید الحاجبی ۱۳۳۳
 حمدون القصار ۲۸۱۲، ۲۷۹۷، ۲۷۹۱، ۲۷۷۸
 الحمراوی، ابراهیم بن سعدان ۲۱۷
 حمش النیسابوری ۶۶۹، ۲۲۲
 حمکویه المابد ۹۳۰
 حمویه بن علی، سلطان - ۲۷۵۷
 حمویه الطویل ۱۱۵۸
 حمویه القرشی ۱۰۲۸
 الحموی، محمد بن احمد ۲۶۸۰
 الحمیری، احمد بن عبدالله ۳۷۱
 الحنبلی، عبدالله بن احمد ۲۶۲۸
 الحنظلی، اسحاق بن ابراهیم ۳۳۷
 الحنظلی، علی بن اسحاق ۵۲۵

- الحنظلی، محمد بن اسحاق ۱۱۰۵
 الحنظلی المروزی، احمد بن منصور ۲۸۴
 الحوار، محمد بن عبدالله ۱۲۰۹
 الحیدی، محمد بن عبدالجبار ۶۷۱
 الحیرازی الرازی، عبدالله بن محمد ۲۰۳۳
 الحیرزی، احمد بن نصیر ۱۷۹۵
 الحیری، ابراهیم بن عمر ۸۳۸
 الحیری، ابراهیم بن محمد ۱۸۱۶
 الحیری، ابو عثمان ۲۸۱۹
 الحیری، ابو عمرو ۲۷۹۳
 الحیری، احمد بن اسحاق ۱۳۳۳
 الحیری، احمد بن حمدان ۱۳۴۲
 الحیری، احمد بن خالد ۸۸۵
 الحیری، احمد بن محمد ۱۶۹۱
 الحیری، احمد بن محمد ۱۷۷۸
 الحیری، الحسن بن بالویه ۹۷۱
 الحیری، زنجویه بن عبدالرحمن ۴۰۱
 الحیری، سعید بن اسماعیل ۱۰۱۰
 الحیری، سعید بن عبدالرحمن ۴۱۸
 الحیری، عبدالله بن محمد ۱۰۴۲
 الحیری، عبدالله بن محمد ۲۶۲۳
 الحیری، عبدالله بن محمد العنل ۲۰۳۷
 الحیری، عبدالله بن محمد الصوفی ۲۰۲۸
 الحیری، علی بن عیسیٰ ۲۱۴۹
 الحیری، محمد بن احمد بن بشر ۲۲۲۲
 الحیری، محمد بن احمد بن حمدان ۲۲۲۳
 الحیری، محمد بن حامد ۱۱۵۹
 الحیری، محمد بن الحسن ۶۳۱
 الحیری، محمد بن الحسن ۱۱۵۵
 الحیری، محمد بن الحسن ۱۱۵۷
 الحیری، محمد بن شعیب ۶۵۸
 الحیری، محمد بن محمد بن سمان ۲۵۰۴
 الحیری، یحییٰ بن عبدالرحیم ۲۵۹۵
 حیکان، یحییٰ بن محمد ۷۸۶
 خیّونه، محمد بن یحییٰ ۲۱۴
 الخارزنجی، احمد بن محمد ۱۷۴۷
 الخارزنجی، محمد بن ابراهیم ۱۵۶۲
 الخاضه، فائق ۲۱۹۴
 خاقان ترک ۲۷۵۷
 خالد بن احمد ذہلی، الامیر ۶۰۳ ۸۸۴
 الخالدی، علی بن محمد ۱۰۸۳
 الخالدی، محمد بن احمد ۲۲۵۲
 الخالدی، محمد بن محمد ۲۵۱۲
 الخانقاهی، عبدالحمید بن محمد ۲۶۸۶
 الخانقاهی، علی بن محمد ۲۱۶۳
 الخباز الرازی، ابراهیم بن محمد ۱۸۲۴
 الخبوشانی، عمران بن موسیٰ ۲۱۸۲
 الخثن، عمرو بن محمد ۲۱۷۹
 الخثعمی، محمد بن احمد ۱۵۸۵
 الخجندی، سلیمان بن اسرائیل ۱۰۱۷
 الخجندی، احمد بن یعقوب ۱۸۰۰
 الخداسی، احمد بن محمد ۱۴۷۰
 الخداسی، ابراهیم بن محمد ۱۴۸۷
 الخزاز، لبوسعید احمد بن عیسیٰ ۲۸۳۰
 الخزاز، عبدالرحمن بن محمد ۲۸۴۳
 الخزاز، عبدالله بن محمد ۲۸۴۳
 الخزاز، محمد بن دلویه ۱۱۶۹
 الخراسانی، ابو حمزہ ۲۷۹۱، ۲۸۵۳
 الخراسانی، اصرم بن خوشب ۱۲۷
 الخراسانی، سالم ۷۸
 الخراسانی، سعید بن منصور ۴۳۴
 الخراسانی، منصور بن عبدالحمید ۱۰۸
 الخرقنی الفشیری، احمد بن سنان ۲۶۶
 الخرنکی، محمد بن حمویہ ۱۶۱۲
 الخزاز، جنید بن محمد ۲۸۱۷
 الخزاز، محمد بن عنید ۶۸۹
 الخزاعی، احمد بن احجم ۲۴۹
 خزاعی، امیلین اسعد ۴۹

- الخزاعی، الحسن بن نصر ۳۳۲
 الخزاعی، طاهر بن الحسین ۴۵۴
 الخزاعی، عبدالله بن طاهر ۴۷۶
 الخزاعی، عبدالله بن الفضل ۱۴۵۴
 الخزاعی، عبدالرحمن بن محمد ۱۰۵۵
 الخزاعی، علی بن الفضل ۲۱۵۴
 الخزاعی، عمران بن علی ۵۷۸
 الخزاعی، محمد بن عقیل ۶۸۵
 الخزاعی، الفضل بن محمد ۱۵۱۹
 الخزاعی، محمد بن علی ۲۶۳۹
 الخزاعی، محمد بن علی ۲۶۹۳
 الخزرچی، احمد بن محمد ۱۳۷۴
 الخزرچی، اسحاق بن ابراهیم ۸۶۴
 الخزرچی، اسماعیل بن ابراهیم ۱۳۰۰
 الخزرچی، علی بن نصر ۱۴۹۷
 الخزرچی، نصر بن عماره ۱۳۰۱
 الخزرچی الانصاری، محمد بن اسحاق ۱۶۱۹
 الخزیمی، ابن اسحاق ۲۳۰۱
 الخسروجردی، احمد بن محمد ۱۷۳۵
 الخسروجردی، داود بن الحسین ۱۰۰۱
 الخسروجردی، عبان ۱۰۶۱
 الخسروجردی، عبدالملک بن الحکیم ۱۰۶۱
 الخسروجردی، یعقوب بن احمد ۲۶۰۳
 الخشاب، احمد بن محمد ۱۳۷۳
 الخشاب، عبدالله بن ابراهیم ۴۸۷
 الخشاب، عبدالعزیز بن محمد ۱۴۸۸
 الخشاب، محمد بن ابراهیم ۱۱۲۳
 الخشاب، محمد بن عبدالعزیز ۳۴۵۱
 الخشک، اسحاق بن عبدالله ۲۳۰
 الخطابی، حمد بن محمد ۱۹۳۲
 الخطمی، عیسی بن اسحاق ۱۰۹۱
 الخطمی، موسی بن اسحاق ۱۲۸۱
 الخفاف، ابو عمرو ۲۷۹۲
 الخفاف، احمد بن ابراهیم ۱۳۳۶
 الخفاف، احمد بن جعفر ۱۳۴۰
 الخفاف، احمد بن محمد ۱۷۷۱
 الخفاف، احمد بن نصر ۹۲۳
 الخفاف، حملون بن الفضل ۹۸۶
 الخفاف، زکریا بن داود ۱۰۰۴
 الخفاف، سلیمان بن داود ۴۰۶
 الخفاف، عبدالله بن احمد ۱۰۲۴
 الخفاف، محمد بن احمد ۲۲۴۲
 الخفاف، محمد بن احمد ۲۲۷۳
 الخفاف، نصر بن ابراهیم ۷۶۲
 الخلقانی، محمد بن علی ۲۶۴۰
 الخلالی الجرجانی، اسمعیل بن احمد ۱۸۳۳
 الخلدی، جعفر ۲۸۸۰
 الخلیفه النیسابوری، احمد بن محمد ۲۷۸۸
 الخلیفه النیسابوری، محمد بن الحسین ۲۷۰۹
 خلیل بن احمد ۳۶
 خمارتکین ۲۷۷۰
 الخنمخام ۹۹۸، ۳۷۷، ۳۶
 الخوارزمی، عبدالله بن عبدالوهاب ۴۶۷
 الخوارزمی، محمد بن العباس ۲۳۴۵
 الخواری، احمد بن محمد ۱۷۷۵
 الخواص، ابراهیم بن احمد ۲۸۴۵
 الخوافی، علی بن القاسم ۱۵۰۳
 الخوشی، محمد بن اسد ۶۰۴
 الخوشی، محمد بن عمرو ۶۸۴
 الخیاط، ابراهیم بن سلیمان ۲۲۶
 الخیاط، احمد بن الهیث ۱۷۱۹
 الخیاط، حامد بن محمد ۱۹۳۷
 الخیاط، عبدالله بن محمد ۲۰۳۵
 الخیاط، علی بن محمد ۲۶۹۰
 الخیاط، محمد بن الصباح ۱۲۰۰
 الخیاط، محمد بن عبدالله ۱۲۰۸
 الخیاط، محمد بن علی ۳۴۲۲
 الخیاط الزاهد ۱۲۴۱

- الخياط الهروي، محمد بن احمد ١٥٤٦
 الخياطى، محمد بن الحسين ٢٢٢٦
 خيرالنساج ٢٨٥١
 دارانى، ابوسليمان ٢٨٠٨
 الداركي، عبدالعزيز بن الحسن ٢١٠٢
 الدارمي، احمد بن سعيد ٢٧٩٣، ٢٧٨٢، ٢٦٨
 الدارمي، عثمان بن سعيد ٥٢١
 الدارى، محمد بن احمد ٢٢٨٦
 الداغوني، عبدالله بن محمد ١٢٦٤
 الدامغانى، احمد بن خالد ٨٨٣
 الدامغانى، عبدالعزيز بن محمد ٢١٠٥
 الداودى المصرى، عبيدالله بن على ٢٠٦٠
 الداودى الهروي، سليمان بن محمد ١٩٥٥
 الدباس، محمد بن موسى ٢٥٣٠
 الذبيرى، عبدالله بن يوسف ٤٦٤
 الذبيرى، محمد بن عبدالله ١٢٠٧
 الذخسينى، بكر بن محمد ١٨٢٨
 الذرابجردي، عيسى بن ابي عيسى ٥٥٤
 الدستى، محمد بن احمد ٢٦٦٢
 الدغولى، ابوالعباس ٢٣٤٢
 الدغولى، محمد بن عبدالرحمن ١٦١٥
 الدغولى، محمد بن عبدالرحمن ٢٣٤٢
 دقاق، ابو على ٢٧٩٤، ٢٧٩٦
 الدقاق، احمد بن الحسين ١٣٤٦
 الدقاق، جعفر بن دلويه ٩٥١
 الدقاق، الحسين بن على ٩٧٧
 الدقاق، على بن عمر ٢١٥٠
 الدقاق، محمد بن احمد ٢٢٢٥
 الدقاق، محمد بن يوسف ٢٥٤١
 الدقيقى، عبدالله بن محمد ٣٧٠
 الدلال، محمد بن سليمان ١١٨٣
 الدمشقى، ابو عمرو ٢٨٤٠
 الدمشقى، حمزة بن عيسى ١٩٨١
 الدمشقى، عبدالله بن مسلم ١٥٨
 الدمشقى، محمد بن على ٢٤٢٢
 الدهان، ابونصر ٨١٧
 الدهان، احمد بن حبيب ٩٢٨
 الدهان، عبدالله بن محمد ١٠٣٩
 الدهان، عبدالرحمن بن محمد ٢٠٧٠
 الدهان، محمد بن احمد ١٥٦٩
 الدهان، محمد بن عبدوس ٢٤٥٩
 الدهستاني، عبدالمؤمن بن عبدالملك ٢١٠٧
 الدهقان، الياس بن رجا ٩٢٨
 الدهقان، احمد بن محمد ٩١٤
 دوست، ابوالحسن ٢٥٢٢
 الدياج، محمد بن جعفر العلوى ٦٢٩
 الديلى، محمد بن احمد ٢٢٨٢
 الدير عاقولى، يوسف بن احمد ٢٥٩٨
 الدينورى، ابوبكر محمد ٢٨٨١
 الدينورى، ابوالحسن على ٢٨٤٩
 الدينورى، ابوالعباس ٢٨٩٢
 الدينورى، الحسن بن محمد ١٨٩٣
 الدينورى، مشاد ٢٨٥٢
 الذهلى، ابراهيم بن على ٨٣٥
 الذهلى، ابراهيم بن عيسى ٨٣٩
 الذهلى، احمد بن خالد ٨٨٤
 الذهلى، احمد بن خالد بن حماد ٢٦٥
 الذهلى، احمد بن زرعه ٨٨٧
 الذهلى، احمد بن عبدالله ١٣٥٧
 الذهلى، احمد بن عبدالله ١٦٩٩
 الذهبى، احمد بن محمد ٩١٦
 الذهلى، احمد بن محمد ١٧٨١
 الذهلى، حمدون بن احمد ٩٨٣
 الذهلى، خالد بن احمد ٩٩٨
 الذهلى، سليمان بن بحر ٤٠٥
 الذهلى، عبدالله بن خالد ٤٨١
 الذهلى، على بن الحسن ٥٣٢
 الذهلى، على بن محمد ٥٤٦

- الذهلی، عمرو بن عامر ۵۵۹
الذهلی، محمد بن خالد ۱۵۳۹
الذهلی، محمد بن یحیی ۷۱۰
الذهلی، مسرور بن نوح ۷۳۸
الذهلی، مسلم بن الحسین ۷۲۲
الذهلی، منصور بن عبدالله ۲۵۴۹
الذهلی، موسی بن محمد ۱۲۸۳
الذهلی، یحیی بن محمد ۷۸۶
الذهلی، یوسف بن یحیی ۸۱۱
ذوالایکة ۳۷۱۰
ذوالقرنین ۱۸
ذوالنون مصری ۱۰۹۶، ۲۸۰۳
ذوالیمینین ۴۵۳، ۶۸۰
الرازی، ابراهیم بن اسحاق ۱۸۰۵
الرازی، احمد بن ابراهیم ۱۶۶۰
الرازی، احمد بن الحسین ۱۶۸۵
الرازی، احمد بن محمد ۱۳۶۴
الرازی، جعفر بن احمد ۱۸۵۵
الرازی، الحسن بن محمد ۱۸۸۹
الرازی، الحسن بن محمد ۱۸۹۱
الرازی، الحسین بن احمد ۱۹۱۵
الرازی، الحسین بن جعفر ۱۹۱۳
الرازی، عبدالله بن محمد ۲۰۲۸
رازی، عبدالله بن محمد ۲۸۸۲
الرازی، عبدالله بن محمد بن برزہ ۲۰۳۹
الرازی، عیبالله بن یعقوب ۱۴۸۱
الرازی، علی بن الحسن ۱۰۶۸
الرازی، علی بن محمد ۲۱۶۴
الرازی، علی بن محمد ۲۱۷۷
الرازی، فخرالدین ۲۷۸۴
الرازی، محمد بن احمد ۲۲۱۰
الرازی، محمد بن احمد ۲۳۴۴
الرازی، محمد بن خالد ۱۱۶۴
الرازی، محمد بن داود ۱۱۶۶
الرازی، محمد بن عبدالله ۱۲۱۵
الرازی، محمد بن عبدالله، ابوبکر ۲۳۹۶
الرازی، محمد بن عبدالله، ابوالحسین ۲۳۹۳
الرازی، محمد بن عمر ۱۲۲۳
الرازی، محمد بن محمد ۲۵۲۴
الرازی، محمد بن مسلم ۷۰۱
الراسبی، ابومحمد ۲۸۹۹
راهوبه ۲۳۷
الراوسانی، صدیق بن عبدالله ۱۳۴۹
الراوسانی، محمد بن محمد ۱۲۶۰
الریاطی (لز اصحاب حدیث) ۲۳۰۱
الریاطی، ابراهیم بن محمد ۲۰۸
الریاطی، محمد بن مفضل ۱۲۶۴
الریاطی المروزی، محمد بن ابی سهل ۱۶۰۶
الرتکی، حمش بن عبدالرحیم ۳۷۳
الرخی، عبدالله بن محمد ۲۰۳۰
الرخی، هارون بن عبدالصمد ۱۳۰۷
الرزائی، محمد بن احمد ۱۱۴۴
الرزاز الجرجانی، محمد بن علی ۱۲۲۴
الرستمی الهروی، اسد بن رستم ۱۸۴۶
الرشید، ابوجعفر ۳۶۱
الرشید، عبدالله ۷۷۸
الرفاء، حامد بن محمد ۱۹۲۶
الرقی، ابراهیم بن احمد ۲۸۷۳
الرقی، ابواسحاق ابراهیم ۲۸۵۵
الرقی، احمد بن ابراهیم ۱۶۶۳
الرماح، عمر بن - ۱۷۲
الرماح، عبدالله بن عمر بن - ۳۷۱، ۲۷۹۳
الرمانی، محمد بن اسماعیل ۶۱۴
الرمجاری، اسماعیل بن مطرف ۱۴۰۲
الرمجاری، الحسن بن ایوب ۳۳۹
الرمجاری، عبدالله بن طاهر ۲۰۱۳
الرمجاری، عبدالرحمن بن حمتان ۲۰۸۵
الرمجاری، عبدالله بن محمد ۲۰۳۴

- الرمجاري، علي بن محمد ٢١٦٧
الرمجاري، محمد بن الحسن ١١٦٢
الرمجاري، محمد بن الحسن ١٥٦١
الرمجاري، محمد بن الرومي ١٥٢٢
الرمجاري، محمد بن علي ٢٣١٨
الرمجاري، محمد بن عمر ٢٣٥٢
الرمجاري، منصور بن حارث ٧٢٣
الرمكي، العباس بن ابي القاسم ٢٦١٠
الروحي، محمد بن محمد ٢٥١٩
الرواسي، علي بن احمد ٢١٢٦
الرودي، ابو عبدالله ٢٨٩٢
الرودي، ابو علي ٢٨٥٩
الرودي، الطوسي، الحسن بن محمد ١٨٩٠
الروعي، علي بن احمد ٢١٣٠
الروقي، احمد بن مؤيد ٢٧٩٩
الرومي، رشيق بن عبدالله ١٩٢٢
الرومي، فايق بن عبدالله ٢١٩٢
الرهاوي، سعيد بن مروان ٢٢٩
الريونجي، محمد بن عبدالله ٢٣٩٧
الريوندي، ابراهيم بن احمد ١٨٠٧
الريوندي، سهل بن احمد ١٩٧٠
الريوندي، محمد بن احمد ٢٢٣١
الزائي، محمد بن اسحاق ٢٣١١
الزاي، علي بن القاسم ٢١٥٦
الزاهد، ابوبكر بن مخلد ٢٧٠٢
الزاهد، ابو عمرو ٢٧٩٣
الزاهد، احمد بن حفص ٨٨١
الزاهد، احمد بن سعيد ١٦٩٢
الزاهد، احمد بن مسلم ٢٨٧
الزاهد، ايوب بن الحسن ٢٩٥
الزاهد، جعفر بن محمد ٩٥٣
الزاهد، الحسن بن عبدش ٣٣٠
الزاهد، عصمة بن ابراهيم ٥٦٧
الزاهد، عمر بن احمد ٢١١٥
الزاهد، عمرو بن مسلم ٥٦٠
الزاهد، محمد بن ابراهيم ٢٣٠٢
الزاهد، محمد بن ايوب ٦١٥
الزاوهي، جميل بن محمد ١٨٥٩
زباره، محمد بن احمد ٢٢٢٢
الزبيري، الحسين بن محمد ١٩٠٧
الزبيري، محمد بن الحسين ١٦٢٢
الزجاجي، ابو عمرو ٢٨٧٨
الزجاجي، الحسن بن صالح ٣٣٦
الزبيري، عبدالصمد بن احمد ٢٠٩٧
الزوائد، محمد بن علي ٢٣٣٧
الزردى، احمد بن محمد ١٧٢٦
الزغراني، احمد بن نصر ١٢٨١
الزغوري، محمد بن عبدالعزيز ٢٢٥٠
زكريا بن دلويه ٢٧٩٣، ٢٧٧٧
الزمني، معتز بن احمد ١٦٢٢
الزورابدي، محمد بن احمد ١٥٦٨
الزوزني، ابراهيم بن خالد ٨٣١
الزوزني، احمد بن محمد ١٧٢٨
الزوزني، اسحاق بن ابراهيم ١٢٠٢
الزوزني، حمزة بن احمد ١٩٢٣
الزوزني، عبدالله بن محمد ١٢٥٢
الزوزني، محمد بن احمد ٢٢٧٥
الزوزني، محمد بن عبدك ٦٨٦
الزوزني، محمد بن علي ٢٣٢٨
الزوزني، محمد بن الوليد ٢٥٣٣
الزوزني، موسى بن ابراهيم ٧٢٦
الزوزني، وليد بن نصر ٢٥٧٢
الزوزني، يحيى بن منصور ٨٠٣
الزيادآبادي، علي بن محمد ٥٢٩
الزيادي، محمد بن محمد ٢٣٧٦
زيد بن وايصه ٢٧٩٠
الزريقي، علي بن ابي علي ١٢٩٦
الزريقي، محمد بن احمد ٢٢٢٧

- الساکفی، علی بن محمد ۲۱۷۶
 السالمی، محمش بن عبدالرحمن ۷۵۶
 السامانی، احمد بن الفضل ۹۰۷
 السامانی، اسحاق بن احمد ۸۷۱
 السامانی، اسماعیل بن احمد ۸۵۹
 السامانی، نصر بن احمد ۱۳۰۲
 السامی، معاذ بن الحارث ۷۳۹
 الساوی، یوسف بن اسماعیل ۲۶۰۱
 السجزی، ابو عبدالله ۲۸۳۵
 السجزی، احمد بن محمد ۱۲۶۵
 السجزی، الحسن بن محمد ۱۸۹۶
 السجزی، دعلج بن احمد ۱۹۴۱
 سجزی، سلیمان بن عیسی ۱۵۰
 السجزی، سهل بن عمان ۳۲۲
 السجزی، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۸۱
 السجزی، عمران بن موسی ۱۵۱۷
 السجزی، محمد بن الازهر ۵۹۹
 السجزی، محمد بن اسحاق ۱۱۰۷
 السجزی، محمد بن سادل ۲۳۷۴
 السجزی، محمد بن کرام ۱۲۵۲
 السجزی، محمد بن محمد ۲۴۹۵
 السجزی، یحیی بن عثمان ۲۵۹۶
 السجستانی، بشر بن هاشم ۳۱۲
 السجستانی، سلیمان بن الاثمت ۴۱۱
 السجستانی، سهل بن عبدالله ۱۴۴۵
 السجوری، عبدوس بن محمد ۱۰۹۹
 السجوری، محمد بن حیکان ۳۳۴۸
 السختری، محمد بن علی ۱۵۸۰
 السختیانی، ابراهیم بن احمد ۱۳۸۸
 السختیانی، ابراهیم بن جعفر ۱۸۰۹
 السختیانی، عبدالله بن محمد ۲۶۵۰، ۲۶۵۱
 السختیانی، محمد بن اسحاق ۲۳۱۲
 السختیانی، علی بن الحسن ۱۰۷۶
 السختیانی، عمران بن موسی ۱۰۹۷
 السختیانی، محمد بن احمد ۲۶۰۹
 السختیانی، محمد بن عبدالله ۱۶۰۱
 السختیانی، محمد بن عبدالله ۲۶۱۸
 السختیانی، محمد بن موسی ۱۵۹۳
 السختیانی، منصور بن علی ۱۲۸۹
 السختیانی، محمد بن احمد ۱۵۸۳
 السزاج (از اصحاب حدیث) ۲۳۰۱
 السزاج، ابوالعباس ۱۶۱۵، ۲۷۸۰، ۲۷۹۷
 السزاج، ابو عبدالله ۲۷۹۲
 السزاج، احمد بن الحسین ۱۲۳۵
 السزاج، اسماعیل بن اسحاق ۸۵۵
 السزاج، حمویه بن عباد ۹۹۶
 السزاج، محمد بن اسحاق ۱۱۰۴
 السزاج، محمد بن الحسن ۳۳۲۶
 السزاج، محمد بن محمد ۲۵۱۰
 السزاج، محمد بن محمد ۲۴۹۷
 السرخسی، احمد بن محمد ۱۷۲۵
 السرخسی، احمد بن احمد ۱۷۶۲
 السرخسی، حفص بن یحیی ۳۵۴
 السرخسی، خارجة بن مصعب ۱۴۳
 السرخسی، خلف بن حنظله ۱۴۴۱
 السرخسی، زاهر بن احمد ۱۹۵۲
 السرخسی، عبدالرحمن بن محمد ۱۴۸۳
 السرخسی، عبدالله بن احمد ۱۰۲۶
 السرخسی، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۸۳
 السرخسی، عبدالله بن یحیی ۱۰۵۳
 السرخسی، عیسی بن نصر ۱۷۷
 السرخسی، محمد بن احمد ۲۲۸۷
 السرخسی، محمد بن المُنْهَلَب ۷۰۴
 السرخسی، محمد بن یونس ۷۱۳
 السرخسی، هشام بن محمد ۲۵۸۰
 السرخسی، یحیی بن زکریا ۲۵۹۳
 السرخکی، احمد بن علی ۲۸۰
 السردری، علی بن الحسن ۲۱۴۴

- السلمی، احمد بن معاذ ۲۸۳
 السلمی، احمد بن یوسف ۲۹۳
 السلمی، اسحاق بن عبدالله ۲۳۰
 السلمی، ابو عمرو اسماعیل ۲۸۸۳
 السلمی، اسماعیل بن نُجَید ۱۸۳۱
 السلمی، اسماعیل بن یحییٰ ۸۵۶
 السلمی، جعفر بن احمد ۹۵۰
 السلمی، الحسن بن بشر ۲۲۱
 السلمی، الحسن بن عبدالصمد ۲۲۰
 السلمی، الحسین بن بشر ۳۳۲
 السلمی، الحسین بن منصور ۲۲۸
 السلمی، حفص بن عبدالله ۳۵۲
 السلمی، خضر بن عبدالله ۳۸۲
 السلمی، سفیان بن حصین ۱۳۹
 السلمی، عباس بن مرداس ۲۷
 السلمی، عبدالله بن خازم ۴۳
 السلمی، عبدالصمد بن مسعود ۵۰۷
 السلمی، الفضل بن محمد ۱۵۲۲
 السلمی، محمد بن احمد ۱۶۱۶
 السلمی، محمد بن اشرس ۶۰۹
 السلمی، محمد بن احمد ۶۱۸
 السلمی، محمد بن اسحاق بن خزیمه ۱۱۰۳
 السلمی، محمد بن الحسین ۲۳۴۳
 السلمی، محمد بن خلف ۲۳۶۳
 السلمی، محمد بن محمد ۲۵۱۵
 السلمی، محمد بن موسیٰ ۶۹۹
 السلمی، محمد بن هانی ۷۰۹
 السلمی، محمد بن یزید ۷۱۵
 السلمی، منصور بن جعفر ۷۳۲
 السلمی، نُجَید بن احمد ۱۳۰۵
 السلمی، یحییٰ بن جعفر ۷۸۸
 السلمی البصری، ولید بن محمد ۷۷۷
 السلمی الحنفی، محمد بن محمد ۲۳۷۷
 السلمی المرزوی، عبدالله بن جعفر ۱۰۲۹
- السروی المقرئ، احمد بن الحسن ۱۶۸۴
 سری السقطی ۲۸۰۵
 سعید بن عبادہ ۲۰۸۸، ۸۶۴
 السعدی، ابراهیم بن عبدالله ۲۰۹
 سعدی، احنف بن قیس ۲۸
 السعدی، عبدالجلیل بن مذکور ۲۱۱۰
 السعدی، عمر بن عبدالعزیز ۵۱۶
 السعدی، محمد بن عبد ۱۲۲۸
 السعدی، محمد بن نوح ۷۰۶
 السعدی المرزوی، عبدالرحمن بن علقمه ۲۹۲
 السعرائ، محمد بن عبدالرحمن ۶۶۵
 سعید بن عاص ۲۷۲۴
 سعید بن عثمان ۷۷۰
 سفیان بن سعید ثوری ۷۲۴
 سقطی، سری ۲۸۰۵
 السکری، سعید بن محمد ۲۶۳۴
 السکری، یحییٰ بن احمد ۲۵۹۴
 السکری المرزوی، بشر بن یحییٰ ۳۰۹
 الشکسکی، الحسن بن الازهر ۹۶۶
 السکنی البخاری، عمرو بن اسحاق ۲۱۸۰
 سلطان حسین کر میر ۲۷۱۹
 سلطان حمویہ بن علی ۲۷۵۷
 السلامی، عبدالله بن محمد ۲۰۵۳
 سلمان فارسی ۸، ۷، ۵، ۴
 السلمانی، ابراهیم بن احمد ۱۸۰۶
 السلمی، ابراهیم بن محفوظ ۲۱۶
 سلمی، ابراهیم بن محمد ۲۲۲
 السلمی، ابوخرقا ۲۵۸۳
 السلمی، ابو عبدالرحمن ۲۷۸۸، ۲۷۹۱، ۲۷۹۶، ۲۸۰۰، ۲۸۱۶
 السلمی، ابو عمرو ۲۸۸۳
 السلمی، احمد بن جواس ۲۶۴
 السلمی، احمد بن حفص ۲۵۶
 السلمی، احمد بن الحکم ۲۵۷

- السليطي، احمد بن محمد ۱۷۲۹
 السليطي، علي بن محمد ۲۶۶۷
 السليطي، محمد بن ابراهيم ۲۳۹۸
 السليطي، محمد بن سليمان ۱۱۸۷
 السليطي، محمد بن احمد ۲۲۶۵
 السليطي، محمد بن احمد ۲۶۲۱
 السليطي، محمد بن احمد ۲۶۵۴
 السليمانى، احمد بن علي ۱۷۰۸
 السمسار، احمد بن محمد ۱۳۷۱
 السمسار، اسحاق بن يعقوب ۸۶۹
 السمسار، الحسين بن محمد ۱۴۲۷
 السمسار، محمد بن احمد ۲۲۲۹
 السمسار، محمد بن الحسين ۲۳۴۱
 السمسار، محمد بن عبديوس ۲۴۵۷
 السمذي، عبدالله بن محمد ۲۰۳۶
 السمذي، محمد بن علي ۱۵۴۰
 السمرقندي، جبريل بن مخاع ۹۵۷
 السمرقندي، الحسن بن داود ۲۶۳۷
 السمرقندي، حفص بن سالم ۱۳۹
 السمرقندي، سعيد بن عبدالله ۱۹۵۷
 السمرقندي، فتح بن محمد ۵۸۹
 السمرقندي، عبدالله بن عبدالرحمن ۴۶۶
 السمرقندي، محمد بن احمد ۱۶۰۹
 السمرقندي، محمد بن احمد ۱۱۴۰
 السمرقندي، محمد بن حمزه ۱۱۶۳
 السناني، عبدالله بن محمد ۱۰۴۶
 سمون بن حمزه ۲۸۲۳
 السميري، محمد بن عبدالله ۲۳۰۱، ۲۳۰۲
 السنجاني المروزي، علي بن الحسين ۱۵۰۲
 السندي، فتح بن عبدالله ۲۱۹۳
 سهل بن عبدالله تستري ۲۸۲۶
 سهلويه، ابوالقاسم ۴۲۰
 السواق القنطري، الحسن بن محمد ۱۴۲۲
 سورين شور ۱۸۳۰
- السورسي، همام بن علي ۷۸۴
 السوسي، محمد بن يوسف ۲۵۴۲
 السوسي، يعقوب بن يوسف ۱۲۲۲
 السيارى، ابوالعباس ۲۸۷۹
 سيويه ۳۶
 السيرانسي، ساسان بن الحسين ۴۴۲
 السيسمرآبادي، محمد بن عبديوس ۱۵۷۹
 شاپور بن هرمز ۲۷۱۲، ۲۷۱۳، ۲۷۱۴
 الشاديخي، الحسن بن علي ۹۶۵
 الشاديخي، محمد بن اسحاق ۱۵۷۲
 الشاشي، احمد بن حامد ۱۳۴۴
 الشاشي، احمد بن محمد ۹۳۱
 الشاشي، احمد بن محمد ۱۳۶۸
 الشاشي، جعفر بن شعيب ۹۲۹
 الشاشي، جعفر بن الفضل ۱۸۵۸
 الشاشي، حاتم بن الحسين ۹۸۹
 الشاشي، الحسن بن صاحب ۹۶۸
 الشاشي، سعيد بن اشكاب ۴۲۸
 الشاشي، عبدالله بن عرامه ۴۸۸
 الشاشي، علي بن الفضل ۲۱۵۵
 الشاشي، محمد بن عبدالرحيم ۱۶۱۱
 الشافعي ۱۱۰۳، ۱۱۸۹
 الشافعي، الحسين بن يحيى ۱۹۱۶
 الشافعي، عبدالله بن محمد ۱۳۵۷
 الشافعي، محمد بن اسحاق ۱۱۰۸
 الشافعي، محمد بن علي ۱۱۰۳، ۱۲۴۵
 الشافعي، محمد بن الفضل ۲۳۶۲
 الشالنجي، اسماعيل بن فضل ۲۳۴
 الشالوسي، نصر بن حاتم ۲۵۶۶
 الشاماتي، عمرو بن بشر ۱۰۹۴
 الشاماتي، محمد بن حامد ۳۳۵۱
 الشاماتي، محمد بن عبدالله ۲۳۸۹
 الشامي، محمد بن خالد ۶۴۲
 شاه بن شجاع ۲۷۹۱، ۲۸۲۴

- الشاهد احمد بن محمد ۱۷۳۲
 الشاهد، بكر بن احمد ۱۸۴۹
 الشاهد، حامد بن محمود ۱۴۲۷
 الشاهد، الحسن بن محمد ۲۶۸۲
 الشاهد، محمد بن عبد الاعلیٰ ۲۶۲۲
 الشاهنبري، فتح بن نوح ۵۸۸
 الشاوغري، عبدالله بن محمد ۲۰۴۷
 الشبلي، دلف بن جندر ۲۸۵۷
 الشبلي، محمد بن احمد ۲۸۹۳، ۲۷۹۱
 الشدادی، ابراهيم بن محمد ۱۳۹۵
 الشرقي، احمد بن محمد ۱۳۵۸
 الشرقي، عبدالله بن محمد ۱۴۷۶
 الشرمغولي، محمد بن عمران ۱۵۴۹
 الشرمقانی، يعقوب بن يوسف ۱۶۵۲
 الشروطي، محمد بن احمد ۲۲۵۸
 الشريفي الصوفي، عبدالرحمن بن محمد ۲۶۷۸
 شريك بن عبدالله ۱۳
 الشعار، يحيى بن المثنى ۱۳۲۱
 شعبي ۱۲
 الشعرائي، اسماعيل بن محمد ۱۸۳۲
 الشعرائي، محمد بن الحسين ۶۲۵
 الشعرائي، محمد بن عبدالله ۱۲۳۹
 الشعرائي الطوسي، محمد بن محمد ۱۶۲۳
 الشعبي، سعيد بن محمد ۱۹۵۹
 الشعبي، شيبه بن محمد ۱۹۷۹
 الشعبي، شيبه بن محمد ۲۶۷۲
 الشعبي، محمد بن احمد ۲۲۱۸
 الشعيري، الحسن بن محمد ۱۴۲۰
 شمر بن يرعش ۱۲
 الشنغاصي، عبدالله بن ابراهيم ۳۷۷
 شهر بن حوشب ۲۷۶۷
 شور الملك بن سور ۱۸۳۰
 الشوقي (از اصحاب حديث) ۲۳۰۱
 الشيباني، احمد بن جعفر ۱۳۴۱
 الشيباني، الحسن بن سفيان ۹۵۸
 الشيباني، حميد بن محمد ۱۴۲۵
 الشيباني، عبدالله بن احمد ۱۹۹۳
 الشيباني، عبدالرحمن بن احمد ۲۰۷۹
 الشيباني، محمد بن عبدالله ۲۴۰۳
 الشيباني، محمد بن محمد ۲۴۷۴
 الشيباني، هشام بن الزبير ۷۸۳
 الشيباني، يعقوب بن يوسف ۱۳۲۴
 الشيباني الذهلي، عبدالله بن محمد ۲۰۳۴
 الشيخ ابوبكر النيسابوري ۲۳۰۵
 الشيخ الرئيس ابوالحسن (از اصحاب حديث) ۳۳۰۱
 الشيرازي، الحسين بن عبدالله ۱۹۱۰
 الشيرازي، سعيد بن المسيب ۱۹۶۴
 الشيرازي، محمد بن خفيف ۲۸۸۵
 الصابوني، احمد بن يوسف ۱۲۸۳
 الصايغ، محمد بن ابراهيم ۶۲۰
 الصايغ، محمد بن ابراهيم ۲۲۹۸
 الصايغ، محمد بن احمد ۲۲۵۳
 الصايغ، محمد بن حملان ۱۵۷۸
 الصايغ، الحسين بن عمرو به ۳۴۹
 الصبغی، اسحاق بن ايوب ۸۷۲
 الصبغی، عبدالله بن احمد ۱۹۹۲
 الصبغی، علي بن محمد ۲۱۵۷
 الصبغی، محمد بن عبدالله ۲۴۰۷
 الصبغی، محمد بن القاسم ۲۴۶۸
 الصبغی، محمد بن اسحاق ۲۳۰۵
 الصبغی الجنجروي، محمد بن احمد ۲۲۷۷
 الصبيحي، ابو عبدالله ۲۸۵۴
 الصرام، احمد بن اسماعيل ۱۳۳۸
 الصرام، احمد بن عبدوش ۱۷۰۹
 الصرام، محمد بن الحسن ۱۵۷۴
 الصرام، محمد بن محمد ۲۵۱۴
 الصعلوكي، ابو سهل ۲۷۹۲
 الصعلوكي، ابو الطيب ۲۷۹۲

- الصعلوكى، احمد بن محمد ۱۷۲۱
 الصعلوكى، سهل بن محمد ۱۹۶۹
 الصعلوكى، محمد بن سليمان ۲۳۶۷
 صمويه، جعفر بن محمد ۹۵۲
 الصغاني، سهل بن عبدالعزيز ۴۲۴
 الصغاني، محمد بن مبشر ۱۸۵
 الصغير، محمد بن احمد ۱۶۶۷، ۲۲۲۱
 الصفار، ابو عبدالله ۲۷۹۳
 الصفار، احمد بن علي ۱۷۰۴
 الصفار، اسحاق بن احمد ۱۸۴۳
 الصفار، الحسين بن اسماعيل ۱۴۳۲
 الصفار، عباس بن الحسين ۲۱۸۳
 الصفار، عبدالله بن محمد ۲۶۹۱
 الصفار، عبدالرحمن بن احمد ۲۰۹۰
 الصفار، عبدالصمد بن محمد ۲۱۰۲
 الصفار، علي بن الحسن ۱۰۷۱
 الصفار، علي بن عبدالرحيم ۱۰۲۹
 الصفار، محمد بن احمد ۲۲۱۲
 الصفار، محمد بن احمد ۲۲۲۹
 الصفار، محمد بن احمد ۲۳۳۷
 الصفار، محمد بن اسحاق ۱۱۱۱
 الصفار، محمد بن محمد ۲۴۸۷
 الصفار، محمد بن محمد ۲۳۹۹
 الصفار، محمد بن يحيى ۷۱۸
 الصفار الاصبهاني، محمد بن عبدالله ۲۳۸۶
 الصفار الهروي، الحسين بن احمد ۱۹۰۹
 الصنلوكى، احمد بن محمد ۱۷۴۴
 الصنعاني، سهل بن عبدالعزيز ۱۰۱۶
 الصنعاني، عبدالله بن الحارث ۴۸۹
 الصوفى، ابو علي ۱۴۳۳
 الصوفى، ابو القاسم ۲۰۰۶
 الصوفى، الحسن بن احمد ۱۸۶۵
 الصوفى، الحسين بن بحر ۱۴۳۳
 الصوفى، سعيد بن محمد ۱۹۶۸
 الصوفى، عبدالله بن محمد ۲۰۴۱
 الصوفى، عبدالله بن منازل ۱۴۶۱
 الصوفى، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۸۰
 الصوفى، علي بن الحسين ۲۱۴۶
 الصوفى، محمد بن احمد ۱۵۵۵
 الصوفى، محمد بن حيان ۲۲۵۰
 الصوفى، محمد بن طاهر ۲۲۸۰
 الصوفى، محمد بن الحسن ۱۵۴۵
 الصوفى الشيرازى، عبدالواحد بن محمد ۲۰۹۲
 الصوفى الشيرازى، احمد بن منصور ۱۷۵۹
 الصومعى الطبرى، محمد بن خالد ۶۴۰
 الصيدلانى، ابراهيم بن سعيد ۸۴۴
 الصيدلانى، ابراهيم بن محمد ۷۱۹
 الصيدلانى، ابوبكر ۲۷۹۶
 الصيدلانى، احمد بن اسحاق ۱۶۵۷
 الصيدلانى، احمد بن محمد ۹۳۱
 الصيدلانى، احمد بن محمد ۹۰۹
 الصيدلانى، احمد بن مخلد ۲۸۹
 الصيدلانى، الحسن بن محمد ۱۸۹۲
 الصيدلانى، حمزة بن عبدالعزيز ۱۹۲۴
 الصيدلانى، سلمة بن محمد ۱۹۷۳
 الصيدلانى، عبدالله بن عالم ۲۰۱۸
 الصيدلانى، عبدالله بن محمد ۱۰۵۰
 الصيدلانى، عبدالملك بن احمد ۲۱۱۲
 الصيدلانى، محمد بن احمد ۱۶۳۱
 الصيدلانى، محمد بن احمد ۲۲۱۹
 الصيدلانى، محمد بن اسحاق ۱۱۱۵
 الصيدلانى، محمد بن العباس ۲۴۴۴
 الصيدلانى، محمد بن موسى ۲۵۲۷
 الصيدلانى، مهدي بن محمد ۲۶۱۷
 الصيدلانى، محمد بن يحيى ۷۱۹
 الصيدلانى، يحيى بن محمد ۲۵۹۲
 الصيدلانى، يعقوب بن محمد ۱۶۴۸
 الصيرفى، ابو الحسن ۲۸۹۵

- الطرازى، محمد بن محمد ۲۵۰۵
 انطوائى، احمد بن عبدالله ۱۷۰۱
 الطرائفى، احمد بن محمد ۱۷۵۱
 الطرسوسى، على بن احمد ۲۱۳۲
 الطرسوسى، على بن عبدالملك ۲۱۵۲
 الطرطوسى، محمد بن عيسى ۶۷۸
 الطلاحى الكوفى، على بن محمد ۱۵۰۶
 الطمستانى، ابوبكر ۲۷۹۱، ۲۸۹۰
 طنطرى (?) عبدالله ۴۸۹
 الطوسى، ابوالحسن ۶۰۱
 الطوسى، احمد بن اسحاق ۸۷۶
 الطوسى، احمد بن الحسين ۱۶۷۵
 الطوسى، احمد بن محمد ۹۲۴
 الطوسى، احمد بن محمد ۱۷۵۸
 الطوسى، الياس بن محمد ۱۴۰۸
 الطوسى، تميم بن محمد ۹۴۱
 الطوسى، حاجب بن محمد ۱۹۲۵
 الطوسى، الحسن بن على ۹۶۰
 الطوسى، الحسين بن ايوب ۱۹۰۲
 الطوسى، داود بن عدى ۳۹۲
 الطوسى، سعيد بن محمود ۴۲۶
 الطوسى، عبدالله بن حسان ۴۵۸
 الطوسى، عبدالله بن سعيد ۱۴۷۱
 الطوسى، عبدالله بن محمد ۱۴۵۹
 الطوسى، على بن الحسين ۲۱۴۵
 الطوسى، على بن محمد ۱۰۸۴
 الطوسى، على بن محمد ۲۱۵۹
 الطوسى، محمد بن ابراهيم ۱۵۹۲
 الطوسى، محمد بن احمد ۱۵۷۳
 الطوسى، محمد بن احمد ۲۲۵۵
 الطوسى، محمد بن احمد ۲۶۷۵
 الطوسى، محمد بن سهل ۱۱۸۲
 الطوسى، محمد بن صالح ۱۲۰۱
 الطوسى، محمد بن عمرو ۱۲۴۱
 الصيرفى، الحسين بن على ۱۹۲۰
 الصيرفى، على بن بنطار ۲۱۳۵
 الصيرفى، محمد بن جعفر ۱۵۵۶
 الصيرفى، نوح بن عبدالرحمن ۷۶۹
 الصيرفى الجرجانى، محمد بن عمر ۱۲۲۶
 الضبى، حميد ۱۴۳۵
 الضبى، عبدالله بن محمد ۲۰۵۱
 الضبى، محمد بن محمد ۲۵۰۹
 الضبى الهروى، رافع بن عضم ۱۹۴۶
 الضريز، ابراهيم بن اسحاق ۱۸۰۸
 الضريز، ابراهيم بن محمد ۸۴۵
 الضريز، على بن محمد ۱۴۹۹
 الضريز، محمد بن ستاذن ۱۱۹۳
 الضريز، يحيى بن ابراهيم ۷۸۹
 الطالقان، محمد بن القاسم ۶۹۲
 الطالقانى، عبدالله بن بشر ۱۰۲۷
 الطالقانى، محمود بن خدائش ۷۴۷
 طاهر (امير) ۲۷۹۹
 طاهرين محمد بن فضل ۱۴۱۰
 الطاهرى، احمد بن محمد ۱۷۴۳
 الطاهرى، طيب بن محمد ۱۰۲۲
 الطاهرى، محمد بن احمد ۲۲۶۲
 الطبارى (از اصحاب حديث) ۲۳۰۱
 الطبرى، احمد بن دلود ۱۶۸۷
 الطبرى، الحسن بن شاپور ۱۸۷۶
 الطبرى، عبدالله بن على ۲۰۱۴
 الطبرى، على بن عبدالله ۱۰۸۱
 الطبرى، محمد بن نصر ۲۵۳۲
 الطبرى، محمد بن يعقوب ۱۶۱۰
 الطبسى، احمد بن محمد ۱۷۲۶
 الطبسى، احمد بن محمد ۱۷۵۴
 الطبسى، الحسن بن محمد ۱۸۸۶
 طبسى، شهيد - ۲۷۹۴، ۲۷۹۶
 الطراخى، ابراهيم بن محمد ۲۶۷۴

- الطوسی، محمد بن علی ۲۴۲۱
 الطوسی، محمد بن محمد ۲۴۷۲
 الطوسی، مقبل بن رجاء ۱۲۹۷
 الطوسی، نصر بن عبدالله ۲۶۷
 الطوسی، نصر بن محمد ۲۵۶۵
 الطوسی، یحیی بن محمد ۲۵۹۱
 الطوسی، یوسف بن محمد ۲۶۰۲
 الطوسی الاسماعیلی، احمد بن محمد ۱۷۸۰
 الطوسی الاصم، محمد بن عمر ۱۶۳۰
 الطوسی الرودباری، الحسن بن محمد ۱۸۹۹
 الطوسی العنبری، ابراهیم بن اسماعیل ۸۲۲
 الطهمانی، عبدالله بن محمد ۲۰۲۷
 الطهمانی، عیسی بن محمد ۱۰۸۹
 الطهمانی، محمد بن حمویه ۱۵۴۱
 الطیفوری، عبدالله بن بحر ۱۰۲۸
 العابد، ابراهیم بن اسماعیل ۱۸۰۲
 العابد، ابراهیم بن زبارة ۸۲۲
 العابد، ابوالعباس ۲۷۹۳
 العابد، احمد بن محمد ۱۷۸۸
 العابد، عبدالله بن محمد ۱۴۶۳
 العابد، علی بن مأمون ۲۱۷۰
 العابد، محمد بن الحسن ۱۶۰۰
 العابد، محمد بن عمر ۱۶۲۸
 العابد، یحیی بن نوح ۱۳۲۰
 العاصمی، یحیی بن عبدالرحمن ۲۶۵۲
 العاصمی، یعقوب بن یوسف ۱۶۵۰
 عامر بن سلیم ۲۷۹۰
 عامر بن فهیره ۱۸
 عامر بن کریم ۲۷۲۸
 العامری، احمد بن الحاج ۲۶۲
 العامری، احمد بن عمار ۸۹۵
 العامری، حمد بن رجاء ۹۸۵
 العامری، خلف بن ایوب ۲۸۵
 العامری، زین بن یحیی ۱۴۴۳
 العامری، سلیمان بن عبدالله ۴۱۴
 العامری، عبدالله بن طاهر ۳۷۵
 العامری، علی بن عنان ۵۴۲
 العامری، محمد بن احمد ۱۱۳۴
 العامری، محمد بن الحاج ۶۳۲
 العامری، محمد بن فوز ۱۳۴۸
 العامری، مقاتل بن ابراهیم ۲۴۳
 العامری الترمذی، محمد بن رمیح ۱۱۷۲
 العاملی، محمد بن عبدالله ۱۲۱۴
 العانی، احمد بن محمد ۱۷۷۴
 عباس بن حمزه ۲۷۹۲، ۲۷۹۳
 عباس بن عبدالمطلب ۱۷
 عبدالله الاستاذ ۱۴۷۳
 عبدالله الرماح ۲۷۸۰، ۲۷۹۷
 عبدالله بن زبیده ۱۸
 عبدالله خازم ۲۷۲۴
 عبدالله بن سعید ۸۲۲
 عبدالله بن طاهر ۲۳۲، ۳۴۱، ۳۴۱، ۳۳۱، ۱۵۲۸، ۲۲۳۲، ۲۷۲۱،
 ۲۷۲۲، ۲۷۲۹، ۲۷۳۰، ۲۷۳۷، ۲۷۹۷
 عبدالله بن منازل ۱۴۶۱، ۲۷۷۸، ۲۸۶۲
 عبدالله عامر ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۴۳، ۲۷۲۲، ۲۷۲۴، ۲۷۲۶،
 ۲۷۲۷، ۲۷۲۸، ۲۷۲۹، ۲۷۶۴، ۲۷۶۷
 عبدالله مبارک ۱۲، ۳۱۸، ۱۲۶۵، ۲۷۹۱، ۲۷۹۷
 عبدالله مؤذن نیشابوری ۱۴
 عبدالرحمن بن بشر ۱۶۱۵، ۲۷۷۶، ۲۷۹۳
 عبدالرحمن کوف ۲۷۹۶
 عبدالوهاب ثقفی ۲۷۹۶
 عبدان الخسروجردی ۱۰۶۱
 العبدی، ابراهیم بن محیب ۱۸۲۶
 العبدی، احمد بن ازهر ۲۴۸
 العبدی، احمد بن عبدالوهاب ۲۷۹
 العبدی، احمد بن محمد ۱۳۶۹
 العبدی، احمد بن محمد ۱۷۲۰
 العبدی، بشر بن الحكم ۲۰۵، ۲۷۹۳

- العبدی، الحکم بن مهران ۳۵۹
العبدی، سلیمان بن محمد ۱۹۵۴
العبدی، عبدالرحمن بن بشر ۴۹۳
العبدی، عبدالوہاب بن حبیب ۴۹۹
العبدی، محمد بن ابراہیم ۶۱۰
العبدی، محمد بن سلیمان ۱۱۸۵
العبدی، محمد بن عبدالوہاب ۶۷۰
العبدی، نهار ۱۱۲
العبدی المروزی، علی بن الحسن ۵۳۱
العبدی، ابو حازم ۲۱۱۸
العبدی، احمد بن ابراہیم ۱۶۶۴
العبدی، اسماعیل بن ابی علی ۲۶۸۸
العبدی، احمد بن اسحاق ۱۶۵۹
العبدی، احمد بن محمد ۱۷۸۴
عنبی (از اصحاب حدیث) ۲۳۰۱
المتکی، اسد بن عمار ۲۹۹
المتکی، سہل بن عمار ۴۲۱
المتکی، محمد بن عبداللہ ۶۶۲
المتکی المروزی، عبداللہ بن عمان ۴۶۰
العتوی، قرۃ بن حبیب ۵۹۶
عثمان بن عفان ۱۸۶۰، ۲۷۲۴
العجلی، شعث بن أصیل ۴۵۰
العجلی، شعیب بن ابراہیم ۱۰۱۸
العجلی، علی بن محمد ۲۱۶۸
العجلی، محمد بن احمد ۱۶۳۳
العدل، ابو سہل بن مهران ۲۷۰۱
العدل، طاہر بن محمد ۱۹۸۳
العدل، عبداللہ بن محمد ۲۰۲۴
العدل، محمد بن جعفر ۲۳۱۹
العدل، محمد بن عبداللہ ۲۳۸۸
العدل، محمد بن یزید ۲۵۴۶
العدل، مئۃ المنان بن محمد ۲۵۶۱
العدن، بکر بن احمد ۱۸۴۹
عدوی، بشر بن حلال ۵۲
- العلوی، تمیم بن أسید ۲۸
العراقی، عبداللہ بن علی ۲۰۱۴
عزیز ۱۱، ۱۸
العسال، محمد بن موسیٰ ۶۹۷
العسکری، علی بن سعید ۱۰۷۸
العصلی العارضی، ابو نصر ۲۶۶۱
عصیدہ، محمد بن احمد معروف بہ - ۱۱۴۳
العطار، احمد بن ایوب ۲۵۰
عطار، فریدالدین ۲۷۸۸، ۲۷۹۴، ۲۷۹۶
العطار، محمد بن احمد ۲۲۷۴
العطار، محمد بن علی ۱۵۷۵
العطار، محمد بن محمد ۲۴۷۸
عطریف (حاکم ماوراءالنہر) ۲۷۵۰
عقان بن حبیب ۲۷۹۰
العفصی، احمد بن بالوہ ۱۶۶۸
العفصی، اسحاق بن ابراہیم ۲۳۹
عقیل القنازری ۱۴۹۴
العقیلی، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۷۴
العقیلی العلوی، عیسیٰ بن زید ۲۱۸۱
عکرمہ ۲۷۶۷
علی بن اسی طالب ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۶۳، ۵۷، ۶۲، ۸۹، ۸۸
۱۰۲، ۲۷۹۶
علی بن بندار، ابو الحسن ۲۷۹۱
علی بن سہل الاصبہانی ۲۸۳۱
علی بن موسیٰ الرضا (ع) (سلطان اولیاء، حضرت سلطان)
۵۰۹، ۵۲۲، ۲۷۳۲ - ۲۷۳۴، ۲۷۳۶، ۲۷۳۸، ۲۷۴۰ - ۲۷۴۲
۲۷۴۲، ۲۷۹۶
علی بن ہانی بن قنبر ۲۷۹۳
العلوی، ابو جعفر بن ابی محمد ۲۶۹۵
العلوی، الحسن بن علی ۱۸۸۲
العلوی، حسین بن داؤد ۱۹۰۱
العلوی، داؤد بن محمد ۱۹۴۳
العلوی، ظفر بن محمد ۱۹۹۰
العلوی، محمد بن احمد بن محمد زبارہ ۲۲۳۲

- الغازی المطوعی، بشر بن محمد ۳۱۱
 الغازی المطوعی، محمد بن حمدویه ۱۵۴۴
 الغفاری، الحکم بن عمرو ۲۱
 الغفاری، عطیة بن عمرو ۲۲
 الفارسی، احمد بن ابراهیم ۱۶۶۱
 الفارسی، احمد بن محمد ۱۷۳۰
 الفارسی، جعفر بن حمویه ۹۵۴
 الفارسی، الحسن بن اسمعیل ۹۷۲
 الفارسی، الحسن بن محمد ۱۸۸۷
 الفارسی، الحسین بن احمد ۱۸۶۲
 الفارسی، علی بن جعفر ۲۱۳۹
 الفارسی، ابوالحسین علی ۲۸۷۰
 الفارسی، علی بن محمد ۲۱۶۶
 الفارسی، قیس بن طلحة ۲۲۰۰
 الفارسی، محمد بن احمد ۲۲۷۰
 الفارسی، محمد بن عبدالله ۲۴۰۹
 الفارسی، محمد بن عبدالله بن محمد ۲۳۱۱
 الفارسی، محمد بن القاسم ۲۴۷۰
 الفاریابی، داود بن محرق ۳۸۷
 الفاریابی، سعید بن مشکان ۱۹۶۵
 الفامی، احمد بن الحسین ۱۶۸۰
 الفامی، احمد بن محمد، ابوخامد ۱۷۸۹
 الفامی، احمد بن محمد، ابوسعید ۱۷۹۱
 الفامی، الحسن بن احمد ۱۸۹۷
 الفامی، عبیداللہ بن محمد ۲۶۰۷
 الفامی، علی بن محمد ۲۱۷۳
 الفامی، محمد بن ابراهیم ۲۲۹۶
 الفامی، محمد بن احمد ۲۲۳۶
 الفامی، محمد بن احمد ۲۶۸۳
 الفامی، محمد بن جعفر ۲۳۱۸
 الفامی، محمد بن حسنویه ۱۵۸۳
 الفامی، محمد بن علی ۲۴۳۸
 الفامی، محمد بن محمد ۲۵۰۱
 الفامی، محمد بن محمد ۲۳۹۱
 العلوی، محمد بن احمد بن محمد، ابوالحسین ۲۳۳۳
 العلوی، محمد بن الحسن ۲۳۴۰
 العلوی، محمد بن الحسین ۲۳۳۹
 العلوی الحسینی، محمد بن ظفر ۲۳۸۵
 العماری، اسحاق بن ابراهیم ۱۸۳۸
 العماری، عبدالرحمن بن احمد ۲۰۸۸
 العمائی، طاهر بن علی ۱۹۸۶
 عمران الازدی ۱۰۳۳
 عمرو بن عثمان المکی ۲۸۲۵
 عمرو بن لیث ۲۷۶۹، ۲۷۱۳
 عمرویه (نوه عامر بن سلیم) ۲۴
 العمركی، عمرو بن معمر ۵۵۸
 العمری، احمد بن محمد ۱۳۷۸
 العمری، محمد بن عبدالله ۱۲۱۳
 العمری، محمد بن عبدالله ۲۳۹۲
 العمری، محمد بن محمد ۲۵۱۱
 العمری البلیخی، عبدالله بن فارس ۱۳۷۷
 العمی، موسی بن یزید ۷۲۷
 العنبری، ابوزکریا ۲۷۸۲، ۲۷۹۲، ۲۷۹۹
 العنبری، احمد بن محمد ۱۷۵۶
 العنبری، عبدالله بن یحیی ۲۰۵۶
 العنبری، محمد بن عبدالله ۱۵۲۶
 العنبری، محمد بن یحیی ۲۵۴۵
 العنبری، یحیی بن محمد ۲۵۸۳
 العنبری، یحیی بن یحیی ۲۷۰۶، ۲۷۰۷
 العنبری الطبری، علی بن الحسن ۲۱۳۳
 العنبری الطوسی، ابراهیم بن اسماعیل ۸۲۲
 العنبری الهروی، خلف بن عبدالله ۳۸۴
 الغازی، احمد بن عبدالله ۱۷۱۲
 الغازی، احمد بن محمد ۱۳۶۶
 الغازی، جعفر بن احمد ۱۳۱۵
 الغازی، عبدالرحمن بن عبدالله ۲۶۸۴
 الغازی، محمد بن احمد ۲۲۱۷
 الغازی، سلمة بن عبدالله ۲۳۹۴

- فتال، محمد ۲۷۹۶
 فخرالدین الرزازی ۲۷۸۴
 الفراء، حماد بن موسی ۳۵۶
 الفراء، سعد بن یزید ۴۱۶
 الفراء، محمد بن ابی یزید ۱۲۲۳
 الفراء، محمد بن احمد ۲۸۹۷، ۲۲۲۶
 الفراء، نوح بن صالح ۷۶۸
 الفراء، نصر بن خلف ۷۶۳
 الفراء، یزید بن صالح ۸۰۴
 الفرائضی، احمد بن موسی ۱۷۹۲
 الفرائضی، عبدالله بن صالح ۱۰۳۴
 الفرائضی، محمد بن احمد ۲۶۳۲
 الفرخکی، احمد بن عبدالرحمن ۱۳۵۲
 الفرغانی، القاسم بن محمد ۵۹۵
 الفرندآبادی، عباس بن منصور ۱۵۱۳
 الفرهادجردی، زکریا بن دلشاد ۱۰۰۳
 الفرهادجردی، صالح بن نوح ۱۳۴۸
 الفزلی، ابراهیم بن احمد ۱۸۰۳
 الفزازی، احمد بن عمرو ۲۷۷
 الفزازی، احمد بن سلیمان ۲۶۹
 الفزازی، جعفر بن عبیدالله ۳۱۷
 الفزازی، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۷۳
 الفسوی، یعقوب بن سفیان ۸۰۶
 فضالان الخزاعی ۱۵۱۹
 فضل بن موسی الشیبانی ۱۱۸۹
 فضلولیه، ابراهیم بن محمد ۸۴۱
 فضیل بن عیاض ۱۶۱۹، ۲۸۰۱
 الفقیه، ابراهیم بن الحسن ۱۸۱۰
 الفقیه، ابراهیم بن محمد ۸۵۱
 الفقیه، احمد بن اسحاق ۱۶۵۶
 الفقیه، احمد بن الخضر ۱۶۸۶
 الفقیه، احمد بن شعیب ۸۹۳
 الفقیه، احمد بن عبدالله ۱۷۱۴
 الفقیه، اسد بن موسی ۳۰۱
 الفقیه، بشر بن حفص ۳۱۰
 الفقیه، الحسین بن حرب ۳۴۷
 الفقیه، سعید بن محمد ۱۹۶۶
 الفقیه، سهل بن بشر ۴۲۰
 الفقیه، عبدالله بن احمد ۲۰۰۱
 الفقیه، عبدالله بن محمد ۱۰۳۸
 الفقیه، عبدالله بن یونس ۴۶۹
 الفقیه، عبدالرحمن بن حمدون ۲۰۷۶
 الفقیه، علی بن محمد ۲۱۷۳
 الفقیه، فتح بن الحجاج ۵۸۶
 الفقیه، محمد بن ابراهیم ۱۱۱۷
 الفقیه، محمد بن ایوب ۱۱۴۶
 الفقیه، محمد بن الحسین ۲۳۳۲
 الفقیه، محمد بن سعید ۱۵۳۵
 الفقیه، محمد بن عبدالاعلی ۲۶۵۶
 الفقیه، محمد بن یعقوب ۲۷۰۳
 الفلفی، طاهر بن یحییٰ ۱۴۵۰
 الفلفی، محمد بن طاهر ۲۳۸۴
 فن لر، ابوبکر ۲۷۹۱
 فوز البشتی ۱۲۴۷
 الفوشنجی ← البوسنجی
 الفوشنجی، ابوالحسن علی ۲۸۸۴
 فیروز بن یزدجرد ۸۳۰
 قاتل قنیه ۱۰۶۲
 القاری، الحسن بن الحسین ۱۸۷۲
 القاری، علی بن مضارب ۲۱۶۹
 القاری، محمد بن ابی ذر ۱۱۶۸
 قاسم بن بکر ۱۸۳۰
 القاضی، احمد بن حریش ۲۵۸
 القاضی، بشر بن ابی الازهر ۳۰۶
 القاضی، الخلیل بن احمد ۱۹۳۴
 القاضی، شریک بن عبدالله ۴۴۷
 القاضی، عبدالله بن محمد ۲۰۳۱
 القاضی، علی بن محمد ۱۵۰۰

- القاضی، محمد بن محمد بن احمد ۲۴۸۲
 قاضی الخزفین، ابوالحسن احمد بن محمد ۱۷۲۲، ۲۷۷۷، ۲۷۹۲
 القابلی، کثیر بن احمد ۲۲۰۳
 القبابی، الحسین بن محمد ۹۷۴
 القبابی، حسین ۱۷۱۷
 القبابی، علی بن محمد ۱۰۸۵
 القبابی، محمد بن احمد ۲۲۴۲
 القباب الهروی، محمد بن محمد ۱۶۲۳
 قباد بن فیروز ۲۷۵۷
 القبان، عبدالله بن محمد ۲۰۴۲
 القتی، محمد بن [] ۲۳۶۵
 القرشی، احمد بن ابراهیم ۲۵۲
 القرشی، احمد بن نصر ۲۹۲
 القرشی، حسان بن محمد ۱۹۲۱
 القرشی، الحسین بن ضحاک ۳۴۴
 القرشی، الحسین بن مسلم ۳۳۸
 القرشی، حمویه ۱۰۳۸
 القرشی، حمدان بن خالد ۳۶۳
 القرشی، حیدر بن فتحویه ۱۹۳۱
 القرشی، سلیمان بن سعد ۴۱۵
 القرشی، عبدالجبار بن امان ۵۰۴
 القرشی، عثمان بن عبدالله ۵۲۰
 القرشی، علی بن الحسین ۵۳۷
 القرشی، عوام بن محمد ۲۱۹۰
 القرشی، عیسی بن ابراهیم ۱۷۶
 القرشی، القاسم بن ضحاک ۵۹۲
 القرشی، محمد بن احمد ۶۱۱
 القرشی، محمد بن احمد ۶۲۳
 القرشی، محمد بن احمد ۱۶۰۵
 القرشی، محمد بن اسحاق ۱۸۷
 القرشی، محمد بن حسان ۲۳۵۸
 القرشی، محمد بن حسان بن محمد ۲۳۵۹
 القرشی، محمد بن عمرو ۶۸۲
 القرشی، محمد بن منخل ۶۵۹
 القرشی، هارون بن محمد ۱۳۰۹
 القرشی، وهب بن وهب ۱۹۹
 القرشی السمرقندی، حاکم بن الخلیل ۹۹۰
 القرشی الصوفی، عبدالله بن محمد ۲۰۳۲
 القرشی الهروی، رجای بن عبدالرحیم ۳۹۴
 قرطمه البغدادی ۱۲۴۰
 القرمیسی، ابواسحاق ابراهیم ۲۸۷۱
 القرمیسی، مظفر ۲۸۶۹
 القزوی، الحسن بن علی ۱۸۸۰
 القزوی، الخضر بن احمد ۱۹۳۵
 القزوی، خطاب بن علی ۱۹۳۹
 القزوی، علی بن بشر ۲۱۲۶
 القزوی، علی بن جنبل ۲۱۲۸
 القزوی، علی بن محمد ۲۱۶۵
 القزوی، محمد بن علی ۱۵۲۶
 القزوی، حجاج بن مسلم ۳۶۶
 القشیری، ابوالقاسم ۱۲۷۸۸، ۱۲۷۹۴، ۱۲۷۹۶
 القشیری، داود ۱۴۵
 القشیری، سلمة بن النصر ۱۴۴۷
 القشیری، عبدالله بن محمد ۱۴۵۶
 القشیری، عبدالخالق بن منصور ۵۱۲
 القشیری، علی بن محمد ۲۱۷۲
 القشیری، عمر بن سعید ۵۱۹
 القشیری، فضالة بن ابی زید ۵۹۱
 القشیری، قطن بن ابراهیم ۵۹۸
 القشیری، محمد بن خلف ۶۳۳
 القشیری، محمد بن رافع ۶۴۶
 القشیری، محمد بن زیاد ۶۴۸
 القشیری، محمد بن زنجویه ۱۱۷۷
 القشیری، محمد بن صالح ۱۲۰۳
 القشیری، عاصم بن عصام ۵۶۴
 القشیری، محمد بن عبدالملک ۱۲۱۰
 القشیری، مسد بن قطن ۱۲۹۳

- القشیری، مسلم بن الحجاج ۲۲۱
 القشیری، نصر بن جمیل ۷۶۵
 القصاب، محمد بن جعفر ۱۵۹۸
 القصار، ابونصر ۲۶۴۰
 القصار، حمدون بن احمد ۹۸۴
 القصار، حمدون بن احمد ۲۸۱۲
 القصری، محمد بن شعیب ۱۱۹۹
 القصیر، حفص بن عمر ۳۵۳
 القطان، ابراهیم بن ابی مطیع ۱۳۹۱
 القطان، ابراهیم بن محمد ۱۸۱۹
 القطان، احمد بن محمد ۱۷۷۷
 القطان، اسماعیل بن ابراهیم ۸۵۷
 القطان، حامد بن محمود ۱۳۳۶
 القطان، الحسن بن ابراهیم ۱۸۶۱
 القطان، عصمة بن مسعود ۱۱۰۰
 القطان، محمد بن احمد ۲۲۸۴
 القطان، محمد بن الحسین ۱۵۳۲
 القطان، محمد بن سیما ۲۳۷۲
 القطان، محمد بن عثمان ۱۶۲۸
 القطان، محمد بن علی ۱۲۳۷
 القطان، محمد بن محمد ۱۶۲۹
 القطان، محمود بن الحسین ۲۵۵۶
 القطان، یحیی بن محمد ۲۵۸۶
 القطان الجرجانی، ابوالحسن ۲۶۸۵
 القفال الشاشی، محمد بن علی ۲۴۲۶
 القلانسی، احمد بن محمد ۱۳۷۲
 القمی، علی بن موسی ۱۰۸۷
 القنارزی، عقیل بن اسحاق ۱۳۹۳
 قنبر ۲۷۹۶
 القندیشتی، احمد منصور ۲۶۷۷
 القندیشتی، معتز بن عبدالله ۲۵۵۸
 القنطری، عبدالله بن حمید ۱۴۶۶
 القنطری، عبدالله بن محمد ۱۴۵۱
 القهستانی، الحسن بن احمد ۱۸۷۰
 القهستانی، الحسین بن محمد ۱۴۲۵
 القهستانی، زافر بن سلیمان ۱۴۶
 القهستانی، عبدالله بن الجراح ۴۶۳
 القهستانی، محمد بن جمعه ۱۱۴۷
 القهستانی، محمد بن حمید ۱۱۵۰
 القهستانی، محمد بن سهل ۱۱۸۱
 القهستانی، محمد بن یحیی ۷۱۲
 القهستانی محمود بن احمد ۱۶۴۵
 القهستانی، نصر بن جناح ۷۶۱
 القهندزی، احمد بن عمر ۲۷۵
 القهندزی، احمد بن محمد ۱۷۸۶
 القهندزی، عبدالله بن حماد ۴۸۴
 القهندزی، مبشر بن عبدالله ۷۳۴
 القهندزی، محمد بن احمد ۲۲۴۰
 القهندزی، محمد بن عمرو ۶۸۳
 القهندزی، محمد بن محمد ۲۶۲۵
 القهندزی، محمد بن محمد ۲۵۲۰
 القهندزی، مسعود بن عبدالله ۷۲۹
 القیراطی، عبدالله بن محمد ۱۰۳۴
 القیسی، عبدالله بن هارون ۱۰۶۲
 القیسی، محمد بن ابراهیم ۱۱۲۴
 القیسی، محمد بن عثمان ۶۷۷
 الکابلی، محمد بن الحسین ۶۳۹
 الکاتب، ابوعلی ۲۸۶۷
 الکاتب، احمد بن القاسم ۱۷۱۶
 الکاتب، ابوعلی الحسن ۲۸۶۷
 الکاتب، سلیمان بن خالد ۴۱۰
 الکاتب، شجاع بن الحسین ۱۹۷۷
 الکاتب، محمد بن احمد ۱۵۵۱
 الکاتب، محمد بن احمد ۱۵۸۹
 الکاتب المروزی، عیسی بن محمد ۱۰۸۹
 الکارزی، علی بن محمد ۲۱۶۰
 الکارزی، محمد بن محمد ۲۴۸۶
 الکاغذی، حامد بن محمد ۱۹۲۸

- الکرمانی، علی بن الحسن ۱۰۷۴
 کر میر، سلطان حسین - ۲۷۱۹
 کر مینی، مهلب بن سلیم ۶۰۳
 الکریزی، سعید بن یحیی ۴۳۳
 الکسانی، محمد بن ابراهیم ۲۳۰۶
 الکسانی، محمد بن احمد ۲۲۸۸
 الکسانی، محمد بن العباس ۲۳۳۶
 کسری ۱۱۳
 الکسکری، محمد بن محمد ۲۵۰۶
 الکشبی، خاتم بن منصور ۳۶۸
 الکشبی، سعید بن محسن (۱۹۱۶) ۱۹۶۱
 الکشبی، محمد بن خاتم ۲۳۴۶
 الکشبی، محمد بن الطیب ۱۶۳۹
 الکشبی، محمد بن محمد ۲۳۹۸
 الکمبی، احمد بن محمد ۱۷۲۸
 الکمبی، عبدالله بن محمد ۱۴۷۲، ۲۰۲۳
 الکلادی، احمد بن محمد ۱۷۲۹
 الکلادی، عبدالله بن احمد ۲۰۵۸
 الکلایی، عمرو بن زراره ۵۵۶
 الکلایی، محمد بن عبدالله ۲۴۲۴
 الکلجی، عبدالله بن منصور ۲۰۶۴
 کنارنگ ۲۷۲۳، ۲۷۲۴، ۲۷۶۷
 الکندی، محمد بن اسلم ۶۰۱
 الکندی، نصر بن احمد ۱۳۰۲
 الکوسج، اسحاق بن منصور ۲۷۹۹، ۲۲۸
 کوف، عبدالرحمن ۲۷۹۶
 کوف، ناصرالدین محمد ۲۷۹۶
 الکوئی، ابوالحسن ۲۷۹۳
 الکوئی، ابوعلی ۳۴۱، ۲۷۹۲
 کوفی، بکر بن ماعز ۵۴
 الکوئی، حجاج بن ارطاة ۱۴۰
 الکوئی، الحسن بن جعفر ۱۸۷۱
 الکوئی، محمد بن زید ۲۳۶۶
 الکوئی، زید بن عیسی ۱۹۵۰
 الکاغذی، محمد بن خشنام ۲۳۶۲
 الکاغذی، محمد بن زکریا ۱۵۳۱
 الکاغذی، محمد بن هارون ۱۲۷۰
 الکاغذی، احمد بن محمد ۱۷۴۲
 الکاغذی، اسحق بن بشر ۱۲۵
 الکاغذی، محمد بن علی ۲۸۶۴
 الکاغذی، احمد بن جواد ۲۵۴
 الکرابیسی، ابراهیم بن الحسن ۸۲۷
 الکرابیسی، ابراهیم بن محمد ۱۲۸۵
 الکرابیسی، احمد بن عبدالله ۱۷۰۰
 الکرابیسی، الحسن بن احمد ۱۹۰۶
 الکرابیسی، عبدالله بن القاسم ۲۰۲۱
 الکرابیسی، عبدالله بن محمد ۲۰۴۸
 الکرابیسی، الفضل بن محمد ۱۵۲۰
 الکرابیسی، محمد بن احمد ۲۳۲۹
 الکرابیسی، محمد بن احمد ۲۲۸۱
 الکرابیسی، محمد بن بشر ۳۳۱۳
 الکرابیسی، محمد بن الحسن ۳۳۳۲
 الکرابیسی، محمد بن سعید ۲۳۷۱
 الکرابیسی، محمد بن سلوان ۱۵۸۷
 الکرابیسی، محمد بن الفضل ۲۳۶۰
 الکرابیسی، محمد بن القاسم ۲۳۶۹
 الکرابیسی، محمد بن محمد ۲۵۰۰
 الکرابیسی، محمد بن محمد ۲۵۱۶
 الکرابیسی، محمد بن محمد الزاهد ۲۵۱۷
 الکرزانی، ابویعقوب ۲۷۹۲
 الکرزانی، اسحاق بن محمدشاد ۱۸۴۲
 الکرخی، معروف ۲۸۰۹
 الکرخی، محمد بن علی ۲۴۲۵
 کردش، الحسن بن علی الملقب بـ ۹۶۰
 الکردی، احمد بن یحیی ۱۳۸۴
 الکرمانی، شاه شجاع ۲۸۳۳، ۲۸۳۴
 الکرمانی، عبدالله بن یعقوب ۱۳۷۵
 الکرمانی، محمد بن عکاشه ۶۸۸

- الكوفي، محمد بن محمد ٢٥٢٨
 الكوكبي، اسماعيل بن عبدالله ١٨٣٤
 الكوكبي، عبدالله بن عمر ١٠٢٦
 الكوكبي، القاسم بن عمر ١٥٢٣
 الكيال المطوعى، محمد بن ابي اسحاق ٢٦٤٨
 الكيدى، الحارث بن عمرو ٦٣
 اللباد، احمد بن حسنيه ١٦٧٣
 اللباد، احمد بن محمد ٢٨٨
 اللباد، اسماعيل بن زكريا ٨٦٠
 اللباد، بشر بن سهل ٣٠٨
 اللباد، زنجويه بن محمد ١٠٠٩
 اللباد، محمد بن اسحاق ١١١٢
 اللباد، محمد بن نصر ٧٠٧
 اللبقي، على بن سلمه ٥٤٠
 اللحياني، محمد بن محمد ٢٢٧٥
 اللغوى، عينية بن عبدالرحمن ١٧٩
 المازلى، محمد بن الحسين ١٦٠٧
 المازنى، الحارث ٦٥
 المازنى، محمد بن جعفر ١٥٢٩
 الماسرجسى، احمد بن عبدالله ١٧٠٢
 الماسرجسى، احمد بن محمد ٩٣٢
 الماسرجسى، احمد بن محمد ١٧٨٣
 الماسرجسى، الحسين بن محمد ١٩٠٥
 الماسرجسى، عبدالله بن احمد ١٣٧٣
 الماسرجسى، عبدالله بن احمد ٢٦٢٠
 الماسرجسى، محمد بن احمد ١٥٢٧
 الماسرجسى، محمد بن على ٢٢٣٤
 الماسرجسى، محمد بن محمد ٢٦١٢
 الماسرجسى، محمد بن المؤمل ٢٥٢٦
 الماسرجسى، مؤمل بن الحسن ١٢٩٤
 الماكيانى، يوسف بن ابراهيم ١٣٣٠
 المالكي، ابراهيم بن محمود ٨٤٣
 الماليني، موسى بن محمد ٢٥٥٣
 مأمون ٥٢٢
- المأمونى، الحسن بن احمد ١٨٦٦
 ماناهيه، محمد - ٤٥
 الماهيانى، احمد بن محمد ١٢٧٥
 ماينى، محمد ٢٧٩٤
 المتكلم الاشعري، عبدالواحد بن احمد ٢٠٩٣
 المتكلم الاشعري، ابو الفضل ٢٠٩٣
 المتكلم، عبدالله بن محمد ٢٠٦٥
 مجد الدين بغدادى ٢٧٩٤، ٢٧٩٦
 مجنون اولياء، شيخ - ٢٧٩٤
 المحاسبى، ابو عبدالله حارث ٢٨٠٦
 المحاملى، ابو عبدالله ٦٩٣
 المحبوبى المرزوى، عبدالله بن محمد ٢٠٤٥
 المحتسب، ابو الحسن ٢١٢٣
 المحتسب، محمد بن عبدالرحمن ٦٦٦
 محروق، محمد (امامزاده) ٢٧٩٥، ٢٧٤٠
 محفوظ بن محمود ٢٨٣٩، ٢٧٩١
 المحفوظى، ابراهيم بن محمد ١٨٢٢
 المحفوظى، على بن احمد ١٠٦٦
 محمد آبادى، احمد بن محمد ١٧٦٤
 محمد (ص) ٢، ٧، ١٨، ٤٥، ٢٧٨٦، ٢٧٩٥
 محمد (حاكم ماوراء النهر) ٢٧٥٠
 محمد آبادى، عباس بن الفضل ١٥١٢
 محمد آبادى، محمد بن الحسين ٢٣٢٣
 محمد بن ابي الورد ٢٨٣٦
 محمد بن اسحاق بن خزيمه ١٣٤٢، ١٦١٥، ٢١٧٩،
 ٢٧٩٢، ٢٥٨٦
 محمد بن اسلم طوسى ٢٧٣٤، ٢٧٨٢، ٢٧٩٢، ٢٧٩٦،
 ٢٧٩٩
 محمد بن اسماعيل، ابو عبدالله (از مشايخ تصوف) ٢٨٢٣
 محمد بن حرب ٢٥٩
 محمد بن رافع القشيرى ٢٧٨٢، ٢٧٩٩
 محمد بن محمد بن زيد ٢٧٤٠، ٢٧٧٥، ٢٧٨٩
 محمد بن محمد الملقب بزياره ٢٧٨٩
 محمد بن عبدالوهاب ٢٧٧٦، ٢٧٩٣، ٢٧٩٨

المذکر التیسا بوری، جعفر بن سهل ۹۴۶	محمد بن عمرو ۱۱۸۹
المرابطی، اسد بن عبدالله ۳۰۰	محمد بن نصر البیشکی ۷۷۰
المراذی، احمد بن محمد ۱۷۸۲	محمد بن الهیثم ۲۷۹۲
المراغی، جعفر بن محمد ۱۸۵۴	محمد بن یحییٰ ذهلّی ۳-۶، ۸۳۲، ۱۶۱۵، ۲۷۸۱، ۲۷۹۲، ۲۷۹۶
المراغی، الحسین بن هارون ۱۴۳۱	محمد بن یعقوب الحافظ ۸۳۲
المرتعی، محمد بن عبدالله ۲۸۵۸	محمد ماناهیہ ۴۵
المرتقع، الحسین بن علی ۳۴۳	محمود بیان الحق نیشابوری، قاضی - ۲۷۹۶
المرحانی، اسحاق بن عیسیٰ ۱۴۰۵	المحمودی البخاری، یحییٰ بن یحییٰ ۲۵۹۰
المرورودی، ابراهیم بن علی ۸۳۶	محمود غزنوی ۲۷۱۳
المرورودی، رافع بن عبدالله ۱۹۳۵	الحمی، ابوالحسن ۷۷۰
المرورودی، محمد بن قریش ۱۶۳۵	المحمی، عبدالله بن محمد ۲۰۳۳
المرورودی، یوسف بن موسیٰ ۱۳۲۷	المحمی، النضر بن محمد ۲۵۶۷
المروزی، ابراهیم بن ابی صالح ۲۱۴	مخزومی، جعد بن هنیثة ۵۶، ۵۷
المروزی، ابراهیم بن اسحاق ۱۳۸۹	المخلدی، الحسن بن احمد ۱۸۶۸
المروزی، ابراهیم بن رستم ۱۲۲	المخلدی، محمد بن عبدالله ۱۲۱۸
المروزی، ابراهیم بن شماس ۲۱۹	المخلدی، یحییٰ بن احمد ۲۵۸۸
المروزی، ابراهیم بن نصر ۱۸۲۷، ۱۸۲۸	المخلدی، یحییٰ بن یحییٰ ۲۶۱۵
المروزی، احمد بن ابراهیم ۸۷۵	المدنی، ابراهیم بن عبدالله ۸۳۶
المروزی، احمد بن جعفر ۱۳۴۷	المدنی، آنسن بن عیاض ۱۳۰
المروزی، احمد بن الحسین ۱۶۸۲	المدنی، محمد بن علی ۱۲۳۶
المروزی، احمد بن الحسین ۱۶۷۷	المدنی، محمد بن محمد ۲۵۰۷
المروزی، احمد بن رافع ۱۶۸۸	المدنی، محمد بن نعیم ۱۲۶۶
المروزی، احمد بن ستر ۳۷۰	مدینی، ابو حمزه ۲۷۹۳
المروزی، احمد بن سعید ۸۹۱	المدینی، عبدالعزیز بن یحییٰ ۵۰۱
المروزی، احمد بن صالح ۱۶۹۵	المدینی، محمد بن ابراهیم ۱۱۱۶
المروزی، احمد بن عمر ۱۷۱۳	المدینی، الزاهد، الحسن بن محمد ۳۲۷
المروزی، احمد بن محمد ۹۲۰	المذکر، احمد بن محمد ۱۷۸۷
المروزی، احمد بن منصور ۱۳۷۹	المذکر، الحسن بن سهل ۳۲۳
المروزی، اسحاق بن ابراهیم ۸۶۸	المذکر، عبدالله بن ابی صالح ۱۴۷۸
المروزی، بشر بن العباس ۱۴۱۳	المذکر، محمد بن احمد ۲۲۲۰
المروزی، حامد بن احمد ۱۳۳۸	المذکر، یعقوب بن محمد ۲۶۰۳
المروزی، الحسین بن المسیب ۹۸۲	المذکر الخانقاهی، عبدالحمید بن محمد ۲۶۸۶
المروزی، سعید بن معاذ ۳۱۷	المذکر الخانقاهی، علی بن محمد ۲۱۶۳
المروزی، عبدان بن محمد ۱۰۶۴	

- المرزوی، محمد بن علی بن الحسین ۶۷۴
 المرزوی، محمد بن علی بن حمزه ۶۷۵
 المرزوی، محمد بن عون ۲۴۵۸
 المرزوی، محمد بن مکی ۶۹۸
 المرزوی، محمد بن نصر ۱۲۶۵
 المرزوی، محمد بن هشام ۲۵۳۳
 المرزوی، محمد بن یحییٰ ۱۲۷۶
 المرزوی، محمود بن غیلان ۷۴۸
 المرزوی، معاذ بن اسد ۷۴۲
 المرزوی، ناصر بن محمد ۲۵۷۱
 المرزوی، نوح بن ابی مریم ۱۹۷
 المرزوی، یحییٰ بن اکثم ۲۹۷
 المرزوی، یحییٰ بن بشر ۸۱۳
 المرزوی الخزاعی، اعین بن حریت ۳۳۹
 المزاحمی، محمد بن احمد ۲۲۷۲
 المزکی، ابراهیم بن محمد ۸۴۲
 المزکی، ابراهیم بن محمد ۱۸۱۸
 المزکی، احمد بن ابراهیم ۱۶۶۶
 المزکی، احمد بن محمد ۱۷۷۲
 المزکی، احمد بن محمد ۱۷۳۳
 المزکی، احمد بن هارون ۱۷۹۶
 المزکی، عبدالرحمن بن ابراهیم ۲۰۷۷
 المزکی، عبدالرحمن بن محمد ۲۶۴۳
 المزکی، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۸۷
 المزکی، قاسم بن احمد ۲۱۹۹
 المزکی، محمد بن احمد ۲۲۳۹
 المزکی، محمد بن احمد ۲۲۸۹
 المزکی، محمد بن احمد بن عبوس ۲۲۹۱
 المزکی، محمد بن علی ۱۶۳۳
 المزکی، منصور بن احمد ۲۵۳۷
 المزنی، احمد بن عبدالله ۱۶۹۷
 المزنی، اسماعیل بن یحییٰ ۱۱۰۳
 المزنی، عبدالله بن احمد ۲۰۰۰
 المزنی، محمد بن عبدالله بن محمد ۲۳۹۱
 المرزوی، عبدالصمد بن حسان ۵۰۶
 المرزوی، عبدالعزیز ۱۶۹
 المرزوی، عبدالعزیز بن المقلب ۵۰۲
 المرزوی، عبدالله بن ابراهیم ۴۷۴
 المرزوی، عبدالله بن احمد ۱۰۲۳
 المرزوی، عبدالله بن محمد ۱۰۴۱
 المرزوی، عبدالله بن محمد ۱۰۴۵
 المرزوی، عبدالواحد بن علی ۲۰۹۵
 المرزوی، علی بن اسحاق ۵۲۴
 المرزوی، علی بن الحسین ۵۳۵
 المرزوی، علی بن حمدان ۱۰۷۷
 المرزوی، علی بن محمد ۱۵۰۷
 المرزوی، عمرو بن صالح ۵۶۱
 المرزوی، فضل بن موسیٰ ۱۸۱
 المرزوی، قاسم بن خالد ۱۱۰۲
 المرزوی، لیث بن محمد ۱۵۲۵
 المرزوی، محمد بن احمد ۱۶۰۴
 المرزوی، محمد بن احمد ۲۲۱۱
 المرزوی، محمد بن احمد ۱۱۳۰
 المرزوی، محمد بن احمد ۱۵۹۰
 المرزوی، محمد بن احمد ۲۲۲۸
 المرزوی، محمد بن احمد ۲۲۴۵
 المرزوی، محمد بن اسماعیل ۱۱۲۸
 المرزوی، محمد بن جابر ۱۱۴۸
 المرزوی، محمد بن سلیمان ۶۵۶
 المرزوی، محمد بن سهل ۱۱۹۰
 المرزوی، محمد بن العباس ۱۲۳۳
 المرزوی، محمد بن عبدالله ۲۳۰۰
 المرزوی، محمد بن عبدالله ۱۲۱۶
 المرزوی، محمد بن عبدالعزیز ۶۷۲
 المرزوی، محمد بن علی ۱۲۲۲
 المرزوی، محمد بن علی ۲۳۳۳
 المرزوی، محمد بن علی ۱۲۳۲
 المرزوی، محمد بن علی ۱۲۴۳

- المطوعی، ابو عمرو ۱۹۶۰
 المطوعی، ابوالقاسم ۲۶۶۵
 المطوعی، اسحاق بن حنیفه ۸۷۳
 المطوعی، جعفر بن یعقوب ۹۵۶
 المطوعی، حمش ۳۷۳
 المطوعی، الحسن بن مخلد ۹۵۹
 المطوعی، سعید بن محمد ۱۹۶۳
 المطوعی، سلیمان بن ابی مطر ۳۰۲
 المطوعی، عبدالله بن حمشاد ۱۴۶۵
 المطوعی، عمرو بن عبدالله ۱۵۱۰
 المطوعی، محمد بن محمد، ابوسعید ۲۵۰۳
 المطوعی، محمد بن محمد، ابومنصور ۲۵۱۳
 المطوعی، محمود بن محمد ۲۵۵۷
 المطوعی الطبری، معین جمعه ۲۵۵۴
 المطوفی، علی بن اسماعیل ۲۱۲۵
 المعاذی، عبدالله بن احمد ۱۹۹۸
 المعاذی، محمد بن احمد ۲۲۱۶
 المعاذی، الحسن بن احمد ۱۸۶۴
 المعاذی، سلمة بن احمد ۱۹۷۲
 المعاذی، علی بن محمد ۲۶۶۸
 المعاذی، ساذبن محمد ۲۵۶۰
 معاویه ۲۱
 متق ۲۷۲۷
 المعدل، ابراهیم بن جعفر ۸۲۶
 المعدل، ابراهیم بن محمد ۱۳۹۰
 المعدل، اسحاق بن محمد ۱۸۴۱
 المعدل، الحسین بن حمید ۱۹۰۸
 المعدل، عبدالعزیز بن محمد ۲۱۰۶
 المعدل، علی بن ابراهیم ۱۴۹۸
 المعدل، علی بن احمد ۲۱۲۴
 المعدل، الفضل بن محمد ۲۱۹۷
 المعدل، محمد بن احمد ۲۲۰۷
 المعدل، محمد بن احمد ۲۲۳۰
 المعدل، محمد بن الحسین ۲۳۲۴
 المزنی، محمد بن عبدالله ۲۳۹۵
 المزنی الهروی، محمد بن محمد ۲۳۹۶
 المزین، ابوالحسن علی ۲۸۶۳
 المزینانی، بالویه بن محمد ۱۸۵۰
 المزینانی، محمد بن احمد ۲۲۴۷
 المسافری، محمد بن احمد ۲۲۶۹
 المستملی، ابراهیم بن احمد ۱۸۰۴
 المستملی، ابو عمرو ۲۷۹۳
 المستملی، احمد بن الحسن ۸۸۰
 المستملی، احمد بن المبارک ۹۳۰
 المستملی، احمد بن محمد ۹۰۸
 المستملی، احمد بن محمد ۹۲۹
 المستملی، الحسن بن عبدالرحمن ۳۳۱
 المستملی، سلمة بن شیب ۴۳۶
 المستملی، سلیمان بن محمد ۴۰۸
 المستملی، عباس بن حمویه ۱۵۱۸
 المستملی، محمد بن ابان ۶۰۲
 المستملی، محمد بن اسحاق ۱۱۰۶
 المستملی، محمد بن یحیی ۱۲۷۸
 مسدد (از اصحاب حدیث) ۲۳۰۱
 المسمودی، عمر بن احمد ۲۱۱۸
 المسکی، عبدالرحمن بن محمد ۲۶۱۹
 المسکی، محمد بن احمد ۲۲۶۶
 المسکی، محمد بن هارون ۱۵۵۳
 مسلم بن حجاج قشیری ۶، ۷۲۱، ۸۴۲، ۱۱۰۲، ۱۱۰۱، ۲۳۰۱
 ۲۳۸۳، ۲۷۷۶، ۲۷۹۲، ۲۷۹۶
 المسندی، عبدالله بن محمد ۴۵۹
 مسیب (حاکم ماوراءالنهر) ۲۷۵۰
 المصاحفی، محمد بن احمد ۲۲۲۴
 المصری، اسد بن الهیثم ۱۸۲۵
 المصری، ذوالنون ۲۸۰۳
 المصطرز، اسد بن محمد ۱۷۸۵
 المطرفی، محمد بن هارون ۱۵۸۱، ۱۵۸۲
 المظلی، محمد بن صالح ۲۳۷۸

- المعدل، محمد بن محمد ۲۲۸۲
 المعدل، محمد بن محمد ۲۳۵۵
 المعدل، محمد بن محمد بن احمد ۲۶۴۹
 المعدل، محمش بن عصام ۷۵۴
 المعدل النيسابوري، بشار بن حمدان ۹۴۰
 المعروفى، على بن احمد ۲۱۲۲
 معروف الكرخى ۲۸۰۹
 المعدل، ابراهيم بن اسماعيل ۸۲۴
 المعلم النيسابوري، عبدالله ۲۰۴۱
 المعينابادى، خشان بن عبدالرحمن ۳۸۰
 المغربى، ابو عثمان ۲۸۸۶
 المغربى، ابو عمرو ۱۹۶۳
 المغربى، ابو القاسم ۳۷۹۱
 المغربى، سعيد بن محمد ۱۹۶۳
 المغربى، محمد بن احمد ۲۲۵۲
 المفيد، كامل بن احمد ۲۲۰۴
 المفيد، محمد بن جعفر ۲۲۲۲
 المقدسى، طاهر ۲۸۴۱
 المقدسى، عثمان بن عمر ۲۱۲۰
 المقرئ، ابراهيم بن الحسين ۱۲۸۶
 المقرئ، ابو سهل بن حبيب ۲۶۵۸
 المقرئ، احمد بن الحسين ۱۶۷۸
 المقرئ، الحارث بن زكريا ۹۹۱
 المقرئ، الحسن بن مهاجر ۳۳۲
 المقرئ، الحسين بن عماره ۳۴۰
 المقرئ، حامد بن ابي حامد ۳۶۱
 المقرئ، طاهر بن سعيد ۴۵۵
 المقرئ، عبدالله بن محمد ۴۶۵
 المقرئ، عبدالله بن مضارب ۲۰۵۴
 المقرئ، عمر بن عصام ۵۱۷
 المقرئ، محمد بن احمد ۱۱۲۵
 المقرئ، محمد بن احمد، ابو بكر ۲۶۴۲
 المقرئ، محمد بن الحسين ۱۱۵۶
 المقرئ، محمد بن الحسين ۱۵۵۸
 المقرئ، محمد بن عبدالرحمن ۱۸۸
 المقرئ، محمد بن عبوس ۲۴۵۳
 المقرئ، محمد بن الفضل ۲۴۶۱
 المقرئ، محمد بن يوسف ۷۱۷
 المقرئ، الشعرانى، محمد بن يونس ۱۶۲۷
 المقرئ، محمود بن احرب ۷۵۱
 المقرئ، محمود بن هرثمة ۱۲۹۵
 المقرئ، يعقوب بن محمود ۱۶۵۱
 المكاتب، يوسف بن يعقوب ۱۶۵۳
 المكتومى، ابراهيم بن محمد ۱۸۲۰
 المكثون، عبدالله بن محمد ۴۷۹
 المكى (از اصحاب حديث) ۲۳۰۱
 المكى، عطاء بن ابي السائب ۹۰
 المكى، عمرو بن عثمان ۲۸۲۵
 الملابادى، زكريا بن يحيى ۱۰۰۶
 الملاحمى، محمد بن احمد ۲۳۴۸
 الملجكانى، على بن الحكم ۵۲۹
 الملقابادى، ابو عبدالله ۱۴۶۱
 الملقابادى، حمدون بن خالد ۹۸۷
 الملقابادى، محمد بن عمرو ۱۲۲۵
 الملقابادى، محمد بن قبيصة ۱۲۵۲
 المنادى، محمد بن القاسم ۲۶۴۱
 المنادى، احمد بن موسى ۱۷۹۳
 المناديلى، محمد بن احمد ۲۲۱۴
 المناشكى، احمد بن عبدالله ۹۰۰
 المناشكى، احمد بن محمد ۱۷۷۶
 المناشكى، حامد بن محمد ۱۹۲۹
 المناشكى، سليمان بن فضل ۱۰۸۲
 المناشكى، محمد ابراهيم ۲۲۹۵
 المناشكى، محمد بن احمد ۱۱۳۳
 المناشكى، محمد بن اسحاق ۱۱۰۹
 منبه (يلدر وهب) ۱۱۳
 المنتوق، محمد بن اسحاق ۱۱۰۶
 المنجنيقى، عبدالله بن على ۲۰۱۴

- منصور بن طلحة بن طاهر ۲۷۶۹
منصور بن عمار ۲۸۱۳
المنصورى، احمد بن محمد ۱۷۵۷
المنصورى، عبدالله بن جعفر ۲۰۰۴
المنصورى، عمر بن عبدالعزيز ۲۱۱۶
المنكدرى، احمد بن محمد ۲۷۹۲، ۹۱۸
المنكدرى، عبدالواحد بن احمد ۲۰۹۱
منوچهر ۲۷۲۸، ۲۷۱۱
الموازينى، احمد بن محمد ۱۳۶۷
المؤدب، احمد بن محمد ۱۳۷۶
المؤدب، الحسين بن معاذ ۹۸۰
المؤدب، عبدالله بن الحسين ۱۴۵۵
المؤدب، عبدالله بن زيد ۱۰۳۱
المؤدب، عبدالله بن سلمة ۱۳۷۰
المؤدب، محمد بن سهل ۱۵۸۸
المؤدب، محمد بن شبيب ۲۳۷۳
المؤدب، محمد بن على ۲۴۲۷
المؤدب، نصر بن عبدالله ۷۶۶
المؤدب، النضر بن سمله ۷۷۲
المؤذن، احمد بن حمدويه ۱۳۴۴
المؤذن، طيفور بن عبدالله ۴۵۷
المؤذن، عبدالرحمن بن احمد ۲۰۶۸
المؤذن، محمد بن السلام ۶۷۳
المؤذن، محمد بن على ۲۴۳۶
المؤذن الطوسى، محمد بن موسى ۲۵۲۹
مؤذن نيشابورى، عبدالله ۱۳
موسى (نبي) ۲۷۸۴
موسى بن جعفر (ع) ۲۷۴۰
الموسوى، محمد بن جعفر بن موسى ۲۳۱۶
الموصلى، محمد بن اسحاق ۱۵۷۱
المولقاياذى، طاهر بن احمد ۱۹۸۸
المولقاياذى، على بن محمد ۲۱۷۱
المولقاياذى، محمد بن اسحاق ۲۳۱۰
المولقاياذى، محمد بن الحسن ۲۳۲۷
المولى، محمد بن احمد ۲۶۹۲
المؤمل (از اصحاب حديث) ۲۳۰۱
المهاجرى، الحسين بن الحسن ۹۷۳
المهتاد، اسحق بن حكم ۲۴۱
المهترانى، على بن محمد ۲۶۶۳
المهترانى، محمد بن حمدان ۱۱۵۲
مهرجان الزاهد ۷۵۵
المهلبى، ابراهيم بن الحسن ۸۵۳
المهلبى، محمد بن همام ۱۵۵۷
مُحمَّد طَبَّسَى ۲۷۹۴، ۲۷۹۶
الميدانى، ابراهيم بن حمش ۸۲۸
ميدانى، احمد ۲۷۹۴
الميدانى، احمد بن ابراهيم ۱۳۳۵
الميدانى، حيان بن محمد ۹۹۷
الميدانى، زكريا بن محمد ۱۴۴۲
الميدانى، عباس بن سهل ۵۷۰
الميدانى، مُحَظَّب بن ابراهيم ۱۲۹۸
الميدانى، محمد بن احمد ۱۶۳۷
الميدانى، محمد بن صالح ۲۳۷۵
ميكال، جد خاننن ميكالى ۱۸۳۰
الميكالى، اسماعيل بن عبدالله ۱۸۳۰
الميكالى، عبدالله بن اسماعيل ۲۰۰۲
ناصر الدين كوفه، محمد ۲۷۹۶
النجاتى المروزى، على بن ابراهيم ۵۲۳
النجار، محمد بن على ۱۶۳۰
النجارى، على بن محمد ۲۱۷۵
النخاس المصرى، احمد بن محمد ۱۷۳۰
النحوى، احمد بن حمدويه ۲۷۴
النحوى، احمد بن يعقوب ۱۷۹۸
النحوى، خليل بن محمد ۲۸۳
النحوى، شبل بن عبدالرحمن ۴۴۵
النحوى، عبدالله بن محمد ۴۷۲
النحوى، عبدالله بن مخلد ۴۶۸
النحوى، فضل بن خالد ۱۸۰

- التحوی، محمد بن عبدالله ۶۶۳
 التحوی، هبة الله بن الحسن ۲۵۷۹
 التحوی الاصبهانی، محمد بن یعقوب ۲۵۲۷
 التخشبی، ابوتراب ۲۸۱۴
 التخمی، احمد بن محمد ۱۷۶۳
 التخمی، علقمة بن قیس ۸۹
 النسائی، احمد بن شعيب ۸۹۳
 النساج، ابوالحسن خیر ۲۸۵۱
 النسال، محمد بن عبدالله ۲۴۰۵
 النسوی، احمد بن عثمان ۹۰۲
 النسوی، احمد بن محمد ۱۷۶۳
 النسوی، اسحاق بن سعید ۱۸۴۰
 النسوی، الحسين بن محمد ۲۶۴۴
 النسوی، حمید بن زنجویه ۳۶۹
 النسوی، سلیمان بن داود ۱۲۳۴
 النسوی، عبدالله بن سعید ۱۳۶۷
 النسوی، عبدالرحمن بن عبدالله ۱۶۶
 النسوی، عبید بن عبدالمزیز ۱۳۵۶
 النسوی، علی بن ابراهیم ۱۰۶۵
 النسوی، علی بن سعید ۵۴۱
 النسوی، عمرو بن عبدالله ۱۵۱۱
 النسوی، محمد بن احمد ۱۱۳۹
 النسوی، محمد بن احمد ۱۱۴۴
 النسوی، محمد بن احمد ۲۲۷۸
 النسوی، محمد بن جعفر ۲۲۲۱
 النسوی، محمد بن سعد ۱۵۴۸
 النسوی، محمد بن علیان ۲۸۷۵
 النسوی، محمد بن محمد بن علی ۲۳۹۳
 النسوی، محمد بن علی ۱۲۳۵
 النسوی، محمد بن محمد ۱۶۱۳
 النسوی، محمد بن یوسف ۱۲۸۰
 النسوی، یحیی بن محمد ۱۳۱۹
 النصرآبادی، ابوالقاسم ۱۸۲۱، ۲۸۸۷
 النصرآبادی، ابراهیم بن محمد ۱۸۲۱
 النصرآبادی، احمد بن الحسن ۱۶۷۴
 النصرآبادی، الحسن بن الحسين ۱۴۱۸
 نصرآبادی، حسین بن محمد ۲۷۲۱
 النصرآبادی، عبدالله بن محمد ۱۰۴۳
 النصرآبادی، عبدالرحمن بن محمد ۲۰۸۴
 النصرآبادی، عبدوس بن الحسين ۱۵۰۹
 النصرآبادی، محمد بن احمد ۲۲۳۸
 نصر بن زیاد القاضی ۲۷۷۶، ۲۷۹۲، ۲۷۹۵
 النصرطاری، احمد بن محمد ۱۷۲۳
 نصرک البغدادی ۱۳۰۲
 النصیبی، احمد بن ابی الیث ۱۷۹۴
 النصیری، محمد بن احمد ۲۲۹۰
 النقاش، ابویکر مفری ۱۱۰۳
 النمیری، الحسين بن معاذ ۹۷۶
 النمیری، عصمة بن الفضل ۵۶۶
 النمیری، علی بن صالح ۲۱۴۸
 النمیری، محمد بن سلیمان ۲۲۶۹
 النهرجوری، ابویعقوب ۲۸۶۵
 النوبندجانی، محمد بن یعقوب ۱۶۰۸
 النوری، ابوالحسن ۲۸۱۸
 النوقانی، احمد بن محمد ۱۷۳۹
 النوقانی، علی بن جعفر ۲۱۳۰
 النیسابوری، احمد بن سهل ۸۸۹
 النیسابوری، احمد بن سلیمان ۸۹۲
 النیسابوری، احمد بن عبدوس ۹۰۴
 النیسابوری، احمد بن علی ۸۹۹
 النیسابوری، احمد بن عمرو ۸۹۷
 النیسابوری، احمد بن محمد ۹۲۲
 النیسابوری، احمد بن محمد ۹۲۵
 النیسابوری، احمد بن محمد ۹۱۰
 النیسابوری، احمد بن محمد ۹۱۵
 النیسابوری، احمد بن نصر ۹۲۳
 النیسابوری، جعفر بن احمد ۹۴۴
 النیسابوری، جعفر بن محمد ۹۴۷

- النيسابورى، جعفر بن محمد ۹۵۵
 النيسابورى، جعفر بن محمد ۹۴۲
 النيسابورى، جعفر بن محمد ۹۴۳
 النيسابورى، الحسن بن عبدالله ۹۶۴
 النيسابورى، الحسن بن حمدون ۹۶۱
 النيلی، محمد بن حمدون ۱۵۳۳
 الوائق، خليفه ۷۳۱
 واحد بن جبريل ۱۸۳۰
 واحدی، علی ۲۷۹۴
 الواسطی، ابوبکر ۲۸۴۸
 الواسطی، خلف بن محمد ۱۹۳۸
 الواسطی، عبدالله بن صالح ۲۰۱۱
 الواسطی، علی بن یکران ۲۱۳۷
 الواسطی، محمد بن موسى ۱۲۶۲
 الواصلى الزوزنى، علی بن احمد ۲۱۳۱
 الواعظ، ابراهيم بن حمش ۸۲۹
 الواعظ، ابوالفضل ۲۷۹۳
 الواعظ، ابوالقاسم ۲۷۹۲
 الواعظ، احمد بن عباس ۹۰۵
 الواعظ، زكريا بن دلويه ۱۰۰۷
 الواعظ، عباس بن حمزه ۱۰۹۶
 الواعظ، عبدالله بن حامد ۲۰۰۸
 الواعظ، محمد بن ابی عیاض ۱۲۲۰
 الوالى، محمد بن احمد ۲۲۸۰
 الوزیری، احمد بن محمد ۹۱۳
 الوزیری، عبدالله بن احمد ۱۴۶۸
 الوزراق، ابوبکر ۲۸۲۹
 الوزراق، ابوالحسين (۲۷۹۱، ۲۸۴۷)
 الوزراق، احمد بن الحسين ۱۶۸۱
 الوزراق، احمد بن عبدالعزيز ۱۷۱۱
 الوزراق، احمد بن علی ۱۷۰۷
 الوزراق، احمد بن محمد ۱۳۶۱
 الوزراق، اسماعيل بن محمد ۱۴۰۷
 الوزراق، عبدالله بن الحسين ۲۰۰۶
 الوزراق، عبدالعزيز بن احمد ۲۱۰۰
 الوزراق، علی بن محمد ۱۴۹۵
 الوزراق، علی بن نصر ۵۵۰
 الوزراق، محمد بن ابراهيم ۲۲۹۴
 الوزراق، ابوالحسين محمد ۲۸۴۷
 الوزراق، ابوبکر محمد بن عمر ۲۸۲۹
 الوزراق، محمد بن الحجاج ۶۳۰
 الوزراق، محمد بن عبدالسلام ۱۲۰۶
 الوزراق، يعقوب بن يوسف ۱۲۲۵
 الوزراق البغدادي، لاحق بن الحسن ۲۵۸۱
 الوزراق الطوسي، محمد بن الحسن ۲۳۳۷
 الوزیری، محمد بن طاهر ۲۳۸۳
 الوضاحی، محمد بن الحسين ۲۳۳۸
 الوكيل، حسن ۱۴۲۰
 الوكيل، محمد بن ابراهيم ۲۳۰۷
 هارون الرشيد ۲۷۷۲
 الهاشمی، ابراهيم بن الفضل ۸۴۱
 الهاشمی، ابراهيم بن الفضل ۱۸۱۵
 الهاشمی، ابراهيم بن محمد ۱۸۲۳
 الهاشمی، عبدالله بن محمد ۲۰۵۰
 الهاشمی، عبيدالله بن محمد ۴۹۱
 الهاشمی، محمد بن ابراهيم ۲۲۹۲
 الهاشمی، محمد بن اسماعيل ۶۱۷
 هانی بن قنبر ۵۳۰، ۲۷۹۳
 الهجرى الجرجاني، اسحاق بن ابراهيم ۱۴۰۴
 الهذلي، محمد بن ابراهيم ۱۵۴۳
 هرمز ۲۷۱۲
 الهروى، ابراهيم بن احمد ۸۲۰
 الهروى، ابوالصلت ۵۰۹
 الهروى، احمد بن عبدالله ۲۷۳
 الهروى، احمد بن محمد ۱۷۶۵
 الهروى، اسماعيل بن ابراهيم ۱۸۳۷
 الهروى، حامد بن محمد ۱۹۲۶
 الهروى، عبدالله بن سنان ۴۸۳

الہلالی، عبداللہ بن احمد ۴۸۲	الہروی، عبداللہ بن راقد ۱۶۰
الہلالی، علی بن الحسن ۵۳۳	الہروی، عبدالعزیز بن عبداللہ ۲۶۱۴
الہلالی، محمد بن معاویہ ۶۹۶	الہروی، عصم بن العباس ۲۱۸۶
ہمام بن زید ۲۷۲۴	الہروی، غسان بن سلیمان ۵۸۰
الہمدانی، اسامہ بن علی ۱۸۴۷	الہروی، الفضل بن محمد ۲۱۹۵
الہمدانی، الحسن بن جعفر ۹۷۰	الہروی، کنانہ بن حلیۃ ۱۸۴
ہمدانی، عامر بن شراحیل ۸۸	الہروی، محمد بن جعفر ۲۳۲۰
الہمدانی، عمرو بن عبداللہ ۹۱	الہروی، محمد بن الحسن ۱۶۰۳
الہمدانی، محمد بن عبداللہ ۲۴۰۶	الہروی، محمد بن حفص ۲۳۴۹
یاسین بن النضر الباہلی ۲۷۹۳، ۲۷۸۰	الہروی، محمد بن سعید ۶۵۵
یحییٰ بن زکریا بن حرب ۲۵۹	الہروی، محمد بن رزام ۱۱۷۳
یحییٰ بن زیاد ۲۷۷۹	الہروی، محمد بن العباس ۲۴۴۳
یحییٰ بن معاذ رازی ۲۷۹۶، ۲۷۹۱	الہروی، محمد بن عبداللہ ۱۵۹۷
یحییٰ بن منصور القاضی ۲۳۰۱، ۸۶۴، ۷۷۰	الہروی، محمد بن عمروہ ۶۸۱
یحییٰ بن یحییٰ ۱۱۶۵، ۲۳۰۱، ۲۲۸۰، ۲۷۹۳، ۲۷۹۶	الہروی، محمد بن محمد ۲۵۰۸
الیزدادی، الحسن بن احمد ۱۸۶۹	الہروی، محمد بن المنذر ۱۲۵۷
یزدجرد ۲۷۲۴	الہروی، معمر بن الحسین ۱۸۹
الیزدی، عبداللہ بن محمد ۲۰۳۸	الہروی، موفق بن محمد ۲۵۵۵
الیزدی، محمد بن احمد ۲۲۴۱	الہروی، ہاشم بن الولید ۷۸۱
الیشکری، عبداللہ بن سعید ۴۹۰	الہروی، ہیاچ بن یسطام ۲۰۱
الیشکری، ہمام بن علی ۷۸۳	الہروی، یحییٰ بن منصور ۱۳۱۱
الیمانی، سلم بن عبدالعزیز ۲۵۶۳	الہروی، یزید بن مخلد ۸۰۵
الیمانی، محمد بن علی ۲۴۳۱	الہلالی، الحسن بن ابی عیسیٰ ۳۱۹
یوسف بن الحسین ۲۸۲۱	الہلالی، الحسن بن علی ۹۶۲

چند نسبتاً مشتبہ

- حارمادوانی، الحسن بن احمد ۱۹۰۶
 الحونی، عبداللہ بن محمد ۲۰۲۹ (شاید الجونی)
 الرقبانی، محمد بن زکریا ۱۱۷۸
 السمی، اسحق بن ابرہیم ۲۴۲
 الصیرکی، علی بن احمد ۲۱۲۷
 الطیسی، عبداللہ بن مہران ۴۶۲ (شاید الطیسی)
 العرای، احمد بن محمد ۲۹۰
 القس النیسابوری، علی بن یعقوب ۵۵۱

- المادی، محمدبن‌الحسین ۲۳۳۴ (شاید المادی)
المبکل، محمدبن‌ابراهیم ۱۱۲۰
المردعی، مسعودبن‌علی ۱۶۴۳ (شاید البردعی)
النحری، عبدالله‌بن‌هارون ۱۰۵۲ (شاید النحوی)
الورای، محمدبن‌الحسین ۱۶۳۶ (شاید الورق)
التویری، محمدبن‌الفضل ۶۹۰ (شاید التوبری)



مرکز تحقیقات کتاب‌های خطی و اسنادی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست نام جای ها

(۱)

(۲)

اسفراین، ولایت - ۲۷۵۷	آتشکده ۲۷۱۱
اسفنج ۵۶۹، ۷۲۵	آتشکده قهنگز ۲۷۶۷
اصبهان ۴، ۷۷۰، ۱۵۴۵	آزادوار ۱۱۵۱، ۱۶۴۱
انبارده ۲۷۱۳	آزادوار جوبین ۲۷۲۴
اوقه، رأس - ۱۷۳۷	ابره شهر ۲۷۱۶، ۲۷۲۷، ۲۷۳۰
ایران ۲۷۱۴	ابزار ۲۳۶۹، ۹۹۲
ایوان مداین ۲۷۱۳	ابی ذر، سگه - ۱۵۲۳
باب ابی الاسود ۸۱۶، ۲۷۲۲	ابپورد ۴۴۱، ۱۴۸۵، ۲۶۸۱، ۲۷۲۵
باب الدیر (دیز) ۱۵۵۱، ۱۴۴۷	احمدآباد، مزرعه - ۲۷۵۰
باب الری ۵۳۰	ادک، شارع - ۲۷۹۶
باب الطاق (در بغداد) ۲۸۵۰	ارتیان ۹۷۹
باب طاق (در نیشابور) ۲۷۱۷	ارغیان ۴۵۰، ۵۶۹، ۲۷۵۸
باب غزوه ۹۶۱، ۹۷۶، ۱۰۲۵، ۱۰۷۱، ۱۱۲۳، ۱۲۸۷	ارغیان، رستاق - ۷۲۵
۲۷۲۲، ۲۷۸۰، ۲۷۹۶	ارغیان، ولایت - ۲۷۵۹
باب عسکر ۲۷۲۲	ارمیه ۲۸۷۲
باب عقیل، محله - ۲۷۲۲	ازغند ۲۷۲۶
باب کعبه ۲۷۳۹	ازقند ۲۷۶۳
باب معاذ ۱۵۶۸، ۲۷۲۲	استوا ۵۱۸، ۵۹۳، ۷۲۱، ۷۵۳، ۹۷۹، ۲۷۵۸
باب معمر ۱۲۷۳، ۲۷۲۲	استوا، رستاق - ۶۶۸
باب معمر، مقبره - ۷۱۹، ۱۹۰۰	اسفبار، کوچه - ۱۷
باخز، رستاق - ۲۳۰۲	اسفراین ۵۹۵، ۶۰۳، ۷۹۹، ۸۶۶، ۱۲۵۵، ۱۵۱۶، ۱۷۴۶
باخز، ولایت - ۲۷۶۵	۲۷۵۸

۲۸۸۹، ۲۸۸۰، ۲۸۶۳، ۲۸۵۷، ۲۸۵۰، ۲۸۳۲	بادان، سکه - ۴۹۲
بنوخک ۱۴۸۳	البادیه ۲۸۱۳، ۱۲۲۸
بلاس آباد ۲۷۲۵	بار ۱۳۳۰
بلخ ۱۶، ۱۲۵، ۱۷۳، ۳۸۵، ۶۷۸، ۸۶۷، ۲۷۲۷، ۲۸۲۹	باغ بهله ۲۷۱۷
بوزجان ۹۳۵	باغ رازیان، محله - ۲۷۲۲
بوشنقان، وادی - ۲۷۴۷، ۲۷۵۲	باغ الرزین ۶۳۶، ۸۲۶، ۱۱۰۷، ۱۳۹۷
بویاباد ۲۷۱۷، ۲۷۲۰	باغ فرک ۲۷۵۲
بهله، باغ - ۲۷۱۷	باغک ۲۷۱۷
بیت المقدس ۷۰۵	باغک، محله - ۱۶۰۲، ۲۷۲۲
بیدستان، محله - ۲۷۲۲	باغک، مقبره - ۱۷۲۱
بیشک ۷۷۰	باغ کبار (؟) ۲۷۱۷
بیہق ۵۴۹، ۱۸۳۲، ۲۷۵۰، ۲۷۵۱	باغین ۲۷۱۷
بیہق، ولایت - ۲۷۵۵	بالوز ۹۵۸
بشت ← بشت	بامله بلخ ۹۱۶
پوشنج (نیز فوشنج) ۱۸۳	بایشان، قریه - ۳۴
تاشیش قنات ۲۷۱۷	بخارا ۱۱، ۱۶، ۷۵، ۱۲۵، ۱۳۸، ۳۵۳، ۴۰۳، ۸۵۹، ۹۷۲
ترباباد ۲۷۹۶	۲۳۶۵، ۲۱۸۰، ۲۰۹۹، ۱۸۱۱، ۱۶۹۷، ۱۳۹۸، ۹۹۸
ترخک زرکان ۲۷۹۸	بزرکواباد ۲۷۱۷
ترکستان ۲۷۴۶، ۲۷۵۷	بزدیفر ۱۰۵۸
ترمد ۲۰۸۲، ۲۸۲۹	بژدباد ۲۷۹۶
تلاجرود ۲۷۲۲، ۲۷۴۰	بشت (و نیز بشت) ۲۷۵۱، ۲۷۵۰، ۷۷۰
تلاجرود سفلی ۲۷۱۷	بشت، رستاق - ۸۶۵، ۲۱۸۱
تلاجرود علیا ۲۷۱۷، ۲۷۴۱	بشت، ولایت - ۲۷۶۰
تلاجرود روضه - ۲۷۳۴	بشتقان ۱۹۱۶
التیه ۲۸۶۶	بشتقان ۸۵۴
جاجرم، ولایت - ۲۷۶۵، ۲۷۶۶	بشفروش، ربیع - ۱۶۵۳، ۲۷۴۹، ۲۷۵۲
جامع، مسجد - ۲۷۶۹	بشفروش، وادی - ۲۷۴۷
جامع ری ۲۸۴۵	بشماناباد ۲۷۱۷
جامع نیشابور ۱۷۱۹، ۲۴۵۵، ۲۷۱۳	بصره ۲۳، ۴۱۱، ۲۷۱۳، ۲۷۲۴، ۲۷۲۹، ۲۷۳۲، ۲۸۰۶
الجبل ۲۸۴۹	۲۸۵۴
چرجان ۱۲، ۱۰۹۷، ۱۳۰۳، ۱۶۵۸، ۲۰۱۴، ۲۳۰۰، ۲۷۶۶	بفانخی سفلی ۲۷۱۷
جلاباد، محله - ۱۷۲۸، ۲۷۲۲	بفلک ۲۰۵، ۳۲۸، ۳۲۸، ۴۱۹، ۹۲۸، ۱۰۵۳، ۱۰۹۲
جلاباد، مقبره - ۲۷۹۹	۱، ۱۰۹۴، ۱۲۰۵، ۱۳۲۷، ۱۷۲۳، ۲۰۵۲، ۲۷۱۳، ۲۸۰۴
چنجرود ۱۱۰۳، ۱۱۸۶، ۲۷۲۲	۲۸۰۶، ۲۸۰۹، ۲۸۱۸، ۲۸۲۰، ۲۸۲۳، ۲۸۲۵، ۲۸۳۰

حوض احمد بن نصر خفاف ۹۳۳	جنگرود سفلی ۲۷۱۷
حوض کسلان ۲۷۲۲	جنگرود علیا ۲۷۱۷
حول (صحیح آن: حول) ۲۷۱۷	جندفرج ۱۱۹۲
حید، قصر - ۶۷۱	جنیدابیه ۲، ۱۱۸۰، ۲۲۲۶
حیره ۱۰۶۸، ۱۳۹۹، ۱۶۲۶، ۱۸۹۵، ۱۹۶۳، ۲۷۱۷، ۲۷۹۷، ۲۷۹۵، ۲۷۷۴، ۲۷۵۸، ۲۷۲۱	جنرکاباد (؟) ۲۷۱۷
حیره، بازار - ۲۷۱۹	جورید ۷۹۹
حیره، محله - ۳۰۱، ۳۱۸، ۲۷۱۹	جورقارس ۲۲۹۳
حیره، مقبره - ۶۳۵، ۱۵۳۳	جوری سفلی ۲۷۲۲، ۲۷۱۷
خارزنج ۲۷۶۰	جوری علیا ۲۷۲۲، ۲۷۱۷
خان الدستی ۲۲۸۱	جوری، قنات علیا - ۲۷۱۷
خان سمیدین الصباح ۴۲۵	جوری، محله - ۱۷۴۳
خان محمش ۷۷۱	جوسق، ۲۷۱۷
خان یحیی بن معاذ ۱۴۱۹	جولاهگان، محله - ۲۷۱۹، ۲۷۲۲، ۲۷۸۸
خانقاه ابوبکر بن اسحاق کرمانی ۱۶۶۰	جوین ۴۳، ۱۱۵۱، ۲۷۲۴، ۲۷۶۶
خانقاه تلاجرد ۲۷۴۲	جوین، رستاق - ۶۶۰
خانقاه حسن بن یعقوب حداد ۱۸۹۵	جوین، ولایت - ۲۷۵۶
خیوشان، ولایت - ۲۷۵۸	چیچون ۲۷۴۷
خنلم، سکه - ۱۲۸۷	چل‌سر، مقبره - ۲۷۹۷
خراسان ۱، ۴، ۷، ۱۱، ۱۴، ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۰، ۳۱	حایط محفوظ ۲۷۱۷ (اصل حافظ)
۷۵، ۱۴۸، ۸۹۵، ۸۹۱، ۱۱۸۹، ۱۲۵۳، ۱۲۶۵، ۱۳۲۷	حایط سلمه ۲۷۱۷
۱۶۱۵، ۱۶۸۲، ۱۷۴۷، ۱۷۹۹، ۱۸۳۲، ۱۹۲۱، ۱۹۳۳	حجاز ۱۶۴۳
۲۰۲۸، ۲۱۲۵، ۲۲۳۲، ۲۳۸۶، ۲۴۴۷، ۲۴۷۲، ۲۵۱۸	حرب، سکه - ۶۸۵، ۱۵۱۹
۲۵۲۶، ۲۷۲۴، ۲۷۲۷، ۲۷۳۲، ۲۷۴۵، ۲۷۵۳، ۲۷۶۸	حرب، محله - ۲۷۲۲
۲۸۴۸، ۲۸۴۱، ۲۸۴۵	الحرب ۲۸۰۲؟
خرقن ۲۶۷، ۲۷۱۷	الحرمین ۹۱۸
خرقن علیاباد ۲۷۱۷	حصارک مرو ۱۸
خرکلاباد ۲۷۲۲	حظیره اهل‌البيت ۲۷۸۱
خرو ۲۷۴۷	حفصاباد، محله - ۲۷۱۷، ۲۷۲۲
خشانه - قنات ۲۷۱۷	حقام سلطان ۲۷۴۶
خشاوره، سکه - ۱۸۰۲	حمام کهلان ۲۷۳۶
خطة آل قنبر ۵۳۰	حملان، سکه - ۱۴۵۲
خطة سليمان بن سلمان الباهلی ۸۱۲	حمره علیا ۲۷۱۷
خمزکاباد ۲۷۲۲	حنانه خشک ۲۷۱۷
	حوض ابی‌العنبر ۱۵۰۰

رباط فراوه ۱۲۳۷، ۱۲۵۱.	خندرون ۲۷۱۷
ربع بشفروش ۱۶۵۴، ۲۷۵۳	خندق شادیاخ ۲۷۳۴
ربع ریوند ۲۷۵۰	خوارزم ۱۲، ۴، ۲۷۴۶، ۲۷۹۶
ربع شامات ۲۷۵۱	خواف ۲۷۶۲
ربع ماژل ۲۷۵۲	خوش ۴-۶
الرتعیاء، محلة - ۲۷۲۲	خول، محلة - ۲۷۲۲
رُح ۷۷۰، ۲۷۵۱، ۲۷۶۱	دارابجرد ۱۶۷۱
الرشنه، سكة - ۱۵۶۸	دار ابی احمد البزاز ۱۵۳۴
رقاب فارس ۲۷۱۷	دار ابی اسحق البسطامی لاهل الحدیث ۱۳۹۷
الرقة ۱۶۶۳، ۲۸۷۴	داربجرد ۲۷۱۷
رمجار ۱۲۸، ۷۲۱، ۸۵۴، ۹۸۵، ۱۳۲۵، ۱۳۵۸	دارالترک ۴۹۲
رمجار سفلی ۲۷۱۷	دار یوسف بن عیسی البخاری ۸۱۰
رمجار علیا ۲۷۱۷	دامغان، ولایت - ۲۷۵۵
رمجار، محلة - ۲۷۲۲	دیبر ۱۲۰۷
روضه ابی عثمان ۲۷۷۴	دجله ۲۷۴۷، ۲۷۶۸
روضه امام ابو جعفر صوفی شهید ۲۷۸۱	در باغ تلاجرد، محلة - ۲۷۲۲
روضه تلاجرد ۲۷۳۴، ۲۷۴۱	در باغ، محلة - ۲۷۲۲
روضه سلطان حسین کریم ۲۷۱۹	دروازه جرجان ۲۷۲۴
روضه سلطان محمد محروق ۲۷۴۰	دروازه فارس ۲۷۲۴
روضه شیخ ابو جعفر مدنی ۲۷۷۴	درولن کوس، محلة - ۱۴۴۳
روضه شیخ ابی حفص ۲۷۷۴	دستجرد ۲۷۱۷
ری ۱۰۱۰، ۱۰۷۸، ۱۳۵۵، ۲۸۱۹، ۲۸۴۵	دودیه یهود ۲۷۱۷
ریوند ۲۷۵۱، ۲۷۵۵	دوبر ۴۶۴
ریوند، ربع - ۲۷۴۹، ۲۷۵۰	دیژه، محلة - ۲۷۲۲
الزاه، قرية - ۲۳۱۱	دیزباد ۲۷۴۷
زئوه، رستاق - ۱۱۲۹	دیزباد، وادی - ۲۷۴۷
زرد، قرية - ۱۷۴۶	دینکاباد ۲۷۱۷
زرنج، ۱۲۵۳	دیوره ۸۷۷
زسک، فار - (۵) ۲۷۱۷	دیوان الجیش ۲۴۸۳
زنجویه، سكة - ۵۴۵	ذروان، کوی - ۲۷۲۲
زوزن ۲۷۶۳	ذروان، محلة - ۲۷۲۳
زوزن، ولایت - ۲۷۶۲	رأس الاوقه ۱۷۳۸
زیادآباد ۵۴۹	رأس حوض ابی العنبر ۱۵۰۰
الزریق ۲۷۱۷	رافقه ۲۷۱۷

سناباد ۵۲۲	الزریق، محله - ۲۷۲۲
سناباد طوس ۷۷۸	سابور ۲۷۱۷
سجدهستانه، محله - ۲۷۲۲	سجستان ۱۹۲۸، ۱۲۵۴، ۲۳
سند ۲۷۴۶	سجستان، در بصره ۲۷۱۴
سوانقادر سُغلی ۲۷۱۷	سرای بستان ۲۷۷۱
سوانقادر علیا ۲۷۱۷	سریل، محله - ۲۷۲۲
سورین ۲۷۱۷	سرخلاب (۵) ۲۷۲۴
سوس ۲۸۵۴	سرخس ۲۲۴۵، ۷۲۱، ۲۶۸
سهرامقان ۲۷۱۷	سرکوی، محله - ۲۷۲۲
سهل تاشیش قناه ۲۷۱۷	سرواقه، محله - ۲۷۲۲
سیحون ۲۷۴۷	سکه ابی الفضل الواعظ ۱۰۹۶
سیرجان ۲۷۹۲	سکه باذان ۴۹۲
سیستان ۲۷۴۶	سکه حرب ۱۵۱۹، ۶۸۵
سیسنوبه ۲۷۱۷	سکه حمدان ۱۴۵۳
شاپور نزه ۲۵	سکه خدام ۱۳۸۷
شادباخ ۲۷۸۴، ۲۷۸۲، ۲۷۳۴، ۲۷۲۲، ۷۲۱	سکه خشاوره ۱۸۰۲
شادباخ، شهر - ۲۷۹۶	سکه الخندق ۱۳۶۰
شادباخ، مقبره - ۶۰۱	سکه الرشنه ۱۵۶۸
شارع ادک ۲۷۹۶	سکه سکش ۱۴۸۸
شاش ۱۱	سکه عاصم ۱۴۹۵
شام ۲۸۴۲، ۲۸۴۰، ۲۸۲۲، ۲۸۰۲، ۷۲۱	سکه العنبری (؟) ۲۳۸۶
شامات، زنج - ۲۷۵۱، ۲۷۳۹، ۲۷۴۸	سکه عمار ۴۹۵، ۳۷۹
شاهنبر ۲۰۴۱، ۱۸۳۱، ۱۳۵۸، ۹۴۵	سکه معقل ۱۴۷۹، ۸۷۳
۲۷۷۱، ۲۵۳۵	سکه معیناباد (؟) ۳۷۹
شاهنبر، محله - ۲۷۲۹، ۲۷۲۷، ۵۸۸	سکه نوند ۱۴۶۵
شحنه سفلی ۲۷۱۷	سکه یحیی بن محمد النهلی ۷۸۶
شحنه علیا ۲۷۱۷	سکه یعقوب الوراق ۱۳۲۵
الشرقیین، خطه - ۱۳۵۸	سکش، سکه - ۱۴۸۸، ۱۴۲۷، ۶۷۱
شرمغول ۱۵۴۹	سلومب خولف ۲۷۶۴
شغاندسر (؟) ۲۷۴۷	سمرقند ۱۱، ۱۶، ۴۰، ۷۵، ۴۸، ۱۰۴۸، ۱۲۶۵، ۲۸۲۷، ۲۸۹۲
شهرستانه ۲۷۱۷	سمنان ۲۷۲۴
شهر قدیم نیشابور ۲۷۱۳، ۲۷۹۶	سمیجرد سفلی ۲۷۱۷
شیراز ۲۸۸۸، ۲۸۸۵	سمیجرد علیا ۲۷۱۷
صرامین، کوچه - ۱۹۶	سمیجرد، محله - ۲۷۲۲

فریمان ۲۷۵۷	صور ۲۸۰۲
فُر ۲۷۲۲، ۴۱۲، ۲۶۹، ۱۲۷	صومعه ابی عبدالله المطوعی ۳۷۲
فُر، محله - ۲۷۲۲، ۲۷۲۵، ۲۷۷۱	طابران ۱۹۳۴، ۱۳۵۵
فلق ۲۳۸۳	طالقان ۱۱
فوشنج (← نیز یوشنج) ۱۷، ۱۳، ۱۲	طبرستان ۲۰۰
فیروز شایور، شهر - ۲۷۱۳	طبریرانه ۲۷۱۷
قاین ۲۲۰۳	طرخان، سکه - ۶۳۵
قبا ۱۰۸۵	طرسوس ۲۱۲۵، ۱۷۳۶
قبا، محله - ۲۷۲۲	طنرطر (؟) ۴۸۹
قبر احمدین حرب ۷۸۷	طور، کوه - ۲۸۲۳
قبر امام جعفرین زیاره ۲۷۸۱	طسوس ۵۲۲، ۱۳۵۵، ۱۳۶۳، ۱۴۸۵، ۱۶۳۶، ۱۹۳۴
قبر الامام محمدین محمدین زید ۲۷۷۶	۲۸۲۲، ۲۷۲۷، ۲۷۲۵
قبر الشریف الحسین بن ابی عبدالله در تلاجرد علیا ۲۷۴۱	طوس، ولایت - ۲۷۵۰، ۲۷۵۸
قبر محمدین یحیی ذهلی ۲۷۹۷	عارکاباد (؟) ۲۷۱۷
قبر نصرین زیاد الفاضی ۲۷۷۶	عاصم، سکه - ۱۴۹۵
قبر یحیی بن معاذ ۷۸۷	عراق ۱۱۸۹، ۱۷۹۹، ۲۴۱۶
قبر یحیی بن یحیی ۱۱۰۴	عراق عجم ۴
قصیه المهرجان ۱۲۳۹	عربستان خراسان (= یسعت) ۲۷۶۰
القصر ۶۷۱	عسقلان ۷۴۱
قصر حید ۶۷۱	علمدار ۲۷۹۶
قصر عبدالجبار ۱۱۹۹	علیاباد ۲۷۱۷
قطر نساپور ۱	عقار، سکه - ۲۷۹، ۴۹۵
قلعه حجرته ۲۷۱۰	عمروبیاباد ۲۷۱۷
قناة جهم از دستجرد ۲۷۱۷	العنبری، سکه - ۲۳۸۶
قناة حمره علیا ۲۷۱۷	عین اخضر ۲۷۳۷
قناة خشانه ۲۷۱۷	فارزشک ۲۷۱۷
قناة علیا ز جوری ۲۷۱۷	فارس ۱۱۳، ۴
قناة کهلان ۲۷۳۶	فارس، رابو - ۲۷۵۱
قهستان ۱۵۲۸، ۱۸۱۱، ۲۷۵۱، ۲۷۲۵	فراوه ۲۵۵۷
قهندهز ۲۷۰۹ - ۲۷۱۱، ۲۷۱۳، ۲۷۱۴، ۲۷۲۶، ۲۷۳۷	فراتاباد ۲۷۱۷
۲۷۳۹، ۲۷۶۷	فرت آباد ۲۷۹۶
قومس ۱۲	فرخک ۱۳۲۵، ۲۷۵۲
فیروان ۱۹۶۳، ۲۸۸۶	فرغر ۷۵۳
کاروان سراپی کرین (؟) ۲۷۲۰	فزندآباد ۱۵۱۳

مدرسة ابو اسحاق بسطامی ۱۳۹۷	کاروان سرای معمر ۲۰۲
مدرسة میان دہیہ ۸۴۳	کاز، قریہ - ۲۴۸۶
مدینہ ۱۸، ۷۵، ۱۲۷، ۲۷۲۳، ۲۷۲۲	کالکاباد ۲۷۲۷
المدينة الناخلة ۲۵۰، ۱۱۵۶، ۱۳۴۴، ۱۲۶۶، ۱۶۳۲، ۲۷۰۹	کالماباد ۱۳۴۸
مُزَیَہ ۱۲۷۱	کرخ، در بصرہ ۲۷۱۳
مربعة صغيره ۱۲۶۷، ۵۴۵	کرکنت ۱۹۶۳
مُزَیَہ، محلہ - ۲۷۲۲	کرمان ۱۰۷۴، ۲۷۲۵
مرو ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۲۲، ۲۲، ۲۱، ۲۲، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۱، ۴۵، ۴۵	کرمان، راہ - ۲۷۵۱
۴۵، ۵۵، ۷۱، ۲۲۸، ۵۲۲، ۷۳۱، ۱۰۵۷، ۱۱۰۲، ۱۱۰۵، ۱۲۶۲، ۱۸۱۱، ۲۴۷۷، ۲۷۲۴، ۲۷۲۷، ۲۸۱۳، ۲۸۳۸، ۲۸۷۹	کرمانیان، محلہ - ۲۷۲۲
مروالروہ ۱۳۲۷، ۷۲۱	کرم بکر (۶) ۲۷۱۷
مزار تلاجرد ۲۷۹۶	کسلان، حوض - ۲۷۲۲
مزینان ۱۷۶۲	کبہ ۲۷۳۹
مسجد ابن حرب ۲۷۷۱	کنار سفلی ۲۷۱۷
مسجد ابواحمد بزاز ۱۵۳۴	کندر ۲۷۶۰
مسجد ابوبکر چارودی ۱۲۶۷	کوچہ آتشکده ۲۷۶۷
مسجد ابوبکر مدنی ۱۲۶۶	کوچہ صرامین ۱۹۶
مسجد ابوالحسن فقیہ ۲۹۵	کورلن ۱۵۱۶
مسجد ابوعثمان حیری ۱۰۱۰	کوفہ ۳۰۶
مسجد ابی اسحاق مالکی ۸۴۲	کوی ذروان ۲۷۱۷
مسجد ابی عبداللہ مطوعی ۲۷۳	کوی دزدان (طیبرانہ؟) ۲۷۱۷
مسجد احمد عامری ۲۶۲	کہلان، محوطہ - ۲۷۲۶، ۲۷۲۷
مسجد اصرمہن غیات ۱۲۸	کہن دیز ۲۷۹۶
مسجد امام یحییٰ ۲۷۷۱	گورستان سادات ۲۷۸۹
مسجد ایوب بن الحسن ۲۷۷۱	مازل، زنج - ۲۷۲۲، ۲۷۳۹، ۲۷۵۲
مسجد باب معمر ۲۷۷۱	ماوراءالنہر ۴، ۷۵، ۲۴۲۶، ۲۷۵۰
مسجد جامع مرو ۴۵	ماہکاباد ۲۷۱۷
مسجد جامع بزرگ ۲۷۶۸	محلہ ابی الاسود ۸۱۶
مسجد جامع نیشاپور ۲۷۵۰، ۲۷۵۱، ۲۷۶۷، ۲۷۶۸	محلہ جولاهگان ۲۷۸۸
مسجد حرام ۱۳	محلہ سعید بن الصباح ۲۲۵
مسجد حمش ۲۷۱۷	محمد آباد ۲۷۱۷، ۲۷۲۲
مسجد دروازہ قہنلذ ۲۷۱۷	محمد آباد شادیاخ ۷۳۱
	محمد آباد، محلہ - ۱۷۶۴
	محولات نیشاپور ۲۷۰۹
	مداین ۲۷۱۳

مقبره سرمیدان ۲۷۷۶	مسجد رجا بن معاذ ۲۷۱۷
مقبره شاهنبر ۱۴۶۱، ۲۷۷۷	مسجد روی کوه ۲۷۷۱
مقبره العلویة ۲۲۲۲	مسجد سرالعار (۴) ۲۷۷۱
مقبره محله فز ۱۵۲۸، ۲۷۷۸	مسجد عبدالله بن عامر ۹۷۳
مقبره المصلی ۲۱۳۱	مسجد عبيدالله بن ابراهيم ۱۴۷۹
مقبره معمر ۲۷۹۶	مسجد عتيق نیشاپور ۱۹۶
مقبره نصرین زیاد القاضی ۱۹۱۲، ۲۷۷۴	مسجد فوشنج ۱۳
مقصوره بزرگ ۲۷۸۶	مسجد قدیم نیشاپور ۲۷۰۹
مکه ۱۸، ۱۲۰، ۱۳۷، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۵، ۱۰۳۵، ۱۳۳۵، ۱۹۶۳، ۲۸۷۷، ۲۸۶۵، ۲۸۶۴، ۲۸۶۳، ۲۰۰۲	مسجد قریه بود (۴) ۲۷۱۷
ملقاباد (← نیز مولقباد) ۱۹۶، ۲۳، ۸۷۳، ۱۲۰۳، ۲۷۲۱، ۲۸۵۸، ۲۸۵۳	مسجد محله فز ۲۷۱۷
ملقاباد، مقبره - ۳۲۷	مسجد محمد بن عقيل ۶۸۵
مناشک ۹۰۰، ۱۰۵۶	مسجد مُصلی جنیان ۲۷۱۷
مناشک سفلی ۲۷۲۲، ۲۷۱۷	مسجد متلز ۱۲۷۱
مناشک علیا ۲۷۲۲، ۲۷۱۷	مسجد میان دهیه ۸۴۳
متصوره ۱۷۵۷	مسجد یحیی بن محمد دُهلّی ۷۸۶
مولقباد (← نیز ملقباد) ۸۷۴	المشایخ السیّة، مقبره - ۱۸۹۵
مؤیدیه، قریه - ۲۷۲۳	مشهد ابی جعفر الدیباخ در جرجان ۶۲۹
مهرجان ۲۷۵۷	مشهد سلطان علوی شهید ۲۷۷۵
مهرجان، قصبه - ۱۲۳۹	مشهد نصرین محمد بیشکی در بیشک ۷۷۰
میدان تلاجرد ۲۷۷۲	مصر ۱۶۴۳، ۲۸۴۳، ۲۸۴۹، ۲۸۵۹، ۲۸۶۶
میدان الحسین بن معاذ ۲۷۷۲، ۲۴۵	معتیباد (۴) سکه - ۳۷۹
میدان حسین، محله - ۲۷۲۲	معل، سکه - ۱۰۶۶، ۹۷۳
میدان زیاد ۲۹۵، ۳۹۷، ۵۷۰، ۷۰۹، ۷۲۱، ۸۲۸	مغرب ۲۸۶۰
۸۴۸، ۸۶۸، ۱۱۸۵، ۱۳۳۵، ۱۵۲۳، ۱۶۳۷، ۲۷۷۲	مقابر صحابه ۲۷۹۵
میدان زیاد، محله - ۲۷۲۱	مقبره ابی علی النقی ۲۰۴۴
میدان هانی ۱۹۵۴، ۲۷۷۲	مقبره امیر عبدالله بن طاهر ۲۷۸۹، ۲۷۸۱
نسا ۹۵۸، ۱۵۴۹، ۲۰۸۰، ۲۳۰۰، ۲۷۲۵، ۲۷۵۸، ۲۸۷۵	مقبره باب معمر ۱۲۸۱
نشابور تره ← شاپور تره ۲۵	مقبره تلاجرد ۲۷۸۹، ۲۷۷۵
نصرآباد ۲۹۵، ۲۰۴۳	مقبره جلاباد ۲۷۸۲، ۲۷۹۹
نصرآباد، محله - ۲۲۳۸، ۲۷۲۱	مقبره چل سر ۲۷۹۷
نصرآباد (سابور) ۱۷۱۷	مقبره حسین بن معاذ ۲۰۳، ۳۴۱، ۳۴۲، ۸۴۲، ۹۳۰، ۱۱۰۴، ۲۷۸۰
نمازگاه عید ۲۷۹۶	مقبره الحسین ۲۳۵۰
	مقبره حیره ۱۵۲۳، ۲۷۷۴

فهرست نام‌جای‌ها ۳۹۷

وروهایی (؟) ۲۷۱۷
وعطی‌رود (؟) ۲۷۴۸
هـسرات ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۱۱۳، ۲۵۸،
۲۷۸۴، ۲۷۲۷، ۲۷۲۵، ۱۸۱۱، ۱۷۶۵، ۶۷۹، ۴۱۱
هند ۲۷۴۶

نمدآباد ۱۴۲۱، ۲۷۲۲
نوند، سگه - ۱۴۶۵
واقف‌سلیط ۲۷۱۷
واقف‌معاذ ۲۷۱۷
واقف، سر - ۲۷۲۲
ورقاب فارس (؟) ۲۷۱۷



مرکز تحقیقات کامپیوتر و علوم رایانه‌ای



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

متقدمان حکما ۲۷۱۶	تبع تابعین ۲۷، ۱۴
المجنوس ۱۸۴۲	جهود ۲۷۹۲
مجوسی ۲۵	حفاظ الحدیث ۱۰۲۳
المحدثین ۱۰۴۶، ۱۰۷۸، ۱۰۷۲۰، ۱۲۲۰	دهاقین ۲۳
المراوزه ۲۲۷	الشافعیین ۱۲۲۴
مشایخ التصوف ۲۲۷۱	الصوفیه ۲۳۰۴، ۱۸۹۵
مشایخ الجبل ۲۸۶۸	الطالیبه ۲۲۳۲
مشایخ خراسان ۲۸۳۱، ۲۸۳۵	الطاهریه ۱۶۶۳
مشایخ دینور ۲۸۵۲	الظاهریه ۶۰۳
مشایخ الرازیین ۲۸۴۳	عجم ۶
مشایخ الرقه ۲۸۷۴	عرب ۶
المشایخ السنه ۱۸۹۵	علماء کوفه ۳۰۶
مشایخ الشام ۲۸۴۰	فارس ۹
مشایخ المراقیین ۲۸۳۶	فارسیان ۸
مشایخ المصریین ۲۸۶۷	فارس ۸
مشایخنا ۶۷۰، ۱۰۷۸	الفقره ۱۶۷۸
مشایخ نسا ۲۸۷۵	فقهاء اهل الکوفه ۱۰۱۲
مشایخ النیشاپوریین ۱۵۳۳	فقهاء مذهب الکوفیین ۱۱۳۲
مشایخ نیشاپور ۲۸۴۷، ۲۸۵۶، ۲۸۶۲، ۲۸۹۳، ۲۸۹۵	القرء ۱۶۵۱، ۱۳۳۸، ۵۱۷
۲۸۶۷	القهندزیین ۷۳۴
نصرانی ۳۱۸	کتابه الحدیث ۱۶۸۵
ولاء خراسان ۱۹۳۴	الکوفیون ۱۷۲۲، ۷۶۰
هیاصمه ۲۷۹۸	المالکیه ۸۴۳
	المتصوفه ۱۷۱۲

فهرست کتابها در متن

- الاسامی والکنی، از محمد بن محمد القاضی ۲۴۸۲
 الاسامی والکنی، از مسلم بن حجاج نیشابوری ۷۲۱
 الافراد، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 افراد الشامیین من الحدیث عن رسول الله از
 مسلم بن حجاج ۷۲۱
 الاقران، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 الانتفاع باهلب السباع، از مسلم بن حجاج
 ۷۲۱
 اولاد الصحابة فمن بعدهم من المحدثین ۷۲۱
 تاریخ امام ابو عبدالله نیشابوری ۲۷۸۸
 تاریخ یمینی ۲۷۸۳
 تفصیل السنین، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 التمییز، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 تذکرة شیخ فریدالدین عطار ۲۷۸۸
 التورات ۲۷۸۴، ۲۷۸۵
 الجامع الکبیر علی الابواب، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 حمل الفرائیه از قاضی محمود بیان الحق نیشابوری
 ۲۷۹۶
 ذکر اوهام المحدثین، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 ذکر من لیس له الا رای واحد من رواة الحدیث، از
 مسلم بن حجاج ۷۲۱
 رساله استاد ابوالقاسم قشیری ۲۷۸۸
 سنوالات احمد بن حنبل، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 الشرح والابواب، از محمد بن محمد القاضی ۲۴۸۳
 الشروط، از محمد بن محمد القاضی ۲۴۸۳
 صحیح، امام مسلم قشیری ۶
 الصحیح، از ابو حامد احمد بن محمد الشرقی ۱۳۵۸
 طبقات ابو عبدالرحمن سلمی ۲۷۸۸، ۲۸۰۰، ۲۸۱۶
 طبقات التابعین، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 العلل، از محمد بن محمد القاضی ۲۴۸۳
 العلل، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 عمرو بن شعیبه کتاب - از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 المخرج علی کتاب المزی، از محمد بن محمد القاضی
 ۲۴۸۳
 المختصر مین، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 المسند الصحیح، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 المسند الکبیر علی الرجال، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 مشایخ الثوری، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 مشایخ شعبیه، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 مشایخ مالک بن انس، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 المعمر، از مسلم بن حجاج ۷۲۱
 الوجدان، از مسلم بن حجاج ۷۲۱



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مشخصات مراجع

فارسی و عربی

- آثار باستانی خراسان: شامل آثار و ابنیه تاریخی جام و نیشابور و سبزوار، عبدالحمید مولوی، مشهد، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.
- افرنیس و تاریخ: مطهر بن طاهر مقدسی، ترجمة محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۴. *
- احسن التقاسیم: للمقدسی المعروف بالبشاری، وضع مقدمته و هوامشه الدكتور محمد مخزوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۷/۱۴۰۸ و چاپ لندن، بریل ۱۹۰۶ الطبعة الثانية.
- اخبار ابی تغام: ابوبکر محمد بن یحیی الصولی، حققه و علق علیه خلیل محمودی عساکر و محمد عبده عزام، المکتب التجاری، بیروت، بدون تاریخ.
- اخبار الدالة السلجوقية: صدرالدين الحسيني، اعنتی بتصحيحه محمداقبال، لاهور ۱۹۳۳.
- الارشاد فی معرفة علماء الحديث: ابویعلی الخلیل بن عبدالله الخلیلی القزوينی، دراسة و تحقیق و تخريج الدكتور محمد سعید بن عمر ادريس، الرياض، مکتبة الرشد.
- أشد الغایة: عزالدین ابوالحسن بن الاثیر، مصر، جمعية المعارف [افسرت بیروت، داراحیاء التراث العربی].
- اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید: محمد بن منور، مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۶.
- الانشارات الی معرفة الزيارات: ابوالحسن علی بن ابی بکر هروی، غلیث بنشره و تحقیقه جاتین سوردیل - طومین Janine Sourdél-Thomine دمشق ۱۹۵۳.
- اشعار پراکنده قدیمترین شعرای فارسی زبان: به کوشش ژیلیر لازار، جلد دوم، متن اشعار، تهران انستیتو ایران و فرانسه، ۱۹۶۴/۱۳۴۲.
- الاصابة فی تمیيز الصحابه: ابن حجر عسقلانی، مصر، از روی نسخه کلکته ۱۸۵۳.
- الاعلاق النفیسة: ابن رسته، طبع دخویه، لندن ۱۸۹۲.
- الاعلام بما وقع فی منشیة الذهبی من الأوهام: محمد بن عبدالله المعروف به ابن ناصرالدين الدمشقی، دراسة و تحقیق عبد ربّ النبی محمد مکتبة العلوم والحکم المدينة المنورة ۱۴۰۷/۱۹۸۷.
- الاکمال فی رفع الارتياب عن المؤلف و المختلف من الاسماء و الکنی و الانساب: ابن ماکولا، اعنتی بتصحيحه الشیخ عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد دکن، ۶- ۱۳۸۱/۷- ۱۹۶۲.
- امثال و حکم: محمد بن عبدالقادر رازی، ترجمه و تصحیح و توضیح از فیروز حریری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- الانساب: عبدالکریم بن محمد السمعانی، اعنتی بنشره د. س. مرجلیوث، لندن، بریل، ۱۹۱۲ مؤسسه اوقاف گیب و نیز چاپ

حیدرآباد تحقیق الشیخ عبدالرحمن المعلمی الیمانی، ۶- ۱۴۸۲/۶- ۱۹۶۲ و چاپ بیروت، دارالجنان، تقدیم و تعلیق عبدالله عمر البارودی ۱۹۸۸/۱۴۰۸.

الانساب المتألفه: ابوالفضل محمدبن طاهر المعروف بابن القسیرانی، چاپ De Jong بریل، لیڈن.

الایضاح: فضل بن شاذان نیشابوری، عنی بتحقیق الکتب السید جلال الدین المحدث الارموی، تهرآن، انتشارات دانشگاه تهرآن، ۱۳۵۱.

ایضاح المکتون: اسماعیل پاشا بغدادی، عنی بتصحیحه محمد شرف الدین یالتقایا و المعلم رفعت بیلگه الکلوسی، ۱۹۴۴/۱۹۴۵.

بحار الانوار: محمدباقر المجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳/۱۴۰۳.

بخش جغرافیای خراسان: مراجعه شود به تاریخ حافظ ابرو.

برهان لاطع: محمدبن حسین بن خلف تبریزی، باهتمام محمد معین، تهرآن، زوار، ۱۳۳۰.

بساطین الفضلاء ← الیعینی.

البلدان: ابن فقیه همدانی، نسخه خطی آستان قدس رضوی شماره ۵۲۲۹ (عکس شماره ۱۶۹۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهرآن).

تاج العربوس من جواهر القاموس: محمد مرتضی الزییدی، الطبعة الاولى بالمطبعة الخیریه ۱۳۰۶ هـ. ق.

تاریخ الادب العربی: کارل بروکلمن، نقله الی العربیه عبدالعظیم التجار، منشورات جامعه الدول العربیه، الطبعة الثانية - ۱۹۵۹ (افست ایران، قم دارالکتب الاسلامی).

تاریخ الاسلام وولیات المشاهیر و الاعلام: للحافظ شمس الدین محمد الذهبی، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۹/۱۴۰۹.

تاریخ بغداد: ابوبکر احمدبن علی الخطیب البغدادی، مکتبة الخانجی بالقاهرة، ۱۹۳۱/۱۳۴۹.

تاریخ بخارا: ابوبکر محمدبن جعفر نرسخی، ترجمه ابونصر قباوی، تلخیص محمدبن زفر، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهرآن، بنیاد فرهنگ ایران.

تاریخ بیهقی: ابوالحسن علی بن زید، به تصحیح احمد بهمنیار، چاپ دوم، تهرآن، کتابفروشی فروغی.

تاریخ بیهقی: ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۵۶.

تاریخ التراث العربی: فؤاد سزگین، نقله الی العربیه محمود فهمی حجازی و راجعه عرفه مصطفی و سعید عبدالرحیم ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ (افست کتابخانه آیتالله مرعشی، قم ۱۳۱۲).

تاریخ جرجان: حمزة بن یوسف سهمی، حیدرآباد دکن ۱۹۶۷/۱۳۸۷.

تاریخ حافظ ابرو: مجلد دوم بخش جغرافیای خراسان، تألیف عبداللهمین لطفاله المدعو بحافظ ابرو، تصحیح و مقدمه دوروتیا کرافولاسکی: قیسبادن ۱۹۸۲.

تاریخ طبری: محمدبن جریر طبری، تحقیق دخویه، لیڈن ۱۹۰۱ - ۱۸۷۹ (افست کتابخانه اسدی، تهرآن).

التاریخ الکبیر: ابوعبدالله محمدبن اسماعیل بخاری، دایرة المعارف العثمانیه، حیدرآباد دکن ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

تاریخ گوردیزی: ابوسعید عبدالخی بن ضحاک گوردیزی، بکوشش عبدالجی حبیبی، تهرآن، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۳.

تاریخ مبارک غازانی: رشیدالدین فضل الله همدانی به سعی و اهتمام کارل یان، هر تفورد از بلاد انگلستان، ۱۳۵۸ هـ. ق. ۱۹۳۰ مسیحی.

تاریخ مدینه دمشق، مختصر -: اصل تألیف ابوالقاسم علی بن حسن، معروف به ابن عساکر و تلخیص از ابوالفضل محمدبن مکرم، معروف به ابن منظور، تحقیق جمعی از ادباء دمشق، دارالفکر ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳.

تاریخ نیشابور: سید علی مؤید نابتی، تهرآن، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵.

تاریخ یعقوبی: احمدبن واضح یعقوبی، نجف، ۱۳۵۸ هـ. ق.

تبیین کذب المفتری فی ما نسب الی الامام الأشعری: ابن عساکر دمشقی، قاهره، نشر القدسی.

- تتمة الیهتمة: ابومنصور عبدالملک ثعالی نیشابوری، به اهتمام مفید محمد قمیحة، بیروت، دارالکتب العلمیة ۱۳۰۳/۱۹۸۳.
- التحیر فی المعجم الکبیر: عبدالکریم بن محمد سمعانی، تحقیق منیرة ناجی سالم، بغداد، مطبعة الارشاد، ۱۳۹۵/۱۹۷۵.
- تحفة الاحیاء و بُنیة اللباب فی الخطب والمزارات...: محمد بن عبدالرحمن السخاوی، قاهره ۱۳۵۶ هـ. ق. اعاد طبعه معهد تاریخ العلوم العربیة والاسلامیة فی اطار جامعة فرانکفورت ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
- تحفة البررة فی المسائل العشرة: مجدالدین بغدادی، نسخة خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، به شماره ۱۴۸ فیلم شماره ۲۸۲۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین: عبدالکریم بن محمد الرافعی القزوينی، به اهتمام شیخ عزیزالله عطاردی، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۸ [نام کتاب در روی جلد: التدوین فی اخبار قزوین چاپ شده است].
- تذکره الاولیاء: فریدالدین عطار، تحقیق رنولد آلن نیکلسون، لندن، بریل، ۱۹۰۵-۷.
- تذکره الحفاظ: شمس الدین محمد الذهبی، الطبعة الرابعة، حیدرآباد دکن ۹۰-۱۳۸۸/۷۰-۱۹۶۸.
- تذکره الشعراء: دولتشاه سمرقندی، به همت محمد رمضان، دارنده کلاله خاور، تهران ۱۳۲۸.
- تذکره المشایخ: منسوب به علاءالدوله سمنانی، باهتمام محمدتقی دانش یزوه، در مجموعه سخنرانیها و مقالهها، به اهتمام مهدی محقق و هرمان لندلت، مؤسسه مک گیل، تهران ۱۳۳۹.
- تذکره هفت اقلیم: امین احمد رازی، به کوشش جواد فاضل، کتابفروشی علی اکبر علمی، تهران، بدون تاریخ.
- ترجمة تاریخ یمنی: ترجمة ناصح بن ظفر جرفادقانی، باهتمام جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۷.
- ترجمة رساله فشیخیه: ترجمة ابوعلی عثمانی، تحقیق استاد بدیع الزمان فروزانفر، تهران مرکز انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۱.
- تفسیر بصائر یمنی: معین الدین محمد بن محمود نیشابوری، به اهتمام علی رواقی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹.
- تفسیر القرآن: الجامع لاحکام القرآن، ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی، افسست بیروت داراحیاء التراث العربی.
- التقید لمعرفة الرواة والمسائید: محمد بن عبدالغنی مشهور به ابن نقطه، حیدرآباد دکن، ۱۹۸۳/۱۴۰۳.
- النکمة لوفیات النقلة: عبدالعزيز المنذری، حققه بشار عواد معروف، نجف، مطبعة الآداب ۹۱-۱۳۸۸/۷۱-۱۹۶۸.
- تلبیس ابلیس: ابوالفرج عبدالرحمن بن الجوزی، عنیت بنشره و تصحیحه و التعلیق علیه للمرة الثانية سنة ۱۳۶۸ هجرية اذلة الطباعة المنیریة بمساعدة بعض علماء الازهر الشريف [افست بیروت، دارالکتب العلمیة].
- تلخیص سیر اعلام النبلاء: مراجعه شود به تهذیب سیر اعلام النبلاء.
- التمییل والمعاصرة: ابومنصور عبدالملک الثعالی، تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو، قاهره، داراحیاء الکتب العربیة ۱۳۸۱/۱۹۶۱.
- تمهیدات: عین القضاة همدانی، تحقیق عقیف عسیران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
- تهذیب سیر اعلام النبلاء: شمس الدین محمد الذهبی، لشرف علی تحقیق کتاب شعیب الأرناؤط، هذبہ فايز الخمصی، راجعه عادل مرشد، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۱/۱۴۱۲.
- تهذیب الکمال فی اسماء الرجال: جمال الدین یوسف المزی، حققه بشار عواد، مؤسسه الرساله، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۳.
- التاقب فی المناقب: عمادالدین محمد بن علی الطوسی المعروف بابن حمزه، من اعلام القرن السادس، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۱.
- تعارف القلوب: ابومنصور عبدالملک ثعالی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۹۶۵.
- جامع البیان فی تفسیر القرآن: ابوجعفر محمد بن جریر الطبری، دارالمعرفة للطباعة والنشر، بیروت ۱۳۹۸/۱۹۷۸.
- الجامع الصغير: جلال الدین سیوطی، قاهره، مصطفى البابی الحلبي و اولاده، ۱۳۷۳/۱۹۵۴.
- الجرخ و التعديل: عبدالرحمن بن ابی حاتم الرازی، دايرة المعارف العثمانیه، حیدرآباد دکن ۱۳۷۱/۱۹۵۲.
- جغرافیای تاریخی: تذکره جغرافیای تاریخی ایران، بار تله، ترجمه حمزه سردانور، تهران، توس، ۱۳۵۸.
- جغرافیای تاریخی ولایت زلوه: محمدرضا خسروی، مشهد مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۵۸.
- الجواهر النضیة: ابن ابی الوفاء القرشی، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۲ هـ. ق. و چاپ تحقیقی عبدالفتاح محمد الحلو، ریاض، داراحیاء الکتب العربیة ۱۹۹۲/۱۴۱۳.

- جهانگشای جوینی: عظام‌الملک بن محمد جوینی، تحقیق علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، لندن، بریل ۵۵- ۱۹۱۱-۳۷/۱۳۲۹.
- «چشمه سبز»: مقاله عبدالحمید مولوی، در دومین کنگره تحقیقات ایرانی، ۲ (۱۳۵۲) ۶۲۲-۶۴۸.
- چهار مقاله عروضی: احمد بن عمر نظامی عروضی سمرقندی، تحقیق علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، بریل، لندن، ۱۳۲۷/۱۹۰۹.
- حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر: جمال‌الدین ابوروح لطف‌الله بن ابی‌سعید، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۶.
- هدود العالم: از مؤلفی نامعلوم، تحقیق و مقدمه از مینورسکی، و بار تلد، ترجمه میرحسین شاه، کابل، پوهنتون کابل، ۱۳۴۲ و چاپ تهران، به کوشش منوچهر ستوده، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- حلیه الاولیاء: ابونعمان اصبهانی، بیروت، الطبعة الثالثة، دارالکتب العربی، ۱۹۸۰/۱۴۰۰.
- حماسة الظرفاء: عبداللّه بن محمد العبد لکانی، تحقیق محمد عبدالجبار المعید، الجزء الاول، بغداد، منشورات وزارة الاعلام، ۱۹۷۳.
- دئمة القصر: ابوالحسن علی الباخرزلی، تحقیق محمد التونجی (تاریخ مقدمه ۱۳۹۱/۱۹۷۱) و چاپ محمد راغب الطباخ، حلب ۱۹۳۰.
- دیوان خاقانی: افضل‌الدین بدیل بن علی شروانی، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران، زوار، تاریخ مقدمه ۱۳۳۸.
- دیوان منوچهری دامغانی: به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، نشریه اسپند، ۱۳۲۶.
- ذکر اخبار اصبهان: ابونعمان احمد بن عبداللّه اصبهانی، تحقیق Seven Dederling، بریل، لندن ۱۹۳۱.
- راهه الصدور: محمد بن علی راوندی، تحقیق محمد اقبال، افسس تهران، ۱۳۳۳ [علی اکبر علمی].
- رسالة التصوف: (به عربی) کتابی است که نام اصلی آن معلوم نیست، احتمالاً از آثار قرن پنجم هجری، نسخه خطی کتابخانه ملک، تهران، به شماره ۴۲۵۱.
- الرسالة المستطرفة: محمد بن جعفر الکتانی، بیروت ۱۳۳۲ ه. ق.
- روح الارواح: ابوالقاسم احمد بن منصور سمانی، به کوشش نجیب‌امیل هروری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۸.
- روضه الریاحین: درویش علی یوزجانی، به اهتمام حشمت مؤید، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- روضه الواعظین: محمد بن الحسن القتال نیشابوری، وضع المقدمة سید محمد مهدی الخراسانی، نجف المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۶.
- ریاض العلماء و جواهر الفضلاء: میرزا عبداللّه افندی اصبهانی تحقیق السید احمد الحسینی، باهتمام السید محمود المرعشی، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی، ۱۴۰۱.
- سرزمین‌های خلافت شرقی: لسترنج، ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۴.
- سفرنامه خراسان و کرمان: غلامحسین افضل‌الملک، باهتمام قدرت‌الله روشنی، انتشارات توس (چاپ مشهد بدون تاریخ).
- سفینه البحار: عباس بن محمدرضا القمی، نجف، المطبعة العلمیة ۱۳۵۵ ه. ق.
- سنوالات الحاکم النیشابوری للدار فطنی: دراسة و تحقیق موفق بن عبداللّه بن عبدالقادر، الریاض، مكتبة المعارف، ۱۹۸۴/۱۴۰۴.
- سنوالات مسموین علی السجزی: ابو عبداللّه الحاکم النیشابوری، دراسة و تحقیق موفق بن عبداللّه بن عبدالقادر، بیروت، دار الغرب الاسلامی ۱۹۸۸/۱۴۰۸.
- سه سفرنامه: هرات، مرو، مشهد باهتمام قدرت‌الله روشنی، تهران انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۷.
- السیاق: یا کتاب السیاق لتاریخ نیشابور، عبدالغافر بن اسماعیل الفارسی همراه تلخیص صریفینی، چاپ عکسی در سری شرقیات هاروارد مراجعه شود به The Histories of Nishapur و نیز السیاق (الحلقة الاولى من تاریخ نیشابور المنتخب من السیاق) انتخاب ابراهیم بن محمد صریفینی، اعداد محمد کاظم المحمودی، قم ۱۳۶۲.
- سبز اعلام النبلاء: شمس‌الدین محمد الذهبی، اشرف علی تحقیق کتاب شعیب الارنؤط، مؤسسة الرسالة، بیروت،

شاهنامه: متن انتقادی، به اهتمام ا. برتلس و دیگران، زیر نظر ع. نوشین، مسکو، انستیتو خاورشناسی ۷۱-۱۹۶۳.

شرح تاریخ الیمینی: ← الیمینی.

شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار: استاد بدیع الزمان فروزانفر، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۳.

شهر فیروزه: نیشابور شهر فیروزه.

الشواهد والامثال: ابونصر عبدالرحیم [بن عبدالکریم القشیری] نسخه خطی، ضمن مجموعه ۱۲۸ ایا صوفیاء، فیلم شماره ۴۲۰

(عکس ۲- ۷۸۱) کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

صفة الصوفیة: ابوالفرج عبدالرحمن بن الجوزی، حقه محمود فاخوری، دارالمعرفة، بیروت، ۱۳۹۹/۱۹۷۹.

طبقات الأسماء المفردة - کتاب فیہ: ابوبکر احمد بن بردیجی، حقه و قدمت له سکینه شهابی، دار حلاص للدراسات والترجمة و

النشر، الطبعة الاولى، ۱۹۸۷.

طبقات الصوفیة: ابوعبدالرحمن السلمی، تحقیق نورالدین شریب، الناشر جماعة الازهر للنشر والتالیف، مطابع دارالکتاب

العربی، مصر، ۱۳۷۲/۱۹۵۳.

طبقات الشافعیة: ابن قاضی شهبه، تقی الدین، اعنتی بتصحيحه و علق علیه عبدالعلیم خان، بیروت، عالم الکتب ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

طبقات الشافعیة الکبری: تاج الدین عبدالوهاب الشبکی، تحقیق محمود محمد الطنحی و عبدالفتاح محمد الحلو، قاهرة،

عیسی البابی الحلبي، ۱۹۶۴/۷۶.

طبقات ناصری: منهاج سراج جوزجانی، به اهتمام عبدالخنی حبیبی، کابل ۴۲-۱۳۲۵.

الغیر فی غیر من غیر: شمس الدین الذهبی، بتحقیق فؤاد سید الکویت ۱۹۶۱.

عقلاء المعانین: ابوالقاسم حسن بن محمد نیشابوری، تحقیق عمرا لاسعد دار النفايس، بیروت، ۱۴۰۷/۱۹۸۷.

عُیون أخبار الرضا: ابوجعفر محمد بن علی، معروف به ابن بابویه و صدوق، چاپ نجف با مقدمه سید محمد مهدی الخراسان

۱۳۹۰/۱۹۷۰، و نیز چاپ تهران به عنوان متن و ترجمه عیون أخبار الرضا، از علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، نشر صدوق

۱۳۷۳ در دو جلد.

الفتح الوهبي علی تاریخ ابی نصر الغثی: احمد بن علی المنینی، المطبعة الوهبيته ۱۲۸۶ هـ. ق.

الفتوح، ترجمه -: محمد بن علی بن اعتم کوفی، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجله

انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.

فتوح البلدان: ابوالحسن البلاذری، چاپ رضوان محمد رضوان، بیروت دارالکتب العلمیة ۱۳۹۸/۱۹۷۸.

فراندا السمطین: فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الائمة من ذریتهم، تألیف ابراهیم بن محمد بن

المؤید الجونی الخراسانی (۶۴۳-۷۳۰) حقه و علق علیه الشیخ محمد باقر محمودی، بیروت، مؤسسة محمودی،

۱۹۸۰/۱۴۰۰.

فرهنگ جغرافیائی ایران: سازمان جغرافیائی کشور [ناشر]، تهران ۱۳۵۵.

فضایل بلغ: عبدالله بن عمر واعظ بلخی، ترجمه عبدالله بن محمد حسینی بلخی، به کوشش عبد الحی حبیبی، تهران،

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۰.

فهرست اسماء علماء الشیعه و مصنفیهم: منتجب الدین ابوالحسن علی بن عبدالله بن بابویه الرازی، تحقیق محدث ارموی،

یکوشش محمد سماوی حائری قم، ۱۳۶۶، کتابخانه آیه الله مرعشی و نیز تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۰۴.

فهرست کتابخانه مدرسه عالی سیهسالار: ابن یوسف شیرازی، (جلد دوم) تهران، چاپخانه مجلس ۱۸-۱۳۱۶.

فهرست میکرو فیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: محمد تقی دانش پزوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.

فیض القدير: محمد عبدالرؤف المنلوی، قاهره، مكتبة مصطفی محمد، ۱۳۵۶/۱۹۳۸.

الفند فی ذکر علماء سمرقند: نجم الدین عمر بن محمد النمننی، قدم له واعنتی به نظر محمد الغاریابی، مكتبة الكونتر، المملكة

العربية السعودية، ۱۹۹۱/۱۴۱۲.

- کاشف الاسرار: عبدالرحمن اسفرائینی، به اهتمام هرمان لندلت، تهران، مؤسسه مکیل ۱۳۵۸.
- الکامل فی التاریخ: عزالدین ابوالحسن بن الاثیر، بیروت، دار صادر - دار بیروت ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
- الکامل فی سفن الرجال: ابوالاحمد عبداللہ بن عدی الجرجانی، تحقیق و ضبط و مراجعة لجنة من المختصین، الطبعة الثانیة، دار الفکر، بیروت ۱۳۰۵/۱۹۸۵.
- کتاب الخراج و صناعة الكتابة: قدامة بن جعفر، چاپ عکسی، یصدرها فؤاد سزگین، معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة فی اطار جامعة فرانکفورت ۱۳۰۷/۱۹۸۶.
- کتابخانه سیدابن طاووس و احوال و آثار او: ایتان گلبوگ، ترجمه سیدعلی قرآنی و رسول جعفریان، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۳۷۱.
- کتاب الزهد: احمد بن الحسين البیهقی، حقه و خزج احادیثه الشیخ احمد عامر حیدر، دار الجنان، ۱۳۰۸/۱۹۷۸.
- کتبیه های سفال نیشابور: به کوشش عبداللہ قوجانی، انتشارات موزه رضا عباسی، تهران، ۱۳۶۴.
- کشف الاسرار: رشیدالدین ابوالفضل میبیدی، به کوشش علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا ۱۳۴۴.
- کشف الخفا و مزیل الالباس عقا اشتهر من الاحادیث علی السنن الناس: اسماعیل بن محمد عجلونی الجراحی، قاهره ۱۲۵۱.
- کشف الظنون: مصطفی بن عبدالله معروف به کاتب چلبی (حاج خلیفه) عنی بتصحیحه محمد شرف الدین بالنتقا و المعلم رفعت بیلگه الکلیسی، استانبول ۱۳۶۰/۱۹۴۱.
- کشف المحجوب: علی بن عثمان هجویری، به تصحیح والتتین ژوکوفسکی، لنینگراد ۱۹۲۶ [افست کتابفروشی امیرکبیر، تهران ۱۳۲۶].
- کنز العمال: علاءالدین برهان فوری، حیدرآباد دکن ۱۳۶۴.
- کنوز الحقایق: محمد عبدالرؤف المناوی، قاهره، مصطفی البابی الحلبي و اولاده، ۱۳۷۳/۱۹۵۴.
- لُبابُ الالباب: سدیدالدین محمد عوفی، به کوشش سعید نفیسی، تهران ۱۳۳۵.
- لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب: ابوالحسن علی بن زید البیهقی، تحقیق السید مهدی الرجائی، منشورات مکتبه آیه الله المرعشی، قم ۱۴۱۰.
- اللُبابُ فی تهذیب الانساب: عزالدین ابوالحسن بن الاثیر، قاهره، ۱۲۵۶.
- لسان التنزیل: به تصحیح مهدی محقق، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- «لسان التنزیل» مقاله محمد رضا شفیعی کدکنی درباره چاپ استاد محقق ازین کتاب، در مجله راهنمای کتاب، سال نهم شهریور ۱۳۳۵، صفحات ۳۰۰-۲۹۲.
- لفتنامه: علامه علی اکبر دهخدا (و همکاران) تهران، سازمان لغتنامه دهخدا ۱۳۲۵-۱۳۵۲.
- «متونی درباره گرامر»: یوسف فان اس، ترجمه احمد شفیعیها، در مجله معارف، دوره نهم، شماره اول، (فروردین - تیر ۱۳۷۱) صفحات ۳۴-۱۱۸.
- مجالس النغایس: نظام الدین علیشیر نوایی، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری ۱۳۶۳.
- مجموعه قصصیه: احمد بن محمد فصیح خوافی، به اهتمام محمود فزح، مشهد، باستان، ۴۱-۱۳۳۹.
- المحمودون من الشعراء و اشعارهم: ابوالحسن علی بن یوسف شیبانی قفطی، تحقیق ریاض عبدالحمید مراد، دار ابن کثیر، بیروت ۱۳۰۸/۱۹۸۸.
- محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی: سعید نفیسی، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم.
- مختارنامه: فریدالدین محمد عطار نیشابوری، به اهتمام محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، توس ۱۳۵۹.
- المدخل الی الصحیح: ابو عبدالله الحاکم النیسابوری، دراسة و تحقیق ربیع بن هادی عمیر المدخلی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۳۰۴/۱۹۸۴.
- مرصد الاطلاع: صفی الدین عبدالؤمن بندادی، تحقیق علی محمد البجاوی، مصر ۱۳۷۲/۱۹۵۴.
- مرصاد العباد: نجم الدین رازی معروف به ذابیه، به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۲.

المسالك و المعالك: ابوالقاسم عبیداللہ بن عبدالمؤمن، معروف به ابن خرداذ بہ، به اهتمام دخویه، لندن ۱۸۸۹ (افست مكتبة المثنى، بغداد).

مسالك المعالك: ابواسحاق ابراهيم اصطخرى، طبع دخویه، بريل ۱۹۲۷.

مسالك و معالك، ترجمه: به كوشش ابرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، ۱۳۳۷.

المشترک و ضمناً و المفترق صقعا: ياقوت حموى، چاپ ووستنفلد، گوتینگن ۱۸۴۶ [افست كتابخانه المثنى، بغداد].

شسيخه: نسخه خطی كتابخانه مركزى دانشگاه تهران به شماره ۲۱۳۳ تاريخ كتابت در فاصله ۹۸۸ - ۸۵۷ بیشتر در باب خاندان حمويه است.

عالم العلماء: محمدبن على بن شهر آشوب مازندراني، نجف، المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ / ۱۹۶۱.

معجم الأدياب: يارشادالاريب الى معرفة الأديب، ياقوت الحموى، تحقيق احسان عباس، دار الغرب الاسلامى، بيروت، ۱۹۹۳.

معجم البلدان: ياقوت حموى، بيروت، دار صادر، ۱۳۹۹ / ۱۹۷۹.

معجم السفر: لايى طاهر احمدبن محمد السلفى، تحقيق شيرمحمد زمان، اسلام آباد پاكستان، مجمع البحوث الاسلاميه، ۱۹۸۸ / ۱۴-۸.

معجم شيوخ ابن عساكر: نسخة عكسي كتابخانه مركزى دانشگاه تهران، داراي سماح به تاريخ ۵۸۷ (عكس شماره ۶۵۰۷).

المعین فی طبقات المحدثين: شمس الدين محمد الذهبى، تحقيق همام عبدالرحيم سعيد، اردن، دارالفرقان ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴.

الفنى فى الضعفاء: شمس الدين محمد الذهبى، حققه و علق عليه نورالدين عتر، دارالمعارف، حلب.

مفاتيح العلوم: محمدبن احمد خوارزمى، طبع فان فلوئن [افست تهران، بدون تاريخ نشر].

مقامات حاتمى: نام اصلي آن مناقب ضياءالدين حاتمى است، به خط محمد بخارى پنجهيرى، در ۷۵۲ هـ. ق كتابت شد. نسخه اونيوورسيته به شماره ۸۰۰ فيلم شماره ۲۴۸ كتابخانه مركزى دانشگاه تهران.

مقامات زنده ييل: سيدالدين محمد غزنوى، به كوشش حشمت مؤيد سنندجى، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب ۱۳۴۵ چاپ دوم.

مسالك و مسالك: ترجمه محمدبن اسعدين عبدالمؤمن تسترى از اصلي عربى ابواسحاق اصطخرى، به كوشش ابرج افشار، نشر موقوفات دكتور محمود افشار، تهران، ۱۳۲۳.

منتقلة الطالبين: ابراهيم بن ناصر ابن طباطبا، حققه و قدم له محمد مهدى الخرساني، نجف، المطبعة الحيدرية ۱۳۸۸ / ۱۹۶۸.

المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم: ابوالفرج عبدالرحمن بن الجوزى، حيدرآباد دكن، ۱۳۲۹ هـ. ق.

منهج النقد فى علوم الحديث: نورالدين عتر، دارالفكر، تاريخ مقدمه ۱۳۹۲ / ۱۹۷۲.

المؤلف و المختلف: على بن عمر الدار قطنى البغدادى، دراسة و تحقيق موفق بن عبدالمؤمن، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ۱۴۰۶ / ۱۹۸۶.

المؤلف و المختلف فى اسماة نقلة الحديث: عبدالقنى بن سعيد ازدي، اغتنى بتصحيحه محمد محيى الدين الجعفرى الزينبى، هند، ۱۳۲۷ هـ. ق.

ميزان الاعتدال: شمس الدين محمد الذهبى، تحقيق على محمد البجاوى، بيروت، دارالمعرفة ۱۳۸۲ / ۱۹۶۳.

النجوم الزاهرة: ابن تفرى بردى، مصر، دارالكتب المصرية، ۱۹۳۲.

نزهة القلوب: حمدالله مستوفى قزوينى، به اهتمام گاي لسترنج، كمبريج، ۱۹۱۵.

نزهة المشتاق فى اختراق الافاق: ابو عبدالمؤمن محمد حمودى معروف به شريف ادريسى، مكتبة الثقافة الدينية، قاهره، بدون تاريخ.

نفحات الانس: عبدالرحمن جامى، به تصحيح محمود عابدى، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰.

النقص: معروف به بعض مثالب النواصب فى نقص بعض فضايح الروافض تحقيق جلال الدين محدث لرموى، تهران، انجمن آثار ملي، ۱۳۵۸.

نیشابور، شهر فیروزه: فریدون گرایلی، چاپ دوم، انتشارات خاوران، ۱۳۷۳.

الوفای بالفیات: صلاح‌الدین خلیل‌بن ابوبکر صفوی، باعتناء هلموت ریتز، ویسبادن ۱۳۸۱/۱۹۶۲.
 وفیات الاعیان: شمس‌الدین احمد بن محمد بن خلکان، چاپ سنگی ایران، دارالطباعه آقامیرزا علی‌اکبر ۱۲۸۴ ه. ق و چاپ
 بیروت، حقه احسان عباس، دار صادر ۱۳۹۸/۱۹۷۸.
 یادداشت‌های قزوینی: علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، افست
 انتشارات علمی.
 یتمه الدهر: ابومنصور عبدالملک ثعالبی، به اهتمام مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۰۳/۱۹۸۳.
 الیمینی: محمد بن عبدالجبار عتبی، نسخه عزت بک قویون، شماره یک، عکسی شماره ۶-۵۴۴ مرکزی دانشگاه تهران (فیلم
 ۱۳۴۰) تاریخ کتابت فی الیوم العاشر من جمادی الاولی سنة اربع و ستین و ستمائه و جمیع الحواشی من شرح الامام ابی عبدالله
 محمود بن عمر النجاشی ادام‌الله بقاءه و تمام حواشی به خط محمد بن حسن بن احمد المعروف بالخلیفه النیسابوری، مکتوب در
 تبریز.

به زبانهای فرنگی

Encyclopaedia of Islam, New Edition E. J. Brill, Leiden 1960.
The Histories of Nishapur, Edited by R. N. Frye, Harvard Oriental Series vol. 45 Mouton and
 Co. 1985.
The Lands of Eastern Caliphate, by Guy Le strange, Cambridge University Press 1966..
 "Earthquakes in the History of Nishapur" by Charles Melville, in *Journal of Persian Studies*
 (IRAN) Vol. XVIII 1980, pp. 103-120.
 "Medieval Nishapur" A Topographic and Demographic Reconstruction, in *Studia Iranica*, E. J.
 Brill, Leiden 1976.
The Patricians of Nishapur, A study in Medieval Islamic Social History, Harvard University
 Press, 1972.

The History of Mahabūr

Edited, Introduced and Annotated by

Dr. M. R. Shafī'i Kadkani

Copyright ©1996 by Āgah Publishers

1458, Enghelab Av., Tehran 13146

Printed in Iran by Nil Press

All rights reserved

ISBN 964-416-020-7



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی